

است تا هر چه از خیر و شر بر سر فرزند آید و بکین پس نکوید تا مضرتی و گزند بی بوی نرسد و در جبر و اجور در
 فرشته را ملک الهی باشد و همه که او گشت چون بومنی خوابی بیند یا ویزا بخواب بیند واجبست دانستن
 بدستیک بهره شادی برگیرد و از خواب بدختر کند یعنی بدعا دعوات و صدقات مشغول شود و اگر
 الله علیه کوید که مرتبه این علم و علمهای دیگر چنانست که هر که علی طلب کند از اصلش نکرود و قیاسش تغییر
 بقی آن معلوم نکند مگر این علم از اصل نکرود و از احوال مردم بهیات و صفت و قدر و دیانت و بهمت و ارادت
 باجتماع و قضا همیکرد و زیر که وقتی تغییرش با اصل یابد کرد و وقتی بصددگاه از بهر مردمان باشد و گاه از بهر مردمان
 علام یعنی خوابهای شوریده و بدانکه هر علی که صلی دارد و مستغنی باشد از علم دیگر الا معتبر باشد که تغییر
 هر کتاب و مصطفی علیه السلام و امثال اشعار عرب و عجم و نوا در و اشتقاق لغت و الفاظ متداوله یعنی که از یکدیگر
 و لطیف و اریب باشد و شمایل و احوال و هم نیکت شناسد بهیاس و علم حصول نیکت اندویدیم
 خواهد تا او را بکرم خویش راه نماید و بر زبانش صلاح و صواب راند و اینچنین بحق سبحانه و تعالی کسبی
 نام خوردن و از سخنها می ناکار و دور باشد و از معاصی احتراز نماید تا در سلک اهلکساء
 بخیبران باشد پس بر خردمندان واجب باشد دانستن علم تفسیر و شناختن قوانین
 بکران قوم را که حق جل و علا در شان ایشان گفت اولئک انما
 اعلم بالصواب فصل اول در شناختن مزاج خواب
 خواب از بخارهای ترشحات
 منجم مفضل شود و در اشکها



الضمان

بودی و در چه اندیشه خفتی تا بیان تعبیر کند یا کسی که بخواب در میان برفت و باران و برف و سرما گرفتار است چون بیدار
شود جامه خواب از وی دور شده باشد آن سرما بخواب دیدن سبب برپایی باشد و بی جا بکی او بود و آن خواب
را اصلی نباشد و اگر بخواب بیدار که اندر کمر او بود یا آفتاب و حرارتی در خود بیند چون بیدار شود جامه بسیار بر خود
پسیده باشد و آن گرمی یافتن سبب جامه بسیار بود که بر خود پیچیده باشد و اگر کسی بیدار که از غلظی می نالد و در روی
در اندام وی افتاده بود و پیرا بخور میداشت و همان در و دوازده در خواب بیدار که بول میکرد چون بیدار شود بیدار
که در جامه خواب بول انداخته بود و یا بول بروی غالب شده باشد این چنین خوابها را اصلی نباشد فصل ششم
در دانستن تفاوت میان خوابها و تفصیل خواب هر کسی این سیرین رحمة الله علیه گوید که خداوند خواب از
و و حال بیرون نیست یا مؤمن است یا کافر و این اصل را چهارده نوع است نوع اول خواب پادشاهان
دوم خواب قاضیان سوم خواب مفتیان چهارم خواب عالمان پنجم خواب آزادگان ششم خواب بندگان
هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب صالحان و دهم خواب فاسقان یازدهم خواب ثروتمندان
دوازدهم خواب درویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم خواب کودکان نابالغ و ازین جمله خواب
پادشاهان راست تر و درست تر است و گفته اند که خواب پادشاهان را بر دیگران چندان فضیلت است
که پادشاهان را بر رعیت چنان بر سجانه و تاج جل و علا پادشاهان را بر گزیده و سرور می داده و خلق فرموده تا
وی بجا آورند قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر من
ورسول صلی الله علیه و سلم فرمود من اطاع الامیر فقد اطاع به الله ورسوله پس هر چه
خوابیکه پادشاه عادل مصلح بیدار آن خواب مقرون پادشاه را نزدیک بود و بخواب پادشاه نزدیک تر
او درست تر است و خواب قاضی را فضیلت است بر خواب دیگران زیرا که عدل و انصاف و نظر
و کارهای خاص و عام بستن و کشان با مورخانی همه از قاضیان بود و خواب فقها را فضیلت است
بر خواب عوام چه ایشان و انا اند باصول فقه و حد و مسلمانی و فرائض و سنن و حلال و حرام از قول ایشان
بتوان دانست و خواب آزادگان را فضیلت است بر خواب بندگان از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل و علا
و ثب داده است ایشان را بر بندگان و خواب علماء افضل از برای آنست که حق سبحانه و تعالی ایشان را سر
و توفیق داده است تا خلق را بر راه راست آرند و بخیرات و طاعات رغبت نمایند و خواب بنده خداوند
را منفعت دهد که بنده را از آن نصیب باشد و خواب مردان را بر زنان فضیلت است از برای آنکه باری
سبحانه و تعالی ایشان را بر گزیده بر زنان و بچند چیز رجحان داده تفصیل بنا و قوله تعالی الرجال قوا مؤمن
علی النساء و پیغمبران را علیهم السلام فرستاده همه مردان بودند و جای دیگر فرمود قوا جل و علا و مؤمن

تَرَصُّونَ مِنَ الشَّهَادَةِ بِدِيَهَةِ عَقْلِ سَتِ صَبْرٌ وَجُودِ وَرَامِي وَشَجَاعَتِ وَسَخَاوَتِ وَعِلَامَتِ وَخَدَمِ مَثَالِ آن
 همه در جملة مردان مذکور گردانیده و خواب زمان نزدیکست بخواب بندهاگان و خواب صالحان از افضلست برخواب
 فاسقان از بهر آنکه خواب صلاح بطاعت میل می کنند و از معصیت دور باشند و خواب فاسقان که روزیست
 بر ایشان حجت باشد چنانکه بر کافران زیرا که فاسق بر معاصی دلیری کند و خواب تو انگر غرور و بیش فضل دارد زیرا که
 تو انگر ز کوفه و سدره به وحج و غرا کند و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که يَدُ الْعَلِيِّ خَيْرٌ مِنْ يَدِ السُّفْلِيِّ
 یعنی دست بخشنده بر از دست ستاننده است و گریه از معبران گویند که خواب درویشان را اصلی نباشد زیرا که همواره
 دل ایشان را بر ایشان باشد از غم کسب و عیال چون درویش خواب نیکو بیند اثر آن ویرید آید و چون به بیند اثر
 آن ندو و ظاهر کرد و خواب تو انگر از خلاف این باشد و خواب اهل بلوغ معتبر باشد زیرا که شهوت بر ایشان
 غالب باشد و نابالغ ادب و عقل ندارد بعضی از معبران گویند که خواب کودک نابالغ چون نیک باشد نیکی آن به پدر
 و مادر و بدی آن زیان دارد و خواب کودک نابالغ را دو قولست قوی آنست که خواب ایشان درست و درست
 حکمش پدید آید زیرا که دل کودک از گناه صافی باشد و از معصیت و شغل دنیا فارغ باشد و قوی دیگر خواب
 ایشان را عقل و تمیز چنانچه باید نباشد و خواب مست و جنب و زن حایض درست باشد چنانچه صفیه بنت مبشر
 را دید که ماه و افاب از آسمان هر دو بکنار وی افتاد و چون بیدار شد امیر خیر را ازین خواب آگاه کرد و امیر خیر
 که اینچنین بر روی وی زد و گفت اگر این خواب راست میگوید محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم خیر است و در آنرا نبی گنجد
 زیرا که رسول الله علیه و سلم خیر گرفت و لشکر اسلام صفیه را پیش برد و رسول صلی الله علیه و سلم از صفیه پرسید که آیا
 چیزی روی که بر روی است خیر است صفیه این صورت خواب را گفت همچنان بود که دیده بود و تاویل خواب او راست آمد
 و الله اعلم بالصواب فصل بیستم در معرفت فرق میان خوابها که مانی رحمه الله علیه گوید که خواب سلمان راست
 از خواب کافران باشد و خواب دانا بهتر از خواب نادان و خواب صالح بهتر از خواب فاسق قوله تعالی آه حَسِبَ
 الَّذِينَ اجْتَرَوْا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ لَّهُمْ فِي عَذَابٍ
 مَا يَحْكُمُونَ و خواب بیزان بهتر و راست تر از خواب کودگان و خواب زن آزاد بهتر از خواب کنیزان بود
 هر کس صبر را بید که در وقت گذاردن خواب مراتب نیکو نگاه دارد و چون از خداوند خواب سؤال کند و الفاظ
 که بشنود همه را بقبایس عقل راست کند چنانکه لفظ اول با خبر بود و از آن آخر تا اول را و نگاه تعبیر کند و هر کدام که
 بهتر بیند باصول همان لفظ تعبیر کند تا چون میزان کلام نگاه داشته باشد و را غلط نیفتد و آنچه گوید صواب گوید
 و علمای قدیم قیاس چنین کردند و صواب و راست آمدی حکایت چنین گویند و می از این سیرین
 الله علیه سؤال کرد که خواب دیدم که بانگ نماز گفتن این سیرین گفت حج اسلام بگذاری هم در آن وقت مردی میاید

و گفت که خواب دیدم که بانگ نمازی گفتم گفت ترا بزرگوار می کشند شاکران گفتند که این دو خواب می
داشت که بانگ نمازی گفتند چگونه تعبیر این مخالفت کند گفت از سیاهی صلاح دیدم گفتم کج گویی قوله نقله
وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا أَوْ دُورًا وَيُكْسِبُوا عَلَيْكُمْ إِغْلًا كَذَلِكَ تُخَالِفُونَ و تعبیر گفتم که ترا بزرگوار
قوله تعالی فَإِذَا ذُنُوبُهُمْ أَمْتَحَنَّا قُلُوبَهُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید که وقتی باشم
بیند و تاویل آن هم در آن روز باشد و خوابی اندر شب بیند و تاویل آن کیسان باشد و خوابی در شب بیند و تاویل آن
شش ماه باشد و وقتی باشد که خوابی بیند که بیست سال درست شود و باشد که تا چهل سال بکشد چنانچه
المؤمنین حسین رضی الله عنه و آن چنان بود که رسول صلی الله علیه و سلم خواب دید که سبکی خون و می
بعد از چهل سال در سبکی آن خواب پدید آمد که او را تشهید کردند جابر مغربی رحمه الله علیه گوید که تاویل خواب است
از خواب روز باشد و خوابی که اول شب بیند درست باشد اکثر اکثر از نیش و اشتغال و خوابی که در نیم شب
از نیم صغانت و اعلام بود پس درست تر خواب سحرگاه بود زیرا که خواب سحرگاه فرشته مقرب از لوح محفوظ ظاهر
بنماید ازین سبب تاویلش درست و راست بود این سیرین رحمه الله علیه گوید خوابیکه در اول شب بیند تاویلش
بر پنج سال پیداشود و اگر میان شب بیند تاویلش بر پنجاه پیداشود و اگر در سحرگاه بیند تاویلش تا ده روز
شود علی الحکمه هر چند که شب بر روز نزدیکتر بود خواب درست تر و نزدیکتر بود تاویل آن فصل هشتم در تعبیر خواب
زجر تا بر سحر است آید و انبیا علیه السلام گوید هر که خواب دهد که تعبیر خواب کند ناچار است از آنکه علم زجر کو فال را
استادان قدیم را بود نیک بدانند چنانکه اگر کسی از وی تعبیر خواب پرسد باید که معجزات سائل پرسد اگر نماند نیک
باشد و دلیل بر نیک کند چنانکه محمد و احمد و حسین و فضل و سنان و بشیر و حبیب و محبوب و آنچه بدین مانند بدانند
را دلالت بر خیر و فرج بود و بر آنکس که رسیده اگر نام بخلافین بود دلیل کند بر شر و اندوه که بر و رسد و چون سائل از
تعبیر خواب پرسد معجزه در آن زمان پیش آید یا استر یا خیر بیند بدانند که خوابش پسندیده و نیک باشد و نیز بیند
خواب سفر کند خاصه که اسب و استر یا زین و لکام بیند قوله تعالی وَالْجَنَّةُ وَالْجَنَّةُ وَالْجَنَّةُ لَتَرْكَبُنَهَا
بِزِينَةٍ و اگر سائل از وی تعبیر خواب پرسد و از زمان کلاغ سله بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیک کند و اگر کلاغ دو بار
بانگ کند دلیل بر بدی بود که بوی برسد جابر مغربی رحمه الله علیه گوید شخصی خوابی می پرسید از عبد الله بن عباس
رضی الله عنه در آن حال کلاغی بیاید و بر دیوار خانه بنشیند و دو بار بانگ کرد و عبد الله بن عباس گفت دلیل آن
بتورسد هم در آن شب دزدی بخانه وی رفت و سوراخی کرد و هر چه داشت ببرد عبد الله گفت که من بایاران گفتم
که اگر کسی تعبیر خواب پرسد و کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر مضرت و زیان بود و اگر چهار بار بانگ کند دلیل بر خیر
و نیکوئی و اگر پنج بار کند بد باشد و اگر شش بار بانگ کند نیک باشد این سیرین رحمه الله علیه گوید که بانگ کلاغ چنان

طاق باشد دلیل بر خیر باشد و چون جنت باشد دلیل بر تنهایی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر مردی بخندد
 به نیت آنکه خوابی به بیند و از آن خواب احوال نیک و بد باز داند اگر در خواب گویند یا بره یا کاه یا اسپ و مانند
 این باشد که گوشت وی چیزی خوردند دلیل بر تنهایی کار او باشد اگر ببیند در بسته از بر او کشادند و با حلا می شیرین
 یافت و خورد دلیل بر نیک گذر فصل نهم در خوابیکه فراموش کرده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید چون کسی
 از خواب بیدار دیده باشد و فراموش کند و معبر خواهد که خواب او بد اند طریق است که ناشی برسد و حرفهای ناشی
 بنی و ستار و در حساب بگذرد نه از وی بیدار و نگاه کند که چند مانده است مثلاً اگر نه مانده باشد شهر را خواب بد باشد
 لایزال بر خدا کند قوله تعالی وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ شَعَةٌ رَهْطٌ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
 وَكَانُوا كَافِرِينَ باشد سفر یا تزیین و دیده باشد قوله تعالی تَمَائِيحُ حُجَّ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ
 و اگر هفت مانده باشد و دوان یا سکان دیده باشد قوله تعالی يَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَتَأْمِنُ بَعْثُهُمْ
 و اگر شش مانده باشد و خداوند خواب دستور باشد دلیل کند که فرشتگان و اهل صلاح را خواب دیده باشد تا پیش
 تمامی شغال می باشد و اگر خداوند خواب مغسود بود دلیل کند که دیوان و اهل فساد خواب دیده باشد دلیل بر تنهایی حال
 او کند قوله تعالی خَلَقَ السَّمَوَاتِ بَعْدَ عَمَلٍ تَوَفَّيْنَاهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ و اگر پنج مانده باشد بیان
 و سلاجه خواب دیده باشد و اگر چهار مانده باشد آسمان و ستارگان خواب دیده باشد فی رُبْعَةٍ آيَاتٍ سَوَاءٌ
 لِّلْغَاثِ فَلْيَنْزِلْ و اگر سه مانده باشد دلیل که با کسی کاری گفته باشد مایکون مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ
 و دیگر گفت ثَلَاثٌ آيَاتٍ إِلَّا اگر دو مانده باشد یا یک دلیل که در دین و دنیا منفعت کند ثَلَاثِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا
 فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ نَاوِلِيْنَا نَسْتَكْفِيْكَ و اگر یک است که آنچه میترسید این گرد و این سیرین رحمة الله علیه گوید چون
 کسی خوابی دیده باشد و فراموش کرده بود و معبر خواهد که خواب بد اند خداوند خواب را گوید دست بر عضوی نه از اعضای
 خویش اگر بر سر بند که در خواب دیده باشد و اگر چشم نه چشم آب شود دیده باشد و اگر بر بینی نهد دهن که دیده باشد
 و اگر بر خنجر نهد مرغزار دیده باشد و اگر بر دامن نهد چشمه آب خوش دیده باشد و اگر بر گوش نهد شکار و مرغها دیده
 باشد و اگر بر ریش نهد گیاهها در خواب دیده باشد و اگر بر شکم نهد رودخانه در خواب دیده باشد و اگر بر عورت نهد
 خرابات در خواب دیده باشد و اگر بر دوش نهد کوشک و منظر دیده باشد و اگر بر بازو نهد درخت میوه دیده باشد یا
 و اگر بر کتف نهد شاخهای خور و درخت دیده باشد و اگر بر مچ نهد مژله دیده باشد و اگر از نو نهد کبوه دیده باشد
 اگر بر ساق نهد درخت بی بر دیده باشد و آنیال علیه السلام گوید که چون کسی خواب ببیند و فراموش کند از چهار چیز بود
 باشد یکی از بسیاری گناه دوم از کردار مختلف سوم از ضعف نیت چهارم مختلف طبع که چون از حال بگردد و لاجرم خوابها
 فراموش کند فصل دهم در گذاردن خواب بقول جابران کرمانی رحمه الله علیه گوید اهل علم و حکمت جایز ندانند که

کسی خواب پیش جابل گوید یا تعبیر آن از جابل پرسد و اینکه گویند اگر کسی خوابی دیده از نادانی پرسد و او تعبیر کرد و آنچه
 معبر گفته باشد واقع شود و این مجالست زیرا که نمایند خواب فرشته است و هرگز خطا نماند و آنچه که بد حق باشد حق
 بقول نادان باطل گردد و میان عالم و جابل فرق بسیار است **قوله تعالى قل هل يستوی الذین یعلمون**
والذین لا یعلمون و رسول صلی الله و سلم فرمود که استوی العالم و الجاهل و چون نمودار خواب
 است که از لوح محفوظ گفته باشد و اگر بیند که خبر خواهد رسید یا نشود هر که عالم و جابل خواهند که آنرا بگردانند و آنچه رسیده
 بود برسد مگر قضای معلوق بود که بدعا و صدقه دفع شود چون ملک ریان خواب بدید چنانکه حق تعالی فرمود **قل**
اَضْحَاثُ اَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِبَاوِلٍ اِلَّا اَحْلَامُ بَعَالِیْنِ قوم خویش را بخواند و این خواب پرسید و گفت
تعالی یا آیتها الملاء افقونی فی رؤیای ان کنتم للذین یعلمون یعنی ای بزرگواران فتوی که
 مرا درین خواب قوم او گفتند تا تعبیرین خواب بنمیدانیم پس یوسف علیه السلام تعبیر کرد و حدیث هفت ساله قضا بگفت
 بدین عجب دانستیم که هر چند جابلان تعبیر خواب کنند حق باطل نکرده و فصل یازدهم در معرفت خوابها از حال باوقات
 و اصناف و هیئات این سیرین رحمة الله علیه که بد خواب باوقات کرد و چنانکه اگر کسی شب خواب بیند که بر سیلی
 نشسته است دلیل که بزرگی کند و شغلی که او را باشد اندر آن منفعت اندک بود و اگر این خواب بروز بیند دلیل که بزرگی
 طلاق دهد و اگر شب بیند که مرغ سگ را بگرفت دلیل که او را بامردی ابد کار افتد و اگر بروز بیند بیمار گردد و جنس صا
 رضی الله عنه که بد که خواب از اهل نکرده و بقدر دین و صنعت و حرفت و کسب کردن چنانکه تاویل همان خواب بر یکدیگر
 عذاب بود **قوله تعالى غلت ایدیهم و لغوا بما قالوا** چون این خواب مردی صالح بیند دلیل که دست از کارها
 و کارهای ناسنادر بدارد و چنانکه محمد بن عبد الغفری روایت کند با سناد درست از عبد الرحمن سلمی که پیغمبر صلی الله علیه و سلم
 میان ابوبکر صدیق و سلمان پارسی را **صلی الله علیه و سلم** بر او می کرده و او و سلمان خوابی دیدم را بگو بگفت و سبب آنرا
 از وی دور شد و ابوبکر رضی الله عنه گفت که دست از سر تو کوتاه شد تا بقیامت سلمان رضی الله عنه ازین خواب بید
 عالم را صلی الله علیه و سلم خبر داد تا وی همان فرمود که ابوبکر رضی الله عنه گفته بود و ابوسلم رضی الله عنه روایت کرد
 از عطاء بن خباب که محمد بن سیرین رحمة الله علیه که بد که تاویل خواب کسیکه بر منبر بود و چنین کرد که اگر از اهل صلاح است خبر
 و بزرگی یابد و اگر از اهل فساد است برادرش کنند و در حدیث آمده است که احمد بن سعد روایت کرد از ابوعبید
 که زنی از محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم خواب دیدم که ستون سقف خانه من بر من شکسته بود گفت که شوهرت از سفر
 باز آید بار دیگر همین خواب دید پیش ابوبکر رضی الله عنه رفت و از او پرسید گفت شوهرت بید خواب بر روی می بود
 اما تا ویش از اختلاف وقت بکشت و ابوحاتم روایت کند از اصبغی که اشعری پرسید که خواب دیدم که گندم بجز
 فرو ختمی گفت شعر بقرآن بدل کنی و گندم جو از اهل بگردانید از گشتن حال مرد و اگر کسی همین خواب بیند باشد که حساب

سمعی حدیث کرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید هر خواب که در فصل بهار بیند امیدوار باشد و نیکو اما در حکم تاویش
 تاخیر بود و خوابیکه در فصل تابستان بیند حکم تاویش زودتر و قوی تر باشد و هر خواب که در فصل خزان بیند
 تاویش درست نیاید و بر دست است این سخن دلیل آنست که مردی از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید که خواب
 که شمره از دوزخی بمن داده اند ابو بکر گفت هفتاد و چوب بر تو زنند در آن هفتاد و چوب بروی بز و دلیس همین سال بگر
 خواب دید همان هفتاد و بکر از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید گفت هفتاد و هزار درم بتو دهند گفت یا امیر المؤمنین
 همین سال خواب دیدم تاویل آن هفتاد و چوب بود اما سال هفتاد و هزار درم مرا گفتی از فضل این خیر کن گفت پارسا فصل
 ل این سال دیده بودی در آنوقت درختان همه خشک می شدند و بکر می ریخت تاویل آن آن بود و اما سال بهار است و
 در آنوقت درختان روی باقبال دارند تاویش اینست آموز و هفتاد و هزار درم یافت و انبیال علیه السلام گوید که چون کسی در اقبال خواب
 برسد یعنی از باد تاخیر و حکم تاویش بر اقبال و نیکوئی باشد و بعد از زوال تا شب نگاه دلیل بر شر و فساد بود و تعبیر آن
 خواب بر روی و برف و باران و بوقت آمدن و فرو شدن آفتاب نشاید پرسید جای مغربی رحمه الله علیه گوید درست
 ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب برآید بیند یا استوار آفتاب خواب نیکو و درست و راست باشد و تاویل آن
 و شکفتن درختان و رسیدن سیو یا خوابهای عظیم نیکو بود و تاویل آن درست آید و خوابیکه روز رستمان بیند حکم تاویش
 ضعیف باشد که در رستمان باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرم است فصل و او از موسم
 در معرفت شرایط آواب با اهل خواب و انبیال علیه السلام گوید معجزه بایده و انا و پارسا باشد و ساکت و علم و از عصیان
 دور باشد و بوقت آنکه از وی تعبیر پرسند حاضر و بیدار بود و خواب از سایل با حقیقت تمام بشنود و بداند که سایل با حقیقت
 یا رعیت کتر است یا متهر عالمست یا جاهل از ادا است یا بنده غریب است یا شهری توانگر است یا درویش مردا
 یا زن فارغ دست یا مشغول در تابستان دیده است آن خواب یا در رستمان چون اینها جمله بدانند هر یکی را باقی
 عقل چنانکه استادان این علم گفته اند تاویل کند و از خود نگوید این سیرن رحمه الله علیه گوید با وجود آنکه درین علم با هم چنانکه
 بود با اینهمه فصل خوابهای که تعبیر آن نداشتی گفتی و ابو حاتم روایت میکند از اسمعی از ابو المقدم که این سیرن از سی سایل
 که پرسیدندی یکت جواب گفتی و باقی را تعبیر گفتی پس معجزه بایده که اول سخن بیند خواب نیکو بشنود و آنرا تعبیر نکند بداند و در
 تاویل کند و اگر سخن درست باشد و معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تاویل کند آنکه تعبیر کند و اگر سخنی در میان سخن باشد
 آن سخنی از وی جدا بکنند و بر اصل تاویل کند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ بیکه بیکه نماند اغضا و احلام است و تاویل
 آن بکشد و اگر تاویل آن بپوشد بروی از آن معنی پرسد از سایل که تنگ و دست یا خوشدل و آنچه از او بشنود بنا بر تعبیر
 خواب بر آن نهند و اگر نتواند گفتن و معجز آن خواب نتواند دانستن بنام تعبیر کند یا بطبیع عبارت و کفایت و روشنی و نیکوئی
 و دروغ و راست و اگر تاویل خوابش بر چیزی بد بود نگوید و بروی پوشیده و اگر کرمانی رحمه الله علیه گوید فصل خوابیکه

چیز است یکی جنبش دوم صفت سوم طبع و جنبش پنجم خن و مرغان بود اینهمه در تایل مران باشد و صفت ششم است
 که معبر بدانند که درخت کدام است و این مرغ از چه جنبش است و از چه صفت است و اگر درخت کردگان بقیاس بدانند
 که مردی عجمی است زیرا که در عرب درخت کردگان نباشد و اگر مرغ طاوس باشد عجمی بود و اگر شتر مرغ باشد مردی عربی
 بود و طبع آنست که بداند طبع آن درخت از چه نوع است پس تایل بر نوع آن درخت کند اگر درخت کردگان بود مردی توکم
 بود ولیکن بد معاطه و تحلیل و تشخیص بود زیرا که چون کردگان بجنبانی بانک کنند و تانگس مغزش بیرون نیاید و اگر درخت
 خرم باشد کاری اعتبار کنند که آسان باشد کشفه طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء و شجره طیبه
 درخت خرم بود و اگر مرغی باشد که بی پروا بداند که این مرد سفر کند پس طبع مرغ نیز باید دانستن که اگر کلاغ باشد مردی
 بد عهد بود و نیز بینه خواب باید که مردی راست و بادبانت باشد و هیچ سخن در آنچه دیده باشد زیادت و نقصان
 کند زیرا که همه خواب را بر زبان آورد و اگر کسی خوابی ببیند و از آن برسد باید که سله بار آیت الکرسی بخواند و باد بر خوشی تن دهد
 و بگوید اَعُوذُ بِرَبِّ مُوسَىٰ وَآلِ هَارُونَ الَّذِي مَنَّ عَلَيْهِ رَبُّكَ مِنْ سَبَإٍ لَّنَا قَوْلٌ مِّنْكَ فَفَعَلْنَا وَنَحْنُ نَعْتَصِفُ
 فِي دِينِنَا وَدُنْيَانَا وَمَعِيشَتِي عَزَّ جَارِكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ پس از آن دور کند
 نماز بخواند و صدقه دهد شتران ببرد و مرغی رحمة الله علیه گوید ابلیس علیه اللغه در همه خوابها اعتراض کند و همه چیز را
 مانند مکر خدای عز و جل و فرشتگان و پیغمبران و آسمان و آفتاب و ماه تاب و ستارگان خود را بداند تشبیها مانند
 ستارگان کردن و اگر ویرا قوت آن بودی که خود را مانند اینچیز یا نمودی میان غلابی فتنه بگفتی که کاهی خود را بصورت
 پیغمبران نمودی و گفتی که من از تو خوشنودم هر چه خواهی میکنم باو بگری میکنی که من آفریدگار تو ام کنایان ترا عفو کردم
 و ترا آمرزیدم و چیز گفتی که بندگان خدایتعالی عز و جل را که کردی جعفر صادق رضی الله عنه گوید هرگاه که ابلیس علیه
 اللغه قصد کند که خود را بصورت مصطفی علیه السلام نماید از آسمان آشتی فرو و آید و از آسمان بوزاند و صعبترین کار را بر ابلیس
 علیه اللغه آن باشد که دل مؤمن روشن بود حق تعالی عز و جل را بداند و خوابهای او راست باشد فضل سرور و هم
 در آداب نگاه داشتن بپایل و مبر که مانی رحمة الله علیه گوید بگناه داشتن مبر آن بود که آهستگی و هوشیاری سر نایه خود را
 بوقت سوال تا خواب نیکو بشنود و در یاد و بر دین و مذہب و اعتقاد او واقف گردد و تا بداند که سخن او راست است
 که رسول قد صلی الله علیه و سلم فرمود اَصْدَقُكُمْ رُؤْيَا اَصْدَقُكُمْ حَدِيثًا هر که راست گوید راست خواب
 او راست تر گوید و جعفر صادق رضی الله عنه گوید واجبست بر مرد عاقل که با طهارت خند و بهنگام خفتن خدای
 تعالی را یاد کند و این دعا وقت خفتن بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ نَفْسِی الْبَیْکَ وَوَجْهَکَ وَجْهَی
 الْبَیْکَ وَفَوْضَکَ الْبَیْکَ وَالحَادِثَ ظَهْرَی الْبَیْکَ لَا مَلْجَاَ مِنْکَ اِلَّا اِلَیْکَ تَبَارَکَتْ وَبَنَّا
 وَتَعَالَتْ اَنْتَ الْغَنِیُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ اَسْتَغْفِرُکَ وَاتُوبُ اِلَیْکَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَوُیَا صَادِقَةً

غَارِيَّةٌ صَالِحَةٌ غَيْرَ فَاسِدَةٍ خَيْرٌ مِّنْ جَوْفَةٍ رَافِعَةٍ غَيْرَ رَاضِيَةٍ وَچون بخند بروست راست بخند
 وچون بیدار شود و بچین حق سبحانه و تعالی را یاد کند اگر خواب نیک دیده باشد شکر کند و صدقه دهد و اگر خواب شوریده
 دیده باشد عوذ بالله من الشیطان الرجیم گوید و قل هو الله احد تمام بخواند و با و بر سوی دست چپ خویش و بر و بگوید
 یا رب تودائی و من نذام که اگر خیر است خیر این خواب بمن رسان و اگر شر است شر این خواب بمن و از جمله مسلمانان
 بود و در یا مجتنب دعوت المضطربین یا الله العالمین و یا ارحم الراحمین و بوقت خفتن و برخواستن
 و ابتداء کاری که کند این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا الله الذی لا یضو مع اسمیه شیء فی الارض
 و لا فی السماء و هو السميع العليم و با و چون از نماز فارغ شود و در خویش از قرآن و دعوات بخواند آنگاه خیر
 و نزدیک معبر و بداید که وقتی نیک باشد و چون خواب گوید زیارت و نقصان نکو بدین سیرین رحمه الله علیه گوید شرط
 معبر نیست که چون خواب شود و با طهارت باشد و اگر کسی دشمن با و باشد از بهر دشمنی خلاف نکو بد و شر شخصی که بداند با و نکو
 گوید مخرب رحمه الله علیه گوید هر که خوابی ببلند باید که زیادت و نقصان نکو بد و از دروغ احتراز کند که در خبر است که خواب
 راست و حقی می باشد از حق سبحانه و تعالی و هر که وحی کم و بیش کند دروغ بر حق سبحانه و تعالی بسته باشد و خواب مانعی
 است میان خدا و تعالی و بنده و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بر من که رسولم دروغ میگوید بر بندت خدا میکند و اگر
 تنباهی بر خود میدهد پس هر که خواب دروغ اقرار میکند بقول رسول الله صلی الله علیه و سلم عی می شود و این دلیل است
 بر تعظیم و بزرگی خواب و شرط ادب نگا داشتن بر معبر و سایل و هفت فصل چهارم در معرفت آنکه تعبیر چند
 نوع باشد آن سیرین رحمه الله علیه گوید معبر باید که نخستین نام و مقدار و مرتبت و مذهب و سیرت و عقل و فهم سایل معلوم
 کند و وقت دیدن خواب که در روز و شب یا در شب معلوم کند و نگاه کند که سایل در وقت سوال چه حرکت میکند و خواب
 بر چه نیت میکند و فصل نام پارس و روز ماه تازی بداند آنگاه آنچه بصواب نزدیکتر باشد تاویل کند و آنیال را که بد چون
 کسی از معبر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامهای پیغمبران بود از راه زجر خال لیل کند بر خیر و بشارت و خورمی
 و اگر نام وی نامی بد باشد دلیل بر شر و فساد کند و آنیال علیه السلام گوید خواب در اول روز گیشنه نیکو بود که خلق با فساد
 در اول روز و مشقه تعلق بجاه دارد و نیکو باشد و در اول روز مشقه تعلق بر رخ دارد و پرسیدن خواب نشاید و در اول روز چهارشنبه
 تعلق ببطا و در دو قوم بود و اصحاب الرس ملاک شدند هم نشاید پرسیدن و در روز پنجشنبه مشترک باشد اقول روز خواب
 دلیل بر سعادت و عشرت بود و در اول روز آئینه زهره را بود دلیل بر طرب و نشاط و خوشی و عیش و جمیعت خاطر باشد
 مخرب رحمه الله علیه گوید معبر باید که او را تجربه بسیار می باشد و در خواب چنانکه طلبیب را تجربه به بیمار و معالجت او
 حکایت امیر المؤمنین حمزه شیبی بخواب وید که روی او سیاه گشته بود چون بیدار شد ترسید و معبر از جمیع کرده خواب
 گفت در تاویل معبران در ماند و تاویل آن مذنب است ابراهیم کرمانی رحمه الله علیه که استا و معبران بود حاضر آوردند خواب

خلیفه بنی لغت ترا و ختری آید معبران گفتند ترا دلیل برین چیست گفت **وَإِذْ ابْتِئَازَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ**
مُسْوًةً و آنکه کظیمه پس امیر المؤمنین هزار درم بکرمانی دادیم و آنرا و زاده و ختری آمده هزار درم دیگر بابرهم کرمانی
 بخشید حکایت مروی بخواب دید که در اخصی گردن و نیز یک معبر آمد و پرسید که وی گفتند این مرد و دبیر و دیگری
 گفت از فرزندان جدا گرد و دیگری گفت عده او نقصان کند دیگری گفت نسل او بریده شود دیگری گفت زن او طلاق
 و بدین روز کاری بر بنیاد که زن او طلاق داد و فرزندان بر گرفت و غم سفر کرد و در دیار گشتی نشست بادی مخالف
 برخاست و لشت غرق شد و در میان دریای ماهی ذکر خصیتین او بخورد و مال او فرزندان او جمله بالک شدند و بعضی خواب
 چنان آمد که معبران گفته بودند که آنانی رحمة الله علیه گوید باید که معبر در کوستانها تعقیب خواب کند و سایل در وقت سأل است
 گوید که در زندان پورسف علیه السلام گفت **قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ كَسْتُمْ تَيَّانٍ** هر دو فال که پرسیدند راست است آمد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از چهار کرده خواب پرسیدن روان باشد یکی از بیدستان دوم از زمان سوم از جابان
 چهارم از دشمنان **فصل** نایز و هم در دانستن سایل که تعبیر آن مقلوب باشد بدانکه بسیار سایل بود که از سایل پرسید
 که تعبیر آن مقلوب بود چنانکه مابعضی از آن درین فصل بیان کنیم تا بر معلوم پوشیده نماید این سیرین رحمة الله علیه گوید که طالع
 در خواب دیدن کارزار باشد بیداری و اگر بیدار در خواب بشادی بود بیداری و حجامت کردن در خواب قبالة شتر
 بود و در و دندان محوی دیدن خود را دلیل کند که در گوش کنند و در خواب خود را و گردن و بدن و دل کند که در زندان نشینند
 بیداری و در خواب خانه خراب شدن و ختران دادن بود و ختران زادن در خواب کشت کردن بود و توله تگای و کوفت کوفت کوفت
 سخن نکرده آنست ششم نیک در خواب که پاسبان تنیدن بود و کر پاسبان تنیدن در خواب نیک کردن بود و انجیر خوردن پاسبان
 خوردن بود و سایل بجای آمدن دشمنی بود و بیداری و آمدن همه چیز که نواز نیک باشد که نواز باشد و هر چیز که
 در خواب کهن آن بد باشد نواز نیک باشد چنانکه موزه نو اگر کسی بی سلاح پوشیده بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی با
 سلاح موزه کهن پوشیده بود در خواب و در بیداری خرمی و شادی بود و اگر در خواب غلامی خرید بد باشد و اگر میفرود
 نیک باشد و اگر کثیر نیک میخرد نیک باشد و اگر میفرودخت بد باشد ازین قسم معکوسات بسیار است اگر جمله را بگویم
 کتاب دراز کرد لیکن شرح هر یکی در موضع خویش بگوئیم انشاء الله تعالی **فصل** شانزدهم در دیدن خدا تعالی
 و مرشتگان و پیغمبران علیهم السلام میگوید مصنف این کتاب رحمة الله علیه که استاد این ضعیف بود تا وایل دیدن
 خداوند تبارک و تعالی و مرشتگان و پیغمبران در اول کتاب یاد کرده اند بنا برین مقدمه مانیتر صواب چنان دیدیم
 که در اول کتاب یاد کنیم تا بطلانها و خواہای دیگر برنق حروف مجسم بترتیب چنانکه در دیباچه فکر کردیم باز تا نیم تا استخراج
 آن بر خواننده و موزنده آسان کرد و تا وایل دیدن خداوند تبارک و تعالی و انبیا علیہم السلام گوید هر بنده مؤمن که خدا
 تعالی عزوجل با در خواب بیند چون و چگونه در اخبار آمده است دلیل کند که او را دیدار خویش روزی کرد و داند و

و حاجتها می آورد و اگر چنان بود که ایستاده بود و خدای عزوجل او را میدید دلیل بر صلاح کار و سلامتی نفس باشد
و بگفرت مخصوص کرد و اگر گناهکار بود توبه کند این سیرین رحمت الله علیه که بداند اگر بیند که حق سبحانه و تعالی با وی را ازین
دلیل کند که آنکس نزدیک حق سبحانه و تعالی گرامی کرد و قوله تعالی وَفَقُّنَا لَهُ حُجَّتًا اِذَا رَآهٗ اُكْرِمٰهُ وَجَبَّحْنٰ اِلَيْهِ الْوُجُوٰهَ
دلیل که او را درین خللی یا خطائی باشد قوله تعالی وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُكَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَحًیًا اَوْ مِنْ وَّرَآءِ
حِجَابٍ و اگر بیند که او را مقرب و عزیز و گرامی گردانید و با وی حساب کرد و او را بهر مزید دلیل کند که او را بسیار مزد و آقا
در دنیا با وی کمارد و اگر بیند که خداوند عزوجل او را پند میدهد دلیل کند که رضای خدای عزوجل دران بنود و لغو است
يُعْظِمُ لَكُمْ لَعْنَكُمْ فَاَنْتُمْ كَرِهْتُمْ اِذْ اَخْرَجْتُمُوْنَ نَاكِسُوْا وُجُوْهَكُمْ عِنْدَ وُجُوْهِكُمْ رَاٰنِی و رحمة الله علیه که بداند
که اگر بیند که خدایتعالی او را چیزی داد دلیل کند که در دنیا بلا و محنت بروی کمارد و اگر بیند که بنظر لطف در وی بدید
دلیل کند که بهشت و لقای خود او را روزی کند و اگر بیند که او را از متاع دنیا چیزی داد دلیل که بهاری سخت شد و ازین
اجر و ثواب یا بد بعضی از معبران گفته اند که مستوجب عقوبت کرد و اگر خدای عزوجل بیند که کسی او را که بداند که این خدا
عزوجل است دلیل که او را بیانیهای حاجت افتد و اگر بیند که خدای عزوجل بر زمین فرو آمد یا در موضعی دلیل کند که اهل
آن موضع مظلوم باشند و حق تعالی اهل آن موضع انصرت دهد و اگر در آن موضع خطا و تنگی بود بفرخی مبدل کرد و اگر
اهل آن موضع گناهکار و حاسی باشند حق سبحانه و تعالی ایشان را توبه دهد و اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در خانه فرو
می آید و بطرف دستی بر سر وی مالید یا او را خلعتی پوشانید یا بر گرفت یا بر بخانید این همه کرم حق سبحانه و تعالی
اما در دنیا رنج و بیماری بگشود و اگر خدایتعالی را بر مثال نوری بیند چنانکه وصف آن نتواند کرد و آنرا دلیل چشم
و اندوه کند و اگر بیند که خدایتعالی او را نامی دیگر نهاد دلیل که شرف و بزرگی کند و اگر بیند که بروی چشم گرفت
دلیل که زهد و پارسائی یابد و اگر بیند که خدایتعالی او را نزد یک خود خواند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد
مغربی رحمة الله علیه که بداند اگر کسی خدا را عزوجل در شهری یا در دهی بیند دلیل کند که آن موضع آنانکه مصلح اند و غر
شرف و مرتبت یابند و دست ظلم از آن موضع دور شود و قوله تعالی اَللّٰهُ يَخْتَصِمُ بَيْنَكُمْ فَمِنْكُمْ فَمِنْكُمْ فَمِنْكُمْ
تَخْتَلَفُوْنَ و اگر بیند که خدای عزوجل بر اهل آن موضع خشم گرفت دلیل کند که قاضی انشهر میل بد است کند یا امیر
انشهر یا رعیت ظلم کند یا عام انشهر بدین باشد و اگر انتخاب دزدی بیند دلیل کند که دست و پای وی برین
در انشهر فتنه و بلا افتد و قتل واقع گردد و قوله تعالی وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَنُوحِیْ اِلَيْكُمْ حَفْظًا
حَتّٰی اِذَا جَاءَ اَحَدُكُمْ لِمَوْتٍ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّوْنَ عبدالله بن عباس رضی الله عنهما

اگر کسی خدای عزوجل را بچون و بچگون در خواب بیند ترس و بیم این کرد و اگر کا فر باشد مسلمان شود و اگر مسلمان
بود در آخرت و بدایت حق تعالی میگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و میگوید که مفسران تفسیر و تفسیر حق
سجانه و تعالی گفته اند که اگر او را بصورتی بیند که مثل انصورت ندیده باشد دلیل کند بر فضل کرم خداوند تعالی و اگر
بر صورت مردی بیند دلیل کند که آن مرد و قاهر و نامدار کرد و اگر خداوند تبارک و تعالی را در نماز و تسبیح بیند دلیل کند
بر رحمت و آمرزش آنکس که دیده باشد و اگر خدای تعالی را غازیان در غرا بیند دلیل کند که آن غازیان از الضرت شده
و اگر خدا تعالی را بر سر تربت مردگان بیند دلیل کند که آن مردگان از بیا مرز و و اگر عید که خدای عزوجل را دشنام
میداد دلیل کند که آنکس کافر کرد و اگر بیند که خدای تعالی بر تختی نشسته بود و یا خفته این همه صفات نامست
و دلیل کند که بیننده این خواب بدین و عاصی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید تا وین بدین خدای تعالی بر تخت
وجه بود اول عفو و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم نوز و هدایت و فوت در دین چهارم تطهیر بر اهل ظلم و جبر
ایمنی از بلا و عقوبت و عذاب آخرت ششم دران دیار با وانی و عدل پادشاه و مقسم غر و شرف و بلندی و در دنیا و
آخرت چون بر رحمت نظر کند و اگر لغو باشد منبسط نظر کند بر عذاب آن باشد و اگر قاضی بیند که خداوند تعالی
عزوجل را بوی آتش بود دلیل کند که از شرع تجاوز کند و او را مظلوم ندیده و اگر پادشاه بود دلیل بر سبیل کند و اگر عالم بود
در دین و اعتقاد و خلل بود فی الجمله اگر بنظر رحمت و غفران بود و هر گاه بنظر قهر بیند رحمت و عذاب بود و رحمت
با آنست که گوئیم خدای عزوجل موجود است و بدین و از انداه عقل باشد پس باید که بخواب دیدن خدای تعالی عزوجل
منکر نباشد ابو حاتم از محمد بن سیرین شنید که گفت از خوابها هیچ درست تر از آن نباشد که حق تعالی غاسمه را بخواب
بچون و بچگونه رویت الهی که تا وین دیدن و شکان دلیل کند بر پادشاه کامکار با بدین و پادشاهت و یا عالمی برین
کار و برترترین طایفه چهار اند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام این سیرین رحمة الله علیه گوید
که اگر کسی جبرئیل علیه السلام را در خواب بیند خوش طبع و کشاده روی دلیل کند بر روشن ظن و ببرد و اگر جبرئیل
این بیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر میکائیل بیند که او را جبرئیل مرده داد یا وعده دینیک یا از کاری باز داشت و دلالت
و عزت و جمعیت یا بدو اگر بیند که جبرئیل او را چیزی داد دلیل کند که از پادشاه قدر یا بد بعضی از سیران گفته اند که اگر جبرئیل
بوی چیزی داد دلیل بر ترس و بیم عظیم بود که بوی رسد و اگر در خواب بیند که مردم بدو گویند که تو جبرئیلی و دلیل کند که آن
فصیح کرد و مراد بیا بد و با امانت و دیانت مشهور کرد و اگر کسی میکائیل علیه السلام در خواب بیند چنانکه صورت
اوست دلیل کند بر خیر و بشارت بدو رسد زیرا که جبرئیل آمده عذاب و میکائیل آمده بشارت و خیر و نعمت
بن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب بیند که میکائیل او را عطا داد و دلیل که خیر و برتری یا بدو اگر جبرئیل بیند
که گویند تو میکائیلی دلیل کند که از وی خیر و بشارت بدو رسد و پیش مردم قدر و منزلت یا بدو بدین اسرافیل را

و بچگونه

ابن سیرین رحمه الله علیه که یکدگر اسرافیل را بنحواب دیدن چنانکه صورت اوست دلیل بر قوت و بزرگی و جاه و مال و علو و تنگی
بود و در دیار که او را بنشیند دلیل بر اینی و آبادانی آن دیار بود و اگر بنشیند که صورت در دست داشت و میبید دلیل بر بلا و فتنه کند
زیرا که او را امر خدای تعالی بد میدن صورت اوست و هر جا که دیدن صورت پیدا شود سبب تشویش و فتنه و بلا باشد قوله تعالی
وَفُتِحَ فِي الصُّورِ فَصَبَّحَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ و اگر بنشیند که اسرافیل علیه السلام صورت در دست
داشت و میبید دلیل که در آن شهر غنیمت و بلا و بیم و ترس افتد و اگر بنشیند که اسرافیل در خانه او آمد و او خفته بود و زود بیدار
شود و دلیل که پادشاه آن شهر بروی چشم گیر و کرمانی رحمه الله علیه که یکدگر اسرافیل را بنحواب بیند که اندو بکین بود و صورت میبید
و او بختنا آه از صورتی شعله و دلیل که در آن دیار و زمین مرگ بسیار بود و ظالمان پاک شوند و اگر بنشیند که اسرافیل تازه بروی بزرگ
و شاه دمان در روی نگاه میکرد دلیل که او را از پادشاه خیر و این رسد و اگر بنشیند که اسرافیل بر نامه مهر کرد و بد و او دلیل که جلش
نزدیک باشد و اگر بنشیند که اسرافیل بروی بانگ زد و ناپدید شد دلیل که او را از پادشاه زیان رسد ویدن خراسان را ۴
ابن سیرین رحمه الله علیه که یکدگر کسی ملک الموت را بر آسمان بیند و خود را بر زمین دلیل در کار یکدگر بود مغرول شود و اگر ملک الموت
را نزدیک خود بیند دلیل که جلش نزدیک رسیده باشد و اگر ملک الموت را شادمان بیند دلیل که شهید کرد و اگر بنشیند
با ملک گشتی گرفت و افتاد و دلیل که از دنیا زود برود و اگر بنشیند که ملک الموت را بیدار خست بعضی از مجربان گفته اند که بیا و شو و اشفا
یابد مغربی رحمه الله علیه که یکدگر ملک الموت را بنحواب بیند خورم و شادمان دلیل که زندگانی او دراز باشد و اگر بنشیند که ملک
الموت بروی سلام کرد و دلیل که جلش نزدیک رسیده باشد و خانه کاروی بر شهادت نود و اگر بنشیند که ملک الموت
بروی چیزی شیرین داد و دلیل که جان کندن بروی آسان بود و اگر بنشیند که ملک الموت بروی بخشم نکرست دلیل که با خطر
مرگ او باشد و اگر بنشیند که ملک الموت بروی چیزی تلخ داد و دلیل که جان کندن بروی دشوار باشد و اگر بنشیند که او را خیر داد
که ملک الموت بظان حاسبت و او از دور نگاه کرد و دلیل که او را بپادشاه کار افتد و اگر بنشیند که ملک الموت بکشت
و دلیل کند که او دشمن خلق کرد و دیدن حمله العرش آن فرشتگان اند که عرش ابامرحی جل علا بر داشته اند اگر کسی
ایشان را بنحواب بیند دلیل که با سلطانی کار افتد و مراد بابد و اگر بنشیند که بایشان پیوستگی داشت و دلیل که او را بپادشاه
بزرگ کار افتد و خیر و منفعت بیند که کرمانی رحمه الله علیه که یکدگر دلیل که با کسی که اهل دین باشند پیوستگی کند و هیچ کار
قوله تعالی وَتَوَكَّلْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ حَافِظِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ و اگر بنشیند که او را بنحواب
و هر بندگی خویش باز داشتند دلیل که جلش فرایده باشد که اما کاتبین مولا نند که کردار و گفتار خلایق از ننگ و بد
چنین بیند ابن سیرین رحمه الله علیه که یکدگر کسی که اما کاتبین را بنحواب بیند اگر مصلح باشد خیر و صلاح و وجهانی حاصلش
شود و اگر مفلس بود غم و اندوه بسیار کند قوله تعالی يَحْكُمُونَ مَا نَفَعُ لَكُمْ ابْن سیرین رحمه الله علیه که یکدگر بنشیند
که فرشتگان با هم جنگ و نبرد میکرد و دلیل که کهنکار و عاصی بود و مستوجب عذاب حق تعالی باشد قوله تعالی

اِنَّا كُنَّا بَشِيرًا لِّبَنِي اٰدَمَ يَحْيٰى وَاَكْرَمِيْنَكَ فَرَشْتَاكَ نَظَرُ اَيْسَادِهِ بُوْدُنْدَ تَاخِيْرِ اَز دِيْمَا نَزْدِ اَنْفِ اَقْدَمِيْنَكَ فَرَشْتَاكَ
 در يك موضع استاده بودند و آن موضع اينى باشد و اگر ميند که فرشتگان در حرت شوند دليل که بر دشمن ظفر يابد و اگر ميند که فرشتگان در رکوع اند يا سجده
 و ليس که احوال نيا و دين مستقيم کرد و اگر ميند که فرشتگان بصورت زمانند دليل که ميند خواب برخدا و ندغ و جن و دغ که بيقوله تعا انا انا
 وَتَكْمُرُ بِالْبَيْنِ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ اِنَا نَا اِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَصِيًّا وَاَكْرَمِيْنَكَ فَرَشْتَاكَ
 نمى بر يد اجتنش نزد يك بود با تو به از دنيا برود و اگر ميند که از روز فرشتگان نراسى و يد و پيش ايشان نخواست رفت دليل
 که او را مصيبتى رسد قوله تعالى يَوْمَ يَدْعُونَ الْمَلَائِكَةَ لَا تَكُنْ يَوْمَئِذٍ مُّجِيبِينَ وَاَكْرَمِيْنَكَ فَرَشْتَاكَ او را اطاعت
 خود فرمودند دليل که او را اهل خير و صلاح باشد شادى و خورمى ميند و از اهل فساد باشد رنج و اندوه بويى رسد قوله تعا
 اَفِئْتَا كُنَّا بِكَ كَفٰى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ هَلٰكٌ حَسِيْدًا وَاَكْرَمِيْنَكَ فَرَشْتَاكَ بروى سلام گردند بخت دليل که بر دشمن
 ظفر يابد و عاقبت كارش محمود گردد و اگر ميند که ملايكه در يك مقام فرو و آمدند دليل که اهل انتقام از غم و اندوه فرج يابند
 زيرا که فرشتگان پيسته بضررت پيغمبران آمده اند كه ماني رحمه الله عليه كويديدن فرشتگان پند و موصلت باشد خداوند خواب
 را و اگر ميند که فرشته او را وصيت كرد و پند و او از دنيا شهيد برود و اگر فرشتگان مقرب را در جاي ميند که انجا اهل اسلام
 باشند و با كافران جنگ ميكند اهل اسلام را ظفر باشد و اگر در اتحان رنج و قحط و سختى بود حتى سبحانه و تعالى اهل آن موضع را سختى
 و تنگى خلاصى دهد و اگر ميند که فرشته گشت و با سمان رفت دليل که در دنيا زهد و ورع اختيار كند و دست از دنيا بردارد و راه حق
 جويد و اگر ميند که فرشتگان با سمان رفت و باز نماند و از دنيا برود و دانش در جهان به نيكي يابد جا بر مغربى رحمه الله عليه
 و اگر ميند که فرشته مقرب در وي بچشم حرمت نگاه كرد دليل كند که از بيمارى زود شفا يابد و بعد از آن حج كند و غمرا و خير است بيا
 كند و اگر خود را بصورت فرشته ميند دليل كند که از غم فرج يابد و اگر اوام و راست و هش كزار و شود و اگر مادر است و الشين
 شود و اگر در و پيش باشد تا نكر گردد و جعفر صادق رضی الله عنه كويد که اگر ميند که فرشته او را بكارى مژده داد و دليل که بزرگى او را
 بشغل باز دارد و اگر ميند که فرشته او را عطا و اعطا و بزرگى يابد و اگر ميند که در وي فرشته او را استقبال كردند دليل که دولت
 و دجائى يابد و اگر ميند که فرشتگان بديدن او آمدند و شمعها و چراغها روشنند دليل که او را فرزندانى عالم و دانا آيد و اگر ميند
 که فرشتگان او را جامه سفيد بپوشانند و دليل که كسى از خویشان او بميرد يا اجلش برسد و اگر ميند که در وي بخورى نگاه كردند دليل
 که كارش سعادت بود و اگر ميند که فرشته او را جامع قرآن داد يا خطى نوشته دليل که كسى بر وي داورى كند و بر وي غالب كرد
 تا ويل رقيه پيغمبران عليه السلام ابن سيرين رحمه الله عليه كويد که مراتب پيغمبران عليهم السلام بر سه گونه است اول و الوغرم
 و دوم مرسلند سوم بنى و پيغمبران الوغرم شش اند اول آدم و دوم نوح و سوم ابراهيم چهارم موسى و پنجم عيسى ششم محمد مصطفى
 صلى الله عليه وسلم و مرسل نما اند که جبرائيل ابرائيلان و مى آورد و ايشان سيصد و سيده اند و انبيا آن پيغمبرانند که جبرائيل
 عليه السلام با ايشان بايد و هر که الوغرم را بخواب ميند دليل که عز و جلال يابد و اگر مرسل را بخواب ميند بر دشمنان ظفر يابد

و اگر اهل آن موضع و غم و اندوه و سختی و ملامت باشند نیا را بشمار بود بخیر و صلاح و آبادانی کار دین و دنیا و اگر بنید که پیغمبر ازل
 زجای نقل میکرد و نزد اهل آن موضع دعای بد میکرد و ندو دلیل خداست تعالی مای عظیم بر اهل آن موضع فرستد که توبه کنند و توبه
 خداست تعالی با آن گرامی رحمت الله علیه که دید هر بنده مومن که پیغامبری را در جایی خود تازه روی و شادمان بنید و دلیل
 عز و جاه و نصرت یا بد و اگر از چیزی خشکین بود دلیل به بد حالی و رنج و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبران چیزی شنود دلیل
 از علم آن پیغامبران بهره یا بد و شادمان شود و اگر بنید که پیغامبری را بکشت دلیل که خبیث است کرده باشد لقوله تعالی فیما
 نَقَضَ لَهُمْ مِيثَاقَهُمْ وَ كَفَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلَهُمْ الْأَنْبِيَاءَ بَغْيٌ حَقٌّ جَعَلَ صَافِقَ صَنِيعَتِهِ
 كَذِبًا كَذِبًا كَرَامَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَاكِبًا بِنِدْبِ بَرْزُكِي و ولایت یا بد قوله تعالی وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ثُمَّ اجْتَبَاهُ
 رَبُّهُ قَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدَى و اگر بخواب بنید که آدم علیه السلام با وی سخن گفت دلیل که علم آموز و عالم آدم
 الْأَسْمَاءُ كُلَّهَا و اگر بنید که آدم دست او گرفت بر زکی و مملکت یا بد و اگر بخواب بنید که آدم را طاعت نمود دلیل
 که عاصی و بد بخت شود و حوا علیه السلام را بخواب بنید دلیل که دولت و اقبال یا بد و عیش و خوشی و نعمت فراوان و خوش
 دراز کرد و نوح علیه السلام را اگر بخواب بنید عمرش دراز کرد و دلبستن از دشمن رنج و سختی بنید و عاقبت برادر رسد
 ادریس علیه السلام را اگر بخواب بنید کارش نیکو شود و عاقبت محمود کرد و هود علیه السلام را اگر بخواب بنید دشمنان
 بروی افسوس کنند و عاقبت برایشان ظفر یا بد و لوط علیه السلام را اگر بخواب بنید کارش بصلاح باز آید و مراد دل بنید
 صالح علیه السلام را اگر بخواب بنید از جایی بجای تحویل کند و در خیر بروی کشاده شود ابراهیم علیه السلام را اگر بخواب
 بنید حج اسلام بگذارد و بعضی از معبران گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز گویند که بد خوئی کند با مادر و پدر ایل
 علیه السلام را اگر بخواب بنید بشارت فتح و غنیمت یا بد قوله تعالی وَ كَثُرْنَا كُودًا بِأَسْحَى بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنَ الصَّالِحِينَ
 یعقوب علیه السلام را اگر بخواب بنید از قبل فرزندان غم و اندوه خورد و عاقبت از غم فرج یا بد یوسف علیه السلام
 را اگر بخواب بنید خویشان بروی بهتان نهند و عاقبت بزدکی یا بد شعیت را اگر بخواب بنید خصم بروی علیه کند و بعد از آن
 بروی ظفر یا بد موسی علیه السلام را اگر بخواب بنید مبتلا کرد و با اهل عیال و بعد از آن حالتش نیکو کرد و در دشمن ظفر یا بد قوله عز و جل وَ وَهَبْنَا
 لَهُ مُزَيْنًا وَ جَعَلْنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا وَ جَعَلْنَا مِصْرَ مِصْرًا وَ جَعَلْنَا لَدُنْهُ مِصْرًا وَ جَعَلْنَا لَدُنْهُ مِصْرًا وَ جَعَلْنَا لَدُنْهُ مِصْرًا
 حق تعالی او را بزرگ و پادشاهی و نعمت و مال و جاهش زیادت کرد و اندک زکریا علیه السلام را اگر بخواب بنید حق تعالی
 او را توفیق دهد و طاعت یحیی علیه السلام را اگر بخواب بنید حق تعالی او را توفیق دهد در خیر خضر علیه السلام را اگر بخواب
 بنید سفری دراز کند یا امینی و زرق و عمر و راز یونس علیه السلام را اگر بخواب بنید از غما فرج یا بد و در تاریکی روشنائی
 آید انشاء الله تعالی ایوب علیه السلام را اگر بخواب بنید کارهای مرده بروی زنده کرد و توفیق طاعت و خیرت یا بد
 حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم را اگر بخواب بنید از همه غما فرج یا بد و اگر او مار باشد و پیش گذارد شود و اگر

بنده و زندان بود و باقی یاد و اگر ترس باشد ایمنی یاد و اگر در خط و تکی بود و فراخی یاد و بعضی گفته اند که هر کس که توان کرد
 در پیش شود و ابوهریره رضی الله عنه گفت از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیده ام هر که مراد خواب دید حق دیده باشد
 که مَنْ وَافَى فَقَدْ وَافَى الْحَقَّ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَقْتُلُ بَنِي بَدْرٍ وَهُوَ فِي شَيْطَانٍ بِصُورَتِهِمْ مِمَّا شَاءَ
 کسی مراد خواب بیند غم و اندوه بومی نرسد عجب دارد که تاویل و بیا من بر سخاوت حضرت بیشتر باشد اما اگر محمد ص را ترس روی
 بخواب بیند دلیل برستی و برین و استیلا را شدن بدعت و آن و یاد بود و اگر رسول الله صلی الله علیه و سلم مراد خواب بیند که در
 جای بانک میگردند دلیل که اگر آن و یاد خواب بود و باوان گردد و اگر او را بد که چیزی میخورد دلیل که صدقه و زکوة باید داد
 او اگر روی در جانی بیند که در آنجا هیچ بلا و محنت نبود اهل آن موضع را نعمت زیاده کرده و خاصه که اگر او را در مسجد بیند و اگر او را در
 یا بهار بیند دین او ضعیف بود و اگر باقی رحمه الله علیه گوید که اگر محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم شهری یا جانی بیند دلیل که
 در آن موضع نعمت فراخ شود و مردم را جمیعت پیدا آید و اهل آن موضع بر دشمن ظفر بایند اگر بیند که اندامی از اندام صلی الله علیه و سلم
 صلی الله علیه و سلم کم بود دلیل که مردم آنجا در راه شریعت است باشند زیرا که نقصان اندام وی نقصان دین او باشد
 و اگر بیند که مصطفی صلی الله علیه و سلم از یوهای تر با شکست بومی داد و او را در دین و پارسائی مرتبت حاصل شود این سیرین
 رحمة الله علیه گوید که اگر کسی رسول الله صلی الله علیه و سلم ناقص بیند نقصان آن بیند و باز کرد و زیرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم
 را مردم نیکت بخواب بیند و مردم نیکت را مرده و بیند بود و بخیر یا که بومی خواهد رسید و مردم پیدا خواهد یافت از محسبیت
 کردن تا از محسبیت برسد و زیرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم بشیر و نذیر بود بشیر مؤمنان و نذیر کافران و اگر او را در یک
 بیند بد باشد عبد الله بن عباس منی الله عنه گوید که اگر کسی جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم بخواب بیند و از یاد برچ و محسبیت
 بسیار بود و اگر او را در جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم میرفت دلیل بر بر او بدعت باشد اگر بیند که او را زیارت میکرد
 دلیل که مانع نعمت و ولایت یاد و اگر بیند که رسول الله صلی الله علیه و سلم بروی افسوس میکرد دلیل که کارش و بقوله تعالی
 قُلْ أَمَّا إِلَهُكُمْ فَإِنَّهٗ وَفْدُكُمْ لَكُمْ لَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ الْإِسْلَامَ فَاتَّبِعُونِي أُوْىٰ إِلَهُكُمْ فَاتَّبِعُوا مَا نَزَّلْتُ مِنْكُمْ لَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ الْإِسْلَامَ فَاتَّبِعُونِي أُوْىٰ إِلَهُكُمْ فَاتَّبِعُوا مَا نَزَّلْتُ مِنْكُمْ لَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ الْإِسْلَامَ فَاتَّبِعُونِي أُوْىٰ إِلَهُكُمْ فَاتَّبِعُوا مَا نَزَّلْتُ مِنْكُمْ
 عنه گوید که زیارت پیغمبران در خواب برده و چه بود یکی رحمت و هم نعمت سوم عزت چهارم بزرگی پنجم دولت ششم
 ظفر هفتم سعادت ششم جمعیت هفتم فوت و هم خیر و جهانی و نیکویی مردم آن موضع که این خواب بیند تاویل و دین
 الراشدین اول امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه در خواب
 بیند دلیل شادی و کرامت بود و اگر باقی رحمه الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه زنده در شهری بیند دلیل که بر
 اندیاری و انشور زکوة و صدقه بسیار دهند چون او را کشاده روی و خوش طبع بیند و اگر ترس روی بیند و خوش طبع بیند
 این بود امیر المؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی امیر المؤمنین عمر خطاب را رضی الله عنه
 عنه بخواب بیند دلیل که واد و با انصاف بود و اگر او را در شهری کشاده روی و خوش طبع بیند دلیل که در انشور عدل

بسم الف

با انصاف بود و اگر او شهری گشته روی و خوش طبع بیند و لیل که در آن شهر عدل و انصاف پیدا آید میر المومنین
 عثمان بن عفان رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی میر المومنین عثمان بن عفان رضی الله عنه در خواب
 بیند و لیل که در رخ و زهد و پرینکاری اختیاری کند و اگر او در شهری خوش طبع و گشاده روی بیند و لیل که مردان شهر
 بقرآن و علم امون غن و رغبت نمایند میر المومنین علی مرتضی رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی میر المومنین
 علی رضی الله عنه بخواب بیند خندان و خوش طبع و لیل که کرامت و شجاعت و سروری یابد و اگر در شهری بیند آن شهر عدل
 و انصاف موصوف گردد و لیل که گاه میان ایشان خصومت بود تا ویل صحابه رضوان الله علیهم معین ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید که اگر کسی صحابه را بخواب بیند و لیل که در راه دین و اسلام یکانه باشد و در میان مسلمانان صادق
 القول گردد و بدیانت موصوف گردد و لقوله علیه السلام اصحابی کالجوهر یا هم اقلکم یثتم افسدکم ثم خرجت منکم
 علیه و سلم یاران من ستار گانند هر که اقتدای آنها کند راه یابد میر المومنین حسن و حسین رضی الله عنهما را بخواب بیند
 خیر و راحت برسد و عاقبت درجه شهادت یابد جعفر طیار رضی الله عنه را اگر بخواب بیند و لیل که حج و غزاه ابوهریره
 و انش بن مالک رضی الله عنهما اگر بخواب بیند و لیل که بسنتها را غلب بود و علم و شریعت دوست دارد و مسلمان
 فارسی را رضی الله عنه بخواب بیند و لیل که حق جل و علا او را علم و قرآن روزی گرداند و عاقبتش محمود گردد و عبد الله
 بن عباس ابن مسعود رضی الله عنهما را بخواب بیند و لیل که بکار دین مجتهد باشد بلال حبشی رضی الله عنه را بخواب بیند
 و لیل که معروف گردد و ثواب مؤذنان یابد و براه سنت و جماعت و دینی الجمله دیدن یاران رسول الله صلی الله علیه
 علیه و سلم و لیل بر خیر و منفعت و دنیا و آخرت وی باشد و اگر کسی را از علما و حکما و زما بخواب بیند و لیل که بر کار
 خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما و ارثان مصطفی اند صلی الله علیه و سلم و راه نمایان مسلمانان اگر
 بیند که در شهری و یا در محلی گروه علما و حکما جمع آمده بودند و لیل که مردم آن شهر را نصرت باشد بر جاهلان بگفتا و کرد
 امر و نهی منکر تمام سخن در باب رویت حق جل و علا و فرشتگان و پیغامبران و صحابه تابعین بعد ازین تعبیر خیر نای و دیگر که بیند
 بر حروف و محسم بیان کنیم تعالی حرف الالف من کتاب کامل التفسیر آبادانی ابن سیرین گوید
 اگر بیند که جایگاه خراب را آبادان می کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین نماید و لیل کند بر صلاح دین و خرد و ثواب
 آخرت که دریا حاصل گردد و اگر بیند که زمینی خراب از خود آبادان می کرد چون سرا و دکان و مانند این و لیل کند که خبر و فایده
 اینچنان یابد و اگر بیند که جایگاه آبادان بیفتاد و خراب شد و لیل کند که اهل آنجا بیکاه را بلا و مصیبت رسد جابر مغربی گوید که
 اگر کسی خوشین بخواب در جایگاهی آبادان میقم بیند و لیل کند که خیر و منفعت یابد بعد از آبادانی که ویده بود و اگر بخلاف بیند
 و لیل بر بشر و فساد و مضرت وی کند حضرت صادق میفرماید که دیدن آبادانی بخواب بر چهار وجه بر او اول بر صلاح کار
 اینچنانی و دوم خیر و منفعت ستم بر او و کامرانی چهارم بر کشایش کار نای بسته آب با آنکه زندگانی همه چیز نای

بسم الف

تَوَاتُرًا كَلَّمَنِي لَمَّا كَلَّمَ شَيْءٌ حَتَّى ابْنِ سِيرِينَ كَوَيْدَ بَرَفَرِ زَابِ عَمِي رَفَعَتْ جَوْنِ آبِ دِيَاوَرِ وَخَانَهُ وَابْنَهُ بَدِيْعِي
 دِلِيلِ كَنْدُ بَرَقُوْدَ اِيْمَانِ وَاعْتَقَادِ بَاكِ دِي وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ آبِ صَافِ خُشْكَوَارِي سِيَا رَجَزِ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَمْ عَمْرِشِ دَرِ اَزِ بَرِ مَحِيْشَتِ
 دِي خُوشِ بُوْدَ وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ آبِ تِيْرَه يَاشُوْرِ مِي خُورِ وَاوِيلِ بَخْلَافِ اِيْنِ بُوْدَ وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ اَزِ دِيَاوَرِ آبِ صَافِ خُوشِ مِي خُورِ دَوَلِيلِ
 كَنْدَ كَرِ بَقْدَرِ اَنْ اَرِ بَاوِ شَاهِ مَالِ وَنَعْمَتِ يَآدِ وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ جَلْدِ آبِ دَرِ يَارِ رَجَزِ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ پَدِشَاهِيْ هَمِّ جَوَانِ رَا بَكِيْرِ دَوَلِيلِ
 كُوْمِيْنْدَ كَرِ بَقْدَرِ اَنْ اَرِ آبِ دَرِ يَا خُورِ هَمِّ بُوْدَ بَرِ اَبْرِيْ كِي وَاوِيلِ وَنَعْمَتِ حَاصِلِ كَرِ دِي جَوْنِ آبِ رُوشَنِ وَصَافِي بُوْدَ اَتَا كَرِ تِيْرَه يَآدِ بُوْدَ
 اِيْجَه بَرِ وَرَسْدِ يَارِ بَخْ وَخُشِي وَبِيْمِ وَتَرَسِ بُوْدَ كَرِ مَانِي كُوِيْدَ كَرِ اَكْرَمِيْنْدَ كَرِ آبِ كَرِ مِي خُورِ دَوَلِيلِ بُوْدَ كَرِ بِيَاْرِي وَرِيْجِ كَشِيْدَ اَكْرَمِيْنْدَ
 كَرِ بَرِ دِي آبِ كَرِ مِي رِيْجِيْنْدَ چِيَا نَكِه اَوْرَا خِيْرَ نَاشِيْدَ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ بِيَاْرِ كَرِ دِيَاغِي سَخْتِ بَدِ وَرَسْدِ وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ دَرِ آبِ سَفِيَا دَوَلِيلِ
 كَنْدَ كَرِ دَرِ بَخْ وَخُشِي وَغَمِ كَرِ قَرَارِ كَرِ دُو وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ آبِ بَجَامِ يَآدِ وَاشْتِ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ بَرِ مَالِ وَزَنْدَ كَانِي فَرِيْقَتِه كَرِ دُو وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ وَرِ كَاشِيْدَ
 اِيْجَه بَزْنِ خُوشِي دَاوِ كَاشِيْدَ اِيْجَه رَا نَسَبَتِ بَحْ بَرِ زَنْ اَنْ كَرِ دِه اَنْدَ وَاَبِ كَرِ دَرِ كَاشِيْدَ اِيْجَه بُوْدَ فَرِ زَنْدِ طُفْلِ بُوْدَ كَرِ دَرِ شَكْمِ دَاوِ
 بَاشِيْدَ اَكْرَمِيْنْدَ كَرِ سَهْ كَشِيْدَ وَاَبِ بَرِيْجَتِ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ جَعْتِ اَوْبِيْرِ دُو فَرِ زَنْدِشِ بَآنْدَ وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ آبِ بَرِيْجَتِ وَكَاشِيْدَ
 مَآنْدَ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ فَرِ زَنْدِشِ مِيْرِ دُو زَنْ اَوْبَآنْدَ وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ بِيْ بَهَا آبِ بَرِ دَمِ مِي دَاوِ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ دَرِ دُنْيَا وَآخِرَتِ خِيْرَا وَبَرِ دَمِ سِيَا
 وَجَايِكَا خَرَابِ رَا اَدَاوِي كَنْدَ وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ دَرِ خَانَه كَرِ اَنْدَرِ اَنْ آبِ رِيْجِيْتِه بُوْدَ دَخْلِ شُدَ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ عِيْنِ وَتَفَكُّرِ كَرِ دُو وَاكَرْمِيْنْدَ
 كَرِ آبِ صَافِي سِيَا لَه مَآنْدَ سَكِي خُورِ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ زَنْدَ كَانِي بَعِيْشِ وَعَشْرَتِ كَنْدَرِ اَمَا كَارِي كَنْدَ كَرِ بَلَا وَفَتْنَه بَدِ وَرَسْدِ كَرِ مَالِ
 جَمْعِ رَا اَنْدَكِ اَنْدَكِ بَرِ دَمَانِ بَخْشِيْدَ وَبَخِيْرَاتِ خَرَجِ كَنْدَ جَا بَرِ مَغْرَبِي كُوِيْدَ كَرِ اَهْمَا كَرِ بُوْقَتِ زِيَاْدَه شُوْدَ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ دَرِ اَنْسَالِ فَرَاغِي
 وَنَعْمَتِ بُوْدَ وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ آبِ سِيَا رِدِيْدَ كَرِ بَزْمِيْنِ خُورِ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ مَرِ دَمَانِ عَامِه رَا سَلَامَتِ وَحَافِيْتِ بُوْدَ قَوْلَه تَعَالِي وَفِيْلِ
 يَا اَرْضُ اَبْلِغِي مَآءَكَ وَيَا سَمَاءُ اَقْلِغِي وَغِيْضُ الْمَآءِ وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ اَهْمَا اَنْسَرِ مَرِ دَمَانِ فَرِ دَمِي اِيْدَ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ دَرِ اَنْسَالِ
 نَعْمَتِ وَفَرَاغِي بُوْدَ اَنْ دِيَا رِ قَوْلَه تَعَالِي اِنْ اَمْسَبَتِ الْمَآءُ حَتَبًا وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ دَرِ خَانَه اَوْبِ صَافِي بُوْدَ دَوَلِيلِ كَنْدَ نَعْمَتِ وَخَرْمِي
 وَحِيْشَتِ يَآدِ وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ دَرِ خَانَه دِي آبِ تِيْرَه اِيْتَا وَه بَاشِيْدَ تَاوِيْشِ بَخْلَافِ اِيْنِ بُوْدَ وَاوِيَا لِي كُوِيْدَ كَرِ آبِ دَاوِنِ بَاغِ وَكَشْتِ
 اَنْجُوِيَا وَرِ دُو دَوَلِيلِ كَنْدَ بَرِ مَالِ وَرِ شَكَاْرِي اَرْغَمِ وَاَنْدَه وَاَبِ دَاوِنِ مَرِ دَمَانِ دَوَلِيلِ كَنْدَ بَرِ دِيْنِ وَدِيَا نَتِ وَكَرِ دَارِ مَانِي
 نِيْكِ وَپَسَنْدِيْدَه بُوْدَ وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ آبِ اَنْدَرِ مِي رَفْتِ وَاَنْدَرِ اَنْ وَقْتِ تَنْ اَوْ قُوِي بُوْدَ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ اِيْشْغَلِ صَحْبَتِ خُوشِ كَرِ دَرِ
 اَزِ قَبْلِ رِيْشِي وَقَوْلِ وَاَنْدَرِ اَنْ مَقْبُولِ بُوْدَ خَاصَه كَارِي اَنْدَرِ اَنْ كَارِ ظَاهِرِ كَرِ دُو وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ آبِ صَافِي رَفْتِ وَتَنْ اَوْبِ پُوشِيْدَه بُوْدَ
 دَوَلِيلِ بَرِ بُوْقَتِ دِيْنِ بُوْدَ وَتَوَكَّلِ كَرِ دَرِ اِيْزِ دَتَعَالِي وَاسْتِقَامَتِ كَارِ دِي وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ آبِ بِيَاغِ مِي بَرِ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ زَنْ خَوَابِ
 يَا كِيْرَكِ خُرْدِ وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ آبِ پَاكِ بَرِ دِي رِيْجَتِ دَوَلِيلِ كَنْدَ كَرِ اَزَانِ كَسِ خِيْرِ وَنَعْمَتِ بَدِ وَرَسْدِ وَاكَرْمِيْنْدَ كَرِ آبِ تِيْرَه بَرِ دِي رِيْجَتِ
 تَاوِيْشِ بَخْلَافِ اِيْنِ بُوْدَ حَضَرَتِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ مِيْفَرَايِدَ كَرِ آبِ فَرِ وَرِ فِتْنِ بَخْ آبِ مَعْتَبَرِ اَنْ بَرِيْجِ وَجِه تَعْيِيْنِ كَنْدَ اَوَّلِ يَقِيْنِ
 دُوِيْمِ قُوْتِ سِيْمِ كَارِ دُو شَوَارِ چَا رَمِ نَذِيْمِ چِيْمِ عَمَلِ اَزْجَه رِيْشِ شَهْرِ بَا نَكِه تَاوِيلِ بَارَانِ وَحَرْفِ بِيْ بِيَا نِ كِنِيْمِ وَتَاوِيلِ آبِ

باب

چهارم

خزین

حاجت

کینه

سحر

و دلیل کند که زن جادو و پیر حاصل کرد و آئین حرام خواروبی دیانت بود و اگر بیند که در آب خانه بول و غایط می کرد
و دلیل کند که مال غیش را نهزیند و اگر بیند که در آبخانه بنشیند و یا در چاه آبخانه افتاد و دلیل کند که در جمع مال غریب بود و اگر بیند
که کسی در چاه آبخانه خود افتد و دلیل کند که مال کسی بخصب بماند اگر بیند که چون بنشیند دست و پای او بشکست دلیل
کند که برای سخت بد و در سند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آبخانه در خواب برنج و جبه بود اول مال حرام دوم
عیش دنیا سیم خزین چهارم شروع در حرام پنجم زن خادمه و حرام خوار ابدستان ابن سیرین گوید که ابدستان در خواب
خزین دار و صاحب تدبیر بود که خرج و دخل در دست او بود و اگر بیند که پادشاهی ابدستان بوی داد و دلیل کند که خزین دار
و تدبیر پادشاه بود و اگر او کسی دهد بر بر این قیاس بود که زمانی گوید که ابدستان در خواب خادم بود بقول خدای عزوجل
قوله تعالی یطوف علیکم ولدان مخلدون یا کواکب و آب و نیک و اگر بیند که ابدستان او بشکست یا ضایع
شد و دلیل کند که زن از وی جدا کرد و یا میرد و اگر بیند که از آب دستان آب می خورد و دلیل کند که ویرا فرزند
حاصل کرد و خاصه که آب را صافی بیند و خوش طعم حضرت صادق علیه السلام گوید که دیدن ابدستان در خواب
وجه بود اول خادم دوم خزین سیم تدبیر کار چهارم فرزند پنجم روزی اندک از جانی که امید ندارد
ابن سیرین گوید که اگر بیند که شکم او بزرگ شده بود چون آب است و دلیل کند که او را مال و نعمت
و هر چند که شکم بزرگ تر بیند مال دنیا بیشتر بود که گوید که فرزند
نعمت و مال حاصل کرد و اگر بیند که خواب برنج و جبه دید و مال حاصل کرد و آب بکانه ابن سیرین
که خوردن آبکامه در خواب دلیل که بر برنج و بیاری تن کند اگر بیند که آبکامه می خورد و دلیل کند که بقدر آن ویرا
بیاری بود که زمانی گوید که اگر بیند که آبکامه بر بخت یا از وی هیچ نخورد و دلیل کند که از غم و اندوه فوج یابد و اگر بیار
بود شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن آبکامه بر برنج وجه گفته اند اول بیاری دوم غم غم غم غم
چهارم حاجت پنجم ناسازگاری با اهل و عیال آبکینه و انیال گوید که آبکینه در خواب زن بود و اگر بیند که در
آبکینه آب می خورد و دلیل کند که زن خواهد و مال یابد اگر بیند که آبکینه کسی شراب داد و دلیل کند که از هر کسی زخمی
ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که آبکینه سفید داشت و نامش برانجا نوشته بود و دلیل کند که دولت دینی و دنیایی یابد
و حاجت او را کرد و اگر بیند که بران آبکینه نام پادشاه نوشته بود و دلیل کند که بر اجلس نزدیک بود و اگر بیند
پادشاه باشد و اگر نباشد دلیل کند که بر قدر و اندازه آن خیر و خرمی یابد یا بر مغربی گوید که اگر بیند که آبکینه داشت بنفشه
و بشکست و دلیل کند که اگر زن دارد طلاق دهد و اگر زن ندارد دینی از خویشان وی رحلت کند و بداند که آبکینه که
تاویل نمیرد خداوند کار بود و بعضی از معجزان گفته اند که آبکینه که کسی بود که کارهای زنانه گذارد و پیوسته او را
بازمان محالطت بود و آبکله ابن سیرین گوید که آبکله در خواب زیان مال بود و اگر بیند که بر تن او آبکله بود که بقدر آن

خواسته مال و را حاصل کرد و کرمانی گوید اگر بیند که برتن او آبله بود و دلیل بود که بقدر آن مال حرام حاصل شود حضرت
صادق علیه السلام فرماید که آبله برتن دیدن برنج و جود بود و قول زیادتی مال و ویم زن خواهد سیم پسرش آید چنان
حاجت روا شدن پنجم از ترس و بیم امین کرد و چون آبله سفید آبنوس این پسرین گوید که دیدن آبنوس در خواب
هر دو بود در کار خویش سخت و محکم بود اما تا نکند و بخیل بود و از وی چیزی بکس نرسد کرمانی گوید که آبنوس در خواب
زنی بود هم برین صنعت که یاد کرده شد حضرت صادق میفرماید که آبنوس در خواب کسی باشد هم برین صنعت
که گفته کردید آتش وانیال گوید اگر کسی آتش بپاود و در خواب بیند دلیل که پادشاهی نزدیک کرد و کار بسته او
گشاده کرد و اگر بیند که کسی ویران آتش فکند و آتش برپا سوخت دلیل که پادشاه بروی ستم کند لیکن زود خلاص
یابد و بشارت نیکویی یابد چنانکه این دو لغالی در کلام مجید فرموده قلنا یا فاقی کوئی بود و اسلا ما علی
اینها هم و اگر بیند که آتش بر آتش و دلیل کند که روی بگراست سفری کند و اگر آتش را بافت و موز و سوزید
دلیل کند که از علت تب بیمار گردد و اگر بیند که آتش اندام وی را بسوخت دلیل کند که بقدر آتشوختی ویرانج و مضر
رسد و اگر کسی بیند که آتش در خانه وی افتاد و همه اندام او را بسوخت و زبانه همی زد و از و سهم و ترس در دل نیاید
و دلیل کند که از محنت و مضیبت که بدو رسد سبب بیماری و ضعف بود چون سحر و طاعون و آبله و سرخه و آفتاب
ماند و اگر بیند که از آن آتش فرار گرفت دلیل کند بقدر آن از پادشاه مال حرام بوی رسد و اگر بیند که آتش را در دلو
و دلیل کند که مال حرام وی را برنج و تیمار حاصل کرد و با جنک و خصومت و اگر بیند که از آتش گرمی و تپش بوی میرسد
و دلیل کند که کسی وی را از دور و عنایت کند کرمانی گوید اگر بیند که شعله آتش بر دامن همی انداخت و دلیل کند که در میان مردم
عداوت و دشمنی افکند و اگر از کرانی بیند که آتش در دکان و کالای او افتاد و دلیل کند که کالائی که دارد بر باد و دزدان
بدر می آید و دلبسته درم فروشد و بر کسی شفقت نبرد و اگر بیند که آتش در خانه کسی افتاد و دلیل کند که آنکس در جنگ و شهنه
و جور سلطان افتد و اگر بیند که آتش جامه او را بسوخت و دلیل کند که با خولیشان جنک و خصومت کند و از سبب آن
اند و بکین گردد و اگر کسی آتشی عظیم در زمینی بیند دلیل کند که در آن موضع فتنه و جنک افتد و اگر چیزی سوخته بیند دلیل
کند که از جهت زمان ویرانیا کسی خصومت کند و اگر بیند در شهری یا در محله در سرائی آتش افتاد چنانکه هر چه بود سحر را بسوخت
آن آتش زبانه میزد و آواز سهکین همی داد و دلیل کند که در آن موضع جنک و کارزار بود و یا بیماری صعب افتد و اگر بیند که
برخی چیزی را بسوخت و برخی را نکرد و آواز سهکین نداشت دلیل بود بر جنک و کارزار در آن موضع و اگر زبانه و فروغ
نداشت دلیل بر بیماری صعب کند و اگر آتش را باد و بیند دلیل کند بر ترس و بیم اندر کارها و اگر بیند که آتش از آسمان
بیفتد و شهری یا محله یا سرائی بسوخت دلیل کند که آن بلا و فتنه که گفته شد بر آن موضع شهر بود و اگر بیند که آواز سهکین نداشت
و زبانه همی زد و در جانی افتاد لیکن کند زبانه نیک و دلیل بود که در میان اهل آن موضع گفتگوی و خصومت افتد زبانه و اگر بیند

سجده

سجده

سجده

تا طلب حال کسی کند و اگر بیند که از آن بریان بخورد و دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد با غم و اندوه و اگر بیند که بریزد
 آتش می افروخت و در یک کوشش بود و یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری بسیار که از آن کار که با بوی خانه ز منفعت رسد
 و اگر بیند که در آن و یکسبب طعام نبود و دلیل کند که از آن کار و با غم و اندوه بود و اگر بیند که آتش بر افروخت حلاوت و دلیل کند
 که او را نخی نیکو کند و اگر بیند که آتش بر افروخت از برای روشنائی و دلیل کند که کاری را بخت و برهان روشن گرداند که بی کوی دیگر
 بیند که جایگاهی آتش بر افروخت تا ابل آن جایگاه را بسوزاند و دلیل بود که ابل موضوع را غیبت کند بی کوی دیگر و اگر بیند که
 در تنور یا در آتش دان همی افروخت بی آنکه طعام برزد و دلیل کند که با موی از خویشتان و یا ابل میت و اجنات و خصوصیت
 افتد و اگر بیند که خواست تا آتش بر افروزد و از بهر منفعت خلیش و آن آتش بر نمی افروخت و روشنائی میداد و دلیل کند که از
 علم خلیش هر خورداری یا بدو اگر این کس پادشاه بود و عروجه و دود و دود آتش افزون کرد و اگر بیند که آن آتش که افروخت بر
 و دلیل کند که بلاک کرد و جابری که اگر بیند که در میان آن آتش می افروخت که مردمان از نور آن آتش راه می یافتند و هر کس وضع
 و مقام خویش می یافتند و دلیل کند که مرموز علم و حکمت او بهر میبند و راه راست که بیند که آن آتش فرو میرود و نور او
 زایل نمیکرد و دلیل کند که او آتش متغیر و باشد که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که آن آتش در میان آن افروخت و نور او است
 می درخشد و دلیل کند که علم او مردمان را بر راه ضلالت برد و اگر بیند که آتش در موضعی بر افروخت تا آن موضع را بسوزاند و
 اگر آتش و آن باز در کان بود و دلیل که صریح و فروخت بخلق کند و مالش حرام بود و اگر بیند که از خانه همسایه آتش
 همی برد و دلیل کند که مالی حرام بدورسد و روشنائی آتش این سیرین کوی دیگر کسی در خواب و روشنائی آتش بیند چنانکه
 بدان و روشنائی راه توان رفت و دلیل کند که زاهدی یا بدو اگر روشنائی آتش را ایستاده بیند و دلیل کند که سبب دولت
 او همانجا بود و اگر فکر فروخته و دلیل کند که در آن دیار رویت سلطان پدید آید و اگر در خانه خود آید چنانکه از نور آن خانه
 روشن بود و دلیل کند که کارش بالا گیرد و دود و دود و دود و اگر بیند که آن آتش را کشت و دلیل کند که در خانه آن
 خصوصیت و دود می بود آتش پرستیدن و انبیا کوی دیگر بیند که آتش را می پرستید و سجد میکرد و دلیل که با او سجد کرد
 سجد کند و بخدمت مشغول گردد چنانکه او را تشکیمد اگر بیند که تنور یا آتش یا چراغ را سجد میکند و دلیل که بخدمت مشغول
 مشغول گردد و اگر بیند که آتش را بوسه می داد و می پرستید و دلیل کند که صاحب خبر پادشاه گرد و اگر بیند که در میان
 آتش مرا خد می کرد و دلیل که پادشاه بطمع و رنجبت بازگامی کند و لیکن عاقبت کارش به خطر بود و خاصه که از آتش برین
 او کردند و رسد و اگر آتش برین او را هم کردند و دلیل کند بر همه رسالت سلامت نفس و جمعیت بار و کار او از پادشاه و
 و اگر بیند که در میان آتش رفت و دلیل کند که بقدر آن از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که آتش از روی یا از جامه یا از دست او
 روشنائی میداد چنانکه خلق از نور او تغیر بودند و دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و مردود و جامی حاصل کرد و قوله تعالی و آخرا
 یَدُكَ فِي حَبِيبِكَ فَخُجَّ بِصَبَاءٍ مِنْ عَيْنِ سَوَّعٍ و این حجره حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل شمش

باز

روشن

آتش

که بد که اگر کسی در خواب بیند که آتش میسپرد و دلیل کند که باز داری و عوامی کند آن آتش که میسپرد اگر شکل اختری بود که
 غرض از این صبح کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند ششراه آتش ابن سیرین گوید که ششراه آتش در خواب بخند
 باشد که بوی رسد و اگر بقیاس ششراه آتش در روی می افتد و دلیل کند که در جنت و بلائی سخت گرفتار کرد و گمانی گوید
 اگر بیند که در شهری یا کوچه ششراه آتش می افتد و دلیل کند جنت و نعمت و آموختن پیدا آید و اگر بیند که ششراه آتش
 سخت بزرگ بود و دلیل بود که عذاب خدای عزوجل بدو رسد یا بدانش وضع رسد قوله تعالی اِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ
 كَالْقَصْرِ كَأَنَّهَا خَيْلَتٌ حُفْرًا و اگر بیند که ششراه آتش در میان مردمان افتد و دلیل کند که مردمان آن موضع با یکدیگر
 جنگ و خصومت افتد و آتش را فتنه و بازی کردن با آتش سخت شست کفین بود چار مغربی گوید اگر بیند که باره آتش
 در دست و پشت دلیل کند که بکار پادشاه مشغول گردد و اگر بیند که با آن آتش در دو بود و دلیل کند که در آن کار او را
 بیم و ترس بود و اگر بیند که آن آتش در دست می فرو مرد و دلیل کند که در خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورد و اگر
 که از آن آتش پاره مردم را بوی داد و دلیل کند که از کار روی مردمان را بچ و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر بیند
 که چیزی از نزد وی بروی می بخشد و میخورد و دلیل کند که خنهای خوش شود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش
 در خواب بر میت و بچ وجه بود و اول فتنه بود و دوم کار از رسم فساد چهارم مرتب بخت خصومت ششم سخاوت
 هفتم منع از کام و مرد و هشتم خشم پادشاه نهم عقوبت دهم اتفاق یا نادم پیرایه دوازدهم علم و حکمت سیزدهم
 راه پدی چهاردهم مصیبت پانزدهم ترس سیم شانزدهم سوختن هفدهم خدمت پادشاه هیجدهم طاعون نوزدهم
 سیام بیستم بیکه بیست و یکم کثایش کار بیست و دوم فضیلت بیست و سوم مال حرام بیست و چهارم روزگار
 بیست و پنجم تلفات آتش دان ابن سیرین گوید که آتش دان بخواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتش دان
 آتش دان بود و دلیل کند که آن از خویشان اهل آن خانه بود و اگر آتش دان چوبین بود و دلیل کند که آن از خویشان
 اهل آن خانه بود و از اهل اتفاق بود و اگر آتش دان از کل بود و دلیل بود که آن زن اهل درون گشتان باشد و از مشرکان نیز
 بود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش دان بخواب بر دو وجه بود اول زن خادمه و دوم کینه آتش زن ابن
 سیرین گوید که آتش زن و سنگ آتش دان ابن سیرین بر دو انبار باشد که از ایشان یکی قوی و دلیل بود و دوم سخت دل بود و این مرد و زن
 بر شرف و کارهای بزرگ را آورند که گمانی گوید اگر بیند که از آتش زن آتش بیرون می آید و از او شمع یا چراغ برافروخت اگر بیند
 پادشاه بود و دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف او آسایش یابند و اگر بیند خواب عالم بود و دلیل که مردم از علم و دانش او بهره
 یابند و اگر بازرگان بود و دلیل کند که با مردمان خیر و جود و احسان کند و اگر درویش بود و دلیل کند که مردمان از سیرت و کردار وی
 محبت یابند حضرت صادق میفرماید که اگر بیند که از آتش زن بیرون آورد و دلیل کند که مال حرام از جبهه پادشاه حاصل کند یا مال
 او مشغول گردد و از نشو و مال بدست آید و اگر بیند که از آتش زن نتوانست فروختن و دلیل کند که مال طلب کند و نیاید

با بلف
 حقیقت

حقیقت
 حقیقت

حقیقت

این سیرین کوید که آتشکده و خواب جایگاه کرده بود کرمانی کوید که آتشکده جایگاه مردم حق و خالی بود و اگر بیند که آتشکده رفت
 و از آنجا چیزی بوی رسید دلیل کند که آنقدر نذرت و خوری نوی رسد لیکن از بدی بر بد و سر انجام پشیمانی خور و آن کوید که نذرت
 آن کوید که نذرت است و بدیش در خواب لیل برنج و بیماری بود آرد دلیل بود بر مال و نعمت حلال که بی رنج بد و رسد نذرت
 گوید اگر بیند که در چون برف از بوم می آید دلیل کند که بقدر آن مال نعمت حلال و حاصل کرد و از آنجا که امید ندارد این سیرین کوید که
 جوتا ویل درستی دین بود و آرد و کند مانی بود و از تجارت که بسیار خایه بود و آرد و کاورس ال اندک بود که حاصل کرد و جابر مغزی کوید که
 فروش خواب دیدن مردی باشد که دین خود را بدینا آورده بود آرد و سیر کرمانی کوید که آرد و نیز خواب بروی باشد که در میان دوستان
 و خویشان می کرد و این سیرین کوید که آرد و نیز خواب زنی بود و فضول یا خادمی بود بد اگر بیند که آرد و نیز بزرگ نذر گرفت یا کسی
 بوی و دلیل کند که زنی یا خادمی چنانکه گفتیم خدمتکار و دوست وی کرد و بعضی از معبران گویند که مردی مصلح که در خدمت است و
 بود و دوست وی شود حضرت صادق کوید که آرد و نیز خواب بر چهار وجه بود و آرد و مصلح و دیم زنی فضول سیم خادم چهارم منفعت
 مذک آن روغ کرمانی کوید که اگر بیند که در خواب آرد و نیز بر می آرد و دلیل بود که مخفی گوید که او را از آن حرمی بود اگر بیند که با آن روغ خلعت
 بود و از خلعت بیرون آید دلیل کند که اجلش نزدیک بود محمد بن سیرین کوید که اگر بیند که آرد و نیز ترش ناخوش بر آرد و دلیل کند که مخفی بود
 که از آن حضرت و خطر بیند و اگر بیند که آرد و نیز همچون دو و بر آرد و دلیل کند که بی بی حکام مخفی گوید که از آن اورا عیب گویند و ملاست کنند
 و سر انجام از آن پشیمانی خورد از او شدن و انیال کوید که اگر کسی بیند که از او آتش یا کسی با او آزا کرد و دلیل کند که اگر باری بود و شفا یابد
 و اگر دام دار بود و امش کناره ده کرد و اگر حج کرده باشد بگذار و اگر بنده بود آزا کرد و اگر کناره کار بود تو بر کند و اگر غنیمت بدینا
 کرد و از غنیمت فرج یابد و اگر عیوس بود خلاص یابد و علی الجله از ادوی در خواب بخت نیکو و پسندیده است آستانه کرمانی کوید که آستانه
 بالاین در خواب که خلی خانه بود و آستانه زیرین که بانوی خانه و اگر بیند که آستانه بالاین در رو بختا و در خواب نذرت کند که خدای خانه میر و اگر آستانه
 خانه بیند که آستانه زیرین خانه بختا و یا بخت دلیل کند که بانوی خانه میر و این سیرین کوید که اگر بیند که خدو آستانه زیرین آستانه بالاین بود و دلیل
 کرد و دلیل کند زن اطلاق و بدوزن دیگر بخوابد و اگر بیند که آستانه بالاین را بخت دلیل که خود را بکشد اگر بیند که هر دو آستانه نذرت کند و خواب کرد
 کند که که بانو که خدا هر دو هلاک کردند آسمان و انیال کوید که اگر کسی خویش را در آسمان دل بیند دلیل کند که اجل وی نزدیک است
 آمد بود و اگر خود را بر آسمان دویم بیند دلیل که علم و دانش حاصل کند و اگر بر آسمان سوم بیند دلیل کند که عز و اقبال چنانچه یابد
 و اگر آسمان چهارم بیند دلیل که پادشاه را دوست و مقرب کرد و اگر بر آسمان پنجم بیند دلیل کند که بیست و ترسیم یابد اگر
 بر آسمان ششم بیند دلیل کند که بخت و دولت و نیکوئی یابد و اگر بیند که بر آسمان هفتم برشته و لیکن در آستانه دید دلیل کند که
 کارهای وی بسبب مردی بزرگ بسته کرد و اگر بیند که در آسمان هشتم است نگاه کردن و سرافراز کند و بود و دلیل که از دیدار مرد
 بزرگ جدا کرد و اگر بیند که فرشتگان از آسمان فرو آمدند و بروی بکشد دلیل کند که درهای علم و حکمت بروی کشا و کرد و آستانه
 سیرین کوید که اگر کسی خود را بر آسمان بیند دلیل که او را سفری پیدا شود و در آن سفر را مرتب دنیا و غرض حاصل کرد و اگر بیند که بر آستانه

بازگشت
 از خواب
 از خواب

خواب
 خواب
 خواب

آسمان

بایان

منه

منه

آسمان سپردم سفری بود با نعمت و برکت و اگر بیند که همچنان در است میسرید تا آسمان رسید دلیل کند که مضرت و رنج نیند و اگر
بیند که آسمان رفت بدان نیت که بر زمین باز نیاید دلیل کند که نیک و پادشاهی یابد و کاری بزرگ طلب کند و بسیار بد و اگر بیند که از
آسمان بایست نود و نه می تلف و دلیل کند بر خیر و سلامت و اگر بیند که مرغی از آسمان با وی سخن بگفت دلیل بود که شادمان کرد و اگر
گوید اگر بیند که او در آسمان سبب یابد سبب چنانکه مردمان را از زمین بنیاد بود و دلیل که اندک نزدیک بود و اگر بیند که بنیاد
چون بنیاد دنیا از پشت و کل و کل و اجزای دلیل بود که خداوند خواب در دنیا مغرور کرد و اگر بیند که از آسمان انگبین می بارید دلیل کند
مردمان را خیر و نعمت و غنیمت بود و اگر بیند که از آسمان ریخت یا خاک میبارید و اگر اندک بارید دلیل کند که نیک بود و اگر بسیار
بود دلیل آن بد بود و اگر بیند که از آسمان کرم یا مار یا سگ می بارید دلیل بود بر عذاب خدای عزوجل بدان و بار و اگر بیند که خود را از
آسمان فرو آورد و بخت دلیل کند که کار او بلند کرد و چاه بر خری که بد اگر بیند که بر بالای هفتم آسمان رفت بجائی که بهم آنگی بکشد و فرو نیاید
و دلیل کند که اجل و نزدیک آمد بود و خواب مستور باشد و بود و اگر خداوند خواب مستور بود و صبح و بیند که در آنجا فرو آمد دلیل که در آن
دین زاهد کرد و اگر خداوند خواب صبح و مستور باشد دلیل بود که توبه کند یا پلاک کرد و اگر بیند که از آسمان بر زمین آمد و دلیل کند که از
و بیماری بسر قهلاک رسد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که در میان آسمان زمین بنیاد می بود چون قبه یا کشتی که نه از سنک و اگر
بود دلیل بود که خداوند خواب در اصل عمل مغرور گشته بود و اگر بیند که در آسمان کشتی فرو نیاید دلیل کند که عدا در آن سال مستجاب کرد و
و باران بسیار بار و آبها فراوان بود و قوله تعالی فَفُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ مَاءً مَرِيئًا ^{میرا} یا اَلَا رَضِ عِيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى
أَمْتٍ قَدْ تَلَّوْا وَ اَکْرَمَ بِنْدَکَ در آسمان در می از هر روی یا از هر مردم آندار گشاده کرد و دلیل کند که بر خیر و نعمت مردمان آند یا رها
که با کشتن آن در اثر خیر ظاهر کرد و اگر بیند که آسمان سفید و دلیل کند که ایزد تعالی با وی بخشش بود و امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید اگر بیند
که آسمان بکوه سبز بود دلیل بود که در آن و یا خیر و صلاح و ایمنی بود و اگر بیند که بکوه سفید بود دلیل بود که آن موضع رنج و بیماری بود و اگر
بیند که آسمان رخ بود دلیل کند که در آن و یا رخت و خون میخفت بود و اگر بیند که آسمان سیاه بود دلیل که در آن و یا باران و فتنه عظیم بود
و اگر بیند که آسمان روشن تر از آن بود که بود دلیل کند که در واقع تعالی روشنی تمام روین حاصل کرد و اگر بیند که بر او آسمان کشته
شد و دلیل کند بر خیر و روزی بر او گشاده کرده عالم حکیم کرد و دوازده روزی بسیار ببرد رسد و اگر بیند که در آسمان علامتها می رنج
بگرد و عود و دلیل کند که پارسایان آن موضع را علامت نصرت بود و اگر بیند که آسمان بر می پرستید دلیل کند که بیدین و کراه کرد و دلیل
اشعت که بد اگر کسی بیند که از آسمان سنگ چون باران می آید دلیل کند که بلا سخت و عذاب بابل آن موضع رسد و قوله تعالی وَ اَمَّا مَطَرُهَا
عَلَيْهَا اَنْ تَمُوتَ حَيًّا ^{میت} و اگر بیند که از آسمان کرم و جو میبارید دلیل کند که از آن و یا نعمتهای الوان بقیاس بود و خلق با
ایمنی و کسب و معیشت بود آستانه ابن سیرین که بد اگر بیند که آستانه خانه وی بلند کرد و دلیل کند که بر قه آن مال و نعمت یابد
و شرف و منزلت و اگر بیند که آستانه خانه او سفید و دلیل که از شرف و منزلت بخت و نزد مردمان خوار کرد و اگر بیند که آن آستانه
خانه وی آب صافی چون باران می بارید دلیل که بعد از آن مال و نعمت باشد و اگر بیند که آستانه خانه وی مار و کرم می افتاد و دلیل

پادشاه یا از بزرگی او را غم و اندوه رسد که مانی گوید اگر بیند که آستانه خانه بروی می افتد و وزیر آن گرفتار گردد و دلیل کند که او بهیم
بلایک بود و نه تعالی حکیمانم السقف من فوق قریبم و اگر بیند که آستانه خانه او برنگهای بتون و منقش بود دلیل کند که
او آرایش دنیا مشغول گردد و آسباب و انیال که بداند اگر بیند که در آسباب غلبه برد و آرد بهی کرد دلیل کند که از خداوند آسباب
خیر و منفعت رسد اگر بیند که سنگ آسباب شکست و از کا بهفتا و دلیل که خداوند آسباب بلاک کرد و اگر بیند که سنگ آسباب
بشکافت تا غلغل روی بد نیاید دلیل که در معیشت خداوند آسباب سستی و غلغل بدید آید اگر بیند که سنگ آسباب را کسی برزد
و دلیل که خداوند آسباب را منفعت او مضرت شود این سیرین گوید که در آن آسباب بخواب جنگ و خصومت بود اگر کسی در
در آسباب بیند دلیل کند که او را با کسی جنگ خصوصیت خدا و اما اگر او را که آسباب ملک و بود و آسان تر بود و اگر که در آسباب غلبه داشت و اگر
که آسباب چگونه میگرد و دلیل که سفر شود و اگر بیند که سنگ آسباب ریس یا از برنج یا از آهن بود این جمله دلیل بر جنگ و کارزار بود و اگر
بیند که سنگ آسباب از آگینه بود دلیل کند که خصومتش با زمان بود و اگر بیند که آسباب سنگ یا آهن بجای غل آرمیکرد دلیل
کند که او را با کسی جنگ و خصومت سخت افتد و لیکن بیند که آسباب را بدست میگرد و دلیل کند که او را انباری سخت دل بود
و بواسطه او کارش نظام نباشد حضرت صادق فرماید که آسباب در خواب دیدن و آتش برینج وجه بود اول پادشاه دوم رئیس
سیم نوکر چهارم مرد و لیر جلد پنجم خا سالار پادشاه و دیدن جایگاه آسباب ریس بزرگ بود و اگر بیند که آسباب را خراج کرد دلیل
که اندران چیزی که آسباب مشغولست خراب کرد و آسباب بان در خواب کسی بود که روزی اهل خانه بسبب آن بود که میکرد و دیگری
بدست می آورد و تا اهل آن خانه بدان تعیش کنند این سیرین گوید که دیدن آسباب بان در خواب بنا و یل مردی بود که مردم را در دست
او روزی بود و چون آسباب بان جوان بود بنا و یل نیکو باشد و اگر بیند که است یا بخر میکردید یا با بیشتر و آورد
نیکو فرومی آمد و دلیل بود که آسباب بان دولت و اقبال بود و اگر بوقت کردیدن آسباب بان با ناک سنگ آسباب میشنود و دلیل کند که
کاروی تو خیر و دوستی کردن این سیرین گوید اگر بیند که کسی آتش کرد و دلیل که عرش دراز کرد و اگر بیند که در آشتی کسی را
بفساد وین خواند دلیل که ویرا بصلاح خیر و راه دین خواند اگر بیند که دشمن کسی را بصلاح دین میخواند و دلیل که وی را بفساد و راه شر
خواند حضرت صادق میفرماید که آشتی کردن در خواب دلیل کند بر سه وجه اول بر درازی عمر و دوم بر قوه ستم بر سیرت عفو
پسندیده آغوش گرفتن مانی گوید اگر کسی بیند که معروفی در آغوش گرفت دلیل کند که اگر آنکس مستور بود و مصلح از وی خیر
دین یابد و اگر بیند که کودی را در آغوش گرفت دلیل بود که خوشکار و محب فرزند بود و اگر بیند که شیر برادر آغوش گرفت دلیل
که با دشمن مصلح کند آفتاب و انیال گوید که آفتاب در خواب پادشاه بود یا خلیفه بزرگوار اگر بیند که آفتاب را از آسمان
فرافت یا ویرا بلاک خویش گرفت دلیل که پادشاهی و بزرگی یابد یا دوست و مقرب پادشاه گردد و اگر بیند که خود آفتاب
و دلیل کند که پادشاه گردد و بر غلغل و دشنامی آفتاب اگر از اهل آن نباشد بر قوه و همت و اصل خویش بزرگی و عظمت یابد
و اگر بیند که با آفتاب بجنگ بود دلیل که پادشاه با او جنگ و خصومت کند و اگر بیند که جایگاه آفتاب با جایگاه ماه قمر

پادشاه یا از بزرگی او را غم و اندوه رسد که مانی گوید اگر بیند که آستانه خانه بروی می افتد و وزیر آن گرفتار گردد و دلیل کند که او بهیم

بلایک بود و نه تعالی حکیمانم السقف من فوق قریبم و اگر بیند که آستانه خانه او برنگهای بتون و منقش بود دلیل کند که

او آرایش دنیا مشغول گردد و آسباب و انیال که بداند اگر بیند که در آسباب غلبه برد و آرد بهی کرد دلیل کند که از خداوند آسباب

خیر و منفعت رسد اگر بیند که سنگ آسباب شکست و از کا بهفتا و دلیل که خداوند آسباب بلاک کرد و اگر بیند که سنگ آسباب

بشکافت تا غلغل روی بد نیاید دلیل که در معیشت خداوند آسباب سستی و غلغل بدید آید اگر بیند که سنگ آسباب را کسی برزد

شد دلیل که پادشاه گرد و مملکت بروی تقیم گردد و قرار گیرد و اگر بیند که نور آفتاب بسته دلیل که ملک از پادشاه بزرگ است
 و اگر بیند که آفتاب را فراتر رفت لیکن نه از آسمان و نور و شعاع نداشت و نیز تاریک و تیره هم نبود دلیل که آنکه از عظمی
 فرج یابد چنانکه بیند که آفتاب تیره و تاریک بود و بجای خویش نبود دلیل که پادشاه محتاج کارهای وی شود و این سیر
 که آفتاب در خواب پادشاه بزرگوار بود و ماه و وزیر و وزیران پادشاه و عطا و سپه پادشاه و منج پهلوان پادشاه و ستارگان
 دیگر لشکر او بود و جابر مغربی گوید که آفتاب در خواب بدرود و ماه و وزیر و ستارگان دیگر لشکر پادشاه بود چنانکه حق تعالی در کلام خود
 یوسف است و قوله تعالی اِنِّیْ اَنْتَ اَحْكَمُ عَشْرِ کَیْکَیْ وَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَ اَنْتَ اَمْرٌ لِّیْ سَاجِدِیْنَ
 و هر یادت و نقصان که در آفتاب و ماه بیند دلیل بر پدر و مادر و برادران بود و اگر بیند که آفتاب روشن و پاکیزه برآمد و در خانه
 وی یافت دلیل کند که از خویشان خود زن خواهد اگر بیند که بر یا چیزی دیگر نور آفتاب را به پادشاه ندلیل که حال پادشاه مفرود
 و احوالش بد شود و خاصه وقتی که بیند آفتاب منکسف گردید و اگر بیند که آفتاب از تیرگی روشن شد دلیل کند که پادشاه بیمار گردد لیکن
 زود بد شود و اگر بیند که بر جرم آفتاب رسی یا رشته فرو بسته بود و او دست برین رسد و دلیل که از پادشاه او را فوت و یاری بود
 و اگر بیند که آن رسی گسست و او بیفتاد و دلیل که از بزرگی و منزلت بخت و اگر بیند که آفتاب یا ماه را سجد کرد و دلیل که گناه یا خطائی از او ظاهر
 و اگر بیند که آفتاب یا ماه یا جمله ستارگان در یکجا جمع شدند و او جمله را گرفت و نور ایشان بسته دلیل که پادشاهی جهان بکشد و پادشاه
 جهان جمله مطیع او شوند و اگر بیند که آفتاب و ماه و ستارگان را گرفت و همه تیره و سیاه بود و دلیل کند که بیند خواب هلاک گردد و خاصه
 که ظالم و مستکبر بود که گاهی گوید اگر بیند که در میان آفتاب نقطه سیاهی بود و دلیل کند که پادشاه از جهت ملک دل مشغول بود و اگر بیند که دو
 پادشاه را با هم جنگ و خصومت بود و دلیل که دو پادشاه را با هم جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که آفتاب بر زمین و بهج نور داشت
 و دلیل بود که پادشاه اندک یا مضرول گردد و از مملکت بی بهره ماند و اگر آفتاب را بدست خویش دید سیاه گردد و چون دلیل که پادشاه را غمی بزرگ
 رسد و او را نیز از آن بهره جو و اگر بیند که آفتاب در سوراخی فرو شد و ناپدید گردد و دلیل که پادشاه از دنیا رحلت کند و عاشر مرد و راجع
 رسد و اگر بیند که آفتاب در ستارگان را بر آید پادشاه بیند دلیل که پادشاه و لشکرش از پیش دشمن بهریت شوند و اگر بیند که آفتاب را بهی
 پیوسته دلیل که پادشاهی بزرگ مغرب گردد و اسمعیل اشعث گوید اگر کسی دید بر فلک نشست و روی آفتاب کرد پس دیگر بار
 روی از آفتاب بگردانید و دلیل که اگر سخت کافرو بود پس مسلمان گردد و در حاجت کافر گردد و اگر بیند که آفتاب باز و دیده دلیل بود که پادشاه
 اندک یا راجحت چیزی جزئی رنجی رسد از جای که امید ندارد و اگر بیند که آفتاب با وی سخن گفت دلیل کند که از پادشاه جاه و حشمت
 و بزرگی یا حضرت صادق میفرماید که تاویل دیدن آفتاب بر بهشت و چه بود اول خلیفه و دوم سلطان بزرگ و تقیم پیش چهارم عالمی
 بزرگ پنجم عدل پادشاه ششم منفعت رعیت هفتم مر و رازن و زن رانشوی هشتم کار و وس نیکو و هم او گوید اگر بیند که آفتاب را سجد
 کردی دلیل که سلطان او را بنواز و مقرب خود گرداند و کار وی بالا گیرد و عدل و انصاف ورشد و امیران و یار پدید آید و شعاع
 آفتاب بجزاب ویدن ضد آن بود که گفتیم آفتاب به این سیرین گوید که آفتاب به در خواب زن خادمه بود و یا کینه که چراغ خانه بد

بایک

بایک

بایک

بایک

بایک

بایک

بایک

تسلیم کنند و بعضی از متبحران گفته اند که آفتابه خادم قومی بود که آن قوم بطاعت او گرد آید و از عصیت پسند بگریزند و اگر بیند که آفتابه
 داشت یا کسی بدو او دلیل کند که او را خادمه یا کثیره کی حاصل کرد و بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که آفتابه شکست و دلیل که خادمه با
 لیتیک بیمار کرد و و یا میر و اگر بیند که آفتابه را ضایع کرد و بدلیل که خادمه یا کثیره او بگیرد و یا از او جدا کرد و حضرت صادق علیه السلام میفرماید
 که آفتابه در خواب بر نهاده بود او قل زن دویم خادم ستم کثیر که چهارم توام سیم پن ششم عمر در از به قتم مال و نعمت هشتم خیر و بر
 نهم راحت از جهته زمان الحج بدانکه الحج را بتازی رعو و گویند اگر کسی در خواب بیند که الحج بهی خورد و دلیل که او را پنج و چهارمی رسد بقدر آن
 کرمانی گوید اگر بیند که الحج داشت یا کسی داد یا آنرا از خانه بیرون ریخت و از او بخزد و دلیل که از پنج و چهارمی اینم کرد و علی الحج خورد
 الحج در خواب در او هیچ خیر و منفعت نباشد آما س این سیرین که دیدن آما س در خواب مال بود اگر بیند که برتن او آما س پیدا شده
 بود و دلیل کند که بقدر آن او را مال حاصل کرد و خاصه چون که در آن آما س بریم بیند که بسیار بود کرمانی گوید اگر بیند که برتن او آما س بود
 چنانکه او را هیچ نماید و دلیل که بقدر آن مال غلال یا بدو اگر آما س حیان نباشد که بدو پنج نماید و دلیل بر مال حرام کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید
 که دیدن آما س برتن پنج وجه بود او قل مالش زیاده کرد و دویم زنی با منفعت خواهد سیم سپر آور و چهارم حاجتش روا کرد و پنجم
 اینم کرد و از عینها و اگر برتن خود را آما س بیند و دلیل که این پنج چیز که یاد کردیم او را حاصل کرد و آما س و انیال گوید که اگر کسی
 بیند که با آما س موی از تن بستر و دلیل که اگر مال دار و بقدر آن موی که بسترده بود او را مال حاصل کرد و اگر غمگین بود از غم فرج
 یابد و اگر دایم دارد و او را مالش گذارد کرد و این سیرین که یاد آما س کرد و در خواب توان کرد از یاد او مال بود و در ویش را گذارد و دایم
 و کا و از ایشان مسلمان باشد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که اگر آما س در خواب بر تنه و وجه بود او قل خبر بد بود و دویم سخنهای رشتناش
 سیم کارهای دشوار و عمارت کردن با آما س در نایل بدو و اینم این سیرین که یاد آما س معمول بخواب و دیدن نادید بود و اگر
 معمول بود چیزی از متاع دنیا بدو رسد بقدر آن و اگر بیند کسی بیند که آما س بوی دادند و دلیل که از متاع دنیا بقدر آن آما س چیزی بدو بگردد
 گوید که هر آما س که کسی بخواب بیند که آن بسبب صلاح دارد و از منسوب پادشاه بود چنانکه خدای عزوجل در کلام مجید خود فرموده است قل انما نؤتی
 النجید بینة فیه بائس شدید و منافع للناس و اگر بیند که آما س از سنگ بیرون می آورد و دلیل کند که او را سختی پیش آید
 قوله تعالی قل کونوا احجارا و اوحدا ید او خلقا متا یکم فی صد و کف جابر مغربی گوید اگر کسی بخواب بیند که آما س
 سیکرد و از ایل انکار بود و دلیل که او را با کسی خصومت افتد و اگر آما س بود و دلیل کند بر خیر و منفعت و بعضی از متبحران گفته اند که اگر
 بتاویل پادشاه بزرگش بود و او را این سیرین که یاد کردیم آما س بخواب چون معروف بود و دلیل پادشاه بود و اگر معروف بود و دلیل
 نیک و بد آنچه دیده بود و با آما س باز کرد و اگر بیند که آما س یا مس می گذاخت و دلیل کند که این کس مرد ما را از غیبت کند و شقی
 گوید حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر چه از آما س بخواب بیند که از وزن بود آن هم منفعت و قوه و ولایت و ثواب و ثواب و ثواب بود و اگر آما س
 گوید اگر بیند که آما س از اکران و دلیل که کثیره خبری او را حاصل کرد و اگر بیند که کاوی آما س برید و دلیل که ده شکر او را خبر بر آید و اگر بیند که آما س
 کله برید و دلیل که با کثیره بخلاف شریعت مجامعت کند و اگر بیند که پوست آما س را بکند و دلیل که با زنی غریب زنا کند

و اگر بیند که پوست آهوا می خورد و دلیل که او را از زنی خوب روی حاصل گردد و اگر بیند که پوست آهوا با گوشت یا پیاز اورد
عاید شد دلیل که او را از زن مال رسد و اگر بیند که آهوا بکشت و دلیل که از قبل زن اند و کین کرد و این سیرین که پدر اگر بیند که بی انگ
کرد و آهوا و رو سفید و دلیل که نیز کی را و پیشتر کی نبرد و اگر بیند که آهوا وقت شکار سفید و دلیل که غنیمت یابد و اگر بیند که آهوا
در خانه او بود و دلیل که از جبهه زن غم و اندوه بدور رسد و اگر بیند که آهوا بسکت یا به تیر نزد دلیل که سختی نماند و اگر بی زنی را با خبر بی
گوید اگر بیند که چاه آهوا گرفت یا کسی بدو داد و دلیل که ویرانگری که فرزند آید حضرت صادق علیه السلام فرمود که وینا بود خواب بر چاه و
بود اول زن و دوم که نکند ستم فرزند چهارم منفعت از زنان آواز این سیرین گوید که آواز مرد در خواب چون بلند بود دلیل
کند که در میان مردم بزرگی یابد اگر کسی بیند که آوازش بلند گشته بود دلیل کند بر قدر بلندی آواز و نام و با نکش بلند کرد و اگر بیند که
آوازش ضعیف گشته بود دلیل که با نکش و نامش ضعیف گردد و چنانکه کس یا داد و کند که مانی گوید بلندی آواز مردان را دلیل بر
بلندی نام کند اما بلندی آواز زنان و در خواب نیکو نباشد و بخلاف آواز مردان بود بسیاری آویختن و انیال گوید اگر کسی
بیند که پادشاه فرمود تا او را بیا ویرند و دلیل که از پادشاه حشمت و جاه و بزرگی یابد لیکن دلیل که در پیش خلایق افتد و اگر بیند
که هنگام آویختن مردمان نظر دوری میکردند و دلیل که بر عدالت و تقوم مهتری و فرمان روائی یابد اگر بیند که روی چرخ و ویران
و دلیل که بر تقوم مهتری و فرمان روا کرد و اگر بیند که پیری مجبور و پیرایا و بخت و مردمان بنظر آید و می بود و دلیل که بر خلق
جهان فرمان روا کرد و چون بیند که خوشان بنظر آید و می بود و اگر بیند که خوشین را بیا و بخت و می چکس روی بنظر آید
بلکه خوراک و بخت می دید و دلیل کند که خواهد بر خوشان خود مهتری کند و لیکن کسی مطیع او نگردد و جابر مغربی گوید چون ویران
بود و در لیسان برید و بیغدا و دلیل که از بزرگی و جاه و حرمت پیفتد آئینه ابن سیرین گوید که آئینه در خواب جاه و ولایت
بود و اگر بیند که آئینه داشت یا کسی آئینه بوی داد و دلیل کند که بعد از بزرگی آئینه جاه و منزلت و ولایت و نعمت یابد و اگر
بیند که آئینه کسی داد و دلیل که مال و متاع خویش پیش کسی نهند و اگر بیند که در آئینه سیمین نگاه میکرد و دلیل که از حرمت و جاه و
کرامت بیند زیرا که معجزان آئینه سیمین را کرده و بیند و اندک مانی گوید که اگر مردی در آئینه آئینین می نگرید دلیل که اگر زن
و می حاله بود پس آورد که بهیچ چیز مانند پدر بود و اگر زن بیند که در آئینه سیمین است و آئین بود و دلیل که دختر آید و اگر
چیز مانند مادر بود و اگر زن آئین نباشد و دلیل که شوهر را طلاق دهد و زن دیگر بخوابد و آئین شوهری دیگر کند و اگر بیند
که در آئینه نظر میکرد و دلیل که او را برادر می آید و اگر دختری نگاه کند و برادر خواهری آید و اگر پادشاه یا عالی نگاه کند معزول
گردد و ولایت از دست او برود و کسی دیگر بجای او نشیند جابر مغربی گوید که روی نیکو در خواب آئینه دید چون معروض
بود پادشاه بود و اگر معروض نباشد تاویل نکند و بد هر چه دیده باشد آئینه باز کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمودند
ویدن آئینه بجای شش وجه بود اول زن دوم پسر ستم جاه و فرمان چهارم یار و دوست است پنجم آئینه از ششم کار
و پنجم او گوید اگر مردی غیب آئینه در خواب بلند و دلیل که زن خواهد و بزرگی یابد و اگر دختر بیند و دلیل که شوهر خواهد و بر شوهر بزرگی

باز

حرف

در بخت

بیند

برای

و گرامی بود و اگر بیند که مردی مجنون آئینه بدو داد و در وی نگرست دلیل که بدین دوستی غایب شادمان کرد و
 او بدین در خواب و انیال کوید که بر بختاب دیدن برشش نوع بود اول بر سفید و سپاه و زرد و سرخ و بر بارنده و نابارنده
 و بر بختاب تعبیر مخصوص است و اگر کسی خویش را در زیر بر سفید بارنده و بدلیل که خدای عزوجل بر علم و حکمت ارزانی داد
 و مردمان از علم و حکمت او منفعت رسد و اگر بیند که در زیر بر زرد بود دلیل که بیمار کرد و بعضی از متعبان گفته اند که زنی خوابید
 و از وی رنج و غم و اندوه کشد اگر بیند که در زیر بر سرخ بود دلیل که بر محنت و بلا گرفتار گردد و زیرا که خدای عزوجل بر تو می که خدا
 و ستادی بخت بر سرخ برقراران ظاهر شدی و اگر بیند که بر فراز بر سر راست بایستد و دلیل که بقدر آن فرمان روائی باید و اگر
 بیند که بر سر سبزی میگذشت دلیل که او را با کسی نیکو جا و نیکو عهد صحبت افتد و مراوش از وی حاصل گردد و این سیرین
 اگر بیند که بر فراز بر سبزی میگذشت و او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر این خواب را با پادشاه بیند دلیل که در ولایت خویش
 رسولان و صاحب خیران فرستد و اگر بیند که بر فراز بر سبزی میگذشت و بر زمین آورد و دلیل که کارش نیکو گردد و بزرگی یابد و علم حاصل
 و اگر بیند که بر سر سبزی میگذشت و دلیل که در آن سال خیر و نعمت بسیار یابد و قوله تعالی وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا
 عَلَيْهِمُ الْمَنَّانَ وَالتَّكْوَى كَلَامًا اگر بیند که از بار باران بود و دخت بود و پوشید دلیل که چندان علم حاصل کند که کس را
 نبود و اگر بیند که بر سر سبزی میگذشت و دلیل که بدو گرمانی کوید که اگر بیند که بر فراز بر سبزی میگذشت و دلیل که در میان حکیمان ممتاز شود و در دانش یکانه گردد و جابر مغربی کوید که اگر بیند که بر فراز بر سبزی میگذشت و دلیل که چندان علم حاصل کند که کس را
 حکمت بود و اگر بیند که بر سر سبزی میگذشت و دلیل که بر فراز بر سبزی میگذشت و دلیل که چندان علم حاصل کند که کس را
 حجتی نزد یکتا بود و اگر بر باران بیند دلیل بر حجت و خیرات کند اگر بیند که از بار باران بود و دلیل که بقدر آن میراث نیکوئی رسد و اگر
 با بر باران و در حدیث بود و دلیل که بر سر سبزی میگذشت و دلیل که چندان علم حاصل کند که کس را
 ضاعقه را عذاب صعب تر بود و اگر بیند که در خانه وی و جایگاه نشستن بر کسره شده است دلیل که فرزند او را پیش
 حکمت بود و دلیل که بر سر سبزی میگذشت و دلیل که چندان علم حاصل کند که کس را
 و ویم ریاست سیم پادشاهی چهارم حجت پنجم بر سبزی میگذشت و دلیل که چندان علم حاصل کند که کس را
 کوید که بر سر سبزی میگذشت و دلیل که بر سر سبزی میگذشت و دلیل که چندان علم حاصل کند که کس را
 در باران که تبارزی آنرا سفید خوانند دیدن وی در خواب غنیمت بود و بر قدر آنچه دیده بود او را بر سر سبزی میگذشت و دلیل که چندان علم حاصل کند که کس را
 دیدن خواب وین بود و اگر بیند که بر سر سبزی میگذشت و دلیل که چندان علم حاصل کند که کس را
 که بر سر سبزی میگذشت و دلیل که بر سر سبزی میگذشت و دلیل که چندان علم حاصل کند که کس را
 چیزی که از آنچه میگوید را بدنامی و فساد وین حاصل کرد و اگر بخلاف این بیند دلیل که قصد چیزی کند که دیرانیت نامی صلاح
 وین حاصل آید و اگر بیند که بر سر سبزی میگذشت و دلیل که چندان علم حاصل کند که کس را

و

باید
باید
باید

اگر کسی بر وی خوشتر بخت دید و یکدگر کند و دید دلیل کند که در مال و جاه و وی نقصان افتد و بعضی گفته اند که دلیل
بر نقصان زینت دین وی کند اگر بشم بد آنکه تاویل بر ششم چنانکه تاویل قریب و دور حرف قاف گفته میشود و خواهد شد بلعین
و انیال کوید که دیدن بعین بخار بلیل بر دشمنی بود بدین و دروغ زن و فریبده و بشیرم و نو میدانیکی و مردمان همه بدی است
و شرف و فساد اگر بیند که با بعین در جنگ و نبرد بود و او را قهر کرد و دلیل که در اینجا صلاح میل بود و اگر بیند که بعین بر وی غلبه کرد و دلیل
که بر او شرف و فساد و مال بود و اگر بیند که بعین با وی سخن میگفت و دلیل کند که او را از راه بگرداند و او را از طاعت باز دارد و اگر بیند که بعین
او را نصیحت میکرد و وی را خوش می آمد و دلیل که او را هم مال و هم بدن حضرت رسد و اگر بیند که بعین دست او گرفت و بجائی میرود
و او گفت که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دلیل که بجای بزرگ مبتلا کرد و بعد از آن ضیعت کسی از آن گناه باز آید
و اگر بیند که بعین را بر گردن نعل نهاد و دلیل که اهل دین و صلاح را شادی رسد و اگر بیند که بعین ضعیف و در مانده بود و دلیل که علما
و مردمان مصلح را توت بود و گرامی کوید اگر بیند که بعین را مطیع شد و دلیل که بهوای نفس مبتلا کرد و اگر بیند که بعین چیزی را عطا
داد و اگر آنچه نیک بود و دلیل که مال حرام یا بد و اگر آنچه بد بود و دلیل بر فساد دین کند و اگر بیند که بعین شاد و مفرح بود و دلیل که کار
مردمان بفساد و قوی کرد و اگر بیند که بعین را خواست که شمشیر زند و بکشت و دلیل کند که ولایتی بدست آورد و عدل
و انصاف کند و اگر بیند که بعین را بکشت و دلیل که نفس خود را قهر کند و راه صلاح و رزق و از بیم دین سیرین کوید اگر بیند که از زیر
داشت دلیل که بر قدر آن ویرا چیزی را ستاع دنیا حاصل کرد که در زیر آلتها بود چون کاسه و طبق و مانند این و واند که ملک است
و دلیل که بقدر آن ویرا خدمتکار و چراگر بود و گرامی کوید اگر بیند که از زیر می که اخت و دلیل بود که در زبان مردم افتد بدی خضر صفا
فرماید که دیدن از زیر در خواب سه وجه بود و اول منفعت و دوم خدمتکار ستم متاع خانه از ش ابن سیرین کوید اگر بیند که بارش
یا چیزی دیگر بارش می پیچد و او را سود و منفعت بود جابر کوید اگر بیند که رسن یا جامه شین بود و دلیل که در سفر بقدر آن مال حرام بدست
آید ابن سیرین کوید اگر در خواب بیند که بازه درختی را و گیل کند که از صحبت مردی که تعلق بدان درخت دارد و مغارت جود و او را بسیار
و تاویل بر درختی در حرف و ال بیان کنیم و اگر بیند که فرزند یا برادر یا خواهر خویش را بازه بدو پاره ببرد و دلیل که مانند آن ویرا فرزندی
و دیگر بیاید یا برادر یا خواهر گرامی کوید اگر بیند که آره فرا گرفت یا بخرید یا کسی بدو داد و دلیل که اگر سپردار و ویرا سپر سیس و دیگر
و اگر خوشتر و وی را خوشتری و یکدگر آید و اگر فرزند ندارد و چهار پای دارد و دلیل که چهار پائی مثل آن ویرا حاصل کرد و خضر صفا قوی فرماید که آره
در خواب دیدن بر سه وجه بود و اول فرزند و دوم خواهر یا برادر ستم انباز این را ابن سیرین کوید که ایزار در خواب زن بود و اگر بیند
که ایزار و میان بست دلیل که زن خواهد یا کنیزی خورد و اگر بیند که ایزار وی ضایع شد و دلیل که از زن جدا کرد و اگر بیند که ایزار
ببرد و دلیل نقصان و عیب زن بود و اگر بیند که ایزار وی با شش سوخت و دلیل آفت و بیماری زن بود و جابر مغربی کوید اگر بیند که ایزار
بشیرین یا پیچیده بود و دلیل که زن او ستیزه و دین دارد و اگر بیند که ایزار کس و چرکن داشت تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که ایزار
خرین یا بر شین داشت و دلیل که ویرا زنی معاشره یا منکر بود و پیغمبری و انیال عک کوید اگر بیند که او پیغمبری شد از جمله پیغمبران و طعن

باید

باید

باید

باید

باید

بخدا منتهی اند و راه توحید همی نمود و دلیل کثرت محنت و بلا گرفتار کرد و بعد از آن بروشمنان ظفر بیدار کرد و اگر بیند که راه درست
 همین دلیل کند لکن محنت و بلا می وی در دنیا کمتر از آن بود و اگر بیند که او هشتم و نوا نکر کرد و بیعت و دنیا بروی فراخ کرد و اما دین را
 تنه کرد و کرمانی گوید اگر بیند که مام وی تغییر شد چنانکه او را بنام نیک خوانند چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی
 و شل این دلیل بود که او را بزرگتر و نیکو سازند و اگر بخلاف این بیند مردمان و برایش و بدی می کنند و اگر بیند که او یاد شده و اما
 یا قاضی شد و دلیل که در شغل خویش عدل انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این بیند دلیل شر و بدی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که
 صلاح نفسا و متبدل شد و دلیل که بر بخشی و او باری وی و اگر بخلاف این بیند دلیل بود بر سعد و اقبال و دین و دنیا می وی از او
 این سیرین گوید از او را بخواب دیدن دشمن بزرگ و اندر دشمنی قوی بود و اگر بیند که از او بی داشت دلیل که بزرگان
 اگر بیند که با از او با جنگ و نبرد میگرد و بر او خیره شد و دلیل که بر دشمن او را جنگ و خصومت افتد و سر انجام دشمن را قتل کند اگر
 که از او را بکشت و کشت وی بخورد و دلیل که بر دشمن ظفر بیدار و مال بتاند و هزینه کند جابر مغربی گوید اگر بیند که از او را بخورد
 و دلیل که بر دشمن بود که دشمن و بر او پاک کرد و اند اگر بیند که بر پشت از او نرفته بود و از او مسطح و فرمان بر او بود و دلیل که
 بزرگ و بر او مسطح و فرمان بر او و کارهای او بنظم کرد و اسپندان کرمانی گوید اگر اسپندان بیند دلیل عم بود اگر بیند که
 همی خورد و دلیل که بقدر آن و بر او غم و اندوه رسد اگر بیند که کسی اسپندان بد و او دلیل که غمی از آنکس بر او می حاصل کرد و اگر بیند که
 اسپندان او بخشی و او غمی از وی بر دل او حاصل کرد و اسامعیل اشعث گوید اگر بیند که اسپندان داشت لکن بخورد یا بکسی او
 یا از خانه بیرون رفت و دلیل که او را غم و اندوه کمتر بود و اسب و انیال را گوید که اسب تازی را بخواب دیدن دلیل بزرگی
 و غر و جاه بود و اگر بیند که بر اسب تازی نشسته بود و آن اسب مسطح و فرمان او بود و دلیل که غر و بزرگی و دولت باید بر قدر
 نیکوئی و قیامت اسب اگر بیند که اسب را فرار گرفت و نه تازی بود یا کسی بد و او دوبروی نشست دلیل که شرف و بزرگی باید
 لیکن کمتر از آن که در اسب تازی کفتم و اگر بیند که اران اسب چیزی کم بود یا زین یا بند زین یا لکام و دلیل که بر قدر آن نقصان
 و بزرگی او بود و اگر بیند که اسب ویران نبوده و دراز بود و دلیل که بر قدر آن وی را خادمان باشند و چاکران و اگر بیند که زین
 اسب او بریده بود و دلیل که ویران خادمان و چاکران نباشند اگر بیند چیزی از اندام اسب و ناقص بود و دلیل که بقدر آن از غر و شرف
 او نقصان بود و اگر بیند که با اسب جنگ و نبرد همی کرد و اسب غالب بود و فرمان بروی نبود و دلیل که معصیت و کناه کند محبت
 این سیرین گوید اگر کسی بیند که بر اسب برهنه نشسته و دلیل که معصیت و محبت و کناه او بیشتر بود اگر آن اسب از کسی دیگر بود آنچه
 خداوند اسب را بود و اگر بیند که اسب برهنه بود لکن مسطح او شد و دلیل بزرگی و شرف او بود و اگر بیند که بر اسب نشسته بود و آن
 اسب بر بام خانه یا بر دیوار ایستاده بود و دلیل آنچه گفته ام از کناه بیشتر و صعب تر کند و اگر بیند بر اسب نشسته بود و آن اسب در
 حی پرید یا بیند که آن اسب را پر تا بود چون مرغ همی پرید و دلیل که بر شرف و بزرگی بود و دین و دنیا باشد که خداوندش سفر کند
 کرمانی گوید اگر بیند که بر اسب ابق نشسته بود و دلیل که کاری کند که بروی کواهی دهند و اگر بیند که بر اسب سیاه نشسته بود و دلیل که

سیاه

سیاه

سیاه

سیاه

کند که ویرا مال و همتی حاصل کرده و اگر بید که بر اسب کیت نشسته بود دلیل که از پادشاه فوت و بزرگی یابد و اگر بید که بر اسب
 اشخرب بود دلیل که بر صلاح دین و حرمت او از پادشاه و اگر بید که بر اسب زرد بود دلیل که اندک بیماری یابد و بر اسب سهند
 دلیل بود و اگر بید که بر اسب خرم بود دلیل که بدخیر و صلاح و اگر بید که بر اسب سبب بود دلیل که زن خواهد و اگر بید که بر اسب فرو داد
 دلیل که از شرف و بزرگی برفت و اگر بید که بر اسب برهنه فرو آورد دلیل که از گناه و محصیت باز آید و اگر بید که بر اسب نشسته بود و
 تمام پوشیده بود دلیل که شرف و بزرگی یابد چنانکه کس را از آن مانع نباشد و دشمن بر او ظفر نیاید و اگر بید که بر اسب ای تاخت تا
 جنگ کند دلیل که از وی گناهی در وجود او نیاید و همی بدور رسد بر قدر تافتن اسب و اگر بید که بر اسب نشسته بود
 و اسب او را در مسجد برود دلیل که هیچ خیر از این نبود مگر بید که اسب او را از آنجا بیرون آورد و اگر بید که اسب او را مر اعتر
 بی کرد دلیل که مال و دولت یابد و اگر بید که اسب با وی سخن گفت دلیل بود که کاری کند که مردان را از آن شکفتند
 و اگر بید که اسب بیکانه در سرای وی درآمد یا در کوچه وی دلیل که مردی شریف نام دارد و سرای او در کوچه وی درآمد بقدر
 و حقیقت اسب در آنجا مقام سازد و اگر بید که اسی از کوچه او بیرون رفت دلیل کند که مردی شریف نام دارد و در کوچه
 او غایب گردد یا بمیرد و اگر بید که اسب مادیان فرا گرفت یا کسی بدو داد و بروی نشست دلیل کند که زن
 خواهد و بروی مبارک بود و اگر بید که آن مادیان بگونه سیاه بود دلیل کند که آن زن شریف و نامدار نباشد و اگر بید که آن
 مادیان ابلق بود دلیل کند که زن را مادر و پدر از یک نسل نباشند و اگر مادیان جرمه باشد دلیل کند که آن زن خوب
 روی و با جمال بود و اگر آن مادیان سبز رنگ باشد دلیل که آن زن دین دار و پرستگار باشد و اگر اشقر بود دلیل که آن زن
 غرور و خداوند جاه بود و اگر کبیت بود دلیل که آن زن معاشر و طرب دوست بود و اگر بید که آن مادیان کره داشت
 دلیل کند که زن را فرزند بود چنانکه اگر کره او نر بود دلیل که آن زن را پسر بود و اگر ماده بود دلیل کند که فرزند زن دختر بود
 و اگر بید که کشت اسب بی خرد دلیل که پادشاه او را خاستار کرد و بدو بخوابیدن نزدیک کند و اگر بید که در پس کسی
 با سپ نشسته بود دلیل کند که آن مرد که در پس وی نشسته بود تاج او کرد و اگر بید که اسبان بسیار پیر من سر یا کوچه او بود
 دلیل که در آن موضع باران بارد یا سیلاب روان کرد و اسمعیل اشعث کوید و اگر بید که بر اسب رهوار نشسته بود دلیل
 که او را صلاح بر نی بجا دهد و اگر اعلی آن نباشد زیرا که با چنین فی مصاحبت اخذ و از او منفعت نیکویی یابد و اگر بید که گوش
 اسب او بریده بود دلیل کند که پیغام مهتران از وی بریده کرده و اگر بید که اسب بر در آمد و زود برخواست دلیل کند که
 بعضی از شغل وی خلع افتد و دیگر بار بصلاح باز آید و اگر بید که اسبی خرد بی دم و برافشست دلیل کند که زنی بی حسن را بر زنی
 بخواند و اگر بید که با اسب بهوایر شده و بعد از آن از هوا فرو آمد دلیل کند که بر دست پادشاه پلاک کرد و اگر بید که اسب
 ویرا لکد زود یا بگریز دلیل که عیالش بزمانه مشغول کرده و اگر بید که کسی اسب ویرا بدزدیم بود که عیالش پلاک کرد و اگر بید
 که اسب وی کم شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بید که اسب خویش را بفروخت دلیل که غوغا و او کم کرد و یا عیال از وی جدا

بسیار

کرد و اگر بیند که بر اسب بازگشته نشسته بود و دلیل که از وی بقصد کاری منکر پیدا کند که در آن ویرامضرت و علامت بود جای
 گوید که اسب در خواب بر روی بینه نفس خواب بود و اگر اسب پیش اسرکش بنید و دلیل کند که بر روی نفس او سرکش باشد و اگر بیند
 که اسب پیش مطیع و فرمان بر او دلیل که بر روی نفس او صعب تر بود و بداند که بر اندامی از اندامهای اسب رانسانی
 بود و از پادشاه و اگر خون پادشاه را بر اسب بنید غرور صفت او بود و مردم عامه را اسب نجاب دیدن غرور صفت بود و اگر
 بیند که اسبی محمول از محلی بیرون آمد و دلیل که یکی از بزرگان محله از دنیا برود اما خالداصفهائی گوید که اسب بالائی نجاب
 بخت مرید بود و هر چند بالائی فرمان بر او تر باشد بختنا و مطیع تر فرمان بر او تر بود اگر بیند بالائی در شتر یا بر روی یا در سرکش و دلیل که مرید
 عجمی در اینجا پیدا شود اگر تکیه که بر اسبی دراز و دم نشسته بود و دلیل کند که ویرا تبع زیاد و کرد و بقدر درازی و دم اسب و اگر تکیه
 این بیند دلیل که حال بروی بد کرد و عیش بروی تنگ کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که اسب در خواب بر سرخ و جبه
 بود اول خود و دوم مرتب سیم فرمان روانی چهارم بزرگی پنجم خیر و برکت چنانکه رسول خدا فرمود الحمد لله لیسر معقود و
 الخیل و البرکت الی یوم القيمة و الذل فی اوبار البقر و اگر بیند که بوزینه بر اسب او نشسته بود و دلیل که هر دو ی باز و ی
 فساد کند و اگر بیند که سکی بر اسب او نشسته بود و دلیل کند که مغی باز و ی فساد کند و ستر این سیرین گوید که چون ستر
 خواب بیند اگر مطیع نبود و روی بد و غمی چون مطیع بود و نیک بود و اگر بیند که بر استری بی زین نشسته بود و ندانست که ستر از آن
 کیست دلیل کند که بسفر رود و اگر بیند که بر ستر خویش نشسته بود چون سفر کند با سود و منفعت آید و اگر بیند که بر ستر زین با پالان یا
 عمارتی نهاده بود و دلیل کند که زن او نازا زاییده بود و خاصه که داند ستر ملکات و بود و یا کسی بر او بنشیند و بود که مانی گوید که اگر بیند که بر
 ستر نهاده سیاه نشسته بود و بلند بالا بود و دلیل که زنی خواهد که خداوند حرمت بود و اگر ستر را بگونه سفید بیند آن زن که خواهد با جمال
 و خوب روی بود و اگر ستر بگونه سبز بیند دلیل که آن زن دین دار و پرستگار بود و اگر ستر بگونه سرخ بیند دلیل که آن زن مطرب
 و دوست بود و اگر ستر بگونه زرد یا اشقر بیند دلیل که آن زن بهارگون و زرد روی بود و اگر ستر را بر سینه و رام کرده بیند دلیل
 که ببرد و ی ضعیف جابر مغربی گوید که ستر نهاده در خواب مولاراده بود و اگر ستر بود و سفر بود و بعضی از استادان این
 صناعت گفته اند که ستر نر مرد بود و ستر ماده زن و اگر بیند که کسی ستر ماده بخرد دلیل که آن کسی که بیند که ستر نر
 بفروخت دلیل که بیند که بفروشد یا از گنیک جدا کرد و اگر بیند که ستر ماده نشسته بود و دلیل که زنی کند که هرگز ویرا فرزند نیاورد و اگر بیند که بر ستر
 مود و دلیل که عمر وی دراز بود و مژگان حاصل کرد و اگر بیند که ستر از پس می سپید و دلیل که ویرا عجمی سید سحیل اشعث گوید که اگر بیند که ستر نر
 و دلیل کند بزیادتی مال از جهت زمان و اگر بیند که ستر ی سخن گفت و دلیل کند که کار عجب و پراشاید که هر مان را از آن گفت و اگر بیند که ستر
 و دلیل کند که مال یا بد و اگر بیند که ستر وی بر روی ضایع شد و دلیل که ناز از آن زن که ستر کرد که اگر ستر و دلیل که او بصحت مردی
 جدا کرد و بداند که گوشت و پوست ستر مال بود و بعضی از متبحران گفته اند که گوشت
 که ببرد و شواری و ترس و بیم وی بقدر شتر که خورده بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که

بسیار

که ماده شتر می کند
 جدا شود و او را می پزند

بسیار

مستحق

طرب

محتاج

نیست

دویم زندگانی درازتیم ظفر دشمن چهارم جمال و آرایش پنجم مرد محقق بود و استراوده زوت و بزرگی یابد و اگر میند که بر آب
 و یافتن مراد بود استخوان ابن سیرین گوید که استخوان در خواب مانی بود که مردم بدان معنیست که یابد و بر اسب سهندین
 و بران استخوان گوشت بود و دلیل کند بر قدر آن گوشت خیر و مال یابد و اگر میند که بی گوشت بود و دلیل کند که اگر میند که از اسب فرو آید
 که او کسی استخوان و او دلیل که از او بداند که کسی خبر رسد که مانی گوید اگر میند که استخوان کسی را شکسته بودی که اسب یا حی یا تاخت تا
 که ماکون یابد و کردار نیک کند و بعضی از مفسران گفته اند که کار مینویالی از او بنوا کرد و حضرت صادق علیه السلام که اسب یا حی یا تاخت تا
 بهشت و جود او اول مال و مال دویم خنیاان پنجم فرزندان چهارم قیم خانه پنجم مال ششم برادران هفتم مال ششم برادران هفتم مال ششم برادران هفتم مال ششم
 بدانکه استغفار کردن استغفار الله بود و بعضی از مفسران گفته اند که کار مینویالی از او بنوا کرد و حضرت صادق علیه السلام که اسب یا حی یا تاخت تا
 که ایند تعالی بر او مال و فرزندان را زی دارد و چنانکه در کلام مجید فرموده است قوله تعالی و استغفر فانکم انما کان عقاب الذین
 استغفروا علیکم و قد رزقوا و یبکون و کما یاموال و بینین حضرت صادق علیه السلام فرمود که استغفار کردن در خواب چهار و جود او اول
 مال دویم فرزندان پنجم از حق تعالی چهارم توبه کردن از گناهان اسطراب کرمانی گوید اسطراب در خواب تباه و تباه اسطراب
 بود و مهتر بزرگ اگر میند که اسطراب و شت یا از کسی خبر رسد که کسی بد و او دلیل که از صاحب سلطان کرد و دو مهتر فدی کرد و اگر میند
 که اسطراب و ضایع کرد و دید یا شکست دلیل کند که جاه و منزلتش نقصان یابد جایز مغربی گوید اگر میند که در اسطراب باقی نماند
 میکرد و دلیل که بشن سلطان یا بشغل امیران وی مشغول کرد و از ایشان خیر و منفعت بیند و بعضی از مفسران گفته اند که اسطراب
 در خواب مردی بود که ویران شای نباشد و بر کار پاینده نبود اسفاناج ابن سیرین گوید و یدین اسفاناج در خواب تباه و تباه
 بوده و خوردن وی دلیل بر مصرت و نقصان مال بود اما اگر میند که گوشت بچینه بود و دروغن و از او همی خورد و دلیل بر خیر و منفعت
 کند بر قدر آنچه خورده بود است ابن سیرین گوید اگر کسی خود را بر شتری مجهول میند که بشتاب همی رفت و دلیل کند که سفر
 و اگر میند که بر شتری جولان همی کرد و دلیل که نمکین و متغیر کرد و اگر میند که بر شتری نشسته بود و راه مکرده میراند و ندانست
 که راه راست کجاست دلیل که در راه خویش فروماند و هیچ تدبیر آن نتواند ساخت و اگر میند که ماهه شتری یافت دلیل کند که
 خواهد و اگر شتر باجی بود آن زن که خواهد با فرزند بود و اگر میند که شتر از پس او همی دید و دلیل که نمکین کرد و اگر میند که شتر از وی رو برد
 و طبع او نشد دلیل که اندو کین کرد و او نهال گوید اگر میند که بر شتر شتم آلود نشسته بود و دلیل که مردی بزرگ غلبه کند و اگر میند
 که با شتر جنک و نبرد میکند و دلیل که با مردی محب که با او دشمن بود مرا و با وی خصومت افتد و اگر میند که ریش شتران را همی چرای
 و دانست که از جهالت بود و دلیل کند که ویرا و لایبی بود و مردم آن ولایت فرمان روا کرد و اگر میند که شتر را همی پوشید و دلیل که
 از پادشاه مال یابد بر قدر آن شیر که پوشیده بود و اگر میند که بجای شیر از پستان شتر غن آن دلیل که آن مال که بدو رسد حرام بود و اگر میند
 ویرا لکد و یا کسی بدو بخشد یا از کسی او بخرد و دلیل که زن خواهد یا کینین بخرد و اگر میند که ماهه شتری که از او بود بکینیت یا در و بر و دلیل که از این
 که اسب و میکیان اینان خصومت افتد و اگر میند که ماهه شتر او بر و دلیل که زنش میرد و اگر میند که شتر او بر و دلیل که زنش بکینیت یا در و بر و دلیل که از این

بازگشت

دودا اگر بنید که براسب باژ که با سیدی که دار و برسد اگر بنید که گوشت شتر میوز و دلیل که میار کرد و کرانی که یارگر بنید که کسی گوشت شتر بسیار داد
یکه که اسب و خاسب های بزرگ گوشت شتر و اگر بنید که شتر را قربانی میکرد و گوشت او را بهر کسی داد و دلیل که مردی بزرگ در اینجا قربان کرد و میپرسد
که اسبش مطیع و فرمان قبول در پس آدمی آمد و دلیل که سر کشته و تفکر کرد و اگر بنید که شتر را قهر و زبون خویش کرد و دلیل که دشمن را مقهور و زبون
بود و از پادشاه و اگر خون یا شتران و زندی میاد و روی جمع میکرد و بنده دلیل که در اینجا دشمن جمع شود و پاسبان در اینجا خرابی کند یا بیماری در
بنید که پس مجهول از غفلتی کرد و اگر بنید که شتران را بکند و وجود داشتند دلیل که از آن دشمن در اینجا خیر و برکت بود و جابر گوید اگر بنید که
بخت مرد بود و چند بالا نشسته بود و دلیل که اند و بکین کرد و اگر بنید که اندام شتر روی خون زایل شد و دلیل که سعادت و نعمت دنیا یا بد بقدر
عجی در اینجا پدید آمد اگر بنید که منار شتری میکشید و دلیل که با مردی فرمان بردار و را خصوصیت افتد اگر بنید که در میانان شتر بسیار یا در پیش
بزرگی و فرمان روائی یا بد بر جماعت بیان کرد و اگر بنید که دو شتر سیاحت دلیل که مال یا بد و اگر بنید که کسی وی ر شتری را
و دلیل که بقدر و قیمت آن منفعت یا بد از کسی اگر بنید که قومی شتری بکشند و گوشت آنرا قسمت کردند و دلیل که در آن موضع مردی
بزرگ بپیرد و مال ویرا قسمت کنند میراث اسمعیل اشعث گوید اگر بنید که شتران بسیار داشت و داشت که آن جمله ملک است
و از شتران اعرابی بودند و دلیل که در دیار عرب پادشاه کرد و اگر شتران عجی بودند و دلیل که در دیار عجم پادشاه کرد و اگر زنی بنید که شتر را
بجز و دلیل که از پادشاه مال و نعمت یا بد و بدانکه پوست شتر نیز همین دلیل دارد و بعضی از متعبران گفته اند که میراث یا بد اگر بنید که شتر
با او سخن گفت دلیل که خیر و نیکی بدو رسیده و حضرت عیسی و قیام نماید دیدن شتر در خواب برده و وجه بود او قل پادشاه عجی و دهم مردی به
سستم مرد و من چهارم سیلن تخم فتنه ششم آبادانی هفتم زن هشتم حج نهم نعمت دهم مال و شتر عربی دلیل بر مرد و عجمی
و شتر عجمی دلیل بر مرد و عجمی و بدانکه شتر بانی تاویل خداوند تبارک و تعالی بود و راست کننده کار با بود و همچنین است شتر مرغ
ابن سیرین گوید که شتر مرغ و خواب مرد و بیابانی بود اگر شتر مرغ ماوه بود زن بیابانی بود اگر بنید که شتر مرغ ماوه گرفت یا کسی بدو
داد و دلیل که زنی بدین صفت که گفتیم بخوابد یا کینک بخرد و اگر بنید که بر شتر مرغ نشسته بود و دلیل که سفر بیابان رود و بعضی از متعبران
گفته اند که بر مردی بیابان نشین خالک کرد و دو بجاری بزرگ رسد کرانی گوید اگر بنید که شتر مرغ را بکشت دلیل که بر مردی بیابانی
دست یا بد و او را قهر کند و اگر بنید که خانه شتر مرغ یا پیر یا سخنان او داشت دلیل که از مردی بیابانی ویرا مال حاصل کرد و اگر بنید که
شتر مرغ داشت دلیل که فرزند مرد و بیابانی او را حاصل کرد و جابر مرغی گوید اگر بنید که با شتر مرغ نشست و آن شتر مرغ او را مطیع بود
و او را در هوا برد و دیگر باره از هوا بر زمین آمد و دلیل که با مرد و بیابانی بسفر دور شود و باز آید با سود و منفعت بسیار و اگر بخلاف این بنید
بد بود شتر غاز ابن سیرین گوید که دیدن شتر غاز بخوابد یا بلیل غم و اندوه بود و اگر بنید که شتر غاز گرفت یا کسی بدو داد و از او مرغی
و دلیل که بد بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بنید که وی از آنجسی و او را بفروخت دلیل که غم و اندوه رسته کرد و اگر بنید که شتر غاز داشت
و بخورد و شتر همی داد و دلیل که آنکس از بهر آن شتر اندوکیدن کرد و اشک کرانی گوید اگر بنید که اشک سرد از چشم او بهی بارید و دلیل که
که شادی و خرمی یا بد اگر بنید که اشک بارید و دلیل که غم و اندوه و در مسند کرد و اگر بنید که بی کریش اشک بر روی او بود و دلیل که

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بسخن طعنه زنند اگر بیند که در چشم وی بجای اشک گرد خاک جمع شده بود دلیل که بقدر آن مالی حال بی رنج بدورسد و اگر بیند که
 بروی او فرو و آمد دلیل که مال خویش را بهر نیک کند حضرت صادق ع فرماید که در خواب دیدن اشک که از چشم آید بر بسته و جبهه او آلود
 و خرمی و دیم غم و اندوه سیم نعمت بود ایشان این سیرین گوید دیدن ایشان بخواب لیل بر غم و اندوه کند و خوردن او دلیل بر
 بیماری اصلح بدانکه اصلح بقای سیم و غم سر بود این سیرین گوید اگر کسی صلح سر خواب بیند که بر سر او موی رسته بود دلیل که او را مالی اندک
 حاصل کرد و اگر بیند که او اصلح شد دلیل که از غم و اندوه رسته کرد و اگر از زنی بیند که اصلح شد دلیل که در زینت کارایش او نقصان
 پذیرد و گمانی گوید که اصلح دیدن بخواب باز رکان را فایده بود و پیشه کار را کسب و صناعت و پادشاه را تفکر و زمان را نقصان
 بود و فروشته این سیرین گوید که فروشته آن بهر بود که در وی غفران نباشد چون اندک بیند سخن خوب و لطیف و خوش بود
 و چون بسیار بیند مالی بود که برنج و سختی بدست آورد اگر بیند که اندک فروشته کسی با و او بود و دلیل که اگر آنکس سخن لطیف
 شنود چنانکه موافق طبع بود اگر بیند که فروشته بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی حاصل کرد و حضرت صادق ع فرماید
 که خوردن او فروشته بخواب بر بسته و جبهه او آلود سخن لطیف و دیم مال سیم مراد یافتی که در دل بود و افسرد و گمانی گوید که خوردن او
 در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که چیزی افسرد و همی خورد و دلیل که بقدر آن دیر غم و اندوه رسد اگر بیند که افسرد و کسی بد و او را
 وی بخورد و دلیل که با کسی او را جنگ و خصومت افتد و اگر از وی هیچ نخورد و اندوهی بوی نرسد جابر سغری گوید که خوردن او
 در خواب لیل کند که او را جنگ و خصومت افتد و علی الجملی هر چه خوردن افسرد نباشد افسون این سیرین گوید که افسون
 در خواب فریفتن مردم بود و گمان افسون که بنا همای خدای عزوجل و بایات قرآن بود و چون افسون کرد در خواب بیند که از آن
 با کسی دیگر ریشخند و راحت پیدا مد دلیل که از غم و رنجت کام دل رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر غم و اندوه کند که گمانی گوید که
 کردن بخواب کار باطل بود چون بوقت افسون ذکر خدای عزوجل را گوید و اگر افسون بقرآن و نامهای حق تعالی کند دلیل که اگر کسی
 کند بحق و رستی و از آن و چای و صلاح و وجهانی رسد افسون این سیرین گوید که دیدن افسون بخواب لیل کند بر غم و اندوه خوردن
 وی دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند الله دیدن و انیال گوید که الله در خواب پادشاه قوی با سبب و شکر بود چنانکه همه کارها
 نرسد اگر بیند که الله را گرفت یا کسی بد و او و آن الله فرمان بر و طبع او بود و دلیل که در نزد پادشاه خاص و مقرر کرد و اگر بیند
 که الله را بر گرفت و بر بهر او بر و دلیل که بفرمان پادشاه سفری کند و در آن بزرگی و ناموری یا بد این سیرین گوید اگر کسی
 کند که الله بگوید و آمد دلیل که پادشاه در آن کجی فرو و آید اگر بیند که مردم آنکو چه الله را بکشند آن از مملکت عزول کرد و یا
 شود و اگر بیند که الله را بر گرفت و دلیل که پناه پادشاه شود و اگر بیند که الله از دهان چیزی بدر آورد و دلیل که الله
 آنچه از پادشاه عطا یا بد و اگر بیند که الله از دست او بر دشت یا چیزی دیگر دست او بماند دلیل که پادشاه بر وی خشم
 گیرد و او را از خود دور کرد و اندوهی از مال او بستاند که گمانی گوید اگر بیند که الله از دهان شکار می گرفت دلیل که مال و خزانه پادشاه
 در تصرف او قرار گیرد اگر بیند که الله را بهر امانت یا بچکال بزد و دلیل که او را از پادشاه رحمت و ملا رسد و مالش بستاند و اگر بیند که

بسیار

شماره

تاریخ

فصل

فصل

فصل

فصل

فصل

فصل

باب

ترش غم و اندوه و ناری که نماند ترش یا شیرین بود بغیر شرح بن اما شیرین بود جا بخوری گوید اگر کسی بیند که ناز شیرین بود خوشی
 خورد و دلیل کند که هزار درم بیاید یا اینکه کمترش بچاود و شمار بود که بیاید و باشد که آنچه دیگر گفتیم درم بیاید پس معتبر باید که بقدر همت بزرگ
 مردم تاویل کند و اگر بیند که ناز بوستان همی خورد و دلیل که بعد و هر دانه و را چوبی بر نند در همه چیز ناز ترش خوردن و وقت و بیوقت
 بهر بود و حکم ناز شیرین میان بود که زمانی گوید اگر کسی بیند که ناز شیرین بود خود میخورد و اگر باز کان بود قماش و متلع او را و کج کرد و
 و اگر مسافر بود و دلیل که سفرش مبارک بود و با سود و منفعت بود و اگر بیند که وانهای ناز یافت یا کسی بدو داد دلیل که وقت آن ویرانی
 رسد اگر بوقت بود و اگر بوقت و اگر ناز شیرین با پوست و پیله آن میخورد و دلیل که از همه چیز بخورد واری یا به حضرت صادق علیه السلام میگوید که خوردن
 ناز شیرین در خواب بر سه وجه بود اول حال جمع کرده بود و دوم زن یا ساسیم شهر آبادان و لیکن نازش غم بود و سوم عجل شدن که به
 اگر با شاه و بیند که ناری داشت و ولایت یا شهر یا بد و رئیس را وی بود و باز که ناز ده هزار درم و یا زار یا هزار درم و مردم در شهر
 ده درم یا یک درم بود آنچه این شیرین گوید که خوردن آنچه خواب اگر و نقش بود و اگر بیوقت بدو و اگر بیند که آنچه می خورد و یا جمع
 میکرد یا کسی بدو بخشد و دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد و باشد که کاری کند که از آن پیشانی خود در زمانی که بدید که آنچه خورد و خواب دید
 و خوردن و دلیل بیاری کند و آنچه سیاه و دلیل بر غم و اندوه و آنچه سبز خوردن بوقت چون بطعم شیرین بود و بیانی نداد و آنچه این شیرین
 گوید اگر بیند که بخیل بی خواند و دلیل بود که از حق باطل فریفته کرد و خود را می شود و این شیرین گوید اگر بیند از کتاب بخیل بی خواند و دلیل که نداد
 کسانی از ملت عیسی باشند خیر اندک بدو رسد و اگر از بر سوزاند و دلیل که از حق باطل کرد و دو دستار ترسایان شود و انداختن مردم این
 گوید اگر کسی بیند که کسی را بیداخت و دلیل که بر خصم خیره کرد و اگر بیند که کسی او را بیداخت دلیل که خصم بر وی خیره کرد و اگر بیند که کسی
 سنگ انداخت و دلیل کند که سختی سخت کسی گوید و بعضی از متعبران گفته اند که دلیل آنکه او را بزنا یا بجنای ممتهم گردانند اگر کسی بیند که سنگ
 انداخت هم سخن درست بود که کسی گوید و معتبران گویند اگر کسی بیند که سنگ یا با دام یا قند بیند اخت اگر کسی سر و ف بود و دلیل که نداد و بد
 عطا یا بد و اگر مجهول بود بدان مقدار که کسی انداخت صحت و عطا یا بد و اگر کسی بیند ازین خورد و نیها که گفتیم سوی چهار پان آن بود و دلیل
 که مال خویش بر جانان بپزید کند اندامها این شیرین گوید که اندامهای قوم را اگر بیند که افزون شد و دلیل کند که خویشان و اهل بیت او
 زیاده کردند و او در موضع خویش معقم بود و اگر بیند که اندامهای او بریده شد یا از تن او برفت و دلیل کند که سفر رود و خویشان او بر کشته
 کردند و اگر بیند که اندام خویش بریده و بر آکند و دلیل کند که اهل بیت و خویشان خود را در شهر یا بر آکند که نداد و گوید اگر کسی بیند
 که پاره گوشت از اندامش برید و دلیل کند که آنکس را خبر و منفعت رسد و اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد دلیل که کسی از مال او چیزی
 بستاند و اگر بیند که گوشت از اندام خویش برید و پیش مرغی می بخند و دلیل که مال خود چیزی که می بخند جا بخوری گوید اگر بیند که از مال
 از تن وی با سخن گفت و دلیل بود که میان خلق رسو کرد و قوله تعالی قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ اگر بیند که اندامی از
 خویش بر آید می رفت و دلیل که کاری کند که بران اعتماد و او را اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد دلیل که کسی از خویشان او برفت
 و اگر بیند که اندامهایش از ده بود و دلیل که بیمار کرد و اگر بیند که مرغی از اندام وی پاره گوشت برید و دلیل که مال او چیزی بپزند و بستاند و اگر

خوب

خوب

خوب

خوب

بجواب

جواب

چنان

پس که گوشت از اندام خویش می برید و در پیش مرغ می افکند دلیل کند که انزال خویش چیزی می کشد جابر مغربی گوید که اندامی از اندامهای او
 شاه گشت دلیل کند که بر رست نبوده ام خصل گوید که بر رسول خدا عرض کردم با رسول الله خوابی میگردیده ام فرمود چه دیدی عرض
 کردم بجواب دیدم که باز و از اندام تو بریدند و بر کنار نهادند رسول خدا فرمود که خاتم را پس بگیر که در کنار تو بزرگ شود و بعد از آن از خانه
 حسین بوجد آمد و در کنار او بزرگ شد و او را می پرورد انگبین کرمانی گوید که انگبین در خواب شب نیست بود از لهام و نی بود از کوارا
 زیرا که در وی شقای در دماست و شمشیر روزی سید بود چنانکه حقیقتی در کلام مجید خویش فرموده است *لله تعالی فی شقای*
اللقان من حضرت صادق و فرماید که خوردن انگبین در خواب برشته وجه بود اول روزی حلال دوم مغفرت سیم کام دل یا نفع انگبین
 روزی بود که بی منت بود و در سوره تعالی *وَأَتَوَكَّلْنَا عَلَىكَمُ اللَّهُمَّ وَاللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَغِيثُكَ* انگشتان این سیر که در پنج انگشت دست راست
 در تایل پنج ناز بود پنج انگشتان دست چپ فرزندان برادر بود و بعضی از سبزان گفته اند که انگشت حسین دلیل نماز با دو انگشت سحر و نماز
 و دلیل بر نماز پیشین کند و انگشت میان و دلیل بر نماز و بگرد انگشت بصر و دلیل بر نماز شام و انگشت خضر و دلیل بر نماز خفتن و صلاح نماز
 بود و اگر بید کند انگشت دست راست نداشت دلیل که فرزند یا برادرش می رود و بعضی گویند فرزند برادرش بر مصیبت رسد کرمانی گوید
 اگر بید کند انگشتان را در هم کند نشسته و انگشت دلیل که سگ دست کرد و اگر بید کند انگشتان را با هم جمع کرد دلیل که کار برادران و فرزند
 را اصلاح آورد و اگر بید کند انگشتان را بگرد انگشت در هم بسته بود دلیل کند که کار با بر روی بسته کرد و هم بر اهل بیت او جابر مغربی
 که اگر بید کند انگشت حسین او بریده است دلیل که قوه فالتش بود و اگر بید کند انگشت سجده بریده است دلیل که در فریضه نماز تقصیر کند
 و اگر بید کند انگشت میان او بریده است دلیل که در شهر وی پادشاهی یا بزرگی می رود و اگر بید کند انگشت بعد از میان او بریده است
 دلیل کند که ویران دمان افتد و اگر بید کند انگشت که یک او بریده است دلیل کند که فرزند زاده او می رود و اسمعیل اشعری که انگشتان
 پای در خواب و بدن دلیل بر زینت آرایش و اگر انگشتان پای در شست قوی می داند دلیل کند که کار که خدا می داند و اگر انگشتان این می داند می داند که
 انگشت که انگشت پای او را قوی رسید چنانکه رفتن توانست دلیل کند که ویرا غنی سخت رسد بسبب رفتن مال اگر انگشتان دست پای
 کسر داند دلیل کند که کار وی بازگردد شود حضرت صادق فرماید که دیدن انگشتان در خواب برشش وجه بود اول فرزند دوم برادر او
 ستم خادمان چهارم یاران پنجم قوه ششم پنج نماز و اگر بید کند انگشتان وی بیفتد و یا بریده شد دلیل کند که از انگشتان که گفتیم و
 مفارقت افتد و اگر بید کند انگشت او بشکست دلیل کند که یکی از اهل بیت او میرد و خلفا صنفی گوید اگر بید کند از انگشت حسین
 او شیر می آمد یا از انگشت سنا یا خون می آمد و دلیل که انگس با مادر زن خویش ضا کند و اگر بید کند از انگشت او و از برادر و دلیل کند
 که در میان خویشان او گفتگو رود انگشتی و انبال گوید که چون بید نقش و صفت انگشتی دلیل که از خداوندش بد و خیرشکی
 و اگر بید کند انگشتی کسی بوی داد تا چیزی بدان مهر کند دلیل که از آنچه لایق او باشد بر خشی بسیار یعنی اگر لایق پادشاهی باشد
 پادشاهی بسیار و اگر توانگر بود مال باید بقدر بقیمت انگشت اگر بید کند در سجده یا در نماز یا در غزای کسی انگشتی بوی داد اگر انگس
 زاهد و عابد بود و اگر بازگان بود نصیب و نفع تجارت بود و جمله هم بر این قیاس بود و اگر بید کند انگشتی سلطان بوی داد

چنان

بسیار

دلیل کند که از ملک سلطان بوسی دهد یا دلیل که از مملکت سلطان بدی بدورسد یا بخویشان وی این سیرین گوید اگر کسی
 که انگشتی او ضایع شد یا دزد برد دلیل بود که در کارهای او آفت و دشواری پدید آید و اگر بینه که انگشتی او بشکست و نمک
 بماند دلیل که بزرگی او و جاه او بشود و آب و آبرو و بهایش بر جای بود و اگر بینه که انگشت نگین او بشکست دلیل کند که آبرو و بهایش
 بشود و جاه او بر جا ماند و اگر بینه که انگشتی خود را کسی بخشد دلیل که از آنچه دارد و از مال و ملک برخی از آن به بخشد و اگر بینه که
 انگشتی خویش را بفروخت و بهایست دلیل کند که از آنچه دارد و جمله بفروشد و بهرینه کند و اگر بهایست آنچه دارد برخی از آن
 بفروشد که مانی گوید اگر بینه که صناعت انگشتی او ناپسندیده است دلیل کند که از مانی که دارد چیزی بشود و پادشاه
 بروی چشم گیرد و اگر بینه که انگشتی او از نیم بود دلیل کند که آنچه دارد پسندیده و حلال بود و اگر انگشتی از دزد بینه دلیل که آنچه
 دارد از مال گرفته و حرام حاصل کند و اگر انگشتی از آتش بینه آنچه دارد و اندک خیر بود و اگر بینه که انگشت از زهر بینه دلیل که آنچه
 سپید روی بود دلیل بود بر آنچه در آتش گفتیم اگر بینه که انگشت از زهر بود بر بود و خیر تر از آن جمله بود که گفتیم جای مرغی بود
 اگر بینه که در شکست وی انگشتی آتش بود دلیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بینه که از برنج یا از مس بود دلیل کند که از
 مردمان بی حاصل منفعت یابد و اگر بینه که بلور است دلیل کند که از مردم عام چیزی بدورسد و اگر بینه که از نیم است از جان
 و اگر بینه که انگشتی خویش نزد کسی بماند یا وی را بخشد و آنکس هم انگشت بدور دهد و دلیل کند
 چیزی بدور دهد و اگر بینه که انگشتی از زهر بود دلیل کند که از زهر بدورسد و اگر بینه که انگشتی از زهر بود دلیل کند که از زهر بدورسد
 که زنی بیکجا بخوابد و اجابتش کند و اگر بینه که انگشتی از زهر بود دلیل کند که از زهر بدورسد و اگر بینه که انگشتی از زهر بود دلیل کند که از زهر بدورسد
 حدائی افتد و اگر بینه که انگشتی او دو دین داشت یا کسی بدو داد که آن هر دو دین موافق یکدیگر اند و دلیل که خداوند
 غلام تر بود و اگر بینه که از آن دو دین یکی بیفتد و دلیل کند که از دو کلاه یکی را توبه کند و اگر بینه که نامه نوشته بود و پاره
 خویش مکرر و دلیل کند که چیزی پنهان بدورسد و اگر بینه که نامه کشاده را مکرر و دلیل کند که چیزی آشکار بدورسد و خیر
 صادق و عفو باشد که انگشتی سپین و خواب بر چهار وجه بود اول مملکت و دویم زن ستم فرزند چهارم مال و انگشتی از زن
 نیک بود و اگر زنی بینه که انگشتی با کین از او ضایع شد دلیل کند که حشمت و جاد او بشود و فرزندش میرد یا بالمش تفسیر کرد و اگر
 بر مهر دل کرده و اگر زن بر بینه شوهرش میرد یا فرزندش انگور و انیال عا گوید که خوردن انگور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و بوقت
 ترس و بیم بود و چنین گفته اند بعد و هر آنکه خورد و بوزخم چوب یا ناز یا نه بر او زخمد و خوردن انگور سفید بوقت خود غم
 و خیر دنیا بود و بیش از آنکه امید دارد و بهر وقت دلیل کند که از آن خداوند خواب سخن چیزی بیرون آید و دلیلش بر حرف مال
 و اگر انگور سرخ بینه سپین دلیل کند که این سیرین گوید که انگور سفید بوقت خود خوردن دلیل بر مانی کند که دشواری بدست آید و انگور
 خود خوردن دلیل بر منفعت اندک بود و هر انگوری که پوست او سخت بود دلیل که مانی دشواری بدست آید و هر انگوری که پوست
 روشن بود دلیل بر مال حلال کند و هر انگوری که آب او تیره بود دلیل بر مال حرام بود و هر انگوری که بیدار سرخ نماید دلیل بر مال
 کند و هر انگوری که بیدار سیاه نماید دلیل بر غم و اندوه کند و هر انگوری که شیرین تر و پاکیزه تر بود دلیل بر مال حلال نماید و هر

سیرین

کرد و جابر کوید اگر کسی بیند که انکور بر پسته چوبین می نشاند و دلیل که خدمت پادشاه بشمار کند و اگر بیند که آن محضر از پشت و کل بود و دلیل
 خدمت پادشاه با دیانت کند و اگر محضر از پشت بخت یا از کج و سنگ آید که دلیل که خدمت پادشاه با سبب است و با سبب است کند و اگر بیند
 که انکور از پشت می نشاند و دلیل که خدمت از بی بزرگ کند و اگر بیند که انکور در کاشی می نشاند و دلیل که خدمت شخصی جنین کند و اگر بیند که انکور بر می نشاند و دلیل
 آن وجهی می جمع کرد و دلیل که از بخت خود مالی بسیار بسبب پادشاه حاصل کند و اگر بیند که انکور بر پسته و با این عیال می نشاند و دلیل که او را عیال و در خدمت
 پادشاه منفعت رسد و اگر بیند که خواست ضرر خدمت پادشاه نباشد و دلیل که کاری از بسبب وی حاصل کند و در حضرت صادق فرماید که انکور سبب
 بوقت خود و بوقت برسته وجه بود و اول فرزندانیک و دوم علم فراغ و سیم مال عیال فزون انکور و خواب هم بخت که اندک برسته وجه بود و اول مال فزون
 و دوم فراخی لغت سیم انکور اما نیاختن قول الله عام فیسر لیقات الناس و فیسر یعصرون اخوان ابن مسیرن که دید اگر کسی خواب بیند
 که بروی در افتاد و دلیل تشویش او بود و خاصه در جنگ و خصومت و اگر بیند که از جایگاهی بریز افتاد و چنانکه از کوهی یا از بای می افتد
 بر روی دلیل کند که از روی دردی بود و تمام بر نشود و مرادش حاصل کرد و زمانی که دید اگر کسی بیند که از جایگاهی بریز افتاد و دلیل بود که همدی دارد و بر نیاید و همدی
 و اگر بیند که از کوه بریز افتاد و دلیل که حالش بد کرد و بعد افتاد و برنج رسد و اگر بیند که زخمی سخت بوی رسد و خون از آن حضور و آن شد و دلیل که بعد
 زخم و از زانی رسد و اگر بیند که پایش بلغزد و بیفتد و دلیل که در کجی و المی بد و رسد و اگر بیند که بیفتد و در نیفتد و روز رسید
 و دلیل کند که سهل آسان بود و اگر بیند که آستانه خانه او مار و کژدم و کزنندگان بیفتد و دلیل کند که او را از پادشاه یا از کسی بزرگ
 غم و اندوه رسد و اگر بیند که با م خانه یا دیوار بر افتاد و دلیل کند که مال بسیار بد و رسد از آنجا که امید ندارد و بدان سبب ختم
 و شادان کرد و کارش کشا و شود و او الله اعلم بالصواب **حرف الباء** کتاب کامل التبعیه با و اعم این
 گوید که با و اعم در خواب دیدن لغت و روزی بود و لکن بخت بدست آید اگر بیند که با و اعم فرا گرفت و دلیل بود که بعد
 آن ویرانغت و روزی بود و دشوار بدست آید و معجزان گویند که تاویل با و اعم در خواب علم بود و شفا از پنج و چون مغز او
 بیند بهتر بود و زمانی که دید اگر بیند که با و اعم با پوست داشت یا کسی بوی داد و دلیل که از مر و بخیل چیزی یا بد بختی اگر بیند که از مغز او
 تلخ روغن بیرون آورد و دلیل کند که از مر و بخیل ویران بعد آن روغن منقعت رسد جابر مغربی گوید که دیدن با و اعم در خواب مال
 و لغت بود اما اگر با و اعم با پوست بیند و دلیل کند که از مال قدری برنج و سختی بدست آورد و چون با و اعم با پوست بیند و دلیل که
 مال با سانی بدست آورد و حضرت صادق فرماید که دیدن با و اعم در خواب برود و وجه بود و اول مال منافی حاصل کرد و دوم
 از بیماری شفا یابد و اگر بیند که ابن مسیرن گوید که دوازده چیز است که سینه خواب را دلیل بر پادشاهی بود و اول آنکه بیند که پیغمبر
 او را امام کرد و دوم آنکه علم شریعت و روز و سیم آنکه گوش پیغمبر پیش او خود بیند یعنی نظر اقامت نماز بود و چهارم آنکه بر منبر
 او خطبه کرد و پنجم آنکه جامه رسول پوشد ششم آنکه انگشتری بیند که در انگشت دارد و هفتم آنکه بیند که او آفتاب یا ماه تاب کرد و
 هشتم آنکه بیند که تن او در دو خانه شده است نهم آنکه بیند که چشم او دیوار شهر گشته است و دهم آنکه بیند که چشم او محراب مسجد جلیل
 شده است یا از دهم آنکه پادشاه مرده او را انگشتری دهد و دوازدهم آنکه بیند که چشم او بانه گداوی شده است این دوازده چیز

در خواب دیدن دلیل بود بر یافتن سلطنت و پادشاهی و انیال گوید اگر بیند که پادشاه او را جامه داد و کلاه داد و دلیل که بر مردمان
خویش رئیس و امانی کرد و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه بود یا کیزه و دلیل بود بر شرف و اقبال و صلاح کار و روزی عمر او و اگر بیند که بر
پادشاه کلاه برکن و دریده بود و دلیل کند بر بدی حالی پادشاه و اگر بیند که بر سر پادشاه دستاری بود چنانکه در روزگار رسول بر سر حق
بود و دلیل بود که پادشاه عدل و انصافی برسد و اگر بیند که پادشاه را با و گرفت و بفرمان او شد و دلیل که مملکت جهان بجز و در آن
قرار گیرد و اگر بیند که پادشاه کردید و دلیل که بیند خواب تو انگر کرد و اگر بیند که پادشاه در کوچه یا در سبزی او در آنجا کند و در آن
او نزاری و انکار بود و دلیل کند که اهل موضع را غم و اندوه رسد از سبب پادشاه قوله تعالی اِنْ الْمُلُوكَ اِذَا خُلُوْا قَرْعَةً
اَفْسَدُوْهَا وَجَعَلُوْا اَعْرَافَهُمْ اَهْلًا اِذْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ اَوْلَادٌ و اگر بیند که در آمدن او انجا چیزی منکر بود و دلیل بود که هیچ حضرت و زیان هسل
آن موضع نرسد که گمانی گوید اگر بیند که پادشاهی بر دو و و فتنش بگرد و بروی نگرستند و کفن نشا خفتند و جزا زده او بر نهشتند و دلیل
که بعضی از سبزی او خراب کرد و و باشد که متفکر دل و بر بخور کرد و اگر پادشاه بخواب بیند که کعبه سبزی او بود یا سبزی او کعبه بود و دلیل
بود که هرگز مملکت او از او نماند و از دشمن این بود و اگر بیند که کسی سلام میکرد و یا کسی سلام بد و کرد و دلیل این بود از غم و اندوه
و غلوه و مراد چنانکه محتالی فرموده سلام علیکم طیبتم فانه خلوهها خالک الدین و اگر پادشاه بیند که رس و دست و دست
یا دست در رس زده بود و دلیل بود که برادر راست و در بر جاده عدل و انصاف قامت نماید قوله تعالی وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ
جَمِيعًا حَابِرُ غُرَبَى گوید اگر بیند که در نزد پادشاه بزرگ بودی و دلیل بود که از پادشاه بهره و ضعیب یا بد و اگر پادشاه را در لباسی بنویس
بیند و سبزی یا بد و کوچک که منسوب با و بود و دلیل کند بر زیادتی و بزرگی پادشاه و ولایت و عزت و جاه و وی و خدم و ختم و مال و خرب
او و اگر بیند که در پادشاه نقصانی بود تا ویش بخلاف این بود که گمانی گوید اگر بیند که پادشاه بروی خفته بود و دلیل که پادشاهی بروی
و اگر پادشاه بیند که بر زمین فرو شد و دلیل که از روی پادشاه او را حرمت و منزلت بیفزاید چنانکه حق فرماید اگر کسی پادشاه را
روی و خرم بیند دلیل بود که کار او کشاده کرد و اگر کسی وزیر یا پادشاه را بخواب بیند دلیل کند که کاری کند که زود بصلاح باز آید و اگر حاجب یا و دلیل
که از خلسا فروماند و با حقیقت برادر برسد و اگر وزیر یا پادشاه را بیند دلیل که او را کسی طاعت رسد و اگر از زمان پادشاه را بیند دلیل که شغل او بصلح و صلح
و ندانان پادشاه را بیند دلیل که کار او کشاده کرد و اگر وزیر یا پادشاه را بیند دلیل کند که کسی او را طاعت کند و چیزی که از دست او رفته بود
به دست او باز آید و اگر چاکران و کنینش و دلیل کند که کسی او را طاعت کند که از شغل و دن عاجز گردد و اگر سر و ده باز پادشاه را بیند و دلیل بود
که کار بسته او کشاده کرد و اگر صفت زن پادشاه را بیند دلیل که کسی او را عده و پدید روع و اگر زن دانیان پادشاه را بیند و دلیل بود که
غلبه و مستمند کرد و اگر حلقه یا پادشاه را بیند دلیل کند که مراد او زود و حاصل کرد و اگر بر پادشاه را بیند و دلیل کند که آنچه سبزه یا بد
و اگر سلاح پادشاه را بیند و دلیل کند که از زنی منفعت یابد و اگر رکاب پادشاه را بیند و دلیل کند که سخی و روع و بیجا صل شد و اگر از
و اگر پادشاه را بیند که او را غم و اندوه رسد و اگر جامه دار یا پادشاه را بیند و دلیل که کار او بنویس و اگر و ات و اگر پادشاه را بیند و دلیل
که او را از زمان چیزی حاصل کرد و اگر خاندان را پادشاه را بیند و دلیل که خرم کرد و مال حاصل کند و هم حیل اشعث گوید اگر بیند که پادشاه

بازو

تیب

بازو

بازو

بازو

بود اما بارانی زرد و دلیل برین و بیاری بود و اگر بارانی کبود بود دلیل بر گناه و مصیبت بود و اگر بارانی راسفید بینه دلیل بود بر خیر و منفعت
که از جانی بد و رسد باروی این سیرین گوید که روی شهر و قلعه و ده و دلیل بر پادشاه کند یا بر والی و معبران گویند که باروی شهر و دلیل بر پادشاه
بود باروی ده و دلیل بر خدا و ند و کند اگر بینه که باروی شهر قوی و بلند بود و دلیل بر قوه و نیکی حال پادشاه و اگر بینه که باروی شهر
بیشتر و خراب شد اگر بینه بیا و دلیل بر پادشاه کند و اگر بر جی از آن بینه و دلیل بر پادشاه والی بود و اگر بینه که بارو را نو کردند
و دلیل بود که پادشاه نو را شتر متقیم کرد و اگر بعضی از باروی شهر را نو کرده بینه و دلیل کنند که والی نو را آنجا متقیم کرد و اگر بانی گوید که بارو
شهر و آنچه نزدیک دروازه شهر بود تا پیش عیش ایمنی بود و آنچه در پس آن شهر بوده باشد و هر نیک و بد و زیاده و نقصان که در بارو
بینه و دلیل برین پنج گونه بود با آنکه این سیرین گوید اگر بینه که باروی بکرفت یا کسی بوسی داد و آنکه بر مطیع او بود یعنی بر دست و شست
و دلیل کند بر بزرگی قدر و افزونی جاه و منزلت او و اگر بینه باز می سفید بر دست او نشست و دلیل که پادشاه قدر و منزلت یابد
و اگر بینه که باز از دست او بینه و هر دو دلیل بود که از منزلت بد و روشی و بیچارگی افتد که مانی گوید اگر بینه که باز می سفید بیاخت که از
مردمان پادشاه بود و دلیل که از پادشاه ولایت و حرمت یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بینه که باز می بوسی شود
و دلیل که او را فرزندی آید صاحب حسن و جاه و اگر بینه که باز می بر اعم او نشست و دلیل که او را با پادشاه نوصبت افتد و از او محبت
یابد و اگر بینه که باز بر بخت و در خانه شد یا در زیر و من زنی پنهان کرد و دلیل که آن زن را پسری خوب روی بد یابد و اگر بینه که باز
پای انبار از کله زرین پسین بود و دلیل که آن زن را دختری آید جای مرغی گوید اگر کسی بینه که باز می بیاخت و او را بخت و دلیل که اگر
اینک از مردم پادشاه بود معزول کرد و از عمل و اگر مردم پادشاه نبود و از رنجی و غمی رسد از جهه اهل بیت و اگر بینه که باز از دست
او برید و باز نیاید و اگر آنجا پادشاه دیده بود و دلیل که مملکت از دست او برود و اگر باز نیاید و بر دست او نشست و دلیل که
اگر مملکت و قدرت یابد حضرت صادق ع فرماید که چون بینه که باز مطیع او بود تا ویش برین وجه بود احوال امش و دوم شادی
سیم بشارت چهارم فرمان روائی پنجم یافتن مراد و مال بقدر و قیمت باز زد و هزار درم خاصه چون باز غنیمت و مطیع او بود
و چون باز مطیع نباشد تا ویش بر چهار وجه بود احوال پادشاه ششم و دوم حاکمی که میل کند سیم هفتمه خاین چهارم فرزند که فرمان بد و مادر
نبرد و باز وی این سیرین گوید که باز وی در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست سخت یا انبار اگر بینه که باز وی قوی بود و دلیل بود که باز
از ایشان منفعت و قوت رسد و اگر بخلاف این بینه و دلیل که او را هیچ فایده و قوت از ایشان نباشد و اگر بینه که باز وی اوقات و یا اگر کسی
باز وی او را برید و دلیل کند که برادر یا دوست یا انبار از او دنیا رحلت کند یا از وی مفارقت جویند حضرت صادق ع فرماید که دیدن بازو
در خواب بریش وجه بود احوال برادر و دوم فرزند سیم انبار چهارم و دوست پنجم سیرم ششم همسایه باز و سید که مانی گوید و آنکه
نیزین اگر بینه که در بازو داشت و دلیل کند که از برادران یا از کسی دیگر او را غم و کراست رسد و اگر باز و بند سیمین و ده خبران گویند اگر بینه
خود را یا دختر خود را بشوهر دهد و اگر این خواب زنی بینه و دلیل که او را مال و نعمت و آرایش بود و اگر بینه که بوقت خویش دیده بود
داشت و دلیل بود که او را از برادر قوت و یاری بود و اگر بینه که باز و بند شگست یا ضایع شد تا ویش پنج و بر ماند یا منما و بالا و غیره دلیل

فایده

حیث

شیت

کلیه شایسته

کنند که آنچه در میان بدو جانش بود و اگر دو بعضی از معتبران گویند اگر بیند که بدشواری بر بالایی رفت دلیل که آنچه میجوید بر سرخ و دشواری باشد
و اگر بیند که بر زردبان بالا میشت دلیل بود که درین شرف منزلت یا بد خاصه که زردبان و از نعل بود و اگر بیند که زردبان از کج و سنگین
دلیل بود که درین و غل باشد که مانی گوید که از زردبان بر بالا رفتن از کج و سنگین دلیل که شرف و بزرگی باید در اینجا و اگر بیند که از
خام و کل بود دلیل بود که قدر و منزلت یا بد در اینجا و اگر بیند که بر آسمان بالا رفت و باز نیامد دلیل بود که اجل از در یک باشد
و اگر بیند که بر آسمان شد و باز آمد دلیل بود که سخت بهار کرد و دو سر انجام شفا یا بد حضرت صادق علیه السلام دیدن بر بالا شدن بر سرخ
وجه بود و اول روانی حاجت و قیام زن خواستن ستم قرب و بزرگی چهارم مراد یافتن خیم بالا رفتن کمالان ابن سیرین گوید که بالا
دیدن در خواب زن بود و اگر بیند که پالان داشت یا کسی به بهای بخیر دلیل که زن خواهد یا کینیک حوز و اگر بیند که پالان بر پشت
داشت دلیل که مطیع و فرمان بردار زن گردد و بر وی ستولی گردد و اگر بیند که پالان از وی ضایع شد دلیل بود که زن از وی جدا
گردد یا طلاقش دهد یا بر سرخی گوید اگر بیند که پالان پاکیزه داشت دلیل بود که زن مستور سازد یا بخواجه او و غیره منفعت یا بد اگر بیند
که پالان در پشت و چرکن داشت دلیل بود که زنی خواهد سینه روی و ناسازگار و از وی حضرت بیند بالمش سیرین گوید که بالمش
در خواب خادم بود و بیند خواب را اگر بیند که بالمش نو فر گرفت و آن بالمش سبز بود یا کسی بوی داد دلیل که او را خادم یا خدمتکار
مصالح پارساید کرد و اگر بیند که بالمش او کمن و چرکن حوز و وسایه بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که بالمش او بدرید
یا بسخت یا از وی ضایع شد دلیل بود که خدمتکاران وی ضایع گردد یا بگریز و یا رنج و بلائی بد و رسد و بسبب آن از وی جدا
گردد و مانی گوید اگر بیند که کسی از خانه او بالمش بدید دلیل بود که کسی از بی زن او میگردد که او را بفریب یا از بی کینیک و می
گویند که دیدن بالمش از خانه دلیل بود که کسی از اینجا به میر و او اگر مردی بیند که بالمش بسیار یافت دلیل بود که بقدر آن بالمشها او را
خادمان و کینیکان حاصل گردد و اگر بیند که آتش در آقا و بالمش او بسخت دلیل بود که خادمان و کینیکان او بر وی یا بگریز حضرت صادق علیه السلام
بالمش در خواب بر سرخ و اول خادم و دوم کینیک ستم ریاست چهارم دین نیکوچهر بر سر کار و عدل با هم و اگر بیند که بام خانه مهمل بود دلیل بود که
خواه بر قدر بندی بام یا قدر و وقت اگر بیند که بام خانه معروف بود دلیل که شرف بزرگی یا بد و کارش بر نظام گردد و یا بر سرخی گوید که اگر بیند که بام
یا و شاه بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یا بد و اگر بیند که از بام نیفتاد از جاه و منزلت بهفتید و او را اندوه رسد یا نکست و آتش
چا نوران محمد بن سیرین گوید که بانگ داشتن جانوران و مردم خواب دلیل بود بر غم و مصیبت و آفت وضع و اگر بیند که او را بانگ
میگردند از جانی دور اگر جواب داد دلیل بود که زود بمیرد و اگر بیند که جواب نمیدهد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که آواز گریستن
دلیل بود که شادمان گردد و اگر بیند که او ناله می شنید دلیل بود که چیز ناخوش شود و اگر بیند که بانگ زاری می شنید دلیل بود که
حاجت او را کرد و بر دشمن ظفر یا بد و اگر بانگ و شنام شنود که راستی بوی رسد و زوایل کرد و مانی گوید اگر بیند که اسپین
میگردد دلیل بود که او را بشارتی رسد و بعضی از معتبران گویند که البته مکره بوی رسد از بهر آنکه بهایم دروغ نگویند و اگر بیند که خر
بانگ میگردد از دشمنی و جانی فریاد و شناعت شود و قوله تعالی اِنَّ اَنْكَرَ الْاَصْوَابِ لَصُوفِ الْحَمِيرِ و اگر بیند که شتر بانگ

بیخ

دلیل که بچ رو دیا به تجارت و در آن ویران سو و منفعت یابد و اگر بینه که کوفت می بانهت میگرد دلیل که از بزرگی ویران سو و منفعت
 و اگر بینه که از بزرگاله بانهت دلیل بر غرض و شادی و نعمت کند و اگر بینه که آهسته بانهت میگرد دلیل بود که او را کثرتی حاصل کرد و اگر بینه
 که شیر بانهت میگرد دلیل بود که بیم و ترس یابد از پادشاه و اگر بینه که بانهت میگرد دلیل بود که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بینه
 که یوز بانهت میگرد دلیل که کسی بروی خشم گیرد و بروی که بینه که اگر بینه که اگر بانهت میگرد دلیل بود که او را بانهت میگرد دلیل
 بر غم و اندیشه کند از سبب دشمنان و اگر بینه که روی بانهت میگرد دلیل بود که مردی دروغ زن بادی که حمله کند و اگر بینه که بانهت میگرد دلیل بود
 که او را از روی بیم بود و اگر بینه که اگر بانهت میگرد دلیل بود که خدوم و لیر سیاه و اگر بینه که اگر بانهت میگرد دلیل بود که از خبر مردی بزرگ گین
 کرد و اگر بانهت میگرد دلیل که خبر پادشاه بشنود و اگر بینه که بانهت میگرد دلیل بود که خبر سر بیکان پادشاه بشنود و اگر بینه که خبر سر بیکان
 میگرد دلیل بود که خبر مردی جوهر و شنود و اگر بینه که کلاه بانهت میگرد دلیل بود که خبر مردی پوشیده شنود و اگر بینه که چغل بانهت میگرد دلیل که
 اندوه و مصیبت شنود و اگر بینه که بوم بانهت میگرد دلیل بود و اگر بینه که فاخته بانهت میگرد دلیل که خبر دروغ شنود و اگر بینه که نذر و بانهت
 میگرد دلیل که خبر زنی با جمال شنود و اگر بینه که طادوس بانهت میگرد دلیل که خبر پادشاه عجبی شنود و اگر بینه که کلانک بانهت میگرد دلیل که خبر
 مردی شنود و اگر بینه که لکات بانهت میگرد دلیل که خبر مردی و تنهایی شنود و از آن خرم کرد و اگر بینه که گلب بانهت میگرد دلیل که خبر
 زنی نیکو شنود و اگر بینه که بانهت که بیکان میشنود و دلیل که خبر زنی مستور شنود و اگر بینه که بانهت کلاغ میشنود و دلیل که خبر مردی را
 خوار و شنود و اگر بینه که بکشت بانهت میگرد خبر خوش شنود و اگر بینه که طبل با هزار دستان بانهت میگرد خبر مطربی یا نوحرگی شنود و اگر بینه
 که سار بانهت میگرد دلیل همین بود و اگر بینه که مرغ آبی بانهت میگرد دلیل که غم و اندوه بوی رسد و اگر بینه که بط بانهت میگرد خبر مصیبت
 از ابل و شنود و اگر بانهت بیکان مرغ شنود و نام و مصیبت رسد حضرت صادق علیه السلام که بانهت همه مرغان در خواب شنیدن بگوید که مرغی که او را فغانی
 که بانهت و اندوه و مصیبت بود و بانهت ترس و بیم بود و از دشمنان بانهت زنبور و دلیل بر ترس و بیم بود و بانهت وزغ دلیل که در وضعی فرو و یا
 جا بر مغربی گوید اگر بینه که از آسمان یا از زمین یا از هوا بانهت سبکین می آید دلیل بر غم و اندوه و مصیبت پادشاه و هر چه خبر
 خیر و شر بود حکایت آورده اند که مردی پیش بن سیرین آمد و گفت که بخواب دیدم که دایه جنبه با من سخن می گفت بن سیرین
 گفت که ترا اجل نزدیک آمده است قوله تعالی **وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَأْوِلَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَتَكَلَّمُوا الْقَوْمَ فَأَنُ النَّاسِ**
 و چون می گفتند برآمدند از دنیا رحلت کرد و بانهت نماز بن سیرین گوید که هر چند که مصلح و نومن و مستور چون بینه که در جایگاه
 معروف بانهت نماز شنود و یا بانهت نماز بد دلیل که بجهت بیکبار و قوله تعالی **وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَأْوِلَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَتَكَلَّمُوا الْقَوْمَ فَأَنُ النَّاسِ**
 و اگر بانهت نماز در جایگاه مجهول بود که روی و ناپسندیده بد و رسد و اگر این خواب را مردی فاسق ببیند دلیل که او را بد روی
 و اگر بینه بانهت نماز از مسجد یا از مناره بد و دلیل بود که مرد نماز بخواند و اگر بینه که بدتر خفته بانهت نماز میداد دلیل بود که
 زن خود الفت دارد و اگر بینه که بانهت نماز در خانه خود میداد دلیل بود که مفلس و درویش کرد و گویند کسی از اهل بیت و اگر
 در بینه که بانهت در چاه یا در سرداب میداد دلیل بود که آنکس زندین یا منافق بود و اگر بینه که بانهت نماز در کوچه میداد دلیل که بانهت

بیخ

سجده

گند که زانی کوید اگر مری بیند که باز خود با نکست نماز میداد و دلیل بود که از دنیا رحلت کند بزودی و اگر بیند که در کلمه های با نکست نماز میداد
و انقضای را دلیل بود که بزودان ستم و سبید او کند و اگر بیند که کوکی با نکست نماز میداد و دلیل بود که پدر و مادر او دروغ گوید و اگر بیند که با نکست
نماز در گریه میداد و دلیل بدجلالی او بود در دین و دنیا و اگر بیند که با نکست نماز در قافله یا در لشکرگاه میداد و تا ویش بد بود و اگر بیند که
مجموعی در زندان با نکست نماز میداد و اقامت کرد از زندان ربانی یا بد و اگر بیند که با نکست نماز بلبه و بازی میداد و دلیل که هلاک کرد و
و اگر بیند که بر سر کوی با نکست نماز میداد و دلیل بود که پادشاه سخن راست گوید و او را بجزای تقالی خواند و اگر بیند که در مناره با نکست نماز
میداد و دلیل بود که بزرگی و فرمان روائی یا بد و اگر بیند که در کعبه خانه با نکست نماز داد و دلیل که در کار حق خیانت کند و اگر بیند که در سوراخ
با نکست نماز داد و دلیل بود که بسفر نزد دشمن و در آن سفر بچ و ملا کشد ویر بماند و اگر بیند که در میان کوهی با نکست نماز کرد و دلیل بود که در
میان قومی شکر گرفتار آید و بادی خیانت کند و اگر بیند که بر کسی یا بر تختی نشسته بود یا ایستاده بلبه و با نکست نماز میکرد و دلیل بود
که عقل از اوایل کرد و اگر بیند که دیگری با نکست نماز کرد و او بشنید و دلیل بود که بکار عبادت و طاعت کابل بود و کسی او را بخیریت
خواند و اگر بیند که با نکست اقامت شود و دلیل بود که در کارهای حق توفیق یا بد و اگر بیند که با نکست نماز در خواب و بیدار و از
خواب بود اول سجده و دوم سخن ستم فرمان روائی چو یارم بزرگی خیم ریاست ششم سفر بقمقم مریدین ششم مغفلی ششم خیم
دوم جاسوسی یا دهم منافق و بد دینی و از دهم بریدن دست یا بنده این سیرین گوید که یکپار و پاسبند و خواب دیدن سخن خوش
و لطیف بود یا بوسه بود که بفرزند و عیال یا بد یا بدوستی و بد و اگر پاسبند بسیار بیند نصرت و روزی حلال بود و بقدر آنکه دیده و اگر
بیند که پیره زنی بخوار یا پاسبند بد و بخشد و دلیل بود که مال نعمت دنیا بیاید و بقدر آن کاشن نظام گیر و اگر بیند که پاسبند بسیار
داشت و جمله را به بخشد یا از وی ضایع شد و دلیل است که اگر نعمت وارد جمله را نفقه کند یا از وی ضایع کرد و پامی بنال
گوید اگر کسی بیند که یکپای او بریده بود یا شکسته و دلیل بود که نیمه مال از وی ضایع کرد و اگر هر دو پای بریده یا شکسته بیند دلیل
بود که جمله مالش برود و یا خود بمیرد و معبران گویند که اگر کسی هر دو پای خود را بریده یا شکسته و دلیل بود که بسفر شود و اگر بیند
که پای او آهین با مسین بود و دلیل که عمرش دراز بود و مالش باقی ماند و اگر بیند که پایش شکسته بود که عمرش زود سفری کرد و
و مالش نماند زیرا که آهینه را بقا و قوه نبود و اگر بیند که پایش شل یا مبتلا شده بود و دلیل بود بر سستی و ضعف حال او یا بطلان
زخیره شتر این سیرین گوید که اگر صالحی بیند که پایش شل شده بود و دلیل بود بر زیادتی وین او توله تعالی و کلا علی الاصحیح حج بود
بیند که پاسبای او بر سن بسته بود و دلیل بود که اگر کسی منفعتی بوی رسد و اگر بیند که پایش نبود و بچ سب راه میرفت و دلیل بود که آهنا
بر کسی کند و از آنکس خایا بد و اگر کسی عامل پادشاه بیند که هر دو پای او بریده بود و دلیل بود که از غم معزول گردد و مالش تلف
شود و اگر بیند که پای او آهین بود و دلیل بود که مالش نماند و اگر بیند که پایش سین بود و کعبش زترین بیند دلیل کند و اگر
بیند که پای او دور و مند بود و دلیل که او را زیانی رسد و اگر بیند که پای او بستنی بسته بود و دلیل که او بستنی بست و دخت چون
بود و ستون چون مرده و اگر بیند که پای او دور و امی گرفتار شده بود و یا در جانی خروارفته بود و دلیل بود که در مرگ جلیتی گرفتار

سجده

سجده

و ظالم میگرد و دلیل نفسا و مایل کرد و مال حرام یا بدستخواهین سپهرین گوید اگر کسی بیند که پرستوداشت یا کسی بوی داد و دلایل
که اگر کسی که از او جدا شده بود موالت کیر و دور مقام او قرار گیرد و اگر بیند که پرستور را بگشت باز دست بکشد و دلیل بود که
که نیست دارد و جلالتی بود و در شود که مانی گوید که دیدن پرستور خواب مردی توانگر با خبر بود و اگر پرستوده ماد و عیندنی
با خبر بود و اگر بیند که پرستور وی برید و دلیل بود که از مردی توانگر جدا کرد و اگر بیند که پرستور دوست و برید و دلیل بود که بار او
بمیرد و برنج و اندوه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که پرستوی را فرار گرفت و دلیل که از غنای فرج باید و از ترس بیمین کرد و بر سر
این سپهرین گوید که برف بخواب دیدن غم و اندوه و عذاب بود که اندکی دیده بود و اگر درستان برف بیند یا بجا یا کسی که پیوسته در آن
برف بود دلیل بود که آن موضع را غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید که دیدن برف بخواب لشکر نیرنگی بود و خاصه که برف بخت
صادق فرماید که دیدن برف بخواب بر شش و جد بود و اقل روزی و تویم زندگانی ستم مال بسیار و از آن نرختا چهارم لشکر بسیار
پنجم بیماری ششم غم و اندوه و اگر بیند که بتابستان برف جمع میگرد و دلیل که مال حلال جمع میگرد و دلیل که بخت خوش گذرانند
و منفعت بسیار یابد که مانی گوید که برف بخواب دیدن در سر و سپهر و دلیل بر خیر و نیکی کند و در گرم سیر و دلیل بر غم و اندوه و محظ و بسیار
و اگر بیند که برف بوقت خود میوزد بهتر از آن بود که بوقت بود بر برق این سپهرین گوید که برق در خواب خوانه و ارباب و شاه بود و
از متعبران گفته اند که برق و عده کردن پادشاه بود و بید می و مطلع را بطبع وی اگر بیند که برق را با هوا یا از ابر فرار گرفت دلیل که
کند که در آن خنکی و خیر آن بود اگر بیند که برق همی درخشید و دلیل که در آن سال بخت فراخ بود و خاصه که بار برق باد آهسته بود و خفت بسیار
فرماید که برق در خواب بر سر و جد بود و اقل خوانه و ارباب و شاه و تویم و عده بدستیم عتاب چهارم رحمت پنجم راه راست بر شود
این سپهرین گوید که بگشودن در خواب استواری و محکم کاری بود اگر بیند که بر سپهرین بگشودن نشسته بود دلیل بود که کار وی محکم و استوار
کرد و در پیش نظر و در خصم را قهر کند جابر مغربی گوید اگر بیند که اسب وی با بر گشودن در میان درزم میرد و دلیل بود که کار بر او
و دولت مساعد و کرد و اگر بیند که بر گشودن از اسب و در افتاد یا مضایق کرد دلیل بود که نام ادای یابد و در دست و سخنان مغلوب گردد
برنج این سپهرین گوید که برنج دیدن بخواب مانی بود که برنج حاصل کرد و بقدر آنکه دیده بود که مانی گوید اگر بیند که برنج پنجه همی خورد و دلیل بود که
حاجت او را کرد و خیر و نیکی بدو رسد و اگر بیند که برنج با کشت پنجه همی خورد و بهتر و نیکوتر بود و برنج با شیر خوردن بخت نیک بود و اگر
بیند که برنج با و غنچه همی خورد و دلیل بر غم و اندوه کند و خضر صادق فرماید که دیدن برنج در خواب بر سر و جد بود و اقل و تویم حجت
ستیم خیر و منفعت که بدو رسد پرنده این سپهرین گوید اگر بیند که پرنده داشت و از دست او پرید و دیگر بار دست او آمد و دلیل بود که
او را کرد و اگر بیند که پرید و دلیل بود که بعضی از مال او را در میان بر آنکه پریشان در خواب چون تا دل و پا بود و شرح آن در حرف
وال میان کرده شود برتره این سپهرین گوید که برتره در خواب اگر برتره بود و اگر ما بود و فرزند بود و اگر بیند که برتره فرار گرفت یا کسی بدو
و او دلیل بود که او را فرزندی آید و آن فرزند بروی بود و اگر بیند که برتره را بگشت دلیل بود که فرزند او میرد و اگر بیند که گوشت برتره
را بخورد او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد که مانی گوید که دیدن برتره در خواب خیر و منفعت بود و نیکی و مال حلال هم هست بقدر برتره

اینکه

نیک

نیک

نیک

نیک

نیک

نیک

و کمال

بازار

بازار

بازار

بازار

بازار

و لو چکی او و اگر بید که بر داشت و او مال و غنیمت رسد بقدر آن و اگر بید که برده باز غلام را بکشت و آنرا بخور و نه از بهر کشت کشت
 دلیل بود که او را مصیبتی رسد بسبب فرزند حضرت صاوق میخواند که دیدن تیره و خواب بر چهار وجه بود اول فرزند و دوم هم مال طلال
 ستم معیشت چهارم غم و اندوه بر سر تنگی محمد بن سیرین که پدر اگر کسی در خواب خود را برهنه بیند چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش طلب کند
 دلیل بود که حج طلب کند و اگر بیند خواب روی مسطور صالح بود کنا پیش غم و اگر خداوند خواب صالح انباشد و دلیلش بد بود که مانی بود
 اگر کسی خود را برهنه بیند و در طلب دنیا بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که زاری بر میان بسته بود دلیل بود که در طاعت و عبادت محنت کند
 جابر مغربی که پدر بر تنگی در خواب لیل محنت و رسوائی بود اما اگر عورت را پوشیده بیند و صالح را نیکو بود و فاسق را بد بود حضرت صاوق
 فرماید که بر تنگی در خواب بر مصالح و خیر و تنگی بود و مرد و مفسد را بدی و رسوائی و بچهره تنگی پیر وانه این سیرین که پدر پیر وانه در خواب دیدن
 مردی ضعیف و نادان بود که خود را بنا وانی در بلاک اندازد که مانی که پدر اگر بیند که پیر وانه از پس پشت او پیر واید و انگشت دلیل
 که کمینگری و دشمنی دراز کند و از وی پسری آید اگر بیند که پیر وانه از پشت او ملاک شد دلیل که فرزندش ملاک کرد و
 بروت در خواب دیدن دلیل بر مصیبت مرد کند اگر بیند که کسی بروت را و بمقتراض بسیار است تا دلیل نیکو بود و او بر حضرت رسد
 و اگر بیند که بروت آورد و وقت پیر استن از تن پیر بد یا بستر دلیل نقصان مصیبت مرد بود که مانی که پدر اگر بیند که بروت و دراز شده بود دلیل
 که او از قوتی بود و اگر بیند که کسی بروت او را بر کند دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند که بر و تن سفید کرده بود دلیل که از کار او کوفی
 باز آید و اگر بیند که او را بروت بود و اگر دراز بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر اندک بود دلیل بر عروجه و مراد کند بر ج وانیال که پیر
 که دیدن حمل و اسد و قوس شکر یا پادشاه بود و دیدن ثور و سنبله و جدی پسر یا پادشاه و دیدن خوز و امیران و دلو قاضی و ساجت
 یا پادشاه بود و دیدن سرطان و عقرب و حوت و یار صاحب شرط و شرب و یا پادشاه بود این سیرین که پدر اگر کسی حمل را بخواب بیند یا مرد
 محنت در کار یافتند و حاجت او را کند و اگر ثور را بیند یا مردی حامل و نادان و اگر کاری افتد و حاجت او را کرد و اگر جز را بیند او را بامردی
 با زبان و نا کار یافتند و حاجتش را کرد و اگر سرطان بیند او را بامردی با اصل کاری افتد و حاجتش را کرد و اگر سنبله را بیند او را
 بامردی کشتار و زبیه کار یافتند و موش بر نیاید و اگر میز را بیند او را بامردی قاضی کار یافتند و هر وعده که دهد و ناکند و اگر عقرب یا بیند او را بامردی کشتار
 مفسد بد کاری افتد و او را رحمت رسد و تخمین کرد و اگر قوس را بیند او را بامردی سالار و متر کاری افتد و حاجت او را کرد و اگر دلو
 او را دوست دارند و اگر حوت را بیند او را بامردی غریب ساده دل و نیکوای مهربان کم سخن کاری افتد و حاجت او را کرد و اگر دلو
 بد آنکه بعضی گفته اند که دشمن بود و بعضی گفته اند محبت است و کامروانی در انکار که بد او بر هر که بدید از رسول خدا
 مردی در خواب دولت و بزرگی بود و دوست و دوست او نهادن و با او سخن گفتن دلیل غرضی بود محمد بن سیرین
 که بر دیدن که خوشنوی و شادمان و خوب روی بود دلیل که خود دولت یابد و اگر از پشت و غمکین بیند دلیل بر غم و اندوه
 کتا و اگر پری خوش را مرد بیند کار او شود و بد کرد و اگر با پری چنگت میکرد دلیل که کار او آشفته کرد که مانی که پدر این بعضی سنا
 در خواب دیدار دوست و محبت و دولت بود و آنچه کافر باشد دیدار ایشان دیدار دشمن و او با وانه بود و انیال که پدر کسی در خواب

کتاب
تفسیر
تفسیر
تفسیر

گوید اگر خواب بیند که بست میخیزد یا بست دارد دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بدید که بست کسی را دایما بغر و خست دلیل بود
 که از وی بداند که غم و اندوه رسد جای بر مغزی گوید اگر بیند که بست داشت و از خانه بیرون ریخت یا کسی بخشد و هیچ از آن نوزد دلیل بود که از
 غم رسته کرد و از آن خلاصی یابد بستان فروز این سیرین گوید که بستان افروز در خواب دیدن شادی بود لکن بدین باب اگر بیند که
 بستان افروز فکر گرفت یا کسی بدو داد دلیل بر خرم و شادی بود که خرم کرد و اگر بیند که بستان افروز کسی داد دلیل بود که در خرم کرد
 که مانای گوید که بستان افروز چون بوقت خود بینه مهنری بود و بعضی از متعبران گویند که زن باز را کان تو اگر بود با حال و خوش طبع
 بیند که بستان افروز در خواب در جایگاه خویش میگرد دلیل که دیر باز را کان دوست و مصاحب افتد و اگر بیند که از زمین بکند دلیل که از
 صحبت مردی جدا گردد بستان در خواب و خمر بود و آنچه در بستان بیند از زیادت و نقصان صلاح و فساد آن جمله بر دختران کند و اگر بیند
 که از پستانش شیر روان کرد و دلیل که بر دخترش نعمت و روزی فراخ کرد و مال حلال یابد و اگر بیند که بدل شیر از پستانش خون نشد
 بود و دلیل بود که مال حرام یابد و اگر بیند که پستان او پیش از اندازه فرو و آنچه بود و دلیل بود که او را دختر می آید و اگر مردی بیند که پستان او
 شیر جع کردید بود و اگر زن ندارد در آن خواب و در فرزندش آید و اگر زن دارد و تو اگر کرد و اگر این خواب را بجز زده بیند دلیل بود که بر پیشانی وی
 و اگر زن جوان این خواب را بیند دلیل بود که عمرش دراز بود و اگر دختر می بیند دلیل بود که هم در خردی همیرو که مانای گوید اگر مردی بیند که پستان
 مردی میگوید دلیل بود که بیمار کرد و اگر زن نشد است بود پس اگر زن بیند که از پستان چیزی و دلیل بود که کار دنیا بر وی بسته کرد
 جای مغزی که در پستان او در خواب زن او بود و بستان زن و دختر می بیند که پستان او بریده بود و دلیل بود که دخترش
 بجز خود دلیل کند که بیمار کرد و در و دشواری بود و پوست شکم و معده را اگر زنی بیند که در پستان پستانی دیگر برآمد و دلیل بود که دختر او
 یا یافت یا بجز دلیل کند که در فرزند میبارد آید و اگر بر غاله ریخت و دلیل که فرزند او لاک کرد و اگر بیند که لاشت بر غاله ریخت
 و دلیل که از مال فرزند چیزی بجز و حضرت صادق فرماید که نر بر در خواب مقدم لشکر بود اگر بیند که نر بر بیافت و بروی نشست دلیل بود که این
 مرد مقدم لشکر گردد و اگر از مردم عامه بود دلیل که او را با مقدم لشکر صحبت افتد و تو اگر در حضرت صادق و قیس فرماید که این شیر شنیدم که فرمود
 که هر که نر را خواب بیند که بجز بدو بخشد و پیش از وی از وی دور کرد و در دیدن نر فروش در خواب مردی بود که مردان و زنان را جمع کند که
 گوید که بزاده در خواب دیدن و کوشش و خوردن مالی صحیح کرد و بعضی از متعبران گویند که مالی صحیح کرده او را حاصل کرد و جای خست
 گوید که بزاده دیدن و خوردن دلیل خیر و منفعت کند چون بطعم خوش و نیکو بود و اگر بطعم ناخوش بود و دلیل بر غم و اندوه کند بذر
 قطو نا این سیرین گوید که دیدن بذر قطو نا در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن دلیل بر نقصان مال بود بقدر آنکه خورده بود
 بساط یا نکه بساط در خواب شاد روان بود و اگر بیند که بساطی بکشد و بروی نشست دلیل بود که روزی بر وی فراخ کرد و خوش
 دراز بود جای بر مغزی گوید اگر بیند که بساط پاکیزه و نو داشت و بزرگ فراخ و دلیل بود که نعمت و مال او بسیار کرد و خاصه که کسره بیند
 که بساط خویش بغر و خست یا کسی بخشد دلیل بود که در مال وی نقصان شود و اگر بیند که بساط او بسوخت دلیل کند که روزی بر وی
 بسته کرد و حالش بد شود حضرت صادق فرماید که دیدن بساط در خواب چون بزرگ و نو بود بر شش وجه بود اول غر و جاه

تفسیر
تفسیر
تفسیر

نیم

رسد اگر بید که پشت بدو درشت و با قوه بود و دلیل بود که او را فرزند می بیند و نا و عاقل بود و اگر بید که چیزی بر پشت گرفت دلیل
 که بقدر آن کرانی و غم و اندوه بودی رسد اگر بید که مرده بر پشت گرفت دلیل بود که بی ثبوت کسان مرده بودی بود و اگر بید که پشت او
 بر پشت لیل بود که حال او بد کرد و جابر مغربی گوید که پشت دشمن بخواب دیدن ایمنی بود از شر دشمن و دیدن پشت زن دلیل بر
 دنیا بود اسمحیل اشعث که پشت بخواب دیدن برادر بود اگر بید که پشت او شکست دلیل که برادرش می رسد و اگر بید که پشت
 او در دهن می خورد و دلیل بود که ویران برادر یا از مرگ غم و اندوه رسد و اگر بید که بسبب حلقی پشت او را داغ کرد و دلیل بود که بر صلاح دین
 و دنیا می روی و اگر بید که پشت بدو را باز داد و دلیل بود که بسفر شود و مال حاصل کند حضرت صادق علیه السلام فرمود که پشت بخواب دیدن
 برود و از ده و وجه بود اول قوه و دوم برادری ستم یا رچهارم پادشاه پنجم و زیر ششم تحت بهتیم پدر ششم برادر نهم پسر و هفتم مال از گدایان
 یاری و اوان و آند و هم جد یعنی پدر پدر و معتبران گفته اند که دیدن پشت کافران ایمان بود و فاسقان را توبه و جاد و را اسلام و منافقان را
 اخلاص پشت ابن سیرین گوید که اگر که وید و پشت زمین نامون نشسته بود یا بر پشت کوی دلیل بود که بر مری بزرگوار که شرف و منزلت
 پادشاه شرف و منزلت وی بقدر فراخی آن زمین بود که پیران کویت و اگر بید که بر سر آن پشت ایستاده بود و دلیل که بزرگوار مری بود
 شود و از وی مال و حرمت پادشاه و اگر بید که آن پشت ملک و موضع او بود و دلیل بود که مری بزرگوار و اشراف کند و نصرت و مال او است
 و بجای او میقیم کرد و اگر بید که بعضی از آن پشت ملک او است و دلیل بود که بقدر آن نصرت و بزرگی پادشاه و اگر بید که از آن نصرت
 یا کسی از بزرگان از اذخاست و دلیل بود که بسبب مری بزرگوار بر حیرت کرد و حضرت بید و اگر بید که بر آن پشت بدشواری و نصرت بالا
 همی رفت دلیل بود که غم و اندوه بد درسد حضرت صادق علیه السلام فرمود که پشت دیدن بخواب بر چهار وجه بود اول بلندی و دوم مال تیم
 قوت چهارم تنومندی پشت ابن سیرین گوید که پشت در خواب دیدن از همه وجهی مال حلال و روزی بود و پیشمی که باقیه نباشد بهتر بود
 و پنجم پیر و اگر بید که پشت داشت یا کسی بدو داد یا بخرد یا بوضع خویش بود و دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل کرد و قوله تعالی *وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا*
وَيُخْرِجْهُ مِنْهَا وَأَوْفِرْ لَهُ رِزْقًا وَنُفَعًا و *مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* چنین کرمانی گوید که پشت از خویشین و دور همی از اذخاست دلیل بود که
 مال خود را تلف کند و اگر بید که پشت می سوخت و دلیل بود که مال خود را بهرینه کند و اگر بید که بر تن وی جامه نشین بود و دلیل بود که مال
 از بندگان مال حاصل کرد و اگر بید که جامه نشین یا پشمی بخرد یا پشمی از پشت داشت و دلیل که زنی توانگر بخوابد جابر مغربی گوید
 که پشت از شر و خواب مال بود از قبل پادشاه و معتبران گویند که میراث بود پشت ابن سیرین گوید که پشت مری ضعیف و خوار و مال
 بود و کاری اندک و حقیر کند و اگر بید که با پشت جنگ میکرد و دلیل بود که مری ضعیف خصوصت کند و اگر بید که پشت بکلوی او فرو شد
 و دلیل بود که مری حقیر کاری حقیر شغل کرد و او را از اندک چیزی بدو رسد و اگر بید که پشت بسیار بر تن او جمع شد و او را میگردید
 و دلیل بود که در زبان مردم عوام افتد و از ایشان بوی حضرت رسد و باشد که او را زبان رسد زیرا که پشت خون مری و اگر بید که پشت
 گوش از بینی او فرو شد و او را بوی و گزند یافت و دلیل بود که مری ضعیف بود و بخورد رسد کرمانی گوید که اگر بید که پشت بسیار بجا آمد و او را و دلیل
 که او را غم و اندوه رسد و اگر بید که پشت کان غلبه کردند و در خانه او جمع شدند و دلیل بود که بر شش ضعیف باشد و اگر بید که پشت در بینی او شده و بر

نیم

نیم

نیم

گفته از او غله که او گفت که پیش محمد بن سیرین بودم مردی بیاد و گفت بخواب دیدم که از مینده آب میخورد و آن مینده را دور بود و آن
 آب شیرین خوش میخورد و از یکی آب شور و تلخ این سیرین گفت تو زنی داری و ظاهر زنی و بهر دو را یکا رسیداری تو بکن و از خدا بیگانه
 بترس مرد و گفت چنین است که تو گفتی تو بگردم و بخواب باز گردیدم بلغم دیدن این سیرین که دید که بلغم در خواب نالی بود که بود و به صلاح
 اعمال و نفقه کند کسی بخواب بیند که بلغم بجای کاهی ببرد که انداخته تا ویش بخلاف این بود اگر بیند که بلغم سفید از کله بر انداخت بجا
 یا کینه و دلیل کند که مال بود و به صلاح نفقه کند که مانی کوید اگر بیماری بیند که بلغم را بکشد دلیل بود که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که بلغم
 بترکند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که بلغم خون آلود بود دلیل بود که از مال می چسبی نقصان کرد و اگر بیند که بلغم بدرون خانه
 نرود انداخت دلیل بود که مال بر یکا بکشان نفقه کند و اگر بیند که بلغم در مسجد است دلیل بود که مال نه بود و به صلاح بر یکا بکشان نفقه
 برکت این سیرین کوید که در خواب دیدن برکت درخت بر درخت خلق و خوی به بیننده خواب بود و خاصه به بنکام و می در آن
 که برکت بنر از درخت پاره فرارفت یا کسی با و داد دلیل بیننده خواب را خلق و خوی خوش بود و نیکو که مانی کوید اگر
 بیند که از درخت برکت تازه فرارفت دلیل بود که او را بقدر آن درم حاصل کرد و جای بر مغربی کوید که برکت درختان میوه
 شیرین دلیل بر خلق نیکو بود و برکت درختان میوه ترش دلیل بر خلق بد بود و برکت درختان نیکه ماریا و زنده دلیل بر درم و
 بود و برکتان کوید که برکت درختان میوه دارند دلیل بر درم و دینار کند پلنگ این سیرین کوید که پلنگ در خواب
 و شمشیری قوی و توانا بود و اگر بیند که با پلنگ جنگ میکند دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را ظفر و غلبه بود و پلنگی
 پلنگ بروی غالب کرد و دشمن بروی غالب کرد و اگر او بر پلنگ غالب شد او بر دشمن غالب کرد و اگر بیند که کو
 پلنگ همی خورد دلیل بود که در جنگ و خصومت افتد لیکن بظفر کرد و شرف و بزرگی یا بد که مانی کوید اگر بیند که پلنگ
 نشست دلیل بود که بر عروجه و می و دشمن را قهر کند و اگر بیند که با پلنگ جنگ میکند و میچکد ام بر یکدیگر ظفر نیا فتند
 دلیل بود که از پادشاه ترسی عظیم بد و رسد یا بیماری صاحب یابد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که شیر پلنگ را همی خورد
 دلیل بود که از دشمن ترسی بد و رسد و سر انجام امین کرد و اگر بیند که پوست پلنگ یا استخوان یا میروی او را فرارفت
 یا کسی بد و داد دلیل بود که از مال دشمن بقدر آن چیزی بیاید و اگر بیند که پلنگی را بکشد دلیل بود که از اسلام بروی بگرداند و در او
 هیچ خیر نباشد حضرت صادق ع فرماید که دیدن پلنگ در خواب بر سه وجه بود اول دشمنی قوی و دوم مال یا فتن از دشمن است
 ترس از پادشاه بلور بد که بلور در خواب بی بی اصل بود اگر بیند که بلور داشت یا کسی بد و داد دلیل بود که زنی بی اصل
 زنی بخوابد و اگر بیند که بلور داشت یا صاحب شد دلیل بود که زنی را طلاق دهد یا از او غایب گردد و اگر بیند که بلور بسیار داشت
 دلیل بود که او را بسبب زنان مال حاصل کرد و جای بر مغربی کوید اگر بیند که بلور میفر و خست دلیل بود که دلاکی زنان بی اصل
 و اگر بیند که بعضی از آن بلور که میفر و خست بعضی سوراخ داشت و بعضی سوراخ داشت دلیل بود که دلاکی دختران و شیر دوزنان
 بچو بی اصل کند بلوط این سیرین کوید که دیدن بلوط در خواب روزی حلال بود بقدر آنکه خورد بود و اگر بیند که در خانه و

خواب

بیند

ب

بیند

بیند

بیند

اما بنامهای بلوط بود و دلیل بود که مال و نعمت بسیار او را در آن سال حاصل کرد و چون دانند که آن بلوط کثرتی هست و اگر بلوط در خانه
 دیگران بود دلیل که مردمان پیش او امانتها نهند حضرت صادق فرمود که دیدن بلوط در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال و دوم
 منفعت ستم معیشت نیکو پلیتگر مانی گوید که پلیت افروخته در خواب کار فرمائی بود که در پیش مردمان بود و پیرانی وی که زند و خوش
 کند اگر پلیت افروخته نباشد و پیش بخلاف این بود بناگوش در خواب دیدن پسری خوب روی مبارک بود و هر دو بناگوش
 و و پسر بود که مانی گوید که دیدن بناگوش در خواب دلیل بر قدر و جاه او بود و زیادت نقصان دیدن در بناگوش دلیل بر قدر و جاه صاحب
 خواب بود حضرت صادق فرمود که دیدن بناگوش در خواب بر چهار وجه بود اول پسری نیکو روی و دوم قدر و جاه ستم دیدن در
 چهارم منفعت از سبب فرزند عیبه ابن سیرین گوید که منبه در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده بود و از آنکه و بسیار و منبه دان
 بخواب دیدن دلیل بر مال بود که او را آن پست آورد بی ریخ و آن حضرت صادق فرمود که منبه در خواب بر سه وجه بود اول مال
 حلال و دوم منفعت ستم سربون پلیت و آن ابن سیرین گوید که منبه دان در خواب بر دو وجه است و سبب آنکه بود و بخشک انیال که یک بخشک
 در خواب دیدن مردی با قدر و جاه بود اگر صاحب ستم بود اگر ستم نبرد و بیند که او را با هم با یکجستی گرفت و دلیل بود که با مردم سید و دوستی
 ساز و او را قدر کند و اگر بیند که بخشک ماده گرفت دلیل بود که زنی با قدر و بر وی ظفر یا بدو اگر بیند که گوشه دی بخور و دلیل بود که مال او در میان
 که گوشه می خورد و بود و در سوار اگر بیند که بخشک از ششای نبرد و دلیل بود که بدو ریخ و علامت رسد که تا گوید و ابن سیرین گوید که اگر بیند که بخشک
 شکار میکرد و کرون ایشان از فرو میشت و در انبان می نهاد و دلیل بود که مغلی که دوکان بکند و اندام ایشان را بچوب خور و کند و اگر
 بخشک سرخ را صد کرد و دلیل بود که زنی خوب روی خوابد یا کتیرگی با جمال بخور و اگر بیند که بخشک زرد یافت دلیل بود که زنی بیمار که نزد
 کند و معتبران گویند که بخشک یافتن در خواب فرزند بود یا غلام اگر بیند که بخشک کوه است دلیل بود که با مردمی هموار و بر فعل و سستی
 کند و گفته اند که یافتن بخشک در خواب دلیل بود که اگر در پیشش مردم میاید و اگر تو را بخور و درش هزار مردم میاید و خانه بخشک در
 خواب دیدن دلیل بر خیر و خرمی و امینی بود اگر بیند که یکجان بخشک را از خانه بیرون آورد و دلیل بود که
 او را فرزندان باشند از حلال و حرام و اگر بخواب که بخشک او را میسر و آواز او را می شنید دلیل بود که
 سخنانی شنود که او را از آن شکفت آید و معتبران گویند که آواز بخشکان در خواب تسبیح کردن بود
 اگر بیند که بخشکان بسیار و اصل شده اند دلیل بود که بر سر قومی سروری کند و مالی بسیار یا بر مانی گوید که بخشک در خواب چنان کی بیند
 فرزند بود اگر بیند که بخشکان بسیار با یک سدا شدند دلیل بود که او را با مردمی غوغا کاری افتد و اگر بیند که بخشک در میان نهاد
 و فرو برد دلیل بود که او را از نذاری آید اگر بیند که بخشک بسیاری بد بخشید و دلیل بود که بقدر آن مال باید اگر بیند که بخشک کثرت
 یار و دست و جود دلیل کند که زانی بد و رسد و فرزندش میرود و اگر بیند که خانه بخشک را فرو گرفت دلیل بود که او را فرزند آید و در وقت
 اندام حضرت صادق فرمود که دیدن بخشکان در خواب بر نه وجه بود اول پادشاه و دوم والی ستم مردی بزرگ قدر چهارم غلام خوب روی
 پنجم قاضی ششم بازگان هفتم مرد راه زن هشتم مرد با خصومت نهم مردی بجلع که در معایج بود حکایت ابو خند و حکایت کرد

بخواب

بخواب

بخواب

که پیش محمد بن سیرین بود که مردی بیداد گفت که بخواب دیدم که در آستین نجیب خان داشتم یک کبریا و من میگویم که در آستین
 میگویم و آنرا در چاه می انداختم تا ویش چگونگی بود این سیرین گفت خانه کجای داری گفت فلان محله و فلان کوچه این سیرین گفت که بخت
 بنشین تا باز آیم پس درخواست و نزد پادشاه وقت رفت و او را آگاه کرد که حال جنسیت و در آید ای مردم هست مردمان
 پادشاه را در خانه او و او را در دریا بخت و جو کرد و دیدند که فریب بر پنجاه مرد کشته و در آنجا انداخته اند استند که آنرا و ایشان را
 بخیله به پنجاه سیر و ده و ایشان را میکشند و ایشان را میکشند و در خانه می انداخته و پادشاه وقت بفرمود تا او را بکشند و مردم از تعبیر این بخت گفت
 ماند تعبیر بخت و خواب که دو کج بود و پادشاه و یغی از بخت و بدان بعد که دو کج خود بود و پند و آون این سیرین که بد که اگر مردی
 بیند که کسی مصداق پند میداد که در آن پند را صلاح دین و در شکای آخرت بود و دلیل بود در بشارتی که در آن خیر دین و دنیای او بود
 بخلاف بیند دلیل بر فساد و تباهی دین و دنیای او بود و جابر مغربی گوید که پند و آون در خواب کسی را که در صلاح دین بود و نیک بود و پند
 و پند و فریب بود که بشارت و بد صد حجاب بخت که بد و خواهد رسید تا شکر آن بجای آورد و پند و آون که که او فساد دین بود
 پند و پند آن و یورجیم بود که او را خبر میداد از تباهی و فساد کار او را و توبه باید کرد و بخت باز نشن تا او را از شر و فساد نگاه دارد و از
 عذاب نگاهدارد که در پند و آون این سیرین گوید که اگر کسی بیند که پند آستین بر پای داشت دلیل بود که دین او بخت بود و او و دین او
 کند به مرغ و مردی بخت بود و آواز چیری بگسی برسد و بعضی از متعبران گویند که چون مردی مصداق دوست خود بیند دلیل بود که اگر کار
 بد و فساد را باز نداند و دوست بد را و اگر پند و آون بخت بیند که گفتیم که آسان تر بود که مالی گوید اگر کسی در گردن خود بیند از بخت
 دلیل که مالی در گردن او بود و او امانت نمیکند او و اگر پند و آون بر پای خود بیند دلیل بود که از طاعت حق تعالی و اگر انگیز و سفر بود
 سلامت باز آید و اگر بیند که بندگوش ازیم بود دلیل بود که او را بسبب آن بخت و بخت بود که بندش از زب بود و بخت و خوش
 مال بود و اگر بیند که بندش ازیم بود دلیل بود که سبب بخت او را که بخت دنیا بود و اگر بیند که بندش ازیم بود دلیل بود که او را برین
 خاصه که بند و دوست بود و اگر بیند که بند از پای او بر داشته دلیل بود که او را ثلث پادشاه خلاصی باید که برای خود کند نهاده بیند دلیل بود که او را
 با مردی منافق صحبت افتد و اگر پای خود را برین بسته بیند دلیل بود که اگر کسی بومی منفعت رسد و انیال گوید که اگر امیری بیند که برای خود و پند
 آستین داشت دلیل بود که او را بخت بیند و در آن خبر باشد و اگر بیند که بر برده پایش بند نهاده بود و دلیل بود که او را بخت بود و اگر بیند که
 بند بر پای داشت دلیل بود که او را چهار پسر باید و اگر بیند که بند از پای او بر داشته اند و دلیل بود که از غنا فرج یابد و اگر امیری بیند که پای او
 در بند و بخت بود دلیل بود که او را از ترسایان منفعت رسد و بعضی از متعبران گویند که کار وی آسان کرد و اگر بیند که بند و آستین بود
 دلیل بود که زنی کج خواهد بود و زنی عاشق کرد و اگر بیند که بند و آستین بود دلیل بود که سفر شود و یا بیا کرد و اگر بیند که بند و آستین بود دلیل
 و در کند جابر مغربی گوید که پند و آون این سیرین بود و بقول جناب پیغمبر که فرمود **وَلَا تُحِبُّ الْفُلَّانَ فِي الْمَقْدَرِ** و **وَلَا تُحِبُّ الْفُلَّانَ فِي الْمَقْدَرِ**
ثَبَاتٌ فِي الدِّينِ یعنی دوست دارم پای بند را در خواب و غل را و دوست ندارم زیر آیه بند پای بند بود و درین حضرت گفته اند فرماید که پند
 بند در خواب بر چهار وجه است اول آنکه فرودیم اتفاق سیم بخت چهارم از مصیبت دست برداشتن و بعضی از متعبران گویند که غل در دست

نسخه

نسخه

نسخه

نیمه
نقشه
نیمه

نخاست دیدن پادشاه ظالم را که تاهستی بود از ظلم سنده این سیرین کوید که هرگز سنده نابلغ با نجاب بیند که بالغ شده است دلیل بود که
از او کرد و اگر کسی بیند که بنده خود را از او کرد و دلیل بود که نه و از دنیا برود و اگر سنده را بیند که خواجه را بفروخت دلیل بود که شکمین
و مستمند کرد و اگر بیند که بنده را بفروخت دلیل بود که شادمان کرد و بنفشه محمد بن سیرین کوید که بنفشه در خواب دیدن بوقت
خود دلیل بود که از زنی یا کیتیری چیزی بدور سد یا او را فرزند آید و اگر میر از وخت خویش جدا بیند دلیل بود که غم و اندوه خورد و گرنای
از زنی بیند که بنفشه از وخت بکند و بشوهر خویش داد و دلیل بود که شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که کسی وشته بنفشه بدو داد و دلیل بود که میان
ایشان اختلاف افتد جای مغرب کوید که درخت بنفشه در خواب کیتیری بود بدخوی و ناسازگار بنیاد و تهاون این سیرین کوید که کسی
که بنیاد و نهاده فایده دنیای وی بیند از خاص و عام بقدر آنکه دیده بود و اگر بیند که بنیادی نهادی نهاد در جانی مجبول و نهاده که او را
لبست دلیل کند که ضایع بود در کار دین و دنیا و اگر بیند که بنیاد بر زمین و ملک خود نهاد و دلیل بود که فایده روزی حلال یا دیگر
کوید که بیند که بنیاد از خشت بنخته و کچ نهاد و دلیل بود که مال او را حرام حاصل کرد و اگر بیند که بنیادی از خشت خام بر نهاده و دلیل بود
که همه او بلند بود در کار دین و اگر بیند که بنیاد و دیوار از خشت بنخته نهاد و بر آورد و دلیل بود که در اعل و کارهای دنیا مغرور بود و اگر بیند
خواب بنا کرد و بود و مردستاند و دلیل بود که منفعت یا بد و اگر بیند که بنیاد از خشت بنخته بر آورد و دلیل بود که منفعت یا بد تهاون شاه
و اگر بیند که بنیاد از خشت خام و کل بر آورد و دلیل بود که منفعت از مردم عام یا بد و حضرت عیسی فرماید که اگر کسی بیند که شهری بنا کرد و دلیل بود
که جماعتی از مردمان را در بنا خود کرد و اگر بیند که قلعه بنا کرد و دلیل بود که از شر دشمنان این کرد و اگر بیند که کوشکی بنا کرد و دلیل بود که بنا
و دنیا مشغول کرد و اگر بیند که سرانی بنا کرد و دور وی بنیشت دلیل بود که نفعها و خیرها بیند و اگر بیند که مسجد یا بنا کرد و دلیل بود که
بعضی را بکار صلاح جمیع آورد و اگر بیند که بنای مناره نهاد و دلیل بود که نام او بخیر است منتشر کرد و اگر بیند که طرازی بنا کرد و دلیل بود که
خواهد و اگر نه بنا کرد و دلیل بود که در غم و رنج افتد و اگر بیند که باغی بنا کرد و دلیل بود که زنی توانگر را بدو سازد و اگر بیند که کوشکی را بنا کرد
و دلیل بود که کار آخرت بخوبی کرد و اگر بیند که قبه بنا کرد و دلیل بود که قدر و منزلت جوید و اگر بیند که هر بنیادی که بنهد و تمام کند و دلیل بود
که کار دنیا و دین او تمام کرد و اگر بیند که آن بنای تمام کرد و کارش نام تمام باشد و بنفشه محمد بن سیرین کوید که بنفشه در خواب از خشت بود مال زد که او را محفل
کرد و بیند که خواب بنفشه در مال بسیار بود که در حضرت بدست آید جای مغرب کوید که بنفشه در مال و نعمت بود که باستانی بسیار بدو بنفشه مغرب بود و با
منفعت اگر کسی بخواب بیند که نان یا بنفشه بخورد و دلیل بود که در سفری او را مالی اندک با غم و اندوه حاصل کرد و بعضی از بنفشه
کوید که علتی بدورسد لکن از آن زود خلاص کرد و به بر آنکه استادان این فن در تامل به در خواب دیدن خلافت بعضی کوید که
مستری بزرگ یا بد و از آن خیر و منفعت بیند و شمای بنیکو بعضی کوید که فرزند بود و بعضی کوید که بیماری بود و آنکه حکم بیماری
چنین کوید که آن چمن کوبند زود است دلیل بر بیماری کند و آنکه کوید که سفری دراز بود یا رنج تن بدان معنی که گفت جبرئیل آ و مراد
وقت بیرون آمدن از بنیشت بدوی داد حکم بر سفر دراز با غم و اندوه و رنج زیرا که سفر آوم از بنیشت بدیاد بود با چندین غم و اندوه
که بوی رسد و آنکه حکم فرزند کرده اند بدان معنی که گفت که چون اوم علیه السلام بدینا آمد از خورون آن منی وی زیاد و شد و با حرم

اول

و پار و گوشت خون آلود از نیمه ی او بقیه و دلیل بود که زن او بچه بینجام بکنند و اگر بیند که هر دو دست بر پهلوی نهاده بود دلیل بود که
 عجمی سخت رسد که فانی کوید اگر کسی بخواب بیند که استخوان پهلوی او شکسته بود و دلیل بود که از پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه بدور رسد و اگر
 که پوست پهلوی چپ وی جدا شده و بقیه و دلیل بود که مان عیالش هر دو تلف کردند و اگر بیند که هر دو پهلوی او زرد شده بود دلیل
 عیالش رنجور گردد و اگر بیند که در پهلوی او سوراخ شده بود و از آن که هر ی یا لولوی بقیه و دلیل بود که او را فرزندی عالم آید یا پارسا و اگر
 بیند که هر دو پهلوی او فراخ آمد دلیل بود که ویرا غم و اندوه رسد و اگر بیند که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود دلیل بود که پرورستی دین
 و قوه عیال او و اگر بیند که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود و اما پیش بخلاف این بود که گفتیم جابر مغربی کوید که پهلوی او در خواب دلیل بر زمان
 بود زیرا که زمان از پهلوی مردان آفریده شده اند پس هر چه و شر که در پهلوی بیند تا ویل آن بر زمان باز گردد و اگر بیند که او را پهلوی
 بسیار بود دلیل

دوم

چهارم بود اول زن دویم دختر سیم کنیزک چهارم خادم پنجم پیر زنی که در خانه بود و بوی
 بود و مال ملال که از زن بدور رسد و اگر بیند که بوی تیار را بگرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که بقدش
 از زن دل بخورد و اگر بیند که بوی تیار را بگشت و از گوشت وی بخورد و دلیل بود که بقدش از زمان بخورد که فانی کوید که بوی
 دیدن در خواب و اگر بیند که بوی تیار را بگرفت و بخانه آورد و دلیل بود که از خویشان خود زنی خواهد و او مال و منفعت
 حاصل کند بوی این سیرین کوید که اگر کسی بوی یک دلیل کند بر موی که سفید و خنک بود و نیز دلیل بود که زن خوابی حاصل و منفعت
 حال را در مردم ملاست یا بد و اگر بیند که بوی یا بیاخت و سپری شد دلیل بود که شغل خویش را تمام کند و اگر بیند که بوی یا از بخانه
 دلیل کند که بکه خدای خود مشغول گردد و جابر مغربی کوید که اگر بیند که بوی یا دشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که او را از زنی منفعت
 کوچکی و بزرگی بوی یا حضرت صادق علیه السلام که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت دویم خوشتر از آن است که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت

سوم

بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت دویم خوشتر از آن است که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت
 بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت دویم خوشتر از آن است که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت
 که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند و اگر بیند که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت دویم خوشتر از آن است که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت
 پدید آید که از آن خلاصی نیابد که فانی کوید که اگر بیند که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت دویم خوشتر از آن است که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت
 در رنجی و عیبی که فانی کوید که اگر بیند که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت دویم خوشتر از آن است که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت
 دلیل بود که بیمار گردد و زود شفایابد اگر بیند که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت دویم خوشتر از آن است که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت
 جاوید بود و اگر بیند که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت دویم خوشتر از آن است که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت
 با وی در آن زبانی کند که اگر بیند که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت دویم خوشتر از آن است که بوی یا در خواب بر سر او بود و اول منفعت
 که مال خویش را بر این سیرین کند پوست و انیال که کوید که پوست تن مردم در خواب آید که خدای مردم بود این سیرین که بوی یا در خواب
 که پوست مردم سرد و مال و برکت بود اگر کسی پوست تن خود را بر پوسته بیند و افتاده دلیل بود که سرور از وی کشاید که در مال و منفعت

چهارم

و پادشاهی یابد و مال بسیار را جمع کرد و قوله تعالی **وَالْقُلُوبُ جُلُودُ الْمَقْطُورِ** من المذهب حضرت صادق **ع** فرماید که پل در خواب بر چهار وجه بود و اولی دی بود که همه مردمان را بکار آید و حاجت همه کس را کند و دوم پادشاه ستم نیکوئی و کارهای یافتن چهارم مال بسیار حاصل کرد اگر بیند که پل سفید و در خواب شد دلیل بود بر تنباهی حال پادشاه و نقصان ملک و بوم خواب دیدن مردی در خواب بکار سفید بود اگر بیند که با بوم جنگ میکرد دلیل بود که او را با مردی جنگ و خصومت افتد و دیگر همه حال دیدن بوم نیکو باشد جابر مغربی گوید که بیند که بومی داشت یا کسی بد و او دلیل بود که مردی در روز آهنگ کند و اگر بیند که گوشت بوم میخورد دلیل بود که بقدر آن گوشت مال از دست داد و بخورد اگر بیند که بوم داشت دلیل کند که غلام کوچک در دستان کردی از روز او را حاصل کرد و بوم سیاهی خوش این سر بر پل نه بومای خوش و ناخوش تنهای نیک و بد و م و سخن اوصاف بود اگر بیند که بومی خوش شنید دلیل بود که او را نگویش کند و اگر در خواب بومی خوش بسیار شنود دلیل بود بر مرگ زیرا که مرد و از بومی خوش و حنوطا نگر نیز بود که مانی گوید اگر کسی بیند که او را خوشبوی کرد و دلیل بود که او را ستایش کنند و شاکویند و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که او را پیش مردم عیب بخوبی شنید و نام او بر نشستی منتظر بود و پی این سرین گوید که پی در خواب جمع کننده حال کار او بود و اگر خواب بیند که پی بر اندام او خشک شد یا بکشت دلیل بود که در پی جمع کننده کار و حال او بود از او غایب کرد و یا از دنیا رحلت کند اگر بیند که پیها بر تن او خشک شدند دلیل بود که از دنیا مفارقت جوید که مانی گوید که پیهای تن دلیل بر خویشتان و اهل بیت بود اگر بیند که پیهای او بر پشت و قوی بودند دلیل بود که خویشتان و اهل بیت و بد حال و ضعیف کرد و پیها بان و انیال گوید که پیها بان و خواب است و دوری بود بقدر نرسیدن آن اگر بیند و پیها بان تنها بود دلیل کند که اگر سبب خیش مال فراوان حاصل کند اگر بیند که باکره پی در پیها بان میکشد دلیل بود که مال و نعمت بسیار از سفر حاصل کند و روزی بروی کشاده کرد و این سرین گوید اگر کسی بیند که از پیها بان بیرون آمد دلیل بود که غم و اندوه رسته کرد و اگر بیند که پیها بان شد دلیل بود که غمگین و مستمند کرد و حضرت صادق **ع** فرماید که دیدن پیها بان در خواب بر چهار وجه بود و اول روزی و قنمت و دوم حیرت و سرشتی ستم و نایب چهارم بیم و خطر و هلاکت و از وی زود بیرون آید پیاز که مانی گوید که پیاز در خواب دیدن مال حرام بود و سخن ناخوش و رشت و اگر بیند خواب مصلح و مستور بود و بعد خود را از خردون آن دفع کنند و اگر بیند خواب مصلح نباشد دلیل کند که مال حرام جمع کند و پیوسته در وی سخنان رشت گویند خواه چون پیاز سرخ بود و اگر پیاز پخته خورد و دلیل بود که سر انجام از حرام خوردن تو بکنند و بخدایت باز کرد و حضرت صادق **ع** فرماید که پیاز در خواب خوردن بر سه وجه بود و اول مال حرام و دوم غیبت و سخن رشت ستم شنیدنی در کار با پیاله محمد بن سرین گوید که پیاله در خواب کینه کرد که با بومی عشرت و طرب کند اگر بیند که از پیاله آب یا جلاب میخورد و دلیل بود که با کینه کی کجالت جمع و از وی فرزند مصلح بیاورد و اگر بیند که آن جلاب یا آن آب از پیاله ریخت و دلیل بود که فرزند وی بمیرد و حضرت صادق **ع** فرماید که پیاله در خواب برد و وجه بود و اول کینه و دوم خادم پیراهن و انیال گوید که پیراهن سفید در خواب دیدن مردی و از بعضی از مجرمان گویند که پیراهن زن بود و دلیل حال و کار او بود در کسب معیشت اگر بیند که پیراهن نو و فراخ پوشیده بود و دلیل بود بر

10

۱۰۰



6

کار و نیکی احوال و اگر بید که پاره از پیر این او دیده بود و تا ویش میانه بود و نیکی و بدی و اگر بید که پیر این وی کمن و چکن بود
 و لیل بود که در پیش و پیاپی ریخ و غم بد و رسد و هر چند پیر این را کشته تر و دیده تر بید بلا و مصیبت و عیش و شکر بود که خداوند
 خواب ملاک کرد و اگر کسی بید که پادشاه او را پیر این خود او و پوشید و لیل بود که پادشاهی از وی بستاند که مانی کو به اگر کسی بید
 که پیر این پوشیده بود و لیل بود که بظا هر نیکی بود و باطن بد و اگر بید که پیر این و شلوارش جمله چکن بود و کس و لیل بود که اگر تو
 بود و ویش کرد و در غم و اندوه گرفتار کرد و جابر مغربی گوید اگر کسی بید که پیر این نو و فراخ پوشیده داشت و لیل بود که عیش و
 فراخ کرد و اگر بید که پیر این تنگ بود و لیل بود که عیش بر وی تنگ کرد و اگر بید که پیر این او دیده بود و لیل بود که رازش کار
 کرد و اگر بید که پیر این بی گریبان بود و بی استین و یک زرب بود و پوشیده و لیل بود که اجلش نزدیک آمد باشد و اگر بید که پیر این
 دراز داشت و لیل که کارش بر کرد و در مرداش بر آید و اگر بید که گریبان پیر این از سوی پس بریده بود و لیل بود که او با بد و سخت
 نهند و له تعالی و آن کان قمیضه قلن ذنیر فکک مت و اگر بید که پیر این کسی داد و انگس پیر این را بوی فرو و با لید
 و لیل بود که پیغم کرد و از جای کبابی او را بشارت رسد و له تعالی اذه هبوا بقیضی هذا انا لکوه علی و جبرائی کایت
 بصره و اگر بید که پیر این خون آلود و در دست و لیل بود که روزگار از در غم و اندوه بماند و اگر بید که پیر این دریده بود و پوشیده بود و لیل
 بود که کارش کند کرد و در رازش آشکارا شود حضرت صادق علیه السلام فرمود که پیر این در خواب چون نو و فراخ بود و لیلش شش و سه بود
 و آن دیدن مردم و دویم ستر ششم عیش خوش چهارم ریاست پنجم ریش و خرمی ششم بشارت هفت المعمور خانه است
 در آسمان چهارم برابر کعبه و آن چگاه فرشتگان بود و این سیرین گوید اگر کسی بید که در بیت المعمور شد و لیل بود که در آن مقوم باشد
 یا بعل علم ظاهر کرد و در جگه و از شر دشمنان این کرد و اگر بیت المعمور را بر زمین بید و لیل بود که پادشاه عالم عادل پیوسته کرد
 و اگر بید که در بیت المعمور خانه ساخت یا بحفت و لیل بود که اجل وی نزدیک آمد و شد و اگر بید که پیر این بیت المعمور را ساخت
 بید و لیل بود که از دنیا رحلت کند و اگر بیت المعمور را بر کرد و مسجدی دید و در وی نماز کرد و لیل بود که همه حاجات او بر کرد
 اگر مانی گوید اگر کسی بید که از زمین تا بیت المعمور راه کشاده بود و لیل بود که مردان در آن سال حج و عمره بسیار کنند و اگر بید که
 بیت المعمور را آسته است و فرشتگان بر وی طواف میکردند و لیل بود که علماء اهل بین نظام شوند و عز و جاه و یا بید پیر این
 سیرین گوید که پیر این در خواب لیل بر مال و زینت زمان و کینک کند بر قدر و محبت پیر این که دیده بود که مانی گوید اگر بید که پیر این
 آسته بود بجا هر و پوشیده بود و لیل بود که بقدرا آن او را مال حلال حاصل کرد و اگر بید که پیر این او ضایع کرد و لیل بود که او را
 غم و اندوه رسد و اگر مردی بید که پیر این زمان داشت و لیل بود که غمگین کرد و پیر و زو این سیرین گوید که پیر و زو در خواب
 ظفر و حواله وانی بود و اگر بید که پیر و زو از وی ضایع کرد و لیل بود که مرادش بر نیاید جابر مغربی گوید که بید که پیر و زو
 بخوار داشت و لیل بود که بقدرا آن او را مال حاصل کرد و شرف و بزرگی یا بد حضرت صادق علیه السلام فرمود که پیر و زو در خواب
 بر چهار وجه بود اول ظفر و حضرت دویم حاجت روائی سیم خور چهارم ولایت پیر شدن این سیرین گوید که اگر کسی بواب بید

سجده

سجده

سجده

سجده

که بر کردید

که پیر کردید و محاسن او سفید شد دلیل که غرور شرف یابد و اگر پیری جھول را ببیند که خرم و شادمان بود دلیل که از دوستی مراد نامی او برآید و از
 خرم رسته کرد و اگر پیری معروف را ببیند که خرم و شادمان بود دلیل بود که از او چیزی بدو رسد و اگر او را ترش روی و غمگین ببیند پیشتر
 بخلاف این بود و جابر مغربی گوید اگر پیری را ببیند که جوان شد دلیل بود که در غرور بزرگی او نقصان باشد و در دنیا مغرور گردد و اگر جوانی
 یا کودکی ببیند که پیر شد دلیل بود که غرور بزرگی یابد و بکار آخرت مشغول گردد و پیری این سیرین گوید که پیری در خواب مال و ثواب مکرری بود
 و اگر ببیند که تن او پوس کردید و دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل گردد و بعضی از سیران گویند که پیری در خواب سیران
 حضرت صفا دق فرماید که پیری در خواب بر چهار وجه بود اول مال و دویم میراث سیم منفعت چهارم بدیدادن کار مشکلی جابر مغربی
 گوید اگر ببیند که با مردی پیس او را صحبت بود اگر آن مرد مصلح و مستور بود دلیل بود که او منفعت آخرت بود و اگر آن مرد مفسد
 و جھول دلیل بود که او از احرام منفعتی رسد پیشانی این سیرین گوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع سجده است و اگر
 لغت است و بعضی گویند که پیشانی دلیل بر فرزند بود که از اهل بیت او نماند کرد و اگر ببیند که بر پیشانی او نشانی بود دلیل که خداوند
 در پاک و بی و پر پیرکاری مشهور کرد و اگر ببیند که کسی زخمی پیشانی او زد و خون روان شد دلیل بود که قدر و جاهش زیاده کرد و اگر ببیند
 که پیشانی او کوچک گردید تا ویش بخلاف این بود و اگر ببیند که پیشانی او از حال خود گشت دلیل بود که زیانی بوی رسد و اگر ببیند که بر پیشانی
 او مورسته است دلیل بود که وام وار کرد و اگر ببیند که آئینوی سرخ یا سفید بود دلیل بود که آن و امش از بهت عمیل بود و اگر ببیند که پیشانی
 او آما س دشت دلیل بود که مالش زیاده کرد و اگر ببیند که از پیشانی او مار یا کرم یا چیزی دیگر بیرون آید دلیل بود که بقدر آن او را
 الم و کزند از دشمنان رسد جابر گوید اگر کسی ببیند که بر پیشانی یک چشم دشت دلیل بود که بکار که خداوند او پندارد و اگر ببیند که
 پیشانی چشمهای بسیار دشت بهین دلیل کند که او را در مصلح خود پنداری تمام بود و اگر ببیند که بر پیشانی وی خطی سه نوشته بود
 که او از فرزندی آید عالم و پر پیرکاری و اگر ببیند که بر پیشانی وی آیت رحمت نوشته است دلیل بود که عاقبت راحو و کند و مرگ و بر بهشت
 او بود و اگر ببیند که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محروم و نداشت و او را بخلاف این بود و حضرت صفا دق فرماید
 که دیدن پیشانی در خواب بر شش وجه بود اول جاه و قدر و دویم غرور بزرگی سیم فرزند تو اگر چهارم سعادت پنجم ریاست ششم جود و نیکی
 پیشانی گرفتار این سیرین گوید اگر ببیند که در کاری پیشی گرفت یا بر کسی از کارهای دین مثل عبادت یا حج و غیره آنچه دیدن اند دلیل بود
 که در آخرت رستگاری یابد و او را از خدا تعالی ثواب بود و اگر کسی بر کار دنیا پیشی گرفت دلیل بود که غرور و قبایل آن با حضرت
 صفا دق فرماید که پیشی گرفتن در خواب در کارهای غیر و مصلح دلیل بر خیر و مصلح و وجهانی بود و اگر ببیند که پیشی گرفت در کار شر و دنیا
 دلیل کند بر فساد و وجهانی پیشینه این سیرین گوید که پیشه در خواب دیدن اگر ببیند که پیشه خود را با کرد و به پیشه ازان بهتر مشغول گردد
 دلیل بود که کارش حالش بهتر گردد و در کسب و کار روی نیکی بدیدادن و اگر ببیند که پیشههای کونا کون همی کرد و اگر آن پیشهها نیکو بود دلیل
 بر خیر و نیکوئی کار کند و اگر بد بود دلیل کند بر شر و بدی و اگر ببیند که بعضی از پیشهها بد بود و بعضی نیکت بر کدام قومی تر بود حکم بر آن
 این سیرین گوید که پیشه درختان در خواب زنی بود یا بانی اگر ببیند که در پیشه شد و آن پیشه سبز بود و درختان میوه دار و در آن بود و در

جابر

پیری

پیشانی

پیشانی

پیشانی

پیشانی

نفس

چین

نفس

چین

در وقت آن فارسیه آن بشیه همی خورد و لیل بود که زنی خوابید که اهل و بیایانی بود و باینکه خبری که در میان او و پسر و دانه باشد و آن
زن او را خبر و منفعت رسد و اگر آن بشیه را خالی از اینها دید و لیل بشهرت کند و اگر بشیه که در آن بشیه بجای درختان خار بود و در آنجا
او را کند رسد و لیل کند که او را غم و اندوه بجهت زمان رسد حضرت باو حق گوید که دیدن بشیه در خواب بر چهار وجه بود و اول زن بیایانی
و دوم کینه که ستم منفعت چهارم غم و اندوه بود و بیع این سیرین گوید اگر بشیه که مصحف بفروخت و لیل بود که
دین او را و حقیر بود و خار و اگر بشیه که بنده خویش را بفروخت و لیل بود که کار بروی تنک آید و سنگر کرد و اگر بشیه که زن خوشتر
بفروخت و لیل بود که حرمت و بزرگی او را از دست نام کرد و اگر بخر ازین زن که بفروخت او را زنی دیگر بود و لیل بود که کارش صلاح
باز آید که مانی که بدید هر چه که در دین عزیز بود و فروخت آن خواب در کار بد بود و خریدن آن نیکو بود و سپیکان در خواب دیدن مردی بزرگ
خطر بسیار بود و اگر بشیه که سپیکانی تیر یافت یا کسی بوی بخشید و لیل بود بر درستی کار که بد و درسد جابر مغربی گوید که دیدن سپیکان در خواب
خود بود و درختی که سینده خواب با خصم گوید خاصه که سپیکانش از پولاد و روشن بود و اگر شکسته یا زنگار گرفته میشد تا ویش بخلاف این بود
پیغمبر بدانکه تا میل پیغام بران در ضلالت از دهم یاد کردیم از اینجا مطالعه باید کرد و سپیکان سیرین گوید که سپیکان خواب زن بود و اگر بشیه
که او را سپیکری بود و لیل کند که زن خواهد و اگر بشیه که سپیکان کسی سپیکان بخرد و لیل بود که کینه خرد بخرد و اگر بشیه که سپیکری داشت و از وی
صنایع شد یا از دوست او بفتاد و شکست و لیل بود که زن را طلاق دهد یا زلزلش از دنیا رحلت کند و اگر چهره سپیکر خود را بصورت
و سپیکر بشیه و لیل بود که احوالش بکشد و دهم بران بیات که آن چیز رسیده بود که مانی گوید اگر سپیکر خویش را بصورتی زشت بدل کرده بشیه
و لیل که حال او متغیر کرد و اگر بشیه که بحال و صورت خود کرد و لیل بود که بحال خود و بسوی خدا باز کرد و اگر سپیکر خویش را بشکسته
و لیل بود که همه روی از وی بگرداند و بر وی جفا کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بشیه که سپیکر آدمی یا سپیکر حیوانی بدل می کرد و لیل
که آنکس بد مذنب و دروغ گو بود یا در صفات خدایتعالی چیزی گوید و اگر بشیه که سپیکر کسی بخرد و دیگر که نه از جنس او بود و بکشت و لیل
که بشیه را کار صعب چه یاد و در آن متحیر ماند و صورت در خواب دیدن مردی بود که بر ضایعتهای دروغ گوید سپیل بن سیرین که
که معتبران گویند که فرق نیست هیچ وجه میان خواب شب و خواب روز الا سپیل اگر کسی در خواب بشیه که بر پیل نشسته است و لیل بود که
زنی خوابد و اگر این خواب را بره زبند و لیل بود که زن را طلاق دهد یا کینه را بفروشد اگر بشیه که سپیکر بکشت و لیل کند که باو سپیکان
بر دست او کشته کرد و یا حصار می محکم را بکشد و اگر بشیه که سپیل بر سر وی نهاد و او را بکشت و لیل بود که بملک نزد یک کار و درون
بگردد و اگر بشیه که بر سر پیل نشسته بود و آن پیل دیگری داشت و لیل بود که از خدمت پادشاه خویش بخدمت پادشاه دیگر شود و گمانی
گوید اگر بشیه که بر پیل نشسته بود و آن پیل صلاح داشت و نیک طبع او بود و لیل کند که پادشاه عجم کرد و یا پادشاه عجم را قتل کند و اگر بشیه
که ناکوشت پیل همی خورد و لیل بود که بقدر انگوشت از پادشاه عجم مال و نعمت یابد و اگر بشیه که از استخوان پیل یا از پوست او چیزی بخورد
داشت همین لیل کند بر مال و نعمت که از پادشاه بدور رسد و اگر بشیه که بهنگام رزم بر وی نشسته و لیل بود که دشمنی بزرگ در حق
کند و بر انقول قشعه هجاب الفیل را و لیل آوره اند و اگر بشیه که از پشت پیل بنشیند و لیل بود که در مای خنجر آید که بشیه که سپیل در میان

بنکست بیفتا و بر ویل بود که پادشاه اند یار بعید و جا بر خیزی که یکاگر بیند که از بهر نشان بریل نشسته بود و قادر بود و ویل بود که در
 بنکاج خود بخوابد و آن زن بروی قادر کرد و اگر بخلاف این بیند ویل بود که بر زن قادر کرد و اگر بیند که پیل سلاج پوشیده بود و در
 شهر شهر و یکری میرفت ویل بود که بر مملکت آن دیار از پادشاه به پادشاهی دیگر افتد تا او را بکشد حضرت صبا و حق میفرماید که در
 پیل در خواب بر شش و جبه بود اول پادشاه عجمی قویم مرد غلام ششم مرد مکار چهارم مرد با قوت و بهیبت پنجم مرد ششم شکاری جوان
 خواره پیل کوش کبابی است که بر یک بزرگ پهن دارد و آنرا شکوفه زرد است و بدن آن در خواب زنی بود خادومه وی اصل و توان
 اگر کسی خواب بیند که پیل کوش داشت یا کسی بومی داد ویل بود که او را با چنین زنی صحبت افتد و از آن صحبت بیند پس بگوید این سیرک
 که پیل در خواب مانند طبیب بود و مانند خفیه زیرا که طبیب هم از اسباب که خفیه مردمان را در وین نماید اگر بیند که پیل در خواب در وین
 و راحت رسد و بدین سبب ویل بر خیره و سخاوت کند تا بهر چیز اگر کسی بیند که پیل در خواب بر یکدیگر ویل بود که آنکس خیر و منفعت بهر کس برسد
 و نامش بر نیکی دران و یار مستغنی کرد و پیل این سیرک که پیل در خواب خادومی بود که کار با کند که مالی بود که پیل در خواب خادومی بود
 که کار با اتفاق کند بعضی کو بیند که پیل در خواب کاری بود که از رخ و عشا حاصل کرد و اگر کسی بیند که پیل در خواب کاری کند ویل بود که
 تمام کرد و اگر بدان کار کند ویل بود که از آن کار بریده کرد و بیماری این سیرک که پیل در خواب بیند که چهار است ویل بود که در آن
 بقضا بود و گفتار او با مردم متفاق بود و بعضی کو بیند که در آن سال بمیرد و اگر بیند که از بیماری تن در رفته شده بود و در خانه نبوده و
 سخن بنکست ویل کند که بیماری بروی دراز کرد و در خطر بوده باشد که بمیرد اما اگر بیند که با مردمان محالست میکرد و سخن بنکست ویل
 کند که زود از بیماری شفا یابد که مالی بود که اگر بیند از بیماری وی برهنه بود ویل بود که زود بمیرد و مصیبت آنکه که بیماری در خواب ویل
 بر فشق و فخر کند و غم داند و که قبل سلطان یا از قبل خیال بدید و بهر چیزی که پیل در خواب بیند که بیماری که در خواب ویل بود و در خواب
 فریضهها و سنتها حضرت صادق فرماید اگر کسی بیند که بیمار بود و از علت خویش نمیدانید ویل بود که از غم این کرد و اگر از بیماری طاق
 و رنجی و شاکر بود تا ویش نیکی و صحت بود و اگر بیند که بیمار و برهنه بود ویل که اجلس نزد یکساده باشد و نه تعالی گفت که چنانچه
 خوابی که حکما خلق کند آنکه سیمانه پیر که پیل در خواب نظام کار بود و انصاف و راستی بود با مردمان خاصه چون پیل
 در خواب میبخت بود اگر بیند که پیل بست یا کسی بد و داد ویل بود که راستی و انصاف کند و معامله داد و دست بخت کند و اگر بیند که
 او بشکست یا بخواست ویل بود که خداوندش را بیم مرگ بود و اگر بیند که از پیل پیری می پیور اگر لعل علم بود ویل که قاضی کرد و اگر از لعل
 علم نباشد ویل از بهر داری بقاضی محتاج کرد و بفرمان یک پیل در خواب بروی بود و رستگاری و منفعت که داور مردمان و بهر پیل
 گوید که مینی در خواب بجهاد و منزلت بیند و بود و هر زاده و نقصان که در وی بیند ویل قدر و جاه بر بیند و بود و اگر بیند که مینی او توانا
 شده بود ویل بود بر نقصان قدر و منزلت آن که اگر بیند که مینی آن افتاده بود ویل کند که از جاه و منزلت بیفتد و اگر بیند که سوان مینی او
 فراخ شده بود ویل بود که معیشت بومی فراخ کرد و اگر تنگ شده بود ویل که معیشت بروی تنگ کرد و این سیرک که پیل در خواب
 از مینی او بیرون آمده بود ویل بود که از مینی منفعت یابد و اگر بیند که جانوری از مینی وی بیرون آمد چون کرم و کس و مانند این ویل بود

بنکست

پیل

پیل

پیل

پیل

تاج
پادشاه

تاج

تاج

تاج

تاج

بر سر و ریشمان بر سر و جبهه بود و اول سفر و تحویل دویم بر یا صحت نفس ستم کشایش کار می فرمود بستر تاج پادشاه بر سرین که بدید که بخت
 بخواب و بدین پادشاه سخت بود و اگر گرامی سخت بود و چنانکه مردم را از آن زبان بود و دلیل بود که مردم آن و یار را از پادشاه خیر صلاح
 و تاج پادشاه را بوقت خویش بخواب و بدین بهتر بود که گرامی بود اگر کسی تاج پادشاه را بخواب بید بود بوقت خود چنانکه جهان خرم بود و درختان پر بار
 و دلیل بود که عز و دلش زیاده کرد و کادش بر آورد و مردم غام پادشاه را بخواب و بدین از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر
 تاج پادشاه را نه بوقت خویش بید تا ویش اختلاف این بود و تاج محمد بن سیرین که بدید که تاج در خواب بدین پادشاه را که کشته و ولایت
 بود و نه تاج شوهر و مردم حاکم را نیکی و حال اگر بدید که بر سر تاج داشت از زو و مرصع و دلیل بود که قدری بلند و تیرتی عظیم باید که
 در زمین و راه شریعت ضعیف بود و اگر این خواب را زنی بید و دلیل بود که شوهری کند صاحب شست و جاه و شغل و نیاید که
 کوید اگر بدید که پادشاه بر سر وی تاج ستاد و دلیل بود که او را از پادشاه بزرگی و کام روانی بود اگر بدید که پادشاه تاج بوی داد و دلیل بود
 و او بر سر نهاد و دلیل بود که زنی توانگر خوب روی بخوابد و از او کام دل و داد و یابد و اگر بدید که تاج از سر او بیفتاد و دلش گشت
 و دلیل بود که زن را طلاق دهد و اگر کسی بدید که تاج از سر وی بر گرفته شد و دلیل بود که زن از وی جدا کرد و اگر بدید که
 تاج از سر وی بیفتاد و دلش گشت و دلیل بود که زن او ببرد یا کسی از اهل بیت او ببرد و از دنیا رحلت کند حضرت عیسی و قیام فرماید
 اگر زنی بدید که تاج بر سر دارد و شوهر ندارد و دلیل بود که شوهر کند و اگر شوهر دارد و دلیل بود که بر زن مرده و اگر زنی
 بدید که تاج از سر او بر گرفته شد و دلیل بود که شوهر از زنی خواهد داشت و او را طلاق دهد و اگر بدید که تاج مرصع بود بر سر پادشاه
 بود و جاه و حرمت حاصل کند و او را حرمت بپذیرد تا راج این سیرین که بدید که اگر بدید که مال و نعمت کسی را با تاج برود و دلیل بود
 که آنکس را غم و اندوه و زیان رسد بقدر آنکه از وی ببرد و حضرت عیسی و قیام فرماید که تاج را چون دلیل بود بر چهار وجه اول
 شنب دویم زیان ستم غم و اندوه چهارم از زانی نریخ مگر که غنیست و تاج را یکی این سیرین که بدید که تاج یکی در خواب ضلالت
 بود و راه دین اگر بدید که تاج یکی فکر گرفت یا کسی بدو داد و دلیل بود که بر قدر آن ضلالت و مگر ای باید اگر بدید که در تاج
 بود و آن تاج یکی بروشنائی مبتدل کرد و دلیل بود که توبه کند و راه دین بر او گشاده کرد که گرامی کوید اگر بدید که در تاج یکی بود
 و آن تاج یکی باز روشنائی شد و دیگر تاج یکی شد و دلیل بود که این منافق بود و توبه تعالی و از آظلم حکم که آیم قاصد و کون
 جابر کوید که تاج یکی بخواب غم و اندوه بود اگر بدید که تاج یکی تار یکت کرد و دلیل بود که مردم آن دیار غم و اندوه رسد و کار
 ایشان بسته کرد و اگر بدید که تاج یکی بر او روشن بود و تاج یکی ابر ناگاه بدید و دلیل بود که در آن دیار مرگه و شفاعت ظاهر کرد و خوش
 صادق فرماید که تاج یکی در خواب بر سر وجه بود و اول کفر و ستم تحیر ستم فرو بستن کار چهارم بدعت پیغم و ضلالت افتاد
 اسمعیل اشعث کوید اگر بخواب بدید که از تاج یکی بروشنائی آمد و دلیل بود که از درویشی به توانگری افتد و از غم فرج یابد و کار
 بروی گشاده کرد و از راه ضلالت دور بود و تاج پادشاه و انبال کوید اگر کسی بدید که تاج پادشاه را نه بخورده و پشت و دلیل بود که تاج
 نه بر او و نظام او بود و اگر بدید که تاج پادشاه را نه بخورده و پشت و دلیل بود که تاج پادشاه را نه بخورده و پشت و دلیل بود که تاج پادشاه را نه بخورده و پشت

در خواب دلیل بر مال نداشت بود بر قدر رسیده خواب اگر بیند که دوال تازیانه او بکست دلیل بود که مال و بزرگی از وی جدا گردد
 این سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را بتازیانه بزد و دلیل بود که بجای مشغول گردد و آنرا کس و کسب خایده بدو نرسد اگر بیند
 که تازیانه از دست بیند اخت و دلیل بود که انکاری که در دست دارد بیند از دگر بیند که چون او را بتازیانه بزد خون از تن وی
 روان شد و دلیل بود که سخنها می ناخوش شنود و اگر بیند که خون از وی فروخت دلیل بود که بر تازیانه درمی یابد گرانی که بد اگر
 بیند که او را بتازیانه بزد و دلیل بود که آنرا کس مال حرام یابد اگر بیند که زخم تازیانه خون از او روان شد و دلیل بود که مال یابد و اگر بیند
 که زخم تازیانه بر تن او ماند و دلیل بود که سخنها می ناخوش شنود و اگر بیند که او را بتازیانه بزد و ندانست که کسی نزد دلیل بود که
 ناگاه مال یابد جابر گوید اگر کسی خواب بیند که در دست تازیانه نیکو داشت یا علاقه بر شیخ دلیل کند که او را فرزندی آید اگر
 بیند که تازیانه از چوب بود و دلیل بود بر قوه حال وی و اگر بیند که تازیانه او چرم یا از دوال بود و دلیل بود که خبر منفعت بدو رسد
 و اگر بیند که تازیانه در دست او شکست دلیل کند که فرزندش بمیرد یا از کار خود معزول گردد و اگر بیند که بر آب نشسته بود و تازیانه
 بر او دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان کار بروی منت نهد و اگر بیند که بر پشت کسی تازیانه بزد و از آنجا خون برآید دلیل بود
 که آنکس مال حرام یابد یا زنده او را متمم کند بجای و اگر بر پشت خود زخم تازیانه بیند و ندانست که چه کس نزد دلیل بود که
 و نیای او تمام گردد و اگر بیند که بر کسی تازیانه زد چنانکه پاره پاره گردید و دلیل کند که او را شتر قریب کند و اگر کسی را با تازیانه زد
 و دلیل بود که دیر اعم و اندوه رسد اسماعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که در خانه خود دست خود را تازیانه کوتاه بود پس از آن دراز
 کرد و دلیل بود که زبان او بر خشم دراز گردد و اگر بیند که دراز بود و کوتاه گشت دلیل بود که دشمن بروی غلبه کند حضرت علی علیه السلام
 فرماید که تازیانه در خواب بر پنج وجه بود اول شعث دوم جدل کردن ستم روشن شدن کاری مشکل چهارم سفر و مفارقت پنجم بزرگ
 مال تا و این سیرین گوید که تاوه و خواب خدشکار خانه بود که آنچه بر که خدای خانه بود جمله بر عیال خود و یکمان نفقه کند اگر
 که تاوه بود و ششت یا کسی بدو داد و دلیل بود که خدشکاری بر عیال او حاصل گردد و یا از وی جدا گردد جابر مغیری گوید اگر بیند که در تاوه
 چیزی میخفت دلیل کند که کار خدشکار او نیکو گردد و اگر بیند که تاوه چیز میخورد و دلیل بود که از آن خدشکار خیر و منفعت بدو رسد
 بقدر خور و دنی و اگر بیند که آن خور دنی ترش و ناخوش بود و دلیل بود بر غم و اندوه و سی شب این سیرین گوید اگر کسی بخوابد
 که او را سیب پیوسته بود چنانکه زمایش را نمیکرد و دلیل کند که پیوسته بفساد و کلاه مشغول بود و توبه یا دیگر تا آنوقت نجات یابد
 گرانی گوید اگر کسی بیند که تنش دراز بود و دلیل کند که تنش درست و عرش دراز بود و اگر بیند که پیرا تنب نداشت بود و مالش بختلاف
 این بود و سیر این سیرین گوید که تیر در خواب خدشکاری بود که بجای کاری کند و اگر او را کاری فرماید خواهد که آنرا کست که او
 تا و یکبارش نفرماید جابر گوید که تیر در خواب هر وی ترسیده بود و اگر یاری خواهد از مرد منافق بود و در میان مردم جنگ جدا
 نمکند و اگر بیند که تیری داشت یا کسی بدو داد و دلیل کند که او را با مردی بدان صفت دوستی افتد اگر بیند که تیر او شکست یا بختلاف
 کرد و دلیل کند که آن مرد را اجل فرارسد تیسره بشاری هبل بود و دیدن آن در خواب خبر مرگ و سخن دروغ بود و کاری چید

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

و روشن و این جمله دلیل بر زنده شدن آن کند این سیرین کوید اگر بیند که با تیره پای کوید و رقص کند و این بود که بر غم و اندوه و مصیبت
 و اگر بیند که او تیره مغرور می زد و دلیل بود که سخن باطل کوید یا کاری با صواب کند که بدان شهر کرد و بعضی از تجران کوید که تیره و زور
 آواز خوش بود لکن باطل بود که مانی کوید اگر کسی بیند که تیره میزد و دلیل کند که کارهای باطل کند باشت که در آن هیچ حاصل نباشد و با
 مردمان هر و عده که و در جمله دروغ باشد حضرت صادق علیه السلام فرمود که تیره زدن در خواب کاری بود که بنا وانی کرده شود و عاقبت آن کار
 اظهار کرد که باطلست و تیره زدن در خواب مردی بود که دروغ شیرین و آراسته کوید بظاهر و در باطن مردمان را عینیت کند و سخنان
 ترشست کوید و تملج این سیرین کوید اگر کسی بیند که تملج بگوشت بزد یا با گوشت کوفته و ماست شیرین میخورد و دلیل کند که بعد از آن
 از مردم سپاهی منفعت و خیر رسد و اگر بیند که با گوشت کا و یا با گوشت خرگوش کشت و ماست ترش میخورد و دلیل بود که منفعت
 اندک از مردم منفعت و در بد و رسد جا بر کوید که تملج با گوشت خرگوش یا چیزی ترش زلیل بر غم و اندوه بود و تحت محنت سیرین کوید
 اگر کسی بیند که بر تخت نشسته بود و بران تخت چیزی کسره نبود دلیل کند که بفر شود و اگر بیند که بر تخت خفته بود و بران چیزی کسره
 بود و دلیل بود که بزرگی یا بد و نقد و قیمت تحت دشمنان را خیره کند تا ازین غافل بود و اگر این کس از اهل فساد بود و دلیل بود که برادرانشند
 خاصه که خود را بر تخت خفته بیند و اگر بیند که تحت شکست و اوسفتا و دلیل کند که از جاه و بزرگی بفرستد و حالش بد کرد و حضرت صادق
 فرمود که دیدن تخت در خواب بر هفت وجه بود اول غرور و دوم سفر سیسم مرتبه چهارم بلندی پنجم ولایت ششم قدر و جاه و هفتم عالی
 شدن کار با تخم کاشتن این سیرین کوید اگر کسی خواب بیند که تخم کاشت و باز جمع کرد و دلیل بود که شرف و بزرگی یا بد و اگر بیند که از
 آنجا که کاشته بود میخورد و دلیلش ازین نیکوتر بود و اگر بیند که از آنجا کشته بود چیزی حاصل نکرد و یا ندانست که باران چیست و نریند
 و بسیار از ندانست دلیل بر غم و اندوه کند که مانی کوید اگر بیند که تخم کاشت و دلیل کند که او را خیر و نیکوئی رسد و اگر بیند که چیزی
 و دلیل بود که او را مال جمع کرد و اگر بیند که کاشتن می بر مال اندک کند و اگر بیند که عدس و باقی و لوبیا و مانند آن بکاشتن
 و دلیل بر غم و اندوه کند و انیال کوید اگر در زمین خویش تخم همیکا کاشت دلیل کند که زنی خواهد که کارش ساخته کرد و اگر زمین کشته خویش
 ناکشته بیند و دلیل بود که او را با کسی خصومت افتد و اگر بیند که بجای جمول تخم می کاشت و بر آید و دلیل بود که خاکند و غراب روی آسان کرد و
 و خیر نکند و اگر بیند که در زمین خویش کشت می کرد و دلیل بود که او را مال و نعمت حاصل کرد و اگر بیند که جای کند مایه دخت در زمین خود
 و دلیل که جاه و غرور یافته کرد و نقد را ناکشته بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی دوم فساد
 سیسم مال حرام چهارم دفعه در بازگانی تخم این سیرین کوید اگر بیند که او را تخم بود و دلیل بود که او را مال بی خود و فساد کند یا که از این
 گناه توبه کند تا از عقوبت حق تعالی نجات یابد و اتفاق معبران آنست که در خواب تخم دیدن در آن خیر نباشد حضرت صادق علیه السلام فرمود که تخم در خواب
 بر چهار وجه بود اول مال با دویم فساد سیسم مال حرام چهارم متابعت هوا می نفس کند تخم را مانی کوید که تخم در خواب دیدن آنچه
 ترش و تلخ و ناخوش بود جمله دلیل بر غم و اندیشه کند خاصه خوردن بد و صبر بود و اما آنچه لطیف ترین و خوش بود خوردن آن در خواب
 منفعت اندک بود جا بر مغربی کوید که تخم در خواب دیدن و خوردن آن نیکو باشد لکن آن تخم که پوسیده یا کرم خورده بود و مذر و آن

پیرین کوید که تدر و مرغی است صواب مردی بخار بود و تدر و ماوه زنی نوینیده بود و حقیرین کینند که تدر و مال حرام بود که بحیل
بدست آورد و اگر بیند که با تدر و در بند بود و دلیل بود که با کسی بخار او را خصوصیت افتد و اگر بیند که تدر و ماوه او را حاصل کرد و دلیل
کند که زنی خواهد که در وی هیچ چیز نبود و اگر خانه تدر و بیند و نیست که زنی خوب روی بکجای خواهد بود و قدر سفیدی او یا کینیری از بخت
گرمائی کوید که اگر بیند که تدر و در خانه داشت و دلیل کند که زن او طلاق کرد و یا بجهت زن او را صیبتی افتد و اگر بیند که تدر و در خانه
او پیوسته دلیل بود که زنی اطلاق دهد و یا مرغی کوید که تدر و در خواب زن پادشاه بود با جمال و مال اگر بیند که تدر و یافت یا بگوشت
بود که زنی خواهد بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که تدر و در کثرت و وقت و بخت دلیل بود که کسی با عیال او سر و کاری دارد و او
می فریاد حضرت صادق فرماید که تدر و در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم مال حرام سیم عیشت چهارم کام دل چنین تر از
این پیرین کوید که تدر و در خواب قاضی بود اگر بیند که تدر و می نداشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که در آن موضع قاضی بود و فقیه
برین گفته تدر و در هیچ قاضی بود و در هر جا که در آن بود خصوصیت بود که تدر و قاضی کند و سنگهای تدر و در عدل و داد بود که قاضی درین
موضع کند بوقت حکومت و اگر بیند که تدر و او را ایستاده بود و چنانکه هیچ پهل نداشت و دلیل که قاضی عدل کند و اگر بیند که تدر و در
بنو و دلیل که قاضی راست و منصف بنو و در حکومت میل کند که زنی کوید اگر بیند که عمو و تدر و در شکست دلیل بود که قاضی انداز
بیسر و اگر بیند که تدر و زیاد و نقصان بود و دلیل بود که در عدل و انصاف قاضی زیاد و نقصان بود و چنانکه دلیل بود که در
در خواب رستن قاضی بود و از عذاب و دوزخ تر از و اگر بخواب دیدن پادشاه عادل بود و تدر و می راست قاضی راست حکم بود
یا وزیر عادل حضرت صادق فرماید که تدر و می قیامت بخواب دیدن برشش وجه بود اول قاضی دوم پادشاه سیم فقیه چهارم
سیاحی پنجم حکم راست ششم اگر بیند که در ارنیک وی در تدر و می قیامت پیش از کردار بدوی بود و نیست که بدست یابد
و اگر عقوبت رسته کرد و قوله تعالی *مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ* و اگر خلاف این بود دلیل بود که مستوجب
عقوبت و دوزخ بود و قوله تعالی *وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خُسِرُوا أَنْفُسُهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا* و تدر
گرمائی کوید که تدر و بخواب دیدن غم و اندوه بود و خاصه که خورند اگر بیند که میخورد و دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه بدو رسد و اگر
بیند که کسی تدر و دلیل بود که از آن غم و اندوه بدل او رسد و اگر بیند که او تدر و کسی داد یا از خانه بیرون نکند و هیچ از آن
نخورد و دلیل بود که از غم و اندوه رسته کرد و تدر و بر این پیرین کوید که تدر و در خواب دیدن بر غم و اندیشه کند اگر بیند که خور و دلیل
بر زبان مال کند بقدر آنکه خورده بود و تدر و در این پیرین کوید که مردی بد که هر بد کردار بود و زیرا که اصل وی سپید است و سپید
بسکه تدر و غم و اندوه را نکند تا طبع و طعم وی از حال خود ببرد و بعد از آن دیر بکار نهد چون بر آید تدر و بود و اگر بیند که
داشت یا کسی بوی داد و دلیل باشد که از آن مرد و بر حضرت و زبانی رسد و اگر بیند که تدر و در کسی داد یا از خانه بیرون انداخت
دلیل بود که از صحبت چنین مردی جدائی جوید و از او دور شود و ترسائی گرمائی کوید اگر بیند که مسلمان تر شد و دلیل بود که او را
راهی بدعت و کفر از پی بدید آید و بخت او در دین مسلمانان تدر و جابر کوید اگر کسی بیند که دشمنی وارد بر وی انصرت یا بدیز که ترساک

تدر و

تدر و

تدر و

تدر و

تدر و

تدر و

میشت و مردم میداد و بهامی سند و دلیل بود که اندوین کردن و متشکر تغار و بدین تغار زنی بود و غمگسار و صالحه
که خانه او را بصلاح و آرد و راه خیر مردم آموزد و از شر و عذاب و توبه کند که مانی کوید اگر بیند که تغار او شکست یا ضایع کرد
و دلیل کند که آن زن را وجد کرد و یا از دنیا رحلت کند و بگوید بعضی جهان تغار کینت کرد و خود را و همه تشنه بداند که تشنه
عسیر بخت بود اگر کسی آنرا بخواب بید و دلیل بر غم و اندوه کند این سیرین کوید اگر بیند که تشنه می خورد و دلیل کند که غم و اندوه
یا او را کسی خصومت افتد و بدان سبب بخور کرد و در علی الجمله در تشنه خوردن هیچ خیر و منفعت نباشد بکسیر کردن این
سیرین کوید اگر کسی در خواب ببیند که بکسیر میگرد و دلیل کند که از شر و دشمنان این کرد و در خیرات بروی کشاود کرد و حضرت
صا و ق فرماید که دیدن بکسیر کردن در خواب بر چهار وجه بود اول یعنی از دشمن و قویم رستگاری از بلا و فتنه سیم خیر و برکت
چهارم کشایش کارهای بسته تکرک این سیرین کوید که تکرک در خواب دیدن عذاب تنگی دنیا بود و هرگز اندک بود و بوقت
خواب و دلیل که اهل آن موضع فراخی و نعمت بود لکن تکرک دیدن نه بوقت خود و دلیل بر غم و اندوه بود اهل آن موضع را
حضرت صا و ق کوید که دیدن تکرک در خواب بر پنج وجه بود اول بلا و قویم خصومت سیم لشکر چارم خط و پنجیم بیماری مثل
بفارس می پشته بود و شرح و تاویل آن در حرف با بیان کردیم تمام شدن کار این سیرین کوید که هر که خواب ببیند که کارهای
دنیا فی او بنظام گشت و کامکار شد و دلیل کند که احوالش مستحضر کرد و قوله تعالی حتی اذا اخذت الارض و آخرها
و اوقیت و هر که کارش تمام نشد و دلیل بر تغییر حال او بود و هم سیم بود که عمرش سپری کرد و هم بیدار بود که از او تمام
گشتن مردم این سیرین کوید که تن مردم در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود که معیشت مردم بود و هرگز از دست نرفت
که در تن ببیند و دلیل بر عیش و معیشت کند و اگر بیند که تنش لاغور و خفیف بود و دلیل بود بر درویشی و بستی کار یا و اگر تن از تن
ببیند و دلیل کند بر تو انگری و کشایش کار یا و اگر بیند که از تن او رشته نیروی آمد و دراز میگرد و دلیل کند که زندگی بعیش
و فراخی گذراند و مالش زیاده کرد و اگر بیند که از رشته گسسته شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که تن او آسین پشته
پسین دلیل بود که عمرش دراز بود و روزی و نعمت بروی فراخ کرد و اگر بیند که تن او آبکینه بود و دلیل بود که اجلیش نزدیک است
باشند که مانی کوید اگر بیند که تن او قوی و درست بود و دلیل بود که کارش بنظام شود و راز او پوشیده بماند و اگر بیند که تن او خفیف
است و دلیل بود که درویش کرد و درازش آشکارا کرد و حضرت صا و ق میفرماید که اگر بر تن خویش نیای ببیند و دلیل کند بر قوه و قوت
و طفر یا فتن بر دشمن و اگر بر تن خویش نقصانی ببیند و لیش بخلاف این بود و اگر بیند که همه تن او آسین پشته است و دلیل بود که
کرد و متذکر بخت پاری رخد بود و دیدن او در خواب ترعد بود و از غم این سیرین کوید اگر بیند که غریب شد را با
با این دلیل بود که مردمان ترسیدیم کمتر و در نعمت و خیر فراوان و اگر بیند که باران سخت بار و در سخت بارید و دلیل بود بر
ترس کارهای بیننده خواب از خواب و پدر و مادر که مانی کوید که غریب رخد اندک و باریدن باران اندک و دلیل بر ترس کارهای از این
از دعای زاهدان و صالحان حضرت صا و ق فرماید که دیدن تذکر بر پنج وجه بود اول عذاب و قویم حکمت سیم خمت چهارم

و اگر بیند که کارهای بسته تکرک این سیرین کوید که تکرک در خواب دیدن عذاب تنگی دنیا بود و هرگز اندک بود و بوقت خواب و دلیل که اهل آن موضع فراخی و نعمت بود لکن تکرک دیدن نه بوقت خود و دلیل بر غم و اندوه بود اهل آن موضع را حضرت صا و ق کوید که دیدن تکرک در خواب بر پنج وجه بود اول بلا و قویم خصومت سیم لشکر چارم خط و پنجیم بیماری مثل بفارس می پشته بود و شرح و تاویل آن در حرف با بیان کردیم تمام شدن کار این سیرین کوید که هر که خواب ببیند که کارهای دنیا فی او بنظام گشت و کامکار شد و دلیل کند که احوالش مستحضر کرد و قوله تعالی حتی اذا اخذت الارض و آخرها و اوقیت و هر که کارش تمام نشد و دلیل بر تغییر حال او بود و هم سیم بود که عمرش سپری کرد و هم بیدار بود که از او تمام گشتن مردم این سیرین کوید که تن مردم در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود که معیشت مردم بود و هرگز از دست نرفت که در تن ببیند و دلیل بر عیش و معیشت کند و اگر بیند که تنش لاغور و خفیف بود و دلیل بود بر درویشی و بستی کار یا و اگر تن از تن ببیند و دلیل کند بر تو انگری و کشایش کار یا و اگر بیند که از تن او رشته نیروی آمد و دراز میگرد و دلیل کند که زندگی بعیش و فراخی گذراند و مالش زیاده کرد و اگر بیند که از رشته گسسته شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که تن او آسین پشته پسین دلیل بود که عمرش دراز بود و روزی و نعمت بروی فراخ کرد و اگر بیند که تن او آبکینه بود و دلیل بود که اجلیش نزدیک است باشند که مانی کوید اگر بیند که تن او قوی و درست بود و دلیل بود که کارش بنظام شود و راز او پوشیده بماند و اگر بیند که تن او خفیف است و دلیل بود که درویش کرد و درازش آشکارا کرد و حضرت صا و ق میفرماید که اگر بر تن خویش نیای ببیند و دلیل کند بر قوه و قوت و طفر یا فتن بر دشمن و اگر بر تن خویش نقصانی ببیند و لیش بخلاف این بود و اگر بیند که همه تن او آسین پشته است و دلیل بود که کرد و متذکر بخت پاری رخد بود و دیدن او در خواب ترعد بود و از غم این سیرین کوید اگر بیند که غریب شد را با با این دلیل بود که مردمان ترسیدیم کمتر و در نعمت و خیر فراوان و اگر بیند که باران سخت بار و در سخت بارید و دلیل بود بر ترس کارهای بیننده خواب از خواب و پدر و مادر که مانی کوید که غریب رخد اندک و باریدن باران اندک و دلیل بر ترس کارهای از این از دعای زاهدان و صالحان حضرت صا و ق فرماید که دیدن تذکر بر پنج وجه بود اول عذاب و قویم حکمت سیم خمت چهارم

چشم شاه اگر بیند که آواز تندر بوقت باریدن می شنید دلیل بود که در آن یا خیر و برکت پدید آید و اگر بیند که باران در غایت
بود دلیل بود که مردم آید از باران و شاه و ترس بیم بود و اگر بیند که باران نازل نمی آید دلیل بود که در آن یا خیر و غدا بپاکیست
پدید آید و اگر بیند که تندر سخت بغیر دلیل بود که با نکت و سبب پادشاه در آن یا گسترده که بود و اگر بیند که هم تندر بود و هم برق
و هم آتاریکت بود دلیل که پادشاه شک پدید آید تند سیحان این سیرین گوید که تند سیحان که سایه آن بر زمین افتد چون بخوابد
غرم اندود و خاصه که بگوید سیحان پدید آید و آنچه در دیوار کاظم پدید می آید که تند سیحان در خواب بر سره و جبهه بود و دلیل
هم و اندود و توهم نقصان قدر و جاه و سیم بی امانی در کار با تنگی این سیرین گوید که اگر بیند که از تنگی بغرضی آید از جایگاهی و هم
جایگاهی اینی شد دلیل بود که کارهای او بنظام شود و از رنج راحت و آسانی شود و اگر بخلاف این بیند بد بود جایگاهی که
بیند که در جایگاهی تنگ گرفتار شد دلیل کند که در کاری دشوار افتد و خلاصی نیابد و اگر بیند که در آنجا طعام تنگ بود و اگر عیش و سرور
بر آن تنگ کرد و در تنگی هر چیز را در خواب نیکو نباشد تنور این سیرین گوید که تنور در خواب بهتر بود که خدای خانه و بعضی این
گویند که با نوبی خانه بود و اگر بیند که تنور در دست و دشت دلیل کند بر تن درستی و نظام کار که خدای خانه و اگر بیند که تنور در دست
و در خواب شد دلیل کند بر رنج و آفت و بیماری و آفت که خدای و بدی وی و اگر بیند که تنور نان می بخت دلیل کند که بر قدر نان باشد
روزی حلال بیاید و کار بر وی نیکو و در کارهای گوید که اگر بیند که در تنور لختی آتش است بیروشنائی و بر بالای تنور شعاع آتش است
و دو و بنود دلیل بود که بسفر بیت المقدس رود و یا حج کند قوله تعالی مَن مَّشَى إِلَى الْكَاغِبَةِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ
یعنی که بیت المقدس و بعضی گفته اند که از خیر و منفعت رسد حضرت صادق ع فرماید که دیدن تنور در خواب بر وجه بود اول
خیر و منفعت بود و خاصه که نوب و توهم هر چه با سبب شود و شفت تو بره این سیرین گوید که تو بره در خواب خیر و منفعت بود
خاصه که نوب و اگر بیند که تو بره و داشت یا کسی بوی داد و دلیل کند که از کسی خیر و منفعت بد و رسد و اگر بیند که تو بره ای اخصایع
که بر پادشاه بخلاف این بود تو بره که در این سیرین گوید که اگر کسی بیند که تو بره و دلیل کند که از بهر کناه و معصیت پشیمان شود
و اگر وارثی که در آن خوشنودی خدایتعالی بود و دوست از دنیا بدارد و طلب آخرت کند حضرت صادق ع فرماید که تو بره که در
در خواب بر چهار وجه بود اول پشیمانی از گناه و تویم رضای خدا ستم راه آخرت چهارم سعادت تو تپا کرمانی گوید که تو تپا در
خواب و بدین مال بود اگر کسی بیند که تو تپا چشم کشید و مقصود از تو تپا روشنائی چشم بود و دلیل بود که صلاح وین جود و اگر مقصود
وی بخلاف این بود دلیل کند که خوردن باغ بدین داری بر مردم ظاهر کند تا او را استایش کنند جای بر مغربی گوید که اگر کسی بیند که تو تپا بد
دلیل کند که بقدر آن حیران مال حاصل کرد و اگر بیند که تو تپا همی خورد و دلیل کند که مستمند و غمگین کرد و حضرت صادق ع فرماید که بیند که تو تپا
در زیر بغل داشت از بهر دفع بوی ناخوش همی مالید و دلیل کند که کاری کند که در آن و راجع و شنا و نیکی که گویند توت توت شیرین
و در خواب و زنی بود و خوردن خوراک هم و اندود و این سیرین گوید که توت شیرین بهنگام خوردن و دلیل کند که بقدر آن اگر سب
خوش روزی بیدار و اگر خواب بهنگام رسیدن توت بیند نیکوتر بود و اگر نه توت آن بود و دلیل بر غم و اندود کند که گمانی گوید که

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

که در تشریح بنمیزد و دلیل بود که اگر مردی چنانچه در صفت و خطایا بداند که میباید که خردت بی خود دلیل است که غلبه بر خردت و خردت
صداق آنرا میداند که ثواب بر سر وجه بود و اول مال و دوم منفعت از کسب خویش سیم منازعه بهر زن و ثواب بر سرین بود
اگر بینه که ثواب است بی خواندن بظواهر دلیل کند که فی الواقع بی بدیدار مرد محترم و اگر بینه که ثواب است خواندن بظواهر دلیل کند که با کسی
کند و بر وی نظریا بد و مرد او را حاصل کرد و اگر بینه که کسی را تعلیم بخورد و ثواب بدهد و دلیل کند که از آنکس خیر بد و رسد و ثواب بدهد
که تیر و خواب دیدن مردیست راست که از آنکس خیر بد و رسد بقول بعضی از متجربان غیبت بود و اگر بینه که کسی تیر بدی می بیند
و دلیل کند که پیغمبی بد و فرورسد خاصه چون بینه که بغرض انداخت اگر بینه که تیر بغرض انداخت و دلیل بود که نام بد آنکس و او را قتل علم
بالتواتر حرف الجیم من کتاب کامل التبعیر چه چار و بر این سیرین که بدید که چار و در خواب دیدن ستر پوشیدن بود و اگر بینه
که چون از آن چار پوشیده بود و دلیل که در آن کار خیر و شکر بود و لکن آنکار را از آن کرده و از نه و اگر کسی بینه که چار و در بدیدار بدیدار است
و دلیل بود که در آن وقت ستر وی دریده کرد و کرمانی گوید که چار و در شب و خواب دیدن بود و اگر بینه که چار و در شب و خواب دیدن بود و اگر کسی
بد و او دلیل کند که زن نو خداید و اگر بینه که چار و در نو خداید و دلیل کند که کینه کی بجز و از او فرزند آید و اگر بینه که چار و در نو خداید و دلیل کند
که او را شوهر آید و اگر بینه که چار و در شب و خواب دیدن بود که شوهرش میرد یا در اطلاق و بد حضرت صادق علیه السلام فرمود چار و در خواب
بر سر وجه بود و اول خد و جاده و دوم مردار زن و زن را بنوعی بر سیم که خدای ستری چار و دی که در آن ابن سیرین گوید که چار و دی
کردن در خواب کار باطل بود و اگر خواب بینه که چار و دی میگرد و دلیل کند که کاری کند پیچوده و باطل و بقول بعضی از متجربان چار و دی
فته بود و آنکس که از بهر او جاده می کند چار و مغربی گوید که چار و دی کردن در خواب بسیار هر کسی تعبد بود و بد و رخ که مردمان را بد و در شب
و چار و دی در خواب دشمن فریبده بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود چار و دی کردن در خواب بر شش وجه بود و اول فتنه و دوم فریب
سیم که چار و دی سگالش بر پیچم باطل و دروغ ششم کاری که در آن اصلی نبود چه چار و پامی ابن سیرین گوید که اگر کسی بینه که چار و پامی را
فرگرفت و آن چار و پامی مطیع و فرمان بر و او دلیل بود که بقدر و قیمت آن چار و پامی از مردی بیایانی او را منفعت رسد و اگر بینه
که در چار و پامی و شتی پیش او حاضر بودند و مطیع او شدند دلیل کند که در بسکس ایشان در میان بود و مطیع او شوند کرمانی گوید
اگر بینه که چار و پامی و شتی را میسریند دلیل کند که مردمان و انار خدمت کند چار و مغربی گوید که اگر بینه که چار و پامی شده بود و دلیل
کند که از او عقل نایل کرد و اگر بینه که چار و پامی با او سخن میبخت و دلیل بود که بزرگی یابد و اگر بینه که از چار و پامی که کشت میخورد و دلیل بود
که بقدر آن مال یا بد چار و پامی ابن سیرین گوید که چار و پامی و در خواب دیدن خادم و خدمتکار بود و چار و پامی در شب خادمی بود
که تقاضای چیزی کند و اگر بینه که خانه را با چار و پامی میرفت و دلیل کند که مالش ضایع کرد و اگر بینه که خانه کسی میرفت و دلیل کند که
کسی بد و فرورسد خاصه که بینه خاک رفته را بخانه خود آورد و حضرت صادق علیه السلام فرمود چار و پامی که چار و پامی بر سر وجه بود و اول خادم
دوم منفعت سیم تقاضای چیزی که با مردم بود و بد و رسد چه چار و کرمانی که بد و اگر بینه که چار و پامی بر آب بگلاب فرگرفت یا کسی بد و او
و از آن بخورد و دلیل کند که زن خواهد یا کینه کند و او را فرزند یا پارسا آید که از راحت بینه و اگر بینه که آب با جام بر بخت و جام با ند و دلیل کند

چهارم

پنجم

ششم

هفتم

هشتم

نهم

دهم

که فرزندش میرود و مادرش باز نکند و اگر میند که جام را بشکست و آب باز نکند و دلیل کند که زرش میرود و فرزندش باز نکند و اگر جام بشکست و آب بشکست
دلیل بر پاک فرزند بود و مادرش و جام بر مغربی گوید اگر میند که جام در خانه آودر دیوار نشاند بود دلیل بود که بعد آن جامها اول
کثیر کان و زمان بود و اگر جام سفید یا سبز نیند دلیل بود که او از زمان صلح با رسا باشد و اگر جامهای سرخ میند دلیل کند که او از زمان
سعاشره میند بود و اگر جامها زرد میند دلیل بود که زمان او بمیان روز و کون باشد و اگر جامها سیاه میند دلیل بود که او از زمان اندوگین و میند
باشد جامه و نیال گوید که جامه در خواب کسب کار مرد بود و اگر جامه خود را نیکو میند دلیل کسب کار و نیکو کرد و اگر جامه را بد میند دلیل کسب
و کارش بد شود و اگر پوشا در خواب جامه خود را سیاه میند دلیل بر نیکوئی حال او بود و اگر رعیت جامه خود را سیاه میند دلیل غم و اندوه و جامه زرد و
بماری بود و جامه سرخ در خواب غرق بود و توفیق طاعت دلیل بر آنکه جامه سبز حله بهشتیان نیز خوب بود و قوله تعالی عَالِمُ الْغُیُوبِ شَکَّاءُ
مستعملین خصوصاً آب و جامه سفید شسته ساختن کار مردم بود و جامه بود دلیل بر مفسدت بود و جامه سوخته دلیل زمان
بود و نسبت پوشا و جامه دیده و دلیل ظاهر شدن را زبود و جامه پشیم و ندین و پلاس از پشیم اینجه دلیل بر مال و خوشه اول
حاصل کرد و جامه مرقع دلیل بر درویشی و تنگدستی بود و جامه چکن از هر نوع که باشد دلیل بر اندوه و غم بود و جامه کاغذی دلیل
بر طاعت و شفاعت کند و جامه که از پوست چهارپایان بود دلیل بر خیر و منفعت بود که بدو رسد و جامه بید زبشکل کفن دلیل که
شغلای بی وی در دین تمام کرد و لکن عجزش با آخر رسیده باشد و اگر میند که پوست خرو مشیده بود دلیل بود که غم و جاده یا بد بخت
گوید اگر میند که جامه متری پوشیده است اگر از ابل آن جامه بود دلیل کند که کارش قوی کرد و اگر میند که جامه و مری پوشیده است
و دلیل که مال بسیار یا بد اما خلق بلا متش بود و اگر میند که جامه حاجی پوشیده بود دلیل بود که اعطای بزرگان محروم ماند اگر میند که
جوانی جامه عوفانی پوشیده است دلیل کند که کسی او را یاری و مدد عطار رسانیدن بوی و اگر میند که جامه جلادی پوشیده است دلیل
که مشقت یا بد و اگر میند که جامه صاحب پوشیده است دلیل است که با امانت و زبان آور کرد و بمهمات ساختن خلق مشغول کرد
و اگر میند که جامه صوفیان پوشیده است دلیل بود که دین او زیاده کرد و اگر میند که جامه زاهدان پوشیده است دلیل بود که پادشاه
بود و اگر میند که جامه بازگان پوشیده است دلیل بود که کار و کسب و کمال او نیکو کرده و اگر میند که جامه ابل صلاح داشت دلیل بود که
کار و پیش صلاح آید و اگر میند که جامه اهل فساد پوشیده است دلیل بود که او را از ابل فساد و غم و اندوه رسد و اگر میند که جامه فرور کا
کن داشت دلیل بود که متغیر و بخور کرد و اگر میند که جامه طبیبان داشت دلیل بود که کارش نیکو کرد و در میان مردمان مشهور کرد و اگر
میند که جامه جهودان داشت دلیل بود که بکر و حیل کسی را بلا کند و سرانجام کارش بد شود و اگر میند که جامه ترسایان داشت دلیل کند
که کاری کند که بسبب آن از دوست و دشمن ایمن نباشد و اگر میند که جامه کشیش داشت دلیل بود که صاحب بدعت بود و بسیار کفر
و ضلالت بود و اگر میند که جامه مخار داشت دلیل بود که میانش بجانب بد و نهان و جالان بود و اگر میند که جامه مسایران پوشیده
است دلیل بود که او را کسی عداوت افتد و اگر میند که جامه مرتدی پوشیده است داشت دلیل بود که کسی خطائی بدو دهد و بازتاب
و اگر میند که جامه بت پرستی داشت دلیل بود بخت پوشا و شغل کرد و یا خدمت متری و اگر میند که جامه زنی پوشیده است دلیل

بود که از متفرخیش دور کرد و اگر بیند که جامه مردان زندانی پوشیده داشت دلیل بود که سبب کاری نمکین و مستمند کرد و اگر بیند که
 جامه حمالی پوشیده بود دلیل بود که امانت گذار شود و نکشت نای کرد و اگر بیند که جامه کوربانی داشت دلیل کند که بخدمت مردی غلام
 و درین هست غول کرد و اگر بیند که جامه کشیشانی پوشیده داشت دلیل بود که از کسی مصلح روزی حلالی رسد و اگر بیند که جامه قصابی
 داشت دلیل بود که ویرانی خانه می رسد و اگر بیند که جامه باشکوهی پوشیده داشت دلیل بود که باز صحبت دارد و نه بر است کوفانی
 گوید اگر بیند جامه نو داشت و او را حصار نه کرده بودند نیکو بود و جامه تنگ و درین و جامه جام از جامه کاری کرده بهتر بود و جامه
 نه رفت زن خردمند و کتیک باوینک بود و جامه بر دو خط خیره و منفعت بود و جامه سنی که جهول بود زخم باز باز بود یا غمیخت
 که بدو رسد و جامه محبت مال و خوشه بود و جامه که پیکه تاویل و درین جامه بر دو گونه است یک گونه بدین تعلیق دارد و یک گونه دیگر زیاده
 و جامه سفید دین است و جامه نوعی است دنیا اگر کسی بیند که جامه سفید نو پاکیزه داشت هم دنیا و هم دین را نیکو بود و اگر جامه تنگ
 بیند هم دین را بدو بود و هم دنیا را چون جامه را چرکن و دریده بیند هم فساد دین و هم فساد دنیا بود و جامه سرخ زمانه نیکو بود و در دنیا
 و در دین هم نیکو بود و پیرایس و از ازار و طبلستان و قبا و دستار یا خجل مردان را غم و اندوه بود و یا جنگ و خصومت و جامه زرد مردان را آزار
 بود و بقول بعضی از متعبران اگر بیند زنی که جامه زرد پوشیده بود دلیل کند که او را شوهری آید و اگر دار و دیوار کرد و جامه سبز زنان و
 مردان را دین بود و اگر بر زنده بیند صلاح دین بود و اگر بر مرده بیند دلیل بر شکاری آخرت بود و جامه سیاه کسی را که پیوسته سیاه پوشیده بود
 اما آنکه پیوسته سفید پوشید جامه سیاه و دیدن نیکو نباشد نه دین و نه دنیا را و جامه سیاه بقول بعضی از متعبران طعنه قاضی و پادشاه را
 نیکو بود و اندر عیث را غم و اندوه بود و جامه که بود بهتان و غم و مصیبت بود و اگر کسی بیند که جامه قون داشت یعنی سبز و سرخ و زرد دلیل
 که از پادشاه یا والی آموخت سخت شود و اگر او را خوش نیاید جمعیل اشک که در آن کسی بخواب بیند که جامه داشت و اگر کسی از بخت
 از بختی دلیل بود که با اهل دین و دنیا بدلت زندگانی کند اگر بیند که از جامه خویش بی خور و دلیل کند که از مال خود لطفه بسیار کند و اگر
 و اگر بیند که جامه ریزه پوشیده داشت دلیل بود که در سفر بماند یا از بر کاری ویران زندان کشد و اگر بیند که جامه و صافی
 گردید یا از روی بستند و او برهنه ماند دلیل بود که قدر و جاهش کم کرد و حقیر و خوار کرد و اگر بیند که جامه خویش را بریدن داشت
 که اندوه بگیرد و درین خویش خصوصیت کند و اگر بیند که جامه وی برید و دلیل کند که از انگس شود و اگر بیند که جامه خود را
 یا جامه اهل خود را مومی کرد و دلیل کند که او را با خویش خود خصوصیت افتد یا از دوستی و اگر بیند که جامه او کسی بر دو برهنه ماند
 کند که از خدمت و منزلت بیفتد و اگر بیند که جامه در نوشته از هم باز کرد و دلیل است که سفر شود و اگر بیند که جامه باز کرده را و در
 دلیل بود که غایتش از سفر باز آید و اگر بیند که جامه زنان پوشیده داشت دلیل که مالش زیاده کرد اما تا ترسی عظیم بدو رسد و
 او را غم و اندوه رسد و بهیچ مرت کرد و اگر بیند که جامه مردان پوشیده داشت دلیل کند که خیره و لغت بدو رسد و جامه
 در خواب غرق بود و بقدر دانی و کوتاهی جامه و در سفر بماند و اگر بیند که جامه را تمام کرد و دلیل بود که از غم باز در صحنهانی گوید
 که بهترین جامه در خواب جامه است که از پنبه بود و در وی تو را با بر شمشیر نباشد و جامه غسانی از پنبه و بر شمشیر بود و جامه

بر دو دلیل بر بال حرم و قضا و کند درین و جامه و سیاهی سر و از بر ششم و از بر او بود و از ناز نیک و جامه کن غم و اندوه بود
 از قبل پادشاه و اگر کسی بیدید که جامه کهنه فروشد نیک بود و اگر بیدید که جامه کهنه میخیزد دلیل بر بود و جامه کهنه پوشیدن
 بد است و جامه کهنه از تن بیرون کردن نیک است چنانچه مغربی گوید اگر بیدید که جامه شسته بود و پوشیده دلیل بود که تائب گشته و
 اگر بیدید که جامه چگون و داشت درویش کرد و اگر بیدید که جامه رنگین داشت اگر زن بود یا سپاهی بود و او را نیک بود
 و اگر بیدید که جامه باشکوه داشت دلیل بود که او را منسکری پدید آید حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن جامه خود را در خواب چنانچه
 وجه بود و اول زن و دوم پادشاه ستم مال چهارم خیر و منفعت و پنجم او که اگر کسی بیدید که جامه خود را بر مقررش ببرد و دلیل
 که خیر می باشد و در رسد و اگر بیدید که در آن جامه او را بیرون کرد و دلیل بود که فساد و میان زن و بی یافتن جامه خواب
 این سیرین گوید که جامه خواب دیدن بنا بر این بود و اگر بیدید که جامه خواب سفید پاکیزه بود و دلیل که عیال شادین و از بود
 و مستور و اگر بیدید که جامه خواب سیاه بود دلیل بود که از عیال اندوه و رنج و در رسد و بعضی از مفسران گویند که جامه سیاه و خواب
 پادشاه را نیک بود و در عیال را بد بود و اگر جامه خواب را که بیدید و دلیل بود که او را بسبب عیال غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر بیدید
 که جامه خواب چگون و دریده بود دلیل بود که زن او چگون و پلید و ناسازگار بود و اگر بیدید که جامه خوابش خضاب کرد و یا بدزد
 و دلیل بود که زن را غفلان و بیادانا و مفارقت کند و اگر بیدید که جامه خوابش بسوخته دلیل کند که عیال شادین و حضرت صادق علیه السلام فرمود
 که دیدن جامه خواب بر رسته وجه بود و اول زنی نیک و دوم پادشاه و آسانی ستم رنج و اندوه و مصیبت جان محمد بن سیرین
 گوید که جان خواب دیدن فرزند بود یا مال یا عیال موافق اگر بیدید که جان از تن بیرون شد دلیل بود که فرزند یا عیال شادین و یا مال
 تلف کرد و یا خود را از آن کرد و اگر جان خویش را صورت مردی نیکو بیدید دلیل بود که وی را فرزند نیکو یا پدر و عیالش نیکو کرد و یا بخت
 پادشاه خوش طبع چنانچه فرزند بود و حالش نیکو کرد و اگر جان خود را صورت مردی زشت بیدید تا ویش بخلاف این بود که گفتیم
 و خبر آمده است که مردی پیش رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون آمد و مرا کتاکت کرد و رفت
 از آن با آسمان رفت رسول فرمود که مصیبت کن که جان تو بجان خویش رسید پس هم در آن روز آن مرد را دنیا رحلت کرد و گوی که اگر کسی
 که جان خود را در کف خود دید و دلیل بود که بکار مضطر مشغول کرد و که در آن ویرانیم جان بود و اگر بیدید که جان از کف او با آسمان شد و دلیل
 که زود بمیرد و اگر بیدید که در کف جان او زرد بود که در بیماری مصیبت می رود و اگر باز را بگویند سرفه و یا سفید بیدید عاقبتش نیکو بود و از غم رها
 یا بد و اگر بیدید که سیاه بود و دلیل است که مستوجب عذاب است تعالی بود چنانچه مغربی گوید اگر بیدید که مرده جان می کند و خویشان او
 بروی نوحه و زاری می کردند و دلیل بود که این میت مرده را غم و اندوه رسد و اگر بیدید که خویشان وی آهسته می کنند و دلیل که خویشان او را
 از وی شادی و خرمی رسد حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون بیدید که مرده در خواب چنان می کند دلیل بود که جان او عاقبت بود چنانچه
 سیرین گوید که چاه در اصل تا درین بود و اگر بیدید که در جایگاهی چاه می کند دلیل بود که زن خواهد و اگر بیدید که بچند چاه کسی او را می کند
 دلیل کند که میان او و آتشین کسی متوسط است و خواهد که بگوید و حید از آن را برنی و می و در برابر که کند چاه مکرر چیده بود و در امثال گویند

نیک

خوب

جان

چند

که فلان چاه برای فلان یکسکه یعنی بوی بدی و بگو خدا هر دو آید چاه در خواب آن بود اگر کسی بمیدان چاهی آب خورد و دلیل بود که مان آن بجز زود و اگر از چاهی آب
که ارخت پنجه برآورد و بود هم دلیل بر مال زن کند و اگر بمید که کسی چاه کند و آب بر نیاید دلیل بود که زنی در ویش خواهد کرد و اگر
اگر بمید که آب چاه خوردن بطعم خوش بود و دلیل بود که مان آن بکراهیت بتاند و اگر بمید که آب چاه که هم بوی خورد و دلیل بود که بیه
مال زن جفا یابد و بقول بعضی از معبران بیمار کرد و اگر بمید که آب چاه خشک و خوش بود و دلیل بود که از زن خیر و منفعت بمید
و اگر بمید که آب چاه بسیار بود که زن جوان مرد و سخی بود و اگر بمید که آب چاه اندک بود و دلیل بود که زن سفله و دود بود و اگر بمید
که چاه بکند و آب زود برآمد و دلیل بود که زن بیمار کرد و مال خود در بیماری بجز زود و اگر از چاه آب سیاه برآید یا کبود و دلیل بود که غم
و اندوه بدورسد و اگر بمید که از چاه آب سفید برآمد و دلیل بود که میراث یابد و اگر بمید که آب چاه بقرقر رفت و هیچ غا و دلیل بود
که زن هلاک کرد و مالش تلف شود و اگر بمید که چاه در زیر زمین فرو رفت هم دلیل بود و بر هلاک زن کرانی که بد اگر کسی بمید که در
در چاه کرد تا آب برآورد و دلور چاه افتاد و در میان گشتند و دلیل بود که او را فرزندی آید تا تمام حکایت و رجز است که هر کس
از عبدا افتد عباس پرسید که بخواب دیدم که دلور چاه که مردم تا آب برآید در میان بد و پاره گشت و آن دو پاره را یکی برآورد
و یکی در چاه بماند عبدا گفت که تو از خیال خود غایب بودی و ترا فرزندی آید شش ماهه که در دوزخ کردند آن مرد گفت که مرا
از انشعخ عجب آمد و انشعخ آن کوید اگر کسی بمید که در جای گنجایی معروف چاهی میکند دلیل کند که با کسان خود مکر و حیل سازد
و بقول بعضی از معبران کندن چاه و برآمدن آب حکم نگاه دارد و اگر بمید که چاه از بهر کسی دیگر کند دلیل بود که او متوسط
بود کسی را بگنج کردن جابر کوید اگر بمید که آب از چاه میکشد دلیل بود که مکر و حیل مال جمع کند خاصه که چاه خود کند باشد اگر بمید که
بد و آب همی کشید و در سبب میرخت دلیل بود که مال خود نیکو نگاه دارد و اگر بمید که آن آب را بر کشید و بر زمین ریخت دلیل بود که مال را
تلف کند بجز اگر که در چاه افتاد و دلیل کند که در مکر و حیل افتد و اگر بمید که باغ را آب همی داد و دلیل کند که مالی که حاصل کرده است
زن خواهد یا کینک خرد و اگر بمید که در این غم میوه بود و دلیل بود که او را فرزندی آید و بعضی کوید که اگر بمید که باغ را آب بمید دلیل
کند که با زن خود مجامعت کند و اگر بمید که آب بر سر چاه آمد و روان شد و دلیل کند که زنی تو اگر زنی خواهد و از آن زن او را مال و منفعت
حاصل کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن چاه در خواب بر شش وجه بود اول آن تویم کینک ستم عالم چهارم تو اگر کسی چاه
مکرشتم مکر حیل و مرد چاه کن در خواب مکر و حیل بود و چاه ابن سیرین کوید که چاه در خواب آن بود و اگر بمید که چاه فراخ و پاکیزه داشت و دلیل
کند که زن او نیکو رای و نیکو سیرت بود و اگر بخلاف بیند و دلیل کند که زن او بدخوی و ناسازگار بود و اگر بمید که چاه او بدید یا بدست
و دلیل که میان ایشان جدائی افتد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن چاه در خواب که بدید و در میان او داشت نیکوتر بود و آن چاه
وجه بود اول زن دوم تو ستم شادی چهارم منفعت و چاه کن غم و اندوه بود و جابر کوید اگر بمید که چاه نبودت یا کسی بد
داد و برکت نبود و دلیل بود که زن پاک دین بخواند و اگر بمید که چاه سفید نبودت زنی ناپسند و با امانت بود و اگر زود بمید زنی بیمارگون
بود و اگر کبود بود زنی متفکر و غمگین بود و اگر سرخ بمید زنی معاشر بود و با او سازگاری کم کند چهره ابن سیرین کوید اگر کسی بمید که برآید

سرو چتر میروند دلیل بود که اگر از اهل آن بود پادشاهی باید و اگر از اهل آن نباشد دلیل که بزرگی باید و اگر بید که چتر پادشاه و دوست
دلیل که مقرب حضرت پادشاه کرد و حضرت صادق مؤمنان که دیدن چتر در خواب بر هفت وجه بود و اول سلطنت و دوم عزت و تقیم مرتبه
چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم صحبت با بزرگان چراغ کرمانی گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و مقرب آن
که که بانوی خانه بود و اگر در خواب بیند که در خانه او چراغ پاکیزه روشن بود دلیل که بانوی خانه زنی با صلاح و نیک سیرت بود
و اگر بیند که چراغ تاریک است و دلایل بود بر پنج که بانوی خانه یا زن یا خادم اگر بیند که چراغ فرو مر و دلیل بود که خانه او بانوی خانه
جبار گوید اگر بیند که از آتش زنده چراغ بر آتش و دلیل که اگر زن دارد و فرزندش آید و اگر غریب بود زن کند یا کین خرد و اگر سفر غایب و اگر
بسلطنت باز آید و اگر بیند که در شهر چراغ بسیار است دلیل بود که پادشاه ولایت عادل بود و قاضی منصف و مردم شهر رعایت
و نیکو بسیار بود و معیشت اشد گوید اگر بیند که چراغ بسیار در دست داشت دلیل بود که او را فرزند آید که عزت و دولت باید و اگر
بیند که خواب فاسق بود دلیل که بخدا بیغالی باز گردد و توبه کند و اگر شرک بود هدایت یابد و اگر مسلمان بود توفیق طاعت یابد و اگر
و میراجا متبیر او بشیر المؤمنین یا ان طعمه من الجنة فضل است گوید اگر بیند که چراغ بر دلایل بود که فرزندش مالک گردید و چراغ
و دولتش نقصان پذیرد و اگر بیند که در بر و دست او چراغ روشن بود دلیل که مراد و بینی و دنیا می او ساخته و اگر بیند که در دست کبریا
داشت که در وی و وسوسه راخ و دفت بملافروخته بود و دلیلست که او را و فرزند نیک بود که بیک شکم آید حضرت صادق مؤمنان که دید
چراغ در خواب بر چهار وجه بود و اول پادشاه و دوم قاضی ستم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم سرای هفتم هنر ششم شکار
نهم علم دهم تو انگری باز دهم عیش خوش و دوازدهم کینک سیزدهم منفعت چهاردهم آنچه بیند همچنان بود چراغ پایه این سیرت
که چراغ پایه در خواب خدشکار خانه بود و اگر بیند که چراغ باید داشت یا کسی با و دلیل بود که خادمه او خوش طبع و مهربان بود و اگر
چراغ پایه زنگ گرفته بود دلیل بود که زن خادمه متکبر و خود بین بود و دلش خنث بود و اگر بیند که چراغ پایه جوین بود زن خادمه
خده و دون بود و بر قول و اعتماد و بر چراغ دان در خواب زن بود و مقرب آن که بیند که خدشکار خانه بود و قبیل و چراغ دان کار فرمای بود که کرمانی
گوید اگر بیند که چراغ دان همین بود دلیل بود که اصل آن خدشکار گریه باشد و اگر سخا لاین بیند اصل آن خدشکار مسلمان بود و در میان او با آن
و اگر بیند که چراغ دان از دست او بیفتاد و شکست دلیل بود که زن یا خدشکار او میر و چراغ این سیرت گوید که چراغ در خواب پادشاه بود
و اگر چراغ وحشی بیند دلیل فرزند می بود که بعد بلوغ و مروی رسد و اگر بیند که چراغ را بگرفت و بد و شکار میکرد و دلیل بود که پادشاه
بر او ستم و بیدار کند و اگر بیند که پادشاه چراغ بد و او و شکار میکرد و دلیل بود که از پادشاه حرمت و بزرگی یابد و بر دیگران
ستم کند و اگر بیند که چراغ شکار میکرد و او را بگرفت دلیل بود که او را فرزند آید یا فرمان اگر بیند که از گوشت آن چراغ چیزی می خورد
دلیل بود که از فرزند برنج و بدی بیند کرمانی گوید که چراغ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با سبب و قوت بود و اگر بیند
که چراغ در خانه وی یکبار باد و بار بانهت میکرد دلیل بود که او را زانی رسد و اگر ستم بار بانهت کرد و هیچ زبانش نرسد و بعضی از
مستجران گوید که چراغ مروی زد بود که شب کار با کند چرخ این سیرت گوید که هر که در خواب بیند که جامه چرک داشت دلیل که

چراغ

چراغ

چراغ

چراغ

چراغ

که

چشم
چشم
چشم

فنا و کار بود و اگر کسی بیند که جامه او چرک یا چیزی دیگر آلوده بود و دلیل بود بر تنهایی و دین و دنیا می او و اگر بیند که چرک جامه او
بر و کان بود و دلیل بر فساد دین و صلاح دنیا بود و اگر مانی گوید که چرک در خواب دیدن بر سر و تن غم و اندوه بود و دیدن چرک بر تن
خیر و منفعت نباشد چرخ در خواب زنی بود و مختلف حال بر آنکه کی احوال و موی زاده اگر بیند که چرخ داشت یا کسی بد و او دلیل بود
که زنی بد نصیحت که گفتیم بخوابد و اگر بیند که چرخ او ضایع و دلیل بود که زنی بد و باطلاق و بد جابر مغربی گوید اگر بیند که چرخ سفید روشن
بود و دلیل بود که زنی مستور با باناست و خوب روی بخوابد اگر بیند که چرخ تیره و سیاه بود تا و پیش بخلاف این بود چشمتن این سر پر
اگر کسی بیند که از جانی محبت لیل بود که از جانی که وارد بحال گیر شود و اگر چشمتن دور بود و دلیل بود که سفری دور کند و اگر بیند که چوبی
یا نهد در دست و دست و بدان از جانی بجای محبت و دلیل بود بر روی قوی اعتماد کند تا او را مددی دهد و کار می تا انکار بر او می
بر آید و اگر بیند که از دیاری فرو جست و بر ستون نشست و دلیل بود که هلاک کرد و اگر بیند که بر بامی جست و خانه در زیر پایش فرو رفت
و بر و دلیل بود که زن را و جدا کرد و با پیش می آید و اگر بیند که از زمین به هوا بر جست و روی بقبل آورد و بعد از آن رخ و زار در حرم وید
یا در که یار مدینه این جمله دلیل حج کردن بود و اگر بیند که از سرانی همچون اسرافیل همچون جست دلیل بود که هلاک کرد و اگر بیند که با شکر
همی جست و معلق می زد و دلیل بود که کاروی باشد نه بود و عیش بر روی تباها کرد و اگر بیند که به هوا بر جست و مرغی را گرفت و دلیل کند
که زن خود را بگذارد و زن دیگر خا و اگر بیند که بچوبی یا بعضی از جانی بجای می جست و دلیل بود که از ریج و اندیشه بهر و کارش نظام شود
چشم این سرین گوید که چشم بختاب و دیدن مرد بینایی بود که بدان راه بدی یا بد چشم از رزق بدعت بود و چشم شعله افروزند بود
و اگر بیند که با میا شده است و دلیل بود که از راه بدی کشیده بود یا فرزند وی میر و اگر بیند که چشمش کور شد و دلیل بود که چشمش کور
رفته بود یا گناهی بزرگ کرده بود و یک دست یا یک پای یا یک اندام تن وی یا مصیبتی بوی رسد یا در کاری از آن می کرمانی گوید که
بیند که چشمش سرمه کشید و دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر بیند که از سرمه مقصودش زمینت و آرایش است دلیل بود که خوشتر از باناست
و دین دار برودان نماید تا غریز کرد و اگر بیند که کسی سرمه بوی داد تا در چشم کشد و دلیل بود که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که روشنی
چشم او ضعیف بود بظاهرو باطن دور وی و منافق بود و اگر بیند که بر تن او چشم بسیار بود و همه چیز را بحال میدید و دلیل بود
بر زیادتی صلاح وی در دین و بجای آوردن سنت و فرایض شریعت و اگر کسی بیند که کسی چشم او بر کند و دلیل بود که چیزی که چشم او
بدان روشن بود از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب کرد و چنانکه دیگر باز نه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که چشم از آتش است
و دلیل بود که پرده او دریده کرده و اگر بیند که هر دو چشم او آما سیده بودند چنانچه چشمش با زمینیت است کرد و دلیل بود که با مردی مخالفت
کند و اگر چشمش را منصف بیند و دلیل بود که او را بطاعت کردن زیانی افتد و اگر هر دو چشمش خود را کند و بیند و دلیل بود که از دین شریعت
بی بهره گردد و اگر بیند که در میان روی او یک چشم است و دلیل بود که بر زبان او سخن نماند و در باب دین و اگر بیند که چشمهای او را
است و مردمان بنده اند که او کور است یا شب کور و دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاهر او بود و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و دلیل
شد و دلیل بدی و بر کشتن حال او بود و قوله تعالی وَتَحْسَبُهُمْ حُجَّتًا لَّهُمْ فَبُذِلُوا لَكَ و قوله تعالی وَتَحْسَبُهُمْ حُجَّتًا لَّهُمْ فَبُذِلُوا لَكَ

چشم

گفتند اگر بیند که با چنانچه چنگ و نامی و قرض بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند چقدر در خواب مردی بود و با یکار حرم
 و حرام بود و اگر بیند که کسی چندی همی کرد و دلیل بود که او را با چنین مردی خصوصیت افتد و دیگر همه حال و دیدن چقدر خواب مبارک
 نباشد که مانی کوید اگر کسی بیند که او را چندی همی شنید و دلیل بود که در اینجا نوحه و شیون بود و بقدر بانگ چقدر و اگر بیند که چقدر بود
 و دلیل که فرزند او شوم و ناخلف بود و اگر بیند که کوشش چندی همی خورد و دلیل بود که از مال مردی در دنیا بکار بقدر آن چیزی
 بخورد چقدر این سیرین کوید که چقدر در خواب دلیل غم و اندوه بود اگر کسی بیند که چقدر همی خورد و دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه
 خورد و اگر بیند که چقدر از خانه بیرون انداخت و دلیل بود که از غم فرج یابد این سیرین کوید که چقدر در خواب منفعت اندک بود و از جهت زمان چقدر
 پنجه تم از زمان منفعت یابد اندکی چک محمد بن سیرین کوید که اگر بیند که چک جره بوی داو یا مهر کرده بیافت دلیل بود که مال
 و منفعت یابد اگر کسی بیند که کسی بر و چک یا خط و قبالة میوشت و دلیل بود که چکست کند جای مرغی کوید که اگر بیند که چکست مهرم
 کرد و داشت مهر او بر گرفت و لیست که در مال و نقصان افتد اگر بیند که چک از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل بود که وی
 ضایع کرد و چکا و کت بفارسی قبره خوانند و تا ویش در خواب فرزند یا غلام بود اگر در خواب بیند که چکا و کت نر گرفت یا کسی بود
 و او و لیست که غلامش را فرزندش آید چنانکه اگر چکا و کت نر بود و غلام پس آید و اگر داده بود و غلام را و ختری آید که مانی کوید که چکا و کت
 در خواب مردی بود شیرین سخن غریب و کم از و چرب زبانی اگر کسی بیند که چکا و کت ویر اعطا داد و یا گرفت دلیل بود که با چنین مردی
 او را صحبت افتد چک این سیرین کوید که چک در خواب مال نهان کرده بود اگر بیند که حکم مردم بود و دلیل بود که مال نهان کرده یا بد
 و هنرینه کند اگر بیند که بسیار چک پنجه یا بریان کرده او را حاصل کردید یا خام دلیل کند که پنجه بیا بد و چکا و کت و کوشند هم دلیل مال
 و لغت بود و بعضی از متعبران گویند که چک خواب دیدن دلیل بر فرزندان بود چنانکه رسول فرمود او را و انا الکبادنا که مانی کوید
 که بیرون آمدن چک پیدا شدن مال نهان بود که پیدا کرد و چک بسیار اگر پنجه یا خام بود و دلیل کند بر یافتن پنجه و بر علم خست
 صادق فرماید که دیدن چک در خواب بر سه وجه بود اول فرزند و مال و تویم دوست که بجای فرزند و تویم علم و اگر بیند که از خانه
 او چک بیرون میگرداند یا آتش چک را از میسوخت دلیل بود که پادشاه کج و مال و ستاند اگر خواب را عالی بیند دلیل بود که با
 جمله فراموش کند محاسبت و انیال گوید که محاسبت کردن در خواب روا شدن حاجت بود خاصه چون بیند که منی از وی
 جدا کردید اگر کسی بیند که با کسی جماع کرد و دلیل بود که از آنکس نیکی یابد و حاجت او را کرد و اگر بیند که کسی با او جماع کرد و دلیل بود که نیکی
 او را نکند و اگر بیند که با زن خود محاسبت کرد چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر دلیل کند که زنی دیگر خواب و از وی خیر و منفعت
 بیند این سیرین کوید که اگر بیند که با زن خود یا زن دیگر از راهی دیگر محاسبت کرد دلیل که مردی مستعجب بود بر طلب کار ناسزا و در انکار او
 مصححت نباشد و سلت رسول از انکار نازد و اگر بیند که با زن یا با خواهر یا با کسی دیگر محاسبت کرد دلیل که مستعجب است محاسبت که دلیل بود
 که شفقت خویشی اندوی بریده کرد و اگر زننده بود یا مرده دلیل بر غم و اندوه و بعضی از متعبران گویند که اگر زننده بود از وی خیر و نیکی
 بیند باشد که حج اسلام کند اگر بیند که با زن مرده بود محاسبت کرد و دلیل بود که ممکن است شمش که دو اگر بیند که با زن مرده بیگانه

تجربا

تجربا

تجربا

تجربا

تجربا

تجربا

جماعت کرد و دلیل بود که کاری کند که از آن نومید شده باشد تمامی نیاز برود که بیکانند بود اگر میند که با جان مجهول مجامعت کرد و در آن
ایشان خصومت بود و دلیل بود که صحبت با خدا و از او خیر و نیکی میند و اگر آن مرده جوان معروف بود و بر وی ظفر یا بد اگر میند که جماعت
با مردی پیر میکر و دلیل بود که خیر و نیکی از بخت خود میند که مالی که بد اگر میند که خیزی بد و شیزی بست دلیل بود که در آن سال فی خواهر
یا کتیر کی بخرد و اگر میند که بحرم پادشاه شد و مجامعت کرد و دلیل بود که بر دشمن ظفر یا بد اگر میند که با دوی جماعت کرد و همین دلیل میند که کار
برداشت و بعضی گویند که از پادشاه ترس و بیم بوی رسد و اگر میند که با مرغی مجامعت کرد و دلیل میند که با کسی که بد آن مغنوب باشد
ظفر یا بد اگر میند که با ترسانی یا جهودی یا کبری مجامعت کرد و دلیل بود که کارهای دنیای او بنظام نشود و اگر مردی پیر که بجای
شهرتش زایل شده بود و خواب میند که شهرتش غالب گردیده است چنانکه در جوانی بود و دلیل میند که در کار دین نیک راغب بود
و اگر میند که با زنی با یکا رجاعت کرد و دلیل میند که طالب دنیا شود و مال حرام و اگر این خواب زنی میند همین تاویل دارد و اگر خبری
گوید اگر میند که با شهر جماعت کرد و دلیل بود که از سختی برهد و بر دشمن ظفر یا بد و مالش بسیار و نامش بلند گردد و اگر میند که با پادشاه
جماعت کرد و دلیل است که خرم و نزدیکی و کرد و اگر میند که با زن پادشاه جماعت کرد و دلیل بود که از او منفعت یابد و اگر میند که با زن حایض مجامعت کرد
که کاش بد شود و اگر میند که با زن مجامعت کرد که مرده بود و دلیل که کارش مبرک و دیا با خویشان او پیوند و وصلت کند و اگر آن زن زنده بود و از
خویشان او مفارقت کند بعضی از بقرآن گویند که با زن حایض مجامعت کردن آسایش کارهای دنیایی بود و همین شفت گوید اگر کسی میند
که با زن او که کتیر نکند و مجامعت کرد و دلیل که از پادشاه خیر و منفعت بد و رسد و اگر میند که با مردی معروف و فاضل جماعت کرد و دلیل است که از او خیری بد
و اگر میند که با مردی مجهول جماعت کرد و دلیل بود که از پادشاه حاجت رود و اگر دو اگر میند که با مردی مرده جماعت کرد و دلیل بود که با زنی یا دوعالی یا کتیر
کند و اگر زنی میند که با زنی دیگر جماعت کرد و دلیل بود که از او نیکی میند و حاجتش و اگر در حضور حقیق نماز یا بد که در خواب جماعت کرد که از او عسل واجب گردد و او پیش
جذاب این سیرین گوید که جذاب خردن مال جلالت دین پاک بود اگر کسی میند که او را جذاب داد و بخورد و دلیل بود که او را بقدر آن مال حاصل گردد
و دلیل است بر دین پاک و اعتقاد درست او و اگر میند که کسی با او جذاب داد و دلیل بود که از آنکس خیر و منفعت یابد و اگر میند که جذاب
بخورد و بر زمین ریخت تا ویشن بخلاف این چنانچه اگر کسی میند که جنازه میبرد و دلیل بود که خداوندش را بر چندان مردمان
که از پس جنازه بودند ایشان را فرمان روا کرد و لیکن بر ایشان ظلم کند و اگر میند که او برود و او را بر جنازه نهد و او را میبرد و مردمان آن
جنازه را میفرستند و دلیل بود که شرف و بزرگی یا بد لکن دین او بفساد بود و با القوم که از پس او میفرستند او فرمان روا بود و اگر میند که جنازه
مرده برداشت و میبرد و دلیل بود که بخدمت پادشاه پیوندد و از او خیر و نیکی میند و اگر میند که قومی از پس جنازه او میفرستند و در میان
دلیل که مردی بزرگ از آن شهر و سفر میبرد و اگر خدیش را در جنازه میند که آن جنازه بر زمین چیرفت دلیل میند که سفر شود و مالی که
اگر میند که جنازه میبرد و دلیل چنانچه او کسی بخورد و دلیل بر بقاء آن غر و جاه و کاروی کند و اگر میند که مردمان در چندان
او بود وایشن بخلاف این بود اگر میند که بر جنازه کران بود و دلیل که ستم بر مردمان کند و اگر میند که بر جنازه سبک بود و دلیل بود
که بر مردمان سبک بار بود و حالش نیکو بود و اگر میند که از جنازه و بیضا و و با کسان که او را میبرد و از جنازه میند اخذ و دلیل بود که از آن

جماعت

بلاست

جنازه

برجامه و بخت دلیل بود که او را زبانی رسد و اگر ببرد و او را زبان نذر و اگر میند که بجز جبری مینوشت اگر آنچه نوشت از قرآن
یا از نام خدا تعالی بود دلیل بر خیر و صلاح او کند و اگر بخلاف این بود که میند و دلیل بر شر و فساد او کند حسب خودن این سیرین
بود که حسب خودن در خواب اگر میند که از بزرگی بیماری خود و دید که در خوردن او شفا و منفعت یا دلیل بر خیر و منفعت کار کند و اگر میند که از خوردن
او منفعت نبود و یا دلش بخلاف این بود که گذاردن این سیرین رحمت الله علیه گوید که خواب میند که چرخ رفت همچنان و اتفاق چرخ گذاردن و از روی
و اگر بیماری این خواب میند شفا یابد و اگر دام دارد میند و ایش گذارد و شود و اگر سفری میند سلامت بتمام خود برسد
و اگر خواب میند که چرخ رفت و چرخ از وی فوت شد دلیل که عمرش دراز نگردد و دو کارش نظام بود که مانی رحمت الله علیه گوید که
خواب میند که چرخ رفت و در حرم لبیک میزد و دلیل که او را ترس می بود و اگر میند که چرخ می روی واجب شد لیکن در رفتن قصد نکند
دلیل که خیانت کند و اگر میند که روز عرفه است دلیل که با کسی صلح کند و اگر میند که در خانه نعلبه نماز میکند و دلیل که از بزرگان
منفعت یابد و کارش نیکو شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که چرخ گذاردن در خواب بر بخت وجه بود یکی ترنج کردن و یکی
کتیبه خریدن سوم زیارت پادشاه و او را کردن چهارم نیکوئی چشم سحر نمودن در کار خیر ششم نزد اب فتن بختیم صحبت
علم رسیدن هجر الاسود و ابن سیرین رحمت الله علیه گوید که اگر میند که هجر سود دست لید دلیل که از اهل حجاز او منفعت رسد و اگر میند
که هجر الاسود را برکنده داشت دلیل که بد مذنب باشد ولی اعتقاد و ناپاک بود و اگر میند که هجر الاسود را باز بجای خود نهاد دلیل که
باز بر راه صلاح آید و اگر میند که آب زهر میخورد دلیل که چیزیکه از وی کشده باشد باز بوسی رسد که مانی رحمت الله علیه گوید که اگر میند
که هجر الاسود را بوسه میداد و بروی روی میمالید دلیل که خیر و صلاح و برین زیاد شود و با علمای پیوند و حجامت کردن این
سیرین رحمت الله علیه گوید که اگر میند که حجامت او حجامی بیکانه در جانی بیکانه کرد و دلیل که امانتی در گردن خود کند و اگر میند که حجامت
کننده دوست بود دلیل که امانتی بدو سپارد و از شر و دشمنی امن شود و از غم فرج یابد اگر جوالی این خواب میند بهر حال و دلیل دارد
و اگر سیری میند بزرگی یابد که مانی رحمت الله علیه گوید که اگر میند که پیر حجامت کرد و دلیل که کارش نیکو شود و اگر میند که پادشاه را حجامت
کرد و دلیل که مقرب پادشاه شود و اگر میند که چون حجامت کرد و خون از وی نیاید دلیل که زن از وی بنا کام جدا گردد و با او طلاق
یابد یا میرد مغربی رحمت الله علیه گوید که حجام بر بخت میند خواب بود و حجام جوان دشمن او باشد و اگر میند خواب نه او نیست
و دلیل که مستوفی شود یا بپیر پادشاه گردد و اگر جابل بود و در قرض غرق شود جعفر صادق علیه السلام یابد حجامت کردن در خواب بر بخت
وجه بود یکی امانت گذاردن دوم شروط خواندن سوم ولایت یافتن چهارم غره بزرگی چشم مرقت ششم سنت پیامبر علی
السلام هفتم آنکه اگر عامل بود و عمل مغضول کرد و بعضی از مجتران گویند که اگر حجام جوان بود و دلیل که محاسب خرج بود یا بنیاید و خبر
و کار مردم بدست وی کشاده گردد و حد ثرون ابن سیرین رحمت الله علیه گوید حد زدن در خواب و دلیل بر فراهم آمدن کارها
باشد اگر میند که او را حد میزنند دلیل که بعد از آن کار فرایم آورد و اگر میند که او را کسی حد زد و او را ویش بخلاف این بود مغربی رحمت الله علیه
گوید که اگر میند که کسی را از بهر کنایه حد زد و اگر میند خواب صلح بود و بخل و نیامشغول شود و اگر میند خواب منفعت بود و دلیل

خواب میند که چرخ رفت

خواب میند که چرخ رفت

خواب میند که چرخ رفت

خواب میند که چرخ رفت

واندو بود و حربه نیزه کوتاه بود و اگر خواب بیند که حربه داشت دلیل که او از زندی آید و اگر زن نذر مال یابد و اگر بیند که با حربه است
 تمام داشت دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر بیند که پادشاه حربه بدو داد دلیل که از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که حربه خود کسی
 دلیل که از آنکس بدو چیزی رسد و اگر بیند که حربه بدست او بود شکست دلیل که از دشمن نصرت یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 هر که در خواب دیدن برشش وجه باشد یکی عجب دوم ولایت سوم عمر در از چهارم ظفر چشم باست ششم منفعت حرم جای این
 اگر بیند که در حرم کعبه بود دلیل که از اوقات دنیا امینی یابد و او را حج روزی شود که فانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در حرم پادشاه یا بزرگ
 رفت دلیل که زبانه شرا امین گردد و باشد که از پادشاه چیزی بوی رسد و بعضی معتبران گویند که او را حاجت با ابل آن حرم و اگر بیند که
 پادشاه او را در حرم خود خواند و آنجا مقیم شد دلیل که در کار پادشاه شروع کند و کاری کند که او را از آن کار به نامی حاصل آید که
 بیند که حرم پادشاه ظالم رفت بهین تاویل دارد و هر بر و خرو و بیب در حرف دل بیان کنیم حساب ابن سیرین رحمة الله علیه
 علیه گوید اگر کسی خواب بیند که حساب میکرد دلیل که در محنت و عذاب افتد که فانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در حق
 حساب با وی آسان میکرد امید هست که رستگاری یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که در محنت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 حساب قیامت خواب دیدن برشش وجه بود یکی عذاب پادشاه دوم مشغولی سوم سختی و بیخ چهارم بد حالی پنجم اندوه ششم
 عمر کوتاه هفتم اگر بیند که در حصاری شد دلیل که از دشمن این گردد و اگر بیند که از خصم بیرون آید دلیل که بر دشمن ظفر یا دیگر فانی
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در حصاری محکم بود و آن حصار از آن او بود دلیل که از دشمن بیرون گردد و اگر بیند که از خصم بیرون آمد بخلاف
 این در مغرب رحمة الله علیه گوید اگر خود را در حصار بیند دلیل که لغت و روزی بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که تنگ باشد
 او و در بستی کار باشد حصیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که حصیر داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن حصیر منفعت یابد و اگر بیند
 که حصیر بیافت دلیل که بزرگی عاشق شود و اگر بیند که حصیر کم بها بود که بیافت دلیل که آزار بی حاصل و درویش بود و اگر بیند که حصیر
 قیمتی یا نایزه بود دلیل که زنی محترم با اصل بخوابد مغرب رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حصیر بیافت و میفرودخت دلیل که او را
 عمنی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حصیر در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم منفعت سوم خوشگاری که آن
 او را لغت بود و حقه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حقه در خواب در خشم شدن باشد و از جانی یگانی شدن چنانکه
 از شخصی آن به پیش شود و بعضی از معتبران گویند حقه در خواب کاری بود که بر بیند و باز گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند
 که او را حقه کردند و از آن رخ دید و دلیل بر بدی احوال و بود و اگر بخلاف این بیند خیر و منفعت یا بد حقه ابن سیرین رحمة الله علیه
 گوید حقه در خواب از آن باشد که اگر بیند که حقه نو فر گرفت یا بخرد یا کسی بوی داد دلیل که زن خواهد یا کنیز خرد و اگر بیند که
 حقه شکست یا ضایع شد دلیل که زن از وی جدا شود مغرب رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حقه بزرگ منقش است دلیل که
 زنی توانگر بخوابد و از منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که زنی زشت روی و درویش بخوابد حکمت ابن سیرین رحمة الله علیه
 علیه گوید اگر خواب بیند که علم حکمت میخواند دلیل که قرآن خوان شود و اگر بیند که کتاب حکمت بخت و دلیل بر ناپایی دین وی بود

خواب بیند که حربه داشت
 خواب بیند که حساب میکرد
 خواب بیند که حصیر داشت
 خواب بیند که حقه داشت

کسانی رحمه الله علیه که دید اگر بخواب بیند که اوراق کتاب حکمت میخورد و دلیل که علم حکمت بسیار خواند و اگر می بیند که اوراق می بیند
دلیل که بیند خواب نماز نگذار و اگر بیند که کتاب حکمت میخواند و او می شنید دلیل که علم خواند حلاج ابن سیرین رحمه الله علیه
علیه گوید که حلاج در خواب مردی خوی بود که کارهای مردم بردست وی گذاشته و اگر بیند که حلاج میگوید دلیل که با
مردی چنین که گفتن او را صحبت یافته جعفر صادق رضی الله عنه که دید حلاجی در خواب بر دو وجه بود یکی منفعت و دومی که کتاب
حکایت آنکوز بود در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود و حلاج ابن سیرین رحمه الله علیه که دید حلاج در خواب مال بسیار بود و برین خالص
بود که بر دست پادشاه گذاشته بود و حرام گشته جعفر صادق رضی الله عنه که دید حلاج در خواب مال بسیار بود و برین خالص
و یک لقمه از حلاج بود که بفرزند و هر یک لقمه از زینب نیکو بود و حلاجی که مغربا بود و یا منفر جز در دو باشد منفعت بود که با
رسد از مردی چنین مغربا رحمه الله علیه که دید حلاجی که بعد آنکه حلال در روزی حلال یا بد و اگر بیند که در وی
از عفران بود بهتر بود و حلاجی فروش در خواب مردی شیرین سخن بود و حلاج ابن سیرین رحمه الله علیه که دید حلاج در خواب
خداوند چاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری سبک داشت و آن بار کثرت او بود و دلیل که بعد آن با را در راحت و خیر
رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار که نرسد رسید دلیل که گناهکار و عاصی شود و قوله تعالی حلاجی
و از ارجم کماله یوم القیمه مغربا رحمه الله علیه که دید اگر بیند که حامی از هر دیگر آن میگرد و دلیل که با خلق خدای خیر و حسن
کنده و اگر بیند که حامی میگرد و مزد میگیرد تا ویش غم و اندوه و وحنا که با می رحمه الله علیه که دید اگر بیند که بر دست و پای
حنا نهاده و دلیل که خوشتر از این با یاد و لیکن در بین که است بود و بعضی معبران گویند که حال خوشتر از این و پوشیده نماند
و اگر این خواب کس دیگر بیند که او را حنا بستن نشاید و دلیل که غم بوی رسد و زود فرج یا جعفر صادق رضی الله عنه که دید
حنا بستن در خواب بر سه وجه بود یکی اگر این خنیشان و دم ستر اهل بیت سوم غم و اندوه و حنوط بوی خوش باشد که بر مرده کنند
ابن سیرین رح گوید اگر بیند که حنوط بر وی پراکنند دلیل که تا یب گردد و در پناه حق تعالی باشد و اگر بخواب کسی مصحح بیند غم
و اندوه فرج یا بد و اندر ترس این کرد که گمانی که دید که حنوط و حنوط شدن ستایش مردم بود و با خطر بجهت آنکه بعضی از معبران گویند
که نیکنامی بود بر اهل بیت بر انداز حنوط حوض ابن سیرین رحمه الله علیه که چهل حوض در خواب علم و دانش بود و اگر بیند در
حوض آب پاک صافی خورد دلیل که بعد آن از علم بهره یابد و اگر بیند که خور آب حوض شست دلیل که توفیق طاعت یابد و از عصیان
باز آید و اگر بیند که آب حوض همه خورد و دلیل که عمر سلامت گذرانند و مالش زیاده شود که گمانی رح گوید اگر بیند که جامه خود را در
بشت و دلیل که این بیت او توبه کنند و راه دین در آیند و اگر بیند که جامه در حوضی شست و پلیدی در زیر آب ظاهر شد دلیل که بعد از
بختند و اگر بیند که بخار حوض سبز رسته بود دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند خاصه که حوض کثرت او بود
و اگر بیند که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جانی در حوض آب آید و دلیل که مال علم وی بعد آن زیادت گردد و اگر بیند که آب حوض نبرد
و تلخ بود و دلیل بر غم و اندوه بود مغربا رحمه الله علیه که دید اگر بیند که آب حوض میخورد و دلیل که مال یابد از مردی که او را عفت و می کند

حلاجی رحمه الله علیه که دید اگر بخواب بیند که اوراق کتاب حکمت میخورد و دلیل که علم حکمت بسیار خواند و اگر می بیند که اوراق می بیند
دلیل که بیند خواب نماز نگذار و اگر بیند که کتاب حکمت میخواند و او می شنید دلیل که علم خواند حلاج ابن سیرین رحمه الله علیه
علیه گوید که حلاج در خواب مردی خوی بود که کارهای مردم بردست وی گذاشته و اگر بیند که حلاج میگوید دلیل که با
مردی چنین که گفتن او را صحبت یافته جعفر صادق رضی الله عنه که دید حلاجی در خواب بر دو وجه بود یکی منفعت و دومی که کتاب
حکایت آنکوز بود در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود و حلاج ابن سیرین رحمه الله علیه که دید حلاج در خواب مال بسیار بود و برین خالص
بود که بر دست پادشاه گذاشته بود و حرام گشته جعفر صادق رضی الله عنه که دید حلاج در خواب مال بسیار بود و برین خالص
و یک لقمه از حلاج بود که بفرزند و هر یک لقمه از زینب نیکو بود و حلاجی که مغربا بود و یا منفر جز در دو باشد منفعت بود که با
رسد از مردی چنین مغربا رحمه الله علیه که دید حلاجی که بعد آنکه حلال در روزی حلال یا بد و اگر بیند که در وی
از عفران بود بهتر بود و حلاجی فروش در خواب مردی شیرین سخن بود و حلاج ابن سیرین رحمه الله علیه که دید حلاج در خواب
خداوند چاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری سبک داشت و آن بار کثرت او بود و دلیل که بعد آن با را در راحت و خیر
رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار که نرسد رسید دلیل که گناهکار و عاصی شود و قوله تعالی حلاجی
و از ارجم کماله یوم القیمه مغربا رحمه الله علیه که دید اگر بیند که حامی از هر دیگر آن میگرد و دلیل که با خلق خدای خیر و حسن
کنده و اگر بیند که حامی میگرد و مزد میگیرد تا ویش غم و اندوه و وحنا که با می رحمه الله علیه که دید اگر بیند که بر دست و پای
حنا نهاده و دلیل که خوشتر از این با یاد و لیکن در بین که است بود و بعضی معبران گویند که حال خوشتر از این و پوشیده نماند
و اگر این خواب کس دیگر بیند که او را حنا بستن نشاید و دلیل که غم بوی رسد و زود فرج یا جعفر صادق رضی الله عنه که دید
حنا بستن در خواب بر سه وجه بود یکی اگر این خنیشان و دم ستر اهل بیت سوم غم و اندوه و حنوط بوی خوش باشد که بر مرده کنند
ابن سیرین رح گوید اگر بیند که حنوط بر وی پراکنند دلیل که تا یب گردد و در پناه حق تعالی باشد و اگر بخواب کسی مصحح بیند غم
و اندوه فرج یا بد و اندر ترس این کرد که گمانی که دید که حنوط و حنوط شدن ستایش مردم بود و با خطر بجهت آنکه بعضی از معبران گویند
که نیکنامی بود بر اهل بیت بر انداز حنوط حوض ابن سیرین رحمه الله علیه که چهل حوض در خواب علم و دانش بود و اگر بیند در
حوض آب پاک صافی خورد دلیل که بعد آن از علم بهره یابد و اگر بیند که خور آب حوض شست دلیل که توفیق طاعت یابد و از عصیان
باز آید و اگر بیند که آب حوض همه خورد و دلیل که عمر سلامت گذرانند و مالش زیاده شود که گمانی رح گوید اگر بیند که جامه خود را در
بشت و دلیل که این بیت او توبه کنند و راه دین در آیند و اگر بیند که جامه در حوضی شست و پلیدی در زیر آب ظاهر شد دلیل که بعد از
بختند و اگر بیند که بخار حوض سبز رسته بود دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند خاصه که حوض کثرت او بود
و اگر بیند که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جانی در حوض آب آید و دلیل که مال علم وی بعد آن زیادت گردد و اگر بیند که آب حوض نبرد
و تلخ بود و دلیل بر غم و اندوه بود مغربا رحمه الله علیه که دید اگر بیند که آب حوض میخورد و دلیل که مال یابد از مردی که او را عفت و می کند

بود جعفر صادق رضی الله عنه که دیدن عوض در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی با نفعت و دیگر مردی تو اگر سوم مال جمع کردن چنان
 عالمی که مردم از علم وی نفع یابند عوض کوثر این سیرین رح گوید اگر خواب بیند که قیمت بر خاست و خلق را بنزدیکت عوض کوثر طلب
 سیرین و ندلیل که پادشاهی پیدا شود که میان خلق عدل و داد پیدا کند و اگر خواب بیند که از عوض کوثر یک جام آب خورد و دلیل که مرگ
 وی بر مسلمانان نبوده و اگر بیند که سیرین عوض کوثر میگشت و آب میخواست و او را آب نداد و ندلیل که دشمن یا از پیغمبر صلی الله علیه و سلم
 یا اگر بیند که پیغمبر صلی الله علیه و سلم را از عوض کوثر آب داد و بخورد و دلیل که از شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و سلم بهره یابد اگر تانی رحمة الله علیه گوید
 بیند که نام وی بر عوض کوثر نوشته بود و جامی بسته و آب میخورد و دلیل که او را با عالمی محبت افتد و از وی منفعت و وجهانی یابد و مغربی رحمة
 علیه گوید اگر بیند که از عوض کوثر آب میخورد و آب تیره بود و دلیل که بیننده خواب منافق بود و او را از قرآن و اخبار نصیب نبود و اگر خواب بیند
 که عوض کوثر بر بدن صفت بود که در اخبار آمده است و او را جمله آب کوثر بخورد و دلیل که او را نزد باری سبحانه و تعالی قدری و محبتی باشد
 و از جمله بزرگان دین گردد و حیض ابن سیرین رحمه الله علیه گوید چنانچه در خواب مردان را بقایا باشد و در معیشت و زنا را زیادتی مال اگر بیند
 که عایض شد و دلیل بر فساد و حرام باشد و معتبر آن گویند اگر خواب بیند که عایض شد و دلیل بر ایند و سختی بود و اگر زنی بیند که عایض
 شد و دلیل که بقدر خون حیض مال حرام حاصل کند و اگر مردی بیند که زنی عایض شد و دلیل که کار دنیا بر وی بسته شود و اگر بیند که عایض
 خواب شود و دلیل که در دین مخیر گردد و اگر بیند که زنی عایض پاک شد و غسل کرد و دلیل که کارهای دنیا وی بر وی کشاده گردد و او اند
 اعلم حرف الخاء خالط ابن سیرین رح گوید اگر بیند که خاج بخورد یا کسی بوی داد و دلیل که در دین وی غفل باشد و میشلش کافران
 بود و اگر بیند که خاج در گردن داشت و دلیل که اتفاقش نادرست بود و اگر بیند که خاج میسر سینه و دلیل که در ذات خداوند نکاشتن
 گردد و اگر بیند که خاج بدو دادند و او بشکست یا از خانه بیرون انداخت و دلیل که دین اسلام در وی محکم است و اگر در دو کافران دشمن
 گردد و اگر بیند که خاج را بوسه داد و عزیز داشت بخلاف این بود و خاج در خواب و ام بود و اگر بیند که خاری در اندام او شد یا کسی خاری
 بوی زد و دلیل که از کسی وامی بستاند و بقدر ریخ خارا زوی سخن تلخ نشود و اگر بیند که او خارا در اندام کسی زد و دلیل که او کسی را وام دهد
 و سخن تلخ آنکس را گوید که تانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خار بسیار داشت و پایش را از آن خار نازد میرسد و دلیل که مردم دار شود
 و عاقبت وام نگیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خار در خواب بر سه وجه بود یکی وام دو هم دشنام سوم دشواری کار و اخراج
 جابر مغربی رحمه الله علیه گوید خار پشت در خواب دشمنی زشت دیدار بود و اگر بیند که خار پشت را بجست و دلیل که دشمن را قهر کند و اگر
 بیند که گوشه خار پشت بخورد و دلیل که به قدر آن مال دشمن میخورد و اگر بیند که خار پشت را بخورد و دلیل که او را از دشمن حضرت رسد
 خاص چون بیند که از آن زخم خون میرفت خارش تن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که خارش تن پدید آمد دلیل که
 طلب خویشان کند و از بصر ایشان غم و اندوه خورد و اگر تانی رحمة الله علیه گوید خارش اندام و دلیل که جستن احوال خویشان و این
 و غم و رنج کشیدن از ایشان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خارش تن اگر رخت و او را از خویشان حضرت رسد خاشاک
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خاشاک بخواب دیدن مال و نعمت بود و مردم عامه را اگر بیند که خاشاک در خانه ایشان بسیار بود

خواب بیند که...

خواب بیند که...

خواب بیند که...

خواب بیند که...

خواب بیند که...

و در میان خاشاک تقسیم شد دلیل که بعد از آن اول مال نعمت حاصل شود و اگر میند که خاشاک او را با و بر و یا با شش بسوخت دلیل که با و
مال و یا بستاند و اگر میند که خاشاک در زیر دیکت یا زیر توبه بسوخت دلیل که مال خود هر چند کند و اگر میند که خاشاک از حرامی آورد و
بجانه میسر و دلیل که بعد از آن مال از سفر حاصل کند و اگر میند که در شهری یا در کوچ یا در خاشاک می آورد و دلیل که مردم آن شهر را بعد از آن
نیز خیر و منفعت رسد خاشاک ابن سیرین رحمه الله علیه که در خاشاک و در خواب و بدین اندک و بسیار درم بود و اگر میند که در خانه او خاشاک
و دلیل که بعد از آن خاشاک درم یا بدوی پنج نوبی رسد و اگر میند که بر خاک میرفت یا خاک میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک بر سر داشت یا خاک
و دلیل بر مال بود که زمانی رحمه الله علیه که اگر میند که خاک را نه میکشید و در پیرو خانه نه پر کند و میکرد و دلیل که مال خود تلف کند و اگر میند که خاک را
می افشاند و دلیل که بعد از آن مالش ضایع شود و معتبران گویند که از مال تنی دست باشد جعفر صادق رضی الله عنه که در خاشاک و در خواب و در جبهه
یکی مال دوم منفعت سوم شغل چهارم فایده اقبال پادشاه پنجم فایده اقبال رئیس خاکستر ابن سیرین رحمه الله علیه که در خاکستر و در
مال باطل بود و اقبال سلطان که بر کسی باقی نباشد و معتبران گویند که علمی حاصل کند که در وی خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله
عنه که در خاکستر و در خواب بر نه و چه بود یکی علم ناپذیرفته دوم مال حرام سوم کار باطل چهارم خصومت پنجم فتنه ششم مکر و حیلت
هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاریکه در آن خیر نبود و قوله تعالی **مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا يَبْرَأ كَلِمًا تَتْلُو كَمَا بِهِ آيَاتُنَا مَظْهُرَاتٌ** و این آیه شریفه
بر این پنج موعظه خاصه قلم باشد اگر میند که قلمی را گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که علم حاصل کند و کارش درست شود
و مرادش بر آید اگر میند که بقلم چیزی می نوشت اگر آن نوشته خیر بود و دلیل بر نیکی کند و اگر شر بود و دلیل بر بسا و کند و اگر میند که بد
قلم می نوشت و دلیل فایبی که در سفر دارد و زود باز آید که زمانی رحمه الله علیه که در کسی در دست خود قلم نشستن بنید اگر از اهل علم بود
و دلیل که با علما و صاحب صحبت دارد و اگر میند که بقلم چیزی می نوشت و میخواهد دلیل بر مکر وی بود و قوله تعالی **أَفَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يَكْفُلُهُمْ**
يَتْلُوا عَلَيْهِمْ حَسْبُكَ وَ إِنْ كُنْتُمْ مُوَافِقِينَ کتاب بل سنت و جماعت بود دلیل که عز و جاه یا بد و اگر میند که قلم در دست وی
نشست اگر عالم بود و دلیل که در حشمت کم شود و کارش بی رونق گردد و اگر میند که بقلم شکسته می نوشت و اگر آنچه نوشت از شمار چایان
بود یا از شمار پرندگان تا و دلیل آن بگوهر و صورت و طبع وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه که در قلم در خواب بر منفعت و بد
یکی حکمت دوم فرمان سوم علم چهارم فرهنگ پنجم ولایت ششم راست شدن چیزها هفتم کام و مراد خانه ابن سیرین رحمه الله
علیه که در خانه مرد را در خواب زن بود اگر خواب ببیند که خانه با ستونهای از جای بر داشت و دلیل که زنی خواهد با مروت و کرم بود و اگر میند که
خانه نوشد دلیل که زن توانگر خواهد و توانگر شود و اگر میند که خانه مفرد بچ اندوده بود و ندانست که آن خانه از آن کیست دلیل که صاحب
آن خانه از دنیا برود و اگر میند که در خانه که نخیده بود و در آن خانه خلق کرده بود و آن خانه بچانه های دیگر پیوسته و دلیل که از پنج نفری
رسته گردد و اگر بسیار بود و شفا یا بد و اگر میند که در خانه خود شکست دلیل که مال بر نهد و اگر میند که خانه وی از آن بزرگتر شد که بود و دلیل
مال و نعمت بروی فراخ گردد و اگر خلاف این بود و دلیل که مال و نعمت بروی تنگ گردد که زمانی رحمه الله علیه که در کسی که خانه او
بسیار و یا در خانه دلیل که مال بسیار بوی رسد و اگر میند که خانه وی بی سببی خراب شد و دلیل که مال و درش حاصل شود و اگر میند که خانه

و در میان خاشاک تقسیم شد دلیل که بعد از آن اول مال نعمت حاصل شود و اگر میند که خاشاک او را با و بر و یا با شش بسوخت دلیل که با و

مال و یا بستاند و اگر میند که خاشاک در زیر دیکت یا زیر توبه بسوخت دلیل که مال خود هر چند کند و اگر میند که خاشاک از حرامی آورد و

بجانه میسر و دلیل که بعد از آن مال از سفر حاصل کند و اگر میند که در شهری یا در کوچ یا در خاشاک می آورد و دلیل که مردم آن شهر را بعد از آن

نیز خیر و منفعت رسد خاشاک ابن سیرین رحمه الله علیه که در خاشاک و در خواب و بدین اندک و بسیار درم بود و اگر میند که در خانه او خاشاک

اینست دلیل که تو نگردد و اگر بیند که در خانه او سینه بود دلیل که او را توبه باید کرد و قوله تعالی **لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَسْلَافًا مِمَّنْ بَغَتْ**
عَنْ آلِهِمْ و اگر تو اگر بدو نعمت وی زیادت شود و اگر بیند که پیر من خانه وی هیچ خانه نبود دلیل که حالش تباها کرد و خرابی
 این سیرین گوید خرابی در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی از بالا بر سر نشسته است اگر بیند که در خرابی فرو شده دلیل که غمگین گردد
 و اگر بیند که در خرابی غسل کرد دلیل که از غمنا فوج باید کرد که مافی رحمة الله علیه گوید اگر در سرانی یا در خانه خانمانی بسیار بدیده دلیل که
 انجام و اندوه و مصیبت بود و خالیست مطر که بود و دلیل دیدن خالیست در خواب بر قومی مستری کند اگر بیند که خالیست کسی
 داشت یا کسی بوی داد و دلیل که او را با مهر قومی صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که بر خالیست کسی را بر زمین و مهر بر
 مقهور کند و اگر بیند که خالیست او ضایع شد دلیل که از مهری جدا افتد که مافی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بهنگری نداند و بیند
 که خالیست بر سر اندان میزد و دلیل که میانه و مهر سخن چینی کند و دشمنی کند خایه مرغ و انیال علیه السلام گوید خایه مرغ در خواب
 کثیر بود اگر خواب بیند که مالکان پیش او خایه کرد و حمل بیند و نداند که خایه چیست دلیل که زنی خواهد و روز کاری در از آن
 زن بماند و اگر بیند که خایه مرغ پنجه میخورد و دلیل که مال حرام خورد و مرغ و غم بوی رسد و اگر بیند که خایه با پوست خورد و دلیل که
 بعضی مردگان ستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه همی کرد و دلیل که زن بسیار بخوابد و بجعل حریص بود و اگر بیند که بر خایه نشست
 چنانکه مرغان نشینند دلیل که با زنان نشیند و خایه یابد و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ آن خایه بیرون افکند
 و دلیل که کار مرده اوزده گردد و بعضی گویند او را فرزندی آید و مؤمن بود و اگر بیند که خایه شکست دلیل که دختر تیرا و شیر کی
 بستاند و اگر بیند که خایه بسیار داشت دلیل که او را فرزندان بسیار حاصل آیند و خایه بط فرزند درویش و سچاره بود و خایه
 پنجه شکست دلیل بر خورید و خایه آدمی ابن سیرین گوید اگر بیند که خایه او بزرگ شد و دلیل که فوت و فرزند و مالش زیادت
 شود و اگر بیند که هر دو خایه او کوچک شدند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که خایه او بریده است دلیل که دشمنان
 ظفر یابند و اگر بیند که خایه خود کسی داد و بخشید دلیل که او را فرزندی حرامزاده بود که نسب می از کسی دیگر باشد و اگر بیند
 که خایه اش آما سیده بود یا با بر شده بود دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را دشمن بیم بود و اگر بیند که خایه اش دراز
 چنانکه بر زمین می کشید و دلیل که مال بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که خایه ای کسی بکشید و دلیل که هر دو بازمان یکدیگر فساد میکنند
 و اگر بیند که پوست خایه خود بکشید و دلیل که کسی بر فرزند وی ستم کند و اگر بیند که کسی خایه وی سخت گرفت دلیل که خرم کن
 فرزند نشود و اگر او را فرزند نباشد دلیل که جاه و حرمتش کم شود و اگر بیند که خایه از بن برید دلیل که قوتش بریده شود و اگر
 بیند که خایه ای وی بر میان یا پیچیزی دیگر بسته بود دلیل که کار نابدی بسته کرد و مغربی رج گوید خایه مردم در خواب دلیل
 بر بازداشتن شدت دشمن از وی بود و اگر بیند که خایه وی نقصان بود و دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بیند که خایه
 وی بیرون کشید و دلیل که هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند
 و دوم مال سوم ابلت چهارم غنیمت بزرگی ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن خایه مرغ آبی بر چپا وجه بود یکی

اینست دلیل که تو نگردد و اگر بیند که در خانه او سینه بود دلیل که او را توبه باید کرد و قوله تعالی **لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَسْلَافًا مِمَّنْ بَغَتْ**
عَنْ آلِهِمْ و اگر تو اگر بدو نعمت وی زیادت شود و اگر بیند که پیر من خانه وی هیچ خانه نبود دلیل که حالش تباها کرد و خرابی
 این سیرین گوید خرابی در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی از بالا بر سر نشسته است اگر بیند که در خرابی فرو شده دلیل که غمگین گردد
 و اگر بیند که در خرابی غسل کرد دلیل که از غمنا فوج باید کرد که مافی رحمة الله علیه گوید اگر در سرانی یا در خانه خانمانی بسیار بدیده دلیل که
 انجام و اندوه و مصیبت بود و خالیست مطر که بود و دلیل دیدن خالیست در خواب بر قومی مستری کند اگر بیند که خالیست کسی
 داشت یا کسی بوی داد و دلیل که او را با مهر قومی صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که بر خالیست کسی را بر زمین و مهر بر
 مقهور کند و اگر بیند که خالیست او ضایع شد دلیل که از مهری جدا افتد که مافی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بهنگری نداند و بیند
 که خالیست بر سر اندان میزد و دلیل که میانه و مهر سخن چینی کند و دشمنی کند خایه مرغ و انیال علیه السلام گوید خایه مرغ در خواب
 کثیر بود اگر خواب بیند که مالکان پیش او خایه کرد و حمل بیند و نداند که خایه چیست دلیل که زنی خواهد و روز کاری در از آن
 زن بماند و اگر بیند که خایه مرغ پنجه میخورد و دلیل که مال حرام خورد و مرغ و غم بوی رسد و اگر بیند که خایه با پوست خورد و دلیل که
 بعضی مردگان ستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه همی کرد و دلیل که زن بسیار بخوابد و بجعل حریص بود و اگر بیند که بر خایه نشست
 چنانکه مرغان نشینند دلیل که با زنان نشیند و خایه یابد و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ آن خایه بیرون افکند
 و دلیل که کار مرده اوزده گردد و بعضی گویند او را فرزندی آید و مؤمن بود و اگر بیند که خایه شکست دلیل که دختر تیرا و شیر کی
 بستاند و اگر بیند که خایه بسیار داشت دلیل که او را فرزندان بسیار حاصل آیند و خایه بط فرزند درویش و سچاره بود و خایه
 پنجه شکست دلیل بر خورید و خایه آدمی ابن سیرین گوید اگر بیند که خایه او بزرگ شد و دلیل که فوت و فرزند و مالش زیادت
 شود و اگر بیند که هر دو خایه او کوچک شدند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که خایه او بریده است دلیل که دشمنان
 ظفر یابند و اگر بیند که خایه خود کسی داد و بخشید دلیل که او را فرزندی حرامزاده بود که نسب می از کسی دیگر باشد و اگر بیند
 که خایه اش آما سیده بود یا با بر شده بود دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را دشمن بیم بود و اگر بیند که خایه اش دراز
 چنانکه بر زمین می کشید و دلیل که مال بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که خایه ای کسی بکشید و دلیل که هر دو بازمان یکدیگر فساد میکنند
 و اگر بیند که پوست خایه خود بکشید و دلیل که کسی بر فرزند وی ستم کند و اگر بیند که کسی خایه وی سخت گرفت دلیل که خرم کن
 فرزند نشود و اگر او را فرزند نباشد دلیل که جاه و حرمتش کم شود و اگر بیند که خایه از بن برید دلیل که قوتش بریده شود و اگر
 بیند که خایه ای وی بر میان یا پیچیزی دیگر بسته بود دلیل که کار نابدی بسته کرد و مغربی رج گوید خایه مردم در خواب دلیل
 بر بازداشتن شدت دشمن از وی بود و اگر بیند که خایه وی نقصان بود و دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بیند که خایه
 وی بیرون کشید و دلیل که هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند
 و دوم مال سوم ابلت چهارم غنیمت بزرگی ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن خایه مرغ آبی بر چپا وجه بود یکی

خایه آدمی

خایه مرغ

مرا و یافتن دوم زن خوشن سوم کثیر خرمین چهارم فرزندان آوردن خیمه کردن ابن سیرین رحمه الله علیه
اگر خواب بیند که خیمه کرد و دلیل که غمگین شود و در عمل مغرور گردد و اگر بیند که او کسی را خیمه کرد و دلیل بر غم و اندوه و بود و بعضی از
مستحبران گویند تنگ عیشی بود و خفته کردن ابن سیرین رح گوید اگر خواب بیند که خفته کرد و دلیل که سنتی بجای آورد که او
یا که گردان از گناهان و اگر بیند که بهنگام خفته خون از وی روان شد دلیل که در آن سنت ثابت بود و از گناهان توان
کنده و اگر بیند که چون خفته کرد و نظر خفته داشت دلیل که غم و اندوه و بسیار رسد که آنی که گوید اگر بیند که او خفته کرد و دلیل که از گناهان پاک گردد و اگر
مکرده باشد دلیل که راه مسلمانی و سنت پس پشت انداخته باشد لیکن مالش زیادت شود جعفر صادق صلی الله علیه و آله گفته که خفته
کردن در خواب بر پنج وجه بود یکی سلت بجای آوردن دوم فرزند سوم نیکوئی چهارم روشن چشم جدائی از زن و فرزند و خبر
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خربزه در خواب بیماری بود و سبزه و شیرین عافیت و منفعت بود چون بوقت خود بیند و خربزه خورد
نیکوتر از بزرگ بود که آنی رحمه الله علیه گوید خربزه سبز در خواب لیل بر زوال غم و اندوه بود و اگر بیند که خربزه بسیار پیش می
هناده بود و دلیل که بانه می گرفتار کرد و مغربی رح گوید خربزه در خواب چون بوقت خود بیند زنی بود و با منفعت بسیار عیش
خوش جعفر صادق رضی الله عنه گوید خربزه در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم زن سوم غلام چهارم منفعت
عیش و خوش خاصه که چون شیرین بود و خرچک در خواب لیل بر مرد و دین همت بود و اگر بیند که خرچکی گرفت و دلیل که با کسی
همت بدخوی مصاحب گردد و اندک مایه از وی نفع یابد و اگر بیند که خرچکی را بکشت یا دور انداخت و دلیل که از بد خوئی دور
همت جدا گردد و اگر بیند که گوشت خرچک میخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند که آنی رح گوید اگر بیند که خرچکی داشت
و دلیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوشخوئی باشد که از وی نیکی باشد خروانیل علیه السلام گوید خرد در خواب دیدن بخت
و بزرگی بود و نیکی و بدی خرب بیند خواب باز گردد و اگر بیند که خری ملک وی شد یا در وثاق وی آمد و او خرا بگرفت و
و دلیل که در خیر بروی کشاده شود و از غم رسته گردد و اگر خرب بسیار بیند دلیل که نعمت مال از وی آید که در دو بهترین خرمائی که خواب
بیند آنست که مطیع او بود و ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بر خری سایه نشسته بود دلیل که منتی و بزرگی یابد و اگر بیند که
خر سایه نشست دلیل که غوغا باشد و پیغمبر آید و اگر بیند که بر خری بنشیند دلیل که عابد و زاهد گردد و اگر بیند که بر خری
سرخ نشست دلیل که عیش و عشرت بود و اگر بیند که بر خری زرد نشست دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که بر خر صافه آستین نشست دلیل که ضرر خرمی
و اگر بیند که گوشت خر میخورد و دلیل که از تجارت مال بدست آورد و اگر بیند که خر خود بکشت و گوشت او بخورد و دلیل که مال خود بپزد و اگر بیند که از
نشست و خرم و دلیل که او بزودی بمیرد و اگر بیند که از خر خویش سیفت و دلیل که در ویش و تنگ عیش شود و اگر بیند که از
خر یکم لکشا و نبود سیفت و دلیل که از کسی ضرر و زیان یابد و اگر بیند که از خر فرو آمد و دیگری بر خر نشست و دلیل که مال خود را
نفته کند و اگر بیند که از بهر کاری از خر فرو آمد و دلیل که گامی و حاجتی که طلب کند زود همیا گردد که آنی رح گوید اگر بیند که
شیر خر میخورد و دلیل که بیمار شود و دود شفا یابد و اگر بیند که خری خرید و بهای او نداد و دلیل که حاجتی یا بد بسبب سختی که با او

خواب بیند که خیمه کرد

خربزه خورد

خرچکی گرفت

خری ملک وی شد

خری بنشیند

گوید و اگر بینه که خرو می یک چشم داشت یا چشمش ضعیف بود و دلیل که بدشواری طلب معیشت بود و اگر بینه که خرو می داشت و آن
بر چشم نداشت دلیل که مالیکه وار و ضایع نشود و اگر بینه که دست و پای خرو می بسیار بود و دراز شد و دلیل که او را هیچ بسیار شد
و اگر بینه که خرو می بر دو او بر خرو می دیگر نشست یا خرمیکه داشت بغرض و خرو می دیگر بخرد و دلیل که معیشت وی از حالی
بجالی گرد و اگر بینه که خرو می هشت شد و دلیل که معیشت وی از سلطان بود لیکن به ظلم و اگر بینه که خرو می گوسفند شد و دلیل که مال
حلال یا بد و اگر بینه که خرو می مرغی شد و دلیل که معیشت وی از چیزی باشد که بدان مرغ منسوب بود و اگر بینه که خرو می وزد و
و دلیل که زن وی بغضا و شهنوت یا بد و کار او با زن بفرار انجامد و اگر بینه که خرو می قوی و توانا بود و دلیل که کار و کسب و نیاز و
آسان گرد و اگر بینه که فانی این بینه و دلیل که کار و کسب دنیا بر وی تنگ شود و دوشوار گرد و اگر بینه که بر خرو می واری بار نهاد
و او بالای بار نشسته بود و دلیل که توانگر گرد و اگر بینه که با خرو می حمایت و دلیل که مراد می خود بهیاد و اگر بینه که خرا بر پشت
بگرفت و از آبی بگذرانید و دلیل بر قوت حال و بزرگی بر بخت و اقبال بود و اگر بینه که خرو می بانگ کرد و دلیل که نیکو نباشد و
این انگار که صواب است و صواب است و صواب است که بد و اگر بینه که بر خرو می نشسته بود و آن خرو می را و بانگ میکرد و دلیل که عیالش
باشد و اگر بینه که خرو می داشت و با خرو می بدل میکرد و از خرو می بدتر بود و دلیل که حالش بدتر بود و اگر خرو می بهتر بود و حالش نیکو تر
و مالش زیاده شود و اگر بینه که خرو می با کسی بیست و یکم بدل کرد و دلیل که از پادشاه مال و منفعت یا بد و اگر بینه که با کسی بدل کرد
و دلیل که از پادشاه تنگتر چیزی بوی رسد و اگر بینه که خرو می با مرغی بدل کرد و دلیل که بقدر و قیمت مرغ چیزی بوی رسد و جعفر صداد
گوید که دیدن خرو در خواب مرده و بعد بود یکی بخت و دم دولت سوم فرمان روائی چهارم ریاست پنجم مال ششم زن که بیک
هفتم شادی هشتم قبال نهم بزرگوار ی دهم مرتب و خربنده و در خواب دیدن خداوند ولایت و تدبیر بود و راست کنند کار
و قتیار دارند و معیشت خور گوشت این سیرین که بد و اگر بینه که خرو می بوی رسد و دلیل که غنیمتی بوی رسد و اگر بینه که خرو می
بود و آن خرو می را و دلیل که عاصی و گنهگار بود و اگر بینه که خرو می را بوی جنگ و بنزد میکرد و دلیل که بر خرو می کار و بختی بود که بوی
رسد و اگر بینه که خرو می را بگرفت و دلیل که بر خرو می منفعت بود و اگر بینه که و خرو می را بهم جنگ میکرد و دلیل که دو مرد فاسق از بهر
باهم بگر جگت کنند و اگر بینه که خرو می بجان آور و دلیل که فاسق را بجان آوری رحمت الله علیه گوید دیدن خرو در خواب مرده
مردی جاهل محقق بود و او را علم و خرد نباشد و الله تعالی اولئك كَالْاَنْصَا بِلَهُمْ اَصْلُ الْاَرْبَعَةِ گوشت خرو می و دلیل
مال بسیار یا بد و اگر بینه که بر خرو می نشسته بود و بیفتا و دلیل که کاری طلب کند و نیاید و اگر بینه که بر خرو می نایب نشسته بود و دلیل
مالی بی اندازه یا بد و مرغی رحمت الله علیه گوید دیدن پوست و گوشت خرو در خواب غنیمت و مال بود و عذوبه و اگر بینه که مرغ خرو
یا فتنه دلیل که هزار دم یا بد و او را بهترین صحبت افتد و از خیر و منفعت بیند و اگر بینه که مرغ خرو می خورد و دلیل که عبادت بسیار میکند
و راه دین در و و اگر بینه که خرو می را میگردانند و دلیل که از مسلمانان مفارقت جوید و خرو می این سیرین رحمت الله علیه که بخرد و خرو
و دلیل که بر اندوه و اندیشه باشد و اگر بینه که خرو می را که نقصان مال بود یا برنج و بسیاری گرفتار شود و مرغی رحمت الله علیه که بخرد

این سیرین رحمت الله علیه که بخرد و خرو می را که نقصان مال بود یا برنج و بسیاری گرفتار شود و مرغی رحمت الله علیه که بخرد

و

و

کریم بود و خراش شک در خواب لیل بر دین پاک و مال حلال باشد و خرابی تازه روشنی چشم و مال حلال و فرزند و نیکی بود و حکایت
 شخصی پیش ابن سیرین رح آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرمایافتم گفت فرما تا بر ما چهل چوب بزنند و همچنان بود
 و سال دیگر همان مرد پیش ابن سیرین رح آمد و گفت که بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرمایافتم گفت چهل هزار درم بیا بی
 گفت پارس سال تغییر ازین خواب بگوئد و دیگر بود و سال چو نشت که بخلاف آنست گفت پارس سال خراب درخت نبود و تا و ل آن چوب بود
 و سال خراب درخت است و درختان سبز و تازه اند تغییر آن چنین باشد بعد از که گفته آن شخص هزار درم یافت خرمن کرفتن
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن غله در خواب مردی بود که برنج و قندیل حاصل کند و آن مال بکاف بپزید کند و اگر بپزید که نشت
 و در خرمن در آورد و دلیل که مال برنج حاصل کند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بپزید که خرمن غله بخرد یا کسی بوی داد و دلیل که زنی خواب
 و بعضی گویند که او را با مردی صحبت افتد که مال برنج و قندیل حاصل کند خرمن بپزد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن در خواب
 مردی باشد که مال سختی و برنج درست آورده باشد اگر بپزید که خرمن در دلیلی که مال خود برنج حاصل کرده باشد و بخورد و اگر بپزید
 که خرمن از دست جمع میکرد و دلیل که از مردی بخیل افتد آن مال حاصل کند و اگر بپزید که خرمن با آتش بسوخت و دلیل که پادشاه
 مال و ملک بستاند خروس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بپزید که خروس داشت و دانست که ملک او دست لیل که مرد عجمی که
 بنده زاده او بود و او را قهر کند و اگر بپزید که خروس را بکشت و دلیل که بر بنده زاده ظفر ناید و اگر بپزید که با خروس جنگ میکرد و دلیل که با بر
 خصوصت کند و اگر بپزید که از خروس او را گزندی رسید و دلیل که از آن عجمی او را مصرت رسد و اگر بپزید که خروس بچه یافت و دلیل که غلامی
 گوشت یا پیری از گزشت او را حاصل آید و اگر بپزید که با گزشت خروس می شنید و دلیل که نیکی و خیرات گزیند و اگر بپزید که خروس بر بخت
 و دلیل که او را از کسی غم و اندوه رسد و خانه خروس در خواب غلام بود و اگر بپزید که کسی خروس بچه بوی داد و دلیل که غلامی بوی بخت
 سفری رحمه الله علیه گوید اگر در خواب بپزید که خروسی داشت و دلیل که او را پیری آید یا او را با مردی مؤذن صحبت افتد چنانکه رسول
 صلی الله علیه و سلم فرمود **اَللّٰهُ يَكْفِيْكَ** وَهُوَ يَكْفِيْكَ عَوَالِي الْمَصْلُوْةِ یعنی خروس دوست نیست که مرد را نماز بخواند
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بپزید که بر خروس دست یافت و دلیل که بر ممتزاده دست یابد و بروی غلبه کند و اگر بخوابد
 که تخم خروسی یافت و شکست و دلیل که بر ممتزی و یا خروسی دست یابد خرید و فروخت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرید
 و فروخت در خواب نیک باشد زیرا که مردم دنیا را کنند و اگر کالای بجا لای معاوضه کند و دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد خیر
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرد خواب جبه و دستار و کلاه و آنچه درین ماند جمله مردانرا پسندیده باشد و رنگ این جامه ها اگر
 بر یک صورت بود و اگر بنوعی و غم و اندوه بود و رنگ سبز بر جامه نیک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن خرد خواب
 کسی را که شرابی خرد بود و بر پنج وجه بود یکی مال و منفعت دوم خیر و برکت سوم عفو جاه چهارم مرتبت با ناز و قیمت چشم
 ریاست و بزرگی که مانی رح گوید پوشیدن جامه خرد خواب لیل بر مال حرام کند متحیران گویند مردانرا بر ششم و خواب دیدن پادشاه
 و ناز نیک باشد و خرد و خوش کسی باشد که دنیا را بپزید یا کند خسته کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بپزید که تران او

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

کسی بخت و از خون بیرون آمد دلیل که خسته کننده و راسخی راست گوی چنانکه باشد که جواب تواند کرد و اگر بیند که از آن حجت
خون نماید دلیل که اوراسخی گوید که دروغ باشد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تیغ برود و تیغ کرد و اورا دلیل که پیش از سخن گوید
و بر و طعنه زند و اگر کسی در خواب خشکی بسیار برتن خود بیند دلیل که از پادشاه منفعت یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید خشکی بسیار
برتن نقصان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید خشکی در خواب برسته وجه بود یکی مال هر دم منفعت سوم سخن
ناخوش خشت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خشت در خواب لایح و مجموع باشد چنانکه هر خشتی هزار درم بنماید و اگر بیند که
بسیار جمع کرد و دلیل که اورا مال بسیار جمع شود و که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خشت از دیواری ترشید دلیل که مال خداوند
دیوایر و اگر بیند که خشت پاره پاره کرد و پراکند و دلیل که مال خود را پراکند و تلف کند مغربی رحمة الله علیه گوید خشت
پخته در خواب بد بود زیرا که آتش بوی رسیده است بدان سبب دلیل بر عجم و اندوه بود چشم که فتن ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر کسی خشم از بهر دنیا گرفت دلیل که کار دین را حقیر و خوار دارد و بد دنیا مغرور شود و که آنی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که پدر او را در بروی خشم گرفتند دلیل که از جانی بلند افتد و له تعالی و مَنْ يَجْلِلْ عَلَيْكَ غَضَبِي فَقَدْ
بُورِي خُصُومَتِ ابْنِ سِيرِينَ رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ گوید اگر بیند که با کسی خصومت کرد و بر و غالب شد دلیل که سرانجام
بر و غالب گردد و در چشم طعنه نماید و اگر بیند که دشمن بر و غالب شد تا و پیش خلاف این بود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر
نویسد که رخ و بیازمی و اندوه و بی از هر زده بود و هر یک از این نویسد که بر و غالب شد

او مردی که با او آندیا خصومت کرد و بر او غالب شد و دلیل که از او ای بد و خیر و منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند از او
بیند و اگر ببیند که پیش پادشاه خصومت رفت دلیل که حاجتش روا گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که با مردم
خصومت کرد و دلیل که مردم از وی اندو بگین گردند زیرا که از مردم جوید خصمی کردن این سیرت رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که خود
خصمی کرد و دلیل که حاجتش روا گردد و بعضی معتبران گویند که فرزندش بمیرد و الا بطاعت باری سبحانه و تعالی را راغب باشد و
خواهد شد و اگر کسی مجهول خصمی بیند و دلیل که آنکس بسندیده و صالح بود و نیز گویند که فروخته باشد که او را بر احوال صلح خواند
یا بخیرات فرموده و پدری را که خوشگانه از او شوق نیست اگر ببیند که خوشش علم و حکمت نیست آنکس فرشته نباشد و اگر آنکس بد خصمی بود
و مشروف بود آنچه از نیک و بد دید تا وایش بر روی باز کرد و کافیه رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که خایه وی بریده شد و پنهانی
و دلیل که بر دشمن ظفر ناید و بعضی معتبران گویند بریدن خایه در خواب بر پدر و دختران بود یعنی پس از آن او را و ختری بنود زیرا
که خایکان دختر بود و اگر ببیند که خایه خود پدر آورو و بکسی داد و دلیل که دختران کسی و پدر مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که
سببی خصمی شد دلیل که او را خواری و زیان رسد و اگر قضیش از تن بریده شد بهر دلیل دارد و نامش از میان مردم
که شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن خصمی در خواب بر سر و وجه بود یکی دیدن مردم را بد و دوم فرشته سوم خواب
خضاب کردن و انبیا علیه السلام گوید خضاب کردن بر پیش پوشیدن کار با باشد اگر ببیند که سر را با خضاب
کرد و رنگ منگرفت دلیل که ظاهر مردم نماید و اگر ببیند که خضاب کرد و دلیل که کارش نیکو شود اما کارهای او پوشیده بماند

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خضاب میبرد که مردم آنرا میگردانند و دلیل که خود را بچیزهای محال کارهای پادشاهی
و دیگران بیند که دست و پایی بخنا خضاب کرد و دلیل که مال از دست رفته و باز آید و اگر بیند که برود دست را بخنا خضاب کرد
و دلیل که فرزندان خود را بسیار آید بآریشی که خلاف شرع بود که مافی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دست خود را نکارد و بخنا خضاب
کرد و دلیل که خداوند مکر و حیلت بود و در کسب عمل خویش و اگر بیند که نکارد و بی هم شده بود و دلیل که او را عزیزی میرود و یا خود طاعت شود
و اگر این خواهش را نمی بیند شادی و خورمی بیند اسمعیل اشعث علیه الرحمه گوید اگر بیند که دست و پایی خود بخنا خضاب کرد
و دلیل که کاری کند که مردم بروی انوس کنند و اگر بیند که سر بخت از خضاب کرد و دلیل که تسلیع کند جعفر صادق رضی الله
عنه گوید خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی کار شایسته دوم آرایش حال دنیا سوم طلب عرق جاده چهارم معروفه
شدن بدروغ خطبه خواندن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر سر بنیر خطبه بخاند و از اهل خطابت بود و دلیل که پس
عزیزندگی یابد و اگر از اهل خطابت نبود و دلیل که بسفر رود و در نک بسیار کند و بیم و خطرش بود و گویند که اگر تو اگر بود و پیشتر
و اگر بیند که بی دینی خطبه بخواند و دلیل که مسلمان شود یا میرد که مافی گوید اگر بیند که پادشاهی بر سر بنیر خطبه بخاند اگر پادشاه صالح
بود و دلیل که عدل نماید و اگر مفسد بود و دلیل که تائب گردد و اگر بیند که زنی بر سر بنیر خطبه بخاند و مردم را پند میداد و دلیل که نشاء
رسوا شود و قضیت در سفر بی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در میان خطبه ترویج بخاند و دلیل که با همه کس خیر جهان کند خیر صلاح
و منفعت یا بد خطمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خطمی بوقت خود در خواب دیدن منفعت بود و بی وقت غم و اندوه بود و خوردن
آن مضرت و نقصان بود و شستن بآن دلیل بر توبه و پاک دینی بود و خفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خفتن در خواب و
را کسی را که پوشیده بود و راحت و رستگاری بود و اگر بیند که بر تنی خفته بود و دلیل که بزرگی یابد و راه وین بر پیرمکاری بخیر
تیر که خفتن غفلت بود و در راه دین و اگر بیند که در جایگاهی بر سر بخوابیده بود و دلیل بر تجارت و خواری بود که مافی رحمه الله علیه
گوید خواب ترسند را الهی بود و مردم را آتش و سوار شفا و زنده می را خلاصی بود و غریب گوید اگر بیند که در میان دو گان خسته بود و مردم را در میان
و دلیل که در میان مردم شهرت یابد و کما و محبتهم ایتفاکاً و هم وقوداً خلل کردن ابن سیرین گوید خیال کردن در خواب بیکو شایر که در دنیا
ایل بیت بود و خلل باشد جادو ب که مال ایل بیت میرود و اگر بیند که خلل میگرد و دلیل که بقدر آن که از دزدان بیرون می آید
نقصان ایل بیت می باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که آنچه بخل از بن و دزدان بیرون آورد و کسی داد و دلیل که از مال
ایل بیت خویش بناحق بستاند و کسی و بد خلعت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خلعت در خواب چون پاکیزه و خوب بود و دلیل
عزت یافتن و مرتبت ریاست و مملکت باشد وزن و کثیر و حکم تاویل بقدر قیمت خلعت و پند بود که مافی ج
گوید اگر بیند که پادشاه بد خلعت داد و دلیل که ایل پادشاه بقدر آن خلعت مال یابد و اگر بیند که عالمی ویرا خلعت داد و دلیل
که از آن عالم وی را علم و دانش حاصل کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که خلعتی بدو دادند سفید بود و پند
و دلیل که عز و جاه دینی یابد و اگر دنیا یا جامه برایشین بود و دلیل که عز و جاه دنیا یابد خرقة جامه که نه پوشیدن آن غم آن

بود و اگر میند که جائه خرقان ازین خوبه و چون کرد دلیل که غم و اندوه از وی دور شود و همه چیزهای نوجواب دیدن نیکو باشد مگر موی که
که از نو بهتر باشد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب خرقه فروشی کند بد باشد و اگر جائه نود و بیفر و نیکو باشد و خرقه فروشی
و خواب مردی بود که بدی از خود دور کند خلع حاکم باشد که ازین بیرون می آید اگر میند که ازین بی وی خلع می آید دلیل که در خواب
شود و از غم و اندوه رسته گردد و این سیرین رحمه الله علیه گوید خلع در خواب دلیل بر فرزند بود اگر میند که خلع بر جائه وی افتاد و دلیل
و از پسری آید و اگر میند که خلع ازین بی وی بر زمین افتاد و دلیل که او را دختری آید و اگر میند که خلع بر زمین افتاد و دلیل که ازین
گرد و فرزند از شکم میند و اگر میند که زرش خلع بر وی افتاد و دلیل که بر زن حساسه و فساد کند و اگر میند که خلع خورده و دلیل که
خورد و بجای نیک خلیفه بن سیرین رح گوید اگر کسی در خواب خلیفه روی کشاده میند و دلیل که خیر دینی و دنیاوی بوی رسد و اگر میند که خلیفه
او را کاری فرمود و از کار مانی خاص و دلیل که غم و بزرگی و مرگت یابد و اگر میند که خلیفه او را ولایتی داد اگر از مسلمان بود و دلیل
شرف و بزرگی یابد و اگر میند که در سرای خلیفه نشاند و دلیل که از مقربان وی شود و اگر میند که خلیفه از متاع دنیا چیزی بوی داد و دلیل
منزلت یابد و میان بزرگان نامدار شود و مانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که خلیفه با وی خصومت کرد از بهر کاری که شرع تعلل دارد
و دلیل که حاجتش و اشود و بر دشمن ظفر یابد و اگر میند که در سیر بجای خلیفه نشسته بود و دلیل که خلیفه او را زنی یا کنیزی یا مال بردار میند که در
اسب خلیفه نشسته بود و دلیل که در خلافت با او شریک بود و اگر میند که پیش خلیفه یا پهلوی خلیفه و میرفت و دلیل که مقدم در شغلی می وی
باشد و اگر میند که خلیفه با وی ترش روی بود و دلیل که در دین وی ظلم باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که خلیفه شده است و او
از اهل آن نباشد و دلیل که او را بکاری فرستد و اگر میند که خلیفه او را بکاری فرستد و دلیل که وی خیر و منفعت یا بد و ضرر و دین ضعیف
عنه گوید اگر خلیفه مرده یا زنده میند و شادمان بود و با وی سخن گفت و دلیل که مراد وی حاصل شود و غر و دولت یابد و اگر خلیفه
نخکین میند تا ویش بخلاف این بود و ختم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ختم در خواب زنی بود که اقبل و فایده بخانه برسد بقدر بزرگی
ختم که مانی رحمه الله علیه گوید ختم سیکی یافتن در خواب گنج بود و ختم آب زن بود و اما زن تو اگر باشد و اگر میند که در خانه و ختم بر آب
و از آن آب میخورد و دلیل که مال بسیار یا بد و راه خیر خرج کند و ختم سر که خواب مردی بر بزرگوار بود و ختم مسکه و عین دلیل بر زیادتی
مال حلال بود و ختم آبگامه و دلیل بر مردی بیمار بود و ختم نفقت و دلیل بر مردی فرومایه و جوان بود و ختم در خواب دیدن دلیل بر
کند و ریاست صاحب سلطان خمیر کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سرشتن آرد بنا و دل درستی دین باشد و سرشتن آرد
کند مانی بود که از تجارت حاصل شده باشد و آنکه خمیر نبوده و اگر خمیر نبوده و دلیل بر فساد کند و سرشتن آرد که در خواب نفق
اندک که بوی رسد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که خمیر فرا گرفت یا بخیرید یا کسی بوی داد اگر خمیر جوین بود و دوستی دین و حشمت
بود و اگر خمیر کدوم بود بقدر آن مال حلال از تجارت حاصل کند و اگر خمیر کاه رس بود و دلیل که منفعت اندک بود و جعفر صادق علیه السلام
خمیر گوید دیدن خمیر در خواب رسته و چه بود یکی زیادتی در دین و دوم منفعت سوم مال حلال خمیره و در خبره سله و سله
بعضی گویند خا و سه بود و بعضی گویند پیغام بشهر آید و آورد و بعضی گویند زن بود و اگر میند که خمیره بکینه و خانه اوست

سجده

کافی

نسخه
کتاب
تفسیر
الکافی
در
تفسیر
الکافی

زن با طلاق و بد جا بر مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خبره داشت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی خاومه یا کینزکی بقدر خبره و اور
 مایل شود یا اورا بازنی خاومه صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که خبره او ضایع شد تا ویش بخلاف این بود و خنجر این
 رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که خنجر در دست داشت دلیل که اورا با کسی عداوت افتد و اگر بیند که خنجر شکست یا ضایع شد
 دلیل که جنگ و خصومت و عداوت از میان ایشان بر خیزد و بصلح انجامد و اگر بیند که خنجر در دست داشت دلیل که اورا از کسی قوت
 باشد در آن کار که خواهد کرد و اگر بیند که خنجر در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد
 خنده و خواب غم آورد اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود
 گشت و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود
 باشد و قولی که از آن می شنید صدق راضی انداخته و گوید دلیل که آنکس اوفت و حشمت بود و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود
 قصص که در آن می شنید صدق راضی انداخته و گوید دلیل که آنکس اوفت و حشمت بود و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود
 که بقدر آن غنیمت راضی بود و پس از آنکه انداخته و گوید دلیل که آنکس اوفت و حشمت بود و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود
 خوردن طعام و دلیل که چون بطعم نرسید بود و قوتی و شادی بود و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود
 حکایتی که در آن می شنید صدق راضی انداخته و گوید دلیل که آنکس اوفت و حشمت بود و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود
 وجه بود و دلیل که غنیمت راضی بود و پس از آنکه انداخته و گوید دلیل که آنکس اوفت و حشمت بود و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود
 بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود
 از مهری قوت گشت و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود
 که عمرش نقصان یافت و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود و اگر بیند که خودی را با دلی که با او دوست بود و از وی بی وفای بود
 و گوی که پنجم خود را
 بود و اگر بوی ناخ
 بر روی و پیش و چادر
 بود و خوردنی فروش در جوار
 فرزند بود و برکت نیاوردی مال و چون ح
 بهتر بود و خاصه چون بوقت بیند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خواب بیند که دس در دست داشت
 خوشه از دوش شکست و دلیل که خط و تلی بیند جعفر صادق که دس او ضایع شد و دلیل که نقصان مال او بود و مغربی رحمه
 تعالی سَبَّحَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ مُسْبِلَةٍ الخ و خوشه شکست خط مال حرم چیزی حاصل کند و اگر بیند که بدن او در تنگ
 تنگ

خنجر

خنجر

خنجر

خنجر

خنجر

در روز و در لیلی که مال و نعمت حاصل کند و ام این سیرین رحمه الله علیه گوید و ام در خواب بکر و حیلت نمود اگر بیند که پادشاه
او بدام گرفتار شد تا دلش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که جانور یا بدام گرفتار آید که بدان
جانور منسوب بود بکر و حیلت بدست آورد و آنها این سیرین رحمه الله علیه گوید و انما در خواب اگر بخیر یا خام بیند
دلیل غم و اندوه بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که و آنها بر زمین ریخته بود دلیل که ترخش از زان گردد و هر
چیز از و آنها که دید و در خانه خود بر و یا در جوال کرد دلیل که آنچیز گران گردد و اگر ببیند که مردگان و آنها بر دم سید اندلیل
که آن و آنها از زان شوند و با عی کر و ن این سیرین رحمه الله علیه گوید و با عی کر و ن در خواب گداز و ن شغل و فرغان
بود اگر خواب ببیند که و با عی میگرد دلیل که پیشه و با عی کند که مانی رحمه الله علیه گوید و با عی تبایل و الی بود و پوست درخت
سیرات باشد مغربی رحمه الله علیه گوید و با عی در خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بوی باشد و به این سیرین رحمه
الله علیه گوید و به رغن در خواب مردی این بود اگر ببیند که و به رغن داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی این بود
صحت افتد و اندوختی و منفعت یا بد بقد آن و به رغن و اگر به چرکین و کینه بود دلیل که بیند که راضی است رسید
صادق رضی الله عنه گوید و دیدن و به در خواب بر نه و وجه بود یکی مرد این دوم زن سیوم خادم چهارم قوام دین
صلاح تن ششم عمر در از به فتم مال و نعمت هفتم خیر و برکت هفتم میراث از جنت زنان و دیر می این سیرین رحمه الله علیه
گوید اگر خواب ببیند که دیر می میگرد دلیل که مال مردگان بحیلت ستان و کارهای ناکردنی کند و اگر ببیند که دیر می پادشاه
دلیل که از قوم پادشاه منفعت یا بد اگر ببیند که دیر می مردم عام میگرد دلیل که دلهای مردم بر خود گرم کند و انیال علیه السلام
گوید اگر ببیند که نویسنده شد دلیل که بکر و حیلت روزی از مردم بدست آورد و اگر ببیند که دیر می میگرد دلیل که بخیر و منفعت
بسیار یا بد و اگر ببیند که خواب عمل را بود دلیل که مغرول شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که جامع قرآن و حدیث می
دلیل که خیر و منفعت آنجانی یا بد و اگر ببیند که غزل و شعر می نبشت دلیل که بعیش و طرب مشغول گردد و اگر ببیند که نامه می نبشت
و مداونیک بود دلیل که قباله را بنویسد و اگر ببیند که آنچه می نبشت خلاف شریعت بود دلیل که عاقبتش بد بود و دیر می
خواب دیدن جای اندوه بود و لیکن عاقبت بخیر بود و دلیل منفعت و بزرگی بود و جمال این سیرین رحمه الله علیه
و جمال را در جانی معروف دیدن دلیل که در آنجا فتنه افتد و دروغ زمان آنجا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد
و خیر این سیرین رحمه الله علیه گوید و خیر خواب دیدن فرج و شادی بود و اگر خواب ببیند که او را و خیری آمد یا کسی
بوی داد و یا بخشد دلیل که بقدر جمال و خوبی دختر او مال و خور می و نعمت حاصل گردد و اگر ببیند که دختر بر و تا و لیکن
این بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که دختر وی چرکین و ناقص بود دلیل بر غم بود و اگر ببیند که دختر بر گرفته بود
دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر ببیند که دختر و کسی داد دلیل که از وی خور می بر آنکس رسد و خسته اگر ببیند که دیر خود و
عود میگرد یا از بهاء خوش چیزی داشت دلیل که پیشه یا موز و از آن منفعت یا بد و با مردم عیش خوش گذران

در روز و در لیلی که مال و نعمت حاصل کند و ام این سیرین رحمه الله علیه گوید و ام در خواب بکر و حیلت نمود اگر بیند که پادشاه او بدام گرفتار شد تا دلش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که جانور یا بدام گرفتار آید که بدان جانور منسوب بود بکر و حیلت بدست آورد و آنها این سیرین رحمه الله علیه گوید و انما در خواب اگر بخیر یا خام بیند دلیل غم و اندوه بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که و آنها بر زمین ریخته بود دلیل که ترخش از زان گردد و هر چیز از و آنها که دید و در خانه خود بر و یا در جوال کرد دلیل که آنچیز گران گردد و اگر ببیند که مردگان و آنها بر دم سید اندلیل که آن و آنها از زان شوند و با عی کر و ن این سیرین رحمه الله علیه گوید و با عی کر و ن در خواب گداز و ن شغل و فرغان بود اگر خواب ببیند که و با عی میگرد دلیل که پیشه و با عی کند که مانی رحمه الله علیه گوید و با عی تبایل و الی بود و پوست درخت سیرات باشد مغربی رحمه الله علیه گوید و با عی در خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بوی باشد و به این سیرین رحمه الله علیه گوید و به رغن در خواب مردی این بود اگر ببیند که و به رغن داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی این بود صحت افتد و اندوختی و منفعت یا بد بقد آن و به رغن و اگر به چرکین و کینه بود دلیل که بیند که راضی است رسید صادق رضی الله عنه گوید و دیدن و به در خواب بر نه و وجه بود یکی مرد این دوم زن سیوم خادم چهارم قوام دین صلاح تن ششم عمر در از به فتم مال و نعمت هفتم خیر و برکت هفتم میراث از جنت زنان و دیر می این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که دیر می میگرد دلیل که مال مردگان بحیلت ستان و کارهای ناکردنی کند و اگر ببیند که دیر می پادشاه دلیل که از قوم پادشاه منفعت یا بد اگر ببیند که دیر می مردم عام میگرد دلیل که دلهای مردم بر خود گرم کند و انیال علیه السلام گوید اگر ببیند که نویسنده شد دلیل که بکر و حیلت روزی از مردم بدست آورد و اگر ببیند که دیر می میگرد دلیل که بخیر و منفعت بسیار یا بد و اگر ببیند که خواب عمل را بود دلیل که مغرول شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که جامع قرآن و حدیث می دلیل که خیر و منفعت آنجانی یا بد و اگر ببیند که غزل و شعر می نبشت دلیل که بعیش و طرب مشغول گردد و اگر ببیند که نامه می نبشت و مداونیک بود دلیل که قباله را بنویسد و اگر ببیند که آنچه می نبشت خلاف شریعت بود دلیل که عاقبتش بد بود و دیر می خواب دیدن جای اندوه بود و لیکن عاقبت بخیر بود و دلیل منفعت و بزرگی بود و جمال این سیرین رحمه الله علیه و جمال را در جانی معروف دیدن دلیل که در آنجا فتنه افتد و دروغ زمان آنجا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد و خیر این سیرین رحمه الله علیه گوید و خیر خواب دیدن فرج و شادی بود و اگر خواب ببیند که او را و خیری آمد یا کسی بوی داد و یا بخشد دلیل که بقدر جمال و خوبی دختر او مال و خور می و نعمت حاصل گردد و اگر ببیند که دختر بر و تا و لیکن این بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که دختر وی چرکین و ناقص بود دلیل بر غم بود و اگر ببیند که دختر بر گرفته بود دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر ببیند که دختر و کسی داد دلیل که از وی خور می بر آنکس رسد و خسته اگر ببیند که دیر خود و عود میگرد یا از بهاء خوش چیزی داشت دلیل که پیشه یا موز و از آن منفعت یا بد و با مردم عیش خوش گذران

در خواب
و در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

و اگر بوی ناخوش بود بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خوشه در خواب بر سره و بوی کسب و حشمت و دهم
و منفعت سوم بنای نیک و دوگان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دوکان داشت جمله خرشد نه یا یکی خرشد
یا یکی گاو و یکی کوسپند دلیل که روزی بروی فراخ شود ولیکن او را زیان دارد و اگر بیند که چهار پایان وی دوکان شده
تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدیدن دوکان در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن و دوم پادشاه
چهارم سوم زمان سلیطه چهارم همسایه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گوشه نشین خور و دلیل که مال مردم بحلیت بدست
گرمای رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بصورت دوی شده دلیل که عقل از وی زایل گردد و اگر بیند که دوکان با وی سخن گفتند
دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که دوکان از میکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و راج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید در راج در
خواب زنی خوب روی بود به مهر که باشو هر ساز کاری نکند اگر بیند که در باغی گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی بدین
صفت خواهد آمد اگر بیند که گوشت در راج بخورد و دلیل که مقدار آن مال بن بستند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در راج
بسیار داشت و دانست که ملک است دلیل که بقدر آن زنان و کتیرکان او را حاصل آید اگر بیند که در راج از دوستی
برید و دلیل که زنا حلاق دهد و راعه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که دراعه نو بزرگ و فراخ و بستر
بود و دلیل که بقدر آن او را جاه و قوت و شرف در دین بود و اگر بیند که دراعه چرکین و تنگ پوشیده بود تا ویش بخلاف
این بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دراعه سپید پوشیده بود و دلیل که مال نعمت و بزرگی یابد و اگر دراعه سرخ بود
بود و دلیل که مصیبت بود و اگر سیاه بود و دلیل غم و اندوه باشد لیکن دراعه سیاه قاضی و خطیب را زیان ندارد و اگر بیند
که دراعه از تن وی بیرون کرد و دلیل که از زن جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدیدن دراعه در خواب بر هفت
وجه بود یکی فرخ و دوم قوت سوم محبت چهارم شرف و جاه پنجم منزلت و ولایت ششم کرامت هفتم زن در خواب بین
زن بود و اگر بیند که دراعی بسته از جای معصیت یا جھول در برابرش کشاوند و آن درگاه کشاوند شد بر جانب راه بود
دلیل که مانی که دارد خرج کند و اگر بیند که در سرانی در برابرش کشاوند شد و دلیل که مالی از او شاه بیاید و بر عیال نفقه کند
و اگر بیند که در سرای شوکت دلیل مصیبت و رنج عظیم بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در سرای او کشند و
بروند و کس ندانست که کی بروند و دلیل بر محنت و مصیبت خداوند خانه بود اگر بیند که در سرای او انباشتند و دلیل بر
مصیبت اهل سرای بود و اگر بیند که در وی کوچک بود و دلیل که آفت بعیال او رسد و اگر بیند که در سرای چنان فراخ
بود که هیچ دری بدان فراخی نبود و دلیل که قومی بی فرمان در سرای او روند بقوت و مصیبت با خضومت اگر بیند که حلقه
در سرای او می جنبانید اگر بایش آمد و دلیل که وعای او مستجاب گردد و باشد که کجی بیاید و اگر بیند که چون حلقه جنبانید
از او و آن سرای را بکشد و دلیل که خدا تعالی البته وعای او اجابت فرماید و بر دشمن ظفر یابد که مانی رحمه الله علیه گوید
اگر بیند که در محکم بخت و قلی بر و نه و دلیل که زشت میرد یا زنا حلاق دهد و اگر بیند که در درگاه فرمود تا در نو بزرگ

خانه او نهادند دلیل که کتیرگی و دشمنی و مجروح و اگر بیند که در خانه و بر خلق نبود دلیل که زنی میوه بخوار مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
دوان بر در خانه وی میچیدند و بانگ میکردند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند اگر بیند که در آسمان آکاشا ده شد دلیل که بر مردم
آند بار در خیرات بگشاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن در در خواب بر سر توده بود یکی خداوند سرای دوم زن منوالم
و روزانه این سرین رحمة الله علیه گوید هر که در واژه شهری بخواب بیند دلیل که حاجب و دربان یا شاه بود و دربان در خواب
دیدن مردی بزرگ بود و ربانی کردن این سرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که در بانی میگرد و دلیل که حاجتی که دارد و زود شود
و از مردی بزرگ عو جاهد یا بد و اگر بیند که در بانی میگرد و دلیل که حاجت بر وی سبب کسی بود و او شود اما او جاهد یا بد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در بانی پادشاه میگرد و دلیل که مقرب پادشاه گردد و بر سر گرفتن شرح بر گرفتن در حرف لغت
و ختان و انیال علیه السلام گوید در ختی که پیش مردم غریز است بخواب دیدن آن مردی شریف و بزرگوار بود و در ختی بیند که پیش
مردم خواب بود دلیل بر مردی فرومایه بود و هر در ختی که میوه دارد بود دلیل که مردی توانگر بود و در ختی بی بریل بر مردم درویش بود و در ختی
که در دیار خواب بود دلیل بر مردم بیابانی بود و هر در ختی که در غم باشد دلیل بر مردم غمی باشد و در ختی که در باغ بیند دلیل بر مال بود و بخدا
باغ اگر بیند که در ختی این بخت دلیل که مرد را از جاهد و لغت افکند و در خت خرم اگر در خت خرم بخواب بیند دلیل بر مردمی شریف
و عالم بود و اگر بیند که در خت خرم در خانه داشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود و خرم با چون بلیغ بیند دلیل که تا میل و بخدا و در خواب
گرد و در خت بنوس دلیل بر مردمی فرومایه و شود در کار خویش و بعضی گویند زن بود یا کتیرک و در خت آلوده مردمی طبیب بود
که اندوی نفع بر کس سد و در خت با و ام زنی خوبروی صاحب حال بود و در خت آلوده مردمی توانگر بود و با منفعت و در
پیل دلیل بر مردمی شریف و بزرگ کند و در خت بر دلیل بر مردمی ساکن و آهسته بود و در خت ترنج دلیل بر مردمی مخالف خود
رای کند و در خت زیتون دلیل بر مردمی پهل و نسب باشد و در خت خنظل دلیل بر مردمی درویش بدین کند و در خت زر لک
دلیل بر مردمی مبارک بود که نفع رساند و در خت سرو دلیل بر مردمی خوش طبع کند و در خت سنج دلیل بر مردمی سبک سحر
و مختصر باشد و در خت سیب دلیل بر مردمی بیمارگون باشد و در خت شمامه دلیل بر مردمی تیز دولت کند که زود پاک
شود و در خت شفتالو دلیل بر مردمی بزرگوار بود که بشهر باشد و در خت عود دلیل بر مردمی نیکروی و خوش زبان باشد
و در خت عشق دلیل بر مردمی توانگر بخت بود و در خت گل دلیل بر مردمی شاد کام باشد و در خت فندق دلیل بر مردمی غری
سخت دل بود که لهو دوست دارد و در خت بلوط دلیل بر مردمی بخیر منافق بود و در خت جوز دلیل بر مردمی شریف و جواد
بود و در خت جوز هندی دلیل بر مردمی غمی بود که با مردم بخت کند و با عیال سختی کند و اگر بیند که بالای درخت بود دلیل بر مردمی
بزرگ پیوند دوازده منفعت و بزرگی یا بد و در خت لیمون دلیل بر مردمی بود که جادو کند یا مخم بود و در خت مور و دلیل
بر مردمی کران طبع و ناسازگار بود و در خت نی دلیل بر مردمی بد خوئی و سخن چین بود و هر در ختی که میوه دارد و دلیل بر
میوه او بود اگر بیند که از در ختی میوه دارد میوه میخورد و دلیل که بقدر و قیمت آن میوه مال و لغت یا بد و اعتباران گویند و دیدن

1

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میں نے

[illegible]

فان

در خواب

خانه خود درخت در خواب زن بود و هر درخت که در خانه پادشاه بیند دلیل که خدمتکار پادشاه باشد و اگر درختان بیند که ساق ندارد
 همچون درخت خیار و خرفه و گاویش بر مردمان و دین بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر گهای درخت توی بیند دلیل که زکوة مال
 بر او داده باشد و اگر بخلاف این بود و دوست درخت دلیل بر مردی بود که خداوند درخت را بدو شاخ درخت برادران و خویشان و فرزندان
 بود و اگر بیند که درخت بر کما بسیار داشت دلیل که خداوند خوش طبع بود و اگر بیند که بارانی اندک دارد و نامایش بخلاف این بود
 و میوه درخت این بر خداوندش که پر میزد کار و دین دارد بود و اگر بیند که درخت پیر و بیفتا و دلیل بر مرگ خداوندش بود و مخری
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درختی بوی خوش دارد و میوه خوش طعم دلیل بر مردی مصحح و پاک دین بود و اگر بیند که درختی بیبو و نام
 دارد و خار دارد و دلیل بر مردی مضطرب و بیادانت باشد و اگر بیند که در سراسر او یا در سراسر دیگران که تاه درخت بود و دلیل بر مصیبت
 بود که در آن سراسر افتد و اگر بیند که در سراسر خود تنگی میبکشد دلیل که بقدر آن تنگ چیزی بومی رسد و اگر بیند که درخت در زمین
 بیگانه می نشاند و دلیل که با مردم بیگانه او را صحبت افتد و شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سراسر خود تنگی می نشاند دلیل که با
 آورد و اگر بیند که بر بالای درختی بلند میشود دلیل که کار و روی بزرگ شود و اگر بیند که برگ درختان جمع میگردد و دلیل که بقدر آن
 مردم حاصل کند و اگر بیند که از درختان میوه حاصل میگردد و دلیل که فرزندان و نسل بومی زیادت بشود و اگر درختان میوه و آب بسیار
 و دانه که ملک اوست دلیل که او را عمری دراز بود و ظفر و بزرگی یابد و اگر بیند که درخت را میبرد و دلیل که بیمار گردد و یا از آن کسی
 بهر سو اگر بیند که در وقت غران در باغ مجبول بود و میبرد که برگ از درختان می افتد و دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که درخت
 با وی سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و اگر بیند که درخت از جای بکند و دلیل که بیمار شود و یا از آن موضع که درخت
 کند کسی میرد و مخری رحمة الله علیه گوید اگر درختان بریده یا خشک شده بیند و دلیل که مردمان بدین باشد و هر درختی که نیکو
 بیند و دلیل که دین او نیکوتر باشد و هر چه در درخت نقصان بیند و دلیل بر نقصان وی بود و اگر بیند که در سایه درخت نشسته بود و خفته
 بود و دلیل که در سایه مردی بود که بدان درخت سبب باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درخت در خواب بر وجه بود و یکی
 پادشاه و دوم زن سوم بازندگان چهارم مردم مبارز پنجم عالم ششم مؤمن هفتم کافر هشتم عوان نهم خدمت دهم مال شصت
 فرواندا هم این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بر خواب بیند که اندامهای وی در میگرد و دلیل که مال از دست وی برود و اگر
 بیند که سرش در میگرد و دلیل که گناه بسیار کرده بود و توبه نکند و صدقه دهد قوله تعالى فمن كان منكم من حیة او یاه اودی
 من وایسبه ففقد یت من حیة او و صدق الله و اولئك و اگر بیند که پیشانی وی در میگرد و دلیل بر فساد دین
 و غم و اندوه بود و اگر بیند که چشم خود را در میگرد و دلیل که او را کسی ماه نماید بخت و اگر بیند که دوش در میگرد و دلیل که از هر کس سخنانی بگوید
 شنود و اگر بیند که بینی وی در میگرد و یا در زبان وی نقصان بود و دلیل که سخن گوید که بوال باز گردد و اگر این خواب باز در کافری
 و دلیل که در تجارت و روع گوید و اگر زبان خود بریده بیند و دلیل که بر صلاح و پارسائی نبود و اگر بیند که کاش در میگرد و یا سبب
 دلیل که از حق کسی منکر شود و اگر بیند که دانهش در میگرد و دلیل که از خویشان اندوه یابد و اگر بیند که گردن او در میگرد و دلیل که آقا

در خواب

در خواب

در کرون وی باشد و نمیکند از او اگر بیند که شکست در میکرد دلیل که مال حرام خورده اگر بیند که پشت او در میکرد دلیل که از مهر خود از روی او کرده
و اگر بیند که پهلوی او در میکرد دلیل که سبب خوشیانش در و بیند و بر بخور شود و اگر بیند که جلگه او در میکرد دلیل که بر فرزندش مشفق بود و اگر
در و در دست بیند دلیل که برادر عسایر را بجا نمیکند و اگر بیند که در و گشت داشت دلیل که کینه دارد و اگر در و ناف بیند دلیل که عیال را رنجاند
و اگر بیند که عورت او در میکرد دلیل که بفساد و آید و اگر بیند که مقعد او در میکرد دلیل که فساد و حرام کند و اگر بیند که سرش در میکرد دلیل
بر خوشیانش و دوستان جفا کند و اگر بیند که پای وی در میکرد دلیل که بر برادرستان شفقت کند و اگر بیند که تن وی را در میکرد دلیل که
مال یا بد و مردم این سیرین رحمة الله علیه گوید طبعهای مردم مختلف بود و مردمی باشد که در مرا بخواب بیند دلیل بر حاصل شدن
است در بیداری و بعضی بجهان گویند هر که درم در خواب بیند دلیل که سخن فرخش شود و با توحید باری سبحانه تعالی گوید اگر بیند که درم
بود دلیل که خوب تر و اگر درم سیاه باشد و بدان نقش صورت بود دلیل بر جنگ و خصومت بود و بعضی از تعبیران گویند اگر بیند که درم
یافت دلیل بر فرزند کوچک بود و بعضی از تعبیران گویند اگر بیند که درم صنایع شد یا کسی از وی دزدید دلیل که از فرزند وی خود را برباید
و آید و اگر بیند که درم گوشت گوشت کرد و باز یافت دلیل که آن رنج از دل وی زایل گردد و اگر باز یافت دلیل که فرزند او چاک شود و گمانی
رحمة الله علیه گوید درم در خواب بدست داشتن سخن نیک بود و درم شکسته سخن پراکنده و درم بسیار مال باشد و اگر بیند که در خانه
با جمعی از خود در هم او دست ختم کرد و دلیل که میان ایشان داوری افتد و اگر بیند که درم در خانه پیچید و داشت بقدر آن مال یا بد
و اگر بیند که درم بسیار جمع کرد و دلیل که مردم را از حق و باطل باز دارد و قوله تعالی **جَمَعَ مَالًا وَحَدَّ يَحْتَبُ أَنْ مَالَهُ أَخْلَقَهُ** اگر
بگیرد سپید و کف خود بیند دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که آن درم از وی صنایع شد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بدی درم و دنیا
یافت دلیل که مال و نعمت حلال جمع کند مخرب رحمة الله علیه گوید اگر درم سفید در خواب بیند درم سیاه یا بد و بسیار مردم در خواب
بیند و در بیداری همان یا بد جمعی از نعمت رحمة الله علیه گوید درم نیک در خواب صغای دین بود و درم شکسته خصومت بود و اگر
بیند که پادشاه او را درم داد و دلیل که از نعم و اندوه خلاصی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درم در خواب بریانده وجه بود و اگر
درست و درم گذاردن حاجت سوم و لایب چهارم مال مجموع و دست ششم فرزند هفتم فتنه هشتم روزی فراخ نهم اینی درم
کثیرت یا زوهم درم یافتن خاصه که خداوند خواب است و بود و اگر مستور نبود دلیل که رحمت فرزندان و نعم و اندوه بود و اما درم
شکسته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی سخن زشت و دوم جنگ و خصومت سیم بندگان چهارم گفتگوی در مسنه این سیرین که گوید بر
در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن دلیل بر نقصان مال و عیال بود و دروغ گفتن این سیرین رحمة الله علیه گوید دروغ گفتن
در خواب دلیل بر فساد و تباهی دین بود و اگر بیند که گویای دروغ میداد دلیل که دین وی تباه شود و مخرب رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که پادشاه دروغ گفت دلیل که مردم نکوش و بدی او گویند و عراست و آبروی او برود و دروغ دگری کردن این
سیرین رحمة الله علیه گوید دروغ دگری در خواب نیکو خواه مردم بود و لیکن صحبت با مردم منافق و بد مذمب باشد و برادران
روزی را که اهل چوب بخواب دیدن دلیل بر نفاق باشد قوله تعالی **كَانَ قَوْمٌ خُشِبٌ مُسْتَكَنٌ جَعْفَرٌ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ** گوید در

در خواب

در خواب

۱۰۷
موسیقی و فنون

خداوند

ت

ت

ت

ت

و اگر بیند که آب دریا تیره بود و از نوک کاس می گرفت دلیل بر پلایک وی باشد قوله تعالی وَاَمَّا كَلِمَاتُكُمْ عَنْ الْقُرْآنِ وَالْآيَاتِ فَكَانَ
حَاضِرَةً لِّجَهْدِ الْبَحْرِ و اگر بیند که از دریا می جان و یا قوت بر آورد دلیل که بعلم دین آموختن مشغول گرد و از انابل علم باشد جلش
زیادت شود و اگر بیند که از دریا نهنگی را بگرفت و بکشت دلیل که دشمن پادشاه بر دست وی ملاک شود و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید و دیدن دریا در خواب بر شش صده بود یکی پادشاه دوم والی سوم رئیس چهارم مالان پنجم عالم ششم
کار بی بزرگ و شتابین سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در بنا کرد دلیل بر صلاح وی بود و اگر بیند که در خود را
خراب کرد دلیل بر تباهی و فساد دین وی بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید در خواب اگر یکج و آخر میگرد دلیل که صاحب دین
و اگر بیند که از گل خشت میگرد دلیل که از غافل است بهشت بود و اگر در در محکم بود دلیل بر صلاح دین بود و ثبات راه اگر بیند که در
از در پیرون آمد و یا از درون میشد دلیل که در کار دین کامل نباشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در در بند قبول مغربی دلیل بر
صلاح دین بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر تباهی و ضعف در دین وی بود و زودی کردن اگر بیند که مال کسی در زوید
و چیزی خرج کرد دلیل که او را بکشد و اگر بیند که نیت داشت که بدزد و اما ندزد دلیل که کسی مکره بی رسا ند و بعضی گویند که بجا
شود و اما شفا یابد و اگر بیند که از خانه وی چیزی بدزد و بدلیل که برخی و آفتی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب ببیند
که او در دست درو سپرد دلیل که حال وی بد شود و در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که دروان بروی راه زند دلیل که غم
و اندوه بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر دردی که لا و کسان بر و دلیل که عیش بر خداند خواب تبا شود و جعفر صادق رضی الله
عنه گوید زودی بجا بیاری بود و خیر آن گویند آنجا که دردی کنند دلیل وادی باشد یا پسری در وجود آید و اگر خد و در خواب
خاسی دارد سلامت باز آید و انیال علیه السلام گوید در خواب دیدن خیانت و حلیت بود و ستار چه ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که دستار چه از گنجان بر دست داشت دلیل که او را زردی یا رسا و مصلح خیر و منفعت رسد و اگر بیند که دستار چه
از وی ضایع شد یا سوخت دلیل که او را زبانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دستار چه در خواب بر سر وجه بود یکی منفعت
دوم کینک سوم عطاء اعدک و ستار سمر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دستار بجا دیدن دین بود و اگر بیند که دستار چه
یا سبز بود یا از گنجان یا از پنبه بود دلیل صلاح دین بود و اگر بیند که دستار سفید و پاکیزه داشت دلیل صلاح دین و دنیا بود و ستار قز
و ابرشیم دلیل که بی حال اینجا بود و اگر بیند که دستار و دیگر پیوسته شد دلیل که بزرگی و شرفش بیشتر گردد و اگر بیند که
از وی بخت و ضایع شد دلیل بر نقصان دین و پیرستی او باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر دستار خود زده بیند دلیل بر نقصان
قدر و جاه او بود و اگر بیند که دستاری چیده خوب داشت دلیل صاحبین و دنیا ساز گاری کند و اگر بیند که دستار طرازد
دلیل که در میان سفر و مردم مشهور گردد و اگر بیند که دستار و جامه شش جمله سبز بود دلیل که بهشت اوت از دنیا برود و مغربی رحمة الله
علیه گوید هر چند که دستار بزرگتر باشد خود بیشتر بپوشد و اگر بیند که دستار خرد و چرکین بود دلیل بر نقصان عز و جاهش بود و اگر
دستار سرخ بیند دلیل که بر کسی شتم کند و اگر زرد بیند دلیل که بیمار شود و اگر سبز بود دلیل که او در مصیبت رسد و اگر سیاه بیند دلیل که در

فصل

در

در این کتاب

و مضرت بیند که خطیب و قاضی و اگر بر سر دستار پیر شین بیند دلیل که منصف و دادگر بود و مردم او را عزیز دارند و اگر بیند که دستار
 دراز چیده بود دلیل که از سفر زود باز آید و دستار پیر شین دلیل بر فساد وین بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستار دراز
 بر هفت وجه بود یکی دین دوم ریاست سوم عمل چهارم ولایت پنجم مرقت ششم توانائی هفتم سفر و دستار حامی در حرف می بیند
 کنیم انشاء الله تعالی دست اس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دست اس در خواب ز فکر رستن بود و اگر بیند که دست
 داشت دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که سنگ است و شکست دلیل که خداوند است و است هلاک باشد و محتاج است
 و اگر بیند که سنگ است دست بدزدید دلیل که بیمار شود و اگر بیند که باس دست حنا و غیره خور و میکرد دلیل بر خصومت بود و دست
 و انبیا علیهم السلام گوید دست رست تاویل برادر بود و دست چپ خا هر بود و اگر بیند که دست راست وی دراز شد دلیل که
 کار برادرش ناچارش نیکو کرد و اگر بیند که هر دو دستش بازگشته شد دلیل که برادر و خواهر از وی روی برگردانند و اگر بیند که هر دو دستش
 کوتاه شد دلیل که نفع از برادر و خواهر بازگیرد و اگر بیند که هر دو دستش بریده و افتاده بود دلیل که برادر و خواهر بزندگی از وی جدا
 و اگر بیند که هر دو دست بر سینه نهاده بود دلیل که بجهت دوستان خود غم خورد و اگر بیند که میان کمر وی بود و دست میزدن دلیل که
 در اینجا عوسی کند و اگر بیند که پنهان دست میزد و شادی میکرد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که قاضی یا سلطان دست رست
 بریدند بقول ابن سیرین رحمه الله علیه دلیل که برادر یا خواهر یا فرزندش برید و اگر هر دو دستش بریده دلیل که از کسب و مراد خود بازماند
 و اگر بیند که یک دست از دست دیگر پوست باز میکرد دلیل که بر کسان خود ظلم و بیاد کند و اگر بیند که دست خود را بکار و میزد دلیل
 که با کسی خصومت کند یا دل وی کسی مشغول بود و قوله تعالی ففطن آید بطن و اگر بیند که کف دستش را بکوبد میگوید دلیل که خوشی
 بکلیج آرد و اگر بیند که یکی دستش بریده و او را برادر کند دلیل که نیز آن موضع مغرول گردند و اگر بیند که مانند چهارپای بجا آید
 و پای میرفت و بازگردد روی آسمان دشت دلیل که از زحمت و کسب و شکاری برآید و اگر بیند که دست وی مادر را خشک بود و بیک
 از صدقه دادن و کار خیر فرموده که مافی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دستهایش بسوزن نیک کرده بود دلیل که هفتش نفعی بود
 بود و اگر بیند که دستش بریده بود و ندانست که دست راست یا دست چپ بود دلیل که او را حلیتی رسد و اگر بیند که چون دستش
 بریده شده و قرآن میخواند دلیل که دستش از حلیت باز دارد و معمران گویند دست بریده دلیل که عمر دراز کرد و عصیان از آن کرد و
 بکار خیر مشغول بودن و اگر بیند که دست راست او از بر گناهی بریده و اند دلیل که دروغ گوئی بود و بی دینت بود و مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بیند که دست خویش چون چنبره گردن کرده بود دلیل که برادر نیک و نمازه طاعت و حج و غزای کردن و کردار نیک بجای آورد
 و اگر بیند که دست رست او بریدند دلیل که سوگند بدو فرود و اگر بیند که دست از تن وی تحمل کرد بر تن پادشاهی وقت اگر آن
 پادشا مصلح بود دلیل بر خیرات و صلاح دین بود و اگر آن پادشا مفسد بود و بی دین دلیل که شر و فسادش در دین بود و اگر بیند که یک
 وی از دست دیگر دراز تر شد دلیل که قوت و جاه و آنچه طلب کند بیاید و اگر بیند که هر دو دست میرفت دلیل که از خود احتیاج نماند و متعبر
 گویند که از خویشان منفعت یابد و اگر بیند که دست و پای سخن گفت با و دلیل که معیشت او نیکو شود و اگر بیند که از بهر دست خود مرده

بسته داشت دلیل که جمله قرآن بظاهر بخواند اجماع است رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دستش چون دست سلطان شده بود و دلیل
بزرگی و پادشاهی باید و اگر بیند که دست راست او زمین شده بود و دلیل که دولتش زایل گردد و اگر بیند که دست خود با نشان
و صابون می شست و دلیل که ناهمید شود و اگر بیند که جانوری که در تاول نیکو باشد از دست چپ و بیرون آید و بدست راست
بدرشد باز دست دهنست بد آمد و بدست چپ بیرون شد و دلیل که از غم رسته شود و عاقبتش محمد گردد و اگر آن جانور تاولین
باشد و دلیل که بر ضعیفی ستم کند و اگر بیند که دست وی خشک شد و دلیل بر فساد صحبت کند و اگر بیند که دست می در دست گرفت
یا دست در گروان داد و او آنکس زنده است یا مرده و دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که بدست شری دستبندی میکرد و دلیل که آن
شترک بدست می سلمان شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست در خواب بر دوازده وجه بود یکی برادر و دوم خواهر
سوم انباز چهارم دوست پنجم فرزند ششم رفیق هفتم قوت هشتم توانائی نهم ولایت دهم مال یازدهم محب دوازدهم صبیح
دست او بر بختن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بدست او بختن در خواب زنا نماز شوهر بود و در نماز اغم و اندوه بود و اگر بیند
که دست او بختن تخمین داشت دلیل که اندویش کثیر بود و کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دست او بختن بدو و دلیل که
او را فرزندی آید یا برادر بی و اگر این خواب زنی بیند و دلیل که شوهری کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که هر دو دست
او بختن داشت دلیل که او را مال و نفعت بختن حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست او بختن در خواب
بختن وجه بود یکی از یاست دوم حکمت سوم مکر چهارم غم پنجم برادر یا فرزند دست و روی شستن ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید اگر بیند که دست و روی بختن یا بختن دلیل که از غم فرج یابد و اگر بخواب بود شفا یابد و اگر ارام و آرد و او را شش کند و شود
و اگر بیند که دست و روی ناسته نماز میکند و دلیل که ویش ضعیف باشد و مالی که دارد از دستش برود مغربی رحمه الله
علیه گوید اگر بیند که هر دو دست و روی می شست دلیل که از دوستان خود یاری خواهد و اگر بیند که دست و روی می شست
و او را حدیثی بدید و وضویش باطل شد دلیل که در کار و کسب خود چهارم گردد و اگر بیند که او را حدیثی و دیگر در شست
شست و نماز افاز کرد و نماز تمام نکرد و دلیل که عمرش با آخر رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کسی دست
و روی او را شست و او تامل در آن میکرد و دلیل که مرادش حاصل آید و سینه در خواب بر دوازده بهتر از زمان باشد ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید اگر بیند که سینه از آهین در دست داشت دلیل که او را توانگری و قوت بود بر دشمن ظفر یا بد خاصه که سینه از پودا
و اگر سینه زیرین یا سپهر باشد تا ویش چون دست او بختن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سینه در خواب بر سه
وجه بود یکی قوت و توانائی دوم ظفر یافتن بر دشمن سوم نظام کار نامی و نیادی دشمن اگر بخواب بیند که او بر دشمن غلبه کرد
و دلیل که مرادش حاصل آید و اگر دشمن بروی غلبه کرد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که دشمن او را بخزد و دلیل که در بلا و مصیبت
افتد و به بایر گروان تا بلا دفع شود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود یکی بختن کار را
دوم غم و اندوه سوم خسران مال و ششام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کسی او را دشنام میداد و دلیل که او را

دست

دست

دست

دست

دست

دست

انبیک بود و انگس بر دشنام و هنده ظفر یا دیگر کافی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کسی در دشنام و او دلیل که انگس بروی چهره و کارگاه
 شود و عا کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید دعا کردن در خواب روانی حاجت بود و اگر میند که خوراک و آبروش مسکوت
 دلیل که خاشه و کارش بخیر بود و حاجتش برآید و اگر میند که مصلحی را دعا کرد دلیل که نظم و فساد نکند و امر معروف بجا می آید و اگر
 میند که حلقه را میسزد دلیل که نیکو خلق بود و حاجت های وی روا گردد و اگر میند که دعاء خاص مسخراند دلیل که فرزندش آید و اگر
 را نه ناله و خفیه را کافی رحمة الله علیه گوید اگر میند که در تاریکی دعا میخواند اگر مصلح و پارسا بود دلیل که تحقیق او را
 بسیار زد و حاجت وی روا گردد و اگر میند که آن خواب معسند بود او را توبه دهند و اگر کار فرود اسلام آورد و وف زون این
 سیرین رضی الله عنه گوید زون در خواب دلیل امر معروف کردن است و اگر میند که دف سیر دلیل که ترک کار صلاح کند
 کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب میند که دف زو است و دلیل که زنی بدکار بخواجه جعفر صادق رضی الله عنه گوید آواز دف
 در خواب شنیدن نشاء بود و چون از کنیزکی وزنی شنود بهتر بود اگر از مردی شنود دولت و بزرگی یابد و چون از جوانی شنود
 دلیل ظاهر شدن کار با باشد و دلالی کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی تعصیت
 کردن در میان مردمان دوم راه راست سوم کردار نیک چهارم امر معروف بجا می آید و دلالی مردی بود که راهنمای مردمان
 باشد بخیر و اگر کسی خواب میند که دلالی میکند دلیل که راه خیر نماید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود
 که بالا فرشته است اول بدانکه دل پادشاه شهرت است و تن بفرمان او قایم است و دل خزانة عقلست در زمان و حکام
 این سیرین رحمة الله علیه گوید دل خواب دیدن جمیع کردن مالیت که بوی رسد و اگر میند که دل بیرون از تن وی بود دلیل
 صلاح و نیکوئی بود و قوله تعا اذا فزع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربکم قال الحق اگر میند که دل وی تنگ شد دلیل که کار
 مردی دشوار شود و اگر میند که دل او شادمان بود دلیل که کار بار مردی کشاده گردد و اگر دل را فرو بسته میند دلیل که از گناه توبه کند
 و قوله تعا افککیتک برون القرآن ام علق قلوبهم قلوبهم غفلت اگر داند بر دست نهادن میند دلیل که بیمار گردد و اگر میند
 که دل بیرون است دست گرفته بود دلیل که کارهای وی برای کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که دلش در دیگر دلیل که مالش زیاد گردد
 و اگر میند که چشمهای دل می کشاده بود دلیل که کارهای بیرون جهان را غلب و حریص بود و اگر میند که ازون می خون بیرون می آید
 دلیل که از کار ناگردد و توبه کند و بخواند یا بر تعالی باز گردد و اگر میند که ازون می صفرا بیرون آمد دلیل که بیمار شود و اگر میند که بر دل
 خشتی رسد دلیل که بغم شود و اگر میند که ازون می گوهر بیرون آمد و آن گوهر ازون می چند دلیل که کار فرود و اگر میند که گوهر ازون می گرفت
 و بخورد دلیل که باز مسلمان گردد و اگر میند که گوهر ازون می برآورد و کرد و او را بر بسته بود و او را بر زمین ریخت و گوهر فرو خورد دلیل که بر تن
 خنج نماز بگوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که دل او پاره پاره شد دلیل که دل را به وسای محال مشغول گرداند و اگر میند که دل وی
 روشن و مشور بود دلیل بر صلاح دین کند و اگر میند که دلش تاریک بود تا و پیش مخالف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
 دل در خواب برده وجه بود یکی مال دوم بایست سوم فرزند چهارم شجاعت پنجم جانوری ششم حرص هفتم فتنه هشتم نصرت نهم شهوت دهم برهمنان

در خواب دیدن انگس
 در خواب دیدن دلالی
 در خواب دیدن دل بیرون
 در خواب دیدن دل تنگ
 در خواب دیدن دل شادمان
 در خواب دیدن دل فرو بسته
 در خواب دیدن دل بیرون از تن
 در خواب دیدن دل بیرون از تن
 در خواب دیدن دل بیرون از تن

احوال خویش و نبال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که چون اسب غر و کا دوم داشت دلیل که مالش زیاد و گرو و دزد کافی بود
براحت کرد و اما در راه دین سست بود و اگر میند که دم او چون دم سگ یا چون دم کرک یا شغال بود دلیل مال حرام یا بد و دم او را نکالا
میند و اگر که در دست دم سب یا کما و یا خرد داشت دلیل که بقدر آن مال نعمت یا بد و اگر میند که در دست او دم حیوانی بود که گوشت
او حرام بود و دلیل که مال حرام یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و نبال خواب دیدن چهار وجه بود یکی بیع دوم باران سوم مال
چهارم راحت عیش و شغل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که نخل داشت دلیل که مالش زیاد شود بقدر نخل اگر میند
وی شکافت و خون آمد دلیل که چندی از مال می تلف شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که از نخل خون دید می آمد می کند دلیل
که بقدر آن مال حرام یا بد و اگر میند که دار و بنفشه از خون چهارم از خون شست دلیل که از حرام توبه کند و نبال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و نبال
در خواب بد و مال بود که یکی نگه میدارد یا مال آن بود بر قیاس زیادت و کمی او و اگر میند که در نوبه خام میخورد دلیل که مال شبهه خور و اگر
میند که در نوبه میخورد دلیل که دشمنش از مال می بخورد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که او را چون گوشت سفید و نوبه بود دلیل که او را فرزندی
که خداوند دولت اقبال بود و روزی فراخ کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید در نوبه در خواب دیدن بد و زرد بود و نبال علیه السلام
گوید و نبال در خواب دیدن ابرو خاندان بود و نبالهای بالا و پایین بر زمین بود و نبالهای زیرین دلیل بر آینه بود و نبالهای مشین
و دلیل بر فرزندان و برادران و خواهران بود یا پدر و مادر و نبالهای که بر جنب آن باشد دلیل بر عجم و غلامان بود و نبالهای سپین
و دلیل بر خوششان و دور بود و سفیدی و پالیزی دندان و دلیل بر قوت و جاه اهل حیت بود و بعضی معتبران گویند که دندانهای مشین آینه
از سوی رست است و دلیل بر پدر و خوششان او بود و آنچه از سوی چپ است دلیل بر مادر و خوششان او بود و اگر میند که دندانهای مشین
همی جنبه دلیل برین جماعت که وصف کردیم یکی بیا کرد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که دندان مشین آینه برکت دست یا بر
کنار یا بر زمین هست و بجانب آن که ده گشت و دلیل که او را فرزندی آید یا برادرسی یا خواهری و اگر میند که دندان می در خاک گشت
یا ضایع شد دلیل که از ایشان که گفتیم یکی بمیرد و اگر میند که دندان وی بشکست یا پوسیده شد دلیل از اینها که گفتیم یکی که رافقی
رسد و اگر میند که دندان مشین او گوفته شد دلیل که او را با چنین کسان خصوصت یافته و اگر میند که از دندان یکی بگنجید دلیل که آنجا
او رنجی داشت بگنجید و از وی مفارقت جویند و اگر میند که دندان مشین وی زیاد شد دلیل که از اینها که گفتیم یکی در خرمی حیات
باشد و اگر میند که جنب دندان از دندان دیگر برست اگر از زیر بود و دلیل که او را دشمنی آید و اگر از بالا بود و دلیل که او را پسری آید و اگر از
که دندان مشین خود بر کند و دلیل که تاوان خود از اینها که گفتیم بستاند و اگر میند که جمله دندان میفتاد و در حال بدید شد دلیل بر هلاک اهل
خانند او باشد و اگر میند که دندانها برکت دست یا در کنارش افتاد و دلیل که اهل خانه دانش بسیار کردند و اگر میند که همه دندان او از او
زیر بود و اگر میند که خواب صلاح بود و دلیل بر خیر و نیکوئی او بود و اگر از اهل شر بود و دلیل بر شر و فساد او بود و اگر میند که دندانهای آینه
یا از آینه بود یا از شغال دلیل بر هلاک او بود و معتبران گویند که افتادن دندان گذاردن و ام بود و بعضی گویند و دلیل بر جنگ و خصم
کند کرمانی رحمه الله علیه گوید و نبال بالا که در مقابل چشم است دلیل بر زمین کند و دندان زیر دلیل بر آینه کند و اگر میند که جمله

در خواب

جمع

در خواب

جمع

و ندانمش در کسارت و جمله در کف دست گرفت دلیل که خویشان خود را جمع کند و نگذارد که از وی جدا شوند و اگر بیند که از
 نداننا بوی خوش می آید دلیل که خویشانش ناسا گویند و اگر بخلاف این بیند دلیل که عیبت وی کنند و اگر بیند که نداننا شکر و دیگر
 و لیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که نداننا شکر و بود و لیل انگس که بدان منسوب بود و چهار گرد و اگر بیند که نداننا ای او سباده شد
 و لیل که او را غم داند و درسد و اگر بیند که نداننا شکر افتاده بود و ز کوه پاره بسته دلیل که عمرش دراز گردد و چنانچه همه خویشان خود کعبه
 کند سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ندان وی در و میگرد و بدست خود بر کند و بهر و دست گرفت دلیل که مال فراوان یابد
 و اگر بیند که از دانه کسی دانه ای خون آلوده بدست گرفت دلیل منفعت او را بود که ندان بر گرفت اما او را مصیبت رسد و اگر بیند
 که بعضی از دانه ها پدید شد و لیل که بعضی از خویشان وی بخریبست روند و بسلامت بیایند و اگر بیند که نداننا ای او در میان با
 جمع شد و دیگر مردانی بجای خود باز شد و لیل که از خویشان متشکی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ندان در خواب شکر
 بود یکی ابله است و دوم مال سوم منفعت چهارم غم و اندوه پنجم مفارقت ششم مصرت و مان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ندان
 و در خواب کلید کار نامه و حاشیه کار وی و هر چه از دانه یابن سیرین آید و لیل بر جوهر و کلام بود و اگر نیک باشد و اگر بد باشد
 و در دهن بود و دنیا وی بود و اگر آن بکر است و ندان بود و لیل بر محنت و رنج بود و در معیشت و آنچه در دهن شیرین بود و دانه
 فرود و لیل بر معیشت و درخت و عیش بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ندان وی سخت بسته بود و لیل که هلاک شد
 و اگر بیند که نداننا شکر از آرد و جو یکدم گنده بود و لیل که اجلش نزدیک آمده باشد و اگر بیند که ندان و فراخ شد چنانکه طعام بسیار
 در و کنجید و لیل که بقدر آن او را نعمت و روزی برسد و اگر بیند که ندان او نیک بود و لیل که سخنانی می گویند و اگر بیند که گوشت
 او بپخت و لیل که در باز نیامی رسد و اگر بیند که از دانه شکر بیرون آمد و لیل که با کسی گفتگوی کند سحیل شخت رحمه الله علیه گوید
 اگر بیند که از دانه شکر بیرون آمد و لیل که بی از خیال او جدا شود و اگر بیند که از دانه ای پلیدی بیرون آمد و لیل
 که هر چه بجای برده باشد بسبب مت نهادن باطل شود و اگر بیند که از دانه ای مراد بدید و آن افتاد و مردم بر میگرفتند و لیل
 مردم از عظم وی بهره یابند و اگر بیند که از دانه خود پلیدی می انداخت و مردم از آن می گرفتند و لیل که شاعر بود و مردم را بهر چه
 و اگر بیند که کسی در دانه وی مهر نهاد و ندانست که کیست دلیل که رسوا شود و قوله تعالی الیوم نحکم علی اهلها هم و نکتله
 اید یاهم و تشهد ارجلهم حافظ میر رحمه الله علیه گوید اگر بیند که چیزی خوب از دانه ای بیرون آمد و لیل که شخصی گوید
 نیکو منی دارد و اگر بخلاف این بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که چیزی در دانه نهاد و آن چیزی نیکو بود و لیل که چیزی حلال خورد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید و ندان در خواب بر هفت وجه بود یکی منزل دوم خزانه سوم کشایش کار چهارم مان جم
 حاجت ششم وزیر هفتم دربان و بل زنون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و بل زنون در خواب کلام باطل خبر کرده و دروغ
 و کارهای سپید و روشن بود و تا بل این جمله زنده و بل بد باشد اگر بیند که با بل زنون و پایی گرفته و لیل بر غم و اندوه بود
 و اگر بیند که بل تنها میزند و دلیل که کلام باطل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بل زنون در خواب خبرهای مختلف بود و در

هیچ نایه نبود و علیه که مانی رحمة الله علیه گوید و علیه در خانه خادم بود اگر بید که در میان باوان بود و نیکو بود و دلیل بر تقدیر استی نظام
 خادم خانه بود اگر بید که و علیه خراب استی بلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که و علیه خانه را دیوار داشت
 و کل بود دلیل که اگر اکل بود خادم خانه معصوم بید بود و وال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب میزد و وال را دلیل خج
 و شفت بود و بعد رحمت آن جانور که دوال از پوستی بود یا بدو اگر بید که دوال یا به پاره کرد یا صانع شد دلیل که بعد از
 حضرت بنی مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که دوال بسیار داشت و آن دو الهما از پوست جانوری بود که گوشت وی حلال است
 دلیل که مال حلال یا بدو اگر بخلاف این میزد دلیل که مال حرام یا بدو و ختن جامه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب
 که جامه خود میدوخت دلیل که کارش بر او شود و عالش بصلح آید و اگر جامه عیال خود میدوخت همین تاویل دارد و اگر بید
 که جامه زنی بجان میدوخت دلیل که عنی و زبانی بدو رسد و اگر بید که جامه مردی میدوخت دلیل که خیر و نیکی میزد و اگر بید که
 سوزن در دست و جامه تمام دوخت دلیل بر شغلی که پیش گیرد تمام کند و اگر بید که جامه دوخته در خانه بسیار داشت دلیل که
 سی فسخ کرده و مال تمام از میراث یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که پیراهنی از بر خود بدوخت و تمام کرد دلیل که با عیال سازگار
 بود و اگر بید که شلوا ری بدوخت و نیفته آن تمام نکرد دلیل که زنی خواهد و عاقبت از وی جدا شود و اگر بید که قهای بدوخت دلیل
 که بخدمتی مشغول گردد و اگر بید که جامه عیال میدوخت دلیل که بگفتگوی عیال در مانده شود و اگر بید که از بر جامه رشته پتاف دلیل
 عیال از جای بجای تحویل کند و اگر بید که از بر عیال خود جامه ابریشمین دوخت دلیل که غمگین کرد و و بخت کنایه ای اند و یا بدوخت
 به صادق رضی الله عنه گوید و زری در خواب دیدن کسی بود که کالای پرالنده بدست وی جمع شود و با صلاح آید و دو و ابن سیرین
 رحمة الله علیه گوید و در خواب یا دوشاه شکر بود اگر بید که از جانب شرق یا مغرب و دوی عظیم بود دلیل که مردم آند یا ر
 از دست یا دوشاه جور و ستم کشد و اگر بید که در عالم بر خاسته بود و آتش بانه میزد و دلیل که غننه در عالم افتد مغربی رحمة الله علیه
 علیه گوید اگر بید که در شهری یا در ولایتی بی آنکه آتش بود و دود بود دلیل که آن موضع را از حق سبحانه و تعالی بیم بود و اگر بید که از
 خانه یا از دمان وی دو قوی آید دلیل که با دوشاه ظالم او را مضرت یا مصداقه کند و مال وی زورستاند و فرخ ابن سیرین
 رحمة الله علیه گوید اگر بید که در و زخ بود و بیرون نیامد دلیل که عاهی و بد کردار باشد تو به باید کرد و اگر در و زخ را دید و آن
 کفرندی بوی نرسید دلیل که در و زخ و غم گرفتار آید و عاقبت سلامتی یابد و اگر بید که در و زخ معقم بود و نداشت که کی انجا رفت
 دلیل که پیوسته در دنیا در پی روزی بود و اگر بید که طعام و شراب ابل و زخ میخورد و در آتش پیوست دلیل که در دنیا کار بد
 در آخرت و مال بود و اگر بید که فرشته از سوی پیشانی او را گرفت و در و زخ انداخت و دلیل که بید خواب را علامت بد
 باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در و زخ میزد دلیل که بر گناه کردن و دیر بود و اگر بید که از زقوم و جیم خود و دلیل که بعلی ابل
 و جمل مشغول گردد و اگر بید که شمشیر بر کشید و در و زخ رفت دلیل که سخن فحش و منکر گوید و اگر بید که در و زخ چیزی میخورد و دلیل
 که مال مینمورد و اگر بید که نزدیک و زخ آتش می افروخت و دلیل که کاری صحب او را پیش آید مغربی رحمة الله علیه گوید

در خواب
 دیدن
 کسی
 بود
 که
 کالای
 پرالنده
 بدست
 وی
 جمع
 شود
 و
 با
 صلاح
 آید
 و
 دو
 و
 ابن
 سیرین
 رحمة
 الله
 علیه
 گوید
 و
 در
 خواب
 یا
 دوشاه
 شکر
 بود
 اگر
 بید
 که
 از
 جانب
 شرق
 یا
 مغرب
 و
 دوی
 عظیم
 بود
 دلیل
 که
 مردم
 آند
 یا
 ر
 از
 دست
 یا
 دوشاه
 جور
 و
 ستم
 کشد
 و
 اگر
 بید
 که
 در
 عالم
 بر
 خاسته
 بود
 و
 آتش
 بانه
 میزد
 و
 دلیل
 که
 غننه
 در
 عالم
 افتد
 مغربی
 رحمة
 الله
 علیه
 گوید
 اگر
 بید
 که
 در
 شهری
 یا
 در
 ولایتی
 بی
 آنکه
 آتش
 بود
 و
 دود
 بود
 دلیل
 که
 آن
 موضع
 را
 از
 حق
 سبحانه
 و
 تعالی
 بیم
 بود
 و
 اگر
 بید
 که
 از
 خانه
 یا
 از
 دمان
 وی
 دو
 قوی
 آید
 دلیل
 که
 با
 دوشاه
 ظالم
 او
 را
 مضرت
 یا
 مصداقه
 کند
 و
 مال
 وی
 زورستاند
 و
 فرخ
 ابن
 سیرین
 رحمة
 الله
 علیه
 گوید
 اگر
 بید
 که
 در
 و
 زخ
 بود
 و
 بیرون
 نیامد
 دلیل
 که
 عاهی
 و
 بد
 کردار
 باشد
 تو
 به
 باید
 کرد
 و
 اگر
 در
 و
 زخ
 را
 دید
 و
 آن
 کفرندی
 بوی
 نرسید
 دلیل
 که
 در
 و
 زخ
 و
 غم
 گرفتار
 آید
 و
 عاقبت
 سلامتی
 یابد
 و
 اگر
 بید
 که
 در
 و
 زخ
 معقم
 بود
 و
 نداشت
 که
 کی
 انجا
 رفت
 دلیل
 که
 پیوسته
 در
 دنیا
 در
 پی
 روزی
 بود
 و
 اگر
 بید
 که
 طعام
 و
 شراب
 ابل
 و
 زخ
 میخورد
 و
 در
 آتش
 پیوست
 دلیل
 که
 در
 دنیا
 کار
 بد
 در
 آخرت
 و
 مال
 بود
 و
 اگر
 بید
 که
 فرشته
 از
 سوی
 پیشانی
 او
 را
 گرفت
 و
 در
 و
 زخ
 انداخت
 و
 دلیل
 که
 بید
 خواب
 را
 علامت
 بد
 باشد
 که
 مانی
 رحمة
 الله
 علیه
 گوید
 اگر
 خود
 را
 در
 و
 زخ
 میزد
 دلیل
 که
 بر
 گناه
 کردن
 و
 دیر
 بود
 و
 اگر
 بید
 که
 از
 زقوم
 و
 جیم
 خود
 و
 دلیل
 که
 بعلی
 ابل
 و
 جمل
 مشغول
 گردد
 و
 اگر
 بید
 که
 شمشیر
 بر
 کشید
 و
 در
 و
 زخ
 رفت
 دلیل
 که
 سخن
 فحش
 و
 منکر
 گوید
 و
 اگر
 بید
 که
 در
 و
 زخ
 چیزی
 میخورد
 و
 دلیل
 که
 مال
 مینمورد
 و
 اگر
 بید
 که
 نزدیک
 و
 زخ
 آتش
 می
 افروخت
 و
 دلیل
 که
 کاری
 صحب
 او
 را
 پیش
 آید
 مغربی
 رحمة
 الله
 علیه
 گوید

یا از آن باشد که خزانه خود بسازد اگر بینه که پادشاهی یا بزرگی ویرا دولابی داد و دلیل که از پادشاه یا از خانه خود بسازد
 و اگر بینه که از دولاب بجز و یا جمع میکرد دلیل که از خزانه دارا و منفعت رسد و لو که مافی حقه الله علیه که بدو در خواب مرده
 بود که مالها ناشناخته بیرون آرد و اگر بینه که دل و پراک و یا بدو آب میکشد دلیل که بقدر آن مال بخرج و سختی بدست آرد و اگر
 و اگر بینه که دل و پراک صافی داشت یا کسی بوی داد و دلیل که او را مالی آسان بدست آید و اگر بینه که بدو آب از جوی برگرفت دلیل
 که بقدر آن مال یا بدو آن مال بگرد و خیلست بدست آرد و اگر بینه که آب از دلو بر زمین ریخت دلیل که مال بگیری خرج کند جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید اگر بینه که دلو بزرگ داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با مردی مالدار دوستی کند و از وی منفعت ببرد
 و و است این میرین حقه الله علیه گوید اگر بینه که دواتی داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی از خویشاوندان خویش خصوصیت
 و اگر بینه که بدوات می نوشت دلیل که بدی از وی بکفایت رسد و اگر بینه که دوات شکست یا بدزدید یا ضایع شد دلیل
 که زن بیوه بکر است بخا هر دو اگر بینه که بقم سنایی در دوات میکرد و دلیل که او از زندگی نرنیزه شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر
 که دوات زیرین بود و دلیل که متفکر شود و اگر بینه که دوات مسین بود و دلیل که زن خواهر یا کتیرگی خرد و اگر بینه که دوات و برین
 بود و دلیل که منفعت یابد و اگر دوات آهین بود و دلیل که در کار با قوت یابد و اگر دوات مسین بود و دلیل که چیزی کمتر بوی
 و دیدن این میرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بینه که میدوید یا ستور میدواید دلیل که بسفر رود و هر چند و بدین دلیل
 تر بود و سفرش دور تر بود و اگر بینه که بر سبب بالایی سوار بود و میدوید و دلیل که با عیال بسفر رود و مال یا بد مغربی رحمه
 الله علیه گوید اگر بینه که در دویدن کسی سبق گرفت دلیل که بجز مال از وی سبق گیرد و اگر بینه که در دویدن مانده شد
 و آرام گرفت دلیل که دنیا را ترک کرد و وقایع کرد و سیاه این میرین گوید و سیاه در خواب خیر و صلاح این جهانی بود و اگر زنان
 بینه بهتر بود و اگر مردی بینه که قیام و سیاه و پریشان پوشیده بود و غرا کرد و دلیل که غر و جابه یا بدورین و دنیا مغربی رحمه
 علیه گوید اگر زنی بینه که بجه و باطل سبز پوشیده بود و دلیل که آن زن دیندار و با پاینت بود و اگر بینه که باطل سفید پوشیده بود و دلیل که
 او کند و اگر باطل کبود بود و دلیل که از بصیرت رسد و اگر بینه که باطل سیاه بود و دلیل که اندوگین گردد و سیاه با ف در خواب مردی
 مسافر بود با صلاح دنیا و خدا و دین و تاویل پریشان چون تاویل دیا بود و یک این میرین رحمه الله علیه گوید و یکت
 و در خواب زن بود و معبران گویند که و یکت که خدای خانه بود و اگر بخواب بینه که و یکت فر گرفت یا کسی بوی داد و بر آتش نهاد
 و خوردنی می بخت دلیل که بسبب کاری از پادشاه مال و منفعت بدو رسد و اگر بینه که و یکت مسین یا و یکت سنگین داشت
 دلیل که بقدر قیمت و یکت فائده یابد و اگر و یکت سفالین بود و دلیل که کاری کند که بدان کار از عمر خانه چیزی بوی رسد
 و اگر و یکت بر آتش نهاد و در وی هیچ طعام نبود و دلیل که مردی را کاری بدارد که در آن کار او را اگر است باشد که مافی رحمه الله
 علیه گوید و یکت در خواب که خدای خانه یا که با نذ بود و اگر بینه که در و یکت گشت و خوردنی نبود و دلیل که روزی بی بی بوی رسد
 و اگر بینه که و یکت وی شکست و دلیل که که خدا و که با نذ بود و میرین جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن و یکت در خواب

باز از آن

و است

و دیدن

و یکت

و یکت

در خواب

برین

نیز

و

و

برنج و جود بودی که خدای خاند و دم که با نوسوم ریش چهارم خادم پنجم سول بر جای و یکدان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که
در خواب برو و جود بودی که خدای خاند و دم که با نوسوم ریش چهارم خادم پنجم سول بر جای و یکدان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که
بینه که یکدان شکست دلیل که خدای خاند میرد مغربی رحمه الله علیه گوید که یکدان که خدای خاند بود یا مردی قوی حال که از کسی
نزد نشد و نیار و انبال علیه السلام گوید که اگر بینه در دست دینار با داشت که بعد پیش از چهار بود دلیل که او را اگر هست رسد یا نسی
شوند و میرد و نیار از این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر پنجه در دم باشد دلیل که کاری پسندیده و نیکو کند و اگر با وی یکت دینار بود
یا هزار دینار دلیل که عملی اختیار کند که او را مال حاصل آید لیکن حدودی باید که جفت بود و اگر بینه که دینار کمی و او یا ضایع شد
دلیل که از جفت فرزند او مصیبت رسد و اگر بینه که دینارهای بسیار داشت دلیل که برخی بوی رسد و مقبران گویند که دینار در
خواب امانت باد و گذاردنی قوله تعالی و فَمَنْ مِّنْهُمْ أَن تَأْمَنَهُ بَدْنًا لَا يُؤْفِقُهُ الْيَاكُفُّرُ دُونَ فَرَجٍ دِينَارِ بِنْدِ
دلیل که هیچ نماز فرضیه بجای آرد و اگر بینه که دینارهای بسیار داشت و بجای محکم بنا و دلیل که امانت مسلمانان نگهدارد و اگر بینه که بنیاد
قنیت کرد دلیل که میان مردم امر معروف کند و امانت گذارد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که یکت دینار یافت دلیل که مردی
قبایل نویسنده زهر امانتی که بدو سپارند و بسیار بود که در خواب دینار یا بدو در بسیاری هم دینار یا بدو سمعیل ششت رحمه الله علیه گوید
که دینار در خواب دیدن دین بود و راه درست و ادا که بدان و دینا صورت نقش نگرد باشد اگر بینه که دینار داشت و یکت رویش
نام خدای عزوجل بود و بر روی دیگر صورت اگر بینه که صاحب خواب سلطان بود دلیل که مرده شود و اگر کافر بود مسلمان شود و حضرت
رضی الله عنه گوید دینار در خواب برنج نماز بود اگر بینه که بعد جفت بود دلیل که دین پاک و علم با منفعت بود و اگر بینه که بعد در حق
بود و مالیش بخلاف این بود حافظ معبر رحمه الله علیه گوید دینار در خواب زن و فرزند و کنیز بود و دینار بسیار دلیل که بر مالی بود که برنج
و خصوصت بدست آرد و میرد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بینه که در وی بود و نام آن دینه نداند دلیل خیر و نیکی بود
و اگر نام آن دینه و اند دلیل بر بدی باشد و اگر بینه که از دینه بیرون آمد دلیل بر نیکی باشد و اگر بینه که در دینه رفت دلیل بر بدی
باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بینه که از شهری پدیری آید و آن شده که در وی نعمت بود و دلیل بر خیر و برکت و خوشحالی
کند و اگر بخلاف این بینه دلیل بر شر و ادا بود و اگر خواب بینه که در وی کشده بود و دلیل بر خیر بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب
بینه که کسی دینی مجهول بوی داد یا بخرد یا عمارت کرد دلیل که بقدر عمارت و دینه خیر و منفعت بینه و اگر بخلاف این بود دلیل
مضررت یا بد و لیو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که دیوار حال بینه که خواب باشد و اگر بینه که دیوار محکم و نیکو بود و دلیل بر نیکی
حال او بود و در دنیا و اگر بینه که دیوار کهنه بود و خراب سیکر و دلیل که مال یا بد و اگر بینه که دیوار نو بود و خراب سیکر و دلیل بر غم و اندوه
بقدر خرابی و دیوار اگر بینه که دیوار سست و تنگ بود و دلیل که حالش در دنیا ضعیف گردد و اگر بینه که دیوار بر پای و سست
حالش مستقیم باشد و اگر بینه که دیوار آویخته بود و دلیل بر پرگندگی احوال و زوال عیش و نسی بود و اگر بینه که دیوار پیچیده و دلیل که غیبت
و صنعت پیچیده گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که دیوار شهر یا دیوار مسجد جامع پیچیده و دلیل که مالی آن شهر برباک شود و اگر بینه که

خبر

خود و دیوار گن خشت کرد و بقول جعفر صادق رضی الله عنه دلیل بر پاک دینی بود و اگر آنکس که آبرو و دلیل بر ثباتی حال او بود در دنیا
و اگر دیوار از آهک سنگ بود دلیل که بدنی از نیت نشود و طالب آخرت نباشد و یو این سیرین رحمه الله علیه گوید دیو در خواب شبی بر
باشد فریبده و مکار و اگر ببیند که دیو او را وسوسه کرد و دلیل که از کارهای ناصواب توبه باید کرد تا دشمن بر وی ظفر نباشد قوله
تعالى ان الذين اتقوا اذا امتهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون و اگر ببیند که با وی دشمنی
و او را غلبه کرد و دلیل که دین وی درست باشد و اگر خلاف این بود دلیل از ضعف دین باشد که با وی دشمنی رحمه الله علیه گوید اگر دیو
خرم ببیند دلیل که به او مشورت مشغول گردد و اگر دیو را غلبه کند دلیل که به او صلاح و دین مشغول گردد و اگر ببیند که دیو به
از وی بکشد اگر عامل بود دلیل که او را غلبه کرد و اگر این خواب در مقامی ببیند دلیل که او را مشورت در مغربی رحمه الله علیه
اگر ببیند که دیو از وی و فرزند دلیل که دشمن بر وی ظفر بید و اگر ببیند که او بدست دیو میرسد و او را بر دلیل که بر سر او مشهور گردد
و اگر ببیند که با دیو صحبت کرد و دلیل که گناهی بزرگ از وی صادر شود و اگر ببیند که با دیو گفتگو میکرد و دلیل که با دشمن با صلاح می شود
و این و تعالی جل و علا را و ایشان به قوله انما التجوى من الشيطان لجنات الذين آمنوا و ليس بضارهم شيئا
الا باذرا للضعف اسمعيل شعث رحمه الله علیه گوید اگر بخواب ببیند که با دیو طعام و شراب بخورد و دلیل که برافتن و فساد در راه
و یو کند و اگر خلاف این ببیند دلیل بر راه خیر و صلاح باشد و فتنه راه دین بود و اگر ببیند که دیو را بگرفت یا در شکم دیو در رفت دلیل
از راه فساد و در شود و توبه کند و بطاعت مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دیو در خواب بر شش وجه بود یکی دیدن
دشمن دوم فساد و سوم شهوت و مصیبت و چهارم نفس چهارم از طاعت دور بودن پنجم از اهل خیر و صلاح دوری ششم
چهارم حرام و یو این سیرین رحمه الله علیه گوید دیوانگی در خواب مال حرام بود و بر بینه خواب بقدر دیوانگی که با وی دشمنی
الله علیه گوید اگر ببیند که دیوانه بود و دلیل که مجرم افتد و با خود و قوله تعالی الذين ياكلون التوابا لا يقومون الا كما
يقوم الذي يخطئه الشيطان من السن مغرب رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که با دیوانه هم صحبت بود و دلیل که با مردی
ربا خوار مفید صاحب گردد و او را طاعت و بدنامی حاصل گردد و حرف الزال ذکر و انشای علیه السلام گوید قضیب
خواب فرزندی مبارک و نام آور باشد و اگر کسی بخواب ببیند که او را و قضیب بود و دلیل که او را فرزند بود و هم نزدیکی میان
یاد و اگر ببیند که قضیب می بریده شد دلیل که فرزندش میرد و اگر ببیند که قضیب وخی برید و دلیل که فرزندش نباشد و اگر ببیند که قضیب
وی سست شد دلیل که فرزندش بیمار شود این سیرین رحمه الله علیه گوید بزرگی قضیب دلیل بر بسیاری فرزندان و نام آوری بود و اگر
قضیب بخلاف این بود و اگر ببیند که قضیب وی چون قضیبهای دیگر مانند شاخها پدید آمد دلیل بر بسیاری فرزندان و فرزند
زادگان باشد و اگر ببیند که قضیب وی مایه برین آمد دلیل که او را دختری آید از نیکه آن زن از کنار روی مشرق باشد و اگر
که از قضیب وی گرید بیرون آمد دلیل که او را فرزند می دزد و را برین پدید آید و اگر ببیند که از قضیب او مری بیرون آمد و پیش از
آن رخ باشد و اگر ببیند که از قضیب او موشی بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید که در وی خیر نباشد و اگر ببیند که از قضیب او آبی

خبر

خبر

از آن

که مانی رحمة الله علیه گوید ران راست دلیل بر خوشیشان پدری کند و ران چپ دلیل بر خوشیشان مادری کند اگر بیند که رانی باریک
 دلیل که از خوشیشان ضعیف شود و اگر بیند که ران وی بریده شد دلیل که از خوشیشان جدائی جوید و اگر بیند که ران وی شکست
 دلیل که از همتی دل و خوار می بود رسد و اگر بیند که گوشت رانهای وی افتاده بود دلیل که مال خوشیشان وی ضایع شود و مغز وی
 گوید اگر بیند که رانهایش بر پستان بسته بود دلیل که از خوشیشان جدا نشود و پیوستگی بکنج کند و اگر بیند که گوشت ران خود پیوسته
 بعد از آن مال خوشیشان بجز و حکایت چنین گویند که مردی پیش ابن سیرین رحمة الله علیه آمد و گفت بخواب دیدم که ران مرا
 شده بود و بر روی من بسته بود و بکسی گفتم که موی ران من بر شش ابن سیرین رحمة الله علیه گفت که تو داری واری و از خوشیشان
 تو کسی دایم ترا بگذارد و بهم در آغاه کسی از خوشیشان آن شخص پیدا آمد و دوست دینار و ام بگذار و جعفر صادق رضی الله
 عنه گفت دیدن ران در خواب بر چهار وجه بود یکی اهل بیت دوم دوستان که برایشان اعتماد باشد سوم مال چنانچه خشم
 راه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راه خواب دیدن دلیل برین استقامت بود و جستن بر شی در راه دین و اگر بیند که در راه
 میرفت دلیل که راه دین بود و اگر بیند که گریه را بر راه در هست بر میری میکرد دلیل که قوی را بر راه راست و صلاح دین است
 کند و راه نماید و اگر بیند که در راه سرگشته و متحیر شد دلیل که در راه دین یاد کار دنیا سرگشته و حیران گردد و اگر بیند که در راه کلاه
 او را از راه بردند دلیل که بعد از آنچه بر دند غرمت کسی دیگر بگذارد و اگر بیند که در راهی میرفت و مانده گشته دلیل که حق خود را
 از کسی بستاند و اگر بیند که کسی او را از راه راست بر آید دلیل که بجهت مشغول گردد و از راه صواب دور شود و اگر بیند که
 بشب تاریک میرفت و راه بر او شکل بود و گمان آن داشت که راه راست است دلیل که استقامت و راه درست یابد و اگر
 راههای بنیدند و نداند که از کدام راه می باید رفت دلیل که در دین خود متحیر بود و صحبت با مردمان بدوین دارد و اگر بیند که راه
 بروی مشکل شده و نداند که کدام راه می باید رفت دلیل که با میرود و بقول پیغمبر صلی الله علیه و سلم جانب است راست گرفت دلیل که راه حق بروی
 پوشیده گردد و اگر بیند که بقصد از راه راست میسر رفت دلیل که بر دشمن مکر و حیل سازد و اگر بیند که راه درست بر او بر آید
 حشمت کسی بازگشت دلیل که کاری کند که دین را زیان دارد و بحالات مشغول شود و بسبب معیشت خویش و اگر بیند که در راه میرفت
 و زنی پیش آمد و بسبب از زن از راه گشت و بکسو رفت دلیل که خلل در دین او پیدا شود و بدینا فریفته شود و مغز او ضعیف
 گوید اگر بیند که در راه وی سبزه بود و نباتهای نیکو دلیل بر نیکوئی و پاک دینی وی بود و اگر بیند که در راهی پوشیده بچنان میرفت دلیل
 که در دین بدعت آورد یا در کار خود سرگشته شود و قوله تعالی *ان هذا صراط مستقیم* فاتبوه و اگر بیند که کسی از راه
 برود دلیل که برضا و دین وی بود و قوله تعالی *من دس لها اسمعيل* اثبت رحمة الله علیه گوید راه راست در آخر
 مسلمانان بود و راه کج خلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماه در خواب بر پنج وجه بود یکی دنیا باشد و اگر بیند
 سوم کار نیکو چنانچه خیر و برکت چشم آسانی و رحمت را برین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید برین در خواب مردی بر تن آمد و پیش از
 کند اگر بیند که برین مال وی بسته دلیل که با مردی پیوندد که او را غریزه و گرمی کند و از وی فایده ما. س. اگر بیند که از غضب و آگاه

و اگر بیند که رازمان بروی جمع شده و از وی چیزی نتوانستند بردن لیل که اگر بیدار شود و شفا یا دیگرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که رازمان از وی چیزی بدزد و دلیل آن نیز برین با وی دروغ گوید و اگر بیند که رازمان کلاه او را بردند دلیل که بمصیبتی آلوده گردد
سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رازمانی کرد و کالائی کسی را برد و دلیل که آنکس با وی خشم گیرد و اگر خود راه زد و کالای کسی را برد
دلیل که آنکس بیمار گردد و شفا یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رازمانی در خواب بر سر نهاده بود یکی جنگ دوم خصومت دوم
و دروغ گفتن سیوم تنابهی عیش و بیماری را بر بجا این سیرین رحمة الله علیه گوید رها در خواب دیدن آنچه خوش طعم و خوش بوی
بود دلیل بر خیر و برکت بود و آنچه بخلاف این بود دلیل بر ضررت و رنج و اندوه بود و بخت رب در خواب چنان سیرین بود دلیل که خیر
و منفعت بود و چون ترش بود تا و پیش بخلاف این بود در باب این سیرین رحمة الله علیه گوید در باب در خواب دلیل سخن
باطل و لهو و دروغ گفتن باشد و اگر خواب بیند که رباب میزد و دلیل که سخن دروغ گوید و کسی را بد و ستایش بد و دروغ کند و اگر
که در پیش وی رباب میزد و دلیل که سخن باطل و مضاد هرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رباب جنگ و چنانه و نامی بود
و آنچه دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که رباب شکست یا ضایع شد دلیل که از دروغ تو بگذرد و اگر بیدار بیند که رباب میزد و دلیل که سیر
یا بیماری بروی سخت شود و رباب این سیرین رحمة الله علیه گوید رخسار در خواب روشنائی بود و مشرف مردم باشد و اگر
بیند که رخساره او سرخ بود و پاکیزه دلیل که در میان مردم روشنائی گردد و اگر بیند که رخساره سیاه یا زرد گشته بود تا و پیش بخلاف
این بود که مانای رحمة الله علیه گوید رخساره در خواب آرایش مردم و که خدای بود و اگر رخساره چندی میزد دلیل که نقصان که خدائی بود
و اگر بخلاف این بود دلیل که خدائی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رخساره در خواب دیدن دلیل بر نیکی و حال شادمانی
بود و زشتی رخساره دلیل بر غم و اندوه و بیماری کند رباب این سیرین رحمة الله علیه گوید رز در خواب دلیل بر نیکی کار بود و اگر
بیند که زری داشت که درختان سبز و پاکیزه بود و در هنگام وی دلیل که زنی نیکو کار برنی کند و از خیر و منفعت یا بد و اگر بیند که درختان
رز را هیچ برک نبوده تا و پیش بخلاف این بود و اگر بیند بر گهای رز زرد گشته بود دلیل که بیمار شود و اگر ملکات و تبه و تا و پیش بخلاف
رز کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید رز در خواب دیدن بر سر نهاده بود یکی زن کریم نیکو کار و دوم منفعت سیوم رنج و اندوه
و اگر رز را خراب بیند دلیل بر بدی حال خداوند رز بود و سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت آتش و صفت
بر خواست دلیل که حقتعالی جل جلاله در اندام عدل بخت و اگر باد شادان و یا در عالم باشد دلیل که بلائی و آفتی بدیشان فرستد و اگر
مظلوم باشد دلیل که ایشان را بر ظالمان نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار پیش خداستعالی استاده اند دلیل که خشم خداستعالی بر ایشان
ستد که مانای رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت بر غاست و دلیل که مظلوم بر ظالم دست یابد و اگر در غم و محنت باشد و دلیل که محنت
نزد علامتی از علامتهای قیامت پیدا شد چنانچه آفتاب از مغرب برآمد یا بروج یا جبال علیهم السلام سیاه شد یا
الهی باز گردد و اگر بیند که بشمار گاه رفت نشان غفلت باشد قوله تعالی اَقْبِرْ بَلَدًا مِّنْ حِجَابِهَا
و اگر بیند که با وی شمار کردند دلیل که او را زیادتی رسد قوله تعالی حَسْبُنَا مَا فِيهَا

بک

بک

بک

بک

بک

بک

در خواب

در خواب

در خواب

جنگ و خصومت بود اگر بیند که جامه یا مقنعه خود را زود بپوشد و دلیل که او را با کسی از خویشان خصومت افتاده یا دوستی که در وی خیر نباشد
 گمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامه خود را زود بپوشد و دلیل که او را با کسی از خویشان خصومت افتاده یا دوستی که در وی خیر نباشد
 جنگ و خصومت بود و بچند کار خود را با صلاح آورد و از خصومت برید و رخصت کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید بای که کوفتن
 در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی معتبران گویند که بیماری بود و بعضی گویند که مرگ و از آن زمان خلاصی بود که گمانی رحمة الله
 علیه گوید رخصت کردن در خواب زنا را رسوائی بود و مرگ و از آن مصیبت اما صوفیانه و کسانیکه رخصت بسیار کنند ایشانرا غم و اندوه
 نبود و رخصت در خواب سیرین می باشد که پیوسته در مصیبت خود و دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رخصت کردن در خواب
 غم و مصیبت بود و رخصت کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را رگ کشتاوند دلیل که از دوستی خشنی شود و یا
 تلف شود و اگر بیند که رگ کشتاوند و خون از وی بیرون آمد دلیل که از سلطان و از اجتنی رسد و اگر بیند که خون اندک بود دلیل
 اندک زحمت باشد و بعد از خون رحمت یا بد که گمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عالمی از رگ زد و خون بسیار آمد و در جانی کرد
 و دلیل که بیمار شود و مال خود را در بیماری خرج کند اسامعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رگ از دست راست کشتاوند
 مال و خوشه بود و اگر از دست چپ کشتاوند دلیل بر زیاده مال و دستان بود و اگر بیند که معرفتی او را رگ کشتاوند اگر زنت است
 دلیل که آبستن شود و اگر آبستن بود دلیل که دختر می آید و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رگ زد و خون از تن وی بیرون آمد دلیل
 که او را سختی حق گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید رگ زدن در خواب لیل بر چهار وجه بود یکی کشتاوند کار دوم سفر سوم خصومت
 چهارم از جهت مال انبازی کردن و اگر بیند که رگ زد و خون بیرون نیاید دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که خون بیرون آمد
 در تن خون نماند و دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که بر جراحی خون آلوده کشت دلیل که چیزی بوی رسد و معتبران گویند که رگ زدن
 در خواب اگر بیند خواب مستور بود دلیل که خرمی و شادی بود و اگر مستور نبود دلیل بر شر و فساد و کدر رخصت این سیرین رحمة الله
 علیه گوید بر گمانی رحمة الله علیه و دلیل بر اطمینان بود اگر بیند که رگی را از اندام وی آفتی رسید دلیل که خویشان وی غم و اندوه دارند
 و هر گاه که معینی است که یکی تعلق دارد بر گمانی و دلیل بر بهتران کند و گمانی دست و بازو دلیل بر فرزندان و در گمانی
 دلیل بر خویشان مادر و گمانی پشت دلیل بر خویشان پدر کند و گمانی سیرین در آن لیل بر اطمینان و زن و دوستان و گمانی
 ساق و دلیل بر مال و منفعت کند و اگر بیند که گمانی بختاوند و بر پنهان و بریده شده یا شکست شده دلیل که از خویشان وی یکی که
 تعلق دارد از دنیا برود و بعضی از معتبران گویند که غمی و اندوهی خویشان وی رسیده باشد که در عقوبت افتد و از خویشان
 جدا ماند و اگر بیند که کسی او را رگ زد و دلیل که از خویشان خود سختی درشت شود و بعضی گویند که بعد از آن خون از وی رفته
 ل یکی از خویشان خود تلف کند و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که رگ قیال بکشد و دلیل که کار وی بسته گردد و اگر بیند که
 سلیق کشتاوند و همین دلیل دارد و چون سایل گوید که از رگ من خون می آید و دلیل هر که باشد مانا بدو اگر گوید که از دست من خون
 میرفت دلیل که او را زبانی رسد و معتبران می گویند که در لفظ گویند خواب نگاه کند و تعبیر بر موجب لفظ او کند و اگر بیند که رگ دهنی

بود و دلیل که او را ندیدی رسد رکاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجاب بیند که رکاب از زمین جدا بود و دلیل بر فرزند یا نعل
 بود و اگر رکاب با زمین بود و دلیل بر فرزند می بود که در هیچ خیانت نباشد که آن را رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رکاب از زمین بود و دلیل بر فرزند
 خوشتر بیند و شکر آورد و اگر بیند که رکاب سیم بود و دلیل که فرزند کمال نیافریده شود و اگر بیند که رکاب سیم بود یا برنجین
 فرزند و ن همت بود و اگر رکاب سیم بود و دلیل که بقدر روشنی و پاکی او را قوت در کار دنیا بود و اگر رکاب او چوبین بود و دلیل
 فرزند او بد را می و فرومایه بود و رکاب دار و در خواب نیکو بود زیرا که او بهر آن نزدیک است رنگها ابن سیرین رحمه الله علیه
 رنگ عقیق نجاب دیدن در جامه دیگران دلیل بر پاکی دین او بود و رنگ سرخ مردان را که است و سرخ بود و زنا را نیک بود و رنگ
 زنا را و مردان را نیک باشد و دین و دنیا و رنگ سیاه مصیبت باشد که کسی نیک باشد و رنگ کبود زنا را و مردان را نیک باشد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید رنگ سبز و سفید و دلیل بر خیر و برکت کند و دین پاک زیرا که لباس این هشت است رو باه
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رو باه در خواب مردی فرمیده باشد یا زن یا کثیر دروغ زن اگر بیند که رو باه در بند بود
 و دلیل که او را با مردی خصوصیت افتد و اگر بیند که رو باه میست از پریان و دلیل که ترسند و شود و اگر بیند که با رو باه نای میگوید
 و دلیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف بود که آن را رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رو باهی سانه میگوید و دلیل که با کسی
 حلیت کند و او را بفرمید و اگر بیند که رو باهی پیش او چای پلوسی میگوید و دلیل که غریبی با او مکر خلیت کند و پوست رو باه مالی
 که بحلیت بدست آورد و شیر رو باه نجاب خوردن و دلیل شفا از بیماری بود و شادی از غم و اندوه و خلاصی از زندان باشد و
 بعضی از متبران گویند که شیر رو باه خوردن دلیل بر بیماری بود یا ترسی که بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید رو باه در خواب
 دیدن زن در غلو باشد اگر بیند که رو باه گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی فرمیده و دروغ زن خوابد و اگر بیند که رو باه
 در خانه وی آمد و قرار گرفت و دلیل که زنی خواهد که دوستدار او بود که اگر بیند که رو باه از او بگریخت و دلیل که دام دارد و بگریزد
 رو باه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رو بزرگ در خواب مردی بزرگ بود و اگر بیند که در رو بزرگ صافی شد و دلیل
 با مردی بزرگ با دیانت پیوند و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از رو دبیر و ن آمد و دلیل که از بلا و غم رستگار شود
 و اگر بیند که در رو دبیر بزرگ رفت و آتش تیره بود و دلیل که با مردی بزرگ شکر پیوند و اگر بیند که در آتش رو و عرق شد
 و دلیل که تارک ازان سستگاری یابد و انیال علیه السلام گوید رو بزرگ و زیر بود و اگر بیند که رو بزرگ خشک شد
 و دلیل که وزیر معزول گردد و اگر آب رو و زیادت بیند و دلیل که از وزیر عطا یابد و اگر آب رو و تیره بیند و دلیل که مال
 حرام یابد و اگر آب تلخ بود و دلیل که رشوت ستاند و اگر آب رو و کنه بیند و دلیل که بیمار گردد و اگر آب رو و سرد
 و خوش بود و دلیل که از وزیر نجات یابد و اگر بیند که در جوی خون بود و میرفت و دلیل که در آند یار غم میخیزد
 بسیار شود و اگر بیند که آب رو و سفید و خوش بود و دلیل که مرم عام ثنائی و زیر گویند و اگر بیند که آب رو و زرد و خوش
 رفت و هیچ نماند و دلیل بر عقوبت باشد و آند یار قوله تعالی قل لا یقیم ان اصبح ماء و کم یجودا فنی یاتیک

دلیل که در سفر باشد یا سایر کرد و اگر بیند که دو ماه روزه داشت دلیل که از گناه توبه کند و اگر بیند که روزه قطع می شد پشت دلیل که از بیماری
پس کرد و اگر بیند که یک سال تمامی و بیای روزه داشت دلیل که حج بگذارد و اگر خواب بیند که روزه عاصی روزه داشت دلیل که از غم و اندوه
خلاصی یابد و روستا این سرین رحمة الله علیه گوید اگر روستا خود را در جایگاهی مجمل و بد دلیل بر حسیر بود و اگر
در جایگاهی معروف بیند دلیل نیک نباشد و اگر خواب بیند که از روستا بی شهرستان رفت انشاء الله تعالی و غایت
و عذاب این کرد و کارش نظام شود و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت دلیل آن خلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که در روستای ملک او بود یا کسی بومی داده بود دلیل که بقدر آن آبادانی روستا خیر و نیک بومی رسد و اگر روستا خراب بیند آتش
خلاف این بود و روستائی این سرین رحمة الله علیه گوید روستائی در خواب بیند بی بود اگر بیند که روستائی را گرفت یا کسی بومی
داد دلیل کسی را علم دین بیاموزد و راه راست نماید و تاریکی در خواب گمراهی و بدینی بود و قول تعالی **وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ** **مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ** که آتی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روستائی بسید و افتاده بود دلیل که پارسا و بدین بود و قول تعالی **وَلَا تَكُن مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ**
اللَّهُ صَدَقَ لِلَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ مَا هُمْ عَلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ رَبِّهِمْ أَكَرَّ اگر خواب بیند که پیران بی روستائی بود دلیل بر خیر و عافیت بود و جعفر
صادق رضی الله عنه گوید و بدن روستائی در خواب بر چهار وجه بود یکی درین بی و دوم علم سوم راه راست چهارم غم و غم
روغن و انبیا علی السلام گوید و روغن در خواب مال نعمت بود و بعضی گویند که میراث باشد و اگر خواب بیند که روغن کاودا
و از آن بخورد دلیل که بقدر آن مال نعمت یابد و میان مردم غریز شود و اگر روغن گو سپند بیند چنان دلیل دارد و اما روغن گاو و بقر
از روغن و نه روغن با دام روغن کجند مال و نعمت بود و روغن غنای دیگر گرانمای چون روغن بلبلان و روغن بنبشته و روغن
زیتون دلیل که جمله منفعت بود و از برهان روغن خرمی و روغن زیتون منفعت باشد از روغن و روغن زیتون منفعت باشد
از روستا این سرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که همه تن وی بر روغن آلوده بود دلیل که بیمار شود و اگر بیند که روغن بر سر سگ
دلیل بر آرایش بود و اگر بیند که روغن خوشبوی بود چون بنفش و یا سیمین دلیل بر آرایش دنیا بود و همه روغنها چون خوش بوی
دلیل بر نیکوئی بود و اگر بوی او ناخوش و کسده بود ناویش خلاف این بود که آتی رحمة الله علیه گوید روغن زیت در خواب آلود
بود و اگر بیند که مردی بر سر مردی روغن میمالید دلیل که با وی مکر و حیلت سازد و مغربی رحمة الله علیه گوید روغن در خواب بر
مالیدن دلیل که آرایش بود و لیکن غم و اندوه بود و اگر بیند که روغن سینه چرب میکند دلیل که سوزند و روغن خرد و سمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید روغنهای همه تاویل بد بود مگر روغن زیت که بخورند دلیل مال و مالیدن غم و اندوه بود و اگر بیند که جامه
بر روغن آلوده شد دلیل که اندوه گین گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید روغن خوش بوی بر شش و خج و بوی نیکو زن خج و بوی
دوم کینه که سیوم شای نیکو چهارم منفعت پنجم سخفهای خوش ششم طبعهای نیکو و روغن کسده دلیل بر رسته و بد بوی است
روسی دوم ضیق سیوم سخفهای زشت و ناس این سرین رحمة الله علیه گوید روغن و خواب دیدن دلیل که از
دنیا بود و خوردنش دلیل بر ضررت و پنج بود و اگر بیند که جامه خود بر ناس سرخ کرد و دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد

و اگر بیند که روزه عاصی روزه داشت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و روستا این سرین رحمة الله علیه گوید اگر روستا خود را در جایگاهی مجمل و بد دلیل بر حسیر بود و اگر در جایگاهی معروف بیند دلیل نیک نباشد و اگر خواب بیند که از روستا بی شهرستان رفت انشاء الله تعالی و غایت و عذاب این کرد و کارش نظام شود و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت دلیل آن خلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در روستای ملک او بود یا کسی بومی داده بود دلیل که بقدر آن آبادانی روستا خیر و نیک بومی رسد و اگر روستا خراب بیند آتش خلاف این بود و روستائی این سرین رحمة الله علیه گوید روستائی در خواب بیند بی بود اگر بیند که روستائی را گرفت یا کسی بومی داد دلیل کسی را علم دین بیاموزد و راه راست نماید و تاریکی در خواب گمراهی و بدینی بود و قول تعالی **وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ** **مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ** که آتی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روستائی بسید و افتاده بود دلیل که پارسا و بدین بود و قول تعالی **وَلَا تَكُن مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ** **اللَّهُ صَدَقَ لِلَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ مَا هُمْ عَلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ رَبِّهِمْ أَكَرَّ** اگر خواب بیند که پیران بی روستائی بود دلیل بر خیر و عافیت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدن روستائی در خواب بر چهار وجه بود یکی درین بی و دوم علم سوم راه راست چهارم غم و غم روغن و انبیا علی السلام گوید و روغن در خواب مال نعمت بود و بعضی گویند که میراث باشد و اگر خواب بیند که روغن کاودا و از آن بخورد دلیل که بقدر آن مال نعمت یابد و میان مردم غریز شود و اگر روغن گو سپند بیند چنان دلیل دارد و اما روغن گاو و بقر از روغن و نه روغن با دام روغن کجند مال و نعمت بود و روغن غنای دیگر گرانمای چون روغن بلبلان و روغن بنبشته و روغن زیتون دلیل که جمله منفعت بود و از برهان روغن خرمی و روغن زیتون منفعت باشد از روغن و روغن زیتون منفعت باشد از روستا این سرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که همه تن وی بر روغن آلوده بود دلیل که بیمار شود و اگر بیند که روغن بر سر سگ دلیل بر آرایش بود و اگر بیند که روغن خوشبوی بود چون بنفش و یا سیمین دلیل بر آرایش دنیا بود و همه روغنها چون خوش بوی دلیل بر نیکوئی بود و اگر بوی او ناخوش و کسده بود ناویش خلاف این بود که آتی رحمة الله علیه گوید روغن زیت در خواب آلود بود و اگر بیند که مردی بر سر مردی روغن میمالید دلیل که با وی مکر و حیلت سازد و مغربی رحمة الله علیه گوید روغن در خواب بر مالیدن دلیل که آرایش بود و لیکن غم و اندوه بود و اگر بیند که روغن سینه چرب میکند دلیل که سوزند و روغن خرد و سمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید روغنهای همه تاویل بد بود مگر روغن زیت که بخورند دلیل مال و مالیدن غم و اندوه بود و اگر بیند که جامه بر روغن آلوده شد دلیل که اندوه گین گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید روغن خوش بوی بر شش و خج و بوی نیکو زن خج و بوی دوم کینه که سیوم شای نیکو چهارم منفعت پنجم سخفهای خوش ششم طبعهای نیکو و روغن کسده دلیل بر رسته و بد بوی است روسی دوم ضیق سیوم سخفهای زشت و ناس این سرین رحمة الله علیه گوید روغن و خواب دیدن دلیل که از دنیا بود و خوردنش دلیل بر ضررت و پنج بود و اگر بیند که جامه خود بر ناس سرخ کرد و دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد

فصل اول در بیان احوال و اسباب خواب

دین فرو گذارد و معنی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بجمال تراز آنکه هست دلیل که شرف و ثمرت او زیاد
 گردد و اگر روی خود رشت و ناخوش بیند فقرتش کم گردد و اگر کسی روی خود سرخ و پاکیزه بیند دلیل که ثواب
 گردد و اگر بیند که گنہ روی او سفید شد دلیل بر قوت دین وی بود و قوله تعالی **وَأَمَّا الَّذِينَ ابْتِغَتْ وَجُوهُهُمْ فَأَنفُسُهُمْ فَجَفَرَتْ**
عَلَيْهِمْ فَمِنْهَا خَلِفَ رُؤُوسُهُمْ و اگر بیند که گنہ روی او زرد شد دلیل که بیمار گردد و اگر گنہ روی او سیاه بود دلیل که در میان خلق سوا
 گردد و اگر بیند که با سیاهی روی جانم سفید پوشیده بود دلیل که او را دختری آید و قوله تعالی **وَإِذَا ابْتِشَرْنَا أَحَدَهُمْ بِالْأُنْثَىٰ خَلَفَ**
وَجْهَهُ فَصَوَّدَ وَهُوَ كَظِيمٌ و اگر بیند که با سیاهی روی او کرده آوده بود دلیل که مشرک بود و اگر بیند که رویش خن آوده بود یا
 زرد و آب از رویش می آمد و او را بروی جراحت بود دلیل که زیان مال او بود و اگر بیند که روی او کج شده بود دلیل بر تنهایی حال وی می
 و اگر بیند که پیش روی او خال بود دلیل که وادار شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر روی خود را بخواب نینک بیند و آب یا دانه یا کسی
 او را بگوید که روی تو خوب است دلیل که کار وی نیکو شود و اگر رشت بود تا پیش بخلاف این بود و اگر بیند که روی او سرخ بود دلیل که او را
 بکسی مناظره افتد و خشم خود و در روی خود سپید و روشن بیند دلیل که توفیق طاعت یابد و اگر روی خود سیاه بیند دلیل غم و اندوه
 و می طره کفر بود و قوله تعالی **وَأَمَّا الَّذِينَ ابْتِغَتْ وَجُوهُهُمْ فَأَنفُسُهُمْ فَجَفَرَتْ** بعد از آنکه و اگر بر روی خود جراحتی بیند دلیل
 که بقدر آن غم و اندوه یابد و اگر روی خود خراشیده بیند دلیل که در کار و کدخدائی غمی افتد و اگر دور روی بیند دلیل بر سخت
 بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن روی در خواب بر بهشت وجه بود و یکی شرف و بزرگی دوم خدای و حقارت سیوم نظام
 کار را چهارم دین و دایمیت پنجم اندوه و در سوائی ششم و هفتم نیکوئی هشتم توفیق طاعت و یگان اگر بیند که ریگان سبز
 و خوشبوی بود دلیل بر فرزندان بود و کندن ریگان از زمین دلیل بر سستی و اندوه بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ریگان در جایگاه
 خود بیند دلیل که فدا و زخواب کارهای نیکو کند و انبیا علیه السلام گوید ریگان بخواب دیدن اگر خوشبوی بود دلیل که خداوند خوا
 کارهای نیکو کند و توفیق بکار خیر یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ریگان خواب بر بهشت وجه بود و یکی زن دوم کمین
 سیوم دوست چهارم فرزندان پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هفتم کردار نیک اگر بیند که در سرائی یا باغ او ریگان بود دلیل بر خیر
 کند مغربی رحمه الله علیه گوید ریگان در خواب بوقت خود نیکو بود و در لیسان در خواب ضرر بود و اگر بیند که از پنجم یا موسی
 می رشت چنانکه زنان ریسمان ریسند دلیل که کاری حلال کند و اگر ریسمان بچوب لایه بر و تا جامه بافتد دلیل که در تدبیر کاری باشد
 که او را از آن خصوصیت بود و اگر کسی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زنی مانند موسی ریسمان از پنجم یا موسی می رشت دلیل که او را چوب
 از سفر یابد و اگر بیند که بوقت رشتن ریسمان او گشته شد دلیل که غایتش در سفر ویرانند و اگر بیند که لیسان بسیار رشت دلیل که
 در آن بود و بقدر ریسمان خیر و منفعت از آن لیسان یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریسمان در خواب بر پنج وجه بود یکی سفر
 دوم نزد کار سوم عمر و از چهارم منفعت بسیار پنجم حاجت و کسب حلال و یوکس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ریوکس
 بخواب دیدن اندوه بود و بقدر خوردن آن اگر بیند که ریوکس بیند اخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که ریوکس شیرین

چند

چند

چند

تحت
تحت

بود دلیل که حضرت کمتر بود و الله اعلم ریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ریش در خواب آرایش مردم کند خدای او باشد و خبر کرده
که حق سبحانه و تعالی را فرشته است که تسبیح او اینست سبحان من زین الرجال بالحق والثناء بالذوالبین یعنی پاکست
آنچه نیکو بسیار است مردان را بر ریش و زنا را بکینه و اگر بیند که ریش او را زشت دلیل که کار که خدای او ساخته کرد و اما چون بداند ریش او
که زشت باشد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که ریش خود را با خن بسیار است دلیل که خدای او خود را بسیار بیند و اگر بیند که ریش خود را
که ریش او دلیل که حال خود را بداند و نباید و پند شود و اگر بیند که ریش خود را بیند دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر بیند که ریش او بر
بود دلیل که زبان مال خواست و جاه او بزد و اگر ریش او سپید گشته بود دلیل که بردباری و استیلا و زیادت شود و لیکن عکس
و اگر بیند که ریش بدندان می برید دلیل که اهل بیت ویرانان رسد و اگر بیند که ریش او از بیماری فرو ریخت دلیل که او از امر
سفا جات بیم باشد و مان آبرویش برود و اگر بیند که ریش او زشت شود و بجز دو و گلاب بر ریخت دلیل که شغلی کند که مردم می شنند
مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ریش او را زشت چنانکه بخت ناف بود دلیل که مال یابد و اگر بیند که دست بر ریش فراگرفت
و یا ریش بدست او بماند و آنرا بیداخت دلیل که مال از دستش برود و اگر بیند که پاره ریش در چیزی نهاد و نگاه داشت
دلیل که مال نگاه دارد و اگر بیند که ریش او کوچک و کوتاه بود اگر او را دارد دلیل که قوتش گذارده شود و اگر غمگین بود دلیل
که سبب گردد و اگر بیند که ریش او زمین افتاده بود دلیل که میرد و اگر بیند که ریش او گنده شد دلیل که هر متش سبب گردد و اگر
بیند که موی سپید از ریش خود بر کند دلیل که او مخالفت سنت پیغمبر صلی الله علیه و سلم باشد و سبب است و زشتی است
علیه گوید اگر بیند که او را در حرم بسوس حج سرتراشیدند اگر او را دارد دلیل که او را شگند کرده شود و از غم خلاصی یابد و اگر بیند که
سر و ریش را بسبب رستد دلیل که حرمت و آبروی او برود و اگر بیند که بی سببی اندک اندک ریش او می افتد و نقصان
در وی ظاهر شد دلیل که از پنج و سختی فرج یابد و اگر بیند که ریش وی تمام سفید شد دلیل که اندکی در هر متش نقصان شود
و اگر زنی بیند که او را ریش بود دلیل غمگین شود و کاری کند که از آن رسوا گردد و اگر مردی بیند که او را ریش بر آید دلیل
که او را بر کفر فرزند نماند و اگر فرزند آید محشم و قوی گردد و اگر گوی نام بالغ خود را بر ریش بیند دلیل که در غم و اندوه است
و اگر بیند که ریش کسی گرفت و می کشد دلیل که آنکس مال او میراث بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریش در خواب
برده وجه بود یکی بیج دوم غر و جاه سیدم مرتبت چهارم هیبت پنجم مروت ششم نیکی هفتم ترویج هشتم مال نهم فرزندان
و هم گرامی شدن توه تعالی و لقد کفرنا بآبجی آدم اما ریش ستردن بواب حاجب از او زدن یا نیکو باشد پاک
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ریش در خواب بلیل بر صلاح و خیر و منفعت بود و اگر بیند که در میان ریش می کشد دلیل که از هر
کسب شغلی مشغول گردد و بقدر کم و بیش و اگر بیند که ریش مجز و یا جمع میگرد دلیل که بقدر آن از مردم خیر و منفعت بیند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریش در خواب بر چهار وجه بود یکی مشغول بودن دوم مال سوم منفعت چهارم رفعت
یکی بر پنج ریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بواب بیند که بر شوی ریشی بود و در آن ریم جمع شده بود دلیل

که بقدر آن ریم اور مال حاصل شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال او را نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن وی بیرون آمد و باز
بجای می شد دلیل بر نقصان مالش بود و عاقبت نیک شود که مافی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که ریم عید و میخورد و دلیل که مال
و دلیل که مال حرام خوردنی باشد جمع شدن ریم در اندام و دلیل جمع مال بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از تن وی ریم می
دلیل که بقدر آن مال او را نقصان شود و ریم در تن اگر جمع شود و دلیل که مال بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جلد او را
ریش بود و دلیل که غم و اندوه بود و ریم این سیرین رحمة الله علیه گوید ریم در خواب مال بود و بر خداوند خواب اگر بیند که از تن او ریم
می آمد و دلیل که مال او نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن او بیرون می آید و دلیل که مال او نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن او
بیرون می آید و باز بجای خود میرفت و دلیل که نقصان مال بود و عاقبت نیک شود که مافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریم میخورد
و میخورد و ریم و سیم و این و غیره و دلیل بر غم و اندوه بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریم در بسیار روایت
و دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که از نهر علایجی ریم در خود و از آن تندستی حاصل شد و دلیل که بصحت و تندستی
و خیر و صلاح بود و اگر بخلاف این بیند و دلیل بر بخت و بیماری بود و الله اعلم **حرف الزا** زن ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر زنی بخواب بیند که او را دختری بود یا دختری داشت و دلیل که چیزی بومی رسد و از خوشنشان خرم شود و اگر بیند که
پسری را و او را دلش آسبتن شود و دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که دختری را و دلیل که او را پسری آید که مافی رحمة الله علیه گوید اگر زن
پادشاهی بیند که دختری بر او و دلیل که شوهرش کجی یابد و اگر بیند که پسری بر او و دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که دختری
بر او و دلیل که نکین شود و اگر بیند که پسری بر او و دلیل که کارش خوب شود و اگر دختر و شیرازه بیند که دختری بر او و دلیل که تاویل
آن زن دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی بخواب بیند که پسری بر او و هم در آن روز با وی سخن گفت و دلیل بر سر
بیند و او و اگر بیند که دختری بر او و دلیل که فرزندی از نسل وی آید که بهتر قوم گردد و رافع ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
زناغ و خواب مردی فاسق بدین و دروغ زن بود و اگر بیند که زناغی را بگرفت و دلیل که با کسی بدین پیوندد که صفت
او چنین باشد و بکار باطل مشغول گردد و اگر بیند که زناغی را بگشت و دلیل که در آنجا دروان و فاسدان و فاسقان
گرد آید و اگر بیند که زناغی شکار کرد و دلیل که از حاجتی باطل مال یا بدگر مافی رحمة الله علیه گوید اگر زناغی بخواب بیند که کینه
تاویل آن باشد و زناغی بسیار در خواب دیدن لشکر بود و اگر بیند که زناغی را پوست بکشد و دلیل که مافی غیب زنا کند و اگر
بیند که زناغی را بگشت و دلیل که این بیت او در حضرت رسد و اگر بیند که زناغی بسیار در خواب می آید و میگوید که دلیل
در آن و یا در لشکری پیدا آید بقدر آن را زناغی مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که زناغ و تدر و و در شکار بود و دلیل
که با کینه و حسد کند و اگر بیند که با زناغی جماعت میکرد و دلیل که مردی در زنا بگردد و اگر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر جمله
زنا که با کینه و حسد بود و دیگر زنا که سبب و زنا که بیماری بود و زنا که صیبت بود و خوردن زنا که دلیل بر مرگ بود
و زنا که جماعت و غیره بدین تاویل باشد و در ویدن زنا که هیچ منفعت نبود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زنا که در خواب

بر چهار وجه بود یکی غم و اندوه دوم بیماری سیوم مصیبت چهارم خصومت بسبب زبان ژاله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر بیند که در شهری یا در قحی ژاله می بارد دلیل که مردم آن شهر را زباده و شاوینج رسد و اگر بیند که باران یا رعد یا برقی
 و یا ژاله بود دلیل که در اینجا قحط و تنگی و مضرت بود که مانی رحمه الله علیه گوید ژاله با باران بخواب دیدن دلیل بر نعمت و فراوانی
 و ایمنی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ژاله در خواب دیدن برنج و جبه بود یکی با دوم خصومت سیوم لشکر چهارم قحط پنج
 بیماری زلو جانور است که در آب می باشد بیماری آنرا دیوچه گویند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زلو در خواب دیدن
 دشمن طاع بود و اگر بیند که زلو خون از اندام می مکید دلیل که دشمن بروی چیره گرد و بقدر خونی که خورده باشد از مال
 وی نقصان شود و اگر بیند زلو در گلوئی وی شد دلیل که دشمن از درون خانه با وی مجالست کند و اگر بیند که زلو از
 اندام خود جدا کرد و بکشت دلیل که بر دشمن ظفر باید که مانی رحمه الله علیه گوید زلو عیالی باشد که مال دیگران خورد و اگر بیند
 که زلو بسیاری جمع شدند و خون و پیرامی مکید دلیل که مال وی نقصان شود بقدر آن خون مغربی رحمه الله علیه گوید
 که زلو بر اندام وی بود و خون می مکید دلیل که از دشمن او مضرت رسد زانو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اصل
 زانو در خواب معیشت بیند خواب بود اگر بیند که زانوی او قوی و بزرگ بود دلیل که کاری قوی گردد و عیش و شادی
 فراخ شود و اگر بیند که زانو براه میرفت دلیل که کار او ضعیف گردد و معیشت بروی تنگ شود و اگر بیند که چشمه زانو
 وی ضعیف یا خشک بود دلیل که کاری تبا گردد و اگر بیند که چشمه زانوی او فاقد دلیل که مایه که دارد از دست و پا
 کرمانی رحمه الله علیه گوید زانو در خواب کسب معیشت مردم بوده و اگر بیند که زانوی وی سخت قوی گشت دلیل که کسب
 و معیشت وی زیادت گردد و اگر بیند که زانوی او ضعیف بود دلیل که کسب و معیشت وی ضعیف شود و مقطوع گردد
 مغربی رحمه الله علیه گوید زانو در خواب جایگاه برنج و غنا باشد و جای اندوه و هر چه زیادت و نقصان در زانو
 بیند تا ویش چنین بود که یاد کردیم زبانه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زباده با خود داشت یا کسی بوی واد
 دلیل که با ادب و فرهنگ بود و مردمان محب و ثنائی او میگویند و اگر که از آن زباده بوی خوش می آمد دلیل که مردمان
 نگوشت می کنند و اگر بیند که از آن زباده بوی نیاید دلیل که با کسی نیکوئی کند که از او هیچ منت ندارد و اگر بیند که زباده هیچ
 دلیل که فرزندان وی با ادب و فرهنگ باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید زباده در خواب بر چهار وجه بود یکی ادب
 دوم فرهنگ سیوم نام نیکو چهارم کردار پسندیده زبان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زبانش بریده
 و ناقص گشت بی آنکه با کسی خصومت داشت و بوقت حجت زبانش بسته شده تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که
 زبانش در طول و عرض زیادت شده بود دلیل که زبانش بوقت حجت زیادت شود و بر جسم روان گردد و ظفر لهید
 و اگر بیند که زبان وی دراز شده بیکت دلیل که سخن گفتن دراز شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را در زبان
 بود دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و دانش روزی کند و اگر بیند که زبان خود بر پهلوی سخن نگوید دلیل که از گفتن بخل

فصل

شبه کند و اگر بیند که بر زبانش خطا رفت دلیل که سخنی گوید که حقیقتی اجل و علایق را رضی نباشد و اگر بیند که کسی زبان در راه
 وی سنا و دلیل که او را از کسی قوی و محبتی باشد در سخن و اگر بیند که زبان کسی میگوید دلیل که از آنکس علم و دانش حاصل کند مگر بی
 رحمت الله علیه گوید اگر بیند که زبانش گنگ شده بود دلیل بر ضا دین و دنیای وی بود و اگر بیند که زبان درویشی برید دلیل که
 چیزی بر درویش دهد و اگر بیند که زبان زنی برید دلیل که بیشترش کند و از آنش آشکارا کند و اگر بیند که زبانش کجاست که بر خیم بود
 دلیل که دام دارد شود و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که زبان می قوی و ستر شد دلیل که بر خصم غلبه کند و اگر بیند که زبان
 ریش گشت دلیل که بر کسی بهتانی بنده و یا دروغی گوید و اگر بیند که بر زبان می موی برآمده بود دلیل که از نسب گفتارش در راه
 افتد و اگر بیند که زبان وی آسیده بود دلیل که بسبب گفتارش مالی حاصل آید استعجیل اشعت رحمت الله علیه گوید اگر بیند
 که زبان وی ووشلخ شده بود دلیل که منافق بود و اگر بیند که زبان نداشت دلیل که از همه خلعاف و مانده و اگر کسی بیند که
 زبان نداشت و بریده بود چنانکه سخن بر لبش گشت دلیل که شغل وی بدست وکیل برآید و اگر بیند که زبان خشک شده بود
 دلیل که در راه و یا بدین باشد جعفر صادق رحمه الله علیه گوید دیدن زبان در خواب شش جبهه بود یکی حکمت دوم ریاست و
 ترجمان چپانم حاجت چشم وکیل ششم یار و سخن گفتن در زبانها در حرف سین یا دخیم کرد و بر جبهه این سیرین رحمت الله علیه
 گوید بر جبهه در خواب دیدن دلیل بر خیر و عاقبت کند و اگر بیند که بر جبهه بسیار دشت دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند
 و اگر بیند که بر جبهه در وی ضایع شد دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رحمه الله علیه گوید دیدن بر جبهه در خواب
 بر سه وجه بود یکی خرمی دوم مال سوم منفعت زبور این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنزد زبور میخاند دلیل که
 خداوند تبارک و تعالی بازگرد و بگا خیر رحمت نماید و اگر بیند که زبور را بظاهر میخواند دلیل که زهد و خیرات بر او نفاق کند
 مگر بی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که زبور میخواند دلیل که بکاری مشغول گردد که از آن منفعت یابد و اگر بیند که زبور میخواند دلیل
 کار و کردار را نیکو گرد و زجر خال گرفتن سیانک مرغان بود و اگر بیند که سیانک مرغان خال میگرد و دلیل
 و در خواب و بیداری از راه تاویل نکو سپیده بود این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که سیانک مرغان خال میگرد و دلیل
 که سیانک مرغان تاویل نبود و در راه دین ضعیف باشد مگر بی رحمت الله علیه گوید اگر کسی سیانک مرغان خال میگرد و اگر فرد باشد
 دلیل که نیکو بود و اگر بعد و زوج باشد دلیل که بیمار گردد و شفا یابد و چشم این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که بر شش
 دشت و اثر خون پیدا نبود دلیل که بر زخم زنده خطر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از زخم او خون روان و اندام او آلود
 شد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که اندامش آلوده بکشت دلیل که زنده او را بجای می یا تمی مشم گرداند و اگر بیند که زخم خود
 دین او خون آلوده گشت بقول کرمانی رحمه الله علیه که در مال وی نقصان افتد جعفر صادق رحمه الله علیه گوید زخم و
 دیدن بر سه وجه بود یکی خطر یافتن دوم خیر و منفعت سوم نقصان مال زنون و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که او را
 تا زانیه زنون چنانکه اثر زنون پدید آمد یا او سبتون بستند و چندان زنون که خون از زونی بیرون آمد تا ویش بد باشد

بجای

بجای

بجای

بجای

بجای

ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که او را تازیانه زدند و دلیل که مالی حرام بر حال او یا خاصه چون ببیند که از آن مال
 خون آمد و از نام خون آلوده گشت و اگر خشکی بر تن وی پیدا شد و دلیل که بقدر آن از هر کسی فایده یابد و بعضی از معتبران گویند که
 جامه نو پوشد که مافی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که تازیانه بر پشت وی زدند و خون بیرون آمد و دلیل که انگشتان حرام یابد
 و اگر ببیند که بر پشت خود تازیانه دید و ندانست که او را که زد و دلیل که شغل دین و دنیا ی وی نیکو باشد و اگر ببیند که تازیانه بر کسی
 چند آنکه تازیانه پاره پاره گشت و دلیل که اهل خاندان وی پراکنده گردند و اگر ببیند که او را کسی تازیانه بیشتر زد و دلیل که او را غمی
 رسد و اگر کسی در خواب او را تازیانه زد و دلیل که غمگین شود و بسبب مری بدین و منافق و اگر ببیند که محبت او را بدیده بر و دلیل
 که سلطان او را اعل و هو و کارش نیکو گردد و اگر ببیند کسی او را بجای زد و دلیل که از انگشت منفعت یابد و اگر ببیند که کلاخی بر پشت وی
 زدند و دلیل که کسی او را خضیعت کند و اگر ببیند که طایفه بر روی وی زدند و دلیل که از کسی سخنی زشت نشنود و مغربی رحمه الله علیه
 گوید اگر ببیند که مرده او را میزد و دلیل که در سفر منفعت یابد یا مال از دست رفته باز یابد و اگر ببیند که مرده بود و او را میزدند و دلیل
 که قوت دین بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زدن در خواب بر شش جبهه بود و یکی منفعت و دوم محب و سوم روشن شدن
 کار مشکل چهارم سفر تهم شرف و بزرگی ششم مال حرام زدن بر این سیرین رحمه الله علیه گوید زدن بر خواب و دیدن مرد از او دلیل غم انداز
 بود و زدن بر زانوی و پسندیدگی باشد و اگر ببیند که زنی یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال بر حال خرج کند مغربی رحمه الله علیه
 علیه گوید اگر ببیند که زنی یا سیم میگذاخت و دلیل که در زمان مردم افتد و اگر ببیند که زنی میفرودخت و میخورد و دلیل که او را غمی و اندوهی
 و اگر ببیند که زنی بر خوار بخانه بر و دلیل که مال بدهد اگر ببیند که زنی بخورد و دلیل که بقدر آن مال بر حال خرج کند مغربی رحمه الله علیه
 از سینه در خواب مردان را بد بود اگر کسی زنی و سیم بچا بسم یابد و دلیل که عز و جاه یابد و اگر کان سیم ببیند و دلیل که دختر بزرگی خواهد
 و گویند که زنی بر خواب مری باشد و دروغ زن و اگر ببیند که پیش زنی نشست و با وی محالمت میکرد و دلیل که او را با دروغ
 گوئی سرو کاری افتد زنی و الو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنی و الو بوقت خود چون شیرین بود و بزرگ و الوی که خورد
 باشد و دلیل که دیناری حاصل کند و اگر زنی او ترش بود و دلیل بیماری و غم بود و بعضی معتبران گویند که زنی و الو بر خواب دیدن
 بود و مال کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که تنه او را بشکست و تلخ بود و دلیل که اندوهی بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید زنی و الو بوقت بیماری بود و بوقت و ترش غم و اندوه بود و اگر شیرین باشد منفعت یابد زنی و الو ابن سیرین رحمه الله علیه
 زنی و الو در خواب دیدن بیماری بود و از میوه خورد و و جامه از زشتی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنی و الو در خواب دیدن
 بود و خوردن آنی همچنین و اگر ببیند که زنی زشت از درخت جمع میکرد و دلیل که او را بامریخی خیل خصومت افتد زنی و الو ابن سیرین رحمه الله علیه
 علیه گوید اگر خواب ببیند که زنی بیخورد و دلیل بر بیماری و پاک بود و اگر ببیند که زنی بیخورد و بخت یا کسی داد و دلیل که از بیماری
 گرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زنی بیخورد و دلیل که مال بسیار بدست آورد و بیماری بخورد و اگر ببیند که زنی بیخورد و دلیل
 جمع کرد و دلیل که در سفر بیمار گردد و زنی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زنی بیخورد و دلیل که از دشمن این را

خواب

...

...

...

...

خواب

عصر

عین

تخت

تخت

روایت

تخت

میند که زره صنایع شد دلیل که دشمن بروی چیره گرد و اگر میند که کسی ندی بوی داد و او پوشید دلیل که با او مکر کند یا بقهر کردن
 دشمن با وی یار گردد و بدو نصرت و بی خواهد و بعضی خبران گویند که زره حصن این است که تانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب
 میند که زره داشت دلیل که او را و این بیت او را امینی بود و از شر دشمنان و اگر میند که زره با سلاح پوشیده بود دلیل که از شر عامه و نشسته
 این گرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زره در خواب دیدن برشش وجه بود یکی امینی از دشمن دوم حصن بن سوم تو چنان
 مال بخر زنگاری ششم نیکوئی و زره کرد خواب مروی بود که مرد و بانرا او بآموزد زعفران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر کسی خواب میند که زعفران داشت دلیل که مردم راجع و شاگرد و اگر میند که زعفران بر تن و جامه او بود دلیل که بیمار شود
 اگر تانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که زعفران ناکفته بود که بوی دادند و دلیل که زنی توانگر خواهد بود اگر میند که زعفران بخورد و داشت
 و میخورد و دلیل که او را مال و نعمت حاصل گردد زعفران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زعفران در خواب دلیل بر پادشاه آموخت
 کند اگر میند که زعفران طبع او گشت دلیل که او را علامتی باشد و به بزرگی رسد و اگر این خواب زنی آتسین میند دلیل که پسری
 که مقرب پادشاه گردد و اگر تانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که زعفران از دست پیر یا از زشت آتسین بود دلیل که فرزندی زاده
 یازد و نیاید و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زعفران در خواب بر چهار وجه بود یکی متواضع بودن دوم بزرگاری سبوم فرزند
 چهارم مال زلفت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زعفران در خواب غم و اندوه بود و اگر میند که زعفران داشت یا کسی بوی داد
 و دلیل که زعفران فائده گرفتار آید و اگر میند که زعفران میخورد و دلیل که غم و اندیشه او را از بهر خیال باشد و اگر میند که زعفران بفرخت یا بخرید
 یا از خانه بیرون رفت دلیل که زعفران زخم و دستکاری یا بدسخاری حمه الله علیه گوید اگر میند که زعفران در جراحات متاود و درست
 و دلیل که اگر کسی خیمه راحت میند و اگر میند که جامه وی بزفت آلوده گشت و دلیل که از وی کاری آید که او را از ان رشتی و بدست
 حاصل آید زکوة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که زکوة مال میداد و دلیل که مالش زیادت شود و اگر میند که زکوة فطره
 و دلیل که نماز و زکوة و سبج زیاد کند و دستکاری یا بد و اگر و ام دارد که زکوة شود و اگر بسیار بود و شفا یابد و اگر دشمنی دارد بروی
 فطره یابد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که زکوة مال میداد و دلیل که مال او حصن و آید و بلا از وی وقع شود بقول حضرت رسول
 الله علیه و سلم حصنوا أموالکم بالزکوة یعنی حصن سازید خود را بر زکوة مال و ادون مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند
 زکوة مال میداد و دلیل بر رفون شدن مال باشد قوله تعالی وَمَا أُوتِیْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ فَذَلْکُمْ وَجْهٌ لِلَّهِ فَالْجَاهُ
 هُمْ الْمُضْطَرُّونَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید زکوة و صدقه دادن در خواب برشت وجه بود یکی بشارت دوم خبر و برکت
 سیوم روشن شدن کار و شکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنائی ششم فراغ از غم هفتم زیادتى هشتم فطریاتین بر دشمنان
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنگار در خواب دیدن مال حرام بود و اگر میند که زنگار کسی بستد و دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند
 و اگر میند که زنگار بر آتش نهد و آتش نیکافروخت دلیل که با پادشاه معامله کند و از وی فایده یابد که تانی رحمه الله علیه
 گوید زنگار در خواب دلیل بر مال و خوشه بود و اگر میند که جامه یا اندامش زنگار شد دلیل که او را از سلطان مضرت رسد و اگر زنگار

که ز کار میخورد و دلیل که مال حرام خورد و سرانجام او را از پادشاه غم و اندوه رسد ز کام این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنیدیک
او را علت ز کام بود و دلیل که چند روز بهار شود و هر چند که ز کام بیشتر بود و بیماری بیشتر بود که ز کامی رحمة الله علیه گوید اگر بنیدیک که او را
ز کام بود و دلیل که بر کسی ششم گیر و وز و صلح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که ز کام در خواب بر سته وجه بود یکی بیماری است
دوم خشم گرفتن سیدم منفعت یافتن ز لابیة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ز لابیة در خواب لیل بر کوشش هر دو را اند
و یافتن مال بسیار و شادی بود و اگر بنیدیک ز لابیة و شست دلیل که بقدر آن او را مال حاصل آید و اگر بنیدیک اندک ز لابیة بوی و او یا در
و بان وی نهاد و دلیل که اگر کسی سخن خوش شنود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنیدیک ز لابیة زعفران می خورد و دلیل که بقدر آن مال
و اگر بنیدیک باز زعفران میخورد و دلیل بیماری بود ز لابیة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنیدیک زمین می جنبید و دلیل که مردم آنجا
را از پادشاه رنج و علامت رسد بقدر جنبیدن زمین و معتران گویند که آفت مردم رسد و در آن دیار بیماری افتد و اگر بنیدیک
که زمین برگردد و زیر و بالاشد و دلیل که در آنجا رفته و بلا افتد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بنیدیک زمین آهسته جنبید و یک نوبت
و دلیل که در آنجا پادشاهی آید و اهل آن دیار را عذاب کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن زلزله در خواب جنب زمین فرو
مخت و بلای عظیم آید و پادشاه بود و قوله تعالی تحسبنا یاه ویداره الا دحض همه حال زلزله در خواب دلیل بر عقوبت ملامت
بود با اهل آن دیار ز مردم و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ز مردم در خواب لیل بر فرزند و برادر باشد یا مال حلال اگر بنیدیک ز مردم و شست
یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزندی آید یا برادری که از منفعت یابد و اگر بنیدیک ز مردمی ضائع شد دلیل که فرزندش میرد یا مال
تلف شود که مانی رحمة الله علیه گوید ز مردم در خواب دیدن دلیل بر مذنب دین پاک بود و هر زیادت نقصان که در مردم بود و دلیل
آن مذنب پاک و باز کرد و مغربی رحمة الله علیه گوید ز مردم در خواب دیدن سخن نیکو و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ز مردم در خواب
بر پنج وجه بود یکی فرزند دوم برادر سیوم مال حلال چهارم کثیر کسب غلام نیکو و هر چند که ز مردم نیکو تر باشد از بی لیلی که گفته شد
ز مستان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ز مستان و خواب پادشاه بود اگر خواب ببیند که رشتان بود چنانکه مردم از آن حضرت سیر
و دلیل که اهل آن دیار را از پادشاه مضرت رسد اگر بنیدیک رشتان بود و هواسر بود و کسی از حضرت سر رسید و کسی از بیانی نیست دلیل
مردم آن دیار را از پادشاه خیر منفعت یابند و رشتان در خواب بوقت خود دیدن لیل حضرت ظفر باشد زمین و انیا علی السلام گوید
زمین در خواب آن بود اگر بنیدیک زمینی داشت فراخ و نیک و بزرگ خاک پاک و دلیل که او را زنی باشد بر سر صلاح چنانکه میان او را
او فضل و منزلت باشد بقدر بزرگی و فراخی زمین اگر بنیدیک در آن زمین سبزه و نبات مجبول بود و اندک از آن او سبیل که آنکس بنیدیک
و مسلمان باشد و سبزه در خواب اسلام بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنیدیک در زمین سبزه و نبات بود و جانی معروف بود و دلیل
او فاضل و دیانت باشد اگر در زمین بنانی نهاد و عمارتی کرد و دلیل که او فاضل دین و دنیا باشد و سرانجام ثواب راه آخرت یابد
و اگر بنیدیک او را در میان صحرا زمینی بود مانند بیابان و آن زمین را شناخت دلیل که سفری دور کند و اگر بنیدیک زمین میخورد و دلیل
که بقدر خوردن خاک مال یابد و اگر بنیدیک زمینی فرو رفت بی آنکه چاهی یا مغایلی در آنجا بود و آنجا ناپدید شد و دلیل که میرد و دلیل

نیکو

نیکو

نیکو

نیکو

نیکو

نیکو

که بنیدیک

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

زمین را مانند چاه و سوراخ میکنند و دلیل که در اندوه و مصیبت افتد یا از قبل آن باشد تلف شود و اگر بیدار شود در منشی فراخ بود و بزرگ
 بخت شد و میرفت در اینجا دلیل که در اینجا از کار می نیک بجای می آید و منشی که بیدار شود و اگر خواب بیدار نشود زمین را بوی
 منشی گفت و بخیر و صلاح او را می رسد و او دلیل که در دنیا بیک بسیار کند و بعد از وفات او را به نیکی یاد کند و اگر بیدار نشود زمین را در فراخ
 و بزرگ شد و دلیل بر درازی عمر و فراخی معیشت او کند و اگر بیدار نشود زمین می پیوست و دلیل که بسفر رود و اسباب اشعث رحمة الله علیه گوید
 اگر بیدار نشود زمین از بهر کشت و پاشی که در دنیا بیک شغل کرد و از قبل آن منفعت یاد و اگر بیدار نشود زمین خودیش را آبادان میکند
 و دلیل که کارش را آبادان و نیکو کرد و اگر زمین با خراب بیدار شود و پیش بخلاف این بود و او را با کسی خصوصت افتد و اگر خود را در زمین
 بیدار شود دلیل که او را با کسی بنازی بود و یا زنی را بناجی در آورد و اگر بیدار نشود زمین را غرقه کرد و آن کشته را تا به نزد دلیل که از
 پادشاهی طاعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمین را در خواب بیدار بود و یکی زن دوم دنیا سیدم مال چهارم
 زن آن را بر سرین رحمة الله علیه گوید زن جوان در خواب بیدار بود و زن پیر دنیا و شغل اینجانی و نیز دیدن آن و در خواب بیدار شد
 و جمال فریبی و لاغری بود و بهتر زن که در خواب بیدار نشد باشد و زن غریبه و معروف و لاغری بود و زن ترشت
 و لاغر خط و تنگی بود و زن ثامن و آسمه مراد اینجانی بود و پیر زن چرکین دلیل بر نامرادی و بد حالی بود که رانی رحمة الله علیه
 گوید اگر زنی بیدار شد و او را قضیب بود همچون مردان و دلیل که فرزندی آورد و آن فرزند بر قوم و خاندان بزرگ و سرور گردد و اگر زنی جوان
 بیدار شد که پیر شده بود و دلیل بر خیر و صلاح دین و دنیا کند و اگر زنی بیدار شد که قضیب داشت مجامعت کرد و دلیل که حرمت و بزرگی او
 کم شود و اگر بیدار نشد زنی عاقله مردانه پوشیده بود و اگر آن زن مستور بود و دلیل که خیر و صلاح بود و اگر غمخیزه بود و دلیل بر شر و فساد بود و مغربی رحمة الله علیه
 علیه گوید و هر سستی زن آن در خواب باطل دنیا را زیاده و بی مالت بود و باطل صلاح را علم و زن غریب را تاویل بهتر از این است و اگر
 بیدار شد که بر زن و می کسی دست درازی کرد و دلیل که اهل آن زن توانگر شوند و اگر بیدار نشد زنی بی عاقله و زنی یک چانه رفت دلیل که پیری
 آورد و خیر و منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زن آن در خواب بر شش و سه بود و یکی ثانی دوم دنیا سیدم مال
 اینجانی چهارم فراخی نیست و خط ششم توانگری زن را بر این سرین رحمة الله علیه گوید اگر بیدار نشد زنی در دست داشت و دلیل که
 در این ضعیف بود و اگر بیدار نشد زنی بر میان بسته بود و اگر بیدار نشد مستور بود و دلیل که کافر شود و اگر بیدار نشد مستور بود و اوصاف خصم
 و اگر بیدار نشد زنی بر دیو بیرون انداخته دلیل که از کار بد بگوید و بخدا شکی باز گردد و او را صلاح اختیار کند و بهر آن سرین رحمة الله علیه
 گوید زنی در خواب مردی و دن و سفله بود و اگر بیدار نشد زنی در او را بگریزد و دلیل که مردی دون او را بگریزد و اگر بیدار نشد زنی در او را
 جمعند و دلیل که میان مردم و دن گرفتار گردد و خاصه چون زنی در او را بگریزد و رانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار نشد زنی در او را بگریزد و دلیل که او را با
 دن و سخن چهرن کار افتد و اگر بیدار نشد زنی در او را بگریزد و دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیدار نشد زنی در او را بگریزد و دلیل که او را با
 بود و دلیل که در آن دیار لشکری برسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زنی در خواب بر شش و سه بود و یکی ثانی دوم دنیا سیدم مال
 سیدم لشکر چهارم پنج و ششم ششم فرزندان در غیبل ابن سرین رحمة الله علیه گوید زنی در خواب بیدار نشد و اگر بیدار نشد

که زبیل داشت دلیل که او را خادمی حاصل شود و بعضی گویند که زبیل مال و نعمت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زبیل در خواب
بر پشت و جبهه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیز چهارم خادم دین پنجم صلاح ششم عمر دوازدهم مال و نعمت ششم خیر و برکت
در بخمیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زبیل در خواب دلیل بر غم و اندوه و خوردن آن حضرت در میان و بعضی معتبران گویند
زبیل در خواب دلیل بر حکمت و گفتگوی کند و دیدن خوردن زبیل در خواب دلیل بی افغی بود و بخمیل ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید زبیل در خواب مصیبت و گناه بود اگر ببیند که زبیل شکست و بیند زبیل از گناه توبه کند و بخدای تعالی بازگردد و مغفرتی حتمی
الله علیه گوید اگر ببیند که زبیل در گردن داشت دلیل که در مال کسان دست درازی کند و از حرام بیندیشد و اگر ببیند که زبیل در پای
داشت دلیل که در خانه های مردم مصیبت کند و دیدن زبیل در خواب مردی عاصی و گنهگار بود و زبیل در خواب مهر خانه
بود و خداوند عقل بسیار اگر ببیند که زبیل از بزرگ شد دلیل که از بهر اهل خانه خوار گردد و مغفرتی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که کسی باز
بر زبیل او میزند دلیل که مهر خانه آن باوی سخن گوید که از آن بخور شود و اگر ببیند که از زبیل خودی خون بیرون شد دلیل که بدتر از آن
از مهر تران خانه آن او را زیان رسد و بعضی از معتبران گویند که در کعبه و کاوش نقصان افتد نه ندان ابن سیرین رحمه الله علیه
اگر ببیند که در زندان بود و اهل زندان هرگز ندیده بود دلیل بر هلاک بود و اگر زندان معروف بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر ببیند که
زندان بر پای داشت دلیل که بر عملی که وارد ویر بماند و در غم و فکر بود که مانی اگر ببیند خواب دستور بنا شد
از شناسایی وینی ویر غم و اندوه رسد و اگر ببیند که مردی با پای بند میرفت دلیل که کار بسته او بکشته یا جعفر صادق رضی الله
عنه گوید زندان در خواب دیدن چون معروف باشد دلیل بر یافتن مراد و عاقبت نیکو بود و قوله تعا قال رب انجني من
التي تمنا ليك عوفني اليك و چون زندان مجهول بود و کور باشد و غم و اندوه بود چنانکه مهر یوسف علیه السلام فرمود
التي تمنا ليك عوفني اليك و منزل الكلب و منجره الا صديقاء و شمامه الا عدل او یعنی زندان بجواب گوید زندگانی
و منزل ملاست و آزمایش کردن دوستانست و خرم کردن دشمنانست و اگر ببیند که در زندان شده و زود بیرون آمد
دلیل که مراد تمام بیاید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زندان در خواب گوید زبیل زنگنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زبیل زنگنه در خواب
جنگ و خصومت بود و اگر ببیند که زبیل زنگنه داشت دلیل که با کسی جنگ کند و اگر ببیند که زبیل زنگنه از پیشین بوسی و او دلیل که با تو نگر
خصومت کند و اگر ببیند که زبیل سپین بود یا برنجین دلیل که ویرا با کسی عام خصومت افتد زما را ابن سیرین رحمه الله علیه
اگر ببیند که در زارگر است و پنداشت که هرگز موی نمید و دلیل که کار بروی بسته شود و اگر ببیند که بر زار روی رنجی بود یا در روی
که بقدر رنج او را رحمت رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زما در خواب بر زود و جبهه بود یکی زن دوم مال و هر زیادت
و نقصان که در زما بود و او اهل آن بزرگ و مال باز گردد زما را ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زما در خواب خوردن مال عوام
یا خون باطل و ناحق ریزد و اگر ببیند که از خوردن زما را می آس گرفته بود دلیل که مال حرام حاصل کند که مانی رحمه الله علیه
گوید اگر ببیند که تن وی زما آلوده بود دلیل که در کاریکه بود سخت حریص بود و بعضی از معتبران گویند که سخنی گوید و بدان که زما

خواب

بخمیل

زبیل

زندان

زنگنه

زما

و اگر

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

و اگر بیند که تن او را از زهر گزندی رسیده یا آس داشت دلیل که بقدر آس او غم و اندوه رسد و اگر بیند که زهر خورد و دلیل که اگر کسی خشم فرو
خورد زهره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زهره مردم میخورد و دلیل که خشم فرو خورد و اگر بیند که زهره چهارپایی میخورد و دلیل که
بخونی و دشمنان شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که تن وی زهره مردمان آلوده گشت دلیل که آلوده مردمان چوید و اگر بیند که
تن وی زهره چهارپایان آلوده گشت دلیل که لباس حرام پوشید و اگر بیند که تن وی زهره وادان آلوده گشت دلیل که صحبت
با کسی دارد که بدخوی و ناسازگار بود و زمین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که زمین در دست داشت
و چیزی دیگر غیر زمین با وی نبود و دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که با زمین سلاحهای دیگر داشت و دلیل که از پاوست
او را خیر و منفعت رسد و بر دشمن ظفر یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زمین را خنثی و دلیل که کسی را سخن بدگوید
و اگر بیند که بزومین کسی را مجروح گردانید و دلیل که بر کسی بهتان بندد و زمین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زمین
در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که زمین داشت یا کسی بوی داد و میخورد و دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد
که مانی رحمه الله علیه گوید روغن زیتون در خواب دلیل خیر و برکت باشد و اگر بیند که روغن زیتونی پالود و میخورد و دلیل
که بقدر آن غم و اندوه خورد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زمین تلخ نبود و با نان میخورد و دلیل که او را منفعت بخنی
مصل شود زیرا باج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زهره باج در خواب چون ترش نباشد و میل شیرینی دارد و دلیل خیر
و منفعت باشد و چون ترشی دارد و دلیل غم و اندوه بود و چون در وی زعفران بود و دلیل بر بیماری بود و بعضی از تعبیر
گویند که خوردن زهره باج در خواب دلیل بر مصیبت و غم و اندوه بود زیرا باج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زیلو در خواب
گسترده باشد و دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار دنیا کند و هر چند که زیلو دراز باشد بهتر بود و چون زیلو پیچیده باشد دلیل
بر نقصان عمر کند و اگر بیند که بر زیلوی کوچک نشسته بود و آن زیلو در زیر وی فراخ شد و دلیل که عیش و روزی فراخ شود
و اگر زیلو بدست خود پیچید و در کنج خانه نهاد و دلیل که غرور و ولت خود را تها کند و اگر بیند که زیلو بر پشت نهاد و دلیل که
امانت مردم بر گردن وی باشد و اگر بیند که زیلو پیچیده و کسی دیگر او را دلیل که عمرش با خیر رسیده باشد و خبری رحمه الله
علیه گوید اگر بیند که زیلوی سبز داشت و پاکیزه بود و دلیل که نعمت بر وی فراخ گردد و اگر بیند که زیلوی کهنه و دریده بود
و دلیل که عیش و روزی دشوار شود و اگر بیند که زیلوی جمول افکنده بود و دلیل که آنچه دوست دارد و دوست او برود و اگر
بیند که زیلوی نو بدو دادند و در خانه بکشد و دلیل که دولت اقبال یابد و عمرش دراز گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
ویدن زیلو در خواب شورش وجه بود یکی ساختگی کار دوم عمر دراز سیدم روزی فراخ چهارم غم و دولت پنجم دشواری شش
ششم گناه زهره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زهره در خواب چون بسیار بیند و دلیل منفعت زمین و دنیا می وی باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید زهره در خواب چون اندک بیند منفعت کمتر بود زمین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زمین
چون بر پشت چهارپای نباشد زن بود و اگر بیند که بر پشت چهارپای بود و دلیل که حکم نیکت و بدان بر اکب باشد

و اگر بینه که زین می بخرد یا کسی بوی داد و دلیل که کینگی بخرد و یا زنی بخرد و خداوند مال بسیار شود و باشد که میراث یابد اگر
 بینه که زین وی بشکست دلیل که زن بیزد یا میار شود و اگر بینه که زین می بزرگتر و سیم آراسته بود دلیل که زن خوشن بین
 و مشکبند و اگر بینه که زین وی سیاه بود و هیچ آرایش نداشت دلیل که زنش پارسا و میزار بود و زین کرد و خواب زن دلالت بود
 و دلالت کار او بود و الله اعلم بالصواب **حرف السین** به سار این سیرین رحمه الله علیه گوید سار مرغی است و اگر بخواب
 بینه که ساری داشت دلیل که مردی سکار باشد که سفر بسیار کند و اگر بینه که ساری گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که با مردی سفر
 او را هجست افتد و اگر بینه که گوشت سار می خورد و دلیل که بقدر آنچه خورده بود او را خیر و منفعت رسد مغربی رحمه الله علیه گوید وین
 سار در خواب مردی کاخ بود که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بینه که سار بسیار بروی جمع شده و دلیل که میان کاخ و آن گرفتار شود
 سار صحرای این سیرین رحمه الله علیه گوید سار در خواب مردی شجاع و دلیر بود و اگر بخواب بینه که سار طور داشت دلیل که چنین
 مردی او را هجست افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بینه که سار در شکست یا ضایع شد دلیل که از چنین مردی او را جدائی افتد
 مغربی رحمه الله علیه گوید سار در خواب مردی بود که کارهای دشوار بسیار و آسان کرده و خاصه که سار در بزرگش بود
 سار عبد این سیرین رحمه الله علیه گوید سار در دست و پا نواز میزد و اگر بینه که سار در دستش قوی بود و دلیل که او را از کار
 و درستان خیر و منفعت رسد و اگر بینه که سار در وی شکست دلیل که از نواز و دست از وی جدا شود و مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بینه که بر سار دست وی موی بسیار بود و دلیل که در وستان از وی جدا شود و نمکین گردد و اگر بینه که موی از سار جدا شود
 و دلیل که ویش گذارده شود و ساق این سیرین رحمه الله علیه گوید ساق در خواب مال معیشتی که مردم را بدان اعتماد بود و معجز
 گوید که ساق مرد را غر و جاه باشد و اگر بینه که ساق وی قوی بود و دلیل که کارش نیکو شود و اگر ساق ضعیف بود و دلیل که
 حال کارش ضعیف و بی نظام بود و اگر بینه که ساقش آهسته بیاورد وین بود و دلیل که عمرش دراز شود و اگر
 باقی ماند و اگر بینه که ساق و شکست دلیل که برین او بد باشد مغربی رحمه الله علیه گوید وین ساق در خواب مرد را از زن بود
 و زنا را شوی اگر بینه که ساقهای وی بر یکدیگر نمی پیچید و دلیل هم پاک بود و اگر بر ساق او موی بسیار بود و دلیل که وادار گردد
 و اگر بینه که موی از ساق بهتر و دلیل که ویش گذارده شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین ساق در خواب بر چهار
 بود و کی مال و دم معیشت سوم عمر دراز چهارم مرد را از زن و زنا را شوی سایه این سیرین رحمه الله علیه گوید سایه در خواب نیک
 به طبیعت بود و سایه پادشاه و رتایل هم پادشاه بود و سایه و یار مردی بزرگ بود و سایه درخت بی بر و دلیل بر فساد است
 کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که در جانی زیر سایه نشسته بود و دلیل که مرگش نزدیک بود و قوله تعالی **الَّذِي تَوَلَّى بَيْنَ يَدَيْكَ**
مَكِيلًا لِّلْغُلَامِ وَلَوْ تَنَصَّاجَةً سَأَلَ كُنَّا جَعَلَهُ سَاقًا جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیر سایه نشستن در خواب برنج و جو بود و
 و دم سبب سوم پناه چهارم منفعت پنجم مرگ سایه بان این سیرین رحمه الله علیه گوید سایه بان در خواب پادشاه و پناه
 بود و اگر بینه که زیر سایه بان نشسته بود و دلیل که خدمت پادشاه چنین کند و اگر بینه که سایه بان بر وی افتاد و او را از زنی سزید

در خواب

و

و

و

و

و

و

و دلیل که پادشاه بروی چشم گیر و مغربی رحمة الله علیه که بر اگر بیند که سایبان پشیم یا کپس بود و لو که آن بن بر یا سپید بود و دلیل که چشم
پادشاه طالع کند سپهر این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب در دست داشتن دلیل که از کسان پادشاه و پادشاه بود و اگر بیند که سپهر
سلاح و دیگر بود و دلیل بر روی بود که در دست و بر او از انزهرنگا پارو و اگر بیند که سپهر بر زمین نهاد و دلیل که او را با مردی در حال صحبت
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سپهر در خواب بر پیش و چه بود یکی بر او و دم یا رسیدم قوت چهارم سپهر پنجم می ششم ششم
و پنجاه بقدر بندگی سپهر بر این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب دیدن مال شادی بود و اگر بیند که سپهر در کا و دشت دلیل که
او را در آن سال چیزی حاصل گردد و اگر بیند که سپهر دشت دلیل که او را از مردی بزرگ مال حاصل آید و اگر بیند که سپهر در چهار پای دشت
و دلیل که او را از مردی غریب مال حاصل شود و اگر سپهر در آن دشت دلیل که بقدر آن مال از زیر بیا و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
و دیدن سپهر با می مجموع در خواب مال بود و سپهر جا نذر که گوشت و حلال بود مال حلال باشد و آنچه گوشت و می حرام باشد مال
بود و سپهر ه این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب بر این بود و خاصه که در وقت خویش باشد اگر کسی خواب بیند که زمین را شست
در آن سپهر بسیار بود و دلیل بر صلاح و پاک دینی وی بود و اگر بیند که در آن سپهر گیاه مجبول بود و او آن گیاه را نشناخت و در آن می گریست
و دانست که در آن زمین ملک و بیست ایمل دلیل بر دین و دیانت بینده کند و اگر بیند که در آن زمین گیاه معروفه بود و دلیل بر فرا
نعمت و مال وی بود و مغربی رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب چون بوقت بیند و دلیل از بد و درج بود این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر
در خواب نیک بود و اگر بیند که در سپهر زانم مقیم شد و دلیل که در راه دین مقیم شود و اگر بیند که مرده در میان سپهر زانم مقیم بود و دلیل بر بقیت
و ثواب اخراجت او بود و اگر مانی رحمة الله علیه که پدید سپهر زانم پاکیزه و خورم بیند و دانست که ملک و بیست و دلیل بر دین پاک و درج و دیانت
او باشد و اگر سپهر زانم در و پر مرده بیند و بیست بخلاف این بود و اگر بیند که در میان سپهر زانم بود که ملک دیگران بود و دلیل بر صحبت
او با مردمان پارسا و دیانت باشد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که صحبت او با مردمان مفید بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سپهر
در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی راه اسلام و دم وین سوم عقا و پاک چهارم بر سپهر گاری بسمل این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر
که چشمه های وی سبز است چنانکه نمیتوانست دیدن و دلیل که بقدر تاریکی در دین وی نقصان باشد و اگر چشمه های آن رقی بود و دلیل
در آن بود و دلیل که در راه بدعت ماند و اگر چشمه های شمالا و در و بسمل در آن بود و دلیل که فرزندش بسیار بود و اگر بیند که بسمل چشمه های بر سر
و دلیل که توبه کند و بعضی گویند که فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غربت بود و دلیل که بسلاامت در وطن خود باز رسد و بسبب
این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب بر منافق بود که بر دست وی مال ضایع شود و اگر مانی رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب
کثیرنک یا خادم بود و اگر بیند که بسببی تو فر گرفت یا بخیر و دلیل که کثیرنک بخیر یا خادمی او را حاصل شود و اگر بیند که بسبب ضایع شد یا بست
و دلیل که کثیرنک یا خادم و امیر و اگر بیند که بسببی او را سوراخ شد و دلیل که کثیرنک یا خادم او بیمار شود و اگر بیند که بسبب ازاب صفائی بود
و دلیل که از کثیرنک یا خادم منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سپهر در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی مرد و منافق و دوم زن سیدم
خادم چهارم کثیرنک پنجم قوام وین بسببوس این سپهر رحمة الله علیه که پدید سپهر در خواب دلیل بر نیازمندی بود و اگر بخواب بیند

حرف سبک

سبک

سبک

دور

آن سبوس مجبور دلیل که در آنجا نقطه و تکی افتد و اگر میند که سبوس را از خانه بیرون بخت دلیل بر غیبت و فراخی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبوس در خواب بر سر نهاده بود یکی نیاز سندی و دوم نقطه سیدوم تنگی معیشت سبید ابابن سیرین رحمه الله علیه گوید سبید خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر میند که سبید اباب داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی گفتگو کند و پیوسته غمگین باشد و اگر میند که سبید اباب بروی داشت دلیل که بقدر او رستخ و دنیا حاصل شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید سبید روی خد مکنار بود و بعضی از سبید میند که خدائی خانه بود و نیک و بدان مکه خدای خانه باز کرد و سبید عمر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که سبید میند دلیل که از زبان وی ظاهر گردد و اگر میند که سبید نتوانست زدن دلیل که کاری کند که آن کار نداند مغربی رحمه الله علیه گوید سبید مرده در خواب دیدن مرد از اینج و سختی بود و زنا از سوانی و ظاهر شدن را ز بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبید مرده در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی خبر کرده و دوم سخن دروغ سیدوم ظاهر شدن را ز چهارم رنج و سختی ستارگان و انیال علیه گوید ستارگان در خواب دلیل بر بزرگان و امیران و افتاب بر باد شده و ماه دلیل بر فرزند اگر محل را خواب میند دلیل که او را با هم و با قین شغل افتد و او را مال نعمت از او حاصل آید و اگر شتر را بخواب میند دلیل که او را با همتری پارسا و مصلح نیک خواه کا رفت و اگر گریخ را بخواب میند تاویل آن بر زنان خوب روی و ششم و خادمان پیوند و از ایشان خیر و راحت یابد و اگر عطار را بخواب دلیل که او را با مردم حکیم و سبکی است و از وفایده یابد و اگر میند که بعضی از ستارگان با وی سخن گفتند دلیل که بزرگی و فخر است بر سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ستارگان ناسه چون عیوق و عقیق و سبیل و کلک بعضی از ستارگان می پرستیدند اگر یکی از ایشان بخواب میند دلیل که او را با مشرکان صحبت افتد و اگر میند که ستاره روشن بر زمین افتاد و ناپدید شد دلیل علمی بر اندازد را ز و نیاب و دوری و حکمت و بالکیم هم یکتا و آن اگر میند که ستارگان میگردند دلیل که فتنه و آشوب در بزرگان افتد و اگر میند که ستاره بر گرفت دلیل که او را پسری آید و مقرب پادشاه گردد و اگر در خانه خود ستاره میند دلیل که او را فرزند از بسیار شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که ستارگان در آسمان تخرق شدند دلیل که تفرقه در میان پادشاه افتد و اگر میند که ستارگان سعد هم جفتند دلیل که حاش نیک شود و اگر میند که ستارگان از خانه وی بر آمدند دلیل که فرزند از وی مقرب پادشاه گردند و اگر میند که ستارگان سطح وی شدند دلیل که پادشاهی یابد و اگر میند که ستارگان سخن میگفتند دلیل که پادشاه وقت داد و اگر خلاف این میند دلیل که پادشاه ظالم و ستمگار بود و اگر میند که ستارگان با هم جنگ میکردند دلیل که در آنجا جنگ و کارزار باشد و اگر میند که ستارگان در سبیل خود نماند و دلیل که مال بسیار حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که از ستارگان یک ستاره در برابر او متحرک شود و در وی کاف و دلیل که در آن فرزند می خیزد و گرامی آید و اگر میند ستاره که خداوند طالع اوست و در منزلت خویش است و دلیل که نسلش زیاده شود و اگر میند که ستاره می پرستید و دلیل که خدمت بزرگی با عالمی کند اسماعیل اشعث رحمه الله علیه گوید ستارگان که مردم در میان بر او می برند و خواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و ستارگانیکه مردم آزادی پرستند و دلیل بر شر و مضرت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ستارگان در خواب بر نه وجه بود یکی افتاد و دوم علم سیدوم قصات چهارم خلفا پنجم و در ششم و هفتم عزانه دار هشتم مرد

جمله

بجای نم شاکردان حکایت آورد و اندر بنام و مردی بخواب وید که سار و روشن بر زمین افتاد و متعین نگشت که عالمی
 در آن هفته امام عظمی از دنیا رحلت کرد و ستون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ستون در خواب خداوند اقبال و دولت بود
 بخواب بید که ستونی داشت و قوی بود و دلیل که از مردی مقبل مالی حاصل کند و اگر بید که ستون خانه وی بنیاد و پائیکست
 دلیل بر پاک او بود که مانی رحمه الله علیه گوید ستون در خواب سلام بود اگر بید که ستون خانه بنیاد و پائیکست و دلیل که خدا
 خانه پاک شود و اگر بید که ستون خانه وی باریک بود و دلیل بر ضعف بن دینی وی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ستون
 در خواب بر پنج وجه بود یکی خداوند دولت دوم مرکب سیوم و محشم چهارم قوت و کار باجم ولایت سجاد و ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید سجاد و در خواب دیدن بخیر بود اگر بید که در مسجدی بر سر سجاد و نشسته بود و دلیل که بسفر سجاد و قوت
 و اتحاد و امین مقام ابوالقاسم مصلحی خاصه چون بید که در مسجدی مستغنی شد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید
 که سجاد و شپین یا پند داشت و دلیل که بطاعت و عبادت مشغول گردد و اگر بید که سجاد و او بسوخت تا ویش بخلاف این بود
 و اگر بید که سجاد و وی شپین بود و دلیل که طاعت وی ریائی بود مسجد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که باری سجاد
 و نقالی را سجده کرد و دلیل که بر مردی بزرگ خطر یا بدو اگر بید که بخیر خدا تعالی را سجده کرد و دلیل که مراد وی که وار و برینا چهر
 صادق رضی الله عنه گوید اگر بید که بهتر یا سجده کرد و دلیل که او را از سلطان رحمت رسد که تعالی مَعْبُودُونَ مَرُوحُونَ
 اللَّهُ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ وَلَا يَضُرُّكُمْ سخن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که تراز و در دست و پشت و پیش سجد
 و دلیل که میان مردم و او می کند و اگر بید که هستی سجد و دلیل که حکم رستی کند که تعالی و ز نو بال قسط السقیم
 اگر بید که هست سجد اگر ارباب علم بود و دلیل که قاضی گردد و اگر عالم نبود و دلیل که بقاضی محتاج گردد و جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید راست سخن در خواب بر چهار وجه بود یکی حکم راست دوم نیکوئی سیوم محتاج شدن بدوری چهارم حاکم شدن و اگر
 کج سجد تا ویش بخلاف این بود سخن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سخن گفتن در خواب شنیدن بتاویل بر زبانها گفتن
 بود و اگر بید که بر زبان عربی سخن گفت و دلیل که از متران خود جاہ یا بدو اخبار یا حضرت رسول صلی الله علیه و سلم
 استماع کند و اگر بر زبان پارسی سخن گفت یا شنید و دلیل که با متران او صحبت فتنه و آزار ایشان نیکی یا بدو اگر بر زبان عبری سخن
 گفت یا شنید و دلیل که میراث یا بدو اگر بر زبان هندی سخن گفت یا شنید و دلیل که با مردم بی مهل و دن محبت ویرا کار می آید
 و اگر بر زبان ترکی سخن گفت یا شنید و دلیل که او را با و باقی صحبت افتد و اگر بر زبان خوارزمی سخن گفت یا شنید و دلیل که خبر
 کرده و شنود و اگر بر زبان سقلاقی سخن گفت یا شنید و دلیل که با مردم بی انصاف او را شعلی افتد و اگر بر زبان یونانی سخن
 گفت یا شنید و دلیل که بمعقولات مشغول گردد و اگر بر زبان رومی سخن گفت یا شنید و دلیل که او را نصیحت تا وای غم و اندوه
 رسد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بید که همه زبانها سخن گفت یا شنید و دلیل که در همه کارها شروع کند و او را از ان منفعت
 بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بید که بر زبان که در خواب سخن گوید و شنود و اگر خواب خیر و صلاح بود تا وایل آن خیر و صلاح

باشد و اگر سر و قشا و گوید تا یل آن بدان موجب باشد و اگر بیند که براندامی از اندامهای خویش سخن گفت دلیل که برنخستن گوا
 راست و به قول تعالی **يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ** ه
 و هر اندامی که بدان سخن گوید دلیل برستم و بیدار باشد سراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سراب و خواب خصوصت و دواوری
 بود و اگر بیند که سراب داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی خصوصت کند و اگر بیند که سراب بخورد و همین تاویل دارد و سخن رحمه الله علیه
 اگر بیند که سراب زده شده بود و میخورد و دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که سراب کسی داد یا از خانه بیرون بکند دلیل که از جنگ و خصوصت خلاص
 و در دیدن سراب بخواب هیچ منفعت نباشد سر و انیال علیه السلام گوید سر بخواب دیدن بهتر است و بود و اگر بیند که سر برید و دلیل
 که بهتر بود و دوست دارد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بر خرم شش از تن جدا گردد اگر دوا را موار باشد و دلیل که ویش گذارد
 شود و از خرم فرج یابد و اگر این خواب بنده و دلیل که از او در دو و اگر بخورد بنده شفا یابد و اگر متری بنده ولایت یابد و اگر از او بیند و دلیل که
 خواهد تا اگر باشد بر سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی سرانی بریده بسیار بیند دلیل که مهران اینجا بسیار جمع شوند و اگر بیند که از آن سر است
 یا پوست یا مغز یا پوست دلیل که از آن مهران مال یابد و اگر بیند که پوست سر یا میخورد و دلیل که از مهران و شیان حاصل کند و اگر بیند
 که پوست سر را در موم میخورد و دلیل که متری با وی عتاب کند و اگر بیند که سر وی محروم میخورد و دلیل که سر یا به خود را بخورد و اگر بیند که سر را
 یا بی و شتی میخورد و دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر وی محمول میخورد و دلیل که سر یا به کسی بخورد و اگر بیند که سر مرغی میخورد و دلیل که بقدر آن مال پادشاه
 بخورد و اگر بیند که سر وی سر یا پیش او آورد و دلیل که سر و او کرده و از ایشان خیر و نیکی بیند و اگر خواب سر زنی بیند و دلیل که از زن
 تا اگر راحت یابد و اگر بیند که سر کو سپندی میخورد و دلیل که عمرش دراز گردد و مال حلال یابد و اگر بیند که سر کاه میخورد و دلیل که انسان مال
 نعمت یابد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر در خواب سر بزرگ بیند و دلیل که جاه و مرتبت یابد و اگر بیند که او را در سر بود و دلیل که کارش قوی گردد
 و اگر سر خود برهنه بیند و دلیل که از شعله دار و بیفتد و غمگین شود و اگر بر سر خود جراتی بیند که از آن خون می آمد و دلیل که با کسی وادری است
 و اگر بیند که سر وی مغز سیرین آمد و بر زمین افتاد و دلیل که سر یا از دست وی برود و اگر بیند که مغز باز جای خود نماند و دلیل که مایه بیدار
 آورد و اگر بیند که سر وی چرب بود و دلیل که کار ثانی خیر کند و اگر بیند که سر بریده در دست داشت و دلیل که مال بسیار یابد و در ولایتی بهتر
 و فرمان روا گردد و اگر بیند که سر وی سخن نیکو گفت و دلیل که نیکو کار باشد و در کارها انصاف نگاهد و اگر سخن بد گفت و دلیل که خلاف این بود
 و اگر سر خود را بدو نیم بیند چنانکه یک نیمه در دست راست و شست و یک نیمه در دست چپ و شست و دلیل که مایه بیداری و بی بیداری و اگر بیند
 سر خود در دست خود داشت و دلیل که از متری خیر و منفعت یابد و سخن رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سر وی چون سر پل شد و دلیل که ولایت یابد
 و اگر بیند که سر وی چون سر شتر شد و دلیل که بفساد و حرام گراید و اگر بیند که سر وی چون سر پل شد و دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که
 وی چون سر خر شد و دلیل که از بخت خود کامگاری یابد و اگر بیند که سر وی چون سر گاو شد و دلیل که بهر خلق خود را گرد و اگر بیند که سر
 چون سر گوسفند شد و دلیل که چهل بروی غالب گردد و اگر سر خود چون سر شتر بیند و دلیل که فرمان روانی یابد و دشمنان را قهر کند و اگر سر خود
 چون سر سگ بیند و دلیل که دل و خواری یابد و اگر بیند که سر خوک شد و دلیل که بفساد و لغو باشد و اگر بیند که سر وی گاو بیند و دلیل که

دلیل بر پاک دی بود و اگر میند که سرورین یا مین شد دلیل که مال یا بد و اگر میند که سر او مین یا مین بود دلیل که خدمت سری علیه
 کند و اگر میند که سر او چپ بود دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر میند که سر او سفالین بود دلیل که خدمت مردی لاف زن
 کند و اگر میند که سر وی چون سر مرغان شد دلیل که مسخر و دو و اگر میند که سر او بریده داشت دلیل که او را برادر کند و اگر میند که سر
 ازین جدا گردد و باز بر جامی ننهد و درست شد دلیل که عاقبت در عجب شهادت یا بد و اگر میند که سری داشت در نش آسین بود دلیل
 که او را پسری آید و اگر زنی خود را بر سر تراشیده بیند دلیل که شوهرش بمیرد و اگر میند که سر بریان میخورد و دلیل که مال یا بد و اگر میند که سر بریان
 میخورد یا کسی بوی داد و از آن بخورد و دلیل که از متهری فایده یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر بریان تا دین نبی یا متهری کردن
 باشد و اگر میند که سر خام میخورد و دلیل که متهری را غیبت کند و سر خنجر بهتر از خام بود و ظاهر معبر رحمه الله علیه گوید سر مردم بخواب
 بود یا متهری یا پسراگر سر خود را بریده بیند دلیل که از پدر و مادر بریده شود و اگر سر خود را بدست خود بیند دلیل که با ایشان میزند و اگر
 سر خود را باز برگردان خود بدست دلیل که از کسی بضاعت بستاند یا دام کند و اگر میند که سر ای بریده و پیش داشت و خض میگرد
 دلیل که متهری یا را غم و اندوه مصیبت شد و اگر سر پاوشاه بر دوش خود بیند دلیل که ده هزار درم یا بد جعفر صادق رضی الله عنه
 سر مردم بخواب دیدن بر دوازده وجه بود یکی رئیس و دم متهر سوم پدر چهارم مادر پنجم امام ششم مؤذن هفتم عالم هشتم ده هزار درم
 نهم تسبیح غلام یا دهم زن و آواز دهم تو اگر کسی اگر بخواب بیند که سر بزرگ کرد و جامه پاک پوشیده بود دلیل که او را با متهریان صحبت
 افتد و اگر جامه هر کس بود که پوشید و دلیل که از متهری غم و اندوه یا بد و اگر میند که سر تا در تنور نهاد و دلیل که از متهریان و خادم کارش
 بر سر آب تا ویش سخن باطل باشد و علی که در منفعت نبود این میرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در زمین برای مقیم شد دلیل
 که بعلم باطل و سخنی که درو خیر نباشد مشغول گردد و اگر میند که از زمین سر آب میخورد و دلیل که از علم باطل مان صبح کند سر او و این
 میرین رحمه الله علیه گوید اگر خود را در سر پرده بیند و اندک ملک او بود و دلیل که بزرگی و منزلت یا بد و باشد که متهر شود و اگر
 که در سر پرده پاوشاه مقیم شد دلیل که از پاوشاه حرمت و جاه یا بد و اگر میند که سر پرده پاوشاه بنیفا و دلیل که زوال ملک است و ی
 و اگر میند که سر پرده پاوشاه بسوخت و دلیل که پاوشاه بمیرد و اگر میند که پاوشاه او را از سر پرده بیرون آورد و دلیل که پاوشاه بی
 و ملک بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین سر پرده و خواب بر پنج وجه بود یکی سلطنت و دوم ریاست و سوم ولایت
 چهارم دولت پنجم سرنگی سمر و انیا علی السلام گوید اگر کسی خواب بیند که در سری بیگانه شد و هیچ نشاخت و در آنجا مردگان دید
 دلیل که آن سری آخرت است و صاحب خواب را وقت اجلش باشد و اگر میند که در آنجا شد و بیرون آمد و دلیل که بیماری او بود و دلیل
 شفا یا بد و اگر میند که سری معروف شد و بنیادش از گل بود و دلیل که در روزی حلال یا بد و اگر میند که بنیادش از گچ و آجر و آجر بود و دلیل که مال
 حرام یا بد و اگر میند که سری بزرگ و فراخ بود و دلیل که روزی بزرگ و فراخ گردد و اگر سری کوچک بود و تا ویش بخلاف این بود این برین
 رحمه الله علیه گوید اگر میند که سری خود میکند و دلیل که راه صلاح بر خود ببندد و عبادت نکند و اگر میند که سری کند را میکند و دلیل که در
 خیرات بروی کشاده شود و اگر میند که سری نو یا کهنه بود و دلیل که بر تن درستی و عمر دوازده و پدر کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که سری نو

و پاکیزه در نشسته و دانست که ملک و سیست دلیل که روزی بروی فراخ گردد و در خواب و یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین سرای
 در خواب بر بخت و بهر بود یکی هر روز زن و زن را شوی و دم نواگری سیدم این چهارم عیش و ششم مال ششم ولایت هفتم امانت و هشت
 سرب این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که سرب داشت دلیل که از متاع دنیا چیزی درون او حاصل شود و اگر ببیند که سرب
 میگذارد دلیل که به بدی و زبان مردم افتد سرخس جامه بداند که در جامه مردان سرخی که است بود و رنج و اندیشه و ناز و آخر و در
 و اگر روزی ببیند که به جامه وی سرخ بود دلیل که غنچه و خون ریختن او دست دارد و بر مردم ستم کند بعد سرخ جامه سرخ جامه
 در خواب دیدن دلیل بر زنا و مال بود و اگر ببیند که بر تنی سرخ پیرون آمد دلیل که مالی بچ و سختی بدست آورد و اگر ببیند که سرخ
 از تن او ناپدید شد تا ویش بخلافین باشد سرخه این سیرین رحمة الله علیه گوید سرخه این در خواب برنج و در بود یکی سرفه زد و دم
 سرفه خشک سوم سرفه بلغم چهارم سرفه که خون برآید پنجم سرفه که صفرا برآید و اگر خواب ببیند که بگاه سرخه این بلغم برآورد دلیل
 پیش کسی شکایت کند از بانی که بوی رسد یا بسبب مالی که از وی ضایع شود و اگر ببیند که سرفه خشک داشت دلیل که شکایت
 وی از محال و بهیوه بود و اگر ببیند که سرفه تر داشت دلیل که شکایتی از خویشان بود و اگر ببیند که سرفه خون داشت دلیل
 شکایتی از فرزندان بود و اگر ببیند که سرفه صفرا داشت دلیل که مردی بود که از بهر شکایت کند و اگر ببیند که متری می سرفه
 دلیل که غمخوارین بود که مالی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که او را سرفه می آمد دلیل بر ناتوانی باشد و اگر ببیند که سرفه در گلوئی او باشد
 دلیل که وقت مرگش باشد اگر ببیند که او را سرفه پیران پیدا شد چنانکه بلغم می انداخت دلیل که از غم و محنت فرج یا بد جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید اگر خواب ببیند که می سرفه دلیل که از پادشاه بوی آفت رسد سر که این سیرین رحمة الله علیه گوید سر که در خواب
 مال حلال بود یا برکت و خور و نشن تاویل هم نیک باشد چنانکه حضرت رسول الله علیه السلام فرمود خیر لک ان دخل
 و بعضی خبر آن گفته اند که سر که ترش در خواب غم و اندوه بود و سر که فروش در خواب مردی خشم و دست طلب بود سر که این سیرین
 رحمة الله علیه گوید سر که این سب و گاه در خواب مال و نعمت بود اگر ببیند که سر که این بسیار جمع آورد دلیل که او مال و نعمت حاصل
 و اگر ببیند که سر که این مردم بود دلیل بر مال حرام بود و اگر ببیند که در آب خانه سر که این می انداخت دلیل که مردی بوی رسد و نقصان
 مالی بود و اگر ببیند که در بستر پیدای بگرد دلیل که از مال خود بعضی بخیال دهد و اگر ببیند که سر که این نکست و آن سر که این را بجان کشید
 دلیل که مال در زمین پنهان کند که مالی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که سر که این مردم میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر ببیند که بجا بکشی
 مجهول سر که این فکند دلیل که مال خود بجا فی خرج کند و اگر ببیند که تن خود را بر سر که این بیاورد دلیل که در گناه افتد و اگر ببیند که اسب
 پیدا شد دلیل که مال با اسراف خرج کند و انیال علیه السلام گوید سر که این مردم مال حرام بود و سر که این چهار پایان مال حلال
 و سر که این دوان مالی باشد که بظلم بدست آید مغربی رحمة الله علیه گوید بر پیدی که از مردم جدا شود و دلیل بر این باشد و اگر ببیند
 مسان پیدی بر پشت و غرق شد دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر ببیند که پای بر پیدی نهاد و بختیاد و جامه و
 او دود گشت دلیل که از خاک مضرت بیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر که این در خواب بر جامه بوی که مال حرام بود و دم کشید

بود و بعضی گویند که سرین راست دلیل بر پیر کند و سرین چپ دلیل بر دختر کند و اگر بیند که سرین وی محکم و قوی بود و دلیل
 فرزندش نیک حال بود و اگر سرین ضعیف و کوچک بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که سرین وی شکست دلیل که
 فرزندش میرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن سرین در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند و دوم قوت سوم باغ چهارم یکی از
 خوشیانش سطل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سطل در خواب دلیل بر دشمنی بود اگر بیند که سطلی از بخیرید دلیل که کینش بخیرد و اگر
 بیند که سطلی می شورش شد دلیل که عیبی بر کینش ظاهر شود سبط ابن سیرین رحمه الله علیه گوید معتقد در خواب غم و اندوه بود و
 خوردن آن خصومت و بعضی گویند که خوردن آن نقصان مال باشد و دیدن سحر در خواب خیر نباشد سفر کردن ابن
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سفر کرد و دانست که آن مقام بهتر از اینست که بود دلیل که حالش نیکو شود و الا بخلاف این
 بود و اگر بیند که سفر کرد و ندانست که بجای رفت دلیل که انحال خود و ور کرده یا از آن سرای نقل کند و اگر بیند که بود
 قوی میرفت یا گریه بود و احوال آمد و دلیل که مدتی حال و کار بروی متغیر گردد و باز به حال خویش آید مخبر فی حقیقت
 علیه گوید اگر بیند که با بزرگ و ساز تمام سفر رفت دلیل که کارش نیک شود و اگر بخلاف این بیند کارش بد شود سفر
 بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سفره نو پاکیزه داشت یا بخیرید دلیل که کینش زشت روی بود و اگر بیند که
 بران و نعمت بود و دلیل که از آن کینش شفقت یا بدگمانی رحمه الله علیه گوید سفره خواب سفری با منفعت بسیار
 و اگر سفره کوچک و تنگی باشد دلیل که منفعت کمتر بود و اگر بیند که سفره او بسوخت یا ضایع شد دلیل که کینش برین
 یا مالش تلف شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سفره در خواب بر چهار وجه بود یکی کینش و دوم خدمت کار
 سوم سفر چهارم کسب معیشت سفوف خوردن آن در خواب غم و اندوه بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 بیند که سفوف خورد و از خوردن آن خیر و منفعت یافت دلیل بر خیر بود سقا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سقا
 مردی بود که بر دست وی خیرات بود و خاصه که اگر بیند که بر مردمان آب بی طعم میداد و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر
 بیند که سقائی میگردی طعم دلیل که بجای حضرت راعب باشد و اگر بیند که مشک پر آب کرد و کسی نداد و دلیل که مال
 جمع کند و الا راحت از آن نیاید و اگر بیند که آب بخانه کسان میرسد و دلیل که بخت کسان مال جمع کند و الا از آن
 متع نباشد سفقور مایه ایست که در میان ریگ میداشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب سفقور
 داشت دلیل که او را کارهای نیک حاصل شود و بکام دل برسد اما درین ضعیف بود و متحیران گویند که مایه
 در خواب کرده باشد سقمونیای ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سقمونیای خواب لیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود
 و اگر بیند که از بر علتی خورد و از آن شفا یافت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که از خوردن سقمونیای مضرت یافت
 و دلیل بر نقصان مال بود سگ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سگ در خواب دشمنی فرماید بود و هر بان با
 و سگ سیاه دشمنی از غیب بود و سگ سفید دشمنی از بجم باشد و اگر بیند که سگی او را بکشد و دلیل که از دشمن گزند یابد

سجده

و اگر بیند که جامه او باب دهن سگ کرده شد دلیل که از دشمن سخن خسته گرد و اگر بیند که سگ جامه او بدرید دلیل که در مال نقصان
آید و اگر بیند که گوشت سگ سیخ و دلیل که دشمنی را دفع کند و اگر بیند که مان سگ و او دلیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بیند سگی
با وی نزدیکی کرد و دلیل که دشمنی بوی طبع کند و اگر بیند که سگ بروی تکیه کرد و دلیل که بدشمنی فرمایند و اگر بیند که شیر سگ سیخ و
دلیل که ترسی و بیجی بوی رسد و اگر بیند که سگ از وی میگریزد و دلیل که دشمنی بر حذر باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماده سگی در
خانه وی آمد و دلیل که زنی و دهن است و فرومایه بر نی کند استعجال شعث رحمة الله علیه گوید سگ شکاری دشمن ظاهر باشد اگر بیند
که سگ شکاری شکار میکرد و دلیل که او را از دشمن که دعوی و لشکر کند خیری بدور رسد و اگر بیند که گوشت سگ شکاری سیخ و دلیل
که مهربانی یابد و اگر بیند که سگ شکاری از وی دور گشت و دلیل که از دشمن بامنفعت جدا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
سگ در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه طامع سوم دانشمند چهارم مرد غماز سگ با ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید سگ با اگر گوشت که سپید و جوی نیکو بخت بود و دلیل بر عیش خوش و عروجه بود و اگر گوشت که گاو بخت بود و دلیل بر یافتن مال است
بود و اگر گوشت مرغ بخت بود و دلیل بر عیش خوش و بزرگی و فرمان روائی بود سکوره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سکوره
نوبد و او اند و دلیل که سختی لطیف شود و اگر بیند که سکوره شکست یا ضایع شد و دلیل که سخن باطل شود و بعضی از معبران گویند
که سکوره در خواب کینک بود و اگر بیند که سکوره نو خرید و دلیل که کینک نومی خرد و اگر بیند که سکوره شکست و دلیل که کینک ادعای شود و جعفر
صادق رضی الله عنه گوید که سکوره در خواب بر نه وجه بود یکی دشمن دوم خادم سیدم کینک چهارم دوام دین پنجم صلاح ششم در بقیمت مال ششم
سخن خوش نهم سیرت از جهت زمان سگنجین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سگنجین در خواب چون شیرین بود دلیل بر مال و دوزخی حال
که آسان بدست آید و اگر ترش بود و دلیل بر غم و اندوه بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیماری بیند که سگنجین خرد و اگر شیرین بود و دلیل که شفا
یابد و اگر ترش بود و دلیل که بیماری او دوا نگیرد و صلاح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلاح پوشیده در میان خلقی بپایه بود
و دلیل که عوام زبان بروی در آنگند و لیکن بگوید بوی رسد و اگر بیند که بوی شهاب و دلیل بر دشمنان ظاهر باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر خور
باید و کمان بیند و دلیل که بزرگی یابد و اگر بیند که از ان التماسی که بدان جنگ کند چیزی شکست یا ضایع شد و دلیل بر نقصان بزرگی می یابد
و اگر بیند که با کسی جنگ نزد میگرد و دلیل که در جنگ حضومت افتد و اگر بیند که کسی او را بود و دلیل که آنکس را مضرت رساند مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کسی او را زخمی بزند و نماند که آنکس که بود و دلیل که او را مضرت رسد و اگر بیند که در آن زخم بریم جبهه شد و دلیل که بقدر آن مال
شود و اگر بیند که بدان زخم که زد و گوشت استخوان ببرد و دلیل که از آنکس مال نگیرد رسد و اگر بیند که در حرب دست کسی ببرد و دلیل که او را سختی
سخت گردد و میان ایشان جدائی افتد و اگر بیند که سر یکی ببرد و دلیل که مالش بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین صلاح و در خواستش
وجه بود یکی قوت دوم بزرگی سیم دولت چهارم ولایت پنجم ریاست ششم حصن و صلاح گرد خواب پادشاه بزرگ داد و اگر بود
سلام کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد و دلیل که آن دوست از وی شادی بیند و اگر
بیند که دشمنی بروی سلام کرد و دلیل که دشمن دوست وی نشود و اگر بیند که کسی مجهول بروی سلام کرد که او را ندیده بود و دلیل که غریبا

سجده

سجده

سجده

سجده

سجده

با وی دوستی و آشنائی گیرد و اگر بیند که پیری بروی سلام کرد که او را ندیده بود و دلیل که از عذاب حق تعالی این گرد و اگر بیند که پیری آشنا
بر وی سلام کرد و دلیل که زنی خوب روی خواهد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد و جواب سلام او باز نداد و دلیل که میان
اینسان جدائی افتد سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی جوان بروی سلام کرد و دلیل که اقبال دنیا یابد و اگر بیند که در نماز بود و سلام
بجانب چپ داد و دلیل که کارش شورید و اگر در جعفر صادق رضی الله عنه گوید سلام در خواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی و دوم شادی
سیوم اقبال چپ در منقوشه شال سلطان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلطان در سراسی یا در مسجدی یا در شهری یا در
شد دلیل که بخی مصیبتی بران تمام رسوله تعالی ان الملوك اذا دخلوا قریة قتلوا و اگر بیند که در جنگ سلطان
غلبه کرد و دلیل آنکه حاجتیکه دارد روا شود و مقصود برسد و اگر بیند که سلطان دست رهتش برید و دلیل که سگندش و مبنده و اگر بیند که
سلطان از تخت بغیا و یا تخت شکست یا اسب او را لکه زد یا شمشیر وی بشکست یا کادی سرونی بروی زد و او را مجروح گردانید
اینه دلیل بر زوال ملک فی بود و اگر سلطان را و اگر بیند دلیل بر شرف بزرگی وی بود و بعد آنکه عدل کند و اگر بیند که سلطان بساط
بزرگ بگستر و دلیل که لکنت دنیا او را شود و عمرش دراز گردد و سفری رحمة الله علیه گوید اگر سلطان کاخ خویش نیکو بیند دلیل که عمر و جانش
زیادت گردد و اگر سلطان مرده را کشته روی و خرم میند و با وی سخن گفت دلیل که کار او نیکو شود و دشمنهای مرده او زنده گردد
سما روغ کیا هست که او را کجای خوانند و پیدان وی خواب زنی بود که بروی خیره نباشد و اگر ما در آینه سما روغ میند و دلیل که آن
بود که از زنی بوی رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر سما روغ بزرگ بود دلیل که او را پیری آید و اگر کوچک بود او را دختری آید
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سما روغ در خواب دیدن دلیل بر جنگ و خصومت بود و اگر بیند که سما روغ خورد و دلیل که کسی بنگردد و در خوردن
سما روغ هیچ چیز نبود و سما نه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سما روغ در خواب پیری غلام بود و اگر خواب بیند که سما روغ است یا کسی بوی
دلیل که غلامش را فرزند می آید و اگر بیند که سما روغ در دست وی پرید فرزند و خلاصش میرد که مانی رحمة الله علیه گوید سما روغ در خواب
مال روزی حلال بود قوله تعالی و اقولنا علیکم المن و السلوی و اگر بیند که گوشت سما روغ خورد و دلیل که روزی حلال باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید سما روغ در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند غلام دوم روزی حلال سیوم منفعت چهارم حیره مال
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سما روغ در خواب مردی کا فظالم در اینرن بود و اگر بیند که با سما روغ میگرد و دلیل که با مردی بدین صفت خصومت
کند و قوتش او را بود که غالب آید و اگر بیند که گوشت سما روغ خورد و دلیل که مال مردی غلام بخورد که مانی رحمة الله علیه گوید سما روغ در خواب مردی
غریب توانگر بود و گوشت در دست و موی وی در خواب مال و خواسته بود و اگر بیند که سما روغ بخت و گوشت او بر زمین افتاد
دلیل که مال مردی غریب تلف کند سنان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنان برتن خضم زد و او را بپایند دلیل که خضم
بخت غلبه کند و بروی ظفر یابد و اگر بیند که سنان وی بشکست یا ضایع شد تا و پیش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که سنان پولاد درفشنده داشت اگر اراذل آن باشد و دلیل که ولایت یابد و اگر اراذل آن نباشد از بزرگی منفعت بیش از
بیند که سنانش زنگنه گرفته بود و دلیل که نفقش از کتاف جعفر صادق رضی الله عنه گوید و پیدان سنان در خواب بر شش وجه بود یکی بخت

سفر

سلطان

سما روغ

سما روغ

سما روغ

سما روغ

دوم و لایت سوم

سنب

سنب

سنب

سنب

سنب

سنب

دوم و لایت سوم هر دو از چهارم قطعه پنجم ریاست ششم منفعت بقدر قیمت سنب ابن سیرین رحمه الله علیه که بدست در خواب
بود اگر بینه که سنبی فراگرفت یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزند یابد و اگر بینه که سنبی داشت و از صنایع شد دلیل که فرزندش غایت
یابد و اگر مانی رحمه الله علیه گوید سنب ضرر خواب مال بود و اگر بینه که سنبها فراگرفت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
و اگر بینه که بر پای او سنب بود و دلیل که عمرش بخوشی و خرمی گذرد و اگر بینه که سنب بیفتاد تا ویش بخلاف این بود سنب ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بینه که سنبی داشت و دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند و اگر بینه که سنبی خشک داشت تا ویش
بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که سنب تازه بخورد و دلیل که مال حلال بدست آرد یا فرزند یابد یا در آنجا مشهور
گردد و اگر بینه که سنبی را آتش میسخت و دلیل نقصان مال بود سنجاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سنجاب در خواب مردی غریب
و تو اگر و نا آفریننده بود و پوست و موی و استخوانی مال و خسته بود و گوشتی مال غریبی بود و اگر بینه که سنجاب را کشت
و گوشت او بخورد و بیفتد و پوست او پاره کرد و دلیل که مال مردی غریب تباہ کند و یا بقصد بستاند مانی رحمه الله علیه گوید
اگر بینه که سنجاب را خفه کرد و او را زرد نشخواران و آن شد و دلیل که دو شیرگی دختر میبرد و سنجاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
در خواب مالی صالح بود که برنج بدست آرد و اگر بینه که سنجاب خرید یا کسی بوی داد و دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بینه که سنجاب
میخورد و دلیل که مال را بر عیال نفقه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سنجاب در خواب بر سر و جد بود یکی مال برنج دوم مال برنج سنب
منفعت از مردم بدو می رسد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سندان خواب دیدن پیش بزرگ بود و اگر بینه که سندان فراگرفت
یا کسی بوی داد و دانست که ملک است و دلیل که از ریشی خیر و منفعت یابد مانی رحمه الله علیه گوید سندان در خواب دلیل
با متری صحبت افتاد و از وی راحت یابد و اگر بینه که سندان یکی داد یا صنایع شد دلیل که از صحبت مردی بزرگ جدا شود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن سندان در خواب برنج و جد بود یکی متری دوم منفعت سیدم خوت چهارم و لایت پنجم اقبال کار
سنگها مانی رحمه الله علیه گوید در خواب دیدن سنگها برود و جد بود یکی مال دوم متری و هر سنگی که نرم بود منفعت بیشتر
و اگر بینه که سنگی سپید گرفت و دلیل که با متری خوش خلق او را صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بینه که سنگی سیاه گرفت
و دلیل که با متری از عیال او را صحبت افتد و اگر بینه که سنگی سرخ گرفت و دلیل که از متری منفعت او را راحتی باشد و اگر بینه که بزرگ
برفت و سنگهای بسیار در دامن که گرفت و بیاورد و بکند اگر آن سنگها سپید یا سیاه بود و دلیل بر منفعتی که بدین سیرین رحمه الله
علیه گوید دیدن سنگها در خواب سختی باشد و اگر بینه که سنگ از زیر آب جمع میکرد و دلیل که مال بکند و حیات جمع کند و اگر بینه که
از کوه ستر شید و دلیل که مال از بزرگی جمع کند و اگر بینه که سنگ از میان جمع میکرد و دلیل که از سفر مال جمع کند و اگر بینه که سنگ بزرگ
انداخت و دلیل که بکراست از مال خود بکشی چیزی دهد و اگر بینه که کسی سنگ بر او انداخت و دلیل که بقدر آن مال با بد مغربی رحمه الله علیه
اگر بینه که کسی سنگ انداخت و دلیل که بروی تمت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنگ در خواب بر چهار وجه بود یکی
مال دوم متری سیدم خنی در کار و چهارم کسب برنج سنگ خواره مرغیت که سنگ ریزه بخورد و ابن سیرین رحمه الله علیه

باری سبحانه و تعالی او را از خواست نگاه دار و سوره النمل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره النمل میخواند دلیل بر
پایه کرمانی رحمه الله علیه گوید دولت بخش مساعده کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مال و نعمت فراوان یا سوره القصص
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره القصص میخواند دلیل بر مال و نعمت یا بدو بزرگتر حق تعالی مشغول گردد که کرمانی رحمه الله علیه
پیوسته در راه دین و صلاح گوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راهی رحمت بروی کشاوه گرد و سوره العنکبوت ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره العنکبوت میخواند دلیل بر توفیق ترک در امان خدا تعالی باشد که کرمانی رحمه الله علیه گوید
و ملازمین گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خلق را از صلاحیت و نعمت و نصیب بود سوره الروم ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید اگر خواب بیند که سوره الروم میخواند دلیل بر دست وی شهری از روم کشاوه گرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید در کار دین و دوا
مجتهد گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روم را از دین و صلاح دی بهره باشد سوره السجده ابن سیرین رحمه الله علیه
اگر خواب بیند که سوره السجده میخواند دلیل بر سجده باشد که از دنیا برود که کرمانی رحمه الله علیه گوید که سجده تعالی بسیار کند جعفر صادق
علیه السلام گوید که یافت کارش محمود باشد سوره الاحزاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الاحزاب
دلیل بر مال و بدو بخشم و در کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سوره الاحزاب میخواند دلیل بر صدق و یارید و جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اگر بیند که سورت الاحزاب میخواند متابعت باری سبحانه یا بدو سوره التبا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره
التبا میخواند دلیل بر که نا بدو و عا بدو کرمانی رحمه الله علیه گوید پیوسته در عبادت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت صلی کنید
سوره فاطر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره فاطر میخواند دلیل بر عاقبتش محمود گردد که کرمانی رحمه الله علیه گوید
پیوسته در طاعت مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در نعمت بروی کشاوه گرد و سوره یس ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید اگر خواب بیند که سوره یس میخواند دلیل بر عاقبتش بخیر باشد که کرمانی رحمه الله علیه گوید که عمرش دراز باشد اخذ تعالی حق
رحمت یا بدو جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دوستی حضرت رسول صلی الله علیه و سلم در دلش مستقیم شود سوره الصافات
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الصافات میخواند دلیل بر بهدایت دین از باری سبحانه و تعالی توفیق یابد که کرمانی
رحمه الله علیه گوید که بر راه صلاح در آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که فرزند وی صالح آید سوره ص ابن سیرین رحمه الله علیه
اگر خواب بیند که سوره ص میخواند دلیل بر مالش زیاده گردد و بزرگ شود سوره الزمر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند
سوره الزمر میخواند دلیل بر حق سبحانه و تعالی کنایهش عفو کند که کرمانی رحمه الله علیه گوید خاتمت کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دینش قوی گردد و سوره مؤمن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره مؤمن میخواند دلیل بر محکم
بود کرمانی رحمه الله علیه گوید شریعت نگاه دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید رحمت و غفران باشد سوره فصلت ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره فصلت میخواند از مقربان حق گردد که کرمانی رحمه الله علیه گوید پیوسته در صلاح دین گردد و جعفر
صادق رضی الله عنه گوید داعی بود بحق و اجابت کند ویرا سوره حم عبس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند

سوره النمل
سوره القصص
سوره الروم
سوره السجده
سوره الاحزاب
سوره الفاطر
سوره الاحزاب
سوره التبا
سوره الصافات
سوره الزمر
سوره مؤمن
سوره فصلت
سوره حم عبس

سوره حم عشق میخواند دلیل که در آخرت از عذاب سسته گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید تا ویش همین باشد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید عرش در آن روز سوره الزخرف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الزخرف میخواند دلیل که نماز و طاعت بسیار
کند و پیوسته روزه دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست قول و خوب افعال بود سوره الدخان ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الدخان میخواند دلیل که شب طاعت کند کرمانی رحمه الله علیه گوید راست که شبی باشد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید توانگر گردد سوره الحاشیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحاشیه میخواند دلیل که توبه کند
و بخداوند تعالی باز گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر سوره کار بود توبه کند سوره الاحقاف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجواب
که سوره الاحقاف میخواند دلیل که فرمان دارد و پدر بجای آورد و کرمانی رحمه الله علیه گوید با مادر و پدر چنان کند و عجب بسیار بیند سوره محمد علیه السلام
غنیه گوید اگر نجواب بیند که سوره محمد علیه السلام میخواند دلیل که بر دشمنان ظفر ببرد کرمانی رحمه الله علیه گوید اوقات و بلا این گردد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید در جهان توفیق یابد سوره الفتح ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الفتح
میخواند دلیل که در همه باب و ارفع و نصرت باشد سوره الحجرات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحجرات
میخواند دلیل که مرموز با القاب خواند و غیبت نکند کرمانی رحمه الله علیه گوید که آزار کسی بخوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با
مردم پیوند سوره الذاریات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سوره الذاریات میخواند دلیل که بطاعت و عبادت مشغول
گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که با خلق خدای خود و احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بروی روزی فراخ گردد سوره
قاف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سوره قاف میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را بکارهای خیر و صلاح توفیق بخشد
کرمانی رحمه الله علیه گوید که کارهای دشوار بروی آسان گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از کسب خود بهره یابد سوره الطور
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الطور میخواند دلیل که بر دشمنان ظفر ببرد کرمانی رحمه الله علیه گوید که حقت تعالی علیه
او را یاری دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در مکه مجاور شود سوره النجم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره
النجم میخواند دلیل که حقت تعالی جل و علا در رحمت بروی گشاده گرداند کرمانی رحمه الله علیه گوید که بر دشمنان ظفر ببرد جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که حق سبحانه و تعالی او را پسری صالح دهد سوره القم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره القم میخواند
دلیل که بر دشمنان ظفر ببرد کرمانی رحمه الله علیه گوید که کارهای دشوار بروی آسان گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مجاور شود
کار نکند سوره الرحمن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الرحمن میخواند دلیل که از دروغ و حرام اجتناب
کند کرمانی رحمه الله علیه گوید که سیرت نیکو و راه دین گزیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین جهان مال یا بدو در آخرت
نعمت سوره الواقعة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الواقعة میخواند دلیل که از گناهان توبه کند کرمانی
رحمه الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در طاعت سبقت کند سوره الحی یا ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحید میخواند دلیل که روزی برنج و سختی یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید که راه آخرت

سوره الزخرف
سوره الدخان
سوره الحاشیه
سوره الاحقاف
سوره محمد علیه السلام
سوره الفتح
سوره الحجرات
سوره الذاریات
سوره قاف
سوره الطور
سوره النجم
سوره القم
سوره الرحمن
سوره الواقعة
سوره الحی
سوره الحید

از سید و رضای جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در راه دین ستوده کرد و سوره الحجا و له ابن
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحجا و له میخواند دلیل که او را بازمان خصوصیت افتد که مانی رحمه الله علیه گوید
که در راه دین با خلق حیا و له که جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با ایل خود خصوصیت کند سوره الحشر ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحشر میخواند دلیل که حشر وی با مخلصان باشد که مانی رحمه الله علیه گوید که صحبت
او با ویداران و اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن ظفر ناید سوره الممتحنة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الممتحنة میخواند دلیل که از مایش کار برستی کند که مانی رحمه الله علیه گوید که صحبت
او با اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نجیتر گرفتار شود که هلاک و دران باشد سوره الصف ابن
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الصف میخواند دلیل که در راه خدای غرض غل غل کند که مانی رحمه الله علیه
علیه گوید که پیوسته در رضای خدای تعالی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که آخر عمر شهادت یابد سوره الحج
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحج میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را توبه روزی کند که مانی رحمه الله علیه گوید که توفیق خیرات یابد سوره المنافقون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره
المنافقون میخواند دلیل که منافق باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از منافق توبه کند سوره التغابن ابن
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره التغابن میخواند دلیل که صدقات بسیار دهد که مانی رحمه الله علیه گوید
که دشمنی ضعیفان بکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که راست قول و مقیم احوال باشد سوره الطلاق
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الطلاق میخواند دلیل که با زنان گفتگوئی کند که مانی رحمه الله علیه گوید که سیرت حق نگا دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گفتگوی از بهر کار دین کند سوره التحریم ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره التحریم میخواند دلیل که در خانه خود سخن بنفاق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با خیر
نوب کند و در باشد سوره الملك ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الملك میخواند دلیل که او را عذاب که در نباشد که مانی رحمه الله علیه گوید که
محمود باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که شرف و بزرگی یابد سوره القلم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سوره القلم میخواند دلیل که صدقه و خیر کردن دوست دارد که مانی رحمه الله علیه گوید با همه کس حسن کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که خدای عز و جل او را حلم روزی کند سوره الحاقة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره
الحاقة میخواند دلیل که فریضهای خدای تعالی بگذارد که مانی رحمه الله علیه گوید که سیرت حق گزیند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که بر جاوه شرع باشد سوره المعارج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المعارج میخواند دلیل
خیر و نیکی بسیار کند که مانی رحمه الله علیه گوید که بخیرات و حسنات گزاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از ترس و بیم این
سوره نوح ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره نوح میخواند دلیل که توبه کند و عاقبتش محمود گردد

سوره الحجا و له
سوره الحشر
سوره الممتحنة
سوره الصف
سوره الحج
سوره المنافقون
سوره التغابن
سوره الطلاق
سوره التحریم
سوره الملك
سوره القلم
سوره الحاقة
سوره المعارج
سوره نوح

کرمانی رحمه الله علیه گوید که تا ویش همین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از معروف کند سوره الجن ابن
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الجن میخواند دلیل که توبه کند و از آفت چنان امین باشد جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که دیو و پری مقتدر او را رسد سوره مثل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره مثل
میخواند دلیل که ناز شب دوست دارد کرمانی رحمه الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد سوره مدثر ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المده ثمر میخواند دلیل که عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت پاک
و راه راست یابد سوره العنیمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره القیمه میخواند دلیل که بشهادت
از دنیا برود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مایب گردد سوره الانسان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سوره الانسان میخواند دلیل که در ویش از اطعام دهد و رضای حق تعالی خواجه جوید کرمانی رحمه الله علیه گوید که سوره
و شکرت توفیق یابد سوره المرسلات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المرسلات میخواند دلیل که
از دروغ گفتن توبه کند کرمانی رحمه الله علیه گوید که راه راست جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روزی بروی فراخ گردد
سوره النبا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النبا میخواند دلیل که ترسکاره متوکل بود کرمانی
رحمه الله علیه گوید که کار خیر میکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کارش بزرگ شود سوره النازعات
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النازعات میخواند دلیل که بوقت جان کنان از مرگ نترسد کرمانی
رحمه الله علیه گوید که توبه کند و از عقوبت امین گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دلش از ذکر و خجالت و خیا نیاید
گردد سوره عبس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره عبس میخواند دلیل که بر مردم روی خوش
کند کرمانی رحمه الله علیه گوید که روزه بسیار دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات کند سوره التکوین
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره التکوین میخواند دلیل که از در چشم نترسد کرمانی رحمه الله علیه گوید
که سفر بسیار کند از جانب شرق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از آنچه میترسد امین شود سوره الانفطار ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الانفطار میخواند دلیل که از خدا تعالی ترسد کرمانی رحمه الله علیه گوید که سیل
و ی بآل دنیا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نزدیک ملوک عزیز و محترم باشد سوره المطففين ابن
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المطففين میخواند دلیل که کیل و پیمان است دارد کرمانی رحمه الله علیه
گوید که رستی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با همه کس منصف بود سوره الانشقاق ابن سیرین رحمه الله
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الانشقاق میخواند دلیل که در قیامت نامه اعمالی در دست راستی
و هند کرمانی رحمه الله علیه گوید که حساب و شمار قیامت به امانا و صدق قاهر وی آسان گردد جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که سنش بسیار گردد سوره البروج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره البروج میخواند دلیل

سوره الجن
سوره المده
سوره العنیمه
سوره الانسان
سوره النبا
سوره النازعات
سوره عبس
سوره التکوین
سوره الانفطار
سوره المطففين
سوره الانشقاق
سوره البروج

که در دنیا اند و لیکن باشد و عاقبت کاش محمود و در کانی رحمة الله علیه گوید که در آخرت رفیع اندرجات باشد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که از عسافج یا بسوره الطارق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الطارق میخواند دلیل که او را فرزند صالح
پیدا کانی رحمة الله علیه گوید او را فرزند بی فروزی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بسبب فرزند مقبل خرم شود سوره الاعلی
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الاعلی میخواند دلیل که تسبیح و تهلیل بسیار خواند کانی که میخواند تسبیح و تهلیل
کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کار دشوار بروی آسان گردد سوره الفاتحه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب
بیند که سوره الفاتحه میخواند دلیل که از هر دول قیامت ترسد و توبه کند و از آن ترس آید که در کانی رحمة الله علیه گوید که در ضعیفی
حق تعالی عزوجل ثابت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قدر و محل او بزرگ شود سوره الفجر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر خواب بیند که سوره الفجر میخواند دلیل که بکارهای نیکو مشغول گردد کانی رحمة الله علیه گوید که حج اسلام گذارد و جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که بهیبت و شگوه او کم شود سوره البقره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره البقره میخواند دلیل که صفت
دادن برو واجب باشد و دوست دارد کانی رحمة الله علیه گوید که با همه کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که
خواب بیند که سوره البقره میخواند دلیل که از آفات بلیات آید سوره الشمس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب
که سوره الشمس میخواند دلیل که بدست او کاری فاسد رود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از بلاهای آید سوره الليل
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الليل میخواند دلیل که سایه از مانع نکند و زکوة مال در سوره الضحی ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الضحی میخواند دلیل که چیزی بخوابانگان بدو جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غریب از
غریب وارد سوره الم نشرح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الم نشرح میخواند دلیل که دشواری بروی آسان
گردد کانی رحمة الله علیه گوید که کارهای بسته بروی گشاده گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جانی یا بسوره التین
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره التین میخواند دلیل که نیک سیرت و جزو بروی و خوب کردار گردد کانی رحمة الله
علیه گوید که خیر و منفعت یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از سختی فرج یابد سوره العلق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب
که سوره العلق میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن روزی کند کانی رحمة الله علیه گوید که عالم و فصیح گردد و جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که متواضع و نیکو خصال بود سوره القدر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره القدر میخواند دلیل که از دنیا
نزد و ثواب شب قدر یا بد کانی رحمة الله علیه گوید که عرش دراز گردد و مراد یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جاه و قدرش عالی گردد
سوره البیئنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره البیئنه میخواند دلیل که با تو باز دنیا برود کانی رحمة الله علیه گوید که
راه خیر و صلاح دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بین تاویل دارد سوره الزلزله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که
الزلزله میخواند دلیل که او را کسی کاری خرد و عدل و انصاف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قومی از کافران بکشد سوره
الحاديات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الحاديات میخواند دلیل که اهل بیت او او را دوست دارد

سوره الفاتحه
سوره البقره
سوره الشمس
سوره الليل
سوره الضحی
سوره الم نشرح
سوره التین
سوره العلق
سوره القدر
سوره البیئنه
سوره الزلزله
سوره الحاديات

کرمانی رحمه الله علیه گوید که بخت ناز و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خاکست و مظفر گرد و سورة القارعة
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القارعة میخواند و دلیل که در قیامت نرا زوی اعمال
 وی از گرد و نیل گران آید کرمانی رحمه الله علیه گوید که در کار خیر که جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مرد مرا کرامی و در سوره
 الشکاشه این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سورة الشکاشه میخواند و دلیل که زیارت جمعی صالحان کند کرمانی رحمه الله علیه
 که او را با قومی دروغ زن صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دست از دنیا بدار و سورة العصر این سیرین رحمه الله علیه
 گوید اگر بخواب بیند که سورة العصر میخواند و دلیل که در کار با صابر و شکینا بود کرمانی رحمه الله علیه گوید که او را زانی رب جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید که از تجارت کارش نیک شود و سورة الهمزة این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صور طاهره
 و دلیل که سخن بسیار گوید و پیش مردم روشناس گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که کمال حرص بود و از عاقبت نیندیشد جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید که در راه خدا بتعالی مال نفقه کند سورة الفیل این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفیل
 میخواند و دلیل که ظالم را یاری دهد کرمانی رحمه الله علیه گوید که بر دشمن نظر نماید و مراوش حاصل گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 که بر دست و فحی بر آید و بر دشمن نظر نماید سورة القریش این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القریش میخواند
 و دلیل که از ترس بیم این گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که با کسی صحبت دارد که او را نصیحت کند و راه دین جعفر صادق رضی الله عنه
 عنه گوید که با خلق حسان کند سورة الماعون این سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الماعون میخواند و دلیل که
 گذارد کرمانی رحمه الله علیه گوید که عذر باید کرد از صحبت بدینی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن نظر نماید سورة الکافرون
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الکافرون میخواند و دلیل که مال لغت یا بد کرمانی رحمه الله علیه گوید که از بزرگان عطا
 یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات بسیار کند سورة الکافرون این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که
 سورة الکافرون میخواند و دلیل که براه دعوت رود و دنیا مغرور گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که اگر در غم بود فرج یا بد جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید که اجل او فراسیده باشد زیرا که چون این در منزل شد حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آخر عمر بود سورة
 النضر این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النضر میخواند و دلیل که در راه خدا بتعالی متوکل گردد و سورة قیامت
 این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة قیامت میخواند و دلیل که مکار و فریبنده بود و از عقوبات خدا بتعالی خطا
 کرمانی رحمه الله علیه گوید که او را زنی بد کردار باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گرویی به بدی وی کوشند سورة خلل
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاخلاص میخواند و دلیل که در راه دین متوحد و یگانه گردد و توفیق طاعات
 کرمانی رحمه الله علیه گوید که پاک دین و نیک عقاد باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جهانی یا بد و عیش و
 خویش گردد و سورة الفلق این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفلق میخواند و دلیل که جاد و بر روی کار نکند
 کرمانی رحمه الله علیه گوید که از شر دیگران امن گردد و سورة الناس این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الناس

سورة القارعة
 سورة الشکاشه
 سورة العصر
 سورة الفیل
 سورة القریش
 سورة الکافرون
 سورة النضر
 سورة قیامت
 سورة الاخلاص
 سورة الفلق
 سورة الناس

سورن

سورن

سورن

سورن

سورن

سورن

سورن

میخواند دلیل که در حق تعالی چشم بگشاید و در وی بر وی فراخ گردد و اگر بیند که لاجل و لا قوه الا بالله العلی العظیم میگفت
دلیل که مال و خاسته یابد و اگر خواب بیند که آیتی از قرآن میخواند تاویل آن بحرف قاف بیان کنیم انشاء الله تعالی سوزن ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوزن و پشت و چیزی و دشت دلیل که شغلها می پرانند و می جمع شود و جهش روا شود و گمانی
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که جابه مید و دشت دلیل که احوال و نیکو گردد و اگر بیند که سوزن او کشد دلیل که احوالش بد بود و غریبی
رحمه الله علیه گوید اگر کسی بیند که کسی سوزنی بوی بخشد دلیل که شفق احوال و باشد و اگر بیند که سوزن بسیار و پشت دلیل که خیر صلاح
کار او بود و سوسمار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوسمار ویرانگر بود دلیل که حضرت یابد و اگر بیند که سوسمار در پشت
دلیل که دشمن را بفرستد که مانی رحمه الله علیه گوید که خورون گوشت سوسمار در خواب دلیل بر شفقت بود که بوی رسد و اگر بیند
که سوسمار در خانه وی بانگ کرد دلیل که از خانه وی آواز شنودن بر آید سوسون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سوسون در خواب
بوقت خود دیدن دلیل که چیزی بوی رسد و او را فرزند آید و بوقت دیدن دلیل بر عجز و اندوه بود و اگر زنی بیند که سوسون
از دشت بکشد و بنگام داد دلیل که غلامش بگریزد و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی و شته سوسون بود دلیل که
میان ایشان گفتگو فی خیر و مغربی رحمه الله علیه گوید که در دشت سوسون در خواب بیکر کن بود و سوسون ابن سیرین رحمه الله علیه
اگر بیند که سوسون خور و دلیل که کاری نیک بر دست وی بر آید یا ماتی گذارد یا چیزی کند و از آنچه میترسد پنهان گردد و اگر بیند
که سوسون در دشت خور و دلیل چشم خدا تعالی بود و در دشت افتد که توبه کند و در دشت غرق شود و از پادشاه زیان بیند که باخ
رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سوسون در دشت خور و دلیل که او را توبه باید کرد و از گناه و خطا بکشد و اگر بیند که سوسون در دشت
خور و دلیل که دینش تباه شود و احتقارش خلل پذیرد و قوله تعالی وَتَخْلَفُونَ عَلَى الْكُذِّبِ وَهُمْ يَكْمُلُونَ ه
مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوسون در دشت خور و دلیل که اندوه و مصرت بیند سوراخ ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید اگر خواب بیند که سوراخی بود و در آن سوراخ شد دلیل که از راز یا دشا آگاه گردد و اگر بیند که در اندام وی سوراخی
بود و از آن خون میرفت دلیل که او را زبانی رسد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در شکم وی سوراخی بود و دلیل که انجیال
خود نایمن بود و اگر بیند که در سگی سوراخ میکرد دلیل که در مسلمانی پایدار بود و اگر بیند که در دشت سوراخ میکرد و مالیش
بجلا فلان بود و معتبران گویند که بقدر آن سوراخ مال او نقصان شود حکایت در خبر است که مردی پیش امیرالمؤمنین
ابوبکر صدیق رضی الله عنه آمد و گفت خواب دیدم که از سوراخی کوچک کاوی بزرگ بیرون آمد و هر چند خواست که باز
بسوراخ رود نتوانست رفت گفت آن سوراخ درین است و آن کاو سخن است چون گفته باز بجای خود فرو سوسون
در حرف میم بیان کنیم سید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سید خواب دیدن چون سوزن باشد دلیل بر فرزند بود و چون سوزن
باشد شفقت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از بازار کان بود و چون زرد و سوس بود دلیل
بر بیماری رسید بود و اگر بیند که سیدی سید بد و نیم کرد دلیل که شرکت با کسی که دار و از وی جدا شود

و اگر بیند که سببی سرخ از دخت باز کرد و خورد و دلیل که او را دختی آید که آنی رحمة الله علیه گوید سبب در خواب لیل خیر بود و اگر سبب
 ترش بود دلیل خبر ناخوش باشد و اگر بیند که سبب شیرین بود و دلیل که خبر خوش شنود و انیال علیه السلام گوید اگر خواب بیند که
 سبب داشت و خورد و دلیل که نفع یا بد و سبب همت بیند خواب باشد در شغل و صفت وی و اگر پادشاه سبب بخواب بیند
 و دلیل که مملکت یا بد و اگر باز گمان بیند و دلیل که تجارت نیک است بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبب در خواب بر همت وجه بود
 یکی فرزند و دم منفعت سوم بیماری چهارم کینز پنجم مال ششم فرمان روانی هفتم همت خداوند خواب و خبر غایب و حاضر
 سیرین سیرین رخ گوید خوردن سیر در خواب مال حرام بود و کرمانی رخ گوید خوردن سیر در خواب خبر زشت بود و که از سیر مردم گویند که سیر خیر
 و دلیل که از سخن زشت توبه کند مغربی رخ گوید که سیر در خواب رخ و اگر سبب باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیر در خواب
 بر سر وجه بود یکی مال حرام دوم سخن زشت سیوم غم و اندوه چهارم کر سبب سختی دیدن سیری ابن سیرین رحمة الله علیه
 اگر کسی خود را در خواب سیری بیند دلیل که بی نیاز شود و لیکن در راه دین ضعیف بود و اگر خود را گرسنه بیند دلیل که محصیت
 کند که آنی رحمة الله علیه گوید بهترین خواب است که خود را نه گرسنه و نه سیر بیند زیرا که هر دو خلاف طبع اند و آنچه خلاف طبع بود
 از وی مزاج برنج آید سیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سیری داشت دلیل که هاشم بخیر و نیکی منتشر گردد و اگر بیند
 که در زمین و سبزه بود وقت خود و دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر خلاف این بیند دلیل بر همت باشد سبب سبب ابن سیرین رحمة الله علیه
 علیه گوید سبب در خواب مال حرام بود و اگر بیند که در میان سبب شد و دلیل که در فتنه افتد و اگر بیند که سبب میخورد و دلیل که بقدر آن
 مال حرام یابد و اگر بیند که سبب می بخشد و میخورد و دلیل که مال حرام برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که در خانه سبب بسیار داشت
 و دلیل که بقدر آن از دین بقا منفعت یابد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سبب می بخشد و میخورد و دلیل که مالی یابد که بعضی مال
 باشد و بعضی حرام بود و اگر بیند که سبب می فروخت و دلیل که چیزی حرام فروشد و با دهد و سبب خوردن خیر نباشد و ولی
 و دلیل بر غل بود و سبب خراغم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبب در خواب بر سر وجه بود یکی مال حرام دوم
 ترش بود و سبب نغمه ایجهانی و سبب فروش در خواب مردی بود که جنگ و فتنه طلب کند سبب ابن سیرین رحمة الله علیه
 سبب در خواب شمنی بزرگ باشد یا پادشاه ظالم بود اگر خواب بیند که سبب انحراف وقع کرده بجائی دیگر افتد و دلیل که بر شوطن
 یا بد و غم و اندوه وی کم شود و اگر بیند که از سبب می بخشد و دلیل که از دشمن بگریزد که آنی رحمة الله علیه گوید که سبب در خواب در و باز
 سیر غم و اندوه بود و در دیا کر سیر دلیل بر منفعت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جهان پر سبب بیند و نداند که این سبب از کجاست
 و دلیل که حق سبحانه و تعالی غلظی بدان دیار فرستد قوله تعالی فَاَوْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الْطُوفَانَ و بعضی از متجربان گویند که چون خواب
 بیند که سبب حافی خواب میکند دلیل که مردم آنجا را از پادشاه ترس و بیم محاصره بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سبب در خواب
 بر چهار وجه بود یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه شکر سوم لشکر غایب چهارم بلا و فتنه و سختی سیما ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
 اگر خواب بیند که در معدن سیما درون شد یا از آنجا سیما برگرفت دلیل که زلزله در کار افتد و اگر بیند که سیما بفروخت یا پس

سبب

سبب

سبب

سبب

سبب

سبب

سبب

سیر

سیر

سیر

سیر

سیر

دلیل که از مکر و حیلت زن این کرد و اگر بیند که چشمه سیاه عرق شده دلیل که زمان بروی جاو کند سیم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 بسیار مردم باشند که در خواب سیم سینه و در بیداری سیم پاسبند و بسیار بود که در خواب سیم بینند و در بیداری غم و اندوه بود و بسند طبعیت
 مای مختلف که مانی رحمه الله علیه گوید سیم در خواب خبر است باشد و سیم شکسته خبر و روع باشد اگر سیم در کیسه بود دلیل
 کسی پیش او و یعنی هند و انبال علیه السلام گوید اگر کاسه یا افتاب یا طشت سیم نخاب بیند که بی اندازه آلات سیمین بیافت دلیل که
 آن کج یابد و اگر بیند که از معدن سیم پاره بیافت دلیل که از اندام رزنی خواهد و سیم پاره در خواب بروی بود که درختی و سخن شکسته
 سیم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر در خواب سیم رخ بر بیند دلیل که با مردی خوش طبع بزرگوار دوستی کند و اگر سیم رخ مایه بیند
 دلیل که زنی با جمال و خوب روی بود و اگر بیند که سیم رخ با وی سخن گفت دلیل که وزیر پادشاه گردد و اگر بیند که با سیم رخ جنات میگرد و دلیل
 با مردی بزرگ خصومت کند و اگر بیند که گوشت سیم رخ میخورد و دلیل که بقدر آن از مردی بزرگ مال یا دیگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر
 که سیم رخ ده گشت دلیل که دو شیرگی و ختری بستاند و اگر بیند که سیم رخ از دست وی برید دلیل که نرزا طلاق دهد و اگر بیند که بچه سیم رخ
 گرفت دلیل که او طفل نذی ابد یا پدر مغربی رحمه الله علیه گوید سیم رخ در خواب پادشاه بود اگر بیند که سیم رخ در کوفه فرو داد و او را چ
 سیم رخ بکشد دلیل که پادشاه آذما برباک شود و اگر بیند که سیم رخ میترسد دلیل که پادشاه او را عطا و هدیه سیم ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید که سینه در خواب شریعت بود و قوله تعالی اَمِنْ مَشْجَحِ اللّٰهُ صَدْرُهُ لِلّٰی سَلَامٍ اگر بخواب بیند که سینه وی فراخ
 شد دلیل که کارهای وی ساخته گردد و اگر بیند که سینه وی تنگ شد دلیل که در دینش خلل بود و اگر بیند که بر سینه وی خطی نوشته
 بود و دلیل که حق با وی کرامت کند و اگر بیند که بر سینه وی خطی کبود نوشته بود و دلیل که در دین او خلل افتد و بی شهادت ببرد و اگر
 بیند که از سینه موی سرده بود و دلیل که ویش گذارده شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سینه وی دم گرفته بود چنانکه دم نشو
 زدن دلیل که دین و دنیا بروی کشاده شود و اگر بیند که سینه وی گرم بود و باقی اندام سرد و دلیل که دل و متعلق کسی بود و انبال علیه السلام
 گوید اگر بیند که سینه او تنگ بود و دلیل که تشنگ گردد و اگر سینه خود فراخ بیند دلیل که حرم و شاد گردد و بعضی معتبران گویند اگر کاو سینه
 خود فراخ بیند و دلیل که مسلمان شود و ممکن بود الله ان یتحدیر فی شریح صدقه للایسلام جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید دیدن سینه در خواب بر بخت وجه بود یکی علم و حکمت دوم سخاوت سیم ایمان چهارم کفر پنجم آمان ششم مرگ هفتم خل
حرف الشین شاد می ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر شادی در خواب بیند غم و اندوه بود و اگر بیند که کسی شادمان
 شد دلیل که از آنکس غم و اندوه رسد و اگر مرده را در خواب شاد و محترم بیند و دلیل که حالش نیک گردد و خوشبختی و سعادت بود و چهارم
 رضی الله عنه گوید اگر بخواب بیند که بی سبی شادمان بود و دلیل که اجلش فرارسیده بود و قوله تعالی حتی اذا فوجوا بما اوتوا اخلوا
 بجهنم شاد و روان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شاد و روان نو و فراخ در خواب اگر گسترده بود و دانست که مال و دست دلیل
 بقدر بزرگی و فراخی آن عیش و عمر و از یاد و اگر بیند که بشاد و روان با و و شادمان در شهر خود یا جای بیگانه نشسته بود و دلیل که مال و
 و داری عمر و روزی بود و اگر بیند که در جای بیگانه یا از بهر او شاد و روان گسترده بودند و ندانند که شاد و روان ازان کیست دلیل که او را

در خواب

بی متغیر گردد و در غنبت میرود اگر شاد و روان کو چاک در خواب بیند و لیل که بر روی اندک و عمر کوتاه بود و اگر بیند که شاد و روانی بچید
 برخو گرفته بود و لیل که از جای خود بجای بگانه رود و اگر بیند که شاد و روان به درت مردی نگاشته بود و آنرا در پیشاخت و باو سخن
 گفت و لیل که آنرا در بدو رخ ستایش کند و اگر بیند که شاد و روان به بخت یا بکسی داد تا ویش بد بود و انیال علیه السلام گوید اگر بیند
 که شاد و روان گسترده بود و لیل که بر و رازی عمر و سباحتی کارا بود و اگر بیند که شاد و روان کو چاک بود و در زیر او فراخ شد و لیل که روی
 بر روی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند و لیل که روی او تنگ شود و اگر بیند که شاد و روانی فراخ گسترده بود و بدست خود در نوشت
 و بچرخ خانه نهاد و لیل که دولت و اقبال خود تها کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاد و روان کهنه و دریه بود و لیل که بخت
 و نیا مشغول گردد و اگر بیند که شاد و روان سیاه یا کبود بود و لیل که غم و اندوه بود و اگر بیند که شاد و روان زرد بود و لیل که بریناری بود
 و اگر شاد و روان سپید بیند و لیل که رغبت و فراخی روزی حلال بود و همچنین شست و حمله الله علیه گوید اگر بیند که شاد و روانی مجهول
 در جایگاهی مجهول نمکده بود و لیل که آنچه دارد از دستش برود و اگر بیند که شاد و روان معروف در خانه کسی گسترده بود و لیل که خانه
 خانه را روزی و لغت بود و اگر بیند که در خانه مجهول شاد و روانی انداخته بود و او بران نشسته بود و لیل که سیفر و ده دران سفر
 و لغت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شاد و روان در خواب بر چهار وجه بود یکی روزی حلال و دوم عمر
 منفعت چهارم معیشت ششخ این سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن شاخها در خواب بر خداوند خواب لیل بر برادران و
 فرزندان و خویشان بینه خواب کند و اگر بیند که شاخهای درخت بسیار و انبوه بود و لیل که خویشان او بسیار و انبوه باشند
 او بسیار گردد و اگر بیند که بخلاف این بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که شاخ از درخت خود برید و لیل که از اربابیت خود کسی را دور
 کند و اگر بیند که شاخ درخت وی خشک شد و لیل که از خویشان او یکی بکس بکشد و اگر بیند که درخت از آن دیگران بود تا ویش بکس
 باز گردد و اگر بانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاخ درخت خرابی داد و بدیاسافت و لیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که از شاخ خیمه
 بخزد و لیل که بقد آن مال فرزند خود داشته این سیرین رحمه الله علیه گوید شانه در خواب مردی بود که او را حسب نسب نبود و در
 او اتفاق باشد اگر خواب بیند که سروریش را شانه میکرد و لیل که از عمو فرج یا بدو و امش گذارده شود و برادر برسد که بانی رحمه الله
 علیه گوید اگر خواب بیند که ریش را شانه میکرد و پیکان موی بر دهن می آورد و لیل که زکوة مال بدو مغربی رحمه الله علیه گوید شانه در خواب
 یاران موافق در کار خیر باشند و موی را شانه کردن یا خنجر بر او بود و شانه تراش مردی بود که غم و اندوه از دلش برود و او را غم
 و بعضی معتبران گویند که مردم خوابی باشند که از دیدارشان چشم روشن گردد و شانه آومی این سیرین رحمه الله علیه گوید شانه
 آومی در خواب دیدن زن بود و اگر بیند که شانه وی قوی و بزرگ بود و لیل که زنی میخواهد و اگر بیند که شانه گاو یا گوسفند یافت هم او را
 زنی حاصل شود و اگر بیند که دوش وی شکست و لیل که زنیش میرود و اگر بانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گوشت شانه باز میکرد و گمان بد
 بود و لیل که در آن سال ریج بسیار بود و اگر بخلاف این بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند در آن شانه سیاهی بود و لیل که در آن
 وقت و بلا باشد و اگر در آن سهرخی و یا سیاهی بیند و لیل در آن سال نرخصا از آن شانه باشد و اگر در آن شانه زردی بیند و لیل که بیماری بود

در خواب

در خواب

در خواب

دلیل که دشمن او ضعیف باشد و اگر بینه که شش بسیار بر وی جمع شدند و اگر دیگر ندلیل که در زبان مردم افتد یا اورا نقصان مال بود
اگر شش سخن مردم خورد و خون تبا و مال بود و ششش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ششش جانوری بود که در تابستان در جهانه
پشیمین و پوستش افتد و تبا و کند و بر سوسن هم خوانند و بدن وی همسایه بود و اگر بینه که ششش جانمندی خورد و دلیل که مال او
نقصان افتد و اگر بینه که ششش سباب پیشین تبا و کرد و دلیل که از خانه وی دزد و چیری برود اگر بینه که ششش رخت و دلیل که در درگاه
و مال استاند ششش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجواب بینه که ششش دشت یا بجزید و سوراخ کرده بود و دلیل که او را دشمنی آید
و اگر دشمنی نداشت و در بدن ششش بود و سیاه چیری نبود مغربی رحمه الله علیه گوید ششش سپید و سبز نجواب و بدن دلیل بر خیر و منفعت
کند و بعضی گفته اند که ششش زرد و دلیل بر بیماری بود و ششش فتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که بکاری می شتافت دلیل که از
انکار ریشیانی یابد و اگر بینه که از این پیشمان شد و ششش فتن و دلیل که در انکار شتاب کند مغربی رحمه الله علیه گوید درجه کاری ششش
و دلیل در رنگ بود و در رنگ دلیل ششش فتن بود و ششش لنگ یا فتن و در خواب جنگ و خصومت بود و اگر نجواب بینه که با شتاب لنگ
بازی میکرد و با کمال شغب میداشت دلیل که او را خصومت افتد و اگر به کلام بازی خاموش بود مال حرام یا بد شراب ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید خوردن شراب بانی که بطعم شیرین بود چون شراب سلیب و شراب امار و شراب ترنج و مانند این ششش و بد
یکی دین و دوم منفعت سوم علم مفید چهارم عمر دراز پنجم عیش خوش ششم ذکر حق تعالی اما شرابها نیکه بوی آن ترش بود چون
شراب یواس و شراب لیمو و شراب نارنج و مانند آن خوردن آن در خواب غم و اندوه بود اما شرابها که تلخ باشد چون
شراب سور و شراب زوفا خوردن آن در خواب لیل بر فایده دین و دنیا بود اما شرابها نیکه بطعم معتدل خوشبو
بود چون شراب عود و شراب بنفش و شراب گل خوردن آن در خواب لیل بر خیر و خورجی بود و ستایش کند مغربی
رحمه الله علیه گوید شرابها نیکه از برای دار و خورند در خواب خیر و صلاح و نی بود و آنچه بخت دار و بکار نازند و دلیل بر صلاح و خیر
دنیا و ی کند شرابی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نجواب بینه که ششش بجزید و دلیل که کثیر بجزد و معتبران گویند که شراب
در خواب خادم خانه بود و اگر بینه که شرابی وی بسکت یا صنایع شد دلیل که کثیر یا خادم و بمید و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن شرابی در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سیوم کثیر چهارم قوام دین پنجم صلاح
دنیا ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم مال از قبل زنان شرم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شرم از
ایمان باشد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود **اَلْحَيَاءُ مِنَ الْاِيْمَانِ** ایمان مغربی رحمه الله علیه گوید اگر
بینه که در کاری شرم داشت و دلیل که در انکار خیر و صلاح بود و زیادتایمان و شرم داشتن از کاریکه در آن شرم بود
و دلیل بر نقصان ایمان بود شستن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شستن در خواب باب جوی و کابیز و حوض و دریا و
برنجات از غم و اندوه اگر این خواب محسوس بینه دلیل که از زندان خلاصی یابد و اگر ارام دارد و آتش گذاره شود اگر
بیمار بینه شفا یابد و اگر تن خود تمام شست دلیل که کاوش تمام نشود و گمانی دهمه الله علیه گوید اگر بینه که مرد خود را

کتاب

ش

خ

ی

ن

ن

ن

ن

ن

ن

شست لیل که خدایان را در غم و اندوه خلاصی یابند و اگر بیدار گردند که بآب شور و دایه شست لیل که برنجی بوی رسد و اگر بیدار گردند که بآب
 آب که برنجی شست لیل بر تنهای کار و وضو و دین بود و اگر بیدار گردند که بآب سرد و یا آب چرکین و غوره و میشت لیل که توبه کند مغز و
 شستن با آب سرد و بر چهار وجه بود یکی توبه دوم عافیت سوم خلاصی از زندان چهارم اینی از ترس شستن با آب گرم غم و اندوه
 بود و دوست در وی شستن و خواب بر شستن و صبح بود یکی حصول مراد و دوم شفا از بیماری سیوم یافتن مال چهارم حج و عمره
 ششم منی به هم دین پاک به شستن و آشدن حاجت شش این برین رحمة الله علیه که بد شش در خواب دوی و خرمی بود و اگر بیدار
 که کسی شش بد و آواکس معروف بود و لیل که از وی خرمی بیدار و اگر شش کسی را و لیل که خیر بیاکس رساند مغز
 رحمة الله علیه که اگر بیدار که شش خام یا پخته میخورد و از جانور که گوشتی حلال بود و لیل که بقدر آن مال حاصل کند شطرنج
 برین برین رحمة الله علیه که بد شطرنج بافتن در خواب بهتان و سخن دروغ بود و اگر بیدار که شطرنج بافتن و خضر غلبه کرد و لیل که نه باطل کسی اغلبه کند
 و بهتان نکند که فانی رخ گوید اگر بیدار که شطرنج می بافت لیل که جنگ منازعت کند و تجران گویند که شطرنج بافتن خیر و منفعت بود و شعر
 برین برین رحمة الله علیه که اگر بیدار که شعر با غزل خواند یا در کسی یا بچوی بخواند و لیل که سخن باطل گوید و قوله تعا و انشعرا
 انشعرا و انشعرا و انشعرا اما اگر توحید یا لغت یا سخن حکمت بخواند پسندیده بود و بزره کار نشود و شغال این برین رحمة الله علیه که
 شغال سبکست و تخیر بود و نتوانست گرفت لیل که بیمار شود و اگر بیدار که شغال با دی بازی کرد و لیل که برین عیاش شود و اگر بیدار
 که گوشت شغال میخورد و لیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر و ام وار و دوش گذارد و شود و میوی و پوست و استخوان شغال در خواب مال
 شفا لوان برین رحمة الله علیه که بد شفا و در خواب اگر زرد بود و لیل بیماری بود و اگر بوقت باشد مضرت کند و اگر بیدار که شفا
 و زرد بود و کینک باشد و اگر بوقت خود بود و مالی باشد که بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شفا و در خواب برنج و صبر بود
 کینک و دوم سپهر سیوم علت چهارم مالان حجم منفعت از قبل مردی غریب اگر بیدار که استخوان شفا و بکشت و بخورد و تلخ بود و لیل
 بر غم و اندوه بود و اگر برین بود و لیل که از وی بی اصل بقدر آن مال منفعت یا بدشکار کردن این برین رحمة الله علیه که گوید اگر بیدار که گوشت
 یا کاکا و کوس یا خور یا مانند این شکا میسکد و گوشت دی میخورد و دمه لیل شکو می بود و اگر بیدار که کار بیفکند و لیل که غنیمتی یابد
 اگر فانی رخ گوید شکا ریکه بدام گیرند یا بجای طلبند و لیل که زیان بود و بعضی متجران گویند که شکا گیر و خواب چوینده معاش بود و اگر
 این برین رحمة الله علیه که بد پاره شکر و خواب سخن لطیف بود یا بوسه که کسی بد چون فرزند و برادر و دوست اگر شکر بسیار بود و لیل
 مال روزی حلال بود و مغز بی رخ گوید شکا بسیار کرده بود و فروختن آن نیک باشد اما یافتن و خریدن آن بد باشد و حضرت
 رضی الله عنه گوید شکر در خواب برنج و صبر بود یکی سخن لطیف و دوم بوسه دادن سوم منفعت چهارم فرزندان پنجم مال شکرا و اگر
 این برین رحمة الله علیه که اگر بیدار که شکر خدایتعالی گذارد و لیل درستی من و قوت جاه و مال سعادت و در جانی بود و قوله تعالی
 انکم شکرتکم لکن بعد انکم شکرتکم این برین رحمة الله علیه که اگر بیدار که چیزی شکست لیل که بقدر آن مال از زبان رسد و اگر
 که شکستان دیگری بود و لیل که مضرت آن برسد و باز کرد و اگر بیدار که اندامی از اندامی دی شکست و لیل که غم و مصیبت شکستی

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

اندام تعلق دارد بود اگر بیند که انزال است چون چنگ در باب طبع و روانی چیزی شکست دلیل بر مری بود شکم در تفسیر معنای آنست که اول است
 و انبیا علیه السلام گویند شکم ظاهر باطن مال بود و این سرین رحمة الله علیه گوید فرزند بود که مانی رحمة الله علیه گویند که در خواب میل بر خویشتن است
 اگر بیند که شکم وی بزرگ شد دلیل بر زیادتی مال و فرزند و یا خویشتن کند و اگر بیند که شکم وی کوچک بود و از پوست و پی چیزی
 نقصان شد دلیل بر نقصان مال و فرزند بود و اگر بیند که هر چه در شکم بود جملگی بیرون آید و بیشتر و باز بجای نماند و دلیل بر حال و نیکو
 شود و مقصدش حاصل گردد و اگر مری بیند که از شکم وی فرزند بیرون آمد و دلیل بر از قبیل کسی پیدا یابد که اهل بیت و ارجاء است
 بفرزند بیغری رحمة الله علیه گوید اگر کسی شکم خود را آما سیده بیند دلیل بر مال بسیار حاصل شود و اگر کسی شکم خود را شکافت و بیند دلیل
 بر او مصیبتی رسد و اگر کسی بر شکم خود موسی رسته بیند دلیل بر مال و از قبیل عیال و ام فاد و اگر کسی از شکم خود موسی سترده بیند دلیل بر
 بیغم کرد و دواش گذارده شود و اگر کسی بیند که سوراخی در شکم داشت و دلیل بر عیال و بجز و جعفر صادق رضی الله عنه گویند که شکم در
 بر چهار وجه بود یکی جای علم دوم خزینة سیوم نظام عیش چهارم فرزند شکسته ابن سرین رحمة الله علیه گویند که شکسته در خواب از جانی
 که گوشت و حلال بود و دلیل بر مال حلال بود و اگر بیند که شکسته بر سر کین بود و دلیل بر مال حرام بود و اگر بیند که شکسته بپخته خورد و دلیل
 خیر و شفقت بیند شکسته ابن سرین رحمة الله علیه گویند که شکسته در خواب لیل بر خوار می و پچاری بود و اگر خواب بیند که او را از شکم
 المی رسید و دلیل بر برین بود و اگر بیند که او را از شکم زحمت رسید تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که پادشاه او را از شکم کوه کرد
 که او را پادشاه کند بیند شکوفه و دختان شکوفه دختان تبایل بود و خجیش بهتر بود و شکوفه زربا و تبایل کمتر از رخ و سپید بود
 و گمان در خواب عروسی نیکو بود و شکوفه دختان بقدر کوتاهی بلند می و دخت بخ لطف بود و مغربی رحمة الله علیه گویند که شکم شکوفه
 و دختان بخور و از گری که بدان دختان نسبت دارند بخنی لطیف شود و از ایشان خیر و شفقت بیند و اگر بیند که شکوفه می بوئید دلیل بر مرد
 او را مدح و ثنا گویند شل شدن ابن سرین رحمة الله علیه گویند که اندامی از او شل شود و کج خانه افتاد و بوزن تنوینت خود دلیل بر آنست که از
 کارهای بد توبه کند و شر و زار مردم باز دارد و اگر بیند که خواب سبب بود تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گویند که اندامی از
 اندامهای او خسته بود و دلیل بر آنست که بدان اندام نسبت دارد و آفتی رسد شلغم ابن سرین رحمة الله علیه گویند که شلغم در خواب غم و اندام
 بود و اگر بیند که شلغم کسی داد و دلیل بر بد آنست و بخ رسد از مغربی رحمة الله علیه گویند که شلغم بپخته در خواب باز خام بود که مانی رحمة الله علیه گویند
 اگر بیند که شلغم از خود دور کرد و دلیل بر اندام و اندوه خلاصی یا بد شلوار ابن سرین رحمة الله علیه گویند که بد شلوار در خواب کین که عجبی بود و یا
 دون که بخا و اگر بیند که شلوار نو بخرد و بپوشد و دلیل بر کین که عجبی بخرد و اگر زنی بیند که شلوار پوشیده بود و دلیل بر زنی ستمگر بود و اگر
 که او را شلوار بخشیده اند دلیل بر او را خامی زیاد شود و اگر بیند که شلوار می نو یافت و دلیل بر او یا بد و اگر بیند که شلوار می چپکین است
 و دلیل بر عقوبت آنست تعالی موعظا یا بد قوله تعالی سر سبیلهم من تطمان و تغشی وجوههم انما انوار اگر بیند که شلوار سرخ و ریاضی
 و دلیل بر زنی با صفت یا بد و اگر بیند که شلوار از روی او افتد و دلیل بر کین که عجبی بخرد و اگر بیند که شلوار از روی او افتد و دلیل بر کین که عجبی بخرد
 شلوار از کین نیکو باشد اگر زنی بیند که شلوار نو بخرد و دلیل بر شوهر کند و اگر بیند که شلوار روی گشود و دلیل بر کین که عجبی بخرد و اگر بیند که شلوار

در پایی داشت دلیل که او را از زنی خواری رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شلوار و خواب برسته و جد بود یکی زن دوم که بزرگ بود خادم

نماز شلوار بند دلیل بر عورت مردم بود اگر میند که شلوار بند سخت و محکم داشت دلیل بر سختی و محکم قصب کند و اگر شلوار بند کند میند
 بر ضعیفی قصب باشد شمار کردن این میرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که با کسی شمار میکرد دلیل که در محنت انداخته مغربی رحمة الله علیه
 بود هر شمار یک آسان تر بود و بخشش کمتر بود و تاویل عدد از یکی تا صد و هزار در حرف عین بیان خواهم کرد شمشیر و انیل علیه السلام
 شمشیر در نیام بودن زن باشد و بی نیام مال خود است و فرایه وائی بود و اگر میند که شمشیر در دست داشت دلیل که او را پسری آید و اگر
 میند که شمشیر از نیام بیرون بود تا ویشن چنین بود و اگر میند که شمشیر در نیام بود و نیام شکست شمشیر بسلاامت بود و دلیل که فرزند
 بسلاامت بود و مادرش میرد و اگر میند که شمشیر برهنه در دست داشت و بالا برونا کسی زن دلیل از سختی اندیشیده بود و کسی گوید
 و اگر میند که شمشیر کسی زن و کارگر نبود دلیل که زبان در حق آنکس کشاده باشد و اگر میند که شمشیر کسی زن و کارگر بود دلیل که آنکس که
 خورده باشد شلش منقطع شود و اگر میند که شمشیر در کون حایل داشت دلیل که ولایتی در گردن او بود و اگر حایل شمشیر دراز بود دلیل که
 احتمال ولایت ندارد و اگر میند که حایل شمشیر کوتاه شد دلیل که ولایت بدو سپارند و اگر حایل شمشیر کوتاه بود و کسب دلیل که ولایت
 از دست می برود و اگر میند که بی آنکه جنک بود کسی از شمشیر زن و دلیل که آنکس مشهور گردد و کارانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که بدست خود
 اوخته بود دلیل که او را فرزند آید و اگر فرزند نبود و فرایه وائی یا بد و اگر میند که کسی از شمشیر داد و دلیل که توانا گردد و اگر میند که شمشیر
 با نیام هر دو شکست دلیل که فرزند و مادر و پدر و میرند و اگر میند که کسی از شمشیر زن و خون اندوی روان شد و جامه وی او دشت
 دلیل که او را مال حرم تمت کنند و اگر میند که شمشیر از وی بستند دلیل بر عملی که دارد از وی بستانند و اگر میند که شمشیر میان دست
 دلیل که عمرش دراز گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که شمشیر آیینین داشت دلیل که کارش قوی گردد و اگر میند که شمشیر از بورت
 دلیل که زنی بزرگ خیر یابد و اگر میند که شمشیر از مر و اید و دشت دلیل که آنکس از غلای اهل بن قوت یابد و اگر میند که شمشیر از خوب و دشت دلیل
 که کارش ضعیف شود و اگر میند که شمشیر خالین داشت دلیل که از زمان پادشاه فوت یابد و اگر میند که نیام شمشیر شکسته بود دلیل که بی از این
 و میرد و اگر میند که شمشیر وی دوری بود دلیل که کارش روان گردد و اگر میند که شمشیر لا جور بود و دلیل که کارش پایدار باشد و اگر میند که
 او چون آینه بود و میدرخشید دلیل که از عمری نواخت و عمرت یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمشیر در خواب پنج وجه بود
 فرزند دوم ولایت سیلوم حجت چهارم منفعت پنجم طفر یافتن بر دشمن شمشیر کرد و خواب بروی بود و قوی و فصیح زبان شمع این شمشیر
 گوید شمع در خواب دولت و عز و جاه و فراخی عیش و نعمت بود و اگر بخواب میند که شمع افروخته دشت دلیل که دولت و نعمتش زیادت شود و اگر میند
 که شمع افروخته در خانه خود نماده بود و همه خانه از روشن بود و دلیل که در آن سال نعمت بروی فرخ گردد و تجارت وی روان شود
 و بعضی گویند که او را زنی با جمال ستوده باشد و اگر میند که شمع افروخته او را و اند و دلیل که عز و دولت یابد و اگر میند که او را شمع
 با شمعان سپین بود و دلیل که زنی یابد که اصل نیک باشد و اگر میند که شمعان زبرین بود و دلیل که زنی از نزدیکان پادشاه بخوابد
 و اگر شمعان از اریز بود و دلیل که زنی از قبیله متوسط خواهد و اگر میند که شمعان از مس بود و دلیل که زنی بی اصل خواهد و اگر میند که شمعان از

و میخوردند و دلیل که مردم از علم او خاییده یا بند و اگر بخلاف این بیند منفعت نیابد و معتبران گویند که شهره دلیل بر کسب
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب شهید دلیل بر پنج وجه بود یکی میراث دوم غنیمت سیوم علم چهارم قرآن پنجم روزی فراخ بود
 شهرستان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بشهرستان اندر شد دلیل که دین وی ستوار بود و عاقبتش محمود گردد و اگر بیند
 که در شهرستانی ساکن شد دلیل که بخدمت پادشاه شود و خیر و منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بشهرستان در خواب
 بر سبقت و جذب بود یکی پادشاه دوم رئیس سیوم چهارم قوت دین پنجم یعنی ششم ظفر یافتن هفتم دلیل بر ستواری کار
 شهر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در شهری شد دلیل که و نیش قوی گردد و اگر کاری در ویش وارد تمام شود و بعد
 برسد و اگر بیند که از شهر بیرون آمد یا او را کسی از شهر بیرون کرد و دلیل که تا ویش بخلاف این بود اگر کسی خود را بیکنگه یا بر روی
 شهر بیند دلیل بر بلاء او بود و اگر بیند که از شهری بشهری او را کردند دلیل که زنا طلاق و بدوزن وی استوی دیگر بیند و اگر بیند
 که در شهری مقیم شد دلیل که زن او از وی جدا شود و اگر بیند که از شهر مسلمانان بشهر کافران تفرق کرد و دلیل که از دین رستگاری
 باطل گراید و باشد که زنی کافره بزنی کند و اگر در شهری گرم سیر بر فتح بیند و دلیل بر قحط و تنگی بود و اگر در شهری سرد سیر بیند
 فراخی و از زانی نجات بود و اگر بیند که در شهری رفت و آتش را و را خوش آمد دلیل که عروجه یا بد و اگر بیند که از روستا بشهری رفت
 و دلیل که خیر و منفعت بد و درسد و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت دلیل که مرادش بر نیاید قوله تعالی **وَنُفِثْنَا عَنْهُمْ غَضَبَنَا مِنْ لَدُنْهُ لَقَدْ فُتِحَ**
الْغَلَامُ أَهْلُهَا و اگر در شهری گشته بود و ناپیش نیکو بود و اگر بیند که زنان در شهری رفتند دلیل که در آتش فتنه و بلاء
 و اگر بیند که زنان در آستانه شهری رفتند و دلیل که در آند یا رنجمت فراخی بود و اگر بیند که زنان بشهر درون شدند دلیل که غلام
 یا پادشاه آنجا روند و بر اهل آنجا ظلم و سیداد کنند و اگر بیند که روی بسته بشهری درون شدند دلیل که در آتش خیرهای ناخوش
 بود و اگر خواب در شهری جانب شرق بیند و دلیل که بهتر باشد از جانب مغرب مغرب می رود و اگر خواب خود را بشهر هندوستان بیند
 و دلیل که بد باشد و اگر خود را در شهرهای ترکستان بیند و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را در شهرهای بلغار و سلطان بیند
 که بروی خیانت بود و کار یا بروی پوشیده گردد و اگر خود را در شهرهای ماوراءالنهر بیند دلیل که عروجه یا بد و اینها یا بد و اگر خود
 را بخوارزم بیند و دلیل که کارش بسته گردد و اگر خود را در شهرهای عراق بیند و دلیل که دولت کامرانی یابد و اگر خود را در شهرهای
 خراسان بیند کار او با آسانی تمام گردد و اگر خود را در شهرهای فارس بیند و دلیل که صحبت او با مردمان پارسا بود و اگر خود را در شهرهای
 کرمان بیند و دلیل که خیالش بسیار شود و اگر خود را در شهرهای حجاز بیند و دلیل که حج کند و اگر خود را در شهرهای یمن بیند و دلیل که سلاطین
 و امینی بودند و اگر خود را در شهرهای مصر بیند و دلیل که شادمان و خرم گردد و اگر خود را در شهرهای آذربایجان بیند و دلیل که در
 کارهای پنج و بلاكش و اگر خود را در شهرهای منیه بیند و دلیل که مرادش بر آید و اگر خود را بشهرهای مغرب بیند و دلیل که کارش نقصان
 افتد و اگر خود را در شهرهای خرنک بیند و دلیل که کار دنیا و دنیاوی او نیک گردد و اما درین ضعیف باشد و اگر خود را در شهرهای شیراز
 بیند و دلیل که کار او شیکو باشد شهرهای مفرو و دیدن کرمانی روح کوید و اگر خود را در مکه بیند و دلیل که خود را نصرت یابد و اگر خود را در

دیند بنید دلیل که او را با تاجا صحبت افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر خود را در شهر مین بنید دلیل که از ترس و بیم میس گردد و اگر خود را
بطایف بنید دلیل که سفر بسیار کند و نیک باشد و اگر خود را به بهر بهر بنید دلیل که از علما بهره مند گردد و اگر خود را به بهر بنید
دلیل که دیندار و پارسا شود و اگر خود را به بکوه بنید دلیل که از عام نیکی یابد و اگر خود را به بغداد بنید دلیل که توانگر شود و با نیکو
او را خیر رساند و اگر خود را بجلدان بنید دلیل که معیشت خوش گذرانند و اگر خود را با صفتان بنید دلیل که او را با بزرگی صحبت
و اگر خود را به وصل بنید دلیل که بر او رسد و اگر خود را به مشق بنید دلیل که روزی بروی فراخ گردد و اگر خود را بجلب بنید دلیل که از بزرگ
منفعت یابد و اگر خود را بانطا که بنید دلیل که از متری منفعت یابد و اگر خود را به بیت المقدس بنید دلیل که خود کارانی یابد
و اگر خود را با خلا بنید دلیل که کارش شوریده شود و اگر خود را بقصر بنید دلیل که منفعت یابد و اگر خود را در درخت بنید دلیل که کارش
بسته گردد و اگر خود را به تغلیس بنید دلیل که کارش نقصان گیرد و اگر خود را بکنج بنید دلیل که نعتش زیادت گردد و اگر خود را بخوج بنید
دلیل که مالش کم شود و اگر خود را بر اغم بنید دلیل که امان و رحمت یابد و اگر خود را به تیر بنید دلیل که رنج رسته گردد و اگر خود را به
بنید دلیل که اندوگین شود و اگر خود را به همدان بنید دلیل که جا و منفعت یابد و اگر خود را بقرون بنید دلیل که او را با بهتری صحبت
و اگر خود را در ری بنید دلیل که او را سو کند افتد و اگر خود را بکرکان دلیل که او را خصومت افتد و اگر خود را بهستان بنید دلیل که
شود و اگر خود را به بطام بنید دلیل که خود می یابد و اگر خود را بساوه بنید دلیل که مالش نقصان یابد و اگر خود را بهر بنید دلیل که
ساخته بود بجائی یابد و اگر خود را آتیشا پور بنید دلیل که با مردی بزرگ او را صحبت افتد و اگر خود را بطوس بنید دلیل که خیر منفعت یابد و اگر
خود را به بلخ بنید دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را به سمرقند بنید دلیل که در میان مردم نامدار شود و اگر خود را بقزق بنید دلیل که از بزرگان
خیر و منفعت یابد و اگر خود را بجاشغر بنید دلیل که اندوگین شود و اگر خود را با سکندریه بنید دلیل که کادی و پیش گیر و از ان شیطان شود
و اگر خود را باندلس بنید دلیل که با وی خیانت کند و اگر خود را در حصاری بنید دلیل که کارش فریبند و جعفر صادق رضی الله عنه که پدر دین
شهر را در خواب بر چهار وجه بود یکی دین دوم آشکارا شدن سیدم عیش خشنوایم ز نیکو چندی باشد شور با این سرین
علیه که بدشور با در خواب اگر گوشت باشد و طعم بوی خوش باشد بنید دلیل که منفعت بود و اگر بخلاف این بود دلیل عظم و اندوه بود
مغری رحمة الله علیه که بد اگر گوشت باشد و خوب بخت باشد نیکو باشد و اگر گوشت غلیظ باشد دلیل عظم و اندوه بود و شونیر بن
گوید شونیر در خواب دلیل عظم و اندوه خوردنش دلیل بر فقرت کند و نقصان بود و اگر میند که شونیر بسیار داشت دلیل که در اندوه گرفتار
شود و شیراز ابن سیرین رحمة الله علیه که بد شیراز در خواب عظم و اندوه بود و هر چه ترش بود دلیل که اندوه صبر باشد و اگر میند که شیراز بخت
یا کسی داد و از ان هیچ نخورد و دلیل که خود می بیند که مانی ح گوید خورون شیراز در خواب سختی بد بود که از ان برنج شیر و انبال علیه السلام
گوید شیر در خواب هر چند که تازه تر و خوبتر و شیرین تر باشد دلیل بر زیادتی مال کند و چون ترش بود تا ویش بخلاف این باشد و اگر
میند که شیر تازه می خورد و دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر زنی میند که شیر در پستان وی جمع شده و دلیل که او را فرزند می آید و اگر مردی
میند که زنی که شیر وی ریخت دلیل که او را فرزند می آید و اگر مردی میند که شیر می دهد و حوض می شیر خون می آید و دلیل که

بنید دلیل

بنید دلیل

بنید دلیل

بنید دلیل

بنید دلیل

خواب شیرین

مال حرام یا بد و اگر بیدار از پستان خود شیر میخورد و دلیل که در کسب و معیشت خود زیان کند و اگر مردی بیدار شود که کودک شده و بگوید
 شیر و دلیل که مردش بر بناید و اگر زنی بیدار شود که کودک شده و بگوید که از شیر مادر گرفته بود و
 شیر و دلیل که زنیان کند که مانی رحمة الله علیه که یک شیر چهار پایی دشتی در مال اندک بود و اگر خواب بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که
 و صلاحت کند و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که از بزرگی مال یا بد و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و اگر بیدار شود که شیر
 میخورد و دلیل که از زن مال و نعمت یا بد و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که بر دشمن ظفر یا بد و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که از مردی
 بزرگ مال حرام یا بد و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که مال یا بد و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که بیمار شود و شفا یا بد و اگر بیدار
 شود که شیر میخورد و دلیل که از زنی منفعت یا بد و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که با او بی خود گردد و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که با او
 با کسی مکر و خیانت سازد و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که مال حلال
 سفری رحمة الله علیه گوید شیر و شنیدن در خواب از جانور که گوشت و حلال بود و دلیل که مال حلال کند و حیوان که گوشت و حرام بود
 و دلیل که مرغ و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید شیر در خواب بر سه وجه بود یکی روزی حلال دوم مال فرزندان سیوم غم و اندوه
 شیر و این سیرین رحمة الله علیه گوید شیر و انگور در خواب خیر و منفعت و دنیاوی بود و قوله تعالی یفکات الناس فی فیله لغیر
 اگر بیدار شود که شیر میخورد و دلیل که بنیاد شاهی بزرگ نزدیک شود و اگر بیدار شود که شیر تازه میخورد و دلیل که بعد از آن روزی حلال یا بد و اگر
 بیدار شود که شیر بطعم ترش بود و دلیل که روزی بخت و محنت آورد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار شود که شیر و دشت دلیل که خیر و منفعت یا بد
 و اگر بیدار شود که انگور و شیر می خورد و دشت و تلف میگرد و دلیل که مال بسیار یا بد و شیر و هر چند که تازه تر و شیرین بود منفعت آن شیرین است
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن شیر و در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم مال حلال سیوم علم و حکمت چهارم منفعت
 بی پنج شیرین یا این سیرین رحمة الله علیه گوید شیرین یا در خواب شادی و خرمی و روزی حلال باشد و اگر بیدار شود که کسی شیرینی بوی
 و دلیل که از آن کس روزی یا بد و اگر بیدار شود که شیرینی خورد و دلیل که منفعت یا بد که مانی رحمة الله علیه گوید شیرینی در خواب کثیرنیکو بود و اگر بیدار شود که شیرینی
 بود و دلیل که یا رسا بود و اگر شیرینی سرخ بود و دلیل که طرب و عشرت دوست دارد و اگر زرد بود و دلیل که کینرک بهما صفت بود و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید و دیدن شیرینی در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم مال حلال سیوم علم و ادب و فرهنگ و حکمت ششای
 نیکو چهارم کینرک خبر وی شیرین سیرین رحمة الله علیه گوید شیر در خواب دشمن بود و اگر بیدار شود که با شیر جنگ میکرد و دلیل که با دشمن خصومت
 و از بهر دو آنکه ظفر بود غالب و باشد و اگر بیدار شود که بر اثر شیر میرفت و دلیل که از پادشاه بترسد و اگر بیدار شود که از شیر میگریخت و شیر او را
 طلب میکرد و دلیل که از آنچه میترسد این گردد و اگر بیدار شود که گوشت شیر میخورد و دلیل که از پادشاه مال یا بد و بر دشمن ظفر گردد و اگر بیدار شود که گوشت
 شیر میخورد و دلیل که از پادشاه خلعت یا بد که مانی رحمة الله علیه گوید شیر در خواب پادشاه بود و اگر بیدار شود که از نام شیر چربی بسیار کسبی بوی داد
 و خور و دلیل که از مال دشمن چیزی بخورد و اگر بیدار شود که با شیر مجامعت میکرد و دلیل که از سخننامی بد رسته گردد و مراد یا بد و اگر بیدار شود که شیر
 در بر گرفت و دلیل که با دشمنی شستی کند و اگر بیدار شود که شیر ز با وی مجامعت کرد و دلیل که از پادشاه خواری میداد و اگر بیدار شود که شیر از او

شیر

شیر

و اینست

و اینست

و اینست

و اینست

و اینست

و اینست می بیرون شد و دلیل که از پادشاه او حضرت رسد و انبیا علی السلام گوید اگر خواب بیند که سرشیر یافت و دلیل که پادشاهی با
و اگر بیند که پادشاهی او سرشیر داد و دلیل که پادشاهی خود بدو دهد یا ولایتی از آن خود او را پادشاه گرداند و اگر بیند که بر سرشیر
دلیل که دولت و مرثیت او را زیادت گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید شیر نر در خواب پادشاه بود و شیر ماده زن پادشاه بود و اگر زن
که شیر شیر مید و شیرید و دلیل که ویر پادشاه گردد و اگر زنی بپایین خواب بیند و دلیل که دایه پسر پادشاه شود و اگر بیند که شیر را بر پشت گرفته
بود و دلیل که دشمن بر وی ظفر ببرد و اگر بیند که شیر را در گریز و دلیل که از دشمنی حضرت رسد اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند
که شیر را در بر گرفت و دلیل که مقرب پادشاه گردد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که دشمن پادشاه بود و اگر بیند که با شیر طعام خورد و دلیل که مست
پادشاه شود اما پوست و گوشت و استخوان شیر در خواب جمله دلیل بر دشمن بود و اگر بیند که گوشت شیر بخورد و دلیل که دشمن را باستان
به دست آورد و اگر بخلاف این بیند تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر در خواب برسته وجه بود یکی پادشاه
دوم مرد و لیس سوم دشمن قوی شیر خورشت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شیر خورشت در خواب روزی حلال بود اگر در خواب
بیند که شیر خورشت جمع میکرد و دلیل که از سفر مال حاصل کند و اگر بیند که شیر خورشت میخورد و دلیل که مال بر عیب افتد کند
و غرض از یاد و اگر بیند که شیر خورشت داشت و دلیل که مال از باز رگانی بیاورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر
در خواب برسته وجه بود یکی مال حرام دوم فراخی عیش سیدم کام دل یافتن شیشه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شیشه در خواب
زن باشد و گویند خادمی بود که خدمت زن آن کند و لیکن ثباتش نباشد و اگر بیند که شیشه خالی بود که بوی وادند دلیل که زنی
در ویش خواهد و اگر بیند که در آن شیشه روغن بود و مثل روغن گل و بنفش لیل بر زنی دیدار باشد مغربی رحمه الله علیه گوید زن
توانگر باشد و اگر بیند که از آن روغن چیزی بسزاید و دلیل که از مال زن چیزی بوی رسد و اگر بیند که از شیشه شرابی میخورد و چون شراب
سیدب شراب نارد و غیره دلیل که بقد آن مال زن خورد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شیشه آگینه داشت و سپید و پاکیزه بود
و دلیل که زنی خوب روی و پارسا خواهد و اگر بیند که شیشه شکست و دلیل که زن او هلاک شود و اگر بیند که شیشه ضایع شد و دلیل که زنی
حلاق دهد اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شیشه داشت و در وی جلاب یا چیزی شیرین بود و دلیل که زنی سازگار
خوش طبع خواهد و اگر جلاب ترش بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که در شیشه چیزی خوش بود و دلیل که زنی مستوره و خوب
خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیشه در خواب برسته وجه بود یکی زنی با جمال دوم کنیز سیدم خادم خانه شیشه
دارد نیست که در خورون آن هیچ ضرر نباشد حرف ایضا و صابون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخوابد
که جامه خود را بصابون می شست و دلیل که از کارهای پند باز گردد و اگر بیند که جامه کسی بصابون می شست و دلیل که کسی را از کار
بباز دارد و اگر بیند که صابون میخورد و دلیل که مال حرام خورد و اگر بیند که صابون کجی داد و که بخورد و دلیل که مال خود را بخورد و می
گرمائی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که صابون بسیار داشت و جامه خود را شست و دلیل که او را خسته حاصل گردد و اگر بیند که
خود بصابون شست و دلیل که از مردمان باز ماند مغربی رحمه الله علیه گوید صابون در خواب خریدن باز و رفتن بود و اگر صابون

در خواب

صاحب

صاحب

صاحب

صاحب

صاحب

صاحب

صاحب

پسید بود و از آنش بوی خوش می آمد بگفت نیکو بود و صابون گزنی ممتد بود و صراحی کردن ابن سیرین رحمه الله علیه
 صراف در خواب عالم بود و اگر کسی بخواب بید که صرافی میکرد و متبرکگاه کند تا سایل از چهره دست اگر بیند و سوز و وینار بود
 که آنچه که موافقت دین بود از آن اختیار کند و اگر سایل چیزی نبشتن نداند تا ویش است که مردی متحیر باشد بخرافات مشغول بود
 که مانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بید که صرافی میکرد دلیل که بخت و غیبت مردم مشغول بود و گویند صراف در خواب مردی بخرافات
 بوی باشد که همه آن کنند که از زبان دارد صراف و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که صراف کرد و دلیل که با مردم سخن لطیف
 گوید و صراف کرد در خواب مردی خوش بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که صراف از هر کسی کرد و دلیل که آنکس مدا و کند حقیقت
 صادق رضی الله عنه گوید صراف کردن در خواب برسته و جد بودی سخن لطیف دوم مدا کردن سیدم رضای آنکس چنین
 صراف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید صراف آتش بود که از ابرجد اگر خواب بید که از ابر صرافه فتا و دلیل که بقدر آن صراف
 عذاب خداست بابل انتقام رسد قوله تعالی و یؤتیل علیها حسبنا من البشائر فقیح صبیح انی لقا اهل دنیا
 توبه باید کرد و عذاب ایشان دفع شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بید که آتش از هرا مانند باران می بارد دلیل بر بلا و فتنه و خونریزی
 از جهنم پادشاه بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بید که صرافه بیفتا و هار و اسبخت دلیل که عقوبت پادشاه هلاک شود و صبح
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که صراف بدید و جهان روشن شد دلیل که اهل دنیا را ایمنی حاصل شود و اگر بید
 که بعد از صبح تا یکی پیدا شد تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که صبح دمید و صبح بود چنانکه زمین از
 عکس آتش شد دلیل که در آن یار قتل خونریزی شود و اگر رنگ صبح زرد بود و دلیل بهاری بود و صبح صادق رضی الله عنه گوید
 وید صبح در خواب دلیل بر قوت صلاح دین مردم آید و بود و صبر در خواب عالمی بود که غرض از علم و جذب مال بود و اگر بید
 که صبر بخورد و دلیل که عالمی بدین نوع شود و اگر بخرد تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه گوید صبر خوردن در خواب دلیل بر غم
 بود که بوی رسد صحبت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر صحبت با مردم صبح با رسا میداشت و دلیل بر دیانت و صلاح
 زندگی او باشد و اگر بخلاف این بید دلیل بر فساد و تباه کاری او باشد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که هم راهی
 با پادشاه میکرد دلیل که از پادشاه او را خیر و منفعت برسد و اگر بید که هم راهی با مردی عالم میکرد و دلیل که علم و دانش
 یابد و کارش بنظم شود و اگر بید که با مشتری هم راهی میکرد و توبه باید کرد و اگر بید که با بزرگی هم راهی میکرد و دلیل که بدینجه
 شود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن صحرا در خواب خورمی و نیکوئی بود و از قبل پادشاه بقدر بزرگی صحرا اگر
 صحرائی اندازه بید و در آن خار و خش بسیار باشد و او در آنجا میکشت دلیل که او را با پادشاه ستیزی عالم
 صحبت افتد و مقرب می شود و اگر صحرائی بید که در و سبزه بود و دلیل که با مردم و فاضل عالم صحبت افتد و فایده
 یابد و صبح ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بید که صراف بر ایمم علیه السلام بخواند و دلیل که او را کسی از صواب بخاید و از خطا
 خاصه که از کتابها بخواند و اگر بید که صراف از راهی از دلیل که صحت و با مردم بنفاق و ریاست صرافی بود که اگر بید که مسلمان صراف کرد و صحت

علیه السلام میخاند و دلیل که تقدیرش در دین مسلمان بود و کبریا و جودان را دوست دارد و میل تمام با ایشان بود و صحیفه تسبیحی
 دارد یکی نامه دوم و دوم کاغذ سیوم پرده این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر صحیفه چیزی می نوشت دلیل که میراث یابد
 و اگر بیند که بر صحیفه کسی از بر خود چیزی می نوشت دلیل که از مردی دین دار با ناست چیزی یابد و اگر بیند که بر صحیفه خط سحر چیزی
 نوشت دلیل که از مصیبت زده چیزی یابد و اگر بر صحیفه چیزی می نوشت دلیل که میراث نرسد صدق کرمانی رحمه الله علیه
 صدق در خواب زن بود و اگر خواب بیند که صدق داشت دلیل که زنی خواهد یا کنیزگی خرد و اگر بیند که صدق ضایع شد دلیل که
 خادم او بگریزد و صدقه دادن خلاص است معتبر از دین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که عالمی صدقه
 دلیل که از علم وی ببرد و نفع رسد و اگر بیند که پادشاه صدقه داد دلیل که منفعتش بسیار بود و اگر بیند که پیشه دوی صدقه داد
 دلیل که شکار و از راه کار آموزد کرمانی رحمه الله علیه گوید صدقه دادن در خواب اینی بود و خلاصی از پنج و خشتی یابد مغربی رحمه الله علیه
 اگر وام داری بیند که صدقه داد دلیل که ویش گذرد و شود اگر بیند که صدقه داد دلیل که آزاد گردد و اگر زندانی بیند که صدقه داد
 دلیل که آزاد گردد و اگر زندانی بیند که صدقه داد دلیل که خلاصی یابد و اگر غنچه بیند که صدقه داد دلیل که مسلمان شود و فی الجمله صدقه
 دادن در خواب بر سعادت و دو جانی باشد صراط ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که بر صراط ایستاده بود
 دلیل که کارهای گنج بردست وی هست گردد زیرا که صراط راه راست است قوله تعالی وَ يَهْدِيكَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
 اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که از بلای مرگ و بزرگ این گردد و اگر بیند که از صراط در و نزع افتاد دلیل که در پنج و ملائمت
 افتد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که راه آخرت گزیند و عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 دیدن صراط در خواب بر شش وجه بود یکی راه راست دوم صبحی کار سوم ترس چهارم رحمت از قبل سلطان پنجم گناه ششم نفقت
 صفحه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید صفحه در خواب مادر و پدر بود اگر کسی بیند که صفحه سرایش نو فدا گیره و بلند بود دلیل که بر
 و رازی عمر و سلامتی نفس مادر و پدر باشد و اگر بیند که صفحه بفتاد و خراب شد دلیل که بر بلاک پدر و مادر مغربی رحمه الله علیه
 اگر بیند که صفحه از جانب راست خلل کرد و در آن رخه افتاد دلیل که پدر بیمار شود و اگر بیند که رخه از جانب چپ بود دلیل که مادر
 بیمار شود و اگر مادر و پدر نادر بود دلیل که او را غم و اندوه رسد صلوات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که صلابت
 بر حضرت سول صلی الله علیه و سلم میداد و دلیل که حاجت های او را در روزی بروی فراخ گردد و و خاست کارش تجارت
 بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که صلوات بسیار میداد و دلیل که حج کند و گویند که پیغمبر صلی الله علیه و سلم را خواب بیند دلیل که
 سنت های پیغمبر صلی الله علیه و سلم بجای آورد و صمغ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که صمغ از درخت آتچان است که فضله آن غرض
 و اگر خواب بیند که صمغ داشت یا بوی کسی داد و دلیل که بقدر آن از فضل مال کسی بخورد و اگر بیند که صمغ بکسی داد و دلیل که از فضل
 مال خود چیزی بکسی دهد مغربی رحمه الله علیه گوید صمغ در خواب منفعتی اندک بود که از مردی بوی رسد که بدان و رختن سوسن است
 اگر صمغ با دام خورد و دلیل که از مردی بخن مل منفعت یابد اگر صمغ نزد او خورد و دلیل که از مردی چهار منفعت یابد و اگر صمغ سنبلان داشت

دلیل که از روی بیانی متعنت یا بد صیغ این سیرین رحمة الله علیه گوید صیغ در خواب مکروه و کلام باطل و دروغ بود و اگر بیند که
 پیش از صیغ نیز دروغ و باطل صفا دهد اگر بیند که صیغ یا چنانکه چنانچه میرزا ذیل بر غم و اندوه مصیبت بود که باطل صیغ
 رسد و اگر بیند که صیغ شکست یا بیند اذیت و دلیل که از کلام باطل و دروغ توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صیغ زدن در خواب
 برنج و جبه بود یکی خبر مکروه دوم کلام باطل سوم متاع چهارم دنیا پنجم غم و اندوه صندل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که صندل داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بدج و تنهای او گوید و اگر بیند که صندل پلیده داشت دلیل که از روی بزرگوار عطا
 یا بد و هر چند که بوی صندل بیشتر بود منفعت او بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین صندل در خواب بر چهار
 وجه بود یکی ثناء و آفرین دوم خیر و برکت سوم جاه و منزلت چهارم منفعت و صندل سپید بهتر از صندل سرخ بود صندل و
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صندل زدن در خواب زدن بود و بعضی معتبران گویند که غرقه جاده بود و اگر خواب بیند که صندل
 بزرگی نو بخرد یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن غرقه جاده یا بد و اگر بیند که صندل و قی صناع شد یا شکست دلیل که جاده و
 کم شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صندل و قی پاکیزه داشت دلیل که زنی خوب روی و پاکیزه بود و اگر بیند که صندل و قی
 نا و لیش خلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین صندل و خواب بر سه وجه بود یکی غرقه جاده دوم بند قی
 و مرتب سوم زن بود صورت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که چهره او بصورت دیگر بدل گشت دلیل که
 احوالش بد آنکه دیده باشد بگردد و اگر بیند که بصورت خود باز گشت دلیل که بخداوند تعالی باز گردد و اگر خواب صورت
 خود باز گویند دلیل که بر کس روی از روی برگرداند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صورت آدمی یا صورت جانوری
 شد دلیل که بد منسوب و دروغ زن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که صورت در خواب کسی بیند که بر خداوند تعالی دروغ
 ضوف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید چنانچه صوف در خواب خیر و منفعت و دنیا بود و خاصه که مردم مضطرب را و اگر بیند که
 صوفیان بیرون آمد دلیل که میل و محظوظ گناه بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صوفی شد و مرقع پوشید و در میان
 صوفیان مقام داشت دلیل که چنین بیداری بیند و اگر بیند که صوفیان او را از میان خویش براند سید نه هم را
 این بود و اگر بیند که صوفی شد یا با صوفیان نشست دلیل که طاعت و خفا که دنیا عالم میکرد و دلیل که علم و دانش
 شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی دست از دنیا برداشتن دوم از خلق که بیند که بزرگی بهرایی میکرد و دلیل که بد دنیا
 چهارم طمع کسی نه داشتن صیقیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صیقیل در خانه و نیلونی بود و از قبل پادشاه بزرگی صحرا اگر
 بیند که صیقیل میکرد اگر از ابل صلاح بود و دلیل که پادشاه اینجا میکشت دلیل که او را پادشاه شکر می طلسم
 صیقیل که صیقیل در خواب مردی باشد که بدست خود حق است و سبزه بود و دلیل که با مرد فاضل عالم صحبت افتد و فایده
 بود و اگر صنی روشن و پاکیزه بیند دلیل که زن خا و بد که صیقل بر این علیه السلام بخواند و دلیل که او را کسی از صواب یاد و از خطا
 و اگر بیند که آلات حسنی داشت یا از گرفت و لیا بخت و با مردم بفاق و یا با سحر و جادو یا با سحر و جادو یا با سحر و جادو یا با سحر و جادو

دلیل که از پادشاه جاه و مال حاصل کند اگر بینه که طاووس داده بود و داد که کفایت دست و دلیل که زنی عجبی بزرگ با جمال بخا و از مال
 و فرزندان حاصل کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که طاووس با کبوتر جفت شد و دلیل که توانا می کند و انبیا علیه السلام گوید که
 طاووس در خواب زنی نموده بود و اگر بینه که طاووس زرباوی سخن گفت و دلیل که ولایت یابد و اگر بینه که تدر و طاووس با هم بود
 و دلیل که بیگانه با خیال و فساد کند و اگر بینه که طاووس از خانه وی بیرون و دلیل که زنا طلاق دهد و اگر بینه که طاووس را جفت و دلیل که از
 و ختری و دوشیزکی بستاند و اگر بینه که طاووس در دست داشت و دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بینه که بچه طاووس را گرفت و دلیل که
 او را ختری آید و اگر بینه که طاووس زنا و دست وی بیرون و دلیل که از پادشاه جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید طاووس
 در خواب برو و وجه بود یکی پادشاه عجم دوم خزیمه و مال طبع در خواب بروی عریض بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه
 که طبعی میگردان طبع بطعم خوش بود و دلیل که خیر و نیکی میند و اگر بخلاف این میند و دلیل که مضرت یا بد طبع این سیرین رحمة الله
 علیه گوید طبع در خواب خامی بود که کار مجلس ساز و وقت شادی و هر که ویرایه بینه شاد و گرد و اگر بینه که طبعی بزرگ داشت
 و دلیل که بدین صفت او را خامی حاصل آید و اگر بینه که طبعی شکست و دلیل که خادم او بمیرد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که طبعی
 بود آتش افشا و بسوخت و دلیل که کینه زکی و پاپرستارش بیمار شود و بطاعون و سرسام گرفتار آید جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید دیدن طبع در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم خانه و مجلس دوم کینه سوم فایده چهارم بدیه طبع این سیرین رحمة الله
 علیه گوید طبع در خواب سخن باطل و دروغ بود اگر بینه که باطل نای و دروغ بود و دلیل بر غم و مصیبت باشد و اگر بینه که طبع
 مفرد و میزد و دلیل که سخنی باطل گوید یا چیزی مشهور بد و رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که طبع میزد و دلیل که کاری باطل
 کند و طبع در خواب بروی بود که دروغ آید که طبع این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که طبعی بیمار را علاج کرد و دست
 شد و دلیل که یکی را از راه فساد و راه صلاح آورد و اگر بینه که بیماری را نکس صحت شد تا و پیش بخلاف این بود و اگر بینه که مردم
 را و او را و نافع آمد و دلیل که علم گوید و پیوند و مردم پیوندی پذیرند و بعلم وی کار کنند و اگر داروی وی نافع نبود و دلیل
 بخلاف این بود و طبعی کردن در خواب مردم مصحح را دین و راه راست آخرت بود و مردم مفید را صلاح تن و کسب حیات
 بود و طعام و انبیا علیه السلام گوید هر طعام و شراب که آنرا رسیده باشد تا ویش بد بود و اگر پالوده و غیره زیرا که جواهر حلو از آن
 روغن و اکسین باشد و این هر دو در مال بود این سیرین رحمة الله علیه گوید هر طعام که بخورون و شواء و پیازه باشد با طعم
 ریخ و اندوه بود و هر چه ترش باشد دلیل بر بیماری بود و طعام شیرین عیش خوش بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که طعام از رزق
 و سیم بست و دلیل بر زیان مال باشد و اگر بینه که طعامی در خانه داشت و همه بخورد و دلیل که عمرش بسره آمده باشد و اگر بینه که چندان طعام
 بخورد که طاقت نداشت که بر خیزد و دلیل بر مرگ وی بود و اگر بینه که مرده طعام میخورد و دلیل که آن طعام گران شود جعفر صادق رضی
 عنه گوید اگر بینه که درویشی را طعام داد و دلیل که از غم و ریخ و ترس و بیم رسته گردد و اگر بینه که کا فر یا طعام داد و دلیل که در کار و شمشیر
 حقیقی او را یاری دهد طبع نیره زون بود و اگر بینه که کسی را نیره زون و نیره در تن وی درون شد و دلیل که اینک بقدر آن جنم

و ششمی اینکس ردول دارد و مغربی رحمه الله علیه گوید طعن زدن در خواب سخن زشت گفتن باشد اگر مینکسی را طعن زد و جای آورد است
دلیل که از سخن که در حق وی بگوید دارد و حاصل آید و اگر در نکرد و او پیش بخلاف این بود طلاق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند
که زن طلاق داد و او را یک زن بود و دلیل که از شرف و بزرگی افتد و اگر از زانی و دیگر بود یعنی این زن و دلیل که از شرف و جاه بعضی
نقصان پذیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند که زنا طلاق داد و دلیل که کاری کند که از ان پشیمان شود و طعن کرد در حق
تو انگری بود قوله تعالی و ان یتفرقا یغفر الله کلا من سعتیه طلع ابن سیرین رحمه الله علیه طلع با خبر ما بود اگر میند
که یک طلع یاده یا سه فرا گرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر میند که طلع خورد دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر میند که طلع بسیار
داشت و از آن میخورد و مکی میند و دلیل که پادشاه مالش ستاند و عاقبت خشنود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید طلع
در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم رحمت سوم منفعت چهارم شدن مال تصب طلق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
طلق مذک مایه سخنی بود که در کار نازیر که جوهر وی از سنگ است اگر میند که از جانی طلق بسیار جمع میکرد دلیل که او را بکر و حلیت
از سفر مال حاصل گرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که طلق بخواند تن به مالید و در میان انشفت و مالش هیچ بوی بوی
دلیل که شتر پادشاه از وی دفع شود و اگر میند که طلق مخور و دلیل که مال بوی و سخنی حاصل کند و اگر میند که طلق از وی حنا تیغ
دلیل که مالش تلف شود و طنبور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در خانه و منزل خود طنبور میزد دلیل که در آنجا غم و
بود و اگر میند که طنبور وی بشکست دلیل که توبه کند و اگر میند که طنبور میزد دلیل که مرگش نزدیک بود اگر کسی میند که او از
طنبور می نشنید دلیل که بسختی باطل شنیدن رضا و بد طوطی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید طوطی در خواب فرزند یا غلام بود که
کسی بخواب میند که طوطی از دست می آید پس بد دلیل که فرزند یا غلام او بسفر رود و اگر میند که طوطی با وی سخن گفت دلیل که سخنی
گوید یا کاری کند که مرد مر از آن عجیب آید و طوطی ماده و دختر و شیر بود و طوطی نرم روی پاک دین بود یا غلامی جلد یا رسا بود
اگر میند که طوطی ماده را بکشت دلیل که دو شیرگی دختری میرد و اگر میند که طوطی از زبان یا از مقعد او بیرون آید دلیل که او را فرزندی
آید که در شان وی سخنان ناخوش گوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوطی در خواب بر سه وجه بود یکی فرزند و غلام دوم
و دختر و شیر و سوم شاکر و پارسا طوق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در گردن او طوق بود از زر یا از سیم دلیل که
آن ولایت یا بدوران انصاف نگاه دارد و اگر میند که از آهن بود دلیل بر بی امنیتی و فساد دین بود که مانی در حق الله علیه گوید اگر
طوق در گردن خود میند و دلیل که دعوی بدروغ کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر در گردن خود طوق زترین میند دلیل که ولایت
یا بدو اگر از مس یا از آهن بود دلیل که با کسی خصومت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوق در گردن در خواب شش
وجه بود یکی حج دوم ولایت سیم خصومت چهارم امانت پنجم غلام ششم کنیزک و اگر طوق در گردن اسپ خود میند دلیل که
از پادشاه مال و بزرگی یا بد طلیسان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید طلیسان در خواب قدر و بزرگی و جاه بود و اگر میند که
نمود یا کینه بود و دلیل که قدرش نیکو بود و اگر بخلاف این میند دلیل که قدرش کم نشود و اگر میند که طلیسان بدد یا بدو سخت دلیل که عجز

خواب

سیر

حکایت

عاج

سیر

تجرب

از آن او میرود انبیا علیه السلام گوید دیدن طلیسان در خواب امانت و واپاست و قوت بین بود و اگر بیند که طلیسان پاکیزه بود
و لیل که امانت بگذارد و اگر طلیسان چرکین بود و لیل که امانت در کردنش باز و اگر بیند که طلیسان زرد و پیر و دلیلی که در غمی سخت
افتد مغربی رحمته الله علیه گوید طلیسان سپید در خواب فرزند صالح بود و اگر سرخ بود و لیل که فرزندش معاش و طرب و دوست دارد
اگر سیاه باشد فرزندش عالم یا قاضی یا خطیب شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طلیسان در خواب برده و جبه بود و یکی
عزو جاه و دم و لایست سوم فرزند چهارم دولت پنجم بزرگی ششم مال هفتم منفعت هشتم علم نهم دین یازدهم شرف الحظاء
ظلم کردن ابن سیرین رحمته الله علیه گوید اگر بیند که بر و ظلمی رفت لیل که بر ظلم کننده نصرت یابد و اگر بیند که او بر کسی ظلم کرد و در لیل
انگس بروی خطیب یا بر و اگر بیند که پادشاه بروی ظلم کرد و لیل که پادشاه بروی محتاج شود و اگر بیند که او بر پادشاه ظلم کرد و لیل
از پادشاه مضرت یابد و سحیل اشعث رحمته الله علیه گوید اگر بزرگی بیند که بر چهارم ظلم کرد و لیل که آن چهارم را نفرین کند و اگر خواجه
بیند که بر بنده ظلم کرد و لیل که از خواجه او را به ملا و محنت رسد و ظلمات ابن سیرین رحمته الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود
و بر روشانی بدل شد و لیل که راه دین بروی کشاده گردد که باقی رحمته الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود و بر روشانی آمد و باز
در ظلمات رفت و لیل که منافق باشد قوله تعالی وَاِذَا اَظْلَمَ عَلَيْكُمْ فَاهْبُتْوا لَوْ اَنَّكُمْ اِلَّا بِرَحْمَةِ رَبِّكُمْ عَلَيْكُمْ
ظلمات در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که در بدو بانی ظلمات ظاهر شد و لیل که در انداز غم و اندوه می صبر کند و پدید آید جعفر صادق
رضی الله عنه گوید در ظلمات در خواب بر پنج وجه بود یکی که فردوم تخر سوم فرو بستن کار چهارم بدعت پنجم ضلالت اگر تو اگر بیند
که بدویشی آمد و لیل که زیادت شود و اگر درویشی بیند که بتوانگری رفت و لیل که کارش بد بود و حرف العین عجاج
ابن سیرین رحمته الله علیه گوید عجاج در خواب دولت بود و اگر بیند که عجاج داشت و لیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که عجاج از
ضایع شد و لیل که مالش ضایع شود مغربی رحمته الله علیه گوید اگر بیند که عجاج در صندوقی داشت و لیل که یکی از خویشان وی زنی
بزرگ خواهد و اگر بیند که دواتی از عجاج داشت و لیل که پادشاه او را کیترگی عطا دهد و جاه یابد و اگر بیند که عجاج بشکست یا ضایع
شد و لیل که زن پاکیزه او پاک گردد و هر چند که عجاج سپید تر و پاکتر باشد مال پیشتر بود عاریت کردن ابن سیرین رحمته الله
علیه گوید اگر بیند که کسی چیزی بکسی عاریت داد و اگر آن چیز از نوعی بود که دوست دارند و لیل که ثابت شود و اگر چیزی بود
که دوست ندارند تا ویش بخلاف این بود عاشق ابن سیرین گوید اگر خواب بیند که عاشق است و حریفش بود و لیل ضیاع
و بدی کند و اگر چیزی حلال بود و خوب بود و لیل بر خیر و صلاح باشد و اگر بیند که بر کسی خوبری عاشق شده بود و اگر در آن
عشق نیت حرام بود و لیل بر شر و فساد کند و اگر در آن عشق نیت حلال بود و لیل بر خیر و صلاح بود و سحیل اشعث رحمته الله
علیه گوید اگر بیند که از عشقی کام دل یافت و لیل بر خیر و منفعت بود و عالم اگر بیند که عالم یا فقیه شد و در اصل جاهل بود
و لیل که مردم سخن نگویند و در زبان مردم افتد بدی و اگر عالم یا فقیه بود و لیل که علمش زیادت شود و اگر بیند که قاضی یا حکیم
یا خطیب بود یا عالمی زنده یا مرده از موضعی گذشت که در آنجا ترس و بیم بود و لیل که مردم آن موضع از ترس و بیم این شوند و پاد

در جواب
عبد الوهاب

ایشان عادل گرد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم را علم میگفت که از اهل علم نبود دلیل که از اندام برگزیده و اگر عالم بود
دلیل که غرض او باشد که بگوید که بگویند که او را رشوت و دهنده جعفر صادق رضی الله عنه گوید عالم در خواب چنان
و چه بود یکی دولت دوم قاضی سوم حکیم چهارم خلیف عبادت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عبادت خداست و خدا
میگرداند و پیش بخلاف این بود معتزلی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عبادت در مسجد یا در صومعه میکند و دلیل که خیریت یا بخلافی
یا بدو اگر بیند که جانی عبادت کرد که مکر و دوتا و پیش بخلاف این بود عجز و پیر شدن است در حرف کاف بیان کنیم
حد و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یکی از مردم یا از دنیا را یا جامه یا غیر آن بوی داد و دلیل که خیر و نیکویی بیند
توله تعالی من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی یک طاعت را ده پادشاه است بنابرین معبران گویند
که اصل ده از یکی است کرمانی رحمة الله علیه گوید عدد یکی نیکو بود و دو غم و اندوه و لیکن بر دشمن خود گرد و کرمانی اثبت
انذها فی النار اگر عدد و شمار بیند بد باشد و از کار که در آن بود بر خور واری نیاید توله تعالی قال لا یتلک الا
تکلم الناس ثلثة آیات و لفظ سه دلاله بر فرقت کند زیرا که طاق است و اگر عدد چهار بیند نیکو باشد
چون چیزی دیگر و مضاف نباشد مایکون من یجوی ثلثة الا هو و ایعالم و اگر عدد پنج باشد نیکو بود
و تکیه صاحب خوابی نماز برای دارد و اگر عدد شش بیند نیک باشد خلق السموات و الارض فی سبحة آیات و اگر عدد هفت
بیند باشد سبع سموات طاقا چون یا هفت یا هشت باشد بد بود توله تعالی سبع لیل و ثمانیه آیات حسوا و اگر عدد
نه بیند باشد تله تعالی تسعة و خط یفسد و ن و اگر عدد ده باشد نیکو باشد و مرادین و دنیا و احوال گرد و توله تعالی
ثلاث عشرة کاملة و اگر عدد یازده بیند دلیل که شغل مای و بی بروز کار بر آید و اگر عدد دوازده بیند
نیکو باشد توله تعالی ان عد الشهور عند الله اثنا عشر شهرا و اگر عدد سیزده بیند بد باشد
و کفر کارش بد شود و اگر عدد چهارده بیند نیک باشد و اگر عدد پانزده بیند کارهای پکنده و بی بر آید و اگر
عدد شانزده بیند حاجتش دیر بر آید و اگر عدد هفده بیند بد باشد و اگر عدد هجده بیند امیدش بر نیاید و اگر عدد
نوزده بیند او را مردم کار افتد توله تعالی کو احاة للبشر علیها تسعة عشر و اگر عدد بیست بیند نیک
باشد و بر دشمنان ظفر یابد توله تعالی احشر و ن صابرون و اگر عدد سی بیند او را کسی داری ضل گرد و توله تعالی
و واعدنا موسى ثلثین لیل و اتممنا لها بعشرون و اگر عدد چهل بیند کارش بسته گردد و اگر پنجاه بیند
و سبیل برین و سختی بود توله تعالی الف سنة الا خمسين عاما فاخذهم الطوفان و اگر شصت
بیند دلیل که او را سوگن کردن افتد و او را دو ماه پیوسته روزه باید داشت یا شصت روز و پیش را طعام باید داد و توله
تعالی ثم قرین فمنا بعین من قبل ان یمننا ساذک لک لومونا بالله و سؤله و اگر عدد هفتاد
بیند دلیل که بتاخیر بر آید و اگر عدد هشتاد بیند دلیل که او را تمت کنند و چوب نزنند توله تعالی فاجل و اتمنا بائن

جلد ۱ و اگر عدد نو دیند دلیل که چند زار از بزرگان بکج کند قوله تعالی **لَشَعْنَ وَ لَشَعُونَ نَجْتَرُ وَ نَجْتَرُونَ**
و اجد ۱ و اگر عدد صد دیند دلیل که نصرت و ظفر یابد قوله تعالی **مَائَةٍ تَعْلَبُوا مَائَتِينَ** و اگر سلطان خود را
ببند که صد سوار با وی بود دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر کسی ببند که ویرا صد درم و او نیز دلیل که متمی بزبان
نهند و او را صد چوب بزنند قوله تعالی **فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ** و اگر ببند که کسی او را
صد دانه کند یا چوب یا چیزی از دهنها داد دلیل که او را خیر و برکت بود و عیش و روی فراخ گردد قوله تعالی **فِي كُلِّ**
سَنَةِ مِائَةِ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ و اگر عدد دویست دیند دلیل که دشمنان بر او
ظفر یابد و اگر عدد سیصد دیند دلیل که بروز کارم او حاصل شود قوله تعالی **وَلْيَتْلُو فِي هَفْطِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ**
سَبْعِينَ وَ اِنْ دَاوُدَ لَشَاعَا و اگر عدد چهار صد دیند دلیل که بر خصمان ظفر یابد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه
و سلم فرمود که **خَيْرُ الْخَيْرِ اَوْ لَعَنَ الْاَلْفِ** یعنی بهترین خواها چهار صد و بهترین لشکر با چهار صد هزار و اگر عدد دویست
دیند دلیل که کارش بموفق باشد و اگر عدد ششصد دیند دلیل که شاد شود و بمقصود رسد و اگر عدد هشتصد دیند
دلیل که کارش سخت گردد و عاقبت بر آید و اگر عدد هشتصد دیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر عدد نهصد دیند دلیل که دشمن
بر وی ظفر یابد و اگر عدد هزار دیند دلیل که بزرگی یابد و بر دشمن قهر کند قوله تعالی **وَ اِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ اَلْفٌ يَعْلَبُوا**
اَلْفَتَيْنِ بِاِذْنِ اللَّهِ و اگر عدد دوهزار دیند دلیل که بد باشد و اگر عدد سه هزار دیند دلیل بر فیروزی بود قوله تعالی
يَكْلَبُ الْاَلْفَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُتَوَلِّينَ و اگر عدد چهار هزار دیند دلیل بر قوت و نصرت باشد و اگر عدد پنجاه هزار دیند
دلیل که مبارک و فرخنده بود و اگر عدد شش هزار دیند همین تاویل دارد و اگر عدد هفت هزار دیند دلیل که کارهای شاد
گردد و اگر عدد هشت هزار دیند دلیل که کارش نظام شود و اگر عدد نه هزار دیند دلیل که بد باشد و اگر عدد دوهزار دیند دلیل
که نصرت و فیروزی بود و اگر عدد بیست هزار دیند همین تاویل دارد و اگر عدد سی هزار دیند دلیل که نصرت و ظفر بدینک
یابد و اگر عدد چهل هزار دیند دلیل که نصرت و ظفر یابد و اگر عدد پنجاه هزار دیند دلیل که برنج و سختی و عجز فروماند و قوله تعالی
وَمَقْلَدُ اَرْبَعَةِ خَمْسِينَ اَلْفًا سَنَةً و اگر عدد شصت هزار دیند دلیل که خرم و شادمان گردد و اگر عدد هشتاد هزار دیند
دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر عدد هشتاد هزار دیند دلیل که کارهای بر وی پوشیده گردد و اگر عدد نود هزار دیند دلیل که
دشمن بر وی ظفر یابد و اگر عدد صد هزار دیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد قوله تعالی **وَ اَرْسَلْنَا مِائَةَ اَلْفٍ اَوْ تَرَدُّوْنَ**
عدس متعبر از او تاویل عدس خلافت ابن سینا رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب نیک است زیرا که حضرت
ابراهم علیه السلام وارد دست داشتی که مانی رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب بد است زیرا که چون قوم بنی اسرائیل
را از زمین و سلولی طال گرفت از حق جل و علا عدس سپرد و پیاپی خواستند مغربی رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب
مال بود که از زنان بومی رسد خاصه که بختی بود و اگر خام بود دلیل بر مضرت و اندوه باشد عرا و ه ابن سینا رحمه الله علیه

نصف

چند

حرف

در شهر مسلمانان می انداخت و دلیل که کافران می انداخت دلیل که کافران سخت را دشمن دارد و اگر ببیند که عسکر او در

عش

عش

عش

عش

عش

گوید اگر ببیند که عسکر او دشمن کافران می انداخت دلیل که کافران سخت را دشمن دارد و اگر ببیند که عسکر او در
در شهر مسلمانان می انداخت و دلیل که در زمین مسلمانان بخان ناهمسوار گوید و باشد که اهل اسلام را و غایب کند
و اگر ببیند که عسکر او می انداخت دلیل که اهل آن موضع با عنایت کند یا دشنام دهد عرش ابن سیرین رحمه الله علیه
عرش در خواب می بیند بزرگ یا مال خسته بسیار بود اگر ببیند که عرش آهسته بود دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت
افتد و عرش نصرت یابد و اگر عرش را حقیر ببیند دلیل که پیش مردم خوار گردد و اگر خود را بر عرش نشسته ببیند دلیل که
که او را با مردی بزرگ پیوند و از وی حرمت و جاه ببیند و اگر ببیند که از عرش بزرگ آید تا ویش بخلاف این بود و صحبت
رضی الله عنه گوید و دیدن عرش در خواب بر پنج وجه بود یکی صاحبی بزرگ دوم رفعت سوم مرتبت چهارم عزت پنجم بزرگواری
عشر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که عرش داشت دلیل که با مردی همیل او صحبت افتد و درخت
عرش بتاویل مردی باشد که نیکی کمتر کند عرق کردن اگر کسی خواب ببیند که عرق از تن وی روان شد دلیل که بقدر
عرق ویران یابد افتد خاصه اگر عرق وی بر زمین می چکید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که جانم وی از
عرق تر شده بود دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند و اگر ببیند که عرق خود می خورد مال خود بخورد و اگر ببیند که عرق
سپید بود و بوی خوش داشت دلیل که مالش حلال بود و اگر بخلاف این ببیند دلیل که مالش حرام بود و کثافتی حتمه
افتد علیه گوید عرق کردن در خواب دلیل بر حاجت روانی کند و اگر ببیند که عرق می خورد دلیل که حاجتش روا شود
و اگر ببیند که عرق کرد دلیل که شفا یابد عروسی ابن سیرین گوید اگر کسی خواب ببیند که عروسی بخواند و لیکن او را
ندید و نامش ندانست دلیل که بمیرد یا کشته شود و اگر ببیند که عروسی بخواند و او را ندید و نامش ندانست دلیل که بزرگی یابد و چیز که
ملک او نباشد ملک او شود و کثافتی رحمه الله علیه گوید عروسی که در آنجا چنگ و چغانه و نامی باشد دلیل بر مصیبت
بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر زنی خواب ببیند که عروسی شد و او را ندید و شوهری بر ندید دلیل که عمرش تا آخر رسید
باشد و اگر ببیند که شوهر او را بسته و با وی نیکی کرد و دلیل که خیر و منفعت یابد و عزل دور کردن از کار یابد و اگر ببیند که
پیر را معزول کردند دلیل که خواری و بچهره متی بیاید و اگر ببیند جوانی معزول کردند تا ویش بخلاف این بود و کثافتی حتمه
علیه گوید اگر ببیند که متهم را معزول کردند دلیل بر صلاح دین بود و اگر از کار یابد و دلیل بر کسب معیشت کند تا ویش
نقصان معیشت وی باشد و اگر کارش عملی بد بود که او را عزل کردند دلیل که دست از بدی کوتاه کند و راه صلاح گیرد
عسیر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که بحسب معیشت ایشان مردمان مصلح بودند دلیل که او را خیر و منفعت
رسد و اگر بخلاف این ببیند دلیل بر شر و مضرت بود و اگر ببیند که عسیر او را بگرفتند که نذر ساند دلیل که از مردم پا شود
بوی ریح رسد و اگر ببیند که آن عسیر بی مالت نرسید دلیل بر خیر و نیکی کند که نامی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که عسیر جامه
وی بر کند یا ویران زندان کرد دلیل که از مردم پا شود و از زبان رسد و بچهره متی بیاید و اگر ببیند که عسیر بی مالت نرسید دلیل که از مردم پا شود

عصا

عصا

عصا

توانست گفت دلیل که اندک کن بوی رسد عصا را بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که عصای میگرد و دلیل که
 بجاری مشغول گردد که او را شنا گویند نام نیکی و خیر بود و عصا بن سیرین رحمه الله علیه گوید عصا در خواب مردی بزرگوار
 با قدر بود و اگر بیند که عصا بر دست داشت یا کسی بوی داد و دلیل که او را از مردی بزرگ قدر و جاه پدید آید و اگر بیند که
 عصای وی ضایع شد و بلیش بخلاف این بود و اگر بیند که کجی بر عصا کرد و دلیل که بمعادنت مردی بزرگ آنچه میجوید
 که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عصا در دست دراز شد دلیل که بر او رسد و اگر کوتاه شد تا بلیش بخلاف این بود و اگر
 بیند که عصای خود بکسی بخشید دلیل که هلاک شود و اگر بیند که عصا با وی سخن گفت دلیل که او را فرزندی آید و از وفات
 یا پدر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عصا در خواب برسته بود یکی مرد بزرگوار دوم پادشاه سوم قوت عصبه
 بن سیرین رحمه الله علیه گوید عصبه نوعی از علل است و آن بهتر که زعفران بخورد و دیدن او در خواب نالی بود که
 بدست آید و اگر بیند که لقمه از عصبه در دهان نهاد و دلیل که سخنی خوش شنود و اگر بیند که عصبه بسیار خورد و دلیل که مال
 بخصومت حاصل کند عطا بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که چیزی او را عطا و انداخته یا بدی که بر سر
 او را ازین عطا می که او انداخته بود و زو یا سیم یا جامه بود و عطا و هدیه معروف بود یا مجهول ندان یا مرد بود و چون جمله اینها است که
 تعبیر کند اگر نیکو باشد آن چیز مرد امرا و دست میدارد و دلیل که ازان عطا می که بوی داد نیکی بوی رسد و اگر عطا و هدیه مجهول
 و دلیل که سبب دنیا و اخاری رسد و اگر عطا بود عطا بود و بخیل دروغ بود و اگر بیند که عطا بسته و دیگر باز داد و دلیل که نیک است
 آن عطا و هدیه باز گردد و اگر بیند که او را سیوه یا جامه یا چیزی شیرین عطا داد و دلیل که با کسی دوستی کند و اگر عطا و هدیه
 جهود یا ترسا بود و آن عطا چیزی نیکو بود و او بر عبت ستد و دلیل که ایمان او بر خطر باشد و اگر جهود یا ترسا خواب بیند که
 ایش ترا عطا داد و بر عبت بستد دلیل که مسلمان شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را عطا داد و او را شکر گفت دلیل
 که زیادتی مال و تشددستی بود و اگر شکر نگفت تا ویش بخلاف این بود و معزنی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عطا چیزی نیک است
 و عطا و هدیه دون بود تا ویش بد بود و عطا بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با خود بوی خوش داشت و او را
 بود دلیل که مردم را از علم وی منفعت بود و اگر تو انگر بود دلیل که از مال نفع رساند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که
 خود عطا داشت دلیل که مردم او را آفرین کنند و شنا گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عطر در خواب برنده و همه بود
 شای نیکو و دم سخن خوش ستود علم با نفع چهارم طبع نیکو پنجم مجلس علم ششم مرد کهیم معتزم مرد با فربنگ هشتم دین پاک نهم
 خوش عطا را اگر خواب بیند که عطاری میگرد و دلیل که مردم او را شکر گویند و اگر بیند که مردم بوی خوش میفرودخت دلیل که
 و عده دهد و نیکو خلاف کند اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با مردم عطا رود و سنی و آشنائی شد دلیل که
 او را نفع و شنا گویند و نادر شود و عطا بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که عطسه داد و الحمد لله گفت
 دلیل که اگر بیماری است او را بطیب احتیاج افتد و اگر ندرست بیند دلیل که کسی حاجتش روا کند و بر وی منت نهد و اگر بیند

مستحق

عقل

مستحق

عقل

عقل

عقل

که بنده با عقل و ادب و دلیل بر نیکی و قهرمی بود و اگر بیند که عطسه بسیار داد و دلیل که مراوش بدشواری بر آید و اگر بیند که عطسه داد و آب بینی بازگشت گرفت و دلیل که فرزندش آید و اگر بیند که چون عطسه داد و بخاطر آب بینی بازگرفت و روان شد و دلیل که در وی نخی زشت گویند و اگر بیند که عطسه آمد و چون داد و بیرون آمد و دلیل که از چهره آن چند دهه و از فرزندش آید که بدان حیوان منسوب باشد که تانی رحمة الله علیه گوید اگر عطسه در خواب باستانی داد و دلیل که مالی آسانی بدست آید و اگر عطسه بدشوار داد و دلیل که مالی بدشواری بدست آورد و عقل این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل توام و دانند که عقل نیست اگر بیند که خواب آن باشد و دلیل که او را فرزند پادشاه صحبت افتد و از و خیر بیند و پادشاه زاده او را دوست دارد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر عقل خود را بدین صورت بیند و دلیل که بخت روی کسی نهند و غرور جاه یابد و تو انگر شود و انبیا علیه السلام گوید عقل در خواب بخت و دولت بود و اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل توام و دلیل که بخت و دولت یار او شود و مغربی رحمة الله علیه گوید عقل و جان در خواب مادر و پدر بود و اگر غائب باشند و زنده بودند و دلیل که دیدار ایشان باز بیند و اگر مرده باشند و دلیل که دعا و صدقات از وی بدیشان رسد و در خبر است که مردی پیش حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آمد و گفت بختی دیدم که مالی جان من را من جدا شدند و هر دو بصورت آدمی بودند و بخانه من درآمدند و هر سه بنشینیم و شراب بخوریم و شکر میخوریم و من صلی الله علیه و سلم فرمود که عقل شست و نجاش است و جان شست آن جهان کار تو برادر شود و اگر بیند که عقل و جان نیزه و لجاج میکردند و دلیل که سلطان ولایت بخانت کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید عقل و جان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بخت و دولت و دوم مادر و سوم فرزند یا پادشاه چهارم مال و هفتم عقیق این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که عقیق داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بزرگی مصاحب شود و از و خیر یابد و اگر بیند که عقیق از و ضایع شد وایش بخلاف این بود و اگر بیند که بخور عقیق داشت و از و چیزی بخورد و دلیل که او را فرزندش آید که شرف و بزرگی و جاه یابد و علک کند بود و اگر بیند که علک بر آتش نهاد و دلیل که بخت در مال و نقصان شود و اگر بیند که علک میخاند و دلیل که مالی بخصومت و گفتگو یابد و علم در خواب مردی و انما یا امام زاهد بود و شخصی که در بوی افتد کند و اگر بیند که علم در دست داشت و دلیل که ازین نوع مردم که صفت کردیم با کسی شمشاد و از وی راحت یابد و اگر بیند که علم از دست می بیند یا ضایع شد وایش بخلاف این بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن علم در خواب دلیل بر خیر بود و اگر بیند که علمی بوی دادند یا لشکری بروی جمع شوند جاه و بزرگی یابد و خاصه که علم سپید یا سبز باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که علمی سپید بزرگ و درست داشت و دلیل که با مردی توانگر صالح او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که علمی سیاه داشت و دلیل که زاهد و دیندار شود و اگر بیند که علمی سیاه داشت و دلیل که قاضی یا خطیب شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دلیل که علم در خواب بر چهار وجه بود یکی همت و دوم سفر سیدم جاه چهارم نیکی احوال عمارت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که در جایگاهی خراب عمارت چون مسجد و مدرسه و خانقاه کرد و دلیل بر صلاح دین و ثواب آنجهان بود و اگر بیند که بر زمین خراب شده بود و از بهر خرابی عمارت یک روح و چون سرای و دکان و مانند این و دلیل که فایده ایجهانی یابد و اگر بیند که حامی معروض بود و در آن

شد دلیل که در بلا و مصیبت افتد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در جائی معروف و مشهور و معمور میقیم شد دلیل که از انعام خیر
 صلاح و منفعت بقدر عمارت انعام باید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارت در خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح نهج
 دوم خیر و منفعت سوم کامرانی چهارم برکت و گشایش کارهای بسته عمارتی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب
 که در عمارتی نشسته بود و عمارتی وی بر سهتر یا بر اسپ بود و میرفت دلیل که قدر و بزرگی یابد و اگر بیند عمارتی بفتند و یا از عمارت
 بیرون شد تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را در عمارتی نشانند دلیل که بزرگی پیوندد
 و کارش بالا گیرد و قدر و جاه و زیادت گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارتی در خواب بر هفت وجه بود یکی
 بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پیوستن با مهری عموم و ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید معمور در خواب مردی درست و راست بود و مستحضران گویند که بختهای سخت باشد و اگر بیند که عودی بر کسی زو دلیل
 که سختی سخت کسی گوید و اگر بیند که معمور آئین داشت دلیل که او را از پادشاه قوت و یاری بود و اگر بیند که معمور از دوستی
 بسته شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن معمور در خواب بر سه وجه بود یکی مرد درست دوم خیر
 سخت و راست سوم مهری بزرگ عتاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتاب داشت و میخورد دلیل که بقدر
 آن مال حاصل کند و اگر بیند که عتاب یکی داد و دلیل که از او بد آنس مال رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتاب از دوست جمع
 میکند و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند عین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عین داشت دلیل که بقدر آن منفعت یابد
 بیند که عین بسیار جمع میکند و با نسیان دلیل که بقدر همت خویش ولایت یابد و اگر بیند که عین یکی داد و دلیل که از او بد آنس منفعت
 رسد و اگر بیند که عین از وی ضایع شد دلیل که مالی نقصان پذیرد و اگر بیند که بر عارض کسی عین مالید دلیل که بجای او نیکی کند
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عین در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم کامرانی چهارم شای نیکی
 عینا نوعی از نوا بود چون جنگ و بر لب و مانند این ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عینا میزد دلیل که بطلان سخن محال
 رضا دهد و اگر بسیاری بیند که عینا بشکست یا بقیقت و دلیل که از بد و غم و محال توبه کند و اگر بیند که عینا میزد و دلیل که زود میرد
 عینکوت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عینکوت در خواب مردی ضعیف و کمزوری و عاهی بود و بعضی معجزان گویند که جولا
 بود و اگر بیند که عینکوت از وی دور شد و دلیل که از مردی جولا همه دور شود عموم و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عود در
 میسخت و دلیل که از خیر و منفعت یابد و عود در خواب مردی خوب دوی و لطیف طبع بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عود خام
 داشت یا کسی بوی داد و دلیل که از پادشاهت یا بد و هر چند که عود خوشتر باشد عطا بیشتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید عود در
 بر چهار وجه بود یکی مردی خبر دوی دوم سخن خوش سوم ثناء و آفرین چهارم مال منفعت عموم و سوز ابن سیرین رحمه الله
 گوید عود سوز در خواب کی گزند یا فزینک یا غلام زیرک و دانا بود و اگر عود سوز سپید روی باشد و دلیل که غلام یا کزینک است
 تر باشد و اگر از مس بود و دلیل که از اصل جود باشد اگر از آهن بود و اصل کبران باشد و اگر بیند که عود سوز بشکست یا ضایع شد

در خواب

عین

عین

عین

عین

عین

عینکوت

عود

عود

بسیار

عبد

عبد

عبد

عبد

عبد

عبد

عبد

و دلیل که غلام یا کنیزان پاک شود عورت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عورتش تمام ظاهر شد چنانکه مرد و دم او
سیدند و دلیل که سر او در میان مردم ظاهر شود و اگر بیند که عورت خود زود باز پوشد و دلیل که ستر او زود پوشیده گردد و معتبران
گویند اگر بیند که بعضی از عورت خود برهنه بود و پوشید و کسی ندید و دلیل که اگر بیار بود شفا یابد و اگر و ام دارد و دلیل که ویش گذارد
شود و اگر ترس دارد و دلیل که امین گردد و اگر مانی در حمت الله علیه گوید اگر کسی بیند که عورتش برهنه بود و بیدار شد و از آن سرش
شد و دلیل که در حال نیک بد حال آید و اگر بیند که عورت خود برهنه کرد و دلیل که کاری کند که از آن مستوجب عقوبت گردد
یا آفتی بوی رسد که باعث عبرت خلق گردد و عید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عید قربان بود و دلیل که او را بامردی حاصل
کار افتد و اگر بیند که عید رمضان بود و دلیل که او را بامردی عابد زاهد صحبت افتد و منفعت دینی باشد که مانی رحمه الله علیه گوید
اگر کسی بیند که عید بود و مردم است بر سر او آمدند و دلیل که اگر زندانی بود خلاصی یابد و اگر از اهل عز و شرف بود و دلیل که شرف از او بماند
گردد و عاشورا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی روز عاشورا بخواب بیند و دلیل که کاس گاری یا بد قوله تعالی کلمت لكم
دینکم و انتم علیکم فیکر در خواب سر سال و ماه و روز بیند سال و ماه و روز بروی خسته و مبارک بود و دلیل بر خیر و صلاح بود
حرف الغین غار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در غاری رفت و در آنجا مقیم شد و دلیل که در کاری سخت گرفتار شود
و اگر بیند که در غار شد و زود بیرون آمد و دلیل که در کاری صعب گرفتار شود و خلاصی یابد و سفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در غار
و آن غار روشن بود و دلیل که او را بر نژاد کند و بعضی گویند که در کاری سخت گرفتار شود و اگر بیند که از غار بیرون آمد و دلیل که برنج
شود و شفا یابد و غارت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مال و نعمتی می غارت کردند و دلیل که غم و مصیبت بود
سفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لشکر اسلام و یا کفر را گرفت و غارت کردند و دلیل که اهل کفار را غم و مصیبت بود و اگر بیند که
لشکر کفار اهل اسلام را غارت کردند و دلیل که غم و اندوه مسلمانان را رسد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غارت در خواب
بر چهار وجه بود یکی جنگ دوم زبان سوم عمر و اندوه چهارم فرج از آن خالیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید غالیه در خواب
فرسنگ و نام آور بود اگر بیند که غالیه کسی را و دلیل که آنکس را از وی اوبه فرسنگ است و اگر مانی رحمه الله علیه گوید غالیه نشان
حج بود و معتبران گویند که غالیه یالی باشد که از عمرت بد رسد و اگر بیند که غالیه یافت و دلیل که از زنی یا از مردی باز گان منفعت یابد
و اگر بیند که کسی بر چشم وی غالیه یالید و دلیل که بجای وی حق گذاری کند و مردم او را دعا گویند و اگر بیند که کسی بر بنا گوش می غالیه یالید و دلیل
که او را مستم بد و غلوی کنند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غالیه در خواب بر پنج وجه بود یکی اوب و فرسنگ دوم ثناء
و فرین سوم حج اسلام چهارم مال و خواسته پنجم خیر و منفعت غایب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که غایبی از سفر
نزدیکی می آید و دلیل که نامه و یا خبر غایب برسد و اگر از خانه خود غایب شد و دلیل که نامه و خبر نزد خویشان وی برسد و خبر
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غایبش از سفر باز آمد و دلیل که کار بسته بروی کشاده گردد و اگر بیند که غایبش ترسناک
و متفکر بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که غایبش سواره از سفر باز آمد و دلیل که غایبش زود و با نعمت و مال باز آید و اگر

علیه که پد فاخته فرزند بی دروغ زن بود و اگر میند که فاخته بر بام وی بانگ یکبار کرد و دلیل که خبر غایت بود و اگر دوبار بانگ کرد بهتر
 بود و اگر سه بار بانگ کرد بغایت نیکو بود و اگر میند که فاخته باز باغ هر دو و بخانه وی درآمد دلیل که دزد و در خانه وی در آید و کالای او
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین فاخته در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم فرزند سیدم خادم خال گرفتن این سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر میند که خال گرفت و خال نیک آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر میند که خال گیری میکرد دلیل که انگشتر بدست
 بسیار خورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید خال گرفتن در خواب بر سه وجه بود یکی بر دشمن ظفر یافتن دوم مراد سوم حاجت
 روا شدن اگر خال نیک بود و اگر بد باشد ما و پیش خلاف این بود و خالوده اگر بر عفران بود بیماری بود و بدین خالوده
 رنج و خصومت بود بقدر آن آتشی که بروی رسیده باشد اگر میند که خالوده در میان نهاد دلیل که نخی لطیف گوید و اگر میند که خالوده
 خالوده کسی داد و دلیل که بانگس سخنی خوش گوید یا از بهروی کاری کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خالوده در خواب چهار وجه
 بود یکی سخن خوش دوم مال سوم منفعت چهارم حاجت کاریکه بر آید بدستاری بود فام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 میند که فام بروی بود دلیل که حج کند و اگر نمازش فوت شده باشد قضا کند و اگر امانتی در گردن دارد و باز ساند و اگر وام دارد
 دلیل که بگذارد و فتنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که فتنه از جایگاهی زایل شد دلیل که اهل آنجا بخندند و تبارک و تعالی
 باز کرد و ذکر تانی رحمه الله علیه گوید اگر از دست چیرگی میند دلیل در انداختن و بلا اقیه یکی تاریکی دوم آتش سوم باد و شتر چهارم باد
 گرم و چرخ سیاهی آفتاب و ما تا پیش شمس غبار هفت باران هشتم بر کندن درختان نهم بر سرخ یاسیا و دهم جامه سرخ و زرد پوشیدن
 فراخی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که از جایگاهی تنگ بفرخی آمد یا از سختی آسانی رسید دلیل که از غم بیغم شود و از
 اندوه فرج یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که خانه بروی فراخ شد دلیل که روزی بر عیال از وی فراخ گردد و اگر میند که خانه بروی
 تنگ شد دلیل که روزی بروی و عیال از وی تنگ گردد و اگر میند که خانه بروی تنگ شد و باز فراخ شد دلیل که راه دین و
 شریعت بروی مستقیم شود فی الجمله فراخ شدن چیزهای تنگ دلیل بر کشایش کار ما بود و برکت در چیزهای فراخ ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید بر فراش در خواب و لاله بود که از بهر کسی زن خواهد فرج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که از
 همچون زمان فرج بود دلیل که خواب و بچاره گردد و اگر میند که کسی با وی مجامعت کرد دلیل که حاجت از وی بداشود و اگر روزی
 میند که ایشان را یک فرج است دلیل که هر دو زن از یک کس باشد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر زنی میند که فرج وی از آهس باز
 مس بود دلیل که از یافتن مراد او نمیدشود و اگر مردی میند که فرج از سوی پس بود دلیل که آن زن چیرگی دوست دارد که رضای
 حق تعالی در آن نباشد و اگر زنی میند که فرج وی بریده شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر زنی میند که از فرجش طری بیرون آمد دلیل که
 او را و ختری آید و اگر زنی میند که از فرج او گریه بیرون آمد دلیل که او را فرزند دزد و دراهمن پدید آید و اگر زنی میند که از فرج او آید
 بیرون آمد دلیل که او را و ختری ناچار آید و اگر زنی میند که از فرج او مار بیرون آمد دلیل که او را فرزند آید که دشمن او گردد و اگر میند
 که از فرج وی کرم بیرون آمد دلیل که او را همین تا و عید دارد و اگر میند که از فرج وی کرم با موری بیرون آمد دلیل که او را فرزند بیرون

تج

تج

تج

تج

هست که اگر بیدار از فرج وی نان بیرون آمد دلیل که مغلس و تنگ دست گردود و اگر بیدار از فرج وی نخچیر و نان آمد دلیل که شوهرش
 او را دوست دارد و اگر بیدار از فرج او خون بیرون آمد دلیل که شوهرش در حالت جن با وی جماعت کند و اگر بیدار از فرج وی
 ریم بیرون آمد دلیل که او را فرزندی صالح پارسا آید و اگر بیدار از فرج او آبی تیره بیرون آمد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیدار
 که از فرج وی قی بیرون آمد دلیل که بقدر آن مال بدو اگر بیدار از فرج وی آتش بیرون آمد دلیل که فرزندانش ملک جهانگیر
 و اگر بیدار کسی فرج وی بذرید دلیل که از آنکس منفعت یا بدستگیری اشعت رحمة الله علیه گوید اگر بیدار بر فرج وی سویی
 رسته بود و بسیار بود دلیل که بسبب فرزند خواندگی می شود و اگر بیدار بر فرج وی سویی نبود دلیل که شاد شود و اگر بیدار
 فرج وی آساید بود دلیل که مال بدو اگر زنی بیدار که او را بجای فرج قضیب بود و اگر آسبتن بود دلیل که پسر آید و نماند و اگر آسبتن
 نبود دلیل که پسرش میرد و اگر بیدار از فرج وی گوهر نایم و ارید بیرون آمد دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید و فرجی این سیرین
 رحمة الله علیه گوید اگر کسی آسبتن که فرجی پاکیزه داشت دلیل که از غم فرج بزرگی یابد و اگر فرجی چرکین که نه بود تا ویش بخلاف این بود
 که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار از فرجی از دیبا بود که پوشیده بود دلیل که نیک باشد و لیکن اگر مردم پارسا بود و دیبا نیک
 از ملون بود و فرجی که پارسا و بر شیم دلیل بر زیادتى دین بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار از فرجی زمان پوشیده بود دلیل
 که او را امامت رسد و اگر بیدار که در آن فرجی با کسی جماعت کرد دلیل که حاجتش روا شود و از آنکس که با وی جماعت کرد استغفار
 رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که فرجی سرخ پوشیده بود دلیل که بر دینداری و امامت و پارسائی کند و اگر بیدار که فرجی سیاه پوشیده
 بود و اگر عالم بود دلیل بر راحت و منفعت بود و اگر عالم نبود دلیل که خوب نباشد و اگر فرجی زرد پوشیده بود یا در بر داشت پسین
 مصیبت و غم و اندوه بود و فرزند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیدار و دخترى آمد دلیل که خیر و راحت یابد و از اهل
 بیت شادمان شود و اگر بیدار که پسرى آمد دلیل که دخترى آید و اگر بیدار که دخترى آمد دلیل که پسرى آید و مغربی رحمة الله علیه
 گوید اگر بیدار که او را فرزندی بود و فرزند او را کسی بسته دلیل که چهار شود استغفار رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که در جانی
 بخت کند بیافت یا کسی بوی داد و دلیل که از جایگاه امید ندارد چیزی بوی رسد و فرعون این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
 بیدار که یکی از فرعیان با تقدم یا از شاهى مقدم شود و شهری در آمد و در آن شهر مقام گرفت دلیل که سیرت فرعون علیه السلام آید و ظاهر گردد و اگر بیدار که
 مقدم می در شهری رفت دلیل که سیرت عدل آن پادشاه در آید و ظاهر گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که فرعون عطائی بود یا
 یا خلعتی در بختید دلیل که بقدر آن از پادشاه ظالم مال حاصل کند یا از مردی بزرگ مالی حرام یا بد فرمودن این سیرین
 رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که کسی با او یکتویک پیرو دلیل که در کاری که هست ایستادگی نماید و اگر کسی گوید که دیکت گردان نشود
 یعنی بر چند باشد و اگر بیدار که بدو گفتند که نایب شکن یعنی برادر از اخوش دارد و اگر بیدار که کسی گوید که گندم بفرش یعنی
 بدو اگر بیدار که گویند میانزد رسد یعنی فایده برگیراز کار و اگر بیدار که گویند توقف کن یعنی برو شمن یعنی خرابی باشد و اگر بیدار
 که کسی گوید یا کتش کم باشد یعنی مال نگه دار تا در ویش نشود و اگر بیدار که گویند چراغ برافروزد یعنی مال خرج کن و اگر بیدار که گویند

علیه گوید غلوس در خوابیدن و لیل بر مغلسی بود فندق در خواب دیدن مال بود اگر کسی بخوابد بیند که فندق داشت لیل
 که از مردی بخیل منفعت یابد و اگر بیند که بخوار فندق داشت دلیل که او را با کسی خصومت افتد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مغز فندق
 شیرین بود که داشت دلیل که مال حلال یابد فنگت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فنگت در خواب مردی غریب توانگر و آسوده
 با خلق بود و پوست و موی و استخوان از وی مال خواسته بود و گوشت وی مال مردی غریب و توانگر بود و اگر بیند که فنگت مطبوخ
 بنمود دلیل که فایده نیابد و اگر بیند که فنگت را بگشت و پوست و براب کند و گوشت ویران بکند دلیل که مال مردی غریب تلف شد
 و اگر بیند که فنگت را خبیه کرد و از کون او خون روان شد دلیل که دو شیرگی دختر یا غریب بستاند و اگر بیند که فنگت بسیار بر وی جمع شد
 و از ایشان کز نشید دلیل که در میان گروهی افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند ضررت یابد فواق ابن سیرین رحمة الله علیه
 گوید اگر کسی بخوابد بیند که فواق آمد دلیل که ششم گیرد و دشنام دهد و سخن ناسزا گوید که فواق رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بنگ مان خورد
 و از فواق پدید آمد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که او را فواق بیایی می آمد دلیل که بی حجتی بر کسی خشم گیرد و اگر بیند که فواق او بگفت دلیل
 بود دلیل که دروغ گوید و بدان دروغ او را علامت رسد و اگر بیند که فواق نرم و آهسته بود دلیل که بر کسی خشم گیرد و لیکن زود بگذرد
 و اگر بیند که فواق میگرد و هر چه بود بر آورد دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد فوده و خمیر خشک باشد که از آن بگامه سازند و در
 وی در خواب غم فاند و دود و اگر بیند که فوده میخورد دلیل که بسبب کاری تنگ گردد و فوده در خواب جنگ و خصومت با دشمنان
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فوده در خواب بر پنج چیز باری و دم غم فاند و سیوم خصومت چهارم نجات پنجم ناسا کار
 بر عیال فوطه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فوطه و جامه فوطه در خواب شادی و آسانی بود و اگر بیند که فوطه از پنبه بود که داشت
 دلیل بر راحت دین و دنیا وی بود که با بد خاصه چون نود و پنج بود و اگر فوطه کهنه و دریده بود تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمة
 الله علیه گوید فوطه در خواب لباس مردم صالح است و اگر بیند که جامه فوطه پوشیده بود و پنبه مستور بود و دلیل بر زیادتی
 تر بود و اگر بیند که خواب پنبه بود و دلیل که توبه کند و راه صلاح جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جامه فوطه پادشاه بیند
 دلیل که عدل و داد آرد و اگر قاضی بیند که جامه فوطه پوشیده دلیل که حکم برستی کند و اگر مشرک بیند مسلمان شود و اگر قاضی بیند
 نائب کرد و اگر دزد پنبه توبه کند و راه صلاح جوید صرف القاف قاضی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخوابد بیند
 که قاضی شد در میان خلق و اوری میگرد و از اهل قضا بنود دلیل که در پنج و بلا گرفتار شود و مالش از دست برود و اگر بسفر فرست
 باشد او را قطاع الطريق بزنند و مالش تلف شود و اگر عالم و دانا بود قاضی شود و اگر بیند که خواب عالم نبود و جوان بود و اسفر
 سلامت باز آید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی قاضی معروف بخوابد بیند دلیل که بمنزله علمای و بزرگان دین برسد و اگر قاضی
 محمول بیند که نشسته بود و او کسی را دزدی داشت و در میان ایشان حکم کرد و هر حکمی که رفته باشد آن بود قوله تعالی و الله
 یحکم لا محقق لیکن در جای دیگر فرموده یقضی الحق و هو خیر الفاضلین مغربی رحمة الله علیه گوید
 اگر بیند که قاضی بر وی حکم کرد همان بود که دیده باشد و اگر بیند که قاضی تر از در دست داشت دلیل که در میان خلق حکم برآورد

تاج

و اگر میند که قاضی میرد شفقت بر او نگاه کرد و بای لطفت و مداراسخی گفت و لیل که او را نزد اهل علم حرمت و جاد نبود و خواند و فرمود تا بیا
 قباله این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر تا قاضی فلسوی خانه می آمد و لیل که کار بسته وی کشاده گرد و و از خوشیشان دور شود قبال
 کالبد بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر قبال کفش بایموزه در خواب ببید و لیل که زن و خان و محکم کارهای وی رست و از دو اگر ببید
 که قاضی داشت و لیل که خادمی او را حاصل آید و اگر میند که قبال شکست یا بسوخت و لیل که آنجا دم خانه او هلاک شود و مغربی رحمة الله علیه
 علیه گوید اگر میند که قبال بسیار داشت و لیل که او را از خادمان خیر و شفقت رسد و اگر میند که کفش و بایموزه و روز بود و لیل که بهتر شد
 قاضی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که قاضی بزرگ از بروی افکنده بود و دانست که ملک و است و لیل که بر در از می سر
 و فراخی روزی بود و اگر میند که بر قاضی نشسته بود و در جانی بیگانه و دانست که آن جایگاه کیست و لیل که دنیا بروی متغیر شود و در بخت
 میرد که قاضی رحمة الله علیه گوید اگر میند که بر قاضی تنگ و کوچک نشسته بود و لیل که عمرش کوتاه و روزی تنگ بود و مغربی رحمة الله علیه
 اگر میند که قاضی در پیچیده بود و بدوش داشت و لیل که از جانی بجائی دیگر رود و عمرش اندکی مانده بود و هر چند که قاضی بزرگتر و فراتر
 باشد معیشت و روزی بیشتر و بهتر بود و اگر میند که بر قاضی کوچک نشسته بود و در زیر وی فراج شده و لیل که عیش و روزی وی فراج گشته
 و اگر بخلاف این ببید و لیل که عیش و روزی بروی دشوار گردد و اگر میند که قاضی گسترده بود و بدست خود در نوشت و در کج خانه بنهاد
 و لیل که دولت و اقبال بخیر و تیا کند و اگر میند که قاضی بر پشت نهاده و میرد و لیل که بر نه بسیار کند و انیال علیه السلام گوید اگر میند که قاضی
 کوچک و سبزه بود و لیل که روزی بروی تنگ شود و اما عمرش دراز شود و اگر میند که قاضی سبزه پاکیزه داشت و لیل که روزی بروی فراج شد
 و اگر میند که قاضی در خانه کسی افکنده بود و لیل که خداوند آنخانه را دولت و اقبال بود و اگر میند که در خانه جمعی افکنده بود و لیل که سفر
 کند و مال و نعمت یابد قبال این سیرین رحمة الله علیه گوید قاضی که پاس و در خواب پناه و وقت و سفر بود و اگر میند که قاضی که پاس
 فراج پوشیده بود و لیل که از غمنا فراج یا بد و اگر میند که قاضی حریر پوشیده بود و در خواب کرد و بود و مگر که با سلاح پوشیده بود و اما از
 مردی بزرگ شرف و منزلت یابد که قاضی رحمة الله علیه گوید اگر میند قبال پوشیده و بحرب میرفت بر دشمن نظریه یا بد و اگر میند که قاضی
 سبزه پوشیده بود و لیل که روشنائی یابد و اگر میند که مصیبت باشد و اگر سیاه بود و غم و اندوه باشد و اگر ملون بود و کارشن نظام گردد
 و اگر قاضی کمند و دریده بود و لیل که در اطلاق و بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که قاضی عنابی داشت اگر اهل آن قبال باشد و لیل که غم
 خواند و بود و اگر میند که قاضی پوستین سیاه و سپید پوشیده بود و لیل که زنی توانگر زنی کند و اگر میند که قبال از پوست رو باه بود و لیل که
 از قیاس با زنی کند و اگر قبال از پوست سمور بود و لیل که زنی توانگر خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قبال در خواب بر شش و جبهه
 چینی پناه دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست قباله این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب
 که قبال خط داشت و لیل که بعد خط و قبال او را حکمت حاصل شود و اگر میند که پادشاه خط و قباله بوی واد و لیل که او را آن
 گرداند و اگر میند که قاضی قباله بوی واد و لیل که علم شریع او را حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قباله در خواب بر شش و جبهه
 چینی ریاست دوم حکمت سیوم منفعت چهارم ولایت پنجم حجت ششم قبال این سیرین رحمة الله علیه گوید قبال در خواب در کمال

بخوابد و گفته قبان در خوابش نای بود و زبانه اش فروئی بود و بوقت گذاردن حکم مغربی رحمه الله علیه گوید قبان در خواب قاضی بود و اگر
 بینه که قبالی داشت دلیل که با وکیل قاضی او را صحبت افتد و اگر بینه که قبان چیزی می سخت دلیل که قاضی را با او صحبت افتد
 قبله ابن سیرین رحمه الله گوید اگر بینه که قبله گذشت و بجانب شرق نماز گذارد و دلیل که بر او حضرت رسول علیه السلام میل ندارد و اگر بینه که
 قبله نشاخت دلیل که در راه دین سرگشته و متحیر گردد و قبه کند بود و در حرف کاف بیان کنیم قحج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی
 بخوابد بینه که قحج آب یا جلاب داشت و از آن بخورد و دلیل که زن بخوابد یا اینکه خورد و فرزند صالح و پارسا بیاید و اگر بینه که آب
 بر سخت و قحج باند دلیل که فرزند بمیرد و زن سلامت باشد و اگر بینه که قحج شکست و آب ریخت دلیل که فرزند و زن هر دو بمیرد
 و اگر بینه که قحج بود و از آن بخورد و دلیل که او را فرزندی ببرد و اگر آید و از و محنتی بدو رسد و اگر قحجی تهی بخوابد بینه که او را فرزند
 نیاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید قحج در خواب برسته و چه بود یکی زن و دوم کینک سوم خادم که شرک خوای خانه بود
 قدید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قحج در خواب اگر بینه که گوشت است بر غنیمت بود و اگر گوشت است بر غنیمت بود و اگر
 سپاه بود و اگر گوشت چارپایان دشتی بود غنیمت بود و بیابانی بود و خوردن گوشت قدید خیر نباشد قرآن خواندن در خواب
 دلیل که حاکم است اگر بخوابد بینه که آیت رحمت و بشارت از حق سبحانه و تعالی پس واجب بود که خیرات کند و شکر حق تعالی جل و علا
 بگذارد و اگر بینه که آیه عذاب میخواند دلیل که بر خشم و غضب خدا تعالی غرض بود و توبه کردن باید و بخداوند تبارک تعالی باز
 گردیدن و اگر بینه که آیت اخص و امثال میخواند دلیل که موصیت کرد یا می رحمه الله علیه گوید اگر بخوابد بینه که نیمه قرآن میخواند
 دلیل که یک نیمه از عمر گذشته بود و اگر بینه که حافظ قرآن شد دلیل که امانت نگهدارد و اگر بینه که آواز قرآن می شنید دلیل که کار
 در راه دین نیکو گردد و اگر بینه که کسی قرآن وی میخواند و او آنرا هیچ فهم نمیکرد دلیل که غم و اندوه بخاطر وی رسد مغربی رحمه الله
 علیه گوید اگر بینه که جمله قرآن ختم کرد و دلیل که مراد با بیاید و بعضی از مستبران گویند عمرش بهر رسیده باشد و اگر بینه که قرآن با او
 بلند میخواند دلیل که کارش بلند شود و میان مردم معروف گردد و اگر بینه که یاد دارد که کدام آیه میخواند دلیل که تفسیر آیه تعبیر
 باشد اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بینه که چهار یک قرآن میخواند دلیل که کار وی نیکو گردد و اگر بینه که از اعراف نامیرد
 بخواند دلیل که در میان خلق مشهور گردد و اگر بینه که از زمزم تا سوره الناس خواند همه حاجات وی بر آید و اگر بینه که تمام سی پاره
 قرآن خواند دلیل که سال و ماه بروی مبارک باشد و اگر بینه که هفت سی پاره قرآن خواند دلیل که غم و اندوه رسته گردد و اگر
 کسی قرآن خواند و بخوابد بینه که قرآن میخواند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد قوله تعالی اِنَّ قَوْلَهُ كَانَ كَلِمَةً تَنْفِيسًا
 عَلَیْكَ اَنْ تَقُولَ هَیْ هَیْ اَوْ تَقُولَ اَنْ تَقُولَ هَیْ هَیْ اَوْ تَقُولَ اَنْ تَقُولَ هَیْ هَیْ اَوْ تَقُولَ اَنْ تَقُولَ هَیْ هَیْ اَوْ تَقُولَ اَنْ تَقُولَ هَیْ هَیْ
 خلل پیدا شده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قرآن خواندن در خواب بر چهار وجه بود یکی سلامتی یافتن یا فتنه و دوم
 تو انگری بعد از رویشی سوم مراد و کام دل یافتن چهارم بیداری و پرسه گذاری فرمودن کسانی را که مستور باشند و فرقی
 حجت بر ایشان را بعد از عاقبت قرآن کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بینه که اشتراک یا و یا گو سپند قرآن

خواب

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

مکه

کرد و دلیل که گرسنه بود آواز شود و اگر در پنج و بلا و سخت گرفتار بود و شغایا بدر اگر در بند بود خلاصی یابد و اگر در پیش بود تو اگر نشود و اگر ترس
 دارد و این کرد و اگر دوا و دوش گذارد و شود اگر گرسنه باشد حج بگذارد و اگر میند که بصحرای جهت قربان رفته بود و دلیل که آن قوم اگر
 از چیزی ترسند این کردند و اگر محبوس باشند خلاصی یابند و اگر قحط و تنگی بود و فراخی بدل شود خاصه که این خواب نزدیک عید
 باشد تا دلش زود تر از کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که گوشت قربانی مردم قنمت میکرد و دلیل که مردی محشم آنجا میرود و
 قنمت کنند و اگر میند که گوشت بزد و دلیل که بر خداوند تعالی عزوجل دروغ گوید و قربان در خواب بشارت بود و قوله تعالی و
 کثیر ناه یا سخی فیتیا من الصالحین و باز که ناه علیه و علی السخی اگر خداوند خواب زن بود خاله پسر صالح آنرا جوهر
 صاف و قنمتی الله علیه گوید و دلیل قربان در خواب بر شش و هر بود یکی آینه از ترس دهم چهل شدن مراد و حاجات سوم چوب
 چهارم ششم زوال قحط و تنگی قرا به این سیرین رحمة الله علیه گوید قرا به در خواب کسده پیری بود که مال و خواسته بدو سپارند و اگر
 در قرا به آب یا جلاب یا چیزی خوردنش حلال بود میند دلیل که آن کسده پیر حلال خوار بود و اگر میند که در قرا به چیزی بود که شکنی
 دلیل که آن کسده پیر خرم خوار بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که قرا به داشت دلیل که او را با کسده پیری صحبت افتد و اگر میند
 که از قرا به آب یا جلاب خورد و دلیل که او را از کسده پیر خرم و منفعت رسد و اگر از قرا به چیزی ترش خورد و دلیل که غم و اندوه خورد و
 قرا به بخیل میخورد و شمر رسد و اگر میند که قرا به شکست دلیل که از آن کسده پیر جدا گردد و قرفل این سیرین رحمة الله علیه گوید
 قرفل در خواب شنای نیکو بود و اگر میند که قرفل بسیار داشت و هر کس عطا و دلیل که اهل دنیا بر روی شاکویند نامش بختی
 گردد و اگر میند که قرفل میخورد و دلیل که او را غم و اندوه و مصیبت رسد قرا به این سیرین رحمة الله علیه گوید قرا به ششم چون سپید باشد
 بر نعمت اینجانی باشد و اگر زرد بود و دلیل که بیماری کند و دیدن ابریشم پخته بهتر از خام بود و اگر میند که ابریشم یا قرا به سوخت یا صانع
 شد و دلیل که دیر از یابی رسد و اگر میند که قرا به ششم داشت و سفید بود و ملک وی بود و دلیل که خرم و منفعت یابد و اگر سبز بود بهتر باشد و اگر
 سرخ بود مردانزد باشد و اگر سیاه یا کبود بود و دلیل که غم و اندوه باشد و اگر میند که از بر رنگ ابریشم داشت و دلیل که او را از هر رنگی متاع حاجت
 و ابریشم مردانزد و این کرده بود و از آن نیک است باشد قسط این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که قسط در زیر خود میسوخت و دود
 میکرد و دلیل که مردم آن ولایت او را بد و شاکویند و نامش را ندیدار بیکلی منتظر گردد و اگر دود کند و ناخوش بود تا و دلیل که خلف
 این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که قسط میخورد و دلیل که غمگین شود و قنمت کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که میان بی
 چیزی قنمت میکرد و دلیل که میان خلق انصاف را نگا دارد و اگر میند که مال خود بخر و صلاح قنمت کرد و دلیل که او را فرزندان آید و مال برایشان
 قنمت کند و اگر میند که مال خود بشود و قنمت میکرد و دلیل که مال وی تباه شود و اگر میند که مال کسی رضای او قنمت میکرد و اگر بصکا
 یا فساد و دلیل که خرم و شمر آن بوی باز گردد و قنمت اب این سیرین رحمة الله علیه گوید قنمت اب چون مجول باشد ملک الموت بود و اگر میند
 که قنمت اب در سرانی یا دود که در دلیل که در آنجا کسی میرود و اگر میند که قنمت اب است و قنمت اب نبود و دلیل که کسی را بکشد و اگر میند
 که با قنمت اب برای کرد و دلیل که او را با ظالمی صحبت افتد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که قنمت ابی کرد و قنمت اب نبود و دلیل که غم و اندوه

از وی زایل شود و اگر بنید قصاب بود خون حق ریزد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قصاب مجبول در خانه وی در آمد با در که چه در آن
 دلیل که در آن موضع مرگ می افتاد پیدا شود قصه گفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که قصه مجبول می افتد دلیل
 که از ترس و بیم ستمکاران این شود قوله تعالی فَاَتَا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوَى
 الظالمین که آنانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مرد را قصه می گفت دلیل بر خیر و صلاح بود اگر بنید می گفت و اگر می گفت دلیل
 بر شر و فساد و کد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قصه می گفت دلیل که کارش نیکو شود و مردش حاصل گردد و قصه گوی و در خواب
 مردی نیک محض بود و قضیب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قضیب شاخ درخت بود که در خواب بنید اگر کسی بخواب بنید که
 شاخ درخت تازه و بار یک بود و دوا نذ و انگس معروف بود و دلیل که او را از انگس بقدر آن خیر و منفعت رسد و اگر بنید
 که شاخی بار یک و خشک بود و دلیل که پی خیری بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شاخ درختی که ترش میوه او بود
 و دوا نذ و دلیل که از انگس بد و غم و اندوه رسد و اگر از درخت شیرین بود و دلیل که خیر و منفعت یابد قطایف ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قطایف بشکر و با و ام کسی بوی دوا و از آن بخورد و دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر
 بخور دوا و شتاب بود و دلیل که منفعت اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قطایف در خواب بر چهار وجه بود
 یکی سخن خوش و دوم مال حلال سوم منفعت چهارم منفعت برج قطران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قطران
 خواب مال حرام بود و اگر بنید که قطران داشت و از آن یکی خورد و دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بنید که تن یا جا
 وی بقطران آلوده بود و دلیل که لباس حرام پوشد و بعضی گویند بسبب مال در بلا و محنت افتد و اگر بنید که قطران از
 خانه بیرون انداخت دلیل که توبه کند قنما خور و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بر قفای خود موی بنید
 و دلیل که وام دار شود و اگر بنید که موی از قفا همزده بود و دلیل که و همیکه دارد که آلوده شود و اگر بنید که بر قفای او سیلی
 کسی زد و چنانکه آس کرد و دلیل که هم او را و هم کسان او را منفعت بود و اگر بنید که بیگانه بر قفای او سیلی زد و دلیل که
 از بیگانه یا بد کرد آنی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی چندان سیلی بر قفای او زد که خون روان شد و دلیل که او با کسی و او را
 کند و زیانش رسد و اگر بنید که قفای خود بدید و دلیل که عیالش بر وی خیانت کند و اگر بنید که بر قفای خود حجامت کند
 و دلیل خیر که خیریده باشد قبل از نویسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که رویش افتد کشت و دلیل که با مردم منافق کند
 قفص ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قفصی داشت دلیل که در جایی گرفتار شود و معتبران گویند که او را با
 از خویشان در زندان کنند و اگر بنید که قفصی داشت یا ضایع شد و دلیل که از تنگی زندان خلاصی یابد جعفر صادق رضی الله عنه
 عنه گوید و دیدن قفص در خواب بر سه وجه بود یکی زندان دوم جانی تنگ سوم سیری نخاس قفص ابن سیرین رحمه الله علیه
 علیه گوید قفص در خواب و دلیل بر راست شدن کارهای دینی و دنیاوی بود و اگر بنید که قفص زد و بکشد و دلیل که کارها
 بروی کشاده شود و شاید که حج اسلام بگذرد و اگر بنید که قفص نتوانست که قفص نکند و دلیل که کارش ویران شود و مغربی رحمه الله علیه

بنید
 بنید
 بنید

بنید

بنید

بنید

بنید

بنید

بنید

علیه گوید اگر بیند که قفلی محکم بر جای نهد و دلیل که مال خود را بصلح سپارد و اگر بیند که قفلش بسته و ضعیف بود و تا پیش
 بخلاف آنکه جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین قفل در خواب برشش وجه بود یکی ساختن کار و دوم خوت سوم حجت چهارم
 منفعت پنجم زن ششم عتدا بر کسی صلح داشتن قلمعه در بود و حرف و ال ذکرش رفته است قلم معبران در تاویل
 قلم خلاف کرده اند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلم امر حق است و خدا یقنی را بقلم و لوح محفوظ نیاز نیست مغربی رحمه الله
 علیه گوید قلم فرشته است که بفرمان خدا یقنی اجل و علی کار کرده و اگر کسی قلم را با انصورت که هست بیند و دلیل
 که او را با پاوش پای عاقل کار افتد و حق تعالی جل و علا قلم را داده است و القلم و ما یسطرون اگر بیند که قلم بر دست
 گرفت و دلیل که او را فرزندی فاضل عالم آید اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بران قلم که در دست داشت چیز
 بدست دلیل که علم آموز و قوله تعالی علم الا نشان ما لکم لعلکم جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین قلم در خواب پنج
 وجه بود یکی امر حق تعالی دوم فرشته سوم توانگری چهارم حقیقت کردار یا پنجم قلم خامه گویند و شرح آن در حرف خایا و دیگر
 قلمیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلمیه که باب بخت باشد بهتر از آنکه بی آب بخت باشد و هر چند که قلمیه بطم خوشتر بود و منفعت آن بهتر
 باشد و اگر قلمه از گوشت گاو خورده باشد و دلیل که در آن سال از ترس بیمین بود و اگر از گوشت یره یا زغال خورده و دلیل که مالی اندک
 یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قلمه از گوشت اسب خورده و دلیل که مال از پادشاه سرخ و سختی بدست آرد و اگر از گوشت
 خور و دلیل که مال از مردی بزرگ بدست آرد و اگر قلمه از گوشت پایی خورده و دلیل که مال حرام خورده و قلم
 خواب معند بود و دلیل بر غم فاندوه کند و اگر بیند که قلمه از گوشت چهارپای خورده که گوشت وی حرامست دلیل که مال حرام خورده و قلم
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلم که بخت و خواب غلام و کینز بود و قلم بزرگ وی مرتبیر کننده بود و اگر بیند که قلم که بخت و کینز
 یا کسی بومی داد و دلیل که غلام یا کینز که بخت بخورد و اگر بیند که قلم او شکست یا ضایع شد و دلیل که او را انجی چین مردی
 سفارقت افتد و اگر بیند که قلم او سیرین بود و دلیل که او را با مردی نیک رای و خردمند صحبت افتد و اگر بیند که قلم او سیرین
 بود و دلیل که با مردی قوی و حامی و شجاع صحبت افتد و از خیر و منفعت یا بد قلمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قلم او
 دلیل که بتجیل کاری کند که از آنکار پشیمان شود و اگر بیند که کسی پاره قند در میان او نهاد و دلیل که او را بوسه دهد و اگر بیند که پاره
 قند داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که قند می فروخت دلیل که او را زیان رسد و خریدن قند بهتر از فروختن بود
 قندیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قندیل فروخته توفیق عبادت بود و خاصه که روشن بود و اگر کسی خواب ببیند که در خانه
 قندیل فروخته و بخت بود و دلیل که زنی صالحه یا رسا بخوابد و اگر ابن خواب زنی بید طاعت و عبادت بسیار کند جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید قندیل فروخته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خوشن و دوم توفیق سیوم عز و ولت چهارم کشش
 در کارهای بسته و قندیل نافرخته دیدن منفعت اندک بود و قنوت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب ببیند که قنوت
 خواند و دلیل که مردم مع و ثنای گویند و حاجتش روا گردد و اگر مرد مصلح و پارسا در خواب خواند و دلیل که همه حاجتش روا شود و اگر بیند

بازگشت
بجای
بجای

که صلح بود و از رنگ حق تعالی حاجتی او برآید و اگر بیند که مسند بود و دلیل که از بزرگی کارهای دنیای می برای قسینه این برین
 رحمت الله علیه گوید قسینه در خواب خادمی بود که کلید خانه بد و بسیار بزرگ کسی خواب بیند که قسینه داشت و در وی آب بود و چنان
 یا چیزی که خوردن آن حلال بود و آن میخورد و دلیل که مال حلال باشد و اگر قسینه چیزی حرام بود و از آن میخورد و دلیل که او را از آن حرام
 چیزی حاصل شود و اگر بیند که قسینه شکست یا ضایع شد دلیل که خادوم او بگریزد که مانی رحمت الله علیه گوید قسینه در خواب خادمی
 بود که چیزی را بر دست وی باشد قیامت این برین رحمت الله علیه گوید اگر خواب بیند که قیامت بود و دلیل که حق سبحانه و تعالی
 در اندیشه او رفته و اگر اهل آن دنیا را ظالم باشند و دلیل که مافقی و بلائی بدیشان رسد و اگر اهل آن دنیا را مظلوم باشند و دلیل که حقیقتا
 خود جل ایشان را نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دنیا را پیش حق تعالی جل و علا ایستاده و بود و دلیل بر خشم و عذاب حق تعالی جل و علا باشد که
 رحمت الله علیه گوید اگر بیند که قیامت برخواست اگر مظلوم باشد و دلیل که بر ظالم دست یابد و از غم رسته گردد و اگر بیند که علامتی پیدا
 چنانکه آفتاب مضرب برآمد یا وصال و یا حوج و یا حوج پیدا شدند باید که توبه کند و بخت تعالی گراید و اگر بیند که گور یا شکافت و مود
 بیرون آمد و دلیل که بر دشمن خطر یابد و اگر بیند که او را بر تخت باید که از گناه توبه کند و رضای حق تعالی جل و علا یابد و اگر بیند که شمشیر
 گاه بود و دلیل که در غفلت بود و قوله تعالی اِقْتُوبُ لِلنَّاسِ حَسْبَهُمْ غَفْلَةً مَّحْضُونَ اگر بیند که با وی شمشیر کرد و دلیل
 که او را زان برسد قوله تعالی فَمَا سَبِّحْنَا هَاجَسًا بِأَسْمَاءِ بَدَلًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا تَارِكًا اگر بیند که او را با سنج
 وی یکنی زیادت آمد و دلیل که سرانجام کار وی نیکو شود قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
 و اگر بیند که بدی وی بیشتر از نیکی بود و دلیل که سرانجام کار وی بد بود قوله تعالی وَمَنْ حَقَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا
 أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدِينَ إِنَّ الْأَكْثَرَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِوا لَأَعْلَوْا فِي السَّمَاءِ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِوا لَأَعْلَوْا فِي السَّمَاءِ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِوا لَأَعْلَوْا فِي السَّمَاءِ
 بود قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ و اگر بیند که نامه کردار وی داود و
 که بر خوان اگر از اهل صلاح بود کارش نیکو شود و اگر از اهل فساد بود بر خطر باشد قوله تعالی اقْوُوا كَمَا بَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْبُوءِ
 اگر بیند که بر صراط است و دلیل که بر راه راست میرود و اگر بیند که بر صراط نتوانست گذشت هم راه راست بود و جعفر صادق علیه السلام
 الله علیه گوید قیامت در خواب اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی رستگاری دوم فرح از غم سیوم نظریافتن بر دشمنان چهارم ابل
 و خامت با سعادت و اهل فساد را بخلاف این بود قیامت برین جگه بود اگر کسی خواب بیند که قیامت است و دلیل که بقدر آن نیست
 و روزی یا بدیگری رحمت الله علیه گوید اگر بیند که قیامت است و بخانه برود و دلیل که بقدر آن نیست بخانه برود و اگر بیند که قیامت است
 بیرون افتد تا ویش بخلاف این بود اگر بیند که در قیامت افتاد و بسوخت و دلیل که پادشاه او را مصادره کند و مالش را بستاند و اگر
 بیند که قیامت میخورد و دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی خبر آن گویند که او را غم رسد و قیامت کردن این برین جگه بود اگر کسی خواب بیند
 که قیامت میگرد و آسمان بر وی آمد و دلیل که توبه کند و اگر بیند که قیامت است کردن یا در وقت برآمدن باز جانی رفت دلیل که از توبه
 بازگردد و سرانجام عقوبت یابد و بعضی گویند که او را مصیبت و زان افتد و اگر بیند که قیامت میگرد میخورد و دلیل که از بخت چیزی عیال

بجای

بجای

کاف

نفته کند که زمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قی میگرد و طلسم او ترش و ناخوش بود و دلیل که بعد از توبه بر سر کارنا رود و اگر بیند که بسیار
 قی کردن چیزی از شکم وی بر زبان آید و دلیل که بسیار شود اگر بیند که بغیر بر آرد و دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که خون بسیار
 بر آرد و دلیل که مال یابد و اگر بیند که صغیر بر آرد و دلیل که از بخت بدین شود و اگر بر چه در شکم بود بر آرد و دلیل که پاک شود و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید قی کردن در خواب بر شش وجه بود یکی توبه دوم پشیمانی سوم نصرت چهارم از غم رستن پنجم امانت باز دادن
 ششم کارهای بسته گشاده شدن و اگر بیند که قی کرده و بخورد و دلیل که چیزی که بختی بخشد و از آن گس باز ستاند جعفر الکافی
 کا جی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کا جی بر او غن کند و شکوفه و روغن بادام خور و دلیل که بعد از آن
 خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بر او غن و انگبین میخورد و دلیل که بعد از آن راحت یابد و اگر بیند که کا جی بر او غن و دست میخورد و دلیل که
 از کسی بوی اندک منفعتی رسد و اگر بیند که کا جی بخیزی ترش میخورد و دلیل بر غم و اندوه و اندیشه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که کا جی بخیزی شیرین میخورد و دلیل که او را مال باستانی بدست آید و اگر بیند که بخیزی ترش میخورد و دلیل که غم و اندوه بود و بعد ترشی
 کار و این چنین رحمة الله علیه گوید کار و فرزند باشد و نیام کار و دزدان بود اگر کسی بخواب بیند که کار و دزدان دوست داشت و دوست
 از آن دوست دلیل که او را فرزند آید اگر بیند که با کار و سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و شرف است یا بد که زمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که سلاح پوشیده و گاوی دوست داشت دلیل که او را از کسی پناه و قوت بود و بعضی گویند که غلام کار و گری آموزد و مغربی رحمة الله علیه
 علیه گوید اگر بیند که کار و از نیام بر کشید دلیل که زرش سیری آرد و اگر بیند که کار و در نیام شکست دلیل که پدر او یا یکی از خویشان
 پدرش میرد و اگر بیند که اندام خود را بکار و بخت دلیل که بعد از خستگی اندام او را زیان رسد و اگر بیند که بکار و چیزی ترش دلیل
 که از آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که در کار و او رخنه افتاده بود و باز نک گشت یا علی در و ظاهر شد و دلیل که نقصان مال
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید بیدن کار و در خواب بر بخت وجه بود یکی حجت دوم فرزند سیوم ظفر چهارم پناه پنجم برادر ششم
 توانایی هفتم و لاسنت کارزار کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کارزار کردن در خواب علت طاعون بود اگر کسی
 بخواب بیند که کارزار میکرد و دلیل که او را از علت طاعون بچم بود و اگر در کارزار دشمن را قهر کرد و دلیل که از علت طاعون
 یابد و اگر در کارزار دشمن بروی چیره گشت دلیل که بعثت طاعون پاک شود که زمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کار
 با کسی بشمشیر جنگ میکرد و یکی از ایشان فرصت یافت و دلیل بر خصومت بود و آنرا خطر بود که فرصت یافته بود و اگر کارزار بر
 میکرد و همین تاویل دارد و اگر تیر و کمان کارزار میکرد و دلیل که میان ایشان بر زبان گفتگو می شود که زمانی ابن سیرین رحمة الله علیه
 علیه گوید اگر بیند که کاری میکرد و اگر کارزار بود و دلیل بر توبه کند و توفیق خیرات یابد زیرا که چرک جامه با دلیل غم و اندیشه بود
 و کار پاک کننده چرک است پس دلیل بازگشتن بخداوند تعالی بود که زمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامه در شستن بود
 و دلیل که توبه بشکند و اگر بیند که جامه در دیده ریخت و دلیل که باز توبه کند و اگر بیند که او بشتن سپید شد و دلیل که از توبه
 و رستگاری یابد و اگر بیند که جامه می شست و سپید میشد و دلیل که همواره در گناه باشد بخیر می رسد که گوید کار و در خواب بر روی

کافی

کار

کافی

کافی

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

که بدست و می خیرات و حسات هر دو برود و از بهر کفارت گناهان جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از روی خواب مردی شاهد
 که غم و اندوه اندول مردم بر او نیزین سبب جز آن گویند چون کسی بخواب بیند که جامه میشود دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد
 و از گناهان توبه کند خاصه که جامه را سپید شود که از رویا کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کار
 میکرد دلیل بر فساد و نقصان دین وی بود و اگر بیند که کار وین میکرد دلیل بر صلاح دین بود و بر احوال جهانی شگفت بود
 و اگر بیند که راهی و نیای وی راسته شد دلیل که اجالش نزدیک باشد و اگر بخلاف این بیند عرشش دراز بود و اگر بیند که کارهای
 مشغول بود که در او غیور و از آن منفعت نبود دلیل که بجاری مشغول شود که در آن خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید اگر بیند که با مردی بجاری میشود و در راه شست دلیل که مخالفین بود و قوله تعالی **فَرَحَ الْمُخْلِفُونَ** بمعنی خلد
الْمُؤْمِنُونَ الله کاروان این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که با کاروان در راه بود و اهل آن کاروان مصالح
 و پارسا بود دلیل بر خیر و صلاح کار وی بود و اگر بیند که مردم کاروان مفسد و بدخوی بودند تا ویش بخلاف این بود که
 بیند که سوار بود و برکت تمام داشت دلیل که او را نعمت حاصل شود و اگر بیند که در کاروان پیاده بود و برکت نداشت تا ویش بخلاف
 این بود که راهی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با کاروان بخانه می آمد دلیل که کار و بر وی کشاده گرد و اگر بخلاف این بیند دلیل که کار و بر وی
 بسته گردد و کار نیز این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در جایگاهی معروف و کاریزی میکند دلیل که با کسان خود که
 وحیدت سازد و این تاویل وقتی بود که بکندن کار نیز آب پیدا نشود و چون آب پیدا آید و روان گشت حکم کار نیز کندن زمین گنج
 گریانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از کار نیز آب می ستد دلیل که بکر و حیلت مال جمع کند خاصه که کار نیز وی کند باشد منفعت
 بقدر آنکه از روی او رسد و اگر بیند که آب از کار نیز بر داشت و در خم رخت یاد رسد و دلیل بر مالی باشد که طرح کند و اگر بیند که
 کار نیز افتاد دلیل که در بکر و حیلت فتنه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که باغ را از کار نیز آب می آید دلیل که با بن خود مجامعت کند
 کار نیز دیدن در خواب مردی بود که کارهای دنیا بکر و حیلت ساز کند کاسه این سیرین رحمه الله علیه گوید کاسه جوهر چرخ در وی نشود
 بود و بخور و بقدردان از سفر روزی حلال یابد و کاسه حالین در خواب روزی بود و کاسه خالی فرو ماندگی و بیچارگی بود و کانی رحمه الله
 علیه گوید کاسه طعام خاوی بود با برکت منفعت که بدست و می خیرات رود و مال بوقت صلاح تممت کند و کاسه زرین و سیمین که در وی
 خردنی بود روزی حرام باشد و کاسه سفید روی و قلعی روزی اندک بود که شبهتی بود و کاسه آئینه دلیل بر آن کند و کاسه سی و سول
 مغربی بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در کاسه خود چیزی خوردنی خوش طعم و شیرین داشت دلیل که نعمتی و مالی یابد و اگر چیزی نش
 و ناخوش بیند دلیل بر غم و اندیشه بود و کاسه خداین سیرین رحمه الله علیه گوید کاسه در خواب مال و بزرگی بود اگر بیند که کاسه سفید و پاکیزه
 دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یابد و اگر بیند که کاسه وی در آب بزیان رفت یا بسوخت دلیل که بقدر آن از بزرگی و مال و نقصان
 شود و کانی رحمه الله علیه گوید کاسه در خواب علم و دانش بود و اگر خد و خد خواب پارسا بود و اگر بیند که کاسه بسیار داشت دلیل که فضل
 علم شهرت یابد و اگر خد و خد خواب مفسد و جاہل بود تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین کاسه در خواب بیچاره

بود یکی زن دوم بزرگی سوم دولت چهارم مکر و حیلت کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که فور در خواب لیل بر نفس پاک و سیرین
 بود در راه حق اگر بیند که کا فور میسخت و از آن بوی ناخوش می آید دلیل که نیکوئی کند با کسی و از آن منت بدارد و اگر بیند که اندکی کا فور یا
 دلیل که بشمارش آوی بیاورد و اگر کا فور بسیار یافت دلیل که مال و منفعت بسیار یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کا فور در خواب
 بر سخت وجه بود یکی مرد عالم دوم زن سوم دوست چهارم کینه که خبر وی هیچ مال بسیار ششم شاد و فرین و سخنهای خوب هفتم ریش
 نفس کا فور بر سر غم نیاست که شکوفه آوزر و بود و از وی بوی کا فور آید و اگر بیند که در زمین او رسته بود دلیل که بیخ و تنای او در دنیا
 جمع مردم باشد و اگر بیند که کا فور بر سر غم از جانی بر کند دلیل که از آن موضع شای او قطع شود و اگر بیند که کا فور بر سر غم میخورد و دلیل که او را
 غم و اندوه رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کا فور بر سر غم در خواب بوقت خورشید بر سر غم بود یکی شاد و فرین دوم نفع اندک سوم غم
 لطیف ششمین و گفتن کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کا فور شده است دلیل که او را بخت کفر میل باشد و اگر بیند
 که کبر شد و آتش بر سرشید دلیل که نجات او از تعالی عاصی شود و اگر بیند که آتش نوز و شعاع نداشت دلیل که مال حرام جودین خود را مال
 حرام بفروشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کا فور در خواب بر سر غم وجه بود یکی اسیر کفر و اشتیاق دوم صحت با مردم و اشتیاق و با بخت عاوان
 نشت و دوست کردن سوم خذلان خداوند تبارک و تعالی بروی کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور می چنان
 و از شد که کله ای از درازی او بسته شد دلیل که بدینا حریص بود و در غایت کند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور بلائی می
 بر سرین لب بود دلیل که کار با بوی بسته گردد و اگر بیند که کا فور در آرزو شده بود و بر سرین بدینا خشت دلیل که ترک حرص و از بگوید مردم
 را غیبت نکند کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کا فور در خواب جمله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که کا فور میخورد دلیل که بقدرت
 برنج و اندوه بوی رسد و اگر کا فور سی داد و او بخورد دلیل که نکلس از وی و بخورد دل کرد و غمی و اندوهش کمتر بود جعفر صادق رضی الله عنه
 عنه گوید که کا فور خورون بر سر غم وجه بود یکی غم و اندوه دوم مضرت سیوم خصومت و گفتگوی کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 که در خواب مال نعمت بسیار بود و خاصه که کا فور گندم باشد و اگر بیند که کا فور بسیار داشت و در خانه میخیزد دلیل که مال و نعمت حال
 بسیار حاصل کند و اگر بیند که کا فور بود آنچه گفته کمتر از آن باشد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در کا فورانی رفت و اندک مدت است
 دلیل که تو اگر شود و مراد و جهانی یا بد معزنی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که آتش در کا فوران و افتاد و کا فوران بدست دلیل که با او
 او را مصادره کند و مال فخر بسته از وی بستاند و اگر بیند که چهار پایی کا فور و دلیل که بجهت مال خود تلف کند جعفر صادق رضی الله عنه
 عنه گوید دیدن کا فور در خواب بر سر غم وجه بود یکی مال حلال دوم کسب حیثیت سیوم کام دل و شادوی کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر کسی بخواب بیند که کا فور می شیرین بوقت خود میخورد دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر بیند که کا فور می تلخ بود دلیل که حضرت و زیان بیند
 و اگر بیند که کا فور می تلخ و نیکو بود و دلیل که با کسی گفتگوی کند کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور میخورد و دلیل که
 و خسته یا بد اگر بیند که کا فور بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال برنج حاصل کند و اگر بیند که کا فور بر سر غم و دلیل که او را نصیب
 رسد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور بود و دلیل که مالی اندک یا بد و خیر و نفع در او اندک باشد کا فور و انبیا علیهم السلام

و

اگر کسی خواب ببیند که برگاه نشسته بود و کاوازان او بود و دلیل که از پادشاه عین گهر و نفع بسیار اندوزی بیاید خاصه چون کاواسپاه
باشد و اگر کاوه نرزد و ببیند دلیل که بیمار بود و اگر ببیند که کاوی نرزد در خانه وی و در اندول که حقیقتی در خیر و روزی بروی کشاده
لیکن اندیش سپری نکرده و اگر ببیند که کاوان نرزد بسیار داشت دلیل که غلامان بسیار زبردست وی شوند و او در کار ایشان تنگ
گردد و اگر ببیند که کاوی نرزد و آبسرون نرزد و از قشرش بیرون برود دلیل که از غلامان او با حضرت رسد و او خود را معزول گرداند
و اگر ببیند که کاوا و آبسرون بود و قشرش بیوضع سر بود دلیل که بعد از هر سر وونی غلامش که مال عمل می کند و اگر در اندامی از اندامها
وی افزون ببیند دلیل که عمل او افزون شود و اگر نقصان ببیند تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه گوید کاوان
در خواب عمل بود و پوست او میراث عامل بود و در موم کاوه و خرید و فروخت نیز عامل بود و اگر ببیند که دنبال کاوه نرزد و سر وی
و آمد دلیل که مال بسیار یا بد و روزی او فراخ شود و اگر در کوه خورشید کاوان بسیار ببیند دلیل که ممتگر گردد و در کار او خیر است
و برکت پدید آید و اگر کاوی نرزد و آبسرون نرزد و ببیند خراب صاحب عمل بود و دلیل که معزول گردد و اگر
بازرگان بود دلیل که زیان کند و اگر پادشاه بود از ملک بختد و اگر ببیند که کاوه و آبسرون نرزد و آبسرون دلیل که کسی بروی سر
و بزرگی کند و در غل وی کشته مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که کاوان از میان کاوان بکشد و قسمت کرد و کاوان
عامل بود و دلیل که مردی بزرگ از آن که چه بکشد و اگر ببیند که کاوان بکشد و کشت او بخورد و دلیل که خداوند کاوه را بکشد
و مالش بستاند و اگر ببیند که کاوی بکشد که نه کاوا و او بود و دلیل که مردم محترم در آن موضع میرند و اگر کاوان بسیار نرزد و محکم
ببیند که در آن موضع آمد و شد میکرد و دلیل که مردم آن موضع در آن سال بیماری کشند چون لاغر باشند و اگر کاوه و آبسرون دلیل که فراخی
و ازانی بود و اگر ببیند که کاوان زمین را بیش کافتند و دلیل که او را مالی بی اندازه بدست آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر
که با کاوه جنگ میکرد و دلیل که او را بهتری جنگ افتاد بر سرین رحمة الله علیه گوید کاوه و خواب سال بود و اگر کاوه کاوه ببیند دلیل که در
آن سال فراخی و نفعی و اگر کاوه کاوه لاغر باشد تا ویش بخلاف این بود و گوشت ماده کاوه مال و فراخی در آن سال بود و پوست وی
زخیر باشد و اگر ببیند که ماده کاوه را سید و شیده و اندویش می خورد و دلیل که مالش افزون گردد و اگر این خواب بنده ببیند از کار کرد و در پیش ببیند توکل
کرد و اگر از او ببیند از مردم بی نیاز شود و اگر خجاری ببیند غریز کرد و اگر ببیند که ماده کاوه و آبسرون بود و دلیل که در آن سال سحر رحمة الله علیه
گوید اگر ببیند که گوشت کاوه و آبسرون دلیل که در آن سال زنی توکل زنی کند و اگر ببیند که ماده کاوه وی بدو شید از آن شیر می خورد و دلیل که مال بسیار جمع کند
از آن چیزی بخورد و اگر ببیند که ماده کاوه با وی سخن گفت دلیل که عین وی فراخ گردد و اگر ببیند که ماده کاوه وی پیش آمد و دلیل که سال بر وی مبارک بود و اگر ببیند که ماده
از وی دور داند و دلیل که آن سال وی بدو باشد و اگر ببیند که ماده کاوه بی نسیه بود و ببیند دلیل که حال بروی تنگ گردد و اگر ببیند که ماده کاوه و آبسرون دلیل که در آن سال
مصرف کند و اگر ببیند که ماده کاوه در آن زمین نه می خورد و دلیل که در آن سال آن نیست و اگر ببیند که ماده کاوه را بر وی عمل مالش با وی خیانت کند و اگر ببیند
ماده کاوه ناگاه در خانه او در آمد و دلیل که ناگاه مال بیاید و بیخورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ببیند ماده کاوه و خواب بر سرین
یکی خواند و دومی دوم مال سوم بزرگی چارم ریاست پنجم نیکوئی ششم سال نیکو کاوه و شتی که مانی رحمة الله علیه گوید کاوه و شتی در خواب

و

بجای

دلایل که بقدر آن مال دزدی او را حاصل شود و اگر بیند که با گریه جنگ میکرد و گریه او را بخارشد و دلیل که بیمار شود و اگر گریه را فراموش کرد
که از بیماری شفا یابد و اگر نه او را بگریه دلیل که بیماری بروی دراز گردد و بعضی از معتبران گویند که بیمار بتاول خادم بود و این است
گویند کسی نباشد که گریه بخواب بیند بعد از صبح الا شش روز بیمار شود و اگر بنده بخواب بیند که گریه بدو شد و شیرویی بخورد
و دلیل که از در و دروازه خان که آزادی یافته باشد زنی را برنی کند و اگر آزادی بیند که شیر گریه بخورد و دلیل که او را با کسی صورت
افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گریه در خواب بر صفت وجه بود یکی زرد و دوم غماز سوم خادم چهارم بیمار
پنجم زنی شفق ششم خود هفتم جنگ و صومت که تبه جائه کوتاها باشد که مردم از او طلق خوانند و پوشیدن آن در خواب
توت و سفر بود و اگر تبه وی بسوزد از مردی پناه و قوت یابد این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گریه سست
بود دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بیند که گریه زرد پوشیده بود دلیل بر بیماری بود و اگر بیند که گریه تبه پوشیده بود
و دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سرخ بود دلیل که بستر نه نیا مشغول گردد و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گریه
بر ششیم پوشیده بود دلیل که از مردی بزرگوار شرف و بزرگی یابد اما در دین ضعیف بود و اگر چندین گریه بخت
یا ضایع شد دلیل که در پناه و قوتش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید پوشیدن گریه در خواب بر چهار
وجه بود یکی قوت دوم پناه سوم سفر چهارم نظام کار با گریه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گریه چندی
ملک او بود و نشست دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود و اگر بیند که میان آسمان و زمین گرد جمع شده بود دلیل که کار
پوشیده در آن موضع بود که از آن چگونه بیرون آید و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روی او را کوه بود و دلیل که او را
برنج و عقوبت رسد و اگر بیند که گرد و خاک بر زمین که ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن مال و خوشه یا جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی مال دوم بلا و فتنه سوم عقوبت و حق تعالی گردان و این است
گوید گردن در خواب جایگاه امانت و جای دین بود و اگر بیند که گردن آن معتبر شد دلیل که او را قوت در امانت گذاردن
و صلاح دین و نگاه داشتن دیانت بود و اگر بیند که گردن او کوتاها و ضعیف بود دلیل که در امانت گذاردن عاجز بود
و اگر بیند که ماری در گردن وی حلقه شده بود دلیل که زکوة مال نداده و تقوی سید طوقون و باج و ابایه یوم
القیامه اگر بر گردن خود گردانی بیند بی آنکه چیزی برگردان داشته باشد دلیل که بیمار شود و اگر باری برگردان خود بیند
و هیچ گردانی پیدا نبود دلیل بر درستی دین و درازی عمر وی بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن وی معتبر و قوی
شده بود دلیل که امانت نیکو گذارد و کادش قوی گردد و اگر گردن خود را از بیند دلیل که امانت گذاردن وی دیر بماند
و از گواهی دادن خود باز بماند و اگر گردن خود کوتاها بیند دلیل که امانت گذاردن خود را و اگر گردن خود بسیار
بیند دلیل که در امانت خیانت کند و اگر گردن خود شکسته بیند دلیل که از خود باز ماند و در دین وی خلل افتد زیرا که امانت
بزرگتر از دین نیست و اگر گردن خود را کوتاها بیند دلیل که در امانت خیانت کند و اگر گردن خود دمی بیند دلیل که او را

از حیث

از حیث امانت گذاری و امانت داری و اگر کسی از زون خود بستر و لیل که او را گناه شود و اگر گوشت از زون بریده
 و لیل که مال کسی با وی بود و ضایع شود و اگر زون خود را کوه بینه و لیل که مالی در پیش می نهاده باشد خیانت کند مغرایی حقه
 الله علیه گوید اگر بینه که گوشت کردن وی میخورد تا و لیش بخلاف این بود اگر بینه که برگردن کسی نشسته بود و لیل که بر دشمن
 طغیان بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کردن در خواب برنج و جبه بود یکی امانت دوم توانائی سوم خیانت چهارم
 و ام پنج بیاری کردن بنده این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که گردن بنده از مراد یوسفید داشت و لیل که بی بی
 و تعالی عزوجل او را علم و کلام خود روزی گرداند و هر چند که جوهر گردن تو تیر بود و علم و دانش او بیشتر بود و کفایتی رحمة الله
 علیه گوید اگر بینه که گردن بنده از زون بود یا از سیم مرصع که بر پاشی گرانا به و لیل که بقدر آن شرف و بزرگی یابد و باشد که
 امانتی در گردن گیرد و اگر گردن بنده و دراز شد و لیل که امانت بگذار دو اگر گناه بود تا و لیش بخلاف این بود مغرایی حقه
 علیه گوید اگر بینه که گردن بنده خود بجا هر مرصع کرده بود و با مرصعه در گردن داشت و لیل که جاده و ولایت یابد و اگر گردن
 بنده می دراز بود و بخیل که منزلت یابد و اگر گناه بود تا و لیش بخلاف این بود و اگر بینه که گردن بنده ای بسیار داشت
 و لیل که در علم بسیار کامل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کردن بنده زین در خواب بر شش وجه بود یکی
 حج دوم ولایت سوم جنگ و خصومت چهارم امانت پنجم معالجت ششم کینک و هم او گوید گردن بنده زین حج باشد
 و از آن سیرین کینک کردن زون این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که او را گردن زنده و سرش از تن جدا شد اگر بینه
 بود و لیل که از او شود و اگر بیا بود شفا یابد و اگر او را گناه و او را گناه شود و اگر خوف دارد و این گردن و اگر گناه و او را گناه
 شود و اگر بوقت گردن زون سرش از تن جدا شد تا و لیش بخلاف این بود و اگر آنکس که گردن زد و معروف باشد بخیر ناکه
 گفته شد از گردن زنده بدور سد و اگر گردن زنده کوک و نابالغ بود و لیل که اگر بیا بود و میرد کفایتی رحمة الله علیه گوید اگر آنکس که
 گردن او زود شد و رست است و از او توانگر بود و لیل که از نیک بختی به بد حالی افتد و مال لغتش اند و در ویش شود و سیرین
 کار با ملک شود و علی الجمله گردن زون در خواب مرد و ایشان و خداوندان محنت را نیک باشد و مراد و اگر آن و خداوندان
 نعمت را بد باشد که در خواب مال نهان کرده باشد که بیاید و خرج کند و اگر بینه که کرده بخته یا بر این کرده بسیار داشت
 و لیل که بقدر آن مال نهان کرده بیاید و اگر کرده از جانی که گوشت و حلال بود و داشت و لیل که بافتن مال حلال بود و اگر
 از جانی که گوشت و حرام باشد و لیل که مال حرام بود کفایتی رحمة الله علیه گوید که در خواب مال نهان کرده
 و بعضی مخبران گویند که کرده در خواب فرزند بود بسبب آنکه مایه فرزند می است و از او بود و می آید اسمعیل است حقه
 علیه گوید اگر بینه که کرده است و بخت میخورد و لیل که از مردی بزرگوار مال یابد و اگر بینه که کرده گاوداشت و لیل که
 در آن سال مال نخیست حاصل کند و اگر کرده کو سپند داشت و لیل که در آن سال مال نعمت حلال یابد و بخت ششم اگر بینه که
 کرده های غلام میخورد و لیل که مال حرام یابد و اگر کرده های بخورد و آنچه نصیب کند و گردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه

سیرین

م

م

برگردون نشسته بود و گردون نیک میرفت دلیل که شرف و بزرگی باید و اگر بیند که گردون بی کاوان ایستاده بود و او در گردون بود
 دلیل که در پنج و هفت و بیماری افتد و اگر بیند که پادشاه از گرد و نهایی خود گردونی بود و او دلیل که از پادشاه منزلت و بزرگی باید
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردون در خواب دلیل بر شرف و جبه بود یکی ولایت دوم عز و جاه سوم مرتبت چهارم
 بزرگی پنجم سبب ششم غری میفتم هفتم رفعت هشتم آسانی نهم کار اگر سنگی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر سنگی در خواب بهتر از سیری
 بود و سیری آب بهتر از شنگی بود و اگر بیند که گرسنه شده بود و چیزی نداشت که بخورد و دلیل که حرص و ازش در مال دنیا کمتر باشد
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گرسنه بود و دلیل که بقدر گرسنگی او مصیبت بود و اگر بیند که گرسنه بود و چیزی خورد و سپهر شد
 دلیل که از گناه توبه کند و اگر آنچه خورد و بطعم شیرین و خوش بود و دلیل که بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود و دلیل که بر توبه
 ثابت قدم نماند و توبه بشکند و بر مصیبت رود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر سنگی در خواب بر چهار وجه بود یکی حضرت دوم
 حرص و از سوم مصیبت و گناه چهارم طمع داشتن بر دم کرسی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن کرسی بواب علم است
 و از راه ضرر و چنین واجب کند که از تبارک و تعالی جل علا در کلام قدیم بیان فرموده است و سع کسینه السموات
 و الارض ابن عباس رضی الله عنه گوید وسیع یعنی علم و ابراهیم کرمانی رحمه الله علیه گوید کرسی عاقل و قدرت خداست و کرسی
 و بعضی از متبحران گویند تاویل کرسی آن بود که کامل و عاقل باشد مغربی رحمه الله علیه گوید تاویل کرسی امام مطیع بود یا زاهد یا بزرگ
 بکمال دارد و یا پادشاهی مایل و پیر میگردانی و اینجا که در اخبار آمده است دلیل که اهل دین و علما را نیک بود و همیشه خواب
 از سلطان عادل خیر و نیک بیند و مالش زیاده گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی در خواب شرف و جبه بود یکی عدل
 دوم انصاف سوم عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم قدر و جاه و اگر کسی بیند که بر آسمان بکری نشسته بود و دلیل که کار او
 بالا گیرد و قدر و مرتبت و جاه یابد و بهمه مراد ببرد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرّم شود و عدل و انصاف در میان خلق
 پیدا شود و اگر این کرسی که در و در میباید و در خواب بیند و دلیل که زن باشد و اگر بیند که کرسی بزرگ و پاکیزه نشست و بر سر
 و دلیل که زن خواهد و از آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که بر کرسی نشست و دلیل که دختری و شیر بخواهد و اگر بیند که در زیر
 بر وی کرسی مشکست و دلیل که زن وی همیرد و اگر بیند که کرسی وی کوچک و کسند بود و دلیل که زن وی درویش و حقیر و ورمانده بود
 و اگر بیند که کرسی داشت اما بر نشست دلیل که از بهر خدمت کردن زنی بخانه آورد و کرفس ابن سیرین گوید اگر کسی بخانه
 که کرفس بخورد و بوقت خود بود و دلیل که غمگین شود و بعضی از متبحران گویند که چیزی مکره خورد و اگر بیند که کرفس داشت اما نخورد
 آنچه گفتیم که بر جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرفس در خواب بر سه وجه بود یکی غم و اندوه دوم خصومت و گفتگوی سوم خوردن
 چیزی مکره و اگر کرفس مرغی بود بقدر که بکورت و تاویل آن زن کنند اگر کثرت در خواب بیند و غریب بود و دلیل که زن کند و اگر کثرت
 خورد و اگر بیند که از دست دی پیرد و دلیل که زن از طلاق دهد و اگر کثرت دارد و بگریزد و اگر بیند که او را بخت و گوشت او بخورد و دلیل که او را
 آن پیران زن یا بد که کس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کس مشر مرغان بود و قوی و تیز بین و از عمر از مرغان بود و اگر بیند که

و

داشت و لیل که از روی بزرگ منفعت و بزرگی باید و از پادشاه مال و خواسته حاصل کند و اگر تاجران یا بربیان گوشت که کس داشت
 همین تاویل دارد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کس را در بگرفت و در میو ابر و نزد یک آسمان رسید و لیل که دخی می کند
 و از آن سفر مال و نعمت بسیار حاصل کند اما دین وی بفساد بود و بسبب آنکه غزو و بکر کس آسمان بر رفت و اگر بیند که کس را در
 از بهر ابر و نمکند یا خود از چنگال کس برفت و لیل که از شرف و بزرگی بیفتد و کارش خراب شود و اگر بیند که کس را در آسمان
 بر و و انجا مقیم ماند و لیل که بسفر رود و در آن سفر بمیرد و اگر مقیم نشد و باز بر زمین آمد از پادشاه بزرگی باید و اگر نه از اهل پادشاه بود
 یا از اهل و خویشان خود بزرگی باید و اگر کس بی چنگال در خواب دیدن فرشته بود زیرا که فرشتگان همه العرش بصورت کس
 و اگر بیند که کس بی بالایی سر وی شکار میکرد و لیل که بیند خواب باز گانی کند و اگر بیند که با کس جنگ میکرد و او بر کس
 غالب شد و لیل که با روی بزرگ خصومت کند و روی غالب شود و اگر خلاف این بیند و لیل که دشمن او را قهر کند و اگر در خواب
 بجه که کس بیند اگر زن دارد و لیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد و لیل که دخی می کند و اگر بیند که کس بر کس
 شسته بود و لیل که او را بر و ار کنند و آنیال علیه السلام گوید اگر بیند که در آن کوچه کس فرو آمد و لیل که پادشاهی بهمان کوچه فرود
 آید و اگر بیند که در آن کوچه کس را بکشند و لیل که پادشاه آن دیار محزون گردد و یا هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 کس در خواب بر شش وجه بود یکی بزرگی و دوم فرمان روائی سوم زیاست چهارم شاد و مستایین پنجم مرتبت ششم امر نبی
 کردن گرگ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر در خواب پادشاه دروغ زن متکرر بود و اگر بیند که با کس جنگ و نیز میگردان
 که او را با پادشاه پاکسی دشمنی بود و خصومت کند و اگر بیند که شیر گرگ میخورد و لیل که ترس و بیم رسد یا کاری از وی کفایت شود
 و اگر بیند که گوشت کرک میخورد و لیل که از پادشاه متکرر تقدیر آن مال یا بد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کرک را بکشد و لیل
 که اهل اسلام از وی روی بگردانند و روی هیچ خیر نباشد و بعضی گویند دشمن با قهر کند و اگر بیند که سر کرک بیافت یا کسی ببرد
 و لیل که شرف بزرگی یا بد بقد روی و اگر بیند که کرک در خانه وی درآمد و زبانی انداخت و لیل که او را از پادشاهی محضرت رسید
 و اگر بیند که زبانی کرد و لیل که پادشاه جهان او را بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کرک در دست او بیند و لیل که پادشاه اقبال
 وی فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کرک در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه ظالم و دوم زن دروغ زن و سوم
 مخالف ضعیف چنان کرک داده باشد که مایه این سیرین رح گوید که با به در خواب غم و اندوه بوده و خائستین شش شادی و غمی بود و آب گرم نیاید
 و آب سحری گرم بد باشد و اگر بیند که در کربا به رفت غسل کرد و خود را پاک شست و لیل که از پنج فکر سنگاری یا بد و اگر بیند که در کربا به رفت
 خود را نشست و لیل غم و اندوه بود که بدی رسد بسبب آن که کرمانی رح گوید اگر بیند که در کربا به رفت و آب گرم نیاید و خود را پاک شست
 و او را این شود و اگر غلغله بود و اگر مجاری بود شفا یا بد و اگر و اتم دارد و روش گذارد و شود و اگر بیند که تو اگر هست از این
 چیز اگر لغتیم خالی ماند نیز در مالش نقصان شود و اگر بیند که آب بخورد و لیل که کارش تمام نگردد و غمی در دست
 علیه گوید اگر بیند که کربا به رفت و دوست و روی و سروق را بکشد و بیرون آید و لیل که از غم بیرون آید و اگر بیند که در کربا به

و

و

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

خانه که ما به بود و دلیل که در آن مقام نمی روی پدید آید و اگر بیند که بر ما به شدنی آنکه بشتن محتاج بود و دلیل که عین و ام و ار شود و اگر
بیند که در ما به جائه او و زو بر او و برینه با ند و دلیل که بسبب کاری عین و بر او شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر
در خواب بر شش و صد و یکی زن دوم غم و اندوه سوم دین چهارم نا کاری پنجم دوست ششم وام و کر ما به بان تا و زن
بود و بعضی می خیر آن گویند که خدای سرای بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کر ما به بان میگرد و دلیل که زن نخست خواب
زن مشغول شود و اگر زن بود و دلیل که شیمی بدین صفت کند که مان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کرمان بسیار
در شکم وی شدند و طعام در شکم میخورد و دلیل که عیالان و دیگر از مال گیری خواهد و اگر بیند که کرمان در از تنش می افتاد و زنی
بر تن و جائه وی کرمان بسیار بود و دلیل که مان عیال حشمت بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که کرمان از تن خود بر زمین می
آفتد و دلیل که عیالان خود را از خود دور کند و بیمار نشان نداد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بعضی از اندامهای
او کرمان خورد و دلیل که عیالان ز مال وی خورد و اگر بیند که از کرمان تن و یا امضرت میرسد و دلیل که او را از عیالان برنج و مضرت میرسد
و اگر بیند که از سوراخ بینی یا از گوش یا از دهن و یا از مقعد گرم بیرون می آید و دلیل که بقدر آن مالش با عیالش زیاد شود و اگر بیند
که کرمان از تن وی می افتاد و زنی مرد و دلیل که عیالان وی بکالت شوند یا زنی جدا گردد و اگر بیند که کرمان بسیار از چوب خانه وی
و غیره بر میرفتند و دلیل که بقدر آن مال و خدم و حشم او را حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین کرمان در خواب پس
وجه بود و یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خواسته که اخلاص آن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر میان کرمان
و دلیل که از کار می که دور بود بران بجهت کند و اگر بیند که کرمان با زکشت و دلیل که بر آنکار اعتماد نکند و اگر بیند که چیزی محکم بر سبب
و کرمان دلیل که روز کاری در شغل آنچه بسته باشد چنانچه کشودن بنوی تواند اگر آنچه تعلق بدین دارد و یا دنیا کرمانی رحمة الله
علیه گوید سبب کرمان در خواب دلیل بر بستگی کار با کند و هر چند که کرمان سخت تر بود و بستگی کار را سخت تر بود و اگر بیند که کرمان
توانست و دلیل که کاری بسته باشد کرمان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جانی کرمان است یا تن خود یا چیزی کرمان
و دلیل که از کرمان بسیار بر تن خود میسرسد که کرمان است و اگر بیند که عیال و فرزندان خود کسی گرد و دلیل که بروی ستم و سب
کند و اگر بیند که خود را پیش کسی گرد و دلیل که آنکس مظلوم باشد و باشد که کسی بروی ستم کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر
که خود را بگرد و دلیل بر فساد وین کند کل نفس بها کسبت و هدینة و اگر بیند که چیزی از متاع دنیا پیش کسی گرد
و دلیل که با کسی از بهر متاعی گفتگو کند و مضرت یا بد کرمانه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرمان است و دلیل که عین
و متفکر شود و اگر بیند که کرمان به سحر و دلیل که با کسی جنگ و خصومت کند و اندوی بوی رسد زیرا که بطعم طع و ناخوش بود و چون
طع و ناخوش باشد و تاویل غم و اندوه بود که بخت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بخت و خواب رستگاری بود و اگر
کسی خواب بیند که از دشمن یا از جانوری کزنده میگرد و دلیل که از شر و خوف این گرد و بر خصم مظفر شود و زیرا که
علیه السلام در خواب دید که از قرقون علیه السلام میگرد و دلیل که از شر قرقون رستگار شد و سر انجام بروی غافل گشت

بود اگر بیند که از دشمن پنهان میگردد چنانکه دشمن او را میداند دلیل که متفکر شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در
 میگردد چنانکه او را از بزرگی شمت سد قوله تعالی **يَوْمَ تَكُونُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمِلَ أَرْضَتُهَا** اگر بیند
 که مردمان از زمان میگردد اگر زمان مصلح و یا رسا بودن دلیل که بد باشد و اگر مفسد بودن دلیل که بد باشد جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید اگر بخشن در خواب شنای بود چنانکه با نیک مصیبت اندوه بود و از نفع کره سیتن اگر بیند که از کر سیتن بر روی وی
 نشان بود دلیل که بگردان نیک و از طعنه زدن که از نیک رحمه الله علیه گوید اگر سیتن در خواب شنای بود و از نفع سیتن سبانه و نفع
 اگر در خواب بیند بر گناه کر سیتن یا در مجلس علم یا در قرآن خواندن و آنچه بدان ماند دلیل که بر کرم یا ریتالی باشد که بفضل خود
 بروی رحمت کند و گناهان وی عفو کند و اگر بیند که میگردد داشت ناخوشیم وی بی آمد دلیل که ناکردن از کاری گذشته
 حسرت خورد و تو به کند اگر از بر مصیبتی میگردد که کرده است بی نوحه و زاری دلیل که شنای و غری بیند جعفر
 رضی الله عنه گوید اگر بیند که میگردد و بعد از آن بخندد دلیل که اجلش فرا رسیده باشد قوله تعالی **هَؤُلَاءِ صَاحِبَاتُ** و آنچه
 کری در خواب در پیشی و بد حالی و فرو بستگی کار با بود این سیرین رحمه الله علیه گوید کری در خواب تپایی بر غم و اندوه
 و کار با بروی بسته گرد و در و درش بر نیاید قوله تعالی **صُمٌّ بُكْمٌ عُمْهٌ** قهقمه که میوه جحون کرمانی رحمه الله علیه گوید کری در
 خواب لیل بر نیوانی و بستگی کار با کند و اگر بیند که گوش وی بشنود دلیل که کار بسته بروی کشا و شود و در و کام دل
 و از رحمت تعالی نصیب یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید کری در خواب بر چهار وجه بود یکی در پیشی دوم تپایی برین سوم غم
 و اندوه چهارم بستگی کار با و نامرادی کر خواب بروی منافق و پیچیده بود و بعضی از متبحران گویند دیدن کر خواب در حلال باشد
 که بی منت خلق بد و رسد قوله تعالی **وَأَنذَرْنَا عَلَيْكُمْ أَكْثَرَ النَّارِ** اگر بیند که از اکین بسیار داشت و بخورد و بوسی فلان دلیل
 که مالی حلال بوی رسد و از آن خیر بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل که از آن مال خیر و راحت بوی رسد که از اکین برین سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که از اندکی پوشیده بود دلیل که زنی بخوابد و بر دشمنان خیر گردد و اگر از خواب بی بیند دلیل که شود
 و از شوهر خیر و نفع بیند جعفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از اندکی پوشیده بود دلیل که زنی تو را کرد و یا رسا بزی کند و اگر بیند که از
 سیر پوشیده بود دلیل که از زن مصلح و دیندار بود و اگر بیند که از اندکی مسخ پوشیده بود دلیل که زنی معاشه و طرب دوست بود و اگر
 قرآن سپاه پوشیده بود و بیند قاضی یا خطیب بود دلیل که نیک باشد و الا بد باشد اگر قرآن نوب و دلیل که از زن خداوند
 بود و اگر قرآن کند که سینه بود دلیل که از زن پلید و با کار بود و اگر بر سیرین رحمه الله علیه گوید اگر در خواب شمنی ضعیف بود که در مرد
 و دوست و دشمن نزد او چنان است اگر کسی بخواب بیند که در دم او را بگرید دلیل که دشمن او را سخت گوید و از آن رنجور دل شود و اگر
 بیند که در دم را بگشت دلیل که بر دشمن ظفر بد و اگر بیند که بعد از کشتن در دم زنده شد و باز قصه وی کرد دلیل که بعد ازین
 بر دشمن ظفر بد و دیگر باره دشمن قصه او کند و اگر بیند که در دست او در دم بود دلیل که او مردم از او بد و از پس مردم بد گوید
 مردم او بد کرد و از دوزخ نجات گیرد و اگر بیند که در دم بپایان کرده میوز و دلیل که بعد از آن مال دشمن خود و اگر بیند که در دم او

و بان نهاد و بخور و دلیل که دشمن را نجان ندارد و با وی جالست و خفت و خیز کند و اگر بیند که کزوم در درون جامه و پشت همین
 تاویل دارد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از کزوم ترسید و کزوم او را بیدار کند دلیل که از دشمن بگریزد و بعضی از متعبران گویند
 بازن جماعت متواتر کند و اگر بیند که کزومی در پیرامون وی بود و دلیل که از دشمن بگریزد و از حضرت رسد و اگر بیند که در شلواری
 کزوم بود و دلیل که دشمنی با عیال وی یا با کینک وی فساد کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن کزوم در خواب بر
 وجه بود یکی دشمن و دوم حاسد سوم سخن چین کزوم خواره این سیرین رحمه الله علیه گوید کزوم خواره در خواب پیش
 که در خورستان در میان آب می باشد و دوم بزمین می کشد چون کسی زخم آن پیشور حال ملاک شود و گمانی رحمه الله علیه
 ویدن کزوم خواره در خواب دشمنی باشد با خود و حلیم و آرمیده و فروتن و شیرین سخن و در دشمنی صعب بود و اگر بیند که
 کزوم خواره او را بگریزد و دلیل که از چنین دشمنی که صفت کردیم بجا و محنت بدو رسد و اگر بیند که او را از کزوم خواره گزندی
 نرسید و دلیل که از دشمن ایمن گردد و اگر بیند که چیزی مانند کزوم خواره بود و از او می ترسید دلیل که از کسی اندیشه دشمنی دارد
 و او نه دشمن وی باشد کز این سیرین رحمه الله علیه گوید کزوم در خواب غم و اندیشه بود اگر کسی خواب بیند که کزوم است و
 و دلیل که اندوه بسیار بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کزوم شیرین بود و دلیل که غم و اندوه کمتر باشد و اگر کزوم
 گوشت پخته باشد و دلیل بر منفعتی بود که برنج و سختی بدست آید و بعضی متعبران گویند خوردن کزوم در خواب بیماری بود و اگر
 کزوم بریان بیند هم نیک نباشد و بهتر آن بود که بگوشت پخته بود و کزیدن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند
 که کسی او را بگریزد و دلیل که مهر و هوای آنکس در دل وی زیادت گردد و اگر بیند که کسی او را خشم و کینه ببرد دلیل که بقدر آن از وی زیادت
 برسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را غری بگریزد دلیل که کارش از سخت و خطر بود و اگر بیند که او را بگریزد دلیل که او را
 از سفر زیان برسد و اگر بیند که او را بگریزد دلیل که در آن سال حضرت بید و گردیدن جمله دکان در خواب چهار وجه بود
 یکی حضرت دوم دشمن سوم خصومت چهارم جاه و مال کشتی گرفتن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با کسی می کشد
 و آنکس او را بیدار است دلیل که حال و نیکی گردد و بر آنکس غالب شود و اگر بیند که خود می افتد و تا ویش بخلاف این بوده و اگر هر دو
 قایم بود و دلیل که احوال هر دو در خیر و شرمناکه باشد اما بظاهر باید دوستی کنند کاسنی این سیرین رحمه الله علیه گوید خوردن
 کاسنی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کاسنی بوی دادند و بخور و دلیل که اندوه کم شود و مغربی رحمه الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب شرم
 و خصومت بود و گشت و زار این سیرین رحمه الله علیه گوید گشت و زار خواب توکل بخداست عاجل و علا بود و روزی حلال طلب کردن و یکی
 و نیز مردی فاضل نیک مضرب باشد و اگر بیند که از هر تخم کشتن زمین بکاف و دلیل که حیات و صدقات کند و استادان این صنعت هستند
 گویند اگر بیند که کاش و زری میگرد و دلیل بر بیماری بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زمین بکاف و تخم می انداخت و بازش جمع میکرد
 دلیل که بزرگی و جاه و نعمت یابد و اگر بیند که کشته بود و بازش بخور و از آن گفتیم بهتر و نیکوتر بود و اگر بیند که از آن شته چیزی حاصل نشد
 که بازش چگونه است و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کند می کشد و دلیل که از پادشاه خیر و نیکی بوی رسد و اگر بیند که جو می کشد و دلیل که

کزوم

خواره

پخته

کزوم

کاش

کاش

مال بسیار حاصل شود و اگر میند که کاوش میکند دلیل که مال اندک یا بد و انبیا علیه السلام گوید اگر میند که در زمین خود تخم میکشد دلیل
که زن خواهد و کارش ساخته گردد و اگر باز کار نمی زمین خود ناکشته میند دلیل که زبان بشناید یا کسی خصومت کند و اگر میند که بجایگاه مجبور
زمین پیشگاهت و تخم نمی انداخت دلیل که برخواص و صفات و خیرات کردن راغب بود و اگر در زمین خود که ملک او بود کشت بپند دلیل
نفت بروی فراخ گردد و اگر کندم با چو دشت در زمین خود کشت دلیل بر عود جاه کند بقدر ناکشته باشد بود و جعفر صادق رضی الله عنه گویند که
در خواب بر چو وجه بود یکی روزی حلال طلبین دویم خیر و منفعت سوم بیماری چهارم عود جاه پنجم معیشت کشته زار این سیرین چو
علیه که کشته است و چون معروف بود و در جای معروف بوقت خوب میند دلیل بر فرزندان مردم بود و اگر میند که کشته همی دروید دلیل
مردم در جنگ کشته شوند و انبیا علیه السلام گوید اگر میند که در کشته زاری معروف بود دلیل که عمل کند که در دین و دنیا نیکو باشد و اگر میند که
گرد و درید و دروغ سخن بگوید دلیل امید که دارد بر آید و اگر میند که در میان کشت زار سیر فتنه دلیل که با غازیان بغزار و دشمنی کشته
علیه گوید کشت و در خواب دلیل بر حرب و خصومت بود و بعضی از متبرکان گویند اگر میند که در میان کشت زار رفت و بهمن و سبزه بود و
دلیل که در میان صراف دو و اگر میند که آتش در میان کشت زار افتاد و بود و همه بسوخت و دلیل که در اندام قطع پیدا شود و اگر میند که
کشت زار خود را آب میداد دلیل که کاری از دست وی بر آید که دنیا و عقبی را منفعت دهد و اگر میند که آتش میاید و کشت ویران سوخت
دلیل که او را از پادشاه حضرت رسد و اگر میند که در میان کشت زاری رود و بزرگ می آمد و دلیل که در اندام قطع و متنگ پیدا شود و اگر میند
که از خوشبختی گندم و انبار بر زمین می افتاد و دلیل که بقدر آن خداوند کشت زار میان رسد و اگر ندانند که آن موضع از آن کیست دلیل که
آن بخداوند خواب بود و قوله تعالی **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْمِلُوا كُفْرًا** و اگر کشت زار در وقت خویش نرسد دلیل که
و اندام را نعمت فراخ گردد و اگر زمین ملک او بود دلیل که حاجتش روا گردد و اگر بوقت خویش کشته زار رود و خوشه نماند بر و دلیل که
بود و اگر میند که در میان کشت زار بایان میرفت دلیل که بغزار و جعفر صادق رضی الله عنه گویند کشت و درویدن خوشه رسیده
خواب بوقت خود دلیل بر نیکویی و منفعت کند چون نارسیده و سبز بود و دلیل بر و با بیماری بود و همچنین اشفت رحمة الله علیه
کشته و درویدن بوقت خویش دلیل که امر خدا تعالی بجای آورد و توفیق یابد تا محض رویان خیرات کند قوله تعالی **وَلَا تَوَاسَّوْا**
يَوْمَ حَصَادِهِ اگر این چیز که میدید و میدرد و دلیل که عاقبت کارش محمود باشد کشتن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که
کسی را بکشت بی آنکه سرش برید و دلیل که از مردی توانگر خیر و نیکویی بوی رسد و معبران گویند که کشته بر کشته ظلم ندیده و اگر میند
که وی را بکشتند و دلیل که عمرش دراز بود و کوفی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کسی در یکشت دلیل که خیر و منفعت میند و اگر میند که
کرد می او را بظلم میکشند و دلیل که عمرش دراز بود و از سلطان خیر و منفعت بدو رسد قوله تعالی **وَمَنْ قَتَلَ ظُلْمًا**
فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ و اگر میند که کسی را بظلم بکشت و دلیل که عاصی و ظالم باشد و حق تعالی
جمله و عا کسی را بر عا روا و او را بر بخاند قوله تعالی **وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ** و اگر میند که بعضی گویند که ستم بر فرزندان کردن بهر باب عود
باشد و اگر میند که کسی را بکشت خون از تن وی روان شد و دلیل که بقدر آن مال با بد و اگر تن خود خون آلوده میند و دلیل که از مال خود چیزی بیا

در خواب

و در اگر میند که خون روان شد و دلیل که دین کشنده بر وجه صراطی اند که گویا اگر میند که ستوری یا چیزی از شکر شکر است
 و دلیل که بر جسم خود نظر نماید و یکسکه بران حسن منسوب باشد و کند و کشنده و غن او دیدن غدار و سید اگر باشد کشتی و آتیا علی
 گوید کشتی و دیدن در خواب غم و اندیشه بود و یا زندان یا کاری کند که از آن رنج و بلا بد و رسد خاصه که از دریا کشتی بیرون نیاید
 یا کشتی در دریا فرو مانده بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب میند که در کشتی بود و سبب است از آنجا بیرون آمدن دلیل که از
 رنج برده قوله تعالی فَاَجْعَلْنَاهُ مِنْ مَّحَصِّنٍ فِي الْفُلِ لَمْ يَجْعَلْهُنَّ اِلَّا لِيُخْرِجَهُنَّ اِلَى الْبَرِّ لَمْ يَجْعَلْهُنَّ اِلَّا لِيُخْرِجَهُنَّ اِلَى الْبَرِّ لَمْ يَجْعَلْهُنَّ اِلَّا لِيُخْرِجَهُنَّ اِلَى الْبَرِّ
 شود و اگر میند که کشتی وی زمین بماند دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و در سنگاری ویر دست دهد و اگر میند که کشتی غرق شد و او بستاند
 بماند دلیل که هاشم تلف شود و او بسلامت بماند و اگر میند که کشتی شکست بخورد غرق شود دلیل که مصیبتی عظیم کند که بدو رسد و اگر میند که در کشتی بر جای نماند
 و کشتی در میان آب میرفت دلیل که او را از پادشاه و بزرگان قری و بزرگتر پیدا شود و اگر میند که در میان دریا کشتیها و کازیرفت دلیل که بسفر رود
 اَلْجَوَارِ الْمُتَشَاةِ فِي الْبَحْرِ كَالْاَعْلَاقِ و اگر میند که کشتیها ایستاده بودند و دلیل که در سفر رود و اوین بماند بلکه در سفر مقیم شود و اگر
 که در کشتی نشسته بود و بادی خوش می آمد و کشتی را خوش میبرد و دلیل که از غم و اندوه فرج یابد و اگر میند که کشتی ایستاده بود و از هر جانب
 بکشتی موج می آمد دلیل که او در سختی پیش آید که بیم مرگ وی باشد قوله تعالی وَجَاءَهُمُ الْكَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ اگر میند که کشتی از
 پیش میرفت و او نتوانست رسیدن دلیل که در کاری دشوار افتد و عاقبت خلاصی یابد قوله تعالی فَاَجْعَلْنَاهُ وَاحِصًا لِّلْتَّقِينِ
 اگر میند که در پهلوی کشتی در دریا رفت دلیل که بسفر رود و او را منفعت بسیار حاصل شود و قوله تعالی لَكُمْ الْفُلَاكُ فِي الْبَحْرِ
 لِيَتَّبِعُوا اَوْ يَفْضَلُوا اگر میند که در میان کشتیها چیزی نبود و محمی میرفتند دلیل که پادشاه رسول از بجای فرستد و اگر میند که
 غرق شد و دلیل که آن رسولان را باز دارند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کشتی بدریا غرق شد و دانست که آن کشتی مرگ افروز
 و دلیل که او را نجات ندهند و اگر میند که در کشتی نشسته بود و از پادشاه میترسید دلیل که مقرب پادشاه شود و بعد بزرگ کشتی او را منفعت رسد
 و اگر در کشتی میرفتند و دلیل که او را از پادشاه چیم بود و اگر میند که در دریا کشتیها بجای محاصی ملون آهسته بود و دلیل که پیش پادشاه میرفت
 شود و اگر میند که کشتی در قعر دریا فرو شد و دلیل که او را از پادشاه قوی عظیم باشد و اگر میند که کشتی میرفت تا ویش خلاف این بود دلیل
 اشفت رحمة الله علیه گوید اگر میند که در کشتی کوچک نشسته بود و در دریا میرفت دلیل که او را غم و اندوه زیادت شود و اگر میند که کشتی در آب
 روان بود و دلیل که بسفر رود و او را آید و اگر کشتی خود را در خشکایا شده میند و دلیل که بجاری در ماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 و دیدن کشتی در خواب بر پشت وجه بود یکی فرزند تو و م پدر تو و م زن چهارم م کرب خیم فرج ششم امی مغم مدین ششم تراگری کشف
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشف سنگ پشت را گویند و کشف آبی در خواب دیدن مروی از اهل عالم باشد و از صحبت او
 رسد اگر کسی بخواب میند که کشف داشت یا بخانه او درآمد و دلیل که او را باز آید و صحبت او را میند که اگر کشت کشف بخورد و دلیل
 بعد از آن علم حاصل کند که زانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کشتی در سرکن وانی بیافت و دلیل که صحبت علمی رسد و اگر میند که کشتی در سرکن
 جای غریز بیافت دلیل که ناپدید شود و عزیزان بزرگان و علما او را حرمت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کشف در خواب

در خواب

بر سره بود یکی از اهدا دوم مردی عالم سوم مردی صانع ذکر کارما کشکاب ابن سیرین رح گوید اگر بیند که کشکاب غناست و بخت
 میخورد و دلیل که او را مالی حلال اندک بدست آید و در پنج و خم از ولش نبرد و اگر بیند که کشکاب غناست خوردن تا ویش از این
 بود کشمش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کشمش در خواب دلیل بر مال و نعمت کند اگر بیند که کشمش داشت یا کسی بود و بخورد
 و دلیل که بعد از آن خیر و منفعت باشد با کسی بنام او اگر بیند که کشمش دارد و بخورد اگر عالم بود و دلیل که کشمش زیادت شود و اگر بازرگان
 بود و مالش زیادت شود و اگر با کسی بنام او اگر بیند که کشمش بخورد و داشت اگر عالم بود و دلیل که مال زیادت شود و اگر کشمش
 بود و دلیل که مال تمام از کسب حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشمش در خواب خوردن بر سره وجه بود یکی منفعت دوم
 مال حلال سوم کسب کشمش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کشمش در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کشمش داشت و خورد
 که بعد از آن او را غم و اندوه بود کعب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن کعب بخواب تا ویش تمام بود اگر بیند که با کعب بازی
 میکند و دلیل بر جنگ و خصومت کند اگر بیند که کعب بسیار داشت و دلیل که بعد از آن غم و اندوه رسد و اگر بیند که کعب پای او
 شکست و دلیل که فرزند او بمیرد یا غمی بوی رسد که تا ویش مناعت بود و کعبین خصومت و کبر و چلفت باشد مغربی رحمه الله علیه
 بازی کردن با کعبین دلیل بر دشمنی جعفر و جنگ و خصومت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعب در خواب بر پنج وجه بود یکی
 دوم زن سوم فرزند چهارم مال پنجم گفتگوی قوله تعالی و کواحبنا قرا و کاسا و هفا اگر بیند که کعب بازی داشت
 که گوشت وی حلال بود و دلیل بر مال حلال کند و اگر حرام بود بر مال حرام بود کعب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کعبه در خواب
 خلیفه بود و هر کس که قبله وی کعبه بود و هر زیادت و نقصان که در کعبه بیند دلیل بر خلیفه بود و اگر بیند که طوطی کعبه میگردد و دلیل بر صلاح
 وی بود و اگر خلیفه راحت یابد و اگر بیند که حرام گرفته بود و روی کعبه داشت و دلیل بر زیادتی صلاحیت او بود و اگر بیند که سگ روی کعبه
 شده بود و در ورم زیادت میکرد و دلیل که امانت نیکو نگه دارد و در حرم منزلت یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر پادشاه بیند که کعبه
 بر سرش لیل از خلیفه بزرگی یابد و اگر بیند که کعبه بغیا و یا با تش سوخت و دلیل که احوال خلیفه بد گردد و اگر بیند که کعبه چیزی برگرفت
 و دلیل که او را از خلیفه فایده برسد و اگر بیند که کعبه ناز میگردارد و دلیل که از خلفا کارش نیکو گردد و اگر با کسی رحمه الله علیه گوید اصل کعبه
 ایست و مسلمانی بود و اگر خود را در کعبه بیند و دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و در عاایش مستجاب گردد و قوله تعالی و من دخلها
 کان امانا و اگر بیند که روی بخیر الاسود و بناده بود و بنوسه میداد و دلیل که حج گذارد و اگر بیند که بزیارت قبر حضرت رسول صلی
 علیه و سلم بود یا در مقام ابراهیم علیه السلام دید و دلیل که حج رود و سلامت یابد و اگر خود را بر با کعبه بیند و دلیل که بد مذمت
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعبه در خواب بر چهار وجه بود یکی خلیفه دوم امام مومنان و مسلمانی چهارم یعنی ازیم گفتار
 در خواب زن داشت پلیه و بد کردار باشد آن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کعبه بسته بود و دلیل که زنی زشت پلیه بخوابد و اگر
 که گوشت گفتار میخورد و دلیل که بروی جا و و کشتن کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شکر گفتار میخورد یا از پوست یا از تخم یا از چیزی
 داشت و دلیل که از آن زن فایده یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گفتار یا وی سخن گفت و دلیل که زن با وی زبان بازی کند

جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کف در خواب بد باشد کفچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کف در خواب کار فرمای خانه بزرگ
 اگر بیند کفچه نو پاکیزه و دشت دلیل که خادم وی پارسا باشد و اگر کفچه کهنه و شکسته بود تا ویش بخلاف این بود و خبری رحمه الله علیه
 گوید اگر بیند کفچه وی شکست دلیل که خادم وی بمیرد یا بیمار شود و اگر ضایع شود یا بسوخت نیز خادم بمیرد و کفچه آتش بخلاف
 گوید سلاطین و ملوک چون بیند دلیل که نایب وی باشد و انگش که غیر ازین دو بیند دلیل بر خدشکاری خانه و اهل وی باشد
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند کفچه آتش و دشت دلیل که او را خدشکاری حاصل شود و اگر انظام کشت یا ضایع
 دلیل که خدشکاری بر او دیا میرد و کفش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کفش در خواب زن باشد اگر بیند کفش نزد دشت
 بود ریای کرد و دلیل که زن خواهد یا کنیزت خرد و اگر بیند کفش دیگر و پایی کرد و دلیل که زنی بیوه بخوابد و اگر کفش سیاه بود دلیل
 زنی سلیقه کار بود و اگر کفش سرخ بود دلیل که زنی محاشه و طرب دوست دارد و اگر کفش زرد بود دلیل بر زنی بیمارگون بود و اگر
 کفش سفید بود دلیل که زنی خوروی خواهد که زنی رحمه الله علیه گوید اگر کفش از پوست گاو بود دلیل که زنی با اصل بخوابد و اگر از پوست
 گوسفند بود دلیل که زنی از اصل عرب بود که بخوابد و اگر بیند که کفش از پایی وی بیفتاد و ضایع شد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر
 بیند و اگر کفش از پایی او شکست بود دلیل که زن او تنباه کار بود و دیگر گویند که کفش کهنه در خواب دیدن بهتر از کفش نو است
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن کفش در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیز که چهارم قوت چشم
 ششم مال بیقیمت سفر و کفش در خواب مردی بود که قسمت میراث کند کف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند کف چیزی در
 کف داشت و دلیل که بقدر آن چیزی بوی رسد و اگر بیند که کفها و دست بر جمعی سودند دلیل که آنجا عروسی و شادی بود
 و اگر بیند که کفها و خسته یاریش بود دلیل که از سفر و تحویل زمانه و اگر بیند که کفهای وی کشاده و قوی بود دلیل بر فراخی دست
 بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر نادرادی و تنگ دستی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کف در خواب بر شش وجه بود
 یکی دست فراخی دوم مال سوم زیادت چهارم فرزندی پنجم دلیری ششم بازین بگرام و ر شدن کف در میان ابن سیرین رحمه الله علیه
 علیه گوید کف در خواب تنفعت از پادشاه یا از مردی بزرگوار بود و کفن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که انهر مرد
 یا زنده کفن ساخت اگر انگش معروف بود دلیل که آنرا انگش بوی برخی رسد و اگر بیند که کفن مرد معروف کند دلیل که در دنیا طریقی
 آن مرد خواهد بود که زنی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کفن مرد و میباید معتبران گویند اگر بیند و صالح و پارسا بود و طالب علم
 و سخنمای با دیکت گوید دلیل که دنیا روی بوی بند و مال حرام جمع کند و اگر بیند که مرد کاثر کفن میکند و از جانی بجای نمیبرد دلیل
 که مالهای حرام بدست وی روان شود و اگر بیند که مفسد بود دلیل که منافق و غایب باشد و مفسد مردم گواهی دهد و گلاب
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید گلاب در خواب تندرستی بود و اگر بیند که گلاب بروی ریخت دلیل که تندرست بود و مردم او
 روح و فناء گویند و اگر بیند که گلاب بر کس میسپارد و دلیل که نامش در اندام منتشر گردد و اگر عالم بود دلیل که خلق از علم وی بهره
 مند گردند و گلاب از مرغیست و آنرا عقیق گویند و خواب دیدن وی دلیل بر مردی بی وفا و بدین بود و اگر بیند که گلاب از

بگرفت دلیل که بامردی بدین صفت که گفته شد یاری و دوستی گیرد و اگر بیند که با کلاه نبرد میکرد دلیل که بامردی بدین صفت
 که بگرفتیم خصوصیت کند و اگر بیند که کلاه از دستش بیاید دلیل که ترک صحبت آید و کند و اگر بیند که کلاه را بکشد و گوشت
 وی بخورد دلیل که دشمن را قهر کند و بقدر آن مال وی بخورد و کلاغ این سرین رحمة الله علیه گوید کلاغ در خواب بامردی با حق
 و با عیب بود و اگر کسی بخواب بیند که کلاغی را بگرفت دلیل که غنیمتی از کسی بجای می آورد و دروغ حاصل کند و اگر بیند که بر سر شاخ درختی نشسته
 بود و یا نکست میکرد دلیل بر وبال وی باشد اگر دو کلاغ بیند دلیل بر پنج و شصت بود و در دیدن کلاغ در خواب خیر نبود کلاه
 و انشای علیه السلام گوید کلاه در خواب دیدن عروجه بود و بقدر قیمت کلاه اگر بیند که کلاه غازیان بر سر داشت و دلیل که بر خصم حیره شود
 این سرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلاه ترکان بر سر داشت دلیل که بجای منفعت یابد و اگر بیند که کلاه مغنیان
 بر سر داشت دلیل که غنای جانی یابد و الا بدین ضعیف باشد و اگر بر سر کلاه پادشاه بیند دلیل که حرمت و جاه یابد و اگر بیند
 که کلاه محتابی داشت دلیل که شادمان گردد و منفعت یابد و اگر کلاه برومی بست داشت دلیل که خیر دینی و دنیای وی حاصل کند
 و اگر کلاه بر سر دستار نهاده بود دلیل که او را کاری افتد که آنکار از مردمان پنهان یابد داشت و اگر کلاه بر شپش داشت
 دلیل که منفعت بیند و اگر بیند که کلاهی از زر بر سر داشت دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر از مروارید بیند دلیل که پیش مردم
 عزیز گردد و صحبت با کسی دارد که دین دارد و غازی بود و اگر از آهن بود دلیل که از پادشاه عروجه و قوت بیند و یا بدو اگر
 از چوب بود دلیل که خود را از مردمان خوار پندارد و دروغ و محال گوید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاه تابستانی بر سر
 بر سر نهاد و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که از مراد باز ماند و اگر بر سر کلاه سیاه بیند و در بیداری همان پوشید
 دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه از سروی بفتاد دلیل که از عمل مغرور گردد و یا غمی سخت بوی رسد و اگر بیند که کلاهی از بن کلاهها
 که صفت کردیم بر سر ویش نهاد و ندلیل که بقدر قیمت کلاه از خیرتری جاه و منزلت یابد و اگر بیند که کلاه از سروی بر گرفته بود دلیل که از
 عروجه بفتد و اگر زنی بیند که کلاهی دو گوشه بر سر نهاد و دلیل که آن زن از پسری آید و آن پسر پادشاه شود و اگر بیند که کلاه و یا بر سر
 نهاد و دلیل که آنکس بدین بود اما پادشاه یا نژاد شایسته بود و مغربی رج گوید اگر بیند که کلاهی پوشیده داشت دلیل که شرف و منزلت
 زیادت کرد و اگر بیند که کلاه وریده و کهنه بود دلیل که اندوگین شود و اگر بیند که بیگانه کلاه از سروی در بر بود دلیل که از مردی
 بزرگ دور شود و اگر کلاهش از پوست سمور بود یا از پوست روباه یا مانند این دلیل که شرف و بزرگی یابد از مردی که کامل در دین
 و اگر بیند که کلاهی بر سر داشت که در بیداری هرگز نپوشیده بود و اگر سفید باشد دلیل بر نیکوئی وی کند و اگر سبز بود دلیل بر باو کند
 و اگر آنکه ازین نوع کلاه داشته باشد و بیداری و اگر کلاه سبز بود و دلیل بر بیماری باشد و تعجیل از عیش گوید اگر بیند که کلاهی مشغ
 پوشیده بود دلیل که بقدر قیمت آن کلاه شرف و بزرگی یا بدین در دین و انقضای بود و اگر بیند که کلاهی آتش افراشته بود دلیل
 که پادشاه و نور مصا در کند جعفر معادق رضی الله عنه گوید کلاه در خواب دلیل بر شرف و بزرگی کند و دیدن آن در خواب شرف و
 بود و کلی لایست و دم ریاست سوم بزرگی چهارم عروجه و پنجم مقدار ششم منزلت کلاه و در خواب کسی بود که حدت بزرگان کند

کل شدن
بنیاد
م

خواب

خواب

کل شدن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که سروی کل شده بود و دلیل که مانده خواسته بسیار یابد و بعضی از متحران گویند که غم
 اند و از وی زایل گردد و اگر اوام و دوش گذارده شود و اگر بید که او را با مردی کل صحبت بود و دلیل که با مردی تو اگر دوست
 و آشنا شود و اگر بید که سروی کل بود و بعد از آن مردی بر او و دلیل که یا وی تلف شود و اوام و دوش و کل این سیرین رحمه الله علیه
 گوید حکم بر کل در خواب بر دو نوع بود یکی آنکه کل درخت بود و یکی آنکه کل درخت شده باشد و کل که از ابقا می بود و دلیل بر غم
 و اندوه بینه خواب بود و اگر کسی گلشن بوقت خویش درخت بید و دلیل که او را فرزندی آید و چون بوقت بید و دلیل که
 بسبب فرزند او در مصیبت بود و درخت کل در خواب همتری و سخن روانی بود و درخت کل زردنی بود باز در کان حاجت
 روا کننده و درخت گل سفید و دلیل بر غم و ولت و جاه بود اگر در سرای خویش درخت کل بید و دلیل که دختر یا بنکاح آورد
 و اگر در سرای خود گل صد برگ بید و دلیل که بسبب فرزندش و شود و اگر گلها از هر گونه شکفته بید و دلیل که از خوشی و دل
 بیت شادمان شود و اگر گل سرخ درخت کل از زمین کشته بید و دلیل که مردم سرایش کل را باشند مغربی رحمه الله علیه گوید کل در خواب
 دون همت و دو عهد بود که با کسی فاخته و اگر بید که کل کسی را و یا از دست بید و یا صحبت چنین مردی دور شده و محبت
 رحمه الله علیه گوید کل در خواب نامه بود که از غایبی بدو رسیده یا بدین غائب بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب
 بر شش وجه بود یکی فرزند دوم و دست سیوم مرد و دهن همت چهارم که تیرک پنجم غلام ششم نامه غائب گلشن این سیرین
 رحمه الله علیه گوید گلشن در خواب کل انگین و خواب غنیمت و مال حلال بقدر آنکه خورده باشد و اگر بید که گلشن با کل این
 داشت و از آن بخور و اگر تو اگر بود و دلیل که مالش زیادت شود و اگر بسیار بود شفا یابد و اگر غمگین بود و شادمان گردد و اگر اوام
 و دوش گذارده شود کل خور و این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بید که کل میجو و دلیل که از پس مرگ و کان بید
 و اگر بید که کل با خاک میجو و دلیل که مال خود بر عیال نفقه کند و اگر بید که از خاک تربت حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم بخور و دلیل
 که حج گذارد و اگر بید که خانه کل می اندود و دلیل که غمگین شود مغربی رحمه الله علیه گوید دیدن کل سفید در خواب مال حلال بود و کل زرد
 بیماری بود و کل سرخ لعل و طرب بود و کل سیاه غم و اندوه و اندیشه بود و کل آبی تره و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بید که در میان کل
 غرق شده بود و دلیل که در محنت عظیم افتد که مائی نیابد و اگر بید که از میان کل بیرون آمد و خود را و جامه خود را پاک بشت و دلیل که از غم
 و اندوه مائی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب در سفر و بیرون بود که در کمین بکشتن این سیرین رحمه الله علیه
 گوید بکشتن در خواب مائی بود که بخوابی از دست پادشاه بدو بر مردم نفقه کند و اگر بید که کلین در دست داشت و دلیل که او را مال و نصیب
 و اگر بید که کلین می ضایع شد و دلیل که او را مائی در سفر که مائی در سفر که کلین چنین از میان بیرون آورد و دلیل که بقدر آن را بپایان
 کلام این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بید که کلم داشت و بخور و دلیل که از زنی منفعت یابد و چون بی گوشت خورد و دلیل که
 کشته بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر گوشت کلم یا کیمیا خورد و دلیل که منفعت بسیار یابد و اگر خام خورد و منفعت کمتر باشد و اگر کیمیا
 میجو و دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر شیرین بود و منفعتش بیشتر باشد گلشن را این سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن گلشن در خواب عروسی

پاکیزه بود یا کثیری خوب خاصه که به هنگام خود بر درخت بیند اگر بیند که گنار از درخت میفتد و دلیل که از دیدار غرض پاکیزه پاکیزه
 ماند کلنگ در خواب بروی غریب بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلنگی گرفت یا کسی بود یا دلیل که با بروی
 غریب بود و با وی نیکویی کند و اگر بیند که کلنگ یا گوشت او داشت و دلیل که از بروی غریب راحت بیند که کافی حمله و حمله
 علیه دیگر بیند که کلنگ از اینچنین دلیل که بر بروی غریبان و درویشان مستغرق و در اگر بیند که خاصه کلنگ داشت و دلیل که در
 شود و کلنگ بر سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلوی وی سلامت است و هیچ الی نذر و دلیل که امانت و و ام
 بگذارد و اگر بیند که پنج و اقی در کلوی وی پیدا کند تا ویش بخلاف این بود و اگر کلوی خود را فراخ بیند دلیل که روزی بروی
 گردد و اگر تنگ بیند بخلاف این بود و اگر کلوی خود را درست و قوی بیند دلیل که امانت را نیک نگه دارد و سفری رحمة الله علیه
 اگر بیند که کلوی او را بریند و دلیل که برنده بروی ظلم کند یا در دین او طعنه زند و هر جا نوزی که کشتن او را و نباشد چون بیند
 کلوی او را بریند و دلیل که بروی بود که بدان نسبت دارد که بدان مردم رستم کند و اگر بیند که همیشه را کلوی بریند و دلیل که کار بروی
 گردد و اگر بیند که کلوش را بضرورت برید و گوشتش بخورد و اگر گوشت آن جانور حلال باشد و دلیل که مال حلال باید و اگر حرام بود
 مال حرام باید و اگر بیند که کلوی او می برید و دلیل که بر انگس پیدا و رستم کند یا در دین او طعنه زند و اگر بیند که کلوی کسی را بشنود
 کرد و دلیل که از شرف و بزرگی معزول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب دلیل بر دخل مردم کند اسمعیل شست
 رحمة الله علیه گوید که در خواب نشنیدن عیش و شغل بود و کلیچه این سیرین رحمة الله علیه گوید که در خواب دلیل
 عیش و شغل نعمت و مال کند که بدست آورد و اگر بیند که کلیچه میخورد و دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بیند که
 بخوار داشت و دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که کلیچه در دامن نهاد و توانست خوردن و دلیل که مال و نعمت و ثمت
 و بکران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال که با آسان بدست آید و دوم روزی
 فراخ سوم نعمت چهارم عیش و شغل کلیه این سیرین رحمة الله علیه گوید که در خواب بروی کشاید کار بود و اگر کسی بخواب بیند که
 قفل یا کلید باز کرد و در بخش و دلیل که کارهای بسیر بروی کشاید شود و بر روشن نظر باید و اگر بیند که در دست کلید بسیار
 و دلیل که بزرگی و منزلت یا بقوله تعالی که مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ آيَةً كَرَامِي رحمة الله علیه گوید که در خواب دلیل
 در خیر بود و بسن شرو بعضی گویند که کلید در بسن تزیین بود و اگر بیند که کلید در دست داشت و دلیل که در دین
 سلطان بود و عاقبت کارش نیکو و محمود بود و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که کلید آیین داشت و دلیل که قوت و نیکویی بود و اگر بیند
 که کلید بر بختین یا صیدین بدست داشت و دلیل که او را سخن و والی بود و اگر بیند که کلید چوبین داشت و دلیل که بر نیکویی کمتر بود و اگر کلید
 نرین یا سیمین داشت و دلیل که سخن او را نیاید و نیز گویند که کج یا بد سفری رحمة الله علیه گوید که در خواب کلید بسیار بود و مال بیشتر بود و بیشتر
 که کلید دعا و استغفار و حاجت خواستن از درگاه باری سبحانه و تعالی بود و اگر بیند که کلید بر قفل نهاد و در را باز کرد و دلیل که حاجت او را
 و کار بسته شود و کشاید شود و اگر بیند که کلید در کلید دان شکست و دلیل که دعا و وی خالص نباشد و اگر بیند که بیک کلید و قفل اشتغال

مناجاة

کتاب

در

کتاب

کتاب

و اگر بیند که گمان است بود و سخت شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که گمانی بدست خویش از بهر خود میساخت دلیل که کار ساخته
 گردد و اگر بیند که گمان از بهر سختی و از بهای او و در دنیا رستد دلیل که دنیا را برودین اختیار کند و اگر بهای گمان از بهر خود چیزی می
 بستد دلیل که مراد وی حاصل شود و اگر بیند که گمانی عطا بوی دادند دلیل که زودتر از خواهد بود و شمس ظفر باید اگر بیند که گمان از بهر خود
 بوی دادند بی آنکه گمان از بهر سختی و دلیل که عمر وی دراز بود و اگر بیند که گمان در گمان این نهاد و دلیل که از دنیا برود و اگر بیند که گمانی
 بسیار داشت دلیل که او را دوستان بسیار باشد که بجا به سختی بفرماید و رسند و اگر بیند که گمانی پاکیزه و نیکو داشت دلیل که در داری
 نیکو و خیرات و طاعات و حسنات کند و چرا و آنچه بدین نماند بخداوند تعالی نزد یک بود و تو که تالی تمکانات قاتب قوس بین آنکه
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین گمان در خواب پرشش و چه بود یکی سفر و دوم فرزند یا زار و سوم زن چهارم قوت بچم کرد و اگر
 نیک ششم مرد و در دست و کار و گمان حلاجی این سیرین رحمة الله علیه گوید که گمان حلاجی در خواب شناخت زنده بود و اگر بیند
 که گمان حلاجی در دست داشت دلیل که متافقی کند و اگر بیند که گمان حلاجی داشت و نداشت که ملک است و دلیل که شنبه
 خواهد که گمان آسمان این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که گمان آسمان زد بود و دلیل بر بهاری مردم آند یا بود که گمانی جز
 الله علیه گوید اگر بیند که گمان آسمان بیشتر از سرخی بود و دلیل که در آند یا نعمت فراخ گردد و اگر بیند که سرخی بیشتر از سرخی بود
 تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گمان علامت سرخی کرد و اعمو شد و دلیل که پادشاه آند یا را قوت و
 کامگاری رسد و اگر عموهای بسیار بیند تا ویش بخلاف این بود و گمان کرد و چه این سیرین رحمة الله علیه گوید که گمان کرد و
 در خواب کار پادشاه بود با غم و اندوه و اگر بیند که گمان کرد و چه در دست داشت و کلمه می انداخت دلیل که کسی را این چنین است
 گوید و دشنام و بد زبانی که گمان کرد و چه در راه دین ناپسندیده بود و گمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گمان کرد و چه در راه دین ناپسندیده
 و دلیل که بسبب از آمدن مردم نمکین شود و اگر بیند که گمان کرد و چه وی شکست یا ضایع شد دلیل که آزار کسی بجز بدکردن سبب این
 سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در میان مری بسته بود و دلیل که از مردم او را پشت و پناه بود و بعضی گویند که او را پشت و
 پناه فرزند بود یا خویشان و اگر بیند که گمان بد کرد و چه او را هر صبح بود و دلیل که بقدر قیمت آن مال حاصل کند و بدان پشت و پناه
 وی قوی گردد و باشد که فرزند آرد و محشم قبیل گردد و گمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سبب چهار بار زکر بر میان بسته است
 دلیل که او را مال محشم بسیار باشد و نیز گویند که عمرش دراز باشد و اگر بیند که گمانی بد کرد و چه او را میان بست و دلیل که بسفر رود و اگر
 که شکست و بیفتاد و ضایع شد و دلیل که در مال و بزرگی او نقصان شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گمانی بد کرد و چه او را هر صبح
 بود و دلیل که بهتر قومی شود و این سبب می تواند که شود و اگر بیند که گمانی بد کرد و چه او را هر صبح بود و دلیل که بهتر قومی شود و این سبب می
 او را که خوشتر شد و دلیل که از بهر پادشاه سفر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین که در خواب پرشش و چه بود یکی شفت قبل
 یا برادر یا خویشان و دوم فرزند سوم بزرگی و پناه چهارم عمر دراز پنجم نصاب دادن و یا نقش مرا و ششم پاک دین و اگر بیند که گمانی
 بسته داشت دلیل که انصاف از خصمان بسیار نماند و اگر گذشته بود که شدن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که

و دلیل که در آن وضع که بود و ضایع شود زیرا که او را معرفت شناسد و قرب و نماند و اگر بیند که عیال یا فرزندان و گشت و دلیل که اگر بیند که
 اند و گیس شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی از وی کشد اگر آنچیز بنا ویل نیک بود دلیل که بقدر آن غم و اندوه و مضرت
 از وی زایل شود و کارش نظام گردد و اگر آنچیز بنا ویل بد بود غم و مضرت از وی زایل شود و کارش نظام نشود و گشت این برین
 گوید اگر کسی خواب بیند که گندی بدین اخت و مردی را بگرفت دلیل که با ناز و کمند اندر گی یاری خواهد اگر بیند که گشتش از
 رسن بود و دلیل که از مردی یاری خواهد اگر بیند که گشت از موسی خوک بود دلیل که از مردی کا فر یاری خواهد و اگر بیند که گشت
 انداخت و در گردن مرد آمد و دلیل که از مردی ضعیف یاری خواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دست آن مرد افتاد و دلیل که از
 مردی مسد فریاری خواهد و اگر بیند که گشت انداخت و خصم را نتوانست گرفت دلیل که هیچکس او را یاری ندهد گشت این برین
 گوید که اگر خواب آنی بغش بود و از میوه یا هر چه میوه را خاصیت آن نبود و گویند که میوه مستر آدم علیه السلام در بهشت کنار بود
 و اگر بیند که کنار بخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند خاصه چون بوقت پیش باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر خواب
 مال حلال بود و روزی فراخ باشد و اگر بیند که بخورد و اگر در بهشت دلیل که مال بسیار یا بد کند این برین رحمة الله علیه گوید اگر
 بیند که گناه میکرد و ندانست که آن گناه چه بود و دلیل که در گناه و فتنه افتد که مانی رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب هم مصیبت
 و گناه بود و توبه باید کرد تا آن عقوبت حق نقایع و غل این شود و کارش صلاح آید گشت این برین رحمة الله علیه گوید که اگر خواب
 بود و اگر گشتی پاکیزه بیند و اندک ملک و دست دلیل که زنی خوروی خواهد که مانی رحمة الله علیه گوید که اگر خواب شرف بزرگی بود و اگر گشت
 که در گشتی بزرگ بود و دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گشت در خواب بر چهار وجه بود
 یکی آن در دم گشتن سوم منفعت چهارم عروجه کج این برین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کج بیافت و دلیل که بیمار گردد
 یا رخی بدل و رسد و اگر بیند که کج او ضایع شد تا به پیش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید که کج یافتن در خواب در جایگاه
 خراب بیمار یا مال شود و اگر بیند که در جایگاه آباوان یا بد و دلیل که بیمار یا بد کج این برین رحمة الله علیه گوید که کج یافتن در خواب
 مالی بود که بر روز زیادت باشد و اگر بیند که کج داشت و میخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که کج کسی داد
 و دلیل که بقدر آن از مال خود او را منفعت رسد و اگر بیند که کج خورد و طعم آن ناخوش بود و دلیل که بقدر آن مال حرام باید بخورد
 از مجربان گویند که اگر غم و اندوه رسد گشت این برین رحمة الله علیه گوید که کج خورد و دلیل که بقدر آن مال حرام باید بخورد
 باشد و دلیل که مال حلال باید و کند پیر که بجای هر کین باشد و کار فرود بنا و مال حرام بود و کند پیر خوهر وی و نیکو جامه بنا
 اینجا و آن جهان باشد و اگر بیند که کند پیر فریب و سلمان بزنی خواست و دانست که ملک و دست و دلیل که مال حاصل کند
 و اگر بیند که زنی پیر داشت و او را از خانه بیرون کرد یا طلاق داد و دلیل که بترک دنیا بگوشد و راه آخرت جوید و اگر بیند که با گشت
 پیری جماعت کرد و دلیل که مراد از اینجا را حاصل شود و گشت این برین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کج خورد و دلیل که کج
 دلیل که با کسی خصومت کند یا شکایت بود بقدر خائیدن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کند و در دست دلیل که گشت

قسطنطنیه ولی نجاته و لحد اگر بیند که ماده پیش فراگرفت یا کسی بوی داد و دلیل کن زنی چشمت که کفیم او را محب و خوشگاری
 شود و از وی مال حاصل کند و اگر بیند که ماده پیش صنایع شد و دلیل آن زن از وی جدا شود و اسمعیل شوش دحمه قند عظیمه
 اگر بیند که ماده پیشی را کلو برید و دلیل که زنی مستور و پنهان کند و اگر ماده پیش سیاه بود و دلیل که آن زن از عرب بود و اگر
 بود و اگر تخم باشد و پوست کوسپند غنیمت مال حلال بود و دیدن کوسپند در خواب برنج و جبه بود یکی حمتری دوم زنی بزرگ
 سوم مال چهارم فرمان پنجم جاده و منفعت کوشمخا و انیال علیه السلام گوید که شته با ویل هر چند پنجه خورد و دلیل
 بر مال منفعت کند که آسان بدست آید و گوشتهای که خام خورد و دلیل که مال برنج و سختی بدست آید و خرید و فروخت
 گوشتها در خواب غم و اندوه بود این سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن گوشت پنجه بهتر از بریان باشد و خوردن گوشت
 بریان بهتر از خام باشد و اگر بیند که گوشت تن خود را میخورد و دلیل که غیبت اهل خانه کند و بعضی از متبحران گویند کاری کند
 که از انکار پشیمانی بخورد و اگر بیند که گوشت مردم میخورد و دلیل که غیبت مردم بناحق کند و لهه آیت الله که آن یک
 حکم اخیه مینا فکر همتوه و اگر بیند که مردی را برادر کرده بود و او گوشت او میخورد و دلیل که مال حرام خورد و اگر
 بیند که گوشت کوسپند خربه بخورد و میخورد و دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بیند که کوسپندی سلخ بخانه آورد و دلیل که
 بزرگوار در آنجا بمیرد و اگر بیند که برخی از اندام کوسپند در خانه آورد و دلیل که در آن خانه کسی هلاک شود و مغربی رحمة الله
 علیه گوید گوشت خربه بهتر از گوشت لاغر بود و اگر بیند که گوشت تازه کسی را میخورد و دلیل که او را بر زبان بخورد و اندام او را
 غیبت کند و اگر بیند که گوشت بریان میخورد و دلیل که بقدر آن روزی با غم و اندوه یابد و اگر بیند که از قصاب گوشت
 بخرد و بهایش بداد و بمنزل خود برد و دلیل که هلاک شود و اگر بیند که گوشت از دماغ میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن
 بستاند و خرج کند و دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت اسب میخورد و دلیل که در میان خلق نیکنام شود و از پا دشا
 چیزی بدورسد و اگر بیند که گوشت شتر میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن بدست آورد و بخورد و اگر بیند که گوشت
 شتر میخورد و دلیل که بقدر مال پستی بخورد و بعد از آن بیمار شود و شفایا بد و بعضی از متبحران گویند که از مردم باوشت
 او را منفعت رسد و اگر بیند که گوشت شتر مرغ میخورد و دلیل که بقدر آن از مردم بیایای او را منفعت رسد و اگر بیند
 که گوشت آله میخورد و دلیل که از پادشاه شکر او را درم و دینار حاصل شود و اگر بیند که گوشت آهو میخورد و دلیل که بقدر آن
 از زنی خوبروی او را مال حاصل آید و اگر بیند که گوشت بز میخورد و دلیل که او را صفت مال دشمن بدست آورد و خرج
 کند و اگر بیند که گوشت پرستو میخورد و دلیل که او را مصیبت رسد یا بیمار شود و بعضی از متبحران گویند که مال دشمن بخورد و اگر
 بیند که گوشت بظ و دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که گوشت پلنگ میخورد و دلیل که در جنگ نام آور باشد
 و شرف نزدیکی یابد و اگر بیند که گوشت کبک میخورد و دلیل که از مال مردی رفت یا از مال فرزند بقدر آن او را مال حاصل شود
 و اگر بیند که گوشت بوز میخورد و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که گوشت پیل میخورد و دلیل که بقدر آن از سلطان مال یابد و اگر

بینه

بینه که گوشت چرخ میخورد و دلیل که از پادشاه شکار و اسفندت رسد و اگر گوشت تذرو میخورد و دلیل که مال مردی غذا خورد و اگر
 بینه که گوشت چند میخورد و دلیل که مال در دیده خورد و اگر بینه که گوشت چکا و ک میخورد و دلیل که چیزی از مال بنده خورد
 و اگر بینه که گوشت خر میخورد و دلیل که مال حرام یابد و اگر بینه که گوشت خر گوش میخورد و دلیل که از مال زن چیزی اندک بیاید
 و بعضی از معتبران گویند که میراث یابد و اگر بینه که گوشت خروس میخورد و دلیل که بقدر آن از مردی عجمی منفعت یابد و اگر بینه
 که گوشت خرچنگ میخورد و دلیل که بقدر آن مال حرام خورد و در طاعت سستی کند و اگر بینه که گوشت دراج میخورد و دلیل که مال
 زن بستاند و خرج کند و اگر بینه که گوشت راس میخورد و دلیل که بیمار شود و اگر نه ترس و بیم یابد و اگر بینه که گوشت زایغ میخورد و دلیل
 که بقدر آن از مال فاسق بخورد و اگر بینه که گوشت سنک خار میخورد و دلیل که از مال مردی ابله منفعت یابد و اگر بینه که گوشت
 سوسمار میخورد و دلیل که از مردی که سفر بسیار کند خیر و منفعت یابد و بعضی گویند خوردن گوشت سوسمار و دلیل بر مکافات است
 اینجانی یا یقین باشد و اگر بینه که گوشت سگ میخورد و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بینه که گوشت سنجاب میخورد و دلیل که مال
 مردی غریب خورد و اگر بینه که گوشت سیخ میخورد و دلیل که مال مردی بزرگوار بدو رسد و اگر بینه که گوشت شاپور میخورد و دلیل که از
 مال مردی شکر نفع یابد و اگر بینه که گوشت بره میخورد و دلیل که با کسی که راه محروم پیوندد و اگر بینه که گوشت شیر میخورد و دلیل که
 تجارت با خویشان خصومت کند و اگر بینه که گوشت طایوس میخورد و دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بینه که گوشت ملوط میخورد و دلیل که مالک
 و ویرا منفعت نکند و اگر بینه که گوشت فک میخورد و دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و اگر بینه که گوشت قمری میخورد و دلیل که از زنی
 خوب منفعت یابد و اگر بینه که گوشت ماده کا میخورد و دلیل که مالی فراوان حاصل کند و کارش بنظام گردد و اگر بینه که گوشت کبوتر
 میخورد و دلیل که بقدر آن او را از مال زن یا کنیز نفع رسد و اگر بینه که گوشت کبوتر میخورد و دلیل که از مال زن او را بهره برسد و اگر
 بینه که گوشت گربه میخورد و دلیل که منفعت یابد و اگر بینه که گوشت کرک میخورد و دلیل که از پادشاه ظالم مال حرام یابد و اگر بینه
 که گوشت کشف میخورد و دلیل که از عالمی علم حاصل کند و اگر بینه که گوشت کفتار میخورد و دلیل که پیره زنی بروی جادو کند و اگر بینه
 که گوشت کلاه میخورد و دلیل که مال مردی بیابانی خورد و اگر بینه که گوشت کوه میخورد و دلیل که مال و منفعت یابد و اگر بینه
 که گوشت ماکیان میخورد و دلیل که او را مال از کنیز یا از خادم جمع شود و اگر بینه که گوشت ماهی میخورد و دلیل که چیزی از مال زن خورد
 و اگر بینه که گوشت مرغابی میخورد و دلیل که بزرگی و ولایت یابد و اگر بینه که گوشت مرده میخورد و دلیل که آن مرده را به بدی یاد کند و اگر بینه
 که گوشت نهنگ میخورد و دلیل که برنج و بلبا بدو رسد و اگر بینه که گوشت هدر میخورد و دلیل که از مردی زیرک و بزرگ منفعت یابد و اگر بینه
 که گوشت هابی میخورد و دلیل که از پادشاه او را راحت رسد و کارش بلند گردد و اگر بینه که گوشت هزار دستان میخورد و دلیل که از مال
 زن یا فرزندی غلام او را منفعت رسد و اگر بینه که گوشت واشه میخورد و دلیل که از مال شمن بخورد و اگر بینه که گوشت یوز میخورد و دلیل که از مال
 بخورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید گوشت جانوران و پند بر چهار وجه بود یکی مال و دوم میراث سوم تو انگری چهارم مصیبت و اندوه
 گوشت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بینه که گوشتش و بیفتا و یا بریده شد و دلیل که زنا اطلاق دهد یا دخترش را بیاید

بود که در گورستان در خواب دیدن صحبت با جاها ان بود که دین و دنیا بی ایشان بفساد گردد و دشمنانی بود که آتی رحمت الله
 بود اگر بینه که اهل گورستان را زیارت میکرد و دلیل که اهل زندان را زیارت کند و اگر بینه که در گورستان باران بارید و دلیل که اهل گورستان را
 رحمت از حق سبحانه و تعالی بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر تو اگر بینه که در گورستان میرفت و برگردا سلام میکرد و دلیل که در گورستان
 و از مردمان که آتی کند زیرا که گورستان جای مفسدان است و اگر بینه که در گورستانی معروف بود و مردمان از گور برخاسته بود
 و دلیل که اهل آن جایگاه را بلا و محنت رسد و اگر بینه که در گورستان گور را باز میکرد بعضی مرده و دید بعضی زنده و دلیل که در آن
 ولایت محنت و تنگی پیدا کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در گورستان در خواب بر سینه وجه بود یکی از دندان دوم غم سوم
 محنت و بلا کوزه در خواب مالی بود که بخت و بلا و رنج و سختی حاصل گردد و اگر بینه که با کوزه بازی میکرد و یا کوزه در دستش داشت
 و دلیل که جنگ و خصومت بود که آتی رخ گوید که کوزه مغز آن تبا شده باشد و دلیل که مال حرام بدور رسد بقدر کسی و بسیاری از
 مغز کوزه بطعم خوش بود مال حلال بدور رسد و اگر بینه که کوزه میکشید و دلیل که از مردی عجب مال گیرد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که کوزه
 داشت و دلیل که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بینه که کوزه تلخ و ناخوش بود و دلیل که از مردی بخیل سخن ناخوش شنود و اگر بینه
 که از مغز کوزه روغن بیرون آورد و دلیل که از مردی بخیل او را منفعت رسد کوزه بندی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که کسی کوزه
 بوی داد و دلیل که سخن قاتل گیرد و میخ شود و اگر بینه که کوزه بندی میخورد و دلیل که سخن ایشان راست پندارد و بعضی از متبحران گویند
 کوزه بندی در خواب مردی و دین یا کینه بندی بود که آتی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که کوزه بندی میخورد و دلیل که سخنان میخورد
 پندارد و اعتقاد بر آن داشته باشد کوزه بویا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کوزه بویا در خواب صلاح دین بود و دانستن علم شریع
 بینه که کوزه بویا خورد و دلیل که مصلحت راه دین اختیار کند و علم شریعت بیاموزد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که کوزه بویا بسیار
 میخورد و ببرد و دلیل که در علم و حکمت یگانه شود و از آن علم او را دیگران از منفعت بود و اگر بینه که کوزه بویا می خورد و دشت از آن
 کسی نداد و دلیل که از آن علم منفعت او را و نه دیگران را باشد و بعضی گویند که خوردن کوزه بویا و دلیل که تعلیم علم بخم کند کوی
 زمین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کوی زمین در خواب مالی بود که بکر و حیلت بدست آورد و اگر بینه که کوی زمین پنهان بود
 که از آنجا او را بیرون آمدن نبود و دلیل که بکر و حیلت خود را در کاری افکند که از آن بدشواری بر آید و هر چند که کوی دور تر بود کار
 صعبتر بود و اگر بینه که آن کوی مانند سرداب بود و دلیل که در دوازده چیز میبرد که آتی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که کوی یا چاهی
 و دلیل که از بهر کسی مکر و حیلت سازد و اگر از آن کوی آب بیرون آمد و دلیل که در آن کوی بکر و حیلت چیزی بدست آورد و بدین
 معیشت کند و اگر بینه که کوی از بهر کسی دیگر بود و دلیل که آنچه گفتیم آنکس را باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که در
 کوی افتاده بود و از آن بیرون نتوانست رفت و دلیل که در کاری مستور مانده باشد و از آن خلاصی نیابد و اگر بخلاف این
 و دلیل که رستگاری یابد کوزه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کوزه از سپیده روزه بین یا زمس بود و در خواب خادم باشد و اگر
 سفالین نبود داشت و دلیل که او را کینه کی حاصل شود و بقدر خوبی کوزه و اگر بینه که کوزه آب خرد و دلیل که با کینه جماع کند

و اگر بیند که زده بشکست دلیل که کثیرش بمیرد و مغربی رحمه الله علیه گوید که زده در خواب مال و نعمت باشد و اگر بیند که کوزه زده است و داشت و داشت
 و اگر مال خسته حاصل شود و اما در آن مال تحت باشد و اگر بیند که کوزه سفید رویش یا قلمی داشت و دلیل مال و نعمت باشد و اگر
 کوزه آهین داشت و دلیل مال بود و اما کمتر خفیه صادق می باشد و اگر بیند که کوزه در خواب بر نه و وجه بود یکی زن و دوم خادم و سوم
 کنیز و چهارم قوام و پنجم صلاح تن ششم عمر و هفتم مال هشتم خیر و نهم میراث از قبلان و دهم کوزه آویز را بر آویخته
 تا ویش بخوابد فی بزرگراه و معتبر بود که ساله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که ساله زنی را گرفت یا کسی را
 دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که ساله مادی بود دلیل که او را دختر آید و اگر بیند که ساله بخانه برود و برود دست مالید دلیل که
 اندوه بکین شود و اگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ساله در منزل او زده و شد میگرد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که ساله
 و شتی فرا گرفت دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که بر پشت کوساله سوار بود دلیل که باید شاد و غمی چویند و از بزرگی باید بترسد
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ساله وی برود دلیل که فرزندش بمیرد و اگر کوساله وی ضایع شد دلیل که فرزند از وی مفارقت کند
 و اگر بیند که کوساله داشت و از گوشت می بخورد دلیل که میراث فرزند بخورد و همچنین اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کوساله
 سپید بود دلیل که فرزندش مبارک و مستور و توانگر بود و اگر بیند که کوساله ابلق بود دلیل که میان برود و اگر کوساله سیاه بود دلیل که فرزندش
 بود و دلیل که فرزندش تندرست و نیک حال بود و اگر ضعیف و لاغر بود تا ویش بخلاف این بود که سپید این برین رحمه الله علیه
 علیه گوید که سپید در خواب غنیمت بود و اگر بیند که گو سپید میچراپد دلیل که برگردی بزرگی و مهمتری یابد و اگر بیند که گو سپیدان
 بعضی سپید و بعضی سیاه بودند دلیل که آنکس ده بعضی عیب باشند و بعضی عجم و اگر بیند که گو سپید بسیار جمع شده و دانسته که مال
 اوست دلیل که او مال بسیار حاصل آید و اگر بیند که گو سپیدی برگردن گرفته بود دلیل که مژگن کسی برگردن گیرد و اگر بیند که گو
 گو سپید پنجه بخورد دلیل که بقدر آن اور غنیمت باشد و اگر بیند که گوشت بریان کرده میخورد دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بیند
 که از هر خورون گو سپید را بشکست دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مالی بخورد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که تریشی فرا گرفت
 یا کسی بوی داد دلیل که او را بامردی بزرگ صحبت افتد و از وی بزرگی و مال یابد و اگر بیند که تریشی را کلبه برید و اگر دلیل
 که بر مردی بزرگ ظفر یابد و مالش بستاند و خرج کند و اگر بیند که تریشی نشست و مطیع و فرمان بردار بود و دلیل که بر مردی
 بزرگ چیره گردد و اگر بیند که تریش بر وی غالب بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که سرو پای تریش بشکست دلیل
 که بر آن مرد که صفت کردیم غالب شود و اگر بیند که سرو پای تریش دراز و قوی بود دلیل که این مرد قوی و توانا شود و اگر
 که تریش بر تن تریش دراز بود دلیل که بقدر آن مال نعمت زیادت شود و اگر بیند که تریش بسیار حاصل شده و دانسته که مال
 اوست دلیل که بقدر آن بر مردم فرمان دهد و ایشان را زیر دست خود گرداند و از ایشان مال نعمت بسیار یابد و بعضی گویند
 که بعد از تریشی او را سالی بزرگی و شرف یابد و مغربی رحمه الله علیه گوید مادی همیشه در خواب بزرگی و کرمی بود چنانکه
 حق سبحانه و تعالی در کلام مجید خود در قصه داود علی نبینا و علیه السلام فرمود قوله تعالی اِنَّ هَذَا الرَّجُلَ کَانَ شَعْفًا

زیرا که تلخ است و در تایل اندوه بود و کندش این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کند سه بار و شست و لیل که بیماری دراز کشد و عاقبت
 شفا یابد که آمانی رحمة الله علیه گوید اگر بید کند سه سحر و لیل که در پنج و بار گرفتار شود و اگر بید کند سه سیرینی و اگر گرفت و عطسه و آلودگی
 حاجتش بر شواری بر آید کندم این سیرین رحمة الله علیه گوید کندم در خواب مال حلال بود که پنج بروم رسد و اگر بید کند کندم میخورد و لیل
 که صالح و دیندار بود و اگر بید میخورد و لیل که عیال شد و اگر بید کند و آن ناشکرم او را از کندم خشک شده بود و لیل که عمرش با خرسیده باشد
 که آمانی رحمة الله علیه گوید اگر بید کند خوشنمای کندم میخورد و لیل که در اندام خط و تکی پدید آید قوله تعالی سُبْحَ سُبْحَ بَلَا تَخْضِر
 و آخره یا کسایت و اگر بید کند کندم میکشت و لیل که در اندام حرق سحابه و تعالی مرغ غدا را زان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کندم
 در خواب بر سینه وجه بود یکی مغزول شدن از ولایت دوم نصرت سوم غریب استعجال اشعث ح گوید اگر بید کند کندم بریان میخورد و لیل که
 هیچ شفقت نیابد و اگر بید کند کندم بوقت خود میبرد و لیل که مالی بسیار خرج حاصل کند و کندم فروش در خواب و دیدن مردی بود که دین بسیار
 اختیار کند کندم نا و انیال علیه السلام گوید کندم در خواب مردی بود که مردم را بدوستی یابد کندم این سیرین رحمة الله علیه گوید کندم در خواب
 مال حرام بود و کندم زشت بود اگر بید کند خواب مستور و مصلح نباشد و لیل که مال حرام حاصل کند و پیوسته سخنان زشت گوید و در خوردن کثرت
 هیچ شفقت نباشد کندم و اگر بید کند کندم وانی فرا گرفت یا کسی بوی داد و لیل که رسولی پیش او آید و او را شادمان کند
 که راست یابد و بعد از چهار روز از قبل زان مقصود و مراد یابد خاصه که بوقت روز دیده باشد کندم این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
 که در کندم نشست و از سوی قبله نماز گذارد و لیل که عاقبت تو بکند و بخند و ند تعالی باز گردد و بدین قوی گردد و بسبب آنکه کندم حلال
 عبادت است و اگر نماز سوی قبله جهودان گذارد و لیل که برای جهودان وارد گردانی رحمة الله علیه گوید اگر خورد و در کندم سید و لیل که
 مردم بدین کار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن کندم و کلیسا در خواب مردم مصلح را خیر و نیکوئی بود و مردم مفسد را
 شر و فساد بود و کندم این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید کند بوقت خود کندم میخورد و لیل که غم و اندوه بوی رسد و خوردن کندم در خواب
 نفع نبود و اگر بید کند کندم داشت و میخورد و لیل که غم و اندوه کمتر باشد کندم این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب میزند
 که کندم شده بود و لیل که در ویش بد حال گردد که آمانی رحمة الله علیه گوید اگر خورد و در خواب گنگ بید و لیل که تپایی و نقصان و بیانی
 بود چنانکه غی سحابه و تعالی فرموده قل هکم فکرم لا یوجعون جعفر صادق رضی الله عنه گوید گنگی در خواب بخت
 وجه بود یکی در ویش دوم بد حالی سوم غم و اندوه چهارم نقصان عیش پنجم مصیبت ششم نقصان مال هفتم نقصان دین و اگر گنگی بود
 بید کند زبانش کشوده شد و لیل که کار بسته بر وی بکشاید کندم این سیرین رحمة الله علیه گوید کندم در خواب عیال مردم بود و اگر کند
 که کندم نام میخورد و لیل که بعد از آن عیال زمال و بخورد و اگر بید کند کندم بسیار بر چهار پای بود و لیل که مردم از چهار پایان و فایده
 بید کند مغزلی رحمة الله علیه گوید اگر بید کند که نما از خود و در می انداخت و لیل که عیال از خود و در کندم و اگر بید کند کندم از چهار پای خود میگرفت
 در می انداخت و لیل که هیچکس را فایده نرساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن کندم در خواب بر سینه وجه بود یکی عیال و دوم قدم
 و چشم سوم مال و خواسته فراوان و اگر بید کند کندم میکشت و لیل که با خیز نای که نقدیم نقصانی بود و کندم این سیرین رحمة الله

[illegible]

خداوند

سید

سید

سید

سید



سید

جدا شود و بعضی متعبران گویند که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که او کشته چنانکه هیچ شنیدن نمی تواند دلیل خداوند
 و دیانت او بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوش در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم خیر سوم و دو سه چهارم
 ز قبح پنجم پس ششم غلام بمقام مال خوشه هشتاد و نهم گوشتواره این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در بر دو گوش
 گوشواره داشت دلیل که او را پیش از آرایش و جمال افزون گرد و اگر بیند که در بر دو گوش مر و اگر نگار نماید و نیمه بود دلیل که علم و دان
 بیا موزد و عالم و داننا شود و اگر بیند که در یک گوش مر و اگر دید بود و دیگر نبود دلیل که علم و قرآن بیا موزد و اگر نگار نماید و نیمه بود دلیل که علم و دان
 بیند که هر دو گوشواره داشت دلیل که بزرگ جاه باید و اگر مردی زن خود را بیند که دو حلقه در گوش داشت یکی از روی آرزیم
 دلیل که زن از طلاق و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوشواره در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند با جمال و آرایش
 دوم آموختن علم و قرآن سوم بزرگی چهارم غم و اندوه سبطی و ادن زن کو شک این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
 خواب بیند که در گوشش شد دلیل که او را مال خوشه حاصل آید خاصه که گوشش از خشک خام و گل بود و اگر بیند که از گوش آب
 و دلیل که مال یا با باد درین نقصان بود و اگر بیند که بادشاه گوشش بود و دلیل که از باد شاه مال حاصل کند و اگر کسی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که گوشش و خواب شد دلیل که مال او تلف شود و اگر بیند که در گوشش آتش شفت و دلیل که بادشاه او را مصداق جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن گوشش در خواب بر پشت وجه بود یکی نعمت دوم دلالت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم بزرگواری
 بادشاهی ششم ریش ششم شادی و خرمی بقدر بلندری و نیکوئی گوشش گوگرد و این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب
 و اندوه بود و در دیدن گوشش و خیر و منفعت بود گوشش و انیال علیه السلام گوید که کودکی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که
 شده بود و در کتاب چیزی پیش علم میخواند دلیل که در غم و اندوه گرفتار گردد زیرا که کودک صلاح از فساد و خاندن و معتبران گفته اند که اگر
 خود را گوشش بیند دلیل که کارش ضعیف شود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کودکی بریان کرده پیش او نهاده
 و میخورد دلیل که خیر بسیار باید و آن کودک با حشام بسیار برسد و اگر کسی رحمة الله علیه گوید که کودک خبر روی تباه و شسته
 بود و گوشش زشت روی منفعت باشد و اگر مردی بیند که شیر خواره شده بود دلیل که آن مقصود باز ماند و اگر مردی بیند که کودکی
 شیر سید او دلیل که بوقت زاد او سلامت بود و اگر و انیال علیه السلام گوید اگر خود را بکوهی بیند و دانند که آن کوه ملک است
 و دلیل که مردی بزرگش و در دنیا خود گیرد و اگر بیند که کوه را از جای خود بر کند دلیل که مردی بزرگ را قهر کند و اگر بیند که بر کوه مقام
 کرد و دلیل که از مردی بزرگ غرور جاه یا بد و اگر بیند که بر بالای کوه همی شد و دلیل که بزرگی و جاه یا بد و بعضی متعبران گویند که اگر بزرگ
 بر بالای کوه میشد دلیل که غم و اندوه بد و رسد اگر بیند که از کوه بزرگ آمد دلیل که بزرگی و جاه و نقصان شود و اگر بیند که بر سر کوهی مقام
 دلیل که از باد شاه حرمت یابد و مرتب شود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر کوهی مقام میکند و در میانک نامزید و دلیل که
 او نیکو شود و مغربی رحمة الله علیه گوید بالای کوه و گوشش رفتن در خواب دلیل بر مقصودی که دارد بسیار و اگر بزرگ آید تا ویش بخلاف
 این بود و اگر بیند که بر دهن کوه بنشیند و دلیل که اندوگین شود و اگر بیند که بر دهن کوه نامزید و دلیل که کاری کند که موافق برین باشد

و اگر

و اگر میند که در که مردی از گستان پادشاه با وی بود و دلیل که از پادشاه حرمت یابد و اگر میند که کوه بختید و بعد از آن قرار
گرفت دلیل که زمری بزرگ در انجا رنجور شود و دشمنایا بد و اگر میند که کوه را می کند و کوه کندن بروی آسان بود و دلیل که بزودی عطا
یابد و اگر میند که کوه از خاک بود و دلیل که او را با همتری خیس طبع باشد و اگر میند که بر کوه قاف نشسته بود و دلیل که اجلش فرارسیده باشد
و اگر میند که بر کوه طور سینا بود و دلیل که پادشاه را بروی اعتماد بود و مردش حاصل آید و اگر میند که بر کوه عرفات بود و دلیل که تو بکند
و از کناه پشیمان شود و اگر میند که بر کوه کبنان بود و دلیل که با علما و صاحبان صحبت دارد و اگر میند که بر کوهی تاریک بود و دلیل که او را
بیم ملاک باشد و اگر میند که بدره شد و دلیل که اجلش نزدیک آید یا نزدان گرفتار آید و اگر میند که بر کوهی روشن بود و دلیل که مانع بود
استیصال اشعث رحمة الله علیه گوید اگر میند که در کوهی خراب بود که در و سنگها افتاده بود و بدشوار می رفت و تیری انداخت و دلیل که
او را از پادشاه ستیز بود و اگر میند که میان دو کوه میرفت و تیری انداخت و دلیل که میان دو مرد بزرگ توسط کند و اگر میند که در
سوراهی بود و در آن سوراخ شد و دلیل که از راه پادشاه آگاه شود و اگر میند که از آن سوراخ چیزی بیرون آید و دلیل که از آن پادشاه عطا
یابد یا خطا مقبره ج که دیگر میند که بر کوهی بالا میرفت و دلیل که بخت مردی بزرگ مشغول گردد و اگر میند که از کوه بهما سنگ میگرفت
و هر یک بجای می انداخت و او بر میگرفت و بر کوه میندا و دلیل که ماطا بقیع جمع کند و اگر میند که از کوه بهما در کوه گرفته بود و دلیل
که خود را بکسی بزرگ بنده از وی خیر و منفعت یابد و اگر میند که از کوه بزرگ افتاد و دلیل که مرادش بر نیاید و اگر میند که بر کوه نزدانی از کوه
و اگر بسته بود و بدان نزدان بر سر کوه شد و دلیل که مرادش نزود حاصل شود و اگر میند که نزدان از کوه خشت خام بود و دلیل که بهتر باشد
و اگر از مس بود و بد باشد و اگر از برنج بود و مرادش بر نیاید و اگر میند که بر سر کوهی بلند ایستاده بود و دلیل که خاص و مقرب پادشاه گردد و
مال بسیار یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کوه در خواب بر پنج وجه بود یکی پادشاهی دوم دهری سوم ظفر چهارم بخت
پنجم ریشی یافتن گوهر هفتم برین رحمة الله علیه گوید دیدن کوه در خواب بخت و نال با جمال تو انگر بود و اگر میند که گهری داشت و دلیل که
دارد و طلاق دهد و اگر میند که گهر بسیار داشت و دلیل که مال بسیار حاصل کند که تا می رحمة الله علیه گوید اگر میند که گهر میرفت و دلیل
که بخت زن مشغول گردد و دلال کند و اگر میند که بعضی کوه را سوراخ داشت و بعضی نه داشت و دلیل که دلالی دختران و شیر و زنان
بیرون کند مغربی رحمة الله علیه گوید که هر چند در خواب بنزد بود و اگر میند که گهر سفید داشت و دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن کوه در خواب بر هشت وجه بود یکی مال دوم علم سوم فرزند معروف چهارم چیزی گران بجهای پنجم زن با جمال
ششم سخن معنی خیر و برکت هفتم کار نیکو کردن و چون خداوند خواب تو نباشد و دلیل پشیمانی بود و گهر فروش در خواب
علم و حکمت بود و گوچه این برین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که در کوه آبا و اجدان بود و دلیل که خیر و منفعت بوی رسد و حاصل
که در مردم مصلح باشد و اگر بخلاف این میند و دلیل که شر و مضرت بد رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که در کوهی فراخ می شد
و دلیل که غم و اندوه بوی رسد که کسی خواب میند که کعبه داشت و دلیل که او بداد و دلیل که اندوه میند که کعبه داشت و دلیل که کعبه
و دلیل بر غم و اندوه صبر بود و اگر میند که کعبه بکسی داد و دلیل که غم و اندوه بوی رسد و دیدن کعبه بر منفعت نباشد

و اگر

و اگر

و اگر

و آنکه علم حرف اللام لبیاچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لبیاچه در خواب دیدن نیکوئی و پادشاهی دین بود و چنانچه
 که سبز باشد و اگر بنید که لبیاچه سمور یا سنجاب داشت دلیل که پناه مروی با و پادشاهی بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید
 که لبیاچه سبز داشت دلیل که او را از مروی دیندار با امانت منفعتی رسد و اگر بنید که لبیاچه سفید بود دلیل که از مروی مصلحت
 تو انکار او را نفی رسد و اگر لبیاچه سرخ بود پوشید دلیل که از مروی محاسن و ثمره بهای آن او را منفعت رسد اگر
 لبیاچه زرد داشت دلیل که بیمار گردد و اگر لبیاچه بنید که پوشیده بود دلیل که اندوه و مصیبت یابد و اگر لبیاچه سیاه پوشید
 اگر قاضی یا خطیب بود دلیل که خیر و نیکی یابد و اگر بخلاف این بنید دلیل که مضرت و بختی یابد و تحصیل اشقت حتمه الله
 علیه گوید لبیاچه و بیامرو و از نقصان دین بود و زنا تراشاده بود و لبیاچه عثمایی مرد را زنا تراشید باشد خاصه
 سفید و فاح بود دلیل بر خیر و نیکی بود و تنگی لبیاچه در خواب نقصان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لبیاچه که پادشاه
 و مرد را زنا تراشید بود و لبیاچه در خواب بر چهار وجه بود یکی زنان و دوم امانت داری سوم صلاح کار و چهارم خیر و منفعت
 لباس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که لباس تابستان بزمستان پوشیده بود دلیل که مالش زیادت شود
 اما ترس و بیم عظیم بود و برسد لیکن انجامش نیکو باشد و اگر زنی بنید که لباس مردان پوشیده بود دلیل که بشویش خیری رسد
 کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی لباس خود را بدتر از آن بنید که در بیداری بود دلیل که کارش بد شود و اگر بهتر بنید که
 و اگر بر خود لباس محترمان بنید دلیل که بهتر شود و اگر بر خود لباس فاسقان بنید دلیل که گناه بسیار کند و اگر بنید که لباس
 سلاطین داشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر بنید که لباس علماء پوشیده بود دلیل که از علم بهره یابد و اگر بنید
 در میان داشت دلیل که از دنیا دست بردارد و اگر بنید که لباس نوکران داشت دلیل که جمیع کردن مال حریص بود و اگر بنید که لباس جهلان یا ترسید
 داشت دلیل که دلش ناایشان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین لباس در خواب بر منفعت و وجه بود یکی دین پاک و دوم تو انگریزی
 هر دو جاه چنانچه منفعت عیش خوش ششم عمل نیکو هفتم عدل خواهد لبیاچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لبیاچه و چنانچه
 دیدن دلیل بر بر آمدن حاجات بود و لبیاچه برین بهتر از لب بالا باشد و بعضی از متجربان گویند لب در خواب خجسته
 و قریبات بود و اگر بنید که لب بالائی وی از جازایل شد دلیل که مال وی در زوال شود و لب پایین همین تا مدتی دارد و اگر
 بنید که لب بالائی وی بریده و لبی که زنا طلاق دهد یا زن او را طلاق کند و اگر بر دو لب فدا ده بنید دلیل که او را مصیبت
 رسد از جهت مادر و پدر و نیز گویند که غماز بود و اگر لبهای خود را در و منند بنید دلیل که غمگین شود و اگر بنید که لبها حسن
 و پوشیده بود چنانکه باز نتوانست کشود دلیل که کارش بسته گردد و اگر زنی بر لب خود خالی سیاه بنید دلیل که غوازی یابد
 و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که لب خود را بدندان گرفت و خسته کرد دلیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه
 بیم ملاک بود و اگر بنید که لبهاش آسیده بود دلیل که مال وی زیادت شود و اگر بنید که لبهاش سرخ شده بود دلیل که زنا
 روا کرد و اگر بنید که لبهاش سبز یا سفید بود دلیل که بسبب دوستی غم خورد و اگر بنید که لبهاش سیست و ضعیف بود

دلیل که حالش بد بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لب بالا دلیل بر پسران بود و لب زیرین دلیل بر دختران بود
 الحاف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید الحاف در خواب زن بود اگر کسی بخواب بینه که الحاف نو داشت دلیل زن
 خواهد و اگر بینه که الحاف نو بخرد دلیل که کینه که دشمنه بخرد و اگر بینه که الحاف او ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد
 و اگر الحاف دریده و چرکین بود دلیل که عیالش سلیطه و ناسازگار بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که الحاف
 نو داشت دلیل که زنی ویندارد و تو انگر خواهد و اگر بینه که الحاف سفید بود دلیل که زنی تو انگر
 و پارسا او را بود و اگر بینه که الحاف سرخ بود دلیل که زنش طرب را دوست دارد و اگر الحاف
 زرد بود دلیل که بر زنی سیارگون باشد و اگر الحاف اولون بود دلیل که زنش سکاره و فریبنده بود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین الحاف در خواب چون نو باشد برتره وجه بود یکی زن که
 دوم دختر و دشمنه سوم لرزیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که لرزش میلزید
 دلیل که در امانت واری ضعیف بود و اگر بینه که سروی میلزید دلیل که از مالش زیان رسد
 و اگر بینه که تفایش میلزید دلیل که زنیست و آهنگی ندارد و اگر بینه که دستهای وی میلزید
 دلیل که نیکبختیست بود و اگر بینه که سینه وی میلزید دلیل که سختی بشود که اندوگین شود و اگر بینه که شکم وی میلزید دلیل
 از مردی که قوت او بد و پناه او نبود و بخوبی بوی رسد و اگر بینه که پایش میلزید دلیل که در سفر بخوبی بوی رسد و اگر بینه که اندیش
 میلزید دلیل که بسبب مرادی که در پی آن بود و رنج سختی بید و انیال علیه السلام گوید لرزیدن اندام در خواب ترس می باشد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف احوال دوم ترس سوم غم و اندوه چهارم
 مضرت بیماری لرزیدن چیزی را ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بینه که آسمان لرزد دلیل که در اندیشه
 و ظلم و فساد بسیار شود و اگر بینه که آفتاب و ماه لرزد دلیل که پادشاه آندیا را رنج و مضرت رسد و اگر بینه که ستارگان
 لرزد دلیل که آشوب در نزدیکیان پادشاه افتد و اگر بینه که زمین میلزید دلیل بر فتنه و آفت بود و اگر بینه که کوه
 لرزد دلیل که پادشاه آندیا را مضرت رسد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که عرش میلزید دلیل بر فساد و بی و یانستی علماء بود
 و اگر بینه که لوح و قلم میلزید دلیل بر بد حالی و بی اطمینان علم بود و اگر بینه که بهفت آسمان لرزد دلیل که عذاب خشم باری سبحان
 و تعالی بسبب فساد و برباط آندیا بود و اگر بینه که ماه و آفتاب بر جهت ستارگان میلزید دلیل بر جنگ و خصومت
 پادشاه آندیا بر قتل و خونریزی بود و اگر بینه که گوشک یا سیری پادشاه لرزد دلیل که محنت و آفت بر اهل آن موضع برسد و اگر
 بینه که قوی لرزد دلیل بر مصیبت و فساد بود و لشکر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که لشکر و جایگاهی بود یا فراری
 دلیل که اهل آن موضع را کزندی رساند و اگر لشکر آریسته بینه دلیل بر قوت و نصرت آندیا که لشکر بود و نیز قوت آن پادشاه بود
 که لشکر از آن را بد و اگر لشکر را صلاح بود و دلیل بر ضعف و عجز آن پادشاه بود و دوم آن شهر بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن

لشکر و خواب بر پنج وجه بود یکی آنکه دوم سیل سوم باد سخت چهارم چنانکه حضرت خنجر بلا و محنت لعل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 لعل و خواب فی با جان او تا آنکه بود و اگر بیدار شد لعل آتش فرا گرفت یا کسی بوی داد یا بخیزد دلیل که بدیصفت که گفتیم فی با جان او یا اگر بیدار
 پاکیزه خیزد و اگر زلزل باشد و خیزی با جمال لطیف صورت زنده و اگر بیدار شد لعل بسیار داشت دلیل که بقدر آن حال صل کند لیکن در دین
 کرده بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار کسی آشنا بدیده لعل بود یا دلیل که بقدر وقت که زنی توانا که از خویشان خود خواهد و اگر بیدار
 که بیکانه او را پاره لعل داد دلیل که زنی مجهول بدیصفت خواهد و اگر بیدار جوانی پاره لعل با و داد دلیل که مال حاصل کند جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کثیر سوم منفعت چهارم مال دنیا و دختران لعوق
 پسیدن بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که طعم شیرین خوشنوی بود و دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بیدار که چون لعوق
 و لعوق پلغوزه و لعوق خشخاش و آنچه بدان ماند و اگر تلخ ترش بود بوی ناخوش داشت دلیل بر شر و ضرر باشد مغربی رحمه
 الله علیه گوید لعوق در خواب آنچه شیرین بود و دلیل بر خیر و منفعت باشد و اگر تلخ ترش بود تا ویش بخلاف این بود و افلاح الشمس
 و مستنبویه را گویند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که مستنبویه پیروز و دلیل که پیروز شود و اگر کسی داد آن کس پیروز شود و اگر بیدار که
 افلاح را بوی میگرد دلیل که خنهای خوش شود و اگر بیدار که افلاح بسیار داشت دلیل که مال و خواسته یا بد جعفر صادق رضی الله عنه
 افلاح در خواب بر شش وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم فرزند چهارم دوست پنجم رفیق ششم غلاف لعل ابن سیرین رحمه
 علیه گوید لعل در خواب بر وی با حسب و نسب و ازاد و غایت اندیش بود و اگر بیدار که لعلی بگرفت یا کسی بود یا دلیل که او را
 یا کسی بدین صفت صحبت افتد و اگر بیدار که لعلی با بخت دلیل که دشمن بزرگ بر دست وی طراک شود و اگر بیدار که لعلی با وی
 سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و از محقری او را منفعت رسد و اگر بیدار که لعلی بر بام و می نشست
 دلیل که مهنری در خانه وی و یا پیر و اگر بیدار که لعلی از دست وی پیرید دلیل که از صحبت مردی در بهقان جدا ماند و اگر بیدار
 که گوشت لعلی بخورد دلیل که بهقان مال و بهقان خورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لعلی در خواب بر چهار وجه بود یکی
 مردم و بهقان دوم پادشاه ضعیف سوم یا سبب چهارم غریبی و در ویشی بود لقمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیدار
 که لقمه شیرینی از طعام کسی در دهان او نهاد و دلیل که آنکس سخن خوش بدو گوید و اگر آن لقمه غلیظ ترش بود تا ویش بخلاف این بود
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که لقمه لذیذ و شیرین در دهان وی نهاد و صلح بود دلیل که مال حلال یا بد و اگر بیدار که لقمه شیرین
 گرم در دهان وی نهاد و دلیل که از سخن کسی در بلا افتد و اگر لقمه در دهان وی آسان شد تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید لقمه در خواب در دهان نهادن بر سه وجه بود یکی بوی خوش دادن دوم سخن لطیف گفتن سوم منفعت بقدر
 لقوه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیدار که بوی از عت لقوه کج شده بود دلیل که نزد مردم حقیر و خوار شود و اگر
 بیدار که رویش پاکیزه و نیک بود و دلیل که نزد خلق عزیز و گرامی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقوه در خواب دلیل بر منافعتی بود
 که میان مردم سخن اتفاق گوید و اگر بیدار که لقوه شده بود و دلیل بر آشکار شدن علت و نقصان دین بود لکام ابن سیرین رحمه

علیه که دیگر بیند که لگام شکست یا ضایع شد دلیل که شرف و بزرگی او نقصان شود و اگر بیند که لگام بر سر داشت چنانچه سپاهان
را باشد دلیل که روز و روز و از آنکه توبه کند و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر کسی که با کجا و بدسکال تربود لگام در
و نا نش رود و مغربی رحمة الله علیه که دیگر لگام در خواب بر سر بندد نیکو بود که پیوسته بفرمان خواجه باشد و بر سر از او نیکو بود و گویند
که بیند خواب با اوب و فرزند گت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لگام در خواب بر سر و وجه بود یکی شرف بزرگ
دوم روزنه داشتن سوم اوب و فرزند گت و لگام فروش در خواب بدتر کارهای ولایت باشد لکن زدن این بر سر
علیه که دیگر کسی خواب ببیند که کسی را لک زد و دلیل که از وی یا از خویشانی یا از رازیان رسد و اگر بیند که اسب و را لک زد و دلیل که در
شرف و بزرگی او نقصان پدید آید و بعضی از معتبران گویند بفساد و مشغول گردد و مغربی رحمة الله علیه که دیگر بیند که زنی او را لک زد
و دلیل که بسبب زنی اند و بگین شود و اگر بیند که کنده پیری لک زد و دلیل که مالش تلف شود و اگر بیند که اشتر او را لک زد و دلیل که از مرگ
مخشوم او رازیان رسد و اگر بیند که خری او را لک زد و دلیل که در سفر او رازیان و حضرت رسد و اگر بیند که گا و او را لک زد و دلیل که در سنا
او رازیان رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لک زدن در خواب بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم حضرت سوم غم و اندوه چهارم
فساد و خیال لک این بر سر رحمة الله علیه که دیگر کسی خواب ببیند که لک داشت و دلیل که کسی فرومایه او منفعت رسد و اگر بیند
که لک را برایش نهد و دو و یک و دلیل که نامش در آید یا برینگی مشتگر گردد و اگر بیند که لک سیخ زد و دلیل که غمگین شود و اگر بیند که
در دست وی بود و لک محکم میکرد و دلیل که در میان دو کس صلح پیوندد و بسیار این بر سر رحمة الله علیه که دیگر لک بیاورد و خواب
بوقت خرد و اگر بوقت بخت یا غم و دلیل غم و اندوه بود و لوح محفوظ این بر سر رحمة الله علیه که دیگر لوح محفوظ با و ایل عالم
با امانت بود که مال خود را در راه حق تعالی صرف کند که زانی رحمة الله علیه که دیگر لوح محفوظ با و ایل علم و حکمت و قرآن باشد اگر
بیند که لوح محفوظ کجاست و حقیر بود و دلیل که حال وی بد بود و اگر بیند که بقلم بر لوح محفوظ چیزی می نوشت و دلیل که کارش نیکو گردد
بیند که بر لوح محفوظ میرفت و دلیل که او را با یا دشمنایی بزرگ شغل افتد و در آن فرمان روا گردد و اگر بیند که نام وی بر لوح محفوظ نوشته
بود و دلیل که اجلش رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لوح محفوظ در خواب بر شش وجه بود یکی زیاده و دوم بر سر سوم
علم چهارم هدایت پنجم فرمان روائی ششم علم و حکمت و نور نبیه این بر سر رحمة الله علیه که دیگر کسی خواب ببیند که لوزینه بشکند و در دهان
سنا و دلیل که از کسی سخنی لطیف شنود و اگر بیند که لوزینه بسیار خورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که لوزینه کسی را و او را
او را سخنی خوش گوید یا از بهر کار نیکو کند مغربی رحمة الله علیه که دیگر لوزینه خوردن در خواب دلیل مال لغت بود و اگر بیند که لوزینه
یا خرید یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال نعمت از حلال یا بدو خرج کند و اگر بیند که لوزینه کسی را و او دلیل که از وی بگسالت
رسد و اگر بیند که لوزینه ضایع شد یا بدزدید و دلیل که آن نقصان مال بود لگت شدن این بر سر رحمة الله علیه که دیگر بیند
که لگت شده بود و دلیل که کار با طلب کند از خیر و شر و مستضعیف بود و توانائی ندارد و بعضی از معتبران گویند اگر کسی خود را
لگت و حقیر بیند و دلیل که بجهنم مردمان خود را حقیر گرد و کرمانی رحمة الله علیه که دیگر کسی خود را لگت بیند و دلیل که در زمین و دنیا

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

بود و مقصودش بر نیاید و اگر بیند که خود را بخواهد ساخت دلیل که از کسی بجهت کار معیشت خویش یاری خواهد و اگر بیند که
 لنگ شده بود و بعضا میرفت دلیل که از کسی یاری خواهد که مردم بروی اعتماد کنند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که
 بقصد خود را لنگ ساخت دلیل که بظاہر بر کسی اعتماد کند و احتقادش حقیقی نبود و مغربی رحمتا شد علیه گوید اگر کسی
 خود را بدو پای لنگ بیند چنانکه بدو دست چوب گرفته بود و میرفت دلیل که لشکر که خدائی در ویش و عاجز و در و مند بود
 و اگر بیند که از بهر خاری که در پای او رفته بود راست نمیتوانست رفت دلیل که از لشکر کس این کرد و اگر بیند که در بهر دو
 پای وی بخار بود و آما سیده بود و نمی لنگید دلیل که دشمن بروی حسد برو مال و جاه وی زیادت شود و تمجیل اشعت حجت
 شد علیه گوید اگر لنگ خواب بیند که پای او درست شد چنانکه نمی لنگید دلیل که کارهای بسته بروی کشاده گرد و از مردم
 که نو میشدند بسیار بد و کارش بنظم گرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لنگی در خواب بر رخ و وجه بود یکی سستی در کار
 و مردم نامرادی سوم در ویشی چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش و لذت و خواب خد متکاثران که اصلش ترس بود و
 و اگر بیند که در دست لویدی نو و بزرگ بود دلیل که خدمتگارش با امانت بوده باشد و اگر لویدی کهنه و چرخین
 و کوچک بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که لوید بقیقا و بیشکست دلیل که خدمتگارش بمیرد و زمانی رحمتا شد علیه
 گوید اگر بیند که لوید و سوراخ شده بود دلیل که خدمتگارش بهار شود و اگر بیند که لوید پیر از آب صافی بود دلیل که خدمتگارا و
 منفعت رسد و اگر بیند که لویدش پر خور و بی بود دلیل که بقدر آن او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که لوید خود دلیل
 از خدمتگارش خیر و منفعت رسد لیمو ابن سیرین رحمتا شد علیه گوید دیدن لیمو در خواب بوقت خود یا بوقت چون نزد
 بود دلیل بیماری و درد و بویخ بود و چون سبزه بود غم و اندوه کتبه باشد و در دیدن و خوردن لیمو خیر و منفعت نبود و
 علم بالصواب حرف المیم ما را بن سیرین رحمتا شد علیه گوید دیدن مار در خواب دشمن بدخواه پنهانی بود و اگر
 بیند که در خانه وی مار بود دلیل بر دشمن خانگی بود و اگر در صحرا بیند دلیل بر دشمن بیگانه بود و اگر بیند که با جنگ
 و نیزه میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و اگر بیند که مار بروی چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر نیا بد و اگر بیند که مار
 او را بگزید دلیل که از دشمن مضرت یابد و اگر بیند که مار را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت مار خورد
 دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و خیر و خرمی بیند و اگر بیند که مار بر باد و باره کرد دلیل که از دشمن و او خود بستاند و اگر بیند
 که بر دوشه نیمه را گرفت دلیل که مال دشمن را گیرد و اگر بیند که مار با وی بلطف سخن گفت دلیل که پیرا عجب کاری پیدا آید
 که از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که مار بروی به تن دشمنی سخن گفت دلیل که دشمن بروی خطر یابد و اگر ماری مرده بیند
 و دلیل که حق سبحانه و تعالی شر و آفت از وی بگرداند بی آنکه بجای بوی رسد و اگر بیند که مار مطیع او بود دلیل که جاه و بزرگی یابد
 و اگر بیند که مار از وی بگریخت و نتوانست گرفت دلیل بر ضعف دشمن بود و اگر بیند که ماری سبز بود دلیل که دشمنی دیندار با
 امانت بود و اگر بیند که ماری سیاه و ماران بگردند دلیل بر لشکری بود و اگر ماری زرد بود دلیل بر دشمنی بیارگون باشد و اگر

بود دلیل بر دشمنی طرف دوست معاش بود و اگر بیند که با پاپا داشت دلیل که دشمن او قوی و دلاور باشد و اگر بیند که مار بسیار
در پیش می جمع شده بودند و گردن او را بر سائیدند دلیل که او را دشمن از خویشان خود بود و بسیار باشند ولیکن از ایشان متضرر نشد
و اگر بیند که ماران سر و نهاده اند و اشتند دلیل که دشمن او کینه دارد و بدسیرت بود و غریبی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که مار
از بینی یا از گوش یا از پستان یا از خصیب یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار از دمان او بیرون
آمد دلیل که سخنی گوید که برادران و یا مال شده است و محیل اشعث حمله الله علیه گوید مار زخمید و دشمن بود و مار بسیار سرنگشت لشکری
باشد و اگر بیند که از مار میکشید و مار او را ندید دلیل که در مش و غریبی یا بد و اگر بیند که مار او را بگرفت و گزند می نکرد دلیل که بزرگی یا
وار و دشمن این کرد و خلف صحنهانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که ماری سبز او را مطیع شد دلیل که بخی یا بد و اگر بیند که از استین او
ماری بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار یا بگشت و خوش در خود مالید دلیل که مال دشمن یا بد و اگر بیند که بر سینه و دمان
دلیل که زلزل میزد و اگر بیند که مار از گریبان یا از دمان او بیرون آمد و بر زمین فرو شد دلیل که هلاک کرد و خوار مار در خواب دشمن ضعیف بود
صدا و خوشی الله علیه گوید در خواب برده و بر بود یکی نمادی دوم زندگانی سوم سلامت چهارم پادشاهی پنجم سپهسالاری ششم
دولت هفتم مرکز مکه نهم سیلاب مار چوبه اگر بیند که مار چوبه از زمین جمع میکرد و بوقت خود دلیل که بقدر این مار
منفعت رسد و اگر بیند که مار چوبه خام میخورد دلیل بر مضرت و رنج بود و قشیشا ابن سیرین رحمت الله علیه گوید دیدن مار
در خواب دلیل بر رنج و مضرت و بیماری بود و دیدن او در خواب خیر نباشد مار و ابن سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که از
درخت مار و جمع کرد دلیل که رنج و سختی مال حاصل کند و اگر بپار بیند که بخور از او داشت دلیل که مال کرده بود و اگر بیند
که مار میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر مار زرد بود دلیل که بر بیماری بود و اگر سبز و سیاه بود دلیل غم و اندوه بود و بعضی
رضی الله عنه گوید مار و در خواب بر چهار وجه بود یکی مال کرده و دوم غم و اندوه سوم بیماری چهارم رنج و سختی مار زیون
ابن سیرین رحمت الله علیه گوید مار زیون در خواب در وقت و بیوقت دلیل غم و اندوه بود و خوردن آن نقصان مال
هلاک تن بود و دیدن وی خیر نباشد ماست ابن سیرین رحمت الله علیه گوید ماست شیرین در خواب دلیل خیر نیست
و ترش غم و اندوه بود و انبیا علیه السلام گوید ماست مالی بود که در سفر حاصل شود و اگر بیند که ماست بخورد دلیل که مال از سفر
حاصل کند خاصه که شیرین بود و اگر بیند که از ماست مسکه بیرون آورد دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود و زمانی جمعه باشد
علیه گوید اگر بیند که ماست شیرین میخورد دلیل که مال جلال بدست آرد و ماست ترش غم و اندوه بود و ماست ابن سیرین رحمت الله علیه
علیه گوید ماست در خواب اگر بخورد دلیل که اندک خیر بدو رسد و اگر خام خورد و اندوگین شود و اگر بیند که ماست در خانه گذاشت
و بدو داد و قیل که بنجم کرد و زمانی رحمت الله علیه گوید ماست در خواب چه خشک و تر و خام یا بچته دلیل غم و اندوه
باشد ماکیان مرغ خانگی بود و ابن سیرین رحمت الله علیه گوید ماکیان در خواب دلیل بر خاوم و کثیر بود و اگر بیند که مرغ
خانگی بخورد یا کنی بود دلیل که کثیر بخورد و یا خاومی بخورد اگر مرغهای خانگی بسیار و بقیاس داشت دلیل که ریاست و سرور

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

باید و اگر بیند که گوشت ماکیان خورد و دلیل که بقدر آن مان نعمت از خادمان باید و اگر بیند که ماکیان را بکشت دلیل که کینک است
 بستاند و اگر بیند که بچه ماکیان را بکشت دلیل که فرزند او یا فرزند غلامش یا کینک او تبلائی گرفتار شود و گاهی رحمت الله علیه که
 اگر بیند که خانه ماکیان را یافت دلیل که او را دشمنی آید یا مالی از خادمان حاصل کند مغربی رحمت الله علیه که ماکیان در جزای
 زنی با جمال بود و ماکیان سیاه بهتر از ماکیان بنق بود و اگر بیند که ماکیان در خانه وی همچون خروس بانگ کرد و دلیل که سخن ناخوش
 شود و همچنین اشعث رحمت الله علیه که بچه ماکیان در خواب برسته وجه بود یکی زن با جمال دوم کینک سوم خادم ماسیر این
 سیرین رحمت الله علیه که ماسیر خواب دلیل بر بیماری کند که ویرانان خیر و صواب حاصل شود ماسیر این سیرین رحمت الله علیه
 بود ماسیر خواب که بوقت یا بوقت دلیل بر غم و اندوه بود و دیدن ماسیر خواب خیر نباشد ماه و انیال علیه السلام گوید
 در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت یا در ملک خود دید و دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد
 و اگر بیند که با ماه جنگ نمود و دلیل که با وزیر خصومت کند و اگر بیند که بجایگاه ماه مقیم شد دلیل که او وزیر پادشاه
 گردد و اگر بیند که نوزاد ماه بست و دلیل که وزارت یا بدو اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت و نوزاد شجاع داشت نیز تاریک
 نبود و دلیل که انغمنا فرج یابد و اگر بیند که تیره و تاریک بود و بجای خود نبود و دلیل که وزیر پادشاه بجای محتاج وی گردد این سیرین
 رحمت الله علیه گوید ماه در خواب دیدن پادشاه بود و خاصه که بدر بود و اگر بیند که ماه بدو نیم شد دلیل که وزیر یا پادشاه خواهد
 و اگر بیند که ماه بادی سخن گفت و دلیل که مردم از وی تظلم کنند و او خود خواهد و اگر بیند که ماه بادی سخن گفت دلیل که ولایت یابد
 و اگر که دو ماه بایکدیگر جنگ میکرد و دلیل که دو پادشاه با هم دیگر جنگ کنند و اگر بیند که ازان دو ماه یکی بقیه و پاره پاره و نقصان
 شد و دلیل که ازان دو پادشاه یکی پادشاهی بقیه مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که ماه در دست یا در کنار گرفته بود و دلیل که
 زن خود هر دو اگر ماه هلال بود و دلیل که زن برهمنی است و اگر ماه بایک نیمه بود و دلیل که زن از اصل مولا از او گمان باشد
 و اگر ماه بدر بود و دلیل که آن زن باصل و نسب از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری بد نصیفت بخوابد و اگر
 که ماه روشن و پاکیزه بود و در خانه وی تافت و دلیل که ازان خانه زن خواهد و منفعت از او یابد و اگر بیند که چیزی ماه را پس نشان دلیل
 که پادشاه بر وزیر متخیر شود و اگر بیند که ماه منخف شده بود و دلیل که حال وزیر بد باشد و معزول گردد و گاهی رحمت الله علیه
 اگر ماه بدر و منور بیند موضع خویش و نورش مقابل خانه وی تافت و دلیل که اهل آنجا به از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت بینند
 و اگر ماه بدر بود و تاریک بیند دلیل که او را بخت و کرامت رسد و اگر ماه هلال از مطلع خویش برآمد لیکن نه با قول و نه در وقت زیادت
 شد یا بد بکشت و دلیل که او را فرزندی آید که پادشاه یا وزیر گردد و اگر ماه هلال از موضع خود برآمد و دلیل که از وی فرزندی آید یا
 کاری صعب افتد که مردم ازان غم و اندوه باشد و بعضی از متجربان گفته اند که اگر کسی ماه را بخواب بیند دلیل که پادشاه
 و یا بهر پسر آید و اگر نوزاد یابد بیند دلیل که آن پسر از نذکافی و اندوه و اگر ماه را بد بیند دلیل که عمرش میانم بود و اگر ماه نقصان
 بیند دلیل که بخت بد پادشاه یا وزیر مشغول شود و همچنین اشعث رحمت الله علیه که دیگر بیند که ماه بدست گرفت یا کینک روی آید

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

رحمت
 الله
 علیه

و لیل که فرزند ی عالم و انا و آید و اگر این خواب کسی از مقربان پادشاه بیند و لیل که او پادشاه شود و اگر بیند که ماه و اوقات چهل
 ستارگان فرا گرفت و همه تیره و سیاه بود و لیل که بیند خواب بیاک شود و اگر مصلح بود و در غم و اندوه افتد یا سینه بیمار کرد
 و عاقبت شفا یا بد جعفر صادق صلی الله علیه و آله و سلم که ماه در خواب بر بخت و وجه بود و پادشاه دوم وزیر سوم بدیم چهارم
 رئیس پنجم شرف و جاه ششم دوست هفتم کنیزک هشتم غلام نهم کار باطل دهم والی یازدهم عالم سیزدهم حوازه دهم هشتاد و یکم
 سیزدهم پدر چهارم دهم مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند هیفدهم همیز گزاری مایی و انبیا علیهم السلام گوید مایی در خواب
 در دیار گرم سیر بلاد سختی بود و در سرد سیر تا ویش بخلاف این بود چون مایی تازه و بزرگ بسیار دید و لیل که مایی غنیمت کند
 و اگر مایی خرد و بیند غم و اندوه یا بد و اگر در شکم مایی سرور یا بد یافت و لیل که او را پسری آید این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
 خشک باشد کسی بود و لیل که از پادشاه یا بزرگی او حضرت رسد و اگر مایی شور خورد و لیل که غلام بوی حضرت رسد و بعضی گویند
 که مایی شور بریان کرده بتاویل سفر و طلب علم یا صحبت مردی باشد و خوردن مایی شور و خمر و سرت باشد و اگر بیند که چیزی
 از انعام مایی چون خون و استخوان و آنچه در شکم مایی باشد بیافت و لیل که بقدر آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خرد و اگر بیند
 که در دیار مایی گرفت و بزرگ بود و لیل که از اهل کسی زنی بخوابد که او را مال بسیار باشد مغربی رحمة الله علیه گوید مایی تازه بران
 کرده بخواب مال و نعمت باشد زیرا که مایی تازه از جمله طعامهای بهشت است و بر خوان بود که از بهر عیسی علیه السلام آسمان
 آورده اند و قوله تعالی وَ تَبَا تَأْتُوا لَكُمْ عَلَيْهِ مَا يَدْرِي هُوَ السَّمَاءُ اگر بیند که از دمان مایی بیرون آید و لیل که سختی و رنج در کاری
 و اگر مایی از قضیب وی بیرون آید و لیل که او را دختری آید و اگر زنی بیند که از دمان وی مایی بیرون آید و لیل که از دمان وی مایی
 بیند که از دیار مایی گرفت و لیل که از مردی بزرگوار مال و نعمت یا بد و اگر بیند که مایی تازه میخورد و لیل که بقدر آن مال حاصل کند و لیل
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مایی فروشی میکرد و لیل که او را و کسان و از خیر و منفعت رسد و اگر بیند که مایی از حوض یا از چو میگرد
 و لیل که از مردی عامه بکر و حلیت چیزی بستاند و اگر بیند که مایی در یا یا و سخن در آید و لیل که از راز پادشاه آشکارا گردد و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن مایی در خواب بر شش و چه بود یکی وزیر دوم لشکر سوم دختر و شیر چهارم غنیمت پنجم غم و اندوه ششم کینه و بد
 مایی خواره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مایی خواره در خواب ن بود و اگر بیند که مایی خواره را گرفت یا کسی بر وی داد و لیل
 زن خواهد و اگر بیند که مایی خواره از دست می سپرد یا ضایع شد و لیل که زنا و طلاق دهد و اگر بیند که گوشت مایی خواره میخورد
 و لیل که بقدر آن مال صرف کند مغربی رحمة الله علیه گوید مایی خواره بتاویل عمر و اندوه باشد مهرب و سوان باشد این سیرین رحمة الله علیه
 علیه گوید اگر بیند که مهربی داشت و رنگ بدان میزد و لیل که کاری مشکین بروی کشاده گردد و خاصه که این ملک باشد و اگر بیند
 که آتش روشن پاکیزه را در آنجا بخیزی میزد و لیل که کاری کند که در آن زیان و حضرت بیند و بعضی گفته اند که مهرب و سخن نرم باشد
 و اگر بیند که مهرب و او شکست یا ضایع شد و لیل که کاری طلب کند و بدست می باصلاح نیاید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که کسی از آتش یا سینه مهرب و روشن میکرد و لیل که چیزی از وی بخاوم خانه وی رسد یا شغل خاموش سبب و یا از خاصه یا بد

حی

حی

حی

مطهره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مطهره نو داشت دلیل که از سفر او اخیر و منفعت رسد و اگر بیند که مطهره کهنه و دور
 بود تا ویشن خلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مطهره در خواب بر تنه و جبهه بود یکی مطهره دوم مال سوم زندگانی مشتمل بر
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عیسی چوبی یا درختی سوراخ میکرد دلیل که بکر و حیل از وی چیزی بستاند و بعضی از اعتبار آن گویند
 که مقصودش حاصل شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بنده اندام کسی را سوراخ میکرد دلیل که بکر و حیل و کسی را در بلاد
 مجلس علم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مجلس علم نشسته بود و عالم بر کسی قرآن میخواند و نفسی قرآن و اخبار و توحید
 میگفت دلیل که اگر آن جایگاه را عمارت محکم کند خلاف شریعت مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مجلس علم میگردد پس دلیل
 کار دنیا مشغول شود و از آن شادمان گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که غمگین شود و اگر او را در مجلس علم حالی بدید و در پیشش
 چنانکه عقل از وی بر میزد دلیل که او را کاری پیش آید که در آن کار گرسنه و تشنه شود و اما سرانجام آن بخیر بود مجلس شراب ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مجلس شراب بود و شراب بخورد و دلیل که بفساد و حرام مشغول شود و اما رضاد و اگر بیند که مجلس شراب است
 و چنانکه چنانچه بود و دلیل که او را غم و اندوه باشد یا کسی خصوصت کند مجمره خود سوز بود و شرح آن در حرف عین گفته ام
 مجمره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مجمره در خواب بیند دلیل بر بی پایداری و عالمه بود و اگر بیند که مجمره داشت دلیل که
 زنی عالمه برنی کند و از او خیر و منفعت یابد و اگر بیند که مجمره بشکست یا ضایع شد دلیل که زنش میرد و اگر زن ندارد و از خویش
 او یکی میرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مجمره چیزی فروشت اگر آنچه فروشت قرآن یا نامهای مقدس یا باقی باشد دلیل
 بر صلاح و منفعت بود و اگر بخلاف این باشد دلیل بر فساد بود و محراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در محراب نماز
 میکند و دلیل که او را بفرزند صالح بشارت بود چنانکه حق سبحانه و تعالی در قصه حضرت زکریا علیه السلام فرمود و هو قائم بالصلی
 فی الخراب الخراب الا که اگر بیند که نماز بوقت خویش گذارد و دلیل که او را فرزند صالح باشد و اگر بیند که در محراب نشسته و دلیل
 که در نماز کامل بود و مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که محراب را عمارت میکرد دلیل که او را فرزند عالم و امام بود و بعضی گویند که مال
 خود را صرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن محراب در خواب بر سرخ و جبهه بود یکی امام و دوم پادشاه سوم تهمنی چهارم
 پنجم میانی مردمان بود محنت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که محنت شده بود و برزیت زمان خود را بسیار است دلیل
 که بعد از آن او را ترس می افتد و بلا رسد و اگر بیند که جامه زن زمان از تن بیرون کرد و جامه مردان بپوشید و مجال مردان با زن و دلیل
 که ترس و بیچارگی و بلا از وی زایل گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مجالست با محنتان داشت دلیل که بفساد آن خطا
 کند و اگر بیند که در میان ایشان اقامت شود و دلیل که آنحضرت مفسدان جدا شود و اما ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که تار
 بخواب دید و دلیل که محبت بزوی فراخ شود و اگر بیند که داو از وی ضایع شد تا ویشن خلاف این بود و مانی رحمه الله علیه گوید
 اگر بیند که داو بر جامه وی ریخت دلیل که او را زانی برسد و اگر بر سر او مهری یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن داو
 در خواب بر چهار وجه بود یکی ممتی دوم شوم محبت چهارم شادی مگر پسند و برنده و ناصح باشد اگر بیند که مردمان میداد

مطهره ابن سیرین رحمه الله علیه
 مجمره ابن سیرین رحمه الله علیه
 محراب ابن سیرین رحمه الله علیه
 محنت ابن سیرین رحمه الله علیه
 داو ابن سیرین رحمه الله علیه

دلیل

دلیل که اورا شادی رسد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد و قهر کند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرد مرا بیند میداد و دلیل که در آن
 بیند صلاح دین و رستگاری آخرت بود و بشارت خیر دینی و دنیاوی باشد و اگر بیند که مرد مرا بیند و بپندد و دیو بود و دلیل که او بخوابد
 تبارک و تعالی پناه باید گرفت و توبه باید کرد تا او را از شر و فتنه نگاه دارد و مژدی آب نشا ط بود چون کسی شهرت باری کند
 اول آب مژدی از قضیب او فرو آید این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مژدی در خواب شادی و خرمی بود بقدر آنچه دیده باشد
 مرد جهان این سیرین رحمة الله علیه گوید مرد جهان در خواب فرزند بود اگر سرخ بود فرزند خرمی بود و اگر مرد جهان با جوهرهای بسیار بیند
 و دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرد جهان در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند دوم
 زینت سوم جمال چهارم مال از جهت خادم مرد و مصروفات این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مردی معروف را بخواب بیند در یک
 همچنان بیند با هم نام او یا کسی که مانند باشد و اگر مجهول و جوان بود دلیل که دشمن وی باشد و اگر پیری مجهول بیند دلیل که تحت
 باشد و خیر و بزرگی یا بد و اگر جوانی بیند که مویش سپید شده بود دلیل بر دیانت و آهستگی دین وی بود و اگر پیری معروف بیند که
 مویش سیاه شده بود تا مویش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب پیری را بیند دلیل بر دیانت و آهستگی دین وی بود
 او در دین بود و اگر مردی جوان را بیند دلیل که از بزرگی و نعمت و کرامت رسد و اگر مردی ضعیف بیند که با وی سخن سر و گفت دلیل
 که با مردی بزرگ و صفت و خصوصیت افتد و بر وی نظر یابد و اگر مردی بیند که کودک شده بود دلیل که کاری بپوش کند که او را همه مردم
 طاقت کنند و اگر کسی بیند که زن و میرا قضیب بود چنانکه مردان را باشد دلیل که او را پسری آید که مترش این بیت کرد و اگر مردی بد
 که او را فرج بود دلیل بر ذل و خواری و بد حالی وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرد پیر در خواب دولت و بخت بود
 مرد را دیدن مرد جوان و کرم و حلیت چیزی که مرده بود مرد و اسنگ این سیرین رحمة الله علیه گوید مرد اسنگ در خواب بیماری
 و اگر بیند که مرد اسنگ بخود دلیل که بیمار شود چنانکه بیم ملاکت باشد و اگر بیند که مرد اسنگ کسی بخشد یا بفروخت دلیل که از بخت
 و بیماری این شود و مرد اسنگ نزد بیماری و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرد اسنگ در خواب بر سه وجه بود یکی
 دوم بیماری سوم عقوبت و شکنجه مرد و در خواب و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که مرد و مردی بر وی میگریستند و زاری
 میکردند یا بر ایستند و در کفن چیدند یا بر جنازه نهادند و بگریزدند یا بخیله دلیل بر فساد او در دین بود و اگر آنکه بیند که او را اگر
 برانگیختند و بیرون آوردند بعد از آن که دفن کرده بودند و اگر بیند که او را دفن کردند و گوش از خاک پر کردند مرد و مردی سر کرده
 باز گشتند دلیل که دینش بر کربا صلاح نیاید و بعضی گویند اگر بیند که مرد و زود و بر جنازه نهادند و حال جنازه اش بر داشتند خلق
 بسیار از پس جنازه وی میرفتند دلیل که شرف و بزرگی یا بد و فرمان روا که او را تاب ایشان ظلم کند و اگر بیند که مرد و زنده بود و دلیل
 که گمانی که کرده بود از آن توبه کند و بعضی گویند که عرش دراز باشد و اگر بیند که کسی او را گفت که تو هرگز نمیروی دلیل که شهید خواهد
 شود و اگر بیند که نبرد و کسی بر وی نگر نیست و از پس جنازه او کسی نبوده دلیل که آنچه از خانه او خراب شده باشد بر کربا و آن
 نه شود و اگر در خواب خود را در میان بیند و او را تصور باشد که ویراست که او مرده است دلیل که با مردان جا بل سفر

در خواب
 اگر بیند
 اگر بیند
 اگر بیند

در خواب
 اگر بیند
 اگر بیند

که باین سیرین رحمة الله علیه گوید هر که خواهد که بداند که حال وی نزدیک است یا صلاح چگونه است اگر مردگان صلاح و برادر و خا
 پیداوند و بادی سخنان نیکو میگفتند و کشته روی بودند دلیل که حال وی نزدیک است سبحانه و تعالی نیکو بود و اگر بدینکه
 مردگان بادی سخن ناخوش گفتند و روی از وی بگردانیدند دلیل که حال وی نزدیک است یا سبب بد باشد مغفل رحمة الله علیه
 گوید هر که معاصیات و خطای دیدن و دلیل بر احوال و عذاب کافرو و اگر معاصیات نبود خدا و زمین بود و هر چه
 که جان بکشد خود سخت تر بیند عذاب عقوبت بهتر بود و اگر بدینکه بر کسی از اشیاست دلیل که تاب کرد و اگر بدینکه از پس چاره وی بودی
 در هوا میزند دلیل که بزرگی از آن شهر و سفر میبرد و گمانی رخ گوید اگر بدینکه بر او و او را بر جنازه بنا و در خلق از جنازه و او میزند دلیل که
 و لایق بزرگی یا بد و اگر مرد و بر جنازه کران بود دلیل که بر مرز و قمر و تمکاربود و اگر بدینکه بر جنازه سبک بود دلیل که با خلق نیکو کند و اگر بدینکه مرد
 بر داشت وی بر و دلیل که مال حرام یا بد و اگر بدینکه زنده بر و او را بر تخت خواندند و آن تخت بر کف بنا و دلیل
 که بخندمت پادشاه بود و دوازدهی منفعت و راحت یا بد و اگر بدینکه بر و زنده شد دلیل که آتش بر خراب کرد و اگر بدینکه
 باره بر و دلیل که از فرزندان او کسی بمیرد و اگر بدینکه فرزندی از آن او بر و دلیل که او اگر شود و نیکو بدینکه از دشمن این شود
 و اگر بدینکه پدر و مادر وی بر و دلیل که کارش شوریده شود و اگر زنی بدینکه آتش بر و و مردم بروی میگردانند
 دلیل که او را پسری آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بدینکه مرده بار و دیگر بر و بر کف بر و بلکه آتش بر و میگردانند
 که از این سبب وی بیکبار برنی کند و شادی و خرمی بود و اگر بدینکه بر کدی زمان و مردان و خان بر و آتش و نوحه میگردانند
 که اهل بیت او را غنی و اندامی رسد و اگر زنی بدینکه بر و او را بشنوند و بر جنازه بنا و دلیل که سخن نیکو گوید اگر بدینکه او
 و من کرد و دلیل که بد باشد مرده زنده شدن که بانی رحمة الله علیه گوید اگر بدینکه مرده زنده شد دلیل که حال وی
 نیکو شود و خاصه که مرده را شاد و کشته روی بدینکه مرده را مرده بدیند و دلیل که حال بروی بد باشد خاصه که سرش
 بود و اگر کسی بدینکه بر و او را که مرده است زنده و خرم و کشته روی و با جامه پاکیزه بدیند و دلیل که دولت و اقبال
 و کارش سخته کرد و اگر تا در زنده بدیند و دلیل که از غم فرج یا بد و اگر زنی بدینکه پسری زنده شد دلیل که غیبت از سفر یا بد
 و اگر بدینکه مرده بیکانه زنده شد دلیل که احوال خویشان آن مرده نیکو شود و اگر بدینکه زنده بر و تا ویش بخلاف این بود
 و اگر بدینکه مرده را زنده کرد و دلیل که کافریست می مسلمان شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده بر و خود را تر و تر
 و غمگین و با جامه های چرکین بدیند و دلیل که دولت و اقبال وی نقصان گردد زیرا که در سراسر حق است هر صفت کسی مرده
 و خواب بدیند و دلیل بر احوال زنده بود و اگر کسی بد و خود را یا پدر و مادر خود را کشته روی و با جامه های پاکیزه بدیند و دلیل که
 بسیار یا بد و اگر بر و خود را بدین صفت که کریم زنده بدیند و دلیل که شرف و بزرگی و جاه یا بد و اگر بخلاف این بدیند و دلیل
 بخلاف این بود و گمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را و خواب دید و پرسید که تو مرده گفت نه بلکه زنده ام و دلیل که سخن
 مرده نیکو دران جهان باشد و حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود باشد و تعالی و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا

بَلْ أَحْيَا عِنْدَ رَبِّهِمْ يُؤَدُّونَ فَرَجَيْنَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَإِنَّ آيَةَ دَلِيلٍ سَتَبْرَأُكُمْ مِنْ كُلِّ مَرْدَةٍ كَوَيْدٍ
 گوید و اگر بیند که مرده خرم و شادمان بخانه خود رفته است دلیل که صدقه و دعا بدو میرسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که
 مرده بخانه خویش در کنار گرفت دلیل که تنه است و سلامت بود و اقبال و دولت یابد و از آن مرده بخانه خویش او
 بود و دعا و صدقه از وی چشم دارد و اگر کسی مرده از اهل بیت خود شادمان بیند دلیل که حال اهل بیت وی بشادی و
 خرمی بود و اگر مرده را ترش روی و غمگین بیند تا و پیش مخالفین بود و اگر بیند که مرده از اهل بیت خود بر روی حجت و
 بلوی مناظره میکرد دلیل بر روی از وی بر داند دلیل که امر زده و وصیت کرده باشد و وصیت او بجا نیامده و مرده باشد و اگر
 بیند که مرده شاد و خندان بر روی است آید دلیل که دعا و صدقه بوی رسیده است و اگر مخالفین بیند دلیل که در حق وی
 تقصیر کرده باشد و اگر بیند که مرده با وی نیکی گفت دلیل که حال وی نیکی رود و اگر سخن بدگفت یا او را وصیت کرد و تا و پیش بد
 و اگر مرده با وی سخن از علم و حکمت گفت یا او را مسو عظمه کرد و پند داد دلیل بر خیر و صلاح وین و دیانت خداوند خواب بود و اگر
 را بهتر و نیکوتر بیند از آنکه در زندگانی بود و جامه پاکیزه داشت دلیل که خاومت کارش بخیر و سعادت بود و اگر مخالفین بیند
 دلیل که مرده از عذاب خدا تعالی امین باشد و عاقبت محمود بود و حاکم متبرک بود اگر بیند که مرده دست در گردن او دارد و در کنار
 گرفت دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که مرده التفات نکرد و سخن نگفت دلیل که بیننده را از بر روی صدقه باید داد و او را بدعا
 یا کند و اگر مرده را ترش روی و غمگین بیند دلیل که عاصی و گناهکار بود و اگر مرده بخندید و باز نگوشت دلیل که آن مرده مسلمان مرده
 و اگر مرده سیاه رو بیند دلیل که کافر مرده باشد قوله تعالی فَأَمَّا الْكَاذِبُ فَذُوقْهُ وَجْهَهُمْ أَكْهَرُ ثُمَّ بَلَلْنَا نَمْرًا فَذُوقْ
 الْعَذَابَ بِمَا كُنْتَ تَكْفُرُ و اگر مرده را در مانده و بجا مرده بیند دلیل که حال مرده بد باشد استعیل اشعث حمله شد علیه
 اگر بیند که مرده در نماز بود دلیل که امر زده و زندگی استغفار بسیار کرده باشد و متبرک گفته اند که مرده را بجای حاجت ثواب است
 دلیل که بیننده خواب طباعت و نماز کامل باشد و اگر مرده را در جائیکه زندگی نماز کردی در نماز دید دلیل که پاک و پیر مرده و صلاح
 عاقبت زنده بود و مرده چیزی را و آن و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که مرده ویرا چیزی از متعلق دنیا و دلیل که از بجا
 که امید دارد چیزی بوی رسد و اگر بیند که مرده چیزی را خوردنی و آشامیدنی بود یا در بخور و دلیل که روزی ملال یا در اگر بخور و آشامید
 بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از جامه خود چیزی بوی داد و در پوشید دلیل که او را از مال نفس غم مانده و رسد و اگر جامه پوشید
 و پنهان مرده در پوشید دلیل که از دنیا رحلت کند این آخرین حمله شد علیه گوید اگر بیند که مرده دو جامه بسته و بدو داد و از آن جامه
 در پوشید و باز پیرون کرد و بر دم داد دلیل که او هیچ زیان نبود بلکه مالش زیادت کرد و اگر بیند که جامه خود بر دم داد و گفت
 که جامه بدو یا بسوز یا بنگاه دار دلیل که او را غم مانده و رسد و اگر بیند که مرده جامه خود را بجا ریت بدو داد و دیگر باره از وی
 طلب میکرد دلیل که آن مرده را در بجا باشد و اگر مرده جامه بسته بدو داد و دلیل که خداوند خواب در ویش کرد و اگر جامه نبود که بپوش
 دلیل که عزت و بزرگی یابد و اگر مرده او را جامع کلام الله یا کتاب فقه و آنچه بدین مانده و او دلیل که توفیق خیرات و طاعات یابد و اگر

این
 است

این
 است

که آنکس مفسد و بد بخت بود مرغ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگتر بود دلیل که بهشت در آنجا طلب کند که
 عظیم تر باشد و اگر ببیند که مرغ آن بسیار در جایگاهی بانگ میکند و دلیل که اهل آن موضع را غم مصیبت رسد و اگر ببیند که خانه مرغ
 داشت دلیل که او را فرزندی آید که تانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مرغ با وی سخن گفت دلیل که کارش بلند شود و اگر ببیند
 که مرغ در دست او برود دلیل که اندوگین شود و اگر ببیند که باز بر پشت مرغ ننهد و برود دلیل که بدان مرغ منسوب باشد
 او امضرت رسد و اگر ببیند که مرغی تازه گوشت از اندام وی بر بود دلیل که مال او بزرگتر باشد و اگر ببیند که گوشت از اندام خود میبرد
 پیش مرغ می افکند دلیل که از مال خویش چیزی بکسی بخشد و اگر ببیند که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش می افکند دلیل که مال آن
 و بد آنکه تاویل هر مرغی دلیل کند بر آنکس که مرغ بد منسوب بود و این ماقول بیان کرد و ایم مغربی رحمه الله علیه گوید هر مرغی
 نحاس بود که غلام و کثیرت فروشد استخیر الله و اگر ببیند که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش می افکند دلیل که مال آن
 لشکری بیگانه در آنجا رسد و اگر ببیند که مرغ چشمتی وی بر کند دلیل که در دین او از کسی تباهی رسد و اگر ببیند که خون مرغ
 میخورد دلیل که بقدر آن نقصان مالش رسد مرغ ابی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مرغابی در تعبیر بهتر از مرغ آن دیگر است
 و اگر ببیند که مرغ ابی فرا گرفت یا کسی بود یا او دلیل که مال و نعمت و بزرگی یا بد و بکام دل برسد و اگر ببیند که مرغ ابی بسیار در چرخ
 شد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و هر دشمن ظفر یا بد که تانی رحمه الله علیه گوید مرغ ابی معیشت بود و اگر ببیند که مرغ ابی بخت
 یا کسی بود یا او دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یا بد و استخوان وی همه مال و نعمت بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مرغ ابی
 جانی میداشت دلیل که در آنجا مصیبت و غم بود و اگر ببیند که بچه مرغ ابی را گرفت یا کسی بود یا او دلیل که او را فرزندی آید و حقیر
 صادق رضى الله عنه گوید دیدن مرغ ابی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال و دم بزرگی سوم در پاست چهارم فراموشی و زوال
 که مرغ ابی گاهی در هوا و گاهی در زمین و گاهی در آب باشد چنانکه خدا در این سبب است که هر که مرغابی در خواب ببیند هر
 مرادیکه خواهد بیا بد هر دو مان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مردمان بسیار جامه های سفید بپوشند و دلیل بر این است که
 و پاک دینی وی بود و اگر ببیند که مردمان جامه های سیاه و چرکین بپوشند تا و پیش خلاف این بود و اگر ببیند که جامه های کبود و
 دلیل مصیبت و اندوه بود و اگر ببیند که جامه های نو و فراخ بپوشند و دلیل بر عیش و فراخی نعمت بود و هر غرار ابن سیرین رحمه
 الله علیه گوید اگر کسی بخواهد مرغزاری ببیند که جوهر نباتی او نشاء و دلیل بر دین و سلام او بود و اگر ببیند که میان مرغزار
 بود و آن مرغزار ملک او بود بقدر مرغزار دلیل بر عقاود دین پاک وی باشد و اگر مرغزار ملک دیگران بود و او نشاء کرد
 دلیل که صحت او باندگان باشد و اگر ببیند که در مرغزاری خوش و خرم میکشند دلیل که عیش بروی فراخ شود و کار او بنظام گردد
 و مرغزار در خواب مردی بزرگوار نبود بقدر بزرگی و نیکی و اگر مرغزار سبز و پاکیزه ببیند و داند که ملک اوست دلیل که او با
 بامردی بزرگ پیوندد و دوازدهوی خیر و نعمت یا بد و اگر ببیند که بوقت بهار در میان مرغزاری بود خوش و خرم و گلها و درختان
 در وی شکفته بود و جوی آب در وی روان بود و دلیل که مرگ وی با شهادت بود و اگر بوقت بهار مرغزاری ببیند با شهادت

در آنجا طلب کند

در آنجا مصیبت

در آنجا مصیبت

در آنجا مصیبت

معروف یا مجهول که گل و ریاحین از وی سبز شده بود و دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد که آنرا از خدمت چشم خویش جدا
مانده بود و اگر مرغزاری خوش و خرم بیند از سبزه و گلها و آب روان بیاید و آن مرغزار را از هیچ برکنده و خراب گردانید که
پادشاه اند یا راکمک مغاجات رسد مغربی رخ گوید اگر بیند که در مرغزاری درون شده و در آن جاشیلان و درویش که پادشاه اند ظاهر
و شکر بود و اگر در آن مرغزار گوشت پندار و پادشاه اند یا راکمک بسیار حمله شود و اگر در آن مرغزار کاه و خزان دید و دلیل که لشکر پادشاه و سوار
و برایشان عتقاد باشد و اگر بیند که در مرغزار گل و ریاحین جمع کرد و بخانه برد و دلیل که او را پادشاه خیر و منفعت رسد و شیلان است و حمله اند که
مرغزار و خوابان بود و اگر بیند که در مرغزاری سبزه خرم رفت و در آنجا مقام کرد و دلیل که در آنجا از پیغمبر و خبر وی بزرگی کند و اگر بیند که مرغزار خرم
بود و دلیل خلاف این بود و جعفر صادق علیه السلام گوید دیدن مرغزار و خواب برفتن و جبهه بود یکی بین و دوم عتقاد و سوم معیشت و نظام
چهارم پادشاه و پنجم مرد بزرگوار و ششم خیر و منفعت و هفتم یافتن مراد و هفتم بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که مردم در آنجا
خسته و دریش میهند و دلیل بر خیر و صلاح کار دین او باشد و اگر بیند که مردم میخورند و دلیل که حرام خورد یا نداده و مضرت بد و رسد
و اگر مردی بیند که مردم بکسی داد و دلیل که فرزندان مرد و اخیر و منفعت رسد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم براندام خسته یا
دریش نهاد و آن مردم گوشت میخورند و دلیل بر نقصان مال می بود و مر و ارید و انیال علیه السلام گوید مر و ارید در خواب فرزند
یا فرزند کینک بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید مر و ارید در خواب کینک خبر وی بود یا زن با جمال اگر بیند که مر و ارید بسیار
چنانکه در شمار نیاید و دلیل که بعد مر و ارید او منفعت رسد و بعضی معبران گویند که چون مر و ارید پیرانند و بیند دلیل بر سخن حکمت
بود و بعضی گفته اند دلیل بر سیران و دختران بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر چنین بیند و دلیل بر زنان و دختران کند و اگر
که مر و ارید بسیار داشت و دلیل که بعد از آن مال یابد و اگر بیند که از دامن وی عقد مر و ارید بیرون آمد و دلیل که از دامن وی کلام
از علم و حکمت و مثل آن بیرون آید و اگر بیند که مر و ارید میخورند و دلیل که علم و توحید و سخن حکمت را بپوشاند یا آنرا فراموش کند و اگر
بیند که در منزل یا در راه عقد می مر و ارید کسرت و بیشت و دلیل که در راه علم و حکمت تصنیف و تالیف بسیار بود و مردم از کلام وی
علم و دانش حاصل کنند و اگر بیند که بجای هر نیم مر و ارید میسوزند و دلیل که علم و حکمت بسیار بر مردم آموزد و که سبزی علم و حکمت
و اگر بیند که مر و ارید بسیار داشت و او دیندار و پارسا بود و دلیل بر زیادت و قی و دین و دیانت وی کند و اگر تو اگر بود و دانش یا داشت
که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مر و ارید داشت و دلیل که او از فرزندی خویش آید چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید فرمود
است **كَانَ نَهْمُهُ لَوْ لَوْ مَكُونٌ** و اگر مر و ارید بزرگ بیند چنانکه از حد گذشته بود و دلیل که مال بسیار او حاصل گردد و اگر بیند
که مر و ارید را بفر و خست و دلیل که علم و ترازان فراموش کند و اگر بیند که مر و ارید در دامن انداخت و فر و بر و دلیل که او را حق تعالی
علم و حکمت روزی کند و اگر بیند که مر و ارید را بجای مجهول بیند اخت و دلیل که در حق کسی کاری کند که آنکس قدر آنکار نداند و اگر
بیند که عقد مر و ارید در دست بسته داشت و دلیل که مر و ارید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مر و ارید بسیار داشت
و دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن و حکمت روزی گرداند و اگر بیند که از دامن وی یکت یکت مر و ارید گر نماید بیرون می آید و دلیل که

سخنهای نیکو گوید و مردم آنرا به پسندند و اگر بیند که عقد مروری از دست او بیفتد و شکست دلیل که بسیار گوید سهیل شمس
 علیه که دیگر بیند که مروری بدسترسین وان با بجای پیدا کند دلیل که علم و حکمت و پیش مردم نادان گوید و اگر بیند که مروری بدسترسین
 یا شکست دلیل که کاری کند که خلاف شرع بود و اگر بیند که مروری در زیر پای وی شکست دلیل که فرزندش بسیر و اگر بیند
 مروری در خصب وی بیرون آید و آن مروری در سواخ نداشت دلیل که او را دختر می آید و اگر بیند که عقد نامی مروری در گزین
 دلیل که از هر که بد علم مملکت و اگر در گزین کسی بست دلیل که آنکس را علم و حکمت آموزد و اگر بیند که گوشواره مروری در هر دو
 داشت دلیل که قرآن حفظ کند و اگر بیند که مروری در بخوار داشت دلیل که بقدرا آن مال مملکت حافظ مغربی رحمة الله علیه گوید
 بیند که مروری در فروشی میکرد و دلیل که آنکس را پسند و مصلح بود و از هر علم او را بهره باشد و اگر آنکس را اهل علم نبود دلیل که او را فرزند
 بسیار حاصل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین مروری در خواب برش وجه بود یکی قرآن و دوم حکمت و فرسنگ سوم مال
 چهارم زن چشم گیران با جمال ششم فرزند نیک و مروری در فروش و خواب کسی بود که فرزند آن مال بسیار دارد و علم دین و دنیا
 مروری در آن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروری در خانه وی کار میکرد و دلیل که میرا با خویشان پادشاهان و
 ائمه و از ایشان مفارقت جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه کسان مروری میکرد و دلیل که بجاری صاحب کفا
 شود و خدا و در خانه را کسی خصوصت افتد و اگر بیند که مروری در خانه وی کار میکرد و دلیل که نمکین شود سهیل شمس
 علیه گوید اگر بیند که مروری در خانه وی خاک میکشید و دلیل که بقدرا آن مال و نعمت حاصل شود و اگر بخلاف این بیند
 و دلیل که مال وی نقصان شود و ثرکان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ثرکان در خواب گنبد داشتن برین باشد اگر کسی بخوابد بیند
 ثرکان وی جنبید و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که ثرکان چشم فرو ریخت و دلیل که در دین وی فساد بود و کافری رحمة الله علیه گوید
 بیند که ثرکان چشم وی باز نماند و دلیل که بقدرا آن مال و از آن مال بود و اگر بیند که ثرکان چشم وی جنبید و دلیل که بیمار شود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین ثرکان در خواب بر چهار وجه بود یکی گنبد داشتن برین دوم دست موافق سوم مال
 و روزی چهارم خرمی بقدرا فرزند فی الجمله بر خیر و شر که بر ثرکان بیند و دلیل برین چهار وجه بود و هر طور ما ابن سیرین رحمة الله
 علیه گوید مروری در ناخوش بود و در آن چربی باشد و دلیل بر خیر و منفعت کند و چون ترش و ناخوش بود و دلیل
 حضرت و غم بود مس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مس از جبهه چووان باشد و اگر بیند که مس داشت و دلیل که بقدرا آن مال
 مال حاصل شود و کافری رحمة الله علیه گوید آوند مس بر شتر و افاقه و آنچه بدین ماند جمله دلیل که خدای بود و خرمی رحمة الله
 علیه گوید اگر بیند که مس یکدخت و صاف پاکیزه کرد و دلیل که کاری مشکل بر دست وی کشاد کرد و گوید که مال حلال است
 دست آورد و مستی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مستی در خواب مال حرام بود و در نماز کجایی کرد و چنانکه در کلام مجید فرمود
 تَرَكُوا لِي تَبْلُو الْبَرِّ الْمَوَالِ الْفَقْرُ وَالصَّلَاحُ وَالْعَمَلُ سَكَاوِي الْحَرَامِ رَافِي رَحْمَةِ اللَّهِ عَلَيْهِ وید مستی در خواب چنان
 شرب بود و دلیل که بقدرا مستی ترس بر عظیم بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مستی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم

سوم ناتوانی و نقصان چهارم ترس و بیم بقدر آن مسجد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مسجد اکاوان بنا و ایل مردی عالم بود که
 مردم نیز دیکت او بسیار آید از بهر صلاح و حق تعالی در کلام قدیم فرموده و قوله تعالی وَمَسْجِدَ الْجِدِّ کَوْفَرُهَا اَسْمَ اللّٰهِ کَثِیْرًا
 اگر بنید که مسجد بنا کرد و دلیل که از بهر سلیمان خیر و نیکی کند و از آن اورا اجر و ثواب بود یا قومی بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بر
 و شریعت بداد و مغزنی رحمه الله علیه گوید بنای مسجد در خواب نباد و زن خواستن بود و اگر بنید که مسجدی بنا کرد و اگر دنیا و تمام کرد
 دلیل که زن حلال خواهد از آن دیدار و پارسای بود و اگر بنید که چراغ مسجد بکشت و دلیل که فرزندان اش پیروزند و اگر بنید که در مسجد جامع
 نشسته بود و پیرامن و سبزی رسته بود و دلیل که بروی کمانها بر ند که در وی نباشد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی او را
 مسجد باز داشت و دلیل که آنکس بر وی ستم کند و اگر بنید که در مسجد نماز میگذارد و در وی شوی قبله نمود تا ویش بدو اگر
 بنید که در مسجد دست و روی می شست دلیل که مال خویش در آن مسجد صرف کند و مرا و شرع حاصل شود و اگر بنید که مسجد پیش
 دلیل که عالمی میرد و محبت اش شست رحمه الله علیه گوید که بنا کردن مسجد در خواب خایش بود و جمع کردن مردمان
 که در ضلالت باشند باز صلاح آمدن و غیبت کردن اعدا چنانکه حق تعالی جل و علا فرمود قال الذین عَصَوْا عَلٰی اَمْرِهمْ
 لَنُتَخَذَنَّ عَلَیْهِمْ مِّنْجِلًا و اگر بنید که جایگاهی از ملک می مسجد بکشت و دلیل که درین شرف و بزرگی یابد و خلق را
 بدعت حق خواند و اگر بنید که با قومی مسجد میرفت و دلیل که زنی ستیزگی برنی کند و اگر بنید که در مسجد چراغی برافروخت و دلیل که او
 فرزندی صالح آید و اگر بنید که در مسجد مکه یا در مسجد مدینه درون شد و دلیل که از همه ترس این گردد و جعفر صادق رضی الله عنه
 گفته گوید دیدن مسجد در خواب بر دوازده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس چشم امام ششم خطیب
 هفتم مؤذن هشتم مسجد بنمیر دهم خیر و برکت یازدهم زن خواستن و دوازدهم نیکو کردن و اگر بنید که مسجد او بنم
 می آید است و دلیل که مردم عالم از وی خیر و برکت یابند و اگر بنید که مسجد را عمارت میکرد و دلیل که درستی وین و ایمان وی بود و اگر
 بنید که در مسجد شد و دلیل که از خوف این شود قوله تعالی وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ اٰمِنًا مسجد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که مسجد موزه میگرد و دلیل که او فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند مغزنی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مسجد موزه
 میکرد و دلیل که بضرر و دوران بضرر مال بسیار بدست آورد و کارهای هی نظام گردد و مسکه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 روغن تازه بنا و ایل غایت حلال بود و اگر بنید که مسکه فراگرفت یا کسی نبوی و او از آن بخورد و دلیل که بقدر آن مال حلال
 یابد که تانی رحمه الله علیه گوید مسکه خوردن در خواب گواهی رست و اودن بود و اگر مسکه کو سپند در خواب بخورد و دلیل که او
 مال و نعمت حاصل شود و مسکه کا و دلیل که آنسال بر وی مبارک باشد و بقدر آن خیر و برکت یابد فی الجمله مسکه جانوریکه
 گوشت و حلال بود و دلیل بر مال حلال کند آنچه گوشت وی حرام باشد و دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید مسکه در خواب و دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم گواهی راست سوم علم و دانش چهارم مصیبت مسواک
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که مسواک کرد و دلیل که مال بخیرات خرج کند که در آن هیچ ثواب نباشد مغزنی

رحمة الله عليه گوید اگر بیند که دنیا نهی پیشین را سوا کند و دلیل که با برادران و خواهران خیرات و احسان کند و اگر بیند که همه زندانها را
سوا کند و دلیل که با همه خدیشانی یکی کند مشرق و مغرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن مشرق در خواب دلیل بر بزرگواری
است و بر آمدن آفتاب بر حاجت روائی و فرمان از جهته بادشاهان بود و فرو شدن آفتاب بخلاف این بود و اگر بیند که بجاری
صلاح بشیرق بود و دلیل بر نعمت کند و اگر جای خود بد بیند و دلیل که مرادش بر نیاید و همه حال جای بر آمدن آفتاب بهتر از فرو
شدن باشد و جای آفتاب بر آمدن دلیل از اقبال بزرگی بود و جای فرو شدن آفتاب دلیل از بار و فزونی بود و مشرق شدن
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مشرک بیند که مسلمان شد دلیل که در مسلمان میسر و اگر بیند که مشرک سوی قبله نماز میکند و پیشتر
تعالی میگردد و دلیل که مسلمان شود و نعمت بر وی زیاد گردد و چنانچه الله تعالی فرموده قوله تعالی ان الله نور السموات
والارض مثل نور کواکبه اگر بیند که مشرک در خانه مسلمان می آید همین دلیل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
اگر کسی مشرک را بخواب بیند و بیند که خواب ستور باشد دلیل که طالب علم گردد و بر دشمن ظفر بیاورد اگر ستور نشاند دلیل که با پدر
بد مذنب او صحبت افتد مشکت و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که مشکت با خود داشت دلیل که با او بد و فربنگ بود و همه
کس بروی آفرین گفت و ثنا گویند و اگر بیند که بوی مشکت از وی می آید یا کافور و دلیل که یقین می یابد که پاکیزه و صاف گردد و در راه
حق در آید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مشکت را مسود و دلیل که نیکوئی با کسی کند و اگر بیند که نافه مشکت بشکافت و از آن
مشکت بوی ناخوش می آید تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشکت در خواب برشش وجه بود یکی
زن دوم دوست سوم عیش خوش چهارم کینک پنجم مال بسیار ششم سخن خوش مشکت آب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بیند
سفر باشد و اگر بیند مشکت آب داشت و نوبد و دلیل که بسفر رود و سود بسیار کند و اگر بیند که مشکت آب کهنه بود تا ویش بخلاف
این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشکت آب در خواب برسته وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی مصحف
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مصحف در خواب تاویل علم و حکمت بود و اگر بیند که مصحف بخرد و دلیل که طالب علم بود و دانشمند شود و اگر
بیند که مصحف را بافتن سوخت و دلیل بر فساد دین او بود و اگر آبی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مصحف کشاده و بر سر او دیده نهاد
و دلیل که هر چه کند بقدر آن کار کند و والی آتشگر رود و اگر بیند که مصحف قرآن با وی سخن گفت اگر خیر گفت دلیل بر خیر کند و اگر شر
گفت دلیل بر شر بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مصحف در خواب دلیل بر سخن بود یکی علم و حکمت دوم میراث سوم
امانت چهارم روزی حلال پنجم دین و دیانت مصطکی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند
که مصطکی می خواند دلیل که ویرا گفت گوئی بود و کرمانی رحمه الله غیب گوید اگر بیند که مصطکی باب
میخواند و دلیل که بقدر خواندن با کسی شکایت کند و اگر بیند که مصطکی بافتن بخرد و دلیل که ویرا از پادشاه بجز رسد
مطلبی بخواند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مطلبی از بهر تباری می بخت و آن مطلبی بر موافق بود و دلیل که صلاح و برنج
اگر مطلبی بر موافق نبود و دلیل که صلاح دین از وی بخوید و اگر بیند که مطلبی بخرد و در وی اثر کرد و دلیل که صلاح و تندرستی و خیر بود

تفاوت در خواب

مشکت

سفر

مصحف

مصطکی

مطلبی

علیه که اگر مسلمانان بنویسند که دیگر باره مسلمان شدند دلیل که بر بلا افتاد این گرو و اگر کافر می بیند که مسلمان شدند دلیل که
 حق تعالی مسلمانان روزی کند اگر می بیند که مسلمانان کافر را گفت که مسلمان شدند دلیل که کارهای وی مستقیم شود مغربی رحمة الله علیه
 گوید اگر می بیند که مسلمانان کافر شدند دلیل که در بلا گرفتار شود و خاستگاهش بکفر نبوده و اگر می بیند که کافر می بیند که مسلمان شدند
 دلیل که کسی را از فقر و فساد بازدارد و مسلمانان را از این سیرین رحمة الله علیه که دیگر کسی بخواب سمار بیدار دلیل بر مردی بزرگ بود
 که بجای ایستاده باشد و هم پیوندد و بعضی معتبران گویند که سمار در خواب پادشاه یا امیری بزرگ بود اگر می بیند که مسلمانان بزرگ
 قوی داشت دلیل که او را بامردی بزرگ صحبت افتد و اگر می بیند که چیزی بسمار بدوخت دلیل که تشبیب مردی بزرگوار کارهای بزرگ
 او بصلاح آید و جمع شود و اگر می بیند که سمار شکست یا ضایع شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سمار
 خواب بر چهار وجه بود یکی مردی بزرگوار و دوم مردیکه بامردان عهد پیوندد و سوم امیر یا والی چهارم مکروه و حضرت کارهای مکمل
 این سیرین رحمة الله علیه گوید یکس در خواب مردم سفله و درویش بود اگر می بیند که کسان بروی جفتند یا در چشم و دهان و بینی
 دلیل که کسی سفله مال حاصل کند اما مضرت یا بد و اگر می بیند که کس در گوش می شنود دلیل که اگر کسی سفله سخن برشت شنود که از آن کس
 خاطر گردد و اگر می بیند که بانگ کس می شنید دلیل که از مردم خوف بیدار مانده رحمة الله علیه گوید یکس در خواب مردی حاسد و فزونی
 بود اگر می بیند که سیرین او کسان جمع شوند دلیل که بامردم حاسد و از شغل افتد و اگر در خواب ببیند که کس بسیار در خانه وی می کشند
 که مردم سخن وی گویند و اگر می بیند که کسان او را می کشند دلیل که مردم دون بر خویشان او حسد برند و اگر می بیند که کس ریخت دلیل
 که حاسد از آخرت کند و اگر می بیند که کسان در زیر زمین می کشند دلیل که حاسدان از مال نمان کرده وی بستانند و غنیمت کنند و در
 حضرت رسد یکس انگبین این سیرین رحمة الله علیه گوید یکس انگبین در خواب مردی فراخ روزی و روزی کسب کند
 و اگر می بیند که کس انگبین فرا گرفت یا کسی بود یا دلیل که بقدر امان و غنیمت حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر می بیند که
 کسان انگبین بروی جفتند و او را می کشند و دلیل که برنج مال غنیمت حاصل کند و اگر می بیند که کسان انگبین می خورند
 دلیل که او را بقدر آن زبان و حضرت رسد و اگر می بیند که انگبین از کسان می ستند دلیل که سخنهای باخبر و منفعت
 و از آن فایده بیند مکمل مهارت این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در که بیند دلیل که زیارت کعبه
 کند و حج در یابد و اگر می بیند که بکمال از بهر تجارت رفته از بهر حج دلیل که حرص مال دنیا دارد مغربی رحمة الله علیه
 گوید اگر بیند که در مکمل بصلاح و زهد بود و عبادت مشغول بود و دلیل که در منفعت دنیا باشد
 و اگر مکمل را با دو پیر بیند دلیل که مال و ثمن بر وی فراخ شود و اگر خواب ببیند تا ویش
 بخلاف این بود و طبع این سیرین رحمة الله علیه گوید که در خواب لشکر بود و طبع پنجه درم و دنیا را بود و اگر می بیند که
 شهری یا در موضعی طبع پیدا کرد و در آنجا مضرت رسانید دلیل که بقدر آن طبع و آنجا لشکر جمع شود و اهل آن موضع را
 بلا و رحمت رسد که تانی رحمة الله علیه گوید اگر می بیند که طبع بسیار جمع گردد و در ظرفی می انداخت دلیل که مال جمع کند و بکار

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

دن و ده و اگر بینه که بیست و یک سال در دریا می جمع شد مذنبات آنجا خوردند و دلیل که مان بقیاس در آنجا جمع شود و همه
 بتازاج بهرند و دلیل که خراب کنند منادی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که منادی گذشت و کلامش
 موافق علم و حکمت بود و بر نفس خود صلاح و پارسا بود و دلیل بر خیر و بشارت کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که
 منادی بصلاح آنجانی کرد و دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر منادی بخیر و نیاید کرد و دلیل که مراد آنجانی نباشد و اگر بشیر
 و مناد بود تا ویش بخلاف این بود مناره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مناره در خواب مردی بود که مردی از ارباب
 دین خواند و اگر خواب ببیند که مناره بنا کرد و دلیل که کار خیر کند و جماعتی از اهل اسلام مجیدار و اگر ببیند که مناره
 و خراب کرد و دلیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی گویند که مؤذن آن مناره از دنیا برود و کافی رحمه الله علیه گویند
 در خواب پادشاه یا مردی بزرگ بود و اگر در کوچه مناره ببیند دلیل که بزرگی در آن کوچه برسد و اگر مناره از کج و آغیز
 دلیل که از منتهی سلطان بود و اگر مناره از پشت خام بود و دلیل که آن بزرگ از رعیت بود و دیندار و متواضع باشد و اگر مناره
 از سنگ و آهک ببیند دلیل که آن مهتر یا پادشاه شکر بود و اگر مناره از چوب ببیند دلیل که آن مهتر سفلن و دین است باشد و اگر
 مناره بهر درسی دید و دلیل که آن مهتر عالم و فاضل بود و خلق را بخوار می شریعت خواند و اگر ببیند که مناره مسجد افتاد
 و دلیل که از یکی بزرگان دین هلاک شود و میان خلق تشویش و پراکنگی افتد و اگر ببیند که میان شهر مناره بود و دلیل که
 کند و اگر ببیند که سر آن مناره از منبر یا برنج بود و دلیل که پادشاه ظالم و ستمکار بود و اگر ببیند که سر او از زیا زیا بود و دلیل که
 پادشاه دروغ زن و بیقول و غدار بود و اگر مناره از پشت پخته بود و دلیل که پادشاه که نکش و شکسته بود و اگر خود را بر مناره
 آید و ببیند و دلیل که مقرب پادشاه شود و کارش بنظام شود و اگر ببیند که بر مناره طعام نهاد و دلیل که در آنجا
 پیدا آید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که در مناره بود و بانگ نماز میگفت و دلیل که پادشاه خلق را عذو میکند و اگر
 ببیند که در مناره مسجد جامع بانگ نماز داد و دلیل که عمره آرد و اگر ببیند که مناره بجنبید و دلیل که پادشاه بیمار گردد و اگر ببیند که
 پادشاه مناره را ببنگد و دلیل که پادشاهی بپاید و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند و جعفر صبا و قاضی
 عنه گوید ویدن مناره در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگوار سوم امام چهارم مؤذن منبر
 رحمه الله علیه گوید منبر در خواب سلطان اهل اسلام بود و خیر و شر که در منبر بیند تا ویش بر سلطان کند و اگر خواب ببیند که
 منبر شد و علم و حکمت و خطبه میخواند اگر از اهل نبوت و دلیل که فرزندش یا کسی از خویشان او عالم شود و اگر ببیند که بر منبر
 میخواند یا سخن خلاف شریعت میگفت و دلیل که در میان اهل اسلام به بدی و بدعت رسوا گردد و بعضی از متعبدان گویند که
 بر وار کنند و اگر پادشاهی ببیند که بر منبر بود و آن منبر بقیه و یا بشکست و دلیل که از پادشاهی مغرور گردد و اگر کسی
 الله علیه گوید اگر ببیند که بر منبر شد و خطبه تمام بخواند و از منبر فرود آید و دلیل که از خطابت مغرور گردد و اگر کسی
 ظالم و حکمت و علم در میان مردم میگفت و دلیل که رسوا شود زیرا که از نماز علم گفتن و خطبه خواندن در میان مردم رسوا

و نیز مردان را خواندن هم میان زنان بد باشد و اگر بیند که از منبر بیفتد و اگر عالم بود یا جاهل دلیل که از حرمت بیفتد و در میان مردم خوا
 و حقیر شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر نشاند و دلیل که عالم و مصلح و دیندار شود و بزرگی و عز و جاه یا بد و اگر غصب بود دلیل
 که او را بد زوی بگیرد و برادر کند و هر چند که منبر بزرگ تر و پاکیزه تر منبر منزلت و جاه بلند تر بود و جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید دیدن منبر و خواب بر سرخ و چه بود یکی پادشاه و دوم قاضی سوم امام چهارم خطیب پنجم برادر اگر دین مجتهد بن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مجتهد شد دلیل که پیش پادشاه و بزرگان عزت یا بد و منزلت و بالا گیرد و اما سخن دروغ و محال گوید چنان
 که در خواب سخن از احکام بخم گفته باشد که فی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سخن علم خرم و سهیبت افلاک میگفت دلیل که پادشاه و
 بزرگان او را حرمت دارند و اگر بیند که سخن در احکام بخم میگفت تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سخن
 در خواب مردی دروغ زن باشد که شکر خدا تعالی بخند مجتهد بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در شهر یا در قلعه مسلمان
 سنگ مجتهد می انداخت دلیل که در پس مسلمانان سخنامی بد گوید و اگر بیند که در شهر یا در قلعه کافران سنگ مجتهد می انداخت
 دلیل که ایشان را دشمن دارد و پیوسته سخنان ایشان میگردد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که پیران شهری مجتهد بناده بودند
 و بنامی آن شهر را خراب میکردند دلیل که آن شهر را از دشمن خطر بود و اگر بیند که مجتهد یا شکست یا با تش بسوخت دلیل که با او
 آن شهر بر دشمنان مظفر و منصور شود و اهل آن شهر از ترس و بیم این شوند منبیل و شمار بود این سیرین رحمه الله علیه گوید منبیل که
 خادم بود و هر زیادت و نقصان که در وی بیند بخادم باز کرد و اگر بیند که منبیل بود داشت یا کسی بود یا دلیل که او را خادمی حاصل شود
 و اگر منبیل بنزای سفید بود و دلیل که خادم وی با ویانیت بود و اگر منبیل سرخ بود و دلیل که خادم وی معاشره و سرکش بود و اگر منبیل زرد
 بود و دلیل که خادمش بیمار گردد بلکه در اصل بیمارگون بود و اگر کبود بود دلیل که خادمش مصیبت زده و اندوهگین بود و اگر منبیل سی
 فوطه بود و دلیل که خادمش زاهد بود و اگر بیند که منبیل از پیش یا پنبه بود و دلیل که خادمش با امانت و دیندار بود و اگر از کتان بود
 باشد و اگر از قریب یا بر سریم بود و دلیل که خادمش وفا و متکبر بود و اگر چرمین یا کهنه یا پنبه بود و دلیل که از آن خادم نیکوئی نبود و اگر منبیل
 ضایع شد و دلیل که خادم زوی جدا شود و اگر منبیل بسوخت و دلیل که خادمش بمیرد منشور این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که
 مردم عالم یا زاهد یا مصلح منشور بدو دادند که در آن کامجا فاشته بود و دلیل که صلاح وی در دین و بحالت آخرت باشد سعادت
 دنیا و آخرت یا بد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که دستگاهی نیاید و اگر بیند که پادشاهی منشور بود یا دلیل که شرف و بزرگی یا بد
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که پادشاه منشور بدو داد و در آن شهر مردمان مصلح بودند و دلیل که از پادشاه بزرگ منزلتی عظیم یا بد
 و کارهای وی بنظام شود و اگر بیند که آن شهر خراب و ولایتی درون بود و تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید اگر بیند که فرشته یا پیغمبر منشور بخط فاشته بدو داد و دلیل که حق تعالی او را پیامرزد و از وی خوش شود و رضی شود و اگر منشور
 سیاه بود تا ویش بخلاف این بود منقار این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را انسان مرغ منقار بود و دلیل که بقدره
 منقار مانع حمله کند و اگر بیند که مرغی بزرگ چون اله و کرکس و مانند این او را منقار بزرگوار داد و کرد و دلیل که در این مرغ و منقار

و نقصان مالی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مقدار مری داشت دلیل که بقدر وقت آن مرغ را بر بزرگی نعمت و خیر و
رسد و اگر بیند که مقدار داشت و مرد را به مقدار کند سببند دلیل که مرد را از وی گرفته و رحمت رسد مری آنی بود که از وی فرزند
پیدا آید این سیرین رحمة الله علیه گوید در خواب مالی بود که باید و از آن نشا و شود و اگر بیند که یک سببونی از آن سببی
داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که قضیب می بینی بسیار بیرون آمد دلیل که مال بسیار از کسب خویش حاصل کند اما بقدر
سنی که مالی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از قضیب می آید سببی می رفت دلیل که بقدر آن مال از بیگانه بدور سد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که سنی از وی فرو آمد دلیل که مالی بد چنانکه با ریشالی فرو جلد و مال اخلقنا الا انسان من نطفة امشاج
بیتکلیف الخ جعفر صادق رضی الله عنه گوید مری در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند و دوم زیادتی مال سوم نقصان مال
چهارم بزرگی و چون خداوند خواب بیند که سنی از وی بیرون آمد معتبرا باید که تعبیر بر زیادتی مال کند و اگر سنی نمی آید نقصان مال
بود محمد بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در محله نشسته بود و خداوند خواب سزاوار محمد بود دلیل بر راحت است
و عیش خوش می بود و از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که از محله بیفتاد و ماویش بخلاف این بود که مالی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که در محله نشسته بود دلیل که زنی مهربان خواهد یا کینتری خبر روی خرد و بعضی معتبران گفته اند که محمد در خواب آنجا
و خود مبت بود کسی را که سزاوار باشد و اگر آنکس سزاوار نباشد زندان جای حبس بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید محمد
در خواب دیدن بر پشت وجه بود یکی آسانی و راحت دوم عیش سوم غم چهارم دولت پنجم مرگ ششم اینی بخت
کینک مهربان ششم زن و دیدن محمد در ویشان را بر چهار وجه بود یکی زندان دوم جایگاه تنگ سوم غم و اندوه
چهارم رنج و محنت محمد بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر گل مهر انگشتین نهاد دلیل که خداوند انگشتین بخت
و بزرگی باید و اگر بیند که بر نامه مهر نهاد دلیل که معاينه چیزی بدورسد و اگر بیند که پادشاه یا بزرگی انگشتین بود دلیل که
و خزیند را محسوس کن اگر سزاوار بود دلیل که خزینة بوی سپارد و اگر سزاوار نماند پادشاهی نباشد دلیل که بزرگان یکی
مال خود بدو سپارد و اگر بیند که پادشاه مهر خود بدو داد و سپرد دلیل که از وی بزرگی و منزلت باید و اگر بیند که پادشاه
بر نامه مهر نهاد چنانکه رسم است دلیل که زود ولایت یا بدو حاجت وی روا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید محمد
نهادن بر نامه و کیسه و آنچه بدین مانند بر پشت وجه بود یکی بر تمامی عمل دوم فوت دین سوم ریاست چهارم حقیقت
و اخبار دین پنجم مال ششم دولت و بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرتبت بینند و خواب محمد بن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که مهره یافت یا بخرد یا کسی بوی داد دلیل که بقدر قیمت آن مهره مال بدو رسد یا او را خدشگار
حاصل شود و اگر بیند که مهره پاکیزه و سفید بود دلیل که آن خدشگار مصلح و پارسا بود و اگر مهره سبز بود دلیل که خدشگار
مبارک روی بود و اگر زرد بود دلیل که خدشگار شش بیمارگون باشد و اگر سیاه بود خدشگار شش سخت ل و بد خواب باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مهره در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم خدشگار سوم کینک چهارم مال پنجم آ

و فرستاد ششم فرزند هفتم غلام خود و پسر زیاد شد و نقصان که در ممره بیند بین بخت خیر محمد مصححان ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید بهمانی در خواب اجتماع در چیزی بود اگر بیند که قومی را بهمانی خواند دلیل که کاری کند که انکار او را از همه شغل باز دارد و اگر
 بیند که او را در باغی بهمانی برود که آن باغ پر از میوه های الوان و آب روان بود دلیل که بفرار و دو شهید شود و قول تعالی فیما
 قاکه کثیره و شراب که مانی رحمه الله علیه گوید دیدن مهمانی در خواب که در اینجا جنگ و خانه و نای و رقص بود
 دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و اگر ازینها نبود خیر و برکت و غرضی باشد مغربی رحمه الله علیه گوید بهمانی در خواب دلیل
 بر آمدن غائب بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که عروسی بی کجاست و مهمانی کرد دلیل که او را غم و اندوه
 مورچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مورچه ای مردم بود اگر بیند که مورچه بسیار در چیزی شد دلیل که مردم بسیار در
 وی فرارند و اگر بیند که موران بسیار از سرای او بیرون آمدند دلیل که مردم آن سرای بخوابی دیگر کنند و اگر بیند که مورچه
 بیگانه در خانه وی شد دلیل که در بخانه وی رود و اگر بیند که برتن وی موران بسیاران بسیار جمع شدند یا زدن وی
 بیرون آمدند دلیل که زود هلاک شود مغربی رحمه الله علیه گوید مورچه در خواب دشمنی ضعیف باشد و اگر خانه خود مورچه
 بسیار بیند دلیل که نسلش بسیار شود و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند دلیل که نسلش کم شود اسمعیل اشعث رحمه الله
 علیه گوید مورچه خورد و سرخ دلیل بر مردم ضعیف و سست باشد و موران سیاه بزرگ دلیل بر زدن مالی از این است
 و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند و در هوا می پریدند دلیل که خویشان از سفر باز آیند جعفر صادق رضی
 عنه گوید بین موران تاویل اینست بیند خواب بود و اگر بیند که موران از خانه او بیرون شدند دلیل که احوال آنجا بد باشد و اگر بیند
 رحمه الله علیه گوید مور در خواب مردم زاده و خوش طبع و خوب روی و کامل عقل بود چنانکه دوستی را شاید و اگر بیند که مور در
 که او را با چنین مردی صحبت افتد و از وی منفعت یا بدگمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که درخت مور و شکست
 یا از هائی بر کند دلیل که از صحبت چنین مردی مفارقت کند مغربی رحمه الله علیه گوید مور در خواب مال نعمت
 بسیار بود و بعضی از معبران گویند که مور در فرزند صالح بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مور در خواب
 بر چهار وجه بود یکی مردوران عاقل دوم فرزند صالح سوم مال بسیار چهارم منفعت اگر زنی بیند که دسته مور بسته
 شود هر دو دلیل که کجاست ایشان پایدار بود مور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مور تو اگر از مالی بود و دیدن از آن
 و برکت مور بهترین برکت درختها بود و اگر بیند که مور فرا گرفت یا کسی بود یا دو انگس تو اگر بود دلیل که مالش زیاده
 گردد و اگر بیند که مور میخورد دلیل که منفعتی بی دنیا وی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید مور در خواب بر سه وجه
 بود یکی زیادتی مال دوم زیادتی دین سوم روزی حلال و عیش خوش و بعضی از معبران گویند که اگر بختش بیند که مور میخورد دلیل
 که زنی خوب روی و توانگر زنی کند و از وی منفعت یابد مور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مور در خواب زنان سرشان
 دلیل خیر و نیکوئی کند و در تابستان غم و اندوه بود و اندر موزه و مهران خلاف کرده اند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر

بیند که موزه در پانی داشت و سلاح پوشیده بود و دلیل که دشمن از وی متفکر بود و اگر بیند که با موزه سلاح نداشت
 دلیل که غم و اندوه بیند خاصه که موزه تنگ باشد و اگر بیند که موزه اویم در پانی داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند
 که موزه اویم در پانی داشت و باز که بود دلیل که او را غم و اندوه رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه از پوست میش
 داشت دلیل که بقدر آن مال بدو رسد و اگر بیند که زیر موزه او دریده بود دلیل که زنش میرود و اگر بیند که از پانی موزه سیر
 آورد دلیل که شادی و تفریحی یابد و اگر زن آن بود خلاصی یابد و اگر بیند که موزه از شن بساخت دلیل که زنش میرود و اگر بیند
 که موزه او صایح شد دلیل بر نقصان مالش بود و سر موزه همین تاویل دارد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه شش
 از خانه بد افتاده است دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که موزه بزم بگانه داد یا بفرخت دلیل که زن او مجیر و اگر
 بیند که موزه او بدزدید دلیل که زن او بمیرد و اگر بیند که موزه او بدزدید دلیل که جوانان قصد عیال و کنند و حقه صا
 به منی افتد عه گوید موزه در خواب چون نرم بود و پانیا زاده دلیل بر بخت و جود بود که زن دوم خادم سوم کنیز که چنان
 عوت پنجم حدیث ششم ظفر یافتن بهتم منفعت یافتن موش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موش در خوابی نبوی بود
 که بظاهر مستوره باشد و سیاطن فاسقه بود و اگر بیند که موش را گرفت یا کسی بود یا دلیل که زنی بدین صفت که فقیر
 خواهد و اگر بیند که موش را در طبقه گرفت دلیل که زنی بکر و حیلت خواهد و اگر بیند که موشان بسیار در خانه او جمع شدند
 و جمله کیسان بودند دلیل که بقدر موشان زنان در خانه وی جمع آیند و اگر بیند که موشان مختلف بودند چنانکه بعضی
 سیاه و بعضی سپید دلیل که اختلاف بتاویل آن در شب و روز بود و در خیز است از سید عالم صلی الله علیه و سلم که فرمود
 شب و روز و موش اند که عمر و درامی بید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از سوراخ مینی یا از سوراخ قضیب او
 موش بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه موشان دشتی آمدند دلیل که
 در آنجا زنان نابکار گرد آیند و تعبیر موشان در خواب مال و کالای زن منصفه بود و موش خانگی و دشتی یا بکسان بود
 استغیل است رحمة الله علیه گوید گوید اگر بیند که موش گرفت دوم نداشت دلیل که زنی فاسقه خواهد و اگر بیند که موشی در دست
 وی بود دلیل که او در مصیبت رسد و اگر بیند که موش را بسپای مالید دلیل که زنی فاسقه خواهد و از خود جدا کند و اگر بیند
 که سنگ موش انداخت دلیل که کسی را مسموم گرداند و اگر بیند که موشی در دست وی بود دلیل که زنی منصفه منصفه کند
 و اگر بیند که موش مجزور دلیل که مال زنی منصفه مجزور و موم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موم سپید در خواب مال و نعمت
 بود و موم زرد بیماری و اگر بیند که موم سپید مجزور و دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که موم از وی صنایع شد یا بفر
 دلیل بر نقصان مال او بود مغربی رحمة الله علیه گوید که موم هر زکات که باشد مالی و نعمت بود و اگر بیند که موم سپید
 بود و میخاید بهتر از مومهای دیگر بود و اگر بیند که موم می خواشد دلیل که کسی شکایت کند و اگر بیند که موم با شن بساخت
 دلیل که بقدر آن پادشاه از مال وی بستاند و اگر بیند که از موم شمع میگرد و نیز موم میآید و دلیل که مال خود بخیر و صلاح و خیر

خرج کند و با مردم خود و احسان کند موسیایی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که موسیایی بر غم و اندوه بود و گوید
 بیند که موسیایی کسی بخشید یا از خانه بیرون انداخت و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد سفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بجهت کسی
 اندام موسیایی خورد و صحت یافت تا پیش بخلاف این بود موسی و انبیا علیهم السلام گوید موسی در خواب میبید از غم و اندوه
 و زنا از زینت و موسی چهار پایان مال اندک بود و اگر صوفی بیند که موسی سر او دراز شد و دلیل که او زینت و صلاح یابد و اگر صوفی
 بنمود و دلیل که غم و اندوه بود و بقدر روزی موسی و اگر بیند که قدری از موسی بگریزد و دلیل که غم و اندوه از وی زایل شود
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در وقت حج موسی سر او دراز شد و دلیل که او زینت و صلاح یابد و اگر در خواب
 مدهمائی حرام یعنی رجب و ذی حجه و القعدة و محرم بیند و دلیل که او مالش گذارد و شود و از غم فرج یابد و اگر بیند که موسی تمام
 بستر و دلیل که آنچه گفتیم پیشتر باشد و اگر صاحب خواب آن امیری بود و بیند که موسی سر او دراز شد و دلیل که او مالش گذارد و دلیل که
 الله علیه گوید اگر پادشاهی موسی خود بیند و دلیل بر لشکر بود و اگر رعیت بیند و دلیل بر زیادتی غم و اندوه بود و زنا دلی موسی تن
 غم و اندوه بود و اگر مردی بیند که موسی سر او آشفته بود و دلیل بر زیادتی دین و نقصان او بود و اگر موسی سر او بخفته بود و دلیل
 بر غم و اندوه بسبب مادر و پدر یا جیت همسری بود و اگر سر خود را صلع چند بنا بر زیادتی عیش و شادی بود و اگر بیند که او را بسا
 علو بان دو گیسوی بود و دلیل که همسری یا بدو نیکنام گردد و اگر بیند که موسی خود را میکند و دلیل که کسان وی مال تلف کنند و اگر بیند
 که موسی خود را شانه میکند و دلیل که بر کارهای خود قادر شود و بر منفعت بود و سفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که موسی بوی سر او دراز شد و دلیل که
 صلاح دین وی باشد و موسی بغل ستردن و دلیل بر یافتن مال و مراد بود و نام ستردن موسی بغل و دلیل بر زیادتی تیر و تی بود و اگر
 بیند که در سینه وی موسی بود و دلیل که دام بروی جمیع شود و موسی بر تن و ام بود و اگر بیند که موسی از تن خود بستر و دلیل که نقصان
 مال وی بود و اگر انگشت درویش و دام دار بود و او مالش گذارد و شود و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که انگشت بر تن خود است
 و موسی از تن خود بستر و اگر توانگر بود و دلیل که درویش گردد و اگر درویش بود و توانگر گردد و او استعیل اشعت رحمه الله علیه گوید اگر بیند
 که قدری از موسی فرا بخفت اگر توانگر بود و دلیل بر نقصان مال او باشد و اگر درویش بود و توانگر گردد و او را باشد و او مالش گذارد
 شود و اگر بیار بود و دلیل که شفا یابد و اگر بیند که موسی راهست او مشرق رفت و موسی چپا و مغرب دلیل که او زاد و بوم باشد
 که در مشرق و مغرب نام ایشان مشهور گردد و حافظ معتبر رحمه الله علیه گوید اگر عالمی بخواب بیند که موسی او جفت بود و دلیل بر عیبت
 دولت وی بود و اگر عالمی بخواب بیند و دلیل که لغت و عزت یابد و اگر بیند که موسی میکند و دلیل که امانت گذارد و اگر بیند که موسی زنا زد
 دراز بود و دلیل که او از زانیان رسد و زانی موسی زنا زانیت باشد و اگر بیند که موسی زنا خود می ستر و دلیل که دین وی نقصان شود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دیدن ستردن موسی در خواب بر پنج وجه بود یکی حج گذاردن دوم سفر کردن سوم عز و جاه
 چهارم امینی تجم دولت و بار بیتال در کلام محمد فرمود و محققین رؤی سکتم و مقتصرون اله اگر خداوند خواب را موسی ستر
 عادت بود و دلیل که نیک و بدان سهل باشد می بخیم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که دیدن مال حرام بود و اگر کسی بخواب بیند

که غنی خور و دوست شد و دلیل که بقدر مستی آن جاده و منزلت یابد و اگر بیند که بی می بخفته و خمر مست شده دلیل که ترس و بیم عظیم بود پس
 قوله تعالی لا یؤتی الک الناس سکران الخ مغربی رحمه الله علیه گوید مستی از می بخفته یا شرب بریز رقه زخرون مال لغت است که شود
 و اگر بیند که می بخفته داشت و بهمنامی خورد و دلیل که با مردم جنگ و خصومت کند و اگر بیند که در میان می بخفته عرق شده دلیل که
 در خصومت باک مشغول است و اسمعیل شوش رحمه الله علیه گوید اگر بیند که می بخفته میخورد و دلیل که مال حلال بگرام مسبل گرداند و اگر بیند
 که می بخفته باک صافی بود و دلیل که مال بدست آورد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و نیز گویند که مال از زنان پستاند و اگر بیند که می
 بخفته میخورد و دلیل که چیزی حرام فروشد میخورد این سیرین رحمه الله علیه گوید میخورد خواب برادر بود و اگر بیند که میخورد و بود
 ز و دلیل که برادرش در آنجا که میخورد و مردی فرایر وزیر که دیوار بنا و میل مرد باشد و اگر بیند که میخورد بر سنی به بست دلیل که برادر
 بروی پیوند و اگر بیند که میخورد بر پشت ز و دلیل که از پشت او فرزند می آید که پادشاه بود یا شرف و بزرگی تمام برسد یا
 شود که نام او در تمام عالم منتشر گردد که مانی رحمه الله علیه گوید میخورد خواب بهمه چیزی بزرگی و شرف و زین و دنیا بود و
 بیند که میخورد در خانه او بود و دلیل که بزرگی و شرف یابد و اگر بیند که میخورد از خانه خود بچکند و بیند اخت تا ویش بخلاف این
 و اگر بیند که میخورد از چوب یا از آهن یا از نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن برود و نوع بود یکی آنکه زن خواهد بود
 گیرد و اگر بیند که میخورد در ستون یا در چوب ز و دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد و اگر بر دخت ز و در قرار گشتیا ط کند
 و آن که چه درست بود تا و دلیل از آن درخت کند بدستی یا بکل یا بعلطاب و صمدت مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میخورد از سرخ
 یا از مس بود و بنا میل نیکو باشد و اگر از آهن یا از استخوان بود و دلیل که نیکوئی و قوت کند و اگر بیند که در دست وی میخورد آهین بود
 دلیل که او را فرزند می آید که شایسته پادشاه بود و اگر فرزند دارد و دلیل که مقتضای او را علم و دانش روزی گرداند و اگر دلیل علم تمام
 دلیل که اهل علم و ادب دوست دارند و اگر بیند که میخورد زین یا سپین و زینین ز و دلیل که اگر کس خود تو انگرد و جعفر صادق
 رحمه الله علیه گوید دیدن میخورد خواب بر چهار وجه بود یکی برادر دوم فرزند سوم دوست چهارم زن خواستن همیشه این سیرین
 رحمه الله علیه گوید پیش و خواب زنی بزرگوار بود و شرح آن در حرف کاف بیان کردیم و اینجا نیز اندکی ذکر کنیم اگر بیند که بر نش
 میشی نشسته بود و مطیع او بود و دلیل که مردی بزرگ فرمان بر او را و شود و اگر ماده میشی در جنگ بود و آن ز میشی بروی
 چهره گشت و دلیل که خصم بروی غالب گردد و اگر بیند که شاخهای زه میش بزرگ و قوی گشته و دلیل که انگس قوی و توانگر شود
 و اگر بیند که زه میشی فرا گرفت یا کسی بود یا و دلیل که از مردی بزرگ مال نفیست یابد و اگر بیند که پوست زه میش بچند و گشت
 جدا کرد و دلیل که بر شخصی غالب گردد و مال وی پستاند و اگر بیند که زه میش را از گشتن باز نماید و دلیل که از غم برادر مانی رحمه الله
 علیه گوید اگر بیند که ماده میش با وی جنگ کند و دلیل که زنی با وی کرد و حبست کند و اگر بیند که گوشت ماده میش از خانه وی بخاک می
 شد و دلیل که زن وی بخش کسی دیگر مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زه میش در خواب بر شش وجه بود یکی
 آقام دوم خلیفه سوم امیر چهارم رئیس خشم مال ششم فرزند میوه ه این سیرین رحمه الله علیه گوید میوه که ترش و شیرین بود و دلیل

فراوان

خیر و منفعت بود و هر میوه که خام و ترش و در خوردنش بود و دلیل بر سخنانی پیوسته و سرد باشد و اگر سیاه و آلوده و زیتون لیل
 بر خرم و اندوه بود و اگر میند که از درخت سیوه چید و دلیل که بقدر آن میوه از مری بزرگوار مال یا بد و اگر میند که نشسته بود و از دست
 سیوه می چید و دلیل که آنچه با بد جلال و شایسته بود و اگر میند که بی انگه دست بردخت کرد و میوه بیضا و دلیل که بی بیخ و لب و
 ما جلال حاصل شود و اگر میند که از درخت لجنی سیوه فرا گرفت اگر بوقت باشد باکی نباشد و دلیل بر روزی حلال بود و اگر بوقت
 باشد تا ویشن خلاف این بود و انیال علیه السلام گوید هر میوه که در وقت خود بخواب میند و بخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل
 و اگر میوه بوقت خود نباشد و دلیل که مالش با کسده شود و تاویل بر میوه حاصل درخت باز کرد و خواه نیکت یا بد بود و میوه ما آنچه
 از بود و دلیل بر ماری بود که ترنج و پیرز و اگر که این بر سر نه دنا وین بیان ندارد و میوه ای ترش غم و اندوه بود و میوه ای ترش سینه شیرین
 هند و دلیل بر مری حلال بود و میوه ای نارسیده و ناخوش در خواب لیل بر مال حرم و اندوه و مصیبت باشد و اگر میند که سیوه پستان پستان شیرین و دلیل
 یا ر شود و کافی رحمه الله علیه گوید میوه شیرین در خواب لیل بوقت میند دلیل بر غم و اندوه بود و میوه کز که اگر بوقت خورد و دلیل لکن کار با
 و تنگی حیش بود فی الجمله هر میوه که بنه و تر و خوشبوی و شیرین بود تاویل خیر و منفعت بیشتر باشد اما تمییز شفت حتمه الله علیه
 گوید اگر میند که سیوه میوه درخت اگر میوه باشد که مردم آنرا دوست دارند و دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و اگر میوه ترش
 و ناخوش فروشد و دلیل که غم و اندوه و رنج بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید میوه فروش در خواب چون میوه خوش بوی
 فروشد و دلیل بر شرو مضرت بود و معتبر باید که نیک و بد چنین و چنان اند که که آنرا چگونه باید گفت و خواهی هر کسی را بدان
 نوع فرق تواند کرد و تاویل آن نهادن تا از اصل خطا نیفتد و اما علم حرف النون ما بینا ابن سیرین رحمه الله علیه
 علیه گوید اگر کسی در خواب میند که ما بینا شده است و دلیل که از دین و اسلام گمراه باشد و اگر میند که کج چشم وی گوشت و دلیل
 که نیمه دین وی بشود و یا کنایه بزرگ کرده باشد و بیگانه نام از احساسی وی مصیبت رسد یا شکست کرانی رحمه الله علیه
 گوید اگر میند که ما بینا را دست گرفت و بر و دلیل که گمراه گردد و سخن رحمة الله علیه گوید اگر میند که ما بینا شد و دلیل که کارهای خراب
 بر دست وی بگذرد و اگر میند که کج چشم کسی را کور کرد و دلیل که آنکس را از راه دین ببرد و اگر میند که چهار پای را کور کرد و دلیل
 بر کسی بود که بدان چهار پای منسوب باشد و بر اگر ند و مضرت رسد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ما بینای در خواب
 بر مصیبت وجه بود و یکی در ویشی و دوم بد حالی سوم غم و اندوه چهارم نقصان ششیم مصیبت ششم نقصان مال هفتم تنگدستی
 قوله تعالی **صُمِّمَتْ نَجْمٌ عَجْجٌ فَهَمٌّ لَا يَجْعَلُونَ** و اگر ما بینای خواب میند که ما بینا شد و دلیل که کارهای دنیا بر وی کشاده
 شود و از آنچه نومید گشته باشد امیدوار گردد و از رحمت حق تعالی نصیب یابد و قوله تعالی **لَا تَقْطُطُوا رِجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ**
يَقْطُرُ الْبَلَدَ نَجْمًا ناخن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناخن در خواب و دلیل بر سخاوت و قوم مردم بود و بعضی از مجتهدان گفته اند
 که خداوند سلاح را ناخن سلاح بود اگر میند که ناخن را بمقراض میرد و دلیل که دین وی قوی گردد و کرانی رحمه الله علیه گوید
 در خواب بقوت و توانائی و حاصل کردن مال دنیا بود و اگر میند که ناخنهای وی شکست و دلیل که مال تواند حاصل کرد و اگر

بر نیک

نیت

که ناخن ازین بیفتاد و دلیل که قدری از مال می صنایع شود و اگر بیند که ناخن بقیه دو و دیگر باده برست و زیادت شد دلیل که کار وی نیکو
 گردد و مال بسیار بدست آرد و اگر بیند که ناخنهای او سیاه و کبود شده بود و دلیل بر مصیبت او بود و اگر بیند که ناخنهای او
 چنان دراز شده بود که به هم شکستن داشت و دلیل بر باد شدن ناخنهای او بود و اگر بیند که ناخنهای او بریده بود و مستقیم گشته دلیل بر بستی کار وی
 باشد مگر فی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناخنهای او بحد اعتدال بود و دلیل بر صلاح دین و دنیا می وی بود و اگر بیند که ناخنهای او
 راست میگرد و دلیل که مال بسیار زیاد و ناخن پای و دست را یکتا وایل بود و بعضی از بهر آن گفته اند تا وایل ناخنهای دست
 حاصل کردن مال بود و از آن پای هم حاصل کردن مال بود اما و سفر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن در خواب پیش
 هر چه بود یکی خوب و ثوابی دوم مقدر از مردم در دنیا سوم دلیری چهارم فرزندان پنج منفعت ششم سنده زادگان یا برادرزادگان
 ناخن سپید بعضی مضراض بود این سپید رحمة الله علیه گوید ناخن سپید در خواب مردی بود که قسمت کند اگر بیند که مردی سپید
 برادر یا برادر ناخن بر او جامه سپید و دلیل که این جامه نیکو بود و اگر بیند که کسی ناخن پراویدی و او یا بخیزد اگر سپیدی دارد دلیل که سپیدی
 آید و اگر دختر دارد و دخترش دیگرش آید و اگر ناخن پر او باده بود همین تا وایل بود که ثوابی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی ناخن
 بدو داد یا بخیزد یا بیاقت اگر کسی دارد و دلیل که اسی دیگر بخیزد یا بیا بدو اگر ملکی دارد ملکی دیگر حاصل کند و همه تا وایل بریزد یا
 باشد از چیزیکه یکی باشد دیگر حاصل کند مگر فی رحمة الله علیه گوید مضراض در خواب مردی نیکنام و نیک اصل باشد که با این
 که خوشی کنند و دین و دنیا می وی زیادت گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن پر در خواب بر سر و بعد بود
 یکی مرد قسمت کننده دوم مرد نیک اصل سوم دوست ناموافق ناز یا این سپید رحمة الله علیه گوید ناز یا در خواب
 چون شیرین بود و بگوشت گوشت یا بگوشت مرغان بخته بود دلیل بر خیر و منفعت باشد و اگر گوشت گاوی یا گوسفندی غلیظ
 باشد دلیل بر غم و اندوه بود ناز مشک این سپید رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین او ناز مشک رسته بود دلیل
 که ناز مشک بخیزد و خرمی و خوبی در اندام یا منتظر گردد و اگر بیند که ناز مشک از زمین بر کند تا ویش بپا خیزد بود و کرمانی
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دشت ناز مشک داشت و بوقت غیش بود دلیل که خیر و منفعت یابد ناز بچ و انان
 السلام گوید ناز بچ که نزد است اما بوی خوش دارد و دیدار نیک پاکیزه است و از میوه های بهشت است لاجرم
 در خواب نیکو باشد این سپید رحمة الله علیه گوید ناز بچ در خواب از یکی ناز بچ فرزند بود و اگر بیشتر از سه بود مال باشد
 آن ناز بچ و ناز بچ بهتر باشد و ناز بچ نزد بوقت خود بد نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناز بچ
 بود و بعضی از متحران گفته اند که ناز بچ سبزه در خواب دلیل بر بیماری و غم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناز بچ
 در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست دوم منافعت سوم فرزند چهارم منفعت بود از مردمان با طاف این سپید
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناز بچ بسیار داشت و از وی میخورد و دلیل که او ناز نیک بسیار بدست آید و خیر است
 و احسان بسیار کند مگر فی رحمة الله علیه گوید ناز بچ نیک و ناز بچ دلیل بر نعمت و مال بسیار بود الا ناز

ناخن

خواب

بچه

بچه

بچه

بچه

در خواب
ببیند

ببیند

ببیند

ببیند

ماطف انگیزین بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ماطف انگیزین در خواب برسته وجه بود یکی سخن شیرین و دوم حال
سوم محبت ناف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناف در خواب آن بود که نیکو کند که نیر و دست می باشد و اگر بید
که ناف می بفتد و دلیل که زنا طلاق و دیگر نیکو کش نیست و اگر بید که ناف بریده است دلیل که عیال می میرد و در جهل
و می تباہ گردد و اگر بید که ناف می کوچک نشد تا ویش بخلاف این بود و اگر بید که ناف و سوراخ شد دلیل که در حال
خلل بود یا در مغز رحمه الله علیه گوید اگر بید که ناف یا بیدنه او بهیچ خطی موی برآمده بود دلیل که سنتهای پنجگانه
علیه وسلم راغب گردد و اگر بید که اصل ناف می بریده بود دلیل که از مادر و پدر خود جدا گردد و اگر از ناف تا شکم
شکافه بود دلیل که وانا و غلام گردد و لیکن مالش برود و اسمعیل ثقفی رحمه الله علیه گوید اگر بید که ناف کسی سبزه بود
دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناف در خواب بر پنج وجه بود یکی زن
خبر بر وی دوم کین سوم مال و روزی چهارم پسر نیم مادر و پدر با قوس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناف
در خواب بر وی منافق دروغ زن بود و در هیچ خبر نباشد و اگر بید که ناف و قوس زد و دلیل که بام وی منافق نشیند
و به اتفاق سخن دروغ گوید و در صنادید و اگر ناف و قوس شکست تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن ناف و قوس در خواب بر سه وجه بود یکی دروغ گفتن دوم منافق سوم مهربان نبودن و دشمنی نام
گروانیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نام گردانیدن بخواب اگر نام او از نامها بهتر باشد چنانکه محمد و اب
و سعد و سعید و صالح و آنچه بدین مانند دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آن لقب بدتر از نام و لقب او باشد دلیل بر
و مینا و کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نام نیکو و کنیت نیکو در خواب شنیدن چون ابو الحیر و ابو الفضل و ابو
یا علی و البرکات و مانند این دلیل بر خیر و صلاح کند و آنچه بخلاف این بید چون ابو جهم و ابو لیب و عتبه و شیب و اب
ایضا العنیم و دلیل بر شر و مضرت کند چنانکه در اول کتاب یا و کردیم نامه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید
که نامه سر بسته داشت دلیل که چیزی پوشیده بشنود و اگر نامه سر کشاده داشت دلیل که چیزی فاش بشنود و اگر بید
که نامه سر بسته داشت دلیل که مهر نامه آن خیر بود که بوی رسد که نامی رحمه الله علیه گوید اگر بید که کسی نامه بود
که روی آن نامه بخواند دلیل که از کسی خیر بوی رسد و اگر آن نامه را خواند و دلیل که غم و اندوه بود و اگر بید که غم
نشیند بود و محض داشت و کسی نکش و دلیل که او را شغلی پیش آید که بظاہر نیکو نماید و به باطن غم و اندوه قضا کند و اگر بید
که مهر نامه بکشد و بخواند دلیل که عز و جاه و زیادت گردد و اگر بید که خواب خوانده بود و دید که نامه را بخواند
که عز و جاهش زیاده تر گردد و بعضی از مفسران گویند که اجلس نزد یک آئده باشد حوله تعالی اقول کتبک کف
بففسک الیوم حکمت حسیدا مضری رحمه الله علیه گوید اگر بید که نامه پادشاه بدو داد و اگر نکشاد و بخواند
دلیل که غم و اندوه بود و اگر برکشاد و بخواند و بشارت بشنود دلیل بر شادی و غم می و منفعت بود و اگر سخنهای

در این

ناخوش نباشد و دلیل بر عیش ناخوش و ترس و تنگدست بود و اگر بینه که نامرید بر بیاض و بپاوشایی و او دلیل بر خیر بود
 بود و تمجیل شوش رحمة الله علیه گوید اگر بینه که نامه از آسمان بدست او آمد دلیل خیر و امیدواری بود و کارهای وی با
 بدان حاجتی که خواهد و اگر بینه که سخنهای ناخوش نباشد و دلیل که کارهای او بر نیاید تا چنانکه انبیا علیه السلام گوید
 تا نهایی پاکیزه و در خواب عیش باشد و اگر بان پاکیزه نباشد و دلیل که عیش ناخوش بود و اگر بینه که نان خرید و بخانه برود و دلیل بر خیر
 و منفعت بود و روزی فراخ از مال حلال بود و اگر بینه که نان کسی داد و دلیل که راحت با آنکس رساند این سیرین رحمة الله علیه
 گوید اگر بینه که دو سه نان یافت و دلیل که از غم و اندوه برهد و شادی و راحت یابد و اگر بینه که در جانی مجبور نیم نان یافت
 و دلیل که نیمه عمر او گذشته بود و اگر بینه که نان یافت و نتوانست خورد و دلیل که اجلس نزدیک رسیده باشد و اگر بینه که
 نانهای بسیار داشت و نمیخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بینه که نان گرم میخورد و دلیل که نان و بی نوبت رسد که نانی حرام
 الله علیه گوید نان گرم بخواب دیدن دلیل بر عیش و راحت کند و نان خشک بخلاف این بود و سبوس خوردن و دلیل بر فقر و تنگدستی
 بود و نان گرم و پاکیزه خوردن و دلیل بر عدل و انصاف پادشاه بود و نان کاو و مس دلیل بر تنگی عیش و پر بریز کار می بود و نان
 جوین خوردن و دلیل بر بزدلی و مردود و نان برنجین و دلیل بر سختی و تنگی کار و نان کند و نان حدس و نان با قلا و دلیل بر غم و اندوه
 کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که نان خشک میخورد و دلیل که روزی بروی فراخ گردد و بعضی گفته اند که خوردن نان خشک
 در خواب دلیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بینه که نان کرده بر پیشانی او نباشد و دلیل که درویش گردد و تمجیل شوش رحمة الله علیه گوید تا نان
 نان بر او مردوم بزرگ در نیاست و اگر سلطان یک نان بخواب بینه دلیل که ملکش زیادت گردد و اگر باز در کان بینه دلیل
 که مالش زیادت شود و یک نان از بیکم تا بر او مردوم باشد بقدر شخص اگر رعیت بینه ضیاع و قمارش زیادت شود و مال
 گوید هیچ چیزی بخواب دیدن بهتر از نان نباشد زیرا که نان در خواب مال حلال بود که بیخ بدست آمد و نان بخفتن و خواب
 بتاویل کار کردن باشد و طلب محبت و تعجیل کردن آمدن نان بزرگی حاصل کردن باشد مال جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 نان در خواب بر چهار وجه بود یکی عیش خوش دوم مال حلال سوم ولایت شهری چهارم خیر و مروت و دانکه نان در خواب
 کسی بود که طلب مال کند و اگر بینه که نان باشد دلیل که بسیار مال بخت و خصوصیت جمع کند و بعضی از معبران گفته اند که نان
 در نان و شاه عادل بود ناخواه این سیرین رحمة الله علیه گوید ناخواه و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بینه که ناخواه کسی را
 یا بینه که دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و در دین و خردن ناخواه هیچ منفعت نباشد بخیر غم و اندوه ناودان این
 سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بینه که نان و دان آب از باها فرومی آمد و دلیل که در مقام جنگ و خصومت و
 خونریزی پدید آید و اگر بینه که باران نمی آید و از ناودانها آب فرومی آمد و دلیل که مردم آن موضع از پادشاه و مسافران
 و رنج رسند و اگر بینه که باران بود و از ناودانها آب فرومی آمد و دلیل که از حق تعالی اجل و علایق آن موضع عافیت است
 باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که ناودان بر بام خود نماد و دلیل که از بزرگی شفاعت یابد و اگر بینه که ناودان خانه او

در این

گفتار و عسکت دلیل که تا ویش بخلاف این بود اگر میند که تا و این سین یا آهین بود دلیل که بنظام کارش ستم باشد و اگر
 که از او دن کسی آب فرا گرفت دلیل که بقدر آن کسی منفعت یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید تا و این در خواب بر شد و خوب بود
 درین شهر و دم ستر سوم خیر و منفعت اندک نامی زدن این سهرین رحمة الله علیه گوید نامی زدن در خواب دلیل غمناک و ده و ده
 بود و شنیدن کار نامی دلیل غم و فکر بود و اگر میند که نامی میر و دلیل که غمناک و ده و ده که زدن نامی رحمة الله علیه گوید نامی زدن کسی
 که خیر بودم برساند و در نامی زدن خیر نباشد نبات این سهرین رحمة الله علیه گوید بهر نامی که بوقت خود میند که او را ساق نباشد
 دلیل خیر و منفعت کند و هر نامی که او را ساق و پیشانی شقی باشد دلیل با فرونی مال نعمت و جاهد بقدر بصری و کوکابی و بیک
 و بار یکی شاهجای وی بود اگر میند که بر تن وی نبات یا گیاه یا درخت برست دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و هر چند
 بیشتر میند خیر و منفعتش بیشتر باشد و چون میند که بر چشم و گوش و زبان وی نبات رسته بود دلیل که او را بزرگی زیادت کرد و اگر نامی
 رحمة الله علیه گوید نبات زمین در خواب نعمت و مال بود و خوشتر و دم خاص و عام را اگر میند که در زمین که ملک او بود نبات
 بود دلیل که بسینده خیر و دین دارد و مسلمان بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبات در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم
 منفعت و بزرگی و جاهد سوم معیشت خوش چهارم زادنی دولت نبات جلای ابن سهرین رحمة الله علیه گوید نبات جلای
 دیدن سخن خوش بود و چون بسیار میند دلیل بر مال و نعمت کند و اگر میند کسی نبات در دهان وی نهاد دلیل که از آنکس سخن خوش
 یا بر او سود دهد که نامی رحمة الله علیه گوید اگر میند که بخوار نبات داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید نبات جلای در خواب بر پنج وجه یکی سخن خوش دوم بوسه دادن سوم منفعت و مال چهارم فرزند پنجم روزی طلال نباتش کسی
 که سخن از مردگان بگوید نزد وی ابن سهرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که نباتش شد اگر آنکس از ابل علم بود دلیل که عمر او
 و طلب دنیا می باطل باشد و عمر خود را در این ضایع و صرف کند سفری رحمة الله علیه گوید اگر کسی میند که کفن بسیار و جگر دلیل که
 شود و علم و حکمت حاصل کند و بعضی از عجمان گفته اند که مال حرام جمع کند و از مردم مالست و سرزنش یابد و نویسنده و انبیا علیهم
 السلام گوید اگر میند که چیزی می نویسنده و نویسنده باشد دلیل که بیکر و حیل مال کسی است یا نه و کار ناکردنی بکند و اگر میند که از بهر پادشاه خیری
 می نیست دلیل که مال و نعمت بسیار یابد و اگر میند که از بهر مردم عامی نیست دلیل که دل مردم بخیر نیست بیکر و حیلت گرم کند
 ابن سهرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که ناگاه نویسنده شد دلیل که بیکر و حیل روزی از مردان بدست آرد و اگر مردی عالم باشد
 میند که نویسنده میگرد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر میند که شعر و غزل یا مسانه می نیست دلیل که بغفل و بیاهمیت است و اگر
 در غزل آخرت فرو گذارد و اگر میند که قرآن و توحید و دعوات می نیست دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر میند که از
 نیست و در آتش سخن بود دلیل که قایل به ناپسند تعبیل است رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که خطا بهتر می نیست دلیل که
 بین و دانت او ضایع گردد و اگر فاسق بود یا بگرد و اگر میند که بسری می نیست دلیل بر عیش و عشرت دنیا کند و اگر میند که نزدیکی
 نیست دلیل که بسیار گردد و اگر میند که بسری می نیست دلیل که ناسخ و خرمی در اندازد و اگر میند که بزرگ و سیم می نیست دلیل که

خبر
نیت

پادشاه خیر و منفعت یا بد و ضرر صادق رضی الله عنه گوید بشتن در خواب بر چند وجه بود یکی خیر و منفعت دوم مال و نعمت سوم بد و حرام
چیزی یا مکرر در چهارم مغرولی عمل نمیدانم این سیرین رحمة الله علیه گوید نمیدانم در خواب ابرام بود که بخت و خصوصیت برسد
و اگر نمیدانم که در نمیدانم غرق شد و دلیل که در فتنه عظیم افتد و اگر نمیدانم که در خانه او نمیدانم بسیار بود و دلیل که بقدر آن از دست رفتی بد و منفعت رسد
که باقی رحمة الله علیه گوید اگر نمیدانم که خورد و مست شد و دلیل که خونی و ترسی بد و رسد و اگر نمیدانم که نمیدانم با دیگران میخورد و دلیل که بقدر آن که
خورد و بود بخت و خصوصیت کند و اگر نمیدانم که در جوی یا در رودی نمیدانم رفت و او در میان شما میگرد و دلیل که در فتنه افتد و اگر نمیدانم که بیا که
در دست او بود و نمیدانم و دلیل که بسبب معیشت دنیا بخت و خصوصیت کند مغروری رحمة الله علیه گوید اگر نمیدانم که نمیدانم با بخت
بود میخورد و دلیل که مالی بدست او افتد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و اگر نمیدانم که نمیدانم میفروخت و دلیل که مال بر او بد و خورد
نمیدانم و دلیل که بر غزل بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نمیدانم در خواب برسته و وجه بود یکی ترویج پنهانی و دوم مال حرام سوم نعمت
ایمانی اگر نمیدانم که نمیدانم میماند و دلیل که بر سلطان و رئیس نزدیک شود و از ایشان مال یا بد یا محاسنی این سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر نمیدانم که محاسنی میگرد و دلیل که سخنهای محال گوید و سگ کند و روغ خورد و محاسنی در خواب هیچ فائده نبود بخیر این سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر نمیدانم که بخیر او را مطیع و رام شد و دلیل که همسر بزرگ شود و بعضی از معجزان گویند که سالار در وان شود و اگر نمیدانم که بخیر او را مطیع شد
یا ویش خلاف این بود و اگر نمیدانم که بصورت بخیر شد و دلیل که بدین شود و باطل گراید مغروری رحمة الله علیه گوید اگر نمیدانم که بخیر او را مطیع شد
گرفت و دلیل که بعد بخیر او را از مردی بیابانی بگو و حقیقت نایده رسد و اگر نمیدانم که گشت بخیر میخورد و دلیل که از مال مردی بیابانی غریبه
و اگر نمیدانم که در میان بخیران میقیم شد و از آن بخیران او را کند و رسید و دلیل که در میان که در بی بیای مقام سازد و از ایشان خیر و منفعت او را
رسد و اگر خلاف این نمیدانم و دلیل که او را کند و منفعت نرسد و اگر نمیدانم که بخیران با وی سخن گفتند و او را مطیع شدند اگر از اهل علم و فضل بود
و دلیل که پیش پادشاه مقرب گردد و مال یا بد و اگر جاهل بود و دلیل که کار نمیکند و در از آن کار حجاب آید بخیر و این سیرین رحمة الله علیه گوید
نخود در خواب خواه تر و خواه خشک دلیل بر غم و اندوه بود و اگر کسی بخت نمیدانم که نخود از کسی بسته و بخورد و دلیل که بسبب کسی بد و غم
و اندوه رسد و اگر نمیدانم که نخود کسی داد و او آنکس بسته و بخورد و تا ویش خلاف این بود و اگر نمیدانم که نخود بخورد و داشت و دلیل که در غم و
گرفتار شود و اگر نمیدانم که نخود بشوید یا بپوشد و دلیل که غم داند و پیش کمتر بود و نیز و با خشن این سیرین رحمة الله علیه گوید
که در نزد با خشن در خواب باطل و فریب دنیا بود و اگر کسی بخت نمیدانم که نزدی بخت و بجهت غلبه کرد و دلیل که بسبب کاری
باطل و فریب دنیا بر کسی غلبه کند و اگر نمیدانم که آنکس بروی غالب آید تا ویش خلاف این بود و نیز و با آن این سیرین رحمة الله علیه گوید
علیه گوید اگر کسی بخت نمیدانم که برزد و با آن بالا میشت و آن نزدی از گل خشت بود و دلیل بر خیر و صلاح بود و درین وی زیادت
و نیکویی بد و رسد و اگر نزدی با آن از سنگ و آبگت بود و دلیل که سنگدل و بی رحم بود و اگر از چوب بود و دلیل بر ضعف دین او بود
و اگر نمیدانم که برزد و با آن بالا شد از آگت باشد و دلیل که پادشاه شود و اگر از آگت نباشد و دلیل که خیر و منفعت یا بد و اگر
که از نزدی با آن بریزد و تا ویش خلاف این بود و مغروری رحمة الله علیه گوید اگر نمیدانم که از نزدی با آن بریزد و دلیل که از جاه و دنیا بیگانه

نیت
خبر

نیت

نیت

نیت

بدورسد و اگر میند که نعل ستر داشت دلیل که از پادشاه منفعت یا بدو اگر میند که نعل خزان داشت دلیل که بقدر آن مال از بزرگان میگیرند
و اگر میند که نعلبندی میکرد چهار پایان خود را و دلیل که بسفر رود و نعلبندی کنی بود که میان مردم دوستی جوید نعلبندی این سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب میند که نعلبندی شکست دلیل که روزگاری در سفر بازماند و اگر میند که نعلبندی او سوراخ داشت
و دلیل که بسبب کاری از سفر بازماند و پنج کشته و اگر میند که نعلبندی او بسفر بود و دلیل که سفرش از برای آخرت باشد و اگر میند که نعلبندی او
بودن بسبب از سفر بازماند و دلیل که کیشری یا به سفر بی رحمة الله علیه گوید اگر میند که نعلبندی او سیاه بود و دلیل که از زن مالدار باشد و اگر
سرخ بود زن معاشش در دو طرف دوست دارد و اگر میند که نعلبندی او سفید بود و دلیل که از زن پارسا و پاکیزه روی بود و اگر میند که
نعلبندی او لیون بود و این صفتی است که گفتیم از بهر یکی برخی در وی بود و اگر میند که نعلبندی او از پوست کاه و بند و پشت و دلیل که از زن
مصلح هم بود و اگر میند که بند نعلبندی او از پوست است و دلیل که از اهل عرب بود و اگر بوقت رفتن نعلبندی او بختیاد و ضایع شد
احتیاط کند و آن نعلبندی از پوست چرم بود و اگر از پوست است و دلیل که زلفش بهایش شود و نعلبندی او شست رحمة الله علیه گوید اگر میند که
نعلبندی او بدید بهین نایل دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نعلبندی در خواب برسته و جبهه بود یکی سفر دوم زن سودم کنیز و نفعی
بود و نعلبندی سیرین رحمة الله علیه گوید نفعی در خواب غم و اندوه بود اگر کسی بخواب میند که در زمین ملک و نفعی بود و دلیل که در غم و
و اندوه گرفتار شود و اگر میند که نفعی میخورد و دلیل که اندویش بیشتر بود و اگر میند که نفعی در زمین دیگران بود و دلیل که خداوندین
را غم و اندوه بود و اگر میند که نفعی از زمین خود بر کند و بیداشت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و نفعی این سیرین رحمة الله علیه
گوید نفعی در خواب زنی با کار بود اگر زنی بخواب میند که نفعی در خود مالید و دلیل که بازنی با کار جمعه شود و بعضی از متبحران گفته اند که
چیزی حرام خورد و اگر میند که نفعی بنیاد داشت دلیل که مال حرام جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید نفعی در خواب برسته و جبهه بود
یکی زن با کار دوم مرد غار خوان سیوم مال حرام نفرین این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب میند که بر ظالمی نفرین میکرد
و دلیل که بران ظالم نظر بدارد و اگر میند که او ظالم بود و مظلوم او را نفرین کرد و تا ویش بخلاف این بود که زنی رحمة الله علیه گوید اگر میند
که بنیاحق بیگناهی را نفرین میکرد و دلیل که بر کسی ظلم کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که مرد بر ابناء حق نفرین کرد و دلیل که کار او
بد شود و بعضی از متبحران گویند که نفرین بنیاحق در خواب بخدا و خواب باز کرد و اگر نفرین بحق کند تا ویش بر آگس باشد
که او را نفرین کند و مرد مصلح را زودتر از نیکو از منفعت و منفعت اگر نفرین بحق یا ناحق کند محض باز کرد و نفعی در خواب ظالم
و دانا و حکیم بود زیرا که اختیار کننده هر چه هست بهترین باشد این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که کسی دیدار مصلح و نفعی
شد و دلیل که از خود علوم دین و قرآن حاصل کند و اگر خواستگار و نیا بود و دلیل که از بهر خود شرف و بزرگی حاصل کند و آن را نفعی
کند مغربی رحمة الله علیه گوید نفعی در خواب مرد عاقل و متمیز بود و در میان چیزهای نیک و بد در میان مصلح و مفید و غیره
رضی الله عنه گوید نفعی در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد دانا دوم حکیم سوم خردمند چهارم دریا بنده کار نفعی در خواب
از ناکند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب میند که نفعی از کار خود فرار گرفت دلیل که از آن موضع و ولایت که او بود زنی را بر

نعلبندی

نعلبندی

نعلبندی

نعلبندی

نعلبندی

نعلبندی

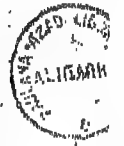
فراغت

برای رسیدن به در بر آید و اگر میند که فرضیه شام میگذازد و دلیل که با او عیال خود معامله کند و از آن شاد و خوشم گردد و اگر میند که سلام
 میگذازد و دلیل که بسفر رود و اگر از آن میند عیالین شود و اگر میند که بی و ضو نماز میگذازد و دلیل که بیمار شود و اگر میند که فرضیه شام
 میگذازد و دلیل که این شود و بر دشمن ظفر بدو اگر میند که در باغ نماز میگذازد و دلیل که از کلاه توبه کند و اگر میند که در کشتیها نماز
 و دلیل که وارش گذارد و شود و اگر میند که بجای نمازی بنشیند و نماز گذارد و دلیل که مفسد و بد کردار باشد و اگر میند که نماز کرد و روی
 بصیرت اندازد و دلیل که زیارت تربت مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بکند و اگر میند که در کعبه نماز گذارد و دلیل که کاشف غلبه
 نظام شود چنانکه خاطر وی خواهد و اگر میند که بعد از نماز سجده کرد و دلیل که بر روی بزرگوار محترم ظفر یابد و بر وی مسلط شود
 و اگر میند که بجز خدا تعالی کسی را سجده نکرد و دلیل که مرادش حاصل شود و اگر میند که بر سر دیواری سجده میکرد و دلیل که با و از
 بزرگان رنج و خواری رسد و اگر میند که نماز میگذازد و پنجین سجده و دلیل که با عیال خود نزدیکی کند و اگر میند که در نماز سجدهات
 انشسته بود و دلیل که از غم فرج یابد و حاجتش روا گردد و اگر میند که سلام نماز اول بدست چپ داد و دلیل که احوالش شورید شود
 و اگر میند که نماز نشسته میگذازد و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی گویند عذری گویند که از وی سپیدرند و اگر میند که نماز خود را دعا کرد
 و دلیل که در فرزند آید و تعلق نماند و یا نه ندانم اخفیا اگر میند که در تاریکی نماز گذارد و دلیل که از غم فرج یابد و اگر میند که نماز
 شب میگذازد و دلیل که از همه ترسها این کرد و نعمت و بزرگی و فرمانروائی یابد و اگر میند که نماز بر پلوی میگذازد و دلیل که سوار
 و اگر میند که نماز میگذارد و دلیل که در سفر رود و روزی حلال یابد و اگر میند که در بیت المقدس نماز میگذازد و دلیل که میراث یابد و روزی
 بر وی فراخ گردد و اگر میند که در کعبه نماز میگذازد و یا در بام کعبه دلیل که روی یکصد و دو رو عاقبت کاشن بخیر گردد و حافظ معتبر رحمة الله
 گویند نماز گذاردن در خواب بر سه وجه بود یکی فرضیه دوم سبک تطوع و اگر میند که نماز فرضیه میگذازد و دلیل که حق سبحانه و تعالی اجل و علا
 و راجح روزی گرداند و از فرحش بشارت دهد و قوله تعالی ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر و اگر میند که نماز نیت میگذازد و
 دلیل بر صبر کردن کار او شکار شدن نام نیکو و شفقت بر خلق بود و اگر میند که نماز تطوع میگذازد و دلیل بر کرامی و شرف عیال
 و سعی کردن در کارهای دویستان و مروت کردن با هر کسی بود و اگر میند که بر سه نماز میگذازد و دلیل که او را همه عظیم رسد و اگر میند
 که در کارخانه یا دو کانی نماز میگذازد و دلیل که حق تعالی او را کار و کسب برکت کند و اگر میند که نماز نیت گذارد و دلیل که کار وی صیغ گردد و خانه
 اصفهانی رخ گوید که روح و سجود در خواب بحضرت بار تعالی خود جل نیت تقرب بود و قوله تعالی کلا لا تقطعه و انشج و اقرب
 و معتبران گفته اند اگر میند که نماز رکوع کرد و دلیل که زکوة مال نهد و اگر میند که نماز بجای آورد و دلیل که از رذایل و لغات عبادت بفرمان
 گرداند و دعای او مستجاب کند و بر وی رحمت کند و جعفر صادق عنی الله عنه گویند نماز گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی این
 و دوم شادی سوم خواب چهارم مرتب تخم رستگاری ششم مردافتن هفتم نقصان در رضا و بهره گوید که رکوع و سجود در خواب پنج
 بود یکی از افتن دوم دولت سوم نصرت چهارم ظفر یافتن پنجم امر حق تمام بجای آوردن قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا اذكروا حلالا
 و اعبدوا و اکرموا و افعلوا الخیرات کفکم تفلحون و اگر میند که بر مرده نماز گذارد و دلیل که او را دعا و شفا گوید و اگر میند که نماز

در خواب

بنا

سینه



سینه

سینه

سینه

نام گذار و مالیش بکلاف این بود نه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ندی سپید و پاکیزه داشت دلیل که مال حلال باشد و اگر بر سر
بیند و آن هیچ منفعت نباشد و اگر بیند که نه بسیار داشت دلیل که بقدر آن از کسب خود مال حاصل کند و اگر بیند که نه بسیار داشت دلیل
مال نفسا و نف کند که مافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر تن خود جامه از نمد سپید داشت دلیل که زنی توانگر خواهد بود یا شیرکی و شیر
مخرو و اگر بیند که نه در پیشتر بود دلیل که از پادشاه منفعت یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نه داشت و از وضعی باشد دلیل
که در مالش نقصان شود و در خواب مردی بود که بجلال که اید و از حرام بر نیز ناید نکات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نکات در خواب
درم نقد و کاری نیکو کردن بود و اگر کسی بخواب بیند که نکات سپید داشت دلیل که بقدر آن درم نقد حاصل کند که مافی رحمة الله علیه
بیند که نکات خور و دلیل که راه زاهد گیرد و کار خیر کند و نکات چرخین سیاه و دلیل جنگ و خصومت بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود
عنه گوید نکات در خواب بر سر و وجه بود یکی درم نقد و دوم آبروی سوم نیکویی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیکو و نکات خوش
در خواب بر چهار وجه بود یکی درم بی بهره دوم سخنهای ناخوش سوم غم و اندوه چهارم خورسندی نکات سوخته
سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که گوشت نکات سود فرمود و خورد و دلیل که نعمت و روزی بود و میراث یابد و اگر نکات
سود و لاغر بود دلیل که زیانی بد و رسد و هر چند که شود تر و لاغر تر بود دلیل مضرتش بیشتر بود و گوشت قدید خوردن در خواب
و دلیل بر غلبت کردن بود و مغربی رح گوید اگر بیند که گوشت قدید است لاغر بود و دلیل که از مردم یا پادشاه او از میان
و اگر گوشت شیر لاغر بود دلیل که از بهترین مضرت یابد و اگر نکات سود از گوشت چهار یا میان و شتی بخورد و لاغر بود دلیل که از مردم
بیابانی حضرت بیند فی الجمله در گوشت لاغر منفعت نباشد نهنگ ابن سیرین رح گوید نهنگ در خواب در باشد و ستمگار
و ستمگر نه بود و اگر کسی بخواب بیند که نهنگ او را سوی آب کشید و غرق شد و دلیل که در آب پلاک شود و اگر بیند که نهنگ او را
گرفت و دلیل که بقدر که زند او از دشمن حضرت رسد و رحمت بیند که مافی رح گوید اگر بیند که او را آب فرو برد و دلیل که با میان
پلاک کند و اگر بیند که نهنگ بر او غالب شد و مالیش بخلاف این بود و اگر بیند که گوشت یا پوست یا استخوان نهنگ
داشت دلیل که از دشمن حضرت یا بد مغربی رح گوید اگر بیند که نهنگ او را در آب کشید و دلیل که در دست دشمن شهید شود
نمودیدن ابن سیرین رح گوید هر چیز که نو باشد پسندیده بود و دلیل بر خیر و خرمی بود و کند و در حرف کاف میان که
نوحه کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که نوحه میکرد دلیل که آن موضع بد و مبارک نباشد
و مردمان بهتر از آن موضع متفرق شوند و اگر بیند که والی آن شهر مرد و مردم برو نوحه میکرد و دلیل که ایشان را از آن الی بیخ و ستم
رسد و بعضی از مجربان گویند که والی را خرمی باشد و اگر بیند که نوحه میکرد و فغان میداشت دلیل که بر ایشان بیاد و ستم کند و از بین
وی نمکین و ستمند شوند که مافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نوحه میکرد و فغان میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود
و از بد مضرتش رسد و اگر بیند که میکشید و آبسته نوحه میکرد و دلیل خرم و شادی بود و اگر بیند که بازمان مردمان بسیار بود
و نوحه را و از میکشید و دلیل که بسبب پادشاه و آن موضع غم و اندوه رسد و ایشان سیرین رحمة الله علیه گوید

در خواب غم و اندوه بود و گویید نشاء در داشت دلیل که غمگین گردید و اگر بیند که نشاء در میورد دلیل که غم و اندوه صبر بود و نیز و مسند این سیر
 گوید اگر کسی خواب ببیند که نیر و مسند تر از آن شد که در بیداری بود دلیل بر نیکی فی احوال او در دنیا و آخرت بود اگر مسلح بود و اگر مفلسه ببیند
 تا و پیش بخلاف این باشد نیزه این سیرین که گوید اگر کسی خواب ببیند که نیزه و سلاح دیگر داشت دلیل بر بزرگی و کامرانی یا بد چنانکه در
 ولایتها و مانش را و اگر در خواب ببیند که بغیر نیزه هیچ سلاحی نداشت دلیل که در آخرت بی یاری آید و اگر بیند که نیزه شکست و دلیل که در آخرت
 یار او دشمن میرد و اگر بیند که نیزه او کسی برود دلیل که کار وی دشوار گردد و اگر بیند که کسی او را نیزه زد و زخمی کرد و دلیل که غیبت مردم گوید نیزه
 در خواب دلیل قوت و خطر یافتن بر مردم بود و اگر بیند که سر نیزه در دست و پشت و دلیل که او با مردمی غریب نیکی و صحبت افتد و از وی
 خیر منفعت یا بد حفر صاوق منی الله علیه که بد نیزه در خواب بر پشت و جبهه بود یکی قوت دوم سفر سوم ولایت چهارم زن تخم فرزندان
 این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که می نشست یا کسی بوی می نشست دلیل که دانشش بایمزد و اگر بیند که چیزی می نشست
 بر سر و فساد بود و اگر بیند که از قرآن و احادیث و توحید و دعوات می نشست دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر چیزی را از خود و غزل می نشست دلیل
 بر شر و بد و غیش که این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که نیشکر سیاه و دلیل که کاری مشغول گردد که در آن کار و بر او بحد رسیدن گفتگوی
 و خصوصت باشد و اگر بیند که نیشکر کبکی داد و دلیل که از گفتگوی خلاصی یابد و نیکی کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید کسی که در خواب
 و بزرگاری در دین بود و بدان قدر که نیکی کند زشتکاری یا بد از عذاب آخرت خاصه که مؤمن و پارسا بود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر
 بیند که با او فردی نیکی کرد و او خواب داشت دلیل که در همه کارها ناسپاس بود و قله تعالی و لا تقسوا الفضل بینکم ان الله بما
 تعملون بصیر اگر بیند که نیکی با او شرکت کرد و دلیل که مال خود تصرف دهد بر کسی آنکه حاجت یار خود و جهانی حاصل کرد و دلیل این سیرین
 گوید دیدن نیل در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که نیل حاشی داشت دلیل که بعد از آن او را غم و اندوه بود و اگر بیند که نیل کسی را در پای از وی تعلق
 شد و دلیل که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که جامه خود را نیل تنگ کرده بود و دلیل که او را غم و اندوه رسد و دلیل بر مصیبت از سبب
 خویشان و دوستان بود و اگر بیند که نیل میوز و دلیل که درد یا آفتی بوی رسد نیل و این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند
 بجای خود بوقت خود بر درخت ببیند و دلیل که از کسی چیزی بپرسد یا او را فرزندی صالح آید و چون از درخت جدا بود دلیل غم و اندوه بود
 که آنی راجع گوید اگر زنی ببیند که نیل و از درخت شکست و بخلام داد و دلیل که غلامش بگریزد و اگر بیند که دوستی داشته نیل و فرد و او دلیل که میان
 ایشان جدائی افتد و انیال علیه السلام گوید درخت نیل و در خواب دلیل بر کثرتی بود که از وی و از زبان رسد حرف الو او و آتش
 این سیرین رحمه الله علیه گوید چون و آتش بر مطیع و فرمان بردار خود ببیند چنانکه از دست برود و با نکت کند و از آید دلیل بر مال حلال بود
 و ثمرات خداوندش بود و اگر بیند که آتش سپید و پاکیزه بود که بر دستش نشسته بود و مطیع او بود دلیل که از مردی بزرگ قدر و جاد و بزرگ
 یار و اگر بیند که آتش سپید و در دست وی ماند و دلیل که قدر و منزلتش بایل گردد و مغربی راجع گوید و آتش در خواب پادشاهان را ملک
 و بزرگاری بود و تو انکه از مال باشد و در فویشا از فرزندان بود و اگر بیند که آتش از دستش بیفتد و بر او اگر صاحب خواب پادشاه بود و دلیل که

در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که نشاء در میورد دلیل که غم و اندوه صبر بود و نیز و مسند این سیر
 گوید اگر کسی خواب ببیند که نیر و مسند تر از آن شد که در بیداری بود دلیل بر نیکی فی احوال او در دنیا و آخرت بود اگر مسلح بود و اگر مفلسه ببیند
 تا و پیش بخلاف این باشد نیزه این سیرین که گوید اگر کسی خواب ببیند که نیزه و سلاح دیگر داشت دلیل بر بزرگی و کامرانی یا بد چنانکه در
 ولایتها و مانش را و اگر در خواب ببیند که بغیر نیزه هیچ سلاحی نداشت دلیل که در آخرت بی یاری آید و اگر بیند که نیزه شکست و دلیل که در آخرت
 یار او دشمن میرد و اگر بیند که نیزه او کسی برود دلیل که کار وی دشوار گردد و اگر بیند که کسی او را نیزه زد و زخمی کرد و دلیل که غیبت مردم گوید نیزه
 در خواب دلیل قوت و خطر یافتن بر مردم بود و اگر بیند که سر نیزه در دست و پشت و دلیل که او با مردمی غریب نیکی و صحبت افتد و از وی
 خیر منفعت یا بد حفر صاوق منی الله علیه که بد نیزه در خواب بر پشت و جبهه بود یکی قوت دوم سفر سوم ولایت چهارم زن تخم فرزندان
 این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که می نشست یا کسی بوی می نشست دلیل که دانشش بایمزد و اگر بیند که چیزی می نشست
 بر سر و فساد بود و اگر بیند که از قرآن و احادیث و توحید و دعوات می نشست دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر چیزی را از خود و غزل می نشست دلیل
 بر شر و بد و غیش که این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که نیشکر سیاه و دلیل که کاری مشغول گردد که در آن کار و بر او بحد رسیدن گفتگوی
 و خصوصت باشد و اگر بیند که نیشکر کبکی داد و دلیل که از گفتگوی خلاصی یابد و نیکی کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید کسی که در خواب
 و بزرگاری در دین بود و بدان قدر که نیکی کند زشتکاری یا بد از عذاب آخرت خاصه که مؤمن و پارسا بود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر
 بیند که با او فردی نیکی کرد و او خواب داشت دلیل که در همه کارها ناسپاس بود و قله تعالی و لا تقسوا الفضل بینکم ان الله بما
 تعملون بصیر اگر بیند که نیکی با او شرکت کرد و دلیل که مال خود تصرف دهد بر کسی آنکه حاجت یار خود و جهانی حاصل کرد و دلیل این سیرین
 گوید دیدن نیل در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که نیل حاشی داشت دلیل که بعد از آن او را غم و اندوه بود و اگر بیند که نیل کسی را در پای از وی تعلق
 شد و دلیل که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که جامه خود را نیل تنگ کرده بود و دلیل که او را غم و اندوه رسد و دلیل بر مصیبت از سبب
 خویشان و دوستان بود و اگر بیند که نیل میوز و دلیل که درد یا آفتی بوی رسد نیل و این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند
 بجای خود بوقت خود بر درخت ببیند و دلیل که از کسی چیزی بپرسد یا او را فرزندی صالح آید و چون از درخت جدا بود دلیل غم و اندوه بود
 که آنی راجع گوید اگر زنی ببیند که نیل و از درخت شکست و بخلام داد و دلیل که غلامش بگریزد و اگر بیند که دوستی داشته نیل و فرد و او دلیل که میان
 ایشان جدائی افتد و انیال علیه السلام گوید درخت نیل و در خواب دلیل بر کثرتی بود که از وی و از زبان رسد حرف الو او و آتش
 این سیرین رحمه الله علیه گوید چون و آتش بر مطیع و فرمان بردار خود ببیند چنانکه از دست برود و با نکت کند و از آید دلیل بر مال حلال بود
 و ثمرات خداوندش بود و اگر بیند که آتش سپید و پاکیزه بود که بر دستش نشسته بود و مطیع او بود دلیل که از مردی بزرگ قدر و جاد و بزرگ
 یار و اگر بیند که آتش سپید و در دست وی ماند و دلیل که قدر و منزلتش بایل گردد و مغربی راجع گوید و آتش در خواب پادشاهان را ملک
 و بزرگاری بود و تو انکه از مال باشد و در فویشا از فرزندان بود و اگر بیند که آتش از دستش بیفتد و بر او اگر صاحب خواب پادشاه بود و دلیل که

ملک بخت و اگر امیر بود یا سردار بود و دلیل که از جاه و منزلت میفتد و اگر تو اگر میند و ویش کرد و اگر ویش میند و نزدش میر و ویش
گفته اند که داشته مردی میفرم بود و اگر میند که گوشت داشته میوز و دلیل که بقدر آن مال دشمن خود و اگر میند که داشته بسیار در جانی جمع شد
و دلیل که عیاران در آن موضع هستند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن داشته در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرمان و
سوم مال چهارم منفعت و الی کار داری و فرمان روائی بود و اگر میند که کار داری از تخت بخت یا تخت او بشکست یا کسی از وی
بشمشیر بکشد یا سزای او خراب بکشد یا در دایمی گرفتار شد و کشته شد یا چهار پانی بسرازد و بخت یا کسی او را بکشد اینهمه دلیل بر آنکه از دشمن
و بزرگی نیست و مغرور گردد و این سیرین رح گوید اگر کار داری میند که دشمنش با و ساز کسی پیوست و دلیل که بزرگی و سیرت نیکو بروی
پایند و باز و اگر میند که بندی بر پای دوست دلیل که شرف بزرگی و از یاد تو گردد و مغرور گردد و کشته شد و اگر میند که کار داشته و در غفلت
مستغرق و دیندار بود و چنانکه مردم از وی خوشنود بودند و دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر بخلاف این میند دلیل بر شر و فساد و بود و خاصه
ببیند و خفسد و ناپارسا بود و خوش چهار پان دشتی باشد هر چند از ایشان نز بود و دلیل بر مردان کند و هر چند داده بود و دلیل
بر زمان بود این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که خوش صید میکرد یا کسی از خوش صید میداد و دلیل بر آن نعمت و غنیمت بود
و گوشت و پوست و همین دلیل بود که زمانی رح گوید اگر میند که خوش مطیع و فرمان بردار او شد چنانکه سیدنا عزرا علیه السلام بود و دلیل
که وی ایشان را بگذرد و مسلمانان را بخل بود و او را مطیع و فرمان بردار او شد و خاصه که میند که خواب ستور بود و برنج در حرف سین بیان کردیم
و روزه و بتوک نان هر دو در خواب انباشت میگردد بود و اگر میند که در روزه و بتوک نان کسی بوی واد دلیل که او را انباشت که بخت
جمله شود مغرور گردد و میند که در روزه داشت و دلیل که با کسی صحبت کند که او را راه حق ناید و از باطل دور کند و اگر میند که در روزه
او بشکست دلیل که از صحبت بچنین کسی جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن و روزه در خواب بر سه وجه بود یکی متفق و رکابا
و دوم انباشت که طلب کند در معیشت سوم کار و شکار که بروی آسان گردد و روزه این سیرین رح گوید اگر کسی خواب میند که بر دست
دشمن و روزه شده است دلیل که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند که زمانی رح گوید اگر میند که برده و میفرودخت چون غلام و کنیز که دلیل
او را خیر و منفعت رسد و اگر میند که در روز کاران بسته و بخت و دلیل که باشد مغرور گردد و کشته شد و علیه که بد اگر برده غلام بود که خرید و دلیل
بد باشد اگر فروخت و دلیل که نیک باشد و اگر غلامی فروخته بود باز خرید و دلیل که بر دشمن بخت یابد و اگر میند که در روزه داشت و از وی
بگریخت اگر غلام بود و دلیل نیک باشد و اگر کنیز بود و دلیل بد باشد و نقصان مال بود و برده فروش مردی بود که اختیار مردمان
و رسان جانوری بود که خر اسان آنرا بکوترا خوانند دیدن وی در خواب بزدن یا کنیز بود این سیرین رحمه الله علیه گوید که
کسی خواب میند که بکوترا گرفت یا کسی بویاد و دلیل که زن خواهد و اگر میند که و رسان بخیرد اگر از دست وی سپرد و دلیل که زن را
طلاق دهد یا کنیزک فروشد که زمانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که و رسان بکشت و گوشت او بخورد و دلیل که بقدر آن مال از
بستم بستاند و اگر میند که و رسان بسیار داشت و دلیل که کنیز بسیار بخرد و نیز قانوی خوانند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
قانوی در خواب دلیل بر سه وجه بود یکی منفعت دوم معیشت سوم غم و اندوه و روزه این سیرین رح گوید روزه در خواب مردی

راه دعا بود اگر کسی بجا بید که وزنی گرفت دلیل که با مردی بدین صفت مصاحب شود و اگر بید که با فرغ ببرد و دلیل که چنین
 مردی مصومت کند و اگر بید که فرغ بسیار در جائی جمعتند و فریاد میکردند و دلیل که در آن موضع عذاب خداست و فراسد مغربی
 گوید اگر بید که فرغ یکبشت و از گشت وی بخور و دلیل که مردی را در آتشی بگذارد و بگذرد آن مال او بستاند و خزینه کند و اگر بید که
 فرغ او را بگریزد و دلیل که از مردی را در بر این رخ رسد و اگر بید که فرغی را از آب گرفت و بر خشک گذاشت و دلیل که از کار
 باز دارد و مصرت رساند و زیر این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که وزیر پادشاه را کاری نیکو بود و دلیل که آن وزیر را
 نیکو شود و دو لشکر زیادت گردد و اگر بخلاف این بید تا ویش بدود و اگر کسی بید که وزیر شود و منصف و دادگر بود
 و دلیل که بعد از انصاف پیش شرف بزرگی یابد و اگر بید که وزیر سباط بکست و دلیل که جاه و لغت مال بروی فراخ گردد و خوش
 دراز بود و اگر بید که وزیر ویرا خلعت و کلاه داد و دلیل که مردم ویرا والی گردانند و اگر بید که وزیر در ساری او آمد و دلیل که او را
 بسبب پادشاه غم و اندوه رسد که مانی رخ گوید اگر بید که با وزیر طعام خورد و دلیل که از وی شرف بزرگی یابد و اگر بید که
 خانه وزیر افتاده بود یا بیمار بود یا پادشاه او را مغضوب کرده بود یا اسپ و را بیفکند یا کاه وی او را بپرون زند این همه دلیل
 بر غل می بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود یکی آنکه اگر بید که چشم و آفتاب است
 کشته بود دوم آنکه چون بید که چشم او در جبهه افتاد کشته بود سوم آنکه چون بید که پادشاه کمری بر میان او بست چهارم آنکه
 از چهار یاران رسول صلی الله علیه و سلم یکی تاجی بر سر او نهاد این همه دلیل بر یافتن وزارت کند و سسمه این سیرین رحمة
 علیه گوید و سسمه در خواب غم و اندوه بود و اگر بید که زمینی داشت و در آن زمین سسمه بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه بود و
 بید که زمینی داشت و در آن زمین سسمه بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بید که سسمه از زمین بر کند و
 بیداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بید که سسمه میخورد و دلیل که بسبب عیال در رنج و محنت افتد و اگر کسی بید
 که دشته و سسمه بدو داد و دلیل که میان ایشان خصومت افتد مغربی رخ گوید اگر بید که دشته و سسمه بدست عیال خود داد و دلیل
 که از نهنگ بگریزد و در دیدن و سسمه خیزد باشد و سسمه این سیرین رحمة الله علیه گوید و سسمه در خواب غم و اندوه بود و اگر
 که و سسمه بردارد و داشت دلیل که غم و اندوه زیادت گردد و اگر و سسمه بکسی داد و دلیل که از غم و اندوه خلاص شود مغربی رحمة
 علیه گوید اگر بید که چیزی بوشه و بوشانید و دلیل که کار پراننده او جمع شود و اگر بید که و سسمه میخیزد و دلیل که غیبت مردم بسیار
 گوید و ضحوی نماز این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که دست و روی بآب صافی بشت و دلیل که کاری جوید که تمام
 کار بسیار بد و مقصودش حاصل گردد و اگر بید که بآب پدید روی حی شست تا ویش بخلاف این بود که مانی رخ گوید اگر بید که
 روی خود را حی شست دلیل که از نهنگ بگریزد و یا ری خواهد و اگر بید که دست و روی شست دلیل که مرادش حاصل شود
 و دلیل این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بجا بید که وکیل پادشاه شد و در شغل خود منصف بود و دلیل که خیر قابل
 دنیا یابد و اگر وکیل قاضی بخد جمین بر ویل دارد و اگر در شغل و کالت منصف و دادگر نبود تا ویش بخلاف این بود مغربی

رحمة الله علیه گوید اگر وکیل بیند که منسوب است به اذن و دلیل که او را با مردی سخن لطیف گفته شود و اگر منسوب است که او را
 بیند دلیل که او را منسوب به نفع رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که بدو واری علت حرام بود و بدین او در خواب
 مالی بود که بوی رسد خاصه که در شن آید سفید بیند این سرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در قش واری بسیار شده بود
 دلیل که او را کاری زشت پیش آید و بعضی از متبحران ح گفته اند که او را معروف کرد و اند جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید واری در خواب در ویش را تو انگری و نعمت بود و تو انگر از ایستادن از کنه و اگر بیند که چنان شد که بهنگام
 افتاده بود و دلیل که کاری نیکو کند و باشد که فرزند یا برادرش از دنیا برود و ویرانی ابن سرین رحمة الله علیه گوید
 که ویرانی خانه و دوکان و آنچه بدین ماند دلیل که ای بود و درین و اگر بیند که ویرانه آبادان میکرد تا ویش بخلاف این بود
 که مانی رخ گوید اگر بیند که جایگاه آبادان خراب شد دلیل که اهل آنجا در بلا و مصیبت افتند و اگر بیند که ویرانه کهنه آبادان
 میکرد و دلیل بر صلاح کار خداوندش بوده بیند از گمراهی براه صلاح آید مغربی رح گوید اگر ویرانی از کردار خالق است
 و دلیل که بیند را نفع بود و اگر از کردار مخلوق است تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند
 که در سه یا مسجد ویران کرد و دلیل بر نقصان کاری باشد حرف اطباء ما و ابن سرین رحمة الله علیه گوید
 ما و ن و دسته هر دو شریک باشند که ایشان را از یکدیگر ناگزیر بود و چون هر دو بهم باشند کاری کنند و فایده رسانند
 و اگر از ایشان یکی بیند فایده نباشد و اگر بیند که در ما و ن چیزی میکوفت و آن چیز خوردنی بود و دلیل که بعد از صیبت
 آن او را بخت و سخی نفع رسد و اگر آنچه دار و بود و اگر داری امساک بود و دلیل بر زیادتی مال بود مغربی رحمة الله علیه
 گوید اگر آنچه در ما و ن میکوفت شیرین بود و دلیل که بخت و سخی فایده یابد و اگر تلخ بود و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر جوهر بود که
 ما و ن میکوفت و می سود و دلیل که بعد از آن منفعت بیند و عاقبت مال خود تلف بکند بسیار بدانکه که و زوره آفتاب
 بود ابن سرین رحمة الله علیه گوید بسیار در خواب سخن باطل کرد و داری می پرانده بود که در آن خیر و منفعت نباشد چنانکه حقیقت
 در کلام مجید فرموده است و جعلناه هباء منثورا جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بسیاری سخن در هوا پدید
 و دلیل که در انداز بسیار شوند اگر سیاه بود و دلیل بر مصیبت بود و اگر سفید بود و دلیل که هیچ غم نباشد چه بد این چنین
 علیه گوید که در خواب مردی زیرک و دانا بود که از کارشما فی مردم خبر دهد و اگر بیند که بد بگرفت یا کسی بود یا دلیل که
 دانا ترک بصیفت که گفتیم او را صحبت افتد و از وی فریفتگی میکند و اگر بیند که بد بگرفت دلیل که بر مردی دانا و بزرگ ظرفیاد و بروی قش
 و اگر بیند که گوشتی بخورد و دلیل که قدر آن مال از مردم غلش حاصل کند که تانی ح گوید که در خواب بدین صاحب خبر بود یا رسول نیک بود
 اگر بیند که بد بگرفت و دلیل که از آن خبر که جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین که در خواب بر چیا و جو بود و خبر خوشی بشنود
 و دوم بزرگی سوم بر دشمن نظر یافتن چهارم در کار که باشد زیرک و دانا باشد چنانکه حقیقت فرمود بدیم مغربی رح گوید اگر بیند که
 وادالآن بدیم چیزی نیکو باشد که لائق و پسندیده بود و بود و دلیل که هر دو بر منفعت بود و اگر چیزی نیکو نبود و دلیل که

[illegible]

5

26



و صلاح ایشان باشد زیرا که هر چه فرو تر بود و لیش از علم تغییر شمس قوی تر بود از جنبه گالی که زهره دارد و جعفر صادق صلی الله علیه و آله و سلم گوید درین روز
خواب تهدید باشد که بازگشت آن بنام و حاسد باز گردد و هر چه از این سیرین ج گوید هر چه تر خشک و خواب جنگ خصوصت و سخن چینی بود و اگر این
که هر چه در خانه خود آورد و دلیل بقدر سیرین او را در آن شهر و خانه جنگ خصوصت بود و اگر میند که کسی بپاک نه سیرین بد و بخشد و دلیل دیر با مردم
بقدر سیرین جنگ خصوصت افتد که تا می ج گوید اگر میند که از پیشه یا از صحرای هر که سیرین جمع میکرد و دلیل اینکس بد کرد و حاسد و سخن چینی بود و از
فرمانش و تود لقا حاکم الخطیب جیل ها جنگ قسید اگر میند که از دستان سیرین جمع میکرد و دلیل در میان محبتشان و بزرگان و از آنرا
گفته و سخنانی می آید و اگر میند که آن دستان سیرین از آن جمع میکرد و میوه وار بود و دلیل میان بزرگان بزرگ است بود و محبتش باشد فی
ویدن سیرین تر خشک خوب باشد جعفر صادق صلی الله علیه و آله و سلم گوید هر چه تر خشک و خواب سفاقی و سخن چینی باشد و سیرین تر و خواب جنگ خصوصت گفتگوی
و بهر حال سیرین و خواب بد باشد حرف الیاء یاره در خواب چینی بود و از جنس و است و بجز این سیرین ج گوید اگر مردی میند که یاره درین روز
و شت دلیل که هر چه بد و رسد و اگر یاره همین دشت و دلیل غم و اندوه بوی کمتر رسد و جمله بیرون زمان هر دوازده نیک باشد و از آن مردان زمان
و طوق گوشتواره و غیره که زینت پادشاهی باشد و از آن زمان بود و از آن اشو هر بقدر وقت که دیده باشد و شرح هر یکی از اینها و اول کتاب
بیان کردیم یا سیرین این سیرین ج گوید اگر میند که دوستی و سته یا سیرین بد و دلیل میان ایشان گفتگوی افتد و از هم جدا شوند و اگر فی غنیمت
از دشتی بچید و بشو و دلیل نشو و را اطلاق و اگر میند که پیمن بخلام داد و دلیل او بخلام گیر و زود و زینت سیون و از خانه بیرون آید و اگر بدتر می
و غله و حاسد باشد و اگر پیمن خوشبوی بود و دلیل آن با جو و دان بود یا فتن این سیرین ج گوید اگر کسی میند که چیزی یافت اگر خداوند خا پ
و صلاح بود و دلیل در بیداری چیزی بد و اگر صالح و خوشبخت بود و دلیل او غم و اندوه رسد که تا می ج گوید اگر خواب میند که چیزی یافت و بد و بخت
و این خیر و منفعت بود و ج عمره کند و اگر میند که چیزی یافت هر دو بخت بود و دلیل خیر و منفعت روزی حلال یافتن بود و شمار و دیگر بر پیمن
و اگر آنچه یافت از یک جنبه باشد تا دلین بد باشد یا فتنی بنا این سیرین ج گوید اگر کسی خواب میند که کوه کند و کان زیر بیافت و دلیل بقدر خود
ولا یت یابد و اگر میند که مصلح و پارسا بود و اهل دین که حقیقا او را علم و حکمت از زانی وار و اگر میند که کان سیم یافت و دلیل زنی از بزرگان از آن
که با جمال و مال بود و بعضی از خبران گویند که او را فرزندی مبارک می آید و اگر میند که کان سیم یافت و دلیل او را با همتری بد کرد و اگر چه صحبت
و اگر میند که کان زیر یافت و دلیل زنی خوروی برنی کند و اگر میند که کان سیم یافت و دلیل او را با همتری خوی صحبت افتد و از وی مال بد و اگر میند
که کان بود یافت و دلیل از پادشاه یا زن او منفعت شد و اگر میند که کان بر جود و یافت و دلیل صاحبان جاه گردد و اگر میند که کان یافت
یافت و دلیل که عرو و مالغن یا دت گردد و اگر میند که کان پیروزه یافت و دلیل بر شمس بخرساید و او را قدر کند و اگر میند که کان حقیق یافت و دلیل
از پادشاه نفع یابد و اگر میند که کان خیر یافت و دلیل با همتری گفتگوی کند و اگر میند که کان بعل یافت و دلیل جاه و شمت یابد و اگر میند که کان
نوشا و یافت و دلیل اندو گمین شود و اگر میند که کان نکست یافت و دلیل از بزرگ منفعت یابد و اگر میند که کان سره یا کان ان یافت و دلیل غم
بود و اگر میند که کان گلن ز بیافت و دلیل که سمار گردد و اگر میند که کان گل خفید یافت و دلیل با همتری او صحبت افتد یا قوت سیرین ج گوید اگر
میند که با قوت سرخ یا سبز یا کزیه و شت و دلیل زنی یا کثیر نیکو او را حاصل آید یا او را خری خوروی آید و اگر میند که توت و صیوان شت و دلیل کان

بزرگ

یوه

چین

نیت

بخت

کری

ض ۱۳۵۵۳
 CALL No. { ت ۳۵۳ } ACC. No. ۱۶۵۳
 AUTHOR _____
 TITLE کامل التبیان یعنی خواب نامہ
 No. ۱۶۵۳
 ت ۳۵۳



MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

